

# ممتاز الفتاوى

مسائل فقهي و شرعي معاصر

شيخ فضل الله ممتاز

## مشخصات کتاب

نام کتاب: ممتاز الفتاوی

(مسائل فقهی و شرعی معاصر)

مؤلف: شیخ فضل الله ممتاز

سال چاپ: ۱۳۹۷ هـ ش

نوبت چاپ: اول

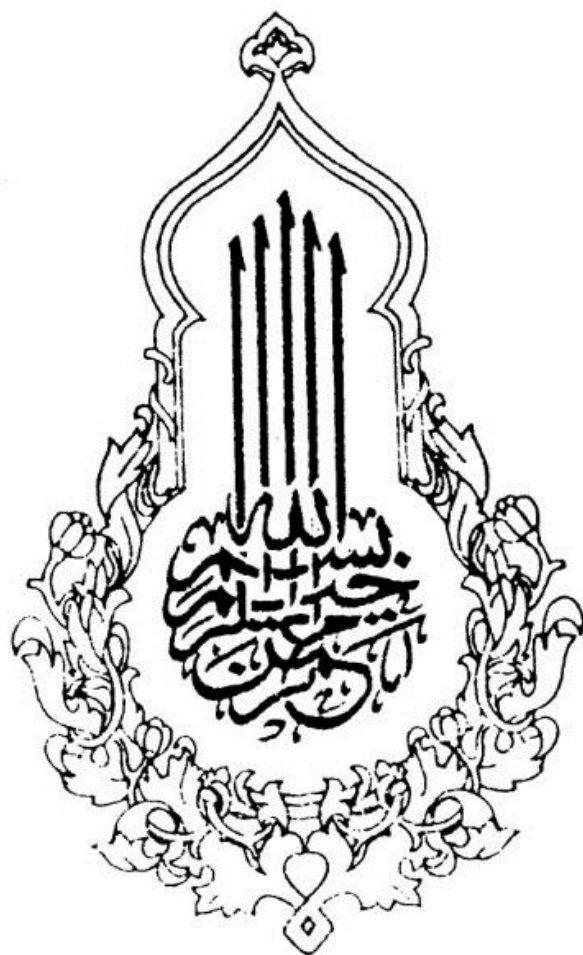
تعداد چاپ: ۱۰۰۰

حق چاپ برای مؤلف محفوظ است

افغانستان - کابل

ممتاز الفتاوى

جلد اول



## مقدمه

الحمد لله رب العالمين، الذي شرف أهل العلم ورفع منزلتهم على سائر الخلق، والصلاة والسلام على رسوله محمد، الذي لم يُورث ديناراً ولا درهماً، وإنما ورث العلم، فمن أخذه فقد أخذ حظاً وافراً، ومن حُرِّمه فهو المحروم، وعلى آله وأصحابه و من تبعهم بإحسان إلى يوم الدين.

أما بعد:

قبل از همه باید از اهمیت فقه ودانش دینی در زندگی مسلمان حرف بزنیم واین سوال را مطرح کنیم که فقه اسلامی، دانش و آگاهی دینی در زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان چی اهمیت دارد؟

جواب این سوال ضروری و حیاتی است مثلاً آیا متوجه کسی شده ای که اراده و قصد سفر را به یک شهر و یا کشور دیگر دارد، لیکن قبل از آغاز سفر کتاب رهنما را میگیرد و راجع به مکان و یا کشور مورد نظرش که قصد رفتن را به آنجا دارد، و برای اولین بار آنجا سفر میکند، کتاب رهنما را گرفته باشد و به زمین بماند، و از آن استفاده نکند، و سفرش را بدون داشتن رهنما و آگاهی لازم آغاز کند، چه فکر میکنید، که آیا در یافتن راه و تحقق اهداف سفر خود دچار مشکلات و سردرگمی نمی شود؟ جواب قطعاً این است که میشود.

وبه همین اندازه بلکه بیشتر و زیاد تر از آن انسان به رهنمود های الهی و منهج اسلامی احتیاج دارد، زیرا احکام و تعالیم اسلام رهنمای آسمانی است برای همه بشر الله متعال فرموده است: "قد جاءكم من الله نور وكتاب مبين، يهدي به الله من اتبع رضوانه سبل السلام، ويخرجكم من الظلمات الى النور باذنه ويهديهم الى صراط مستقيم".<sup>۱</sup>

از جانب الله متعال نور و روشنی و هدایت و رهنمایی و کتاب واضح و آشکارا برای شما فرستاده شده که توسط آن کسانی را هدایت به راه نیکی و راست می نماید که تعالیم آسمانی را قبول کرده و رضایت او تعالی را بدست آورده و برای خوشنودی اش عبادت و تلاش کرده، و اگر شما چنین کنید شما را از تاریکی جهل و شرک به روشنی و نور اسلام سوق میدهد و براه راست که همانا راه بهشت برین است میرساند.

یقیناً صحابه کرام و بعد از آنها علمای امت این دلیل ارشادی و رهنمای دینی را نشاندهی کردند، توضیح دادند و شرح نمودند، و این همه احکام و آداب و رهنمایی ها را از قرآن کریم و سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم استنباط نمودند، و در کتب نوشته و جمع آوری و تدوین نمودند، که امروز بنام فقه اسلامی شهرت دارد.

<sup>۱</sup> - سوره مائده: ۱۵-۱۶.

در این شکی نیست که فقه اسلامی نقش بارز و عمده و سازنده را در زندگی هر فرد مسلمان دارد، چه در جنبه های شخصی و فردی باشد، و یا گروهی و اجتماعی، و از طریق همین فقه اسلامی حلال و حرام را می فهمد، از حرام خوری پرهیز میکند، و به حلال التزام میداشته باشد و در همه امور اجتماعی و یا شخصی خود رهنمودهای الهی را مراعات می نماید، و قتیکه فرد مسلمان امور دین خود را به درستی بفهمد، واجبات خود بداند و به آن عمل کند، و از حقوق خود دفاع نماید همه اعمالش را مطابق شریعت الله متعال انجام می دهد، و از مخالفت امر و فرامین او تعالی اجتناب می ورزد، و به زندگی حاضر دنیایی خود خوش و راضی میباشد، و به آخرت خود هم مطمئن میباشد، به این دلیل رسول الله صلی الله علیه و سلم فرموده است: "من یرد الله به خیرا یفقه فی الدین"، به هر که الله متعال اراده خیر کرده باشد، وی را عالم دین می گرداند و دانش دینی نصیب می فرماید.

جامعه اسلامی ما نیازمند انسانهای آگاه از شریعت است، در بسیاری از تحقیقات و احصائیه ها تاکید شده که دین داران هوشیار و فهمیده و با علم و دانش خوشبخت ترین مردم اند، کم ترین ترس و اضطراب دارند، و از همه جنایات و جرائم و مخالفت های اخلاقی مشاکل انفرادی و اجتماعی پاک اند.

هیچ کسی گمان ندارد که فهم دین تنها در امور طهارت و نماز و روزه و عبادات منحصر است بلکه بعض مسائل فقه در دین مؤکدتر

است و دانستنش بر فرد مسلمان واجب است نظر به کسب و کاری که میکند، و یا نشاط و فعالیت های که انجام می دهد، و یا مسئولیت های را که بدوش گرفته است، مثلاً یک تاجر باید حلال و حرام را در تجارت و بزنس بفهمد که در حرام واقع نشود، و یک طبیب و داکتر طب از اخلاقیات و آداب و وظیفه طبی خود آگاهی دینی کامل داشته باشد که نه خودش متضرر و نه هم کسی را متضرر بسازد.

یک مامور دفتر باید واجبات خود در برابر مراجعین و هموطنان در روشنی دین مبین اسلام بفهمد، و به آن عمل کند، اگر نداند و نه فهمد که چگونه عمل کند، در این حالت در ظلم و حق تلفی واقع میشود... و اگر اخلاقیات و آداب و وظیفه اش را بدرستی بداند یقیناً مصدر خدمت میشود و آن مصداق حدیث رسول الله صلی الله علیه و سلم است که فرموده است: "من كان في حاجة أخيه كان الله في حاجته"، هر که در حل مشکل برادر مسلمان خود و مردم بکوشد، الله متعال مشکلات خود این فرد را حل میکند، و بر طرف می سازد.

مثلاً داکتر طب باید در وظیفه تداوی مریضان مخلص و ناصح امین باشد، و اسرار مریض را امانت بداند و افشاء نکند، و شاگرد و محصل باید آداب و احکام آموختن علم را بداند و با استاد و مربی خود برخورد و معامله نیک داشته باشد، همچنان با همصنفی های خود خوش برخورد و نیکو کار و متعاون درخیر باشد، پیامبر اسلام محمد رسول الله صلی الله علیه و سلم می فرماید: "تعلموا العلم



وتعلموا للعلم السکينة والوقار، وتواضعوا لمن تتعلمون منه"، علم را بیاموزید، و آداب آن را یاد بگیرید که عبارت از با وقار بودن، و متواضع بودن در برابر کسانی که از آنها علم می آموزید.

اگر هر مسلمان از دین آگاه و باخبر شود و موافق شریعت الهی رفتار کند، حق خالق خود را بفهمد و به آن عمل کند و حق مردم بداند و مراعات نماید، در این حالت بدون شک همه در خوشی و سعادت زندگی میکنند در غیر آن اگر هر کس از حق الله روگردان شود و در حق مردم تجاوز کند، همه پریشان بوده و زندگی جنجالی و پرمشقت می داشته باشند، الله متعال می فرماید: "ومن أعرض عن ذکری فإن له معیشة ضنکا ونحشره یوم القیامة أعمی، قال رب لم حشرتني أعمی وقد کنت بصیرا، قال كذلك أتک آیاتی فسیتها وكذلك الیوم تنسی".<sup>۱</sup>

هر کسی که از ذکر الله روگردان شود، زندگی سخت و پر مشقتی نصیبش میگردد، و در روز قیامت نا بینا زنده می شود، می پرسد که، یا الله من خو دردنیا بینا بودم چرا نابینا خلقم کردی؟ الله متعال می فرماید که برای تو رهنمای فرستادم و تو از آن روگردانیدی، و امروز ترا فراموش میکنم.

لله الحمد فقه اسلامی شامل مجالات مختلف شؤون زندگی فردی و اجتماعی است مثلا نظام عقوبات و جزا، حافظ امنیت

<sup>۱</sup> - سوره طه: ۱۲۶.

عمومی درمجتمع است، وضامن رعایت و پاسداری حقوق همه افراد مجتمع میباشد، ودست متجاوز وظالم را کوتاه میکند، ومانع شر وفساد می گردد نیز در فقه شیوه معامله وصحبت ومناقشه ومجادله بیان شده، که یک فرد مسلمان چگونه برخورد و رفتار داشته باشد، وآنرا عملی کند، واز اینکه در مشکلات بیفتد جلو گیری کند.

همچنان در فقه اساسیات وقواعد اداره بیان شده است که حاکم وقاضی وعضو پارلمان وسیاستمدار چگونه رفتار داشته باشند با افراد جامعه وچگونه حکم شریعت را بالای همه یکسان تطبیق کنند، بدون تبعیض این چنین یک مسلمان به فقه معلوماتی ورهنمایی احتیاج دارد تا زندگی دنیوی واخروی خود را مطابق آن تنظیم کند که هم کامیاب دنیا باشد وهم درآخرت واین ورهنمایی موجود است وبدسترس همه است درصورتیکه بخواهد که احکام حلال وحرام را بداند وبه مصادر ومؤلفات علماء وفقهاء مراجعه نماید، واز اهل علم ومعرفت ودانشمندان دین سوال کند، خصوصا از عالمیکه متصف به حسن سیرت وتقوی وعلم وعمل باشد بپرسد.

الله متعال در قرآن کریم می فرماید: "فَأَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ"<sup>۱</sup>.

از علماء سوال کنید و بپرسید احکام دین خود را اگر نمی دانید.

الله متعال علم نافع و عمل صالح نصیب مان کند و این فتاوی و نوشته های دینی را قبول بدارد و ما را شرف دوام و استمراریت در این راستا ببخشد.

---

<sup>۱</sup> - سوره نحل: ۴۳.



# کتاب عقیدہ

## فایده توحید

یکی از خواهران هموطن از شهر کابل سوال نموده:

کسی که موحد باشد چی فایده میرسد برایش در دنیا و آخرت و فرق انسان موحد با اشخاص و افراد غرق در خرافات و شرکیات چیست و خداوند تعالی برای مؤمن موحد چی وعده داده است؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

فایده توحید و یگانه پرستی الله متعال و آلوده و آغشته نشدن در خرافات و شرکیات برای مسلمان این است که توفیق و هدایت در دنیا و در امن و امان بودن از عذاب دوزخ و جهنم در آخرت نصیب حالش میشود، الله تبارک و تعالی در قرآن کریم این وعده قطعی را داده است و می فرماید: "الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَٰئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ"<sup>۱</sup>.

آنانیکه به الله متعال ایمان آوردند و ایمان خود را به بشرک آلوده نکرده اند ایمنی برای آنهاست و آنها بحقیقت هدایت یافته اند.

و پیامبر اسلام محمد رسول الله صلی الله علیه و سلم در حدیث صحیح متفق علیه این مطلب را تأکید نموده و فرموده است: "حق

<sup>۱</sup> - سوره انعام: ۸۲.

العباد على الله أن لا يعذب من لا يشرك به شيئاً<sup>۱</sup>، حق بندگان بر خداوند این است که: هر کس به او شرک نیاورد او را عذاب نمی دهد.

پس بر هر مسلمان فرض است که موحد باشد به این معنی که به ربوبیت الله متعال که خالق همه مخلوقات و مدبر همه جهان است و به الوهیت او تعالی که تنها مستحق عبادت است ایمان داشته باشد و به اسماء و صفات او تعالی قسمی ایمان داشته باشد که در آیات قرآن کریم و احادیث صحیح رسول الله صلی الله علیه وسلم ثابت است، نیز مسلمان موحد دارای صفات ذیل میباشد:

۱- به جز الله متعال کسی را و مخلوقی را عبادت نکند.

۲- در عبادت الله متعال کسی را شریک نمی سازد نه زنده ها را و نه هم مرده ها را.

۳- به قضاء و قدر ایمان کامل داشته باشد.

۴- دعایش مخصوص الله متعال باشد نه بشر و مخلوق زنده و مرده.

۱ - أخرجه البخاري في صحيحه، كتاب الجهاد والسير، باب اسم الفرس والحمار، شماره حدیث:

(۲۸۵۶)، (ج ۴، ص ۲۹).

۵- نذر و قربانی و همه عبادات مالی اش خاص برای الله متعال باشد.

۶- حاجات خود را از الله متعال بخواهد و به تعویذ، زیارتگاهها، جادو، فال و کف شناسی رو نیاورد.

۷- بین خود و الله متعال کسی را واسطه قرار ندهد نه قبر را و نه پیر و مجاور و متولی زیارت را.

۸- قسم و سوگند جز به الله متعال یاد نکند مثلاً به کعبه و به مخلوق قسم نکند.

۹- به رهنمودهای قرآنی و نبوی در زندگی خود عمل کند.

۱۰- از شرکيات و انحرافات عقیدوی و فکری و سلوکی و سیاسی دور باشد و هیچ تصورات شرکی نداشته باشد، البته شرک آوردن تنها در بخشهای عبادت نیست بلکه بر مسلمان موحّد واجب است که حاکمیت مطلق الله متعال را در همه بخشهای زندگی قبول کند و عملاً تطبیق نماید.



مسلمان موحد که با الله باشد یقینا او تعالی این بنده خود را یاری می نماید، او تعالی فرموده است: "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ" <sup>۱</sup>.

ای اهل ایمان وتوحید شما اگر او تعالی را یاری کنید خداوند تبارک وتعالی هم شما را در همه جا یاری میکند وثابت قدم میگرداند، ورسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح فرموده است: "لَا تَزَالُ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي مَنْصُورِينَ لَا يَضُرُّهُمْ مَنْ خَذَلَهُمْ حَتَّى تَقُومَ السَّاعَةُ" <sup>۲</sup>.

همچنان طائفه وگروهی از امت من پیروزند تا اینکه قیامت برپاشود واینکه یاری ونصرت او تعالی را با خود دارند کسی به آنها ضرر رسانیده نمی تواند.

ایمان نزد اهل سنت وجماعت در اثر طاعت وعبادت زیاد وقوی می شود وهنگام گناه ومعصیت کم وناقص میگردد.



<sup>۱</sup> - سوره محمد: ۷.

<sup>۲</sup> - أخرجه الترمذي في سننه، أبواب الفتن عن رسول الله صلى الله عليه وسلم، باب ما جاء في الشام، شماره حدیث: (۲۱۹۲)، (ج ۴، ص ۴۸۵).

## فایده توحید و یکتا پرستی الله متعال برای مسلمان چیست؟

یکی از علاقمندان مسائل دینی از ولایت پروان سوال نموده:

فایده توحید و یکتا پرستی الله متعال و موحد بودن برای مسلمان چیست؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

فایده توحید و یکتا پرستی الله متعال و موحد بودن برای مسلمان این است که توفیق و هدایت در دنیا نصیبش میشود و ایمانش قوی میباشد و در آخرت از عذاب جهنم و آتش دوزخ در امان میماند، الله متعال در قرآن کریم برای موحدین چنین وعده داده: "الذین آمنوا ولم یلبسوا ایمانهم بظلم أولئک لهم الأمن وهم مهتدون"<sup>۱</sup>.

آنانی که به الله متعال ایمان آورده و ایمان خود را به شرک آلوده نکرده اند ایمنی برای آنهاست و آنها در حقیقت از آسمان هدایت یافته اند.

<sup>۱</sup> - سوره انعام: ۸۲.

رسول الله صلى الله عليه وسلم در حدیث صحیح فرموده است:  
 "حق العباد على الله أن لا يعذب من لا يشرك به شيئاً" <sup>۱</sup>.

حق بندگان بر الله متعال این است که هر کس به او شرک  
 نیاورد او را عذاب ندهد.



### تعریف و مفهوم ایمان

یکی از برادران دینی ما از ولایت قندز چنین سوال نموده :

استاد محترم سوالم در مورد تعریف ایمان هست، که آیا عمل  
 به جوارح و اعمال بدنی جز ایمان است یا نه، آیا ایمان کم و زیاد  
 میشود؟ خواهشمندم مفصلاً جواب دهید چون خیلی سخن های  
 در این مورد شنیدم که کاملاً ذهنم را مشوش کرده.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

ایمان نزد اهل سنت: اقرار بربان، تصدیق بقلب و عمل بجوارح  
 است، در اثر طاعت و عبادت زیاد می شود هنگام گناه و معصیت کم  
 میگردد.

<sup>۱</sup> - أخرجه البخاري في صحيحه، كتاب الجهاد والسير، باب اسم الفرس والحمار، شماره حدیث:

(۲۸۵۶)، (ج ۴، ص ۲۹).

بعض علماء بعوض زیادت ونقصان و کمی ایمان نوشته اند که، ایمان در اثر طاعت قوی می شود و در اثر معصیت ضعیف، این اختلاف در تعریف ایمان لفظی است.

دلیل اینکه ایمان زیاد و کم می شود این است:

الله متعال در قرآن کریم فرموده است: "فَزَادَهُمْ إِيمَانًا"<sup>۱</sup>.

ایمان آنها را زیادت بخشید، و نیز فرموده است: "وَيَزِدَادَ الَّذِينَ آمَنُوا إِيمَانًا"<sup>۲</sup>.

کسانیکه ایمان آوردند ایمان شان بیشتر می شود، و همچنان فرموده است: "وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا"<sup>۳</sup>.

هنگامیکه آیات او تعالی برای آنها تلاوت شود ایمان شان زیاد میگردد در اثر تدبیر.

همین تفسیر صحابه رضی الله عنهم است، و در این امر علمای امت اتفاق دارند.

<sup>۱</sup> - سوره آل عمران: ۱۷۳.

<sup>۲</sup> - سوره مدثر: ۳۱.

<sup>۳</sup> - سوره انفال: ۳.

ومواردیکه در آن زیادت ایمان به آسانی ملاحظه میشود قرار  
ذیل است:

۱- موحد بودن و شناسای الله متعال و اسماء و صفات او تعالی  
و ترس از شرک آوردن.

۲- در جستجوی علم شرعی بودن زیرا کسیکه این راه را  
انتخاب کرده باشد در حقیقت راه جنت و بهشت را انتخاب نموده  
رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح فرموده است: "من  
سلك طريقاً يلتمس فيه علماً سهل الله له به طريقاً إلى الجنة".<sup>۱</sup>

۳- تأمل و تدبر و فکر کردن در آیات کونی و مخلوقات او تعالی،  
زمین و آسمان و بحر، در این صورت عظمت و بزرگی او تعالی ظاهر  
می شود که سبب تقویت ایمان مسلمان میگردد، "إِنَّ فِي خَلْقِ  
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِأُولِي الْأَبْصَارِ".<sup>۲</sup>

۴- تلاوت قرآن کریم و تدبر هنگام تلاوت.

۵- ذکر الله متعال که سبب راحت و اطمینان نفسی هم می  
شود، "الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ  
الْقُلُوبُ"<sup>۳</sup>، رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح فرموده

۱ - أخرجه مسلم في صحيحه، شماره حدیث: (۲۶۹۹)، ج ۴، ص ۲۰۷۴.

۲ - سوره آل عمران: ۱۹۰.

۳ - سوره رعد: ۲۸.

است: که مثال شخصی که الله متعال را ذکر یعنی به پاکی یاد میکند و مثال کسی که نمی کند مثل انسان مرده و زنده است: "مثل الذي يذكر ربه والذي لا يذكر ربه مثل الحي والميت"<sup>۱</sup>.

۶- تقدیم کردن طاعت الله متعال و طاعت رسولش بر هوا و هوس نفس انسان نیز سبب زیادت ایمان است و شیرینی ایمان را مسلمان در این حالت میابد، رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح فرموده است: "ثلاث من كنَّ فيه وجد حلاوة الإيمان: أن يكون الله ورسوله أحب إليه مما سواهما، وأن يحب المرء لا يحبه إلا لله، وأن يكره أن يعود في الكفر كما يكره أن يقذف في النار"<sup>۲</sup>.

کسانی که الله متعال را دوست دارند متابعت سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم را میکنند، الله متعال فرموده است: "قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ"<sup>۳</sup>.

۷- حاضر شدن در مجالس علم، دعوت و ذکر و نیکو کاران و صالحین نیز سبب زیادت و تقویت ایمان می شود، این امر را صحابه کرام بخوبی درک می کردند معاذ بن جبل رضی الله عنه به

۱ - أخرجه البخاري في صحيحه، شماره حدیث: (۶۴۰۷)، ج ۸، ص ۸۶.

۲ - أخرجه البخاري في صحيحه، شماره حدیث: (۱۶)، ج ۱، ص ۱۲.

۳ - سورة آل عمران: ۳۱.

یکی از صحابه گفت: "اجلس بنا نؤمن ساعة"<sup>۱</sup> بیایید در مجلس علم و ذکر یک ساعت حاضر شویم که ایمان ما قوی شود.

۸ - دوری از گناه و معصیت زیرا گناه بدون شک ایمان را ضعیف میسازد.

۹ - قیام اللیل و ادا نمودن نوافل عبادات مثل صدقه، روزه.

۱۰ - دعاء نمودن.

همچنان امر کردن و تشویق نمودن مردم بکار های خیر مثل زیارت مقبره، تأمل کردن در سیرت النبی صلی الله علیه وسلم، و همکار بودن با اهل علم و دعوت، ایمان را قوی میسازد.

در عین حال کار های بد، زشت، انحرافات عقیدوی، انحرافات فکری، اعتقادات فاسد، دشمنی با دعوت، فسق و فجور سبب نقصان و کمی ایمان می شود.



<sup>۱</sup> - أخرجه البخاري في صحيحه، ج ۱ ص ۱۰.

ایمان د اهل سنت په نزد : په ژبه اقرار، په زړه  
تصدیق او په جوارحو عمل دی، د طاعت او عبادت په  
سبب زیاتېږي او د گناه او معصیت په وخت کمېږي

له کندز ولایت څخه زموږ محترم ورور الیاس  
یوسفی دارنگه پوښتنه کړې ده :

استاد محترم زما پوښتنه د ایمان د تعریف په باره  
کې ده، چې آیا په جوارحو عمل د ایمان جز دی یا نه؟  
هیله لرم چې مفصل ځواب راکړئ ځکه چې په دې هکله  
مې ډېرې خبرې اورېدلي چې ذهن یې رالره په بشپړ  
ډول اندېښمن کړی دی.

**الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:**

ایمان د اهل سنت په نزد : په ژبه اقرار، په زړه  
تصدیق او په جوارحو عمل دی، د طاعت او عبادت په  
سبب زیاتېږي او د گناه او معصیت په وخت کمېږي.

ځینو علماؤ د ایمان د زیاتوالي، کموالي په ځای  
لیکلي دي چې: ایمان د اطاعت په سبب قوي کېږي او د  
معصیت په سبب کمزوری کېږي.. دا د ایمان په تعریف  
کې لفظي اختلاف دی.



ددې دليل چې ايمان زيات او کمېږي؛ دا دی:

الله تعالى په قرآن کریم کې فرمایلي دي: "فَزَادَهُمْ  
 اِيْمَانًا" د هغوی ايمان ته يې زياتد و بڅښه، او دا رنگه  
 يې فرمایلي دي: "وَيَزِدَادَ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا اِيْمَانًا"<sup>۱</sup> هغو کسانو  
 چې ايمان راوړ، ايمان يې لا زياتېږي.. او هم دارنگه يې  
 فرمایلي دي: "وَ اِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيٰتُهُ زَادَتْهُمْ اِيْمَانًا"<sup>۲</sup> کله  
 چې د هغه تعالى آياتونه ورته لوستل کېږي، د تدبر په  
 سبب يې ايمان زياتېږي.

همدا د صحابه رضي الله عنهم تفسير دی؛ او په دې  
 باره کې د امت علماء هم اتفاق لري.

او هغه موارد چې د ايمان زياتوالی پکې په آسانی  
 سره ملاحظه کېږي په لاندې ډول دي:

۱- په توحيد اوسېدل، د الله تعالى او د هغه اسماء او  
 صفاتو پېژندل او له شریک جوړولو څخه يې وېرېدل .

۲- د شرعي علم په لټه کې اوسېدل، ځکه هغه چا چې  
 دا لاره غوره کړې وي په حقیقت کې يې د جنت لاره  
 انتخاب کړې ده. رسول الله صلی الله علیه وسلم په

۱ - سوره آل عمران: ۱۷۳.

۲ - سوره مدثر: ۳۱.

۳ - سوره انفال: ۳.

صحيح حديث كې فرمايلي دي: " من سلك طريقاً يلتمس فيه علماً سهل الله له به طريقاً إلى الجنة ".

۳- تأمل، تدبر او فكر كول د الله تعالى په مخلوقاتو او كائناتو، حُمكنه، آسمان او بحرونو كې، په دې صورت كې د هغه تعالى عظمت او لويوالی ظاهرېږي چې په سبب يې د مسلمان ايمان تقويت مومي: "إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ"<sup>۱</sup>.

۴- د قرآن كريم تلاوت او د تلاوت پر وخت تدبر كول.

۵- د الله تعالى ذكر چې د روهي او نفسي راحت او اطمئنان سبب كېږي " الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ"<sup>۲</sup>، رسول الله صلى الله عليه وسلم په صحيح حديث كې فرمايلي دي: د هغه شخص مثال چې د الله تعالى ذكر كوي يعنى په پاكي يې يادوي او د هغه چا مثال چې نه يې كوي؛ د ژوندي او

۱ - أخرجه مسلم في صحيحه، شماره حديث: (۲۶۹۹)، ج ۴، ص ۲۰۷۴.

۲ - سورة آل عمران: ۱۹۰.

۳ - سورة رعد: ۲۸.

مړه انسان په شان دى: "مثل الذي يذكر ربه والذي لا يذكر ربه مثل الحي والميت"<sup>۱</sup>.

۶- د الله تعالى او دهغه د رسول صلى الله عليه وسلم اطاعت د نفس په خواهشاتو مخکې کول هم د ايمان د زياتوالي سبب کېږي او مسلمان په دې حالت کې د ايمان خوږوالی څکي، رسول الله صلى الله عليه وسلم په صحيح حديث کې فرمايلي دي: "ثلاث من كن فيه وجد حلاوة الإيمان: أن يكون الله ورسوله أحب إليه مما سواهما، وأن يحب المرء لا يحبه إلا الله، وأن يكره أن يعود في الكفر كما يكره أن يقذف في النار"<sup>۲</sup>.

هغه کسان چې له الله تعالى سره مينه لري؛ د رسول الله صلى الله عليه وسلم د سنتو متابعت کوي. الله تعالى فرمايلي دي: "قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ"<sup>۳</sup>.

۷- د علم، دعوت، ذکر، نيکانو او صالحينو په مجالسو کې حاضرېدل هم د ايمان د زيادت او تقويت سبب کېږي، دا چاره صحابه کرامو په ښه ډول درک کوله معاذ بن جبل رضي الله عنه يوه صحابي ته وويل: "

۱ - أخرجه البخاري في صحيحه، شماره حديث: (٦٤٠٧)، ج ٨، ص ٨٦.

۲ - أخرجه البخاري في صحيحه، شماره حديث: (١٦)، ج ١، ص ١٢.

۳ - سورة آل عمران: ٣١.

اجلس بنا نؤمن ساعة " راشئ چي د علم او ذکر په مجلس کي يو ساعت حاضر شو چي ايمان مو قوي شي .

۸ - له گناه او معصيت څخه لريوالی؛ ځکه چې پرته له شکه، گناه ايمان کمزوری کوي .

۹- قيام الليل او د نوافلو لکه صدقه، روژه، ... ادا کول .

۱۰ - دعاء کول .

همدارنگه د خير کارونو ته د خلکو هڅول او امر کول، له بديو او زشتو کارونو څخه د هغوي منع کول، همدارنگه د قبرونو زيارت کول، په سيرت النبي صلی الله عليه وسلم کي تأمل او فکر کول، د اهل علم او اهل دعوت سره همکار او سپدل ..

په عين حال کي: بد او زشت کارون ه، عقيدوي انحرافات، فکري انحرافات، فاسد اعتقادات، له دعوت سره د بنمني، فسق او فجور د ايمان د کمي او نقصان سبب کېږي .



## چگونگی وجود الله متعال بالای عرشش

یکی از دوستان سوال نموده :

الله جل جلاله کجا است؟ در این باره معلومات بدهید؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

عقیده اهل سنت وجماعت این است که الله متعال در آسمان - که بمعنای بلندی وعلو است- بالای همه مخلوقات خود بالای عرش خود است، الله متعال در قرآن کریم فرموده است که "الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى"<sup>۱</sup> الله متعال که صفتش الرحمن است بالای عرش مستوی است، نیز در آیه کریمه دیگری آمده است که "أأمنتم من في السماء"<sup>۲</sup> آیا شما خود را در امن وامان فکر می کنید از ذات که در آسمان وعلو وبلندی است، واین از رسول الله صلی الله علیه وسلم وصحابه کرام وائمه نیز نقل شده، در حدیث صحیح که امام مسلم روایت کرده ثابت است، "قد سأل النبي - صلى الله عليه وسلم - جارية جاء بها سيدها ليعتقها فقال لها الرسول : أين الله ؟ فقالت : في السماء، قال من أنا؟ قالت: أنت رسول الله، قال: أعتقها فإنها مؤمنة"<sup>۳</sup>، نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم کنیزی را آوردند

<sup>۱</sup> - سوره طه: ۵.

<sup>۲</sup> - سوره الملك، الآیه: ۱۶.

<sup>۳</sup> - أخرجه مسلم في صحيحه، شماره حدیث: (۵۳۷)، ج ۱، ص ۳۸۱.

برای آزاد ساختن و رسول الله صلی الله علیه وسلم سوال کرد که الله متعال در کجا است؟ این کنیز گفت که الله در آسمان است، و پرسید که من کیستم؟ گفت تو رسول و فرستاده الله متعال هستی، رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود که این را آزاد کنی که مؤمنه و مسلمان هست، نیز مسلمان در وقت دعاء کردن دست خود را به طرف آسمان بلند میکند این هم دلالت بر بودن الله متعال در آسمان است.

الله متعال در آسمان و بلندی و علو بالای عرشش می باشد بالای همه مخلوقاتش.

عرش الله متعال معلوم است که در آسمان است.

کیفیت آن را نمی دانیم و معلوم نیست به ما.

ایمان آوردن به این عقیده واجب است بدون تشبیه به مخلوقات، و تمثیل و تعطیل و بی معنا ساختن این مفهوم که در آیات و احادیث صحیح ثابت است.

و مسلمان باید این عقیده را داشته باشد و بیشتر سوال نکند وقتی که تا به اینجا دانست که الله متعال در آسمان و علو بالای عرش می باشد.



## معنی و مفهوم معیت و همراه بودن الله متعال

یکی از دوستان سوال نموده :

اگر وقت دارید همراه بودن خدای تعالی را با ببنده توضیح دهید که چگونه با بنده می باشد ؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

الله متعال در قرآن کریم فرموده است که: "وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ"<sup>۱</sup>.

تفسیر این آیه کریمه نزد اهل سنت و جماعت این است که الله متعال با علم و با باخبر بودنش با بندگان میباشد و احوال شان را میداند که چی کار را انجام میدهند و چی میکنند.

معیت و همراهی الله متعال با بندگان خاص، و عام است ، که او را محافظت، میکند ، کامیابی را نصیبش می گرداند و مورد تأیید خود قرار میدهد، و با علم خود با او میباشد و از احوال و کردار و اعمالش باخبر است.. این تفسیر صحیح و درست معیت و همراه بودن الله متعال با بندگان است.

<sup>۱</sup> - سورة الحديد، الآية: ۴.

اما معیت و همراهی به معنای اینکه الله متعال با انسان در هر جای یکجا است این نظر صحیح و درست نیست و نظریه طائفه گمراه حلولی است که عقیده دارند الله با انسان یکجا است، این نظریه باطل و فاسد و نادرست و به دور از حقیقت و خارج عقیده اهل سنت و جماعت است.

هر وقت که مسلمان به این نوع مسائل سخت و مشکل روبرو می شود اولاً: از علمای راستین و دانشمندان پرسان کند و خواهان تفسیر آن شود، ثانیاً: اگر در شک واقع می شد که مبدا در غلط فهمی واقع نشود آنرا ترک کند تا اینکه عالمی برایش شرح کند و او را بفهماند.



### عقیده اهل سنت و جماعت در مورد معیت الله متعال با بندگانش

یکی از برادران دینی هموطن ما سوال نموده:

استاد محترم این چه اشکالی دارد که انسان خداوند را حاضر و ناظر در همه جا بداند. خداوندی که از زمان و مکان و جای منزه است بناء میشود که در هر جای وجود داشته باشد، اکثر مفسرین و علماء "الرحمن علی العرش استوی"<sup>۱</sup> را تفسیر نکرده اند که موجودیت خداوند فقط بالای عرش باشد، و اگر این هم باشد باز هم

<sup>۱</sup> - سورة طه، الآیة: ۵.



عرش خداوند به مفهوم از حدیث پیامبر صلی الله علیه وسلم دربرگیرنده تمام زمین ها و آسمانها است. به گفته بعضی مفسرین عرش بزرگتر از کرسی است در حالیکه وسعت کرسی خداوند تمام زمین و آسمان را دربر گرفته است، میخواستیم اگر این عقیده کدام مشکل داشته باشد لطف نموده بادلایل واضح سازید؟

و برادر دینی دومی ما نیز نظریه خود را مطرح نموده:

به فکرم که در این باره دیگر آیات هم است. و دلیل قوی دارند آنان که میگویند الله در هر جای پاک است و بنده های خود را میبیند و به هر کار قادر است، و همه فلک از آن الله است، باید مناقشه علمی بیشتر شود که یک موضوع اختلافی عقیده وی هست تا به عوام الناس واضح گردد چه احناف و غیر احناف باشد.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله اما بعد:

الله متعال در قرآن کریم فرموده است که: "وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ" <sup>۱</sup>.

تفسیر این آیه کریمه نزد اهل سنت و جماعت این است که الله متعال با علم و باخبر بودنش با بندگان میباشد و احوال شان را میداند که چی کار انجام میدهند و چی میکنند.

<sup>۱</sup> - سورة الحديد، الآية: ۴.

معیت و همراهی الله متعال با بندگانش خاص، و عام است، که او را محافظت میکند، کامیابی را نصیبش می گرداند و مورد تأیید خود قرار میدهد، و با علم خود با او میباشد و از احوال و کردار و اعمالش باخبر است.. این تفسیر صحیح و درست معیت و همراه بودن الله متعال با بندگانش است.

اما معیت و همراهی به معنای اینکه الله متعال با انسان در هر جای یکجا است این نظر صحیح و درست نیست و نظریه طائفه گمراه حلولی است که عقیده دارند الله با انسان یکجا است، این نظریه باطل و فاسد و نادرست و به دور از حقیقت و خارج عقیده اهل سنت و جماعت است.

نیز عقیده اهل سنت و جماعت این است که الله متعال در آسمان - که بمعنای بلندی و علو است - بالای همه مخلوقات خود بالای عرش خود است، و در قرآن کریم فرموده است: "الرحمن علی العرش استوی"<sup>۱</sup>.

الله متعال که صفتش الرحمن است بالای عرش مستوی است .. و نیز در آیه کریمه دیگری آمده است: "أأمنتم من في السماء"<sup>۲</sup>.

۱ - سورة طه، الآية: ۵.

۲ - سورة الملك، الآية: ۱۶.

آیا شما خود را در امن وامان فکر می کنید از ذات که در آسمان و علو و بلندی است.

و این از رسول الله صلی الله علیه وسلم و صحابه کرام و ائمه نیز نقل شده، در حدیث صحیح که امام مسلم روایت کرده ثابت است: "قد سأل النبي - صلی الله علیه وسلم - جارية جاء بها سيدها ليعتقها فقال لها الرسول: أين الله؟ فقالت: في السماء، قال من أنا؟ قالت: أنت رسول الله، قال: أعتقها فإنها مؤمنة"<sup>۱</sup>.

نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم کنیزی را آوردند برای آزاد ساختن و رسول الله صلی الله علیه وسلم سوال کرد که الله متعال در کجا است؟ این کنیز گفت که الله در آسمان است، و پرسید که من کیستم؟ گفت تو رسول و فرستاده الله متعال هستی، رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود که این را آزاد کنید که مؤمنه و مسلمان هست.

نیز مسلمان در وقت دعاء کردن دست خود را به طرف آسمان بلند میکند این هم دلالت بر بودن الله متعال در آسمان است.

الله متعال در آسمان و بلندی و علو بالای عرشش می باشد بالای همه مخلوقاتش.

<sup>۱</sup> - أخرجه مسلم في صحيحه، شماره حدیث: (۵۳۷)، ج ۱، ص ۳۸۱.

عرش الله متعال معلوم است که در آسمان است.

کیفیت آن را نمی دانیم ومعلوم نیست به ما.

ایمان آوردن به این عقیده واجب است بدون تشبیه به مخلوقات، وتمثیل وتعطیل و بی معنا ساختن این مفهوم که در آیات واحادیث صحیح ثابت است.

خداوند با علم خود با ما است نه جسم وذات خود عقیده اهل سنت وجماعت این است که الله متعال بوسیله علم خود با ما است وسخنان ما را می شنوند وما را می بینند، چنانکه در قرآن کریم می فرماید: "قال لا تخافا انني معكما أسمع وأرى" <sup>۱</sup>.

نترسید که من با شما هستم ومی شنوم ومی بینم.

رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح می فرماید:  
"إنکم تدعون سمیعا قریبا وهو معکم" <sup>۲</sup>.

شما شونده نزدیکی که با شما است دعاء می کنید، سخنان شما را می شنود وشما را می بیند.

<sup>۱</sup> - سورة طه، الآية: ۴۶.

<sup>۲</sup> - أخرجه البخاري في صحيحه، كتاب المغازي، باب غزوة خيبر، رقم الحديث: (۴۲۰۵)، (ج ۵، ص ۱۳۳).

ومسلمان باید این عقیده را داشته باشد و بیشتر سوال نکند وقتی که تا به اینجا دانست که الله متعال در آسمان و علو بالای عرش میبانشد.

هر وقت که مسلمان به این نوع مسائل سخت و مشکل روبرو می شود موارد ذیل را در نظر داشته باشد:

اولا: از علمای راستین و دانشمند پرسان کند و خواهان تفسیر آن شود.

ثانیا: اگر در شک واقع می شد که مبادا در غلط فهمی واقع نشود آنرا ترک کند تا اینکه عالمی برایش شرح کند و او را بفهماند.



### الله کجاست؟

یکی از علاقمندان مسائل توحید و عقیده سوال نموده:

خداوند کجاست؟ می خواهم این موضوع را بدانم چون جواب استاد فاکولته ما واضح نبود؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

عقیده مسلمان این است که الله متعال در آسمان بر عرش خود می باشد، چنانکه در قرآن کریم فرموده است: "الرحمن على العرش استوى" <sup>۱</sup>.

الله متعال بر عرش خود است چنانکه شایسته ذات وصفات پر عظمت او تعالی است، ونمی توان الله متعال را به مخلوق تشبیه نمود، وروش علمای اسلام در این چنین موارد قبول کردن آنچه در صفات الله تبارک وتعالی آمده بدون هیچگونه تأویل است.

رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح فرموده است: "لما قضی الله الخلق كتب في كتابه فهو عنده فوق العرش إن رحمتي غلبت غضبي" <sup>۲</sup>.

الله عزوجل لوح محفوظ یعنی سرنوشت همه چیزها را نوشته وبالای عرش نزد او تعالی میباشد.



۱ - سورة طه، الآية: ۵.

۲ - أخرجه البخاري في صحيحه، شماره حدیث: (۳۱۹۴)، ج ۴، ص ۱۰۶.

### عقائد و مسائل توحید قابل اجتهاد نیست

عقائد، مسائل توحید، وحدانیت الله متعال و اسماء و صفات او تعالی، ایمان به روز آخرت، و بهشت و دوزخ، و ایمان داشتن به قضا و قدر قابل اجتهاد و اختلاف نیست، نصوص قرآن کریم، احادیث صحیح پیامبر اسلام محمد رسول الله صلی الله علیه و سلم و آثار صحابه کرام همه مسائل ( اصول الدین ) و ( فقه اکبر ) را توضیح داده اصلا مجال را برای اجتهاد و اختلاف نگذاشته، زیرا اجتهاد کردن در این مسائل یا انسان را - نعوذ بالله - به کفر میکشاند و یا به ضلالت و گمراهی، این قاعده ( کل مجتهد مصیب ) هر عالم مجتهد در اجتهاد خود اجر دارد مربوط به مسائل فروعی فقهی میشود نه بخاطر تأویل و توجیه و تبریر شطحات و شرکیات و تزندق گمراهان وحدت الوجود.

این اجتهاد نیز مسوغ شرعی ندارد لطفا احتیاط کنید و بر حذر باشید :

اما اگر وحدت الوجود این باشد که : تو او را حاصلی و او ترا گم : تو او را هستی اما او ترا نیست : خیال کج مبر اینجا و بشناس : که هر کو در خدا گم شد خدا نیست.

پس همان ( لا مشاحه فی الاصطلاح ) نمیشود در باب عقائد و ( اصول الدین ) و توحید او تعالی، مسائلی که انسان را به ضلالت و گمراهی بکشاند در این باب داخل نیست.

فراموش نکنیم که دین ستیزان منحرف و گمراه برای تزندق و دغل کاری و دشنام دهی علماء حجتی ندارند و از نصائح و فیوضات عارفانه بعض دانشمندان استدلال نموده و بر علمای معتدل تاخت و تاز می نمایند چون برون شوشان نبودی در جواب، لاجرم رفتند از این راه تباب.

اگر این دانشمندان بنا بر فرموده خود شان ( برای وصل کردن آمدند ) باید دروازه دشنام دادن علماء را باز نمی کردند و زمینه را برای خزعبلات و شطحات اشخاص منحرف متستر در جامه مثنوی خوانی را مساعد نمی ساختند، "سباب المسلم فسوق وقتاله کفر"!



### حکم نوشتن اسم پیامبر در مقابل اسم الله متعال

یکی از علاقمندان مسائل دینی سوال نموده :

در بعض مساجد لوحه چوکات دار نصب میشود که اسم پیامبر اسلام محمد صلی الله علیه وسلم در مقابل اسم الله نوشته می شود آیا این کار درست است بعض مردم گفتند غلط است و مولوی صاحب مسجد خواسته که شما جواب را نوشته کنید؟

۱ - أخرجه البخاري في صحيحه، شماره حدیث: (۶۰۴۴)، ج۸، ص۱۵۵.



الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

گذاشتن اسم پیامبر اسلام محمد صلی الله علیه وسلم در مقابل اسم الله متعال و مساوات و برابری آن با اسم الله متعال جایز نیست زیرا که عوام الناس از این نوع اعمال برداشت نادرست میداشته باشند و دچار غلط فهمی می شوند که پیامبر اسلام با الله متعال در تعظیم و محبت یکسان است.

در حدیث صحیح از عبد الله بن عباس رضی الله عنهما روایت شده که فرمودند: "جاء رجل إلى النبي صلى الله عليه وسلم يراجعه الكلام فقال: ما شاء الله وشئت. فقال: جعلتني لله عدلا، ما شاء الله وحده. وفي رواية: أجعلتني لله ندا"<sup>۱</sup>.

شخصی نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمد و در مسأله از ایشان هدایت دریافت می نمود و گفت اگر رضایت الله باشد و رضایت شما، رسول الله صلی الله علیه وسلم از این شیوه عدم رضایت نشانده و فرمود: آیا مرا با الله متعال مساوی ساختی، بگو تنها رضای الله باشد، و در روایت دومی فرمود: آیا مرا با الله شریک ساختی.

در این شکی نیست که محبت و دوستی پیامبر اسلام محمد صلی الله علیه وسلم یکی از فرائض اسلام است و یکی از شرائط

۱ - أخرجه أحمد في مسنده، شماره حدیث: (۱۸۳۹)، ج ۳، ص ۳۳۹.

واركان ايمان مسلمان است قسمی که رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح فرموده است: "لا یؤمن أحدکم حتی أکون أحب إلیه من والده وولده والناس أجمعین"<sup>۱</sup>.

مؤمن شمرده نمی شود هیچ یکی از شما تا اینکه مرا از پدر و فرزند و همه مردم بیشتر دوست نداشته باشد.

لیکن با وجود این همه فضائل پیامبر اسلام محمد صلی الله علیه وسلم برای مسلمان جایز نیست که دوستی مخلوق را ولو که پیامبر هم باشد با خالق همه مخلوقات که الله متعال است یکسان عقیده داشته باشد.



### خدا گفتن مشکل شرعی ندارد

یکی از خواهران دینی ما از شهر کابل سوال نموده:

استاد گرامی یک سوال داشتم یک تن از اساتید ما امروز یاد آور شدند که بر الله متعال ذکر خداوند خدا و به پشتو هم گفتن سپیسی گفتن درست نیست؟

<sup>۱</sup> - أخرجه البخاري في صحيحه، كتاب الإيمان، باب: حب الرسول صلی الله علیه وسلم من الإيمان، رقم الحديث: (۱۴)، (ج ۱، ص ۱۲).

خواهر ایمانی دومی نیز سوال نموده؟

استاد محترم آیا گفتن لفظ خدا کدام مشکل دارد یا بدعت است؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

الله رب العزت سبحانه وتعالى نامهای زیاد دارد که در کتب عقیده در باب اسماء وصفات شرح وتوضیح داده شده وهمچنان به زبانها مختلف به همین مفهوم او تعالی را یاد میکنند ودر این صورت هیچ مشکل شرعی ندارد که مسلمان خداوند متعال و پروردگار بگوید وهدفش از گفتن کلمه ولفظ ( خدا ) ذات پاک الله تعالی باشد، احکام شرعی بر آن لفظ مترتب می شود مثلا بگوید ( قسم بخدا ) ودر دعاء دستان را بالا کند وبگوید خدایا مرا هدایت کن، خدایا کشور عزیز ما را صلح وثبات نصیب کن، خدایا مردم متدین ما را اتفاق واتحاد وهمدلی نصیب فرما.

یکی از علمای بزرگ بنام شیخ الإسلام ابن تیمیه رحمه الله در کتاب الفتاوى الكبرى نوشته است: "كذلك الرب سبحانه يوصف بالعربية " الله الرحمن الرحيم" ، وبالفارسية "خدای بزرگ"، وبالتركية "سرکوی" ونحو ذلك، وهو سبحانه واحد، والتسمية الدالة عليه تكثر" <sup>۱</sup>.

<sup>۱</sup> - الفتاوى الكبرى، ج۶، ص ۵۶۸.

پروردگار پاک و منزّه به زبان عربی (الله الرحمن الرحیم) و به زبان فارسی (خدای بزرگ) و به ترکی (سرکوی) نام برده می شود، و او تعالی واحد و یکتاست، و تسمیه دلالت بر کثرت نامها دارد.

ازینرو باید در غلو و افراط و تفریط واقع نشویم زیرا هیچ نص و دلیل شرعی وجود ندارد که تنها الله متعال را به زبان عربی یاد کنیم، الله متعال خودش همه زبانها را خلق کرده و همه اش از نشانه های او تعالی در روی زمین است.

این غلو و افراط است که قضایای مسلمات و ثوابت را مورد مناقشه قرار دهیم.. و مردم را در شک و وسوسه واقع کنیم، حتی من خودم نمی خواستم که به این موضوع دامن زده شود لیکن بخاطر توضیح و شرح و جواب دادن دوستان محترم و محصلین دانشگاه کابل از جمله این دو خواهران سوال کننده و یک برادر عزیز ما، این جواب را نشر کردم به نیت خیر.



## یزدان در زبان کردی معنایش خالق است

یکی از خواهران از شهر کابل چنین سوال نموده:

آیا یزدان از نام های خداوند تعالی است وچی معنی دارد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

اسم یزدان در جمله ۹۹ اسم الله متعال در که احادیث صحیح ثابت است ذکر نشده واز جمله آنها شمرده نمی شود لیکن در قوامیس لغات بمعنای خالق گفته شده که الله متعال را در زبان کردی می نامند و نیز نوشته اند که ایزیدیهها و آتش پرستان در فارس و کردستان و حلب خدایان خود را یزدان می نامیدند و در همین سرزمینهای فارس و کرد نشین تا به حال بعض مردم خود را یزدان پرست می نامند.

اگر مقصود از آن بمعنای خالق که الله متعال است باشد باکی ندارد و جائز و مشروع است ، اما اگر هدف از یزدان آلهه و معبودان آتش پرستان باشد در این صورت جائز و مشروع نیست این نام.



## بزرگترین گناهان چیست؟

یکی از علاقمندان مسائل دینی سوال نموده که کلانترین گناهان کدام گناه است؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

در این شکی نیست که شرک آوردن به الله متعال بزرگترین گناهان است، او تعالی در قرآن کریم از زبان لقمان حکیم وصیت به پسرش می فرماید: "يا بني لا تشرك بالله إن الشرك لظلم عظيم" <sup>۱</sup>.

ای پسر عزیزم هرگز به الله شرک نیاور که شرک ظلمی بزرگ است.

و در حدیث صحیح از پیامبر اسلام محمد رسول الله صلی الله علیه وسلم پرسیده شد: "سئل أي الذنب أعظم؟ قال أن تدعو الله ندا وهو خلقك" <sup>۲</sup>.

بزرگترین گناهان چیست؟ آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود: اینکه برای الله متعال شریک و همتائی قائل شوی در حالیکه او تو را آفریده و خلق کرده.

<sup>۱</sup> - سورة لقمان، الآية: ۱۳.

<sup>۲</sup> - أخرجه البخاري في صحيحه، شماره حدیث: (۶۸۶۱)، ج ۹، ص ۲.

ودر حدیث صحیح دومی فرموده است: "أكبر الكبائر الإشراك بالله"<sup>۱</sup>.

بزرگترین گناهان شرک آوردن به الله تعالی است.



### بعوض (بسم الله الرحمن الرحيم) ۷۸۶ نوشتن جایز و روا نیست

برادر محترم ما احسان الله ظهیری از ولایت تخار چنین سوال نموده:

جناب استاد بجای بسم الله ۷۸۶ نوشته میکنند می شود که جواب دقیقتر را بگویید محترم.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

هیچ دلیل از قرآن کریم وسنت رسول الله صلی الله علیه وسلم وتفسیر صحابه رضی الله عنهم وقول فقهاء وجود ندارد که بعوض بسم الله الرحمن الرحيم شماره ۷۸۶ نوشته شود، لهذا این امر کاملاً نا مشروع و ناجایز و بی اساس و بی دلیل است و اگر کسی نوشته می کند ثواب بسم الله الرحمن الرحيم را نمی گیرد بلکه گنهگار هم می شود زیرا بسم الله الرحمن الرحيم یکی از آیات

<sup>۱</sup> - أخرجه البخاري في صحيحه، شماره حدیث: (۶۹۱۹)، ج۹، ص۱۳.

قرآن کریم است و معادلات ریاضی و غیره جاگزینش شده نمی تواند بلکه گناه کبیره و ناشی از برداشتهای غلط و نادرست است.

باید علمای کرام و اساتید ثقافت اسلامی اعم از برادران و خواهران این برداشت غلط و نادرست و مخالف شریعت را تصحیح نموده تا اینکه هموطنان عزیز ما در مغالطه واقع نشوند.



### اسماء و نامهای الله متعال توقیفی است و قیاسی نیست

یکی از هموطنان عزیز سوال نموده:

استاد محترم چون امروز روز معلم است بسیار از مردم در نوشته ها و سخنان خود گفتند که اولین معلم خداوند ج است و استناد از آیه قرآن کریم میکنند (علم الانسان مالم يعلم) و یا هم دیگر آیت قرآنی.. آیا نسبت معلم به الله درست است یا خیر؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

اسماء و نامهای الله متعال توقیفی است و قیاسی نیست، معلم گفتن به الله متعال جواز ندارد.



به اجماع علمای امت اسلامی اسما و نامهای الله متعال توفیقی است، والله متعال را به نامهای که در قرآن کریم و سنت رسول الله صلی الله وسلم ذکر نشده باشد یاد کردن جواز ندارد.

بلی از صفات الله متعال این است او تعالی العلیم یعنی دانا است، بنده های خود را تعلیم میدهد.



### الله متعال چگونه در سوم حصه اخیر شب به آسمان دنیا پائین میشود؟

یکی از هموطنان عزیز ما از شهر کابل سوال نموده:

در مورد حدیث شریف که گفته شده خداوند در سوم حصه شب در آسمان دنیا پائین میشود، از صحت و سقم این حدیث بگویید اگر صحیح باش د چگونه خداوند پائین و بالا میشود؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

رسول الله صلى الله عليه وسلم در حديث صحيح متفق عليه فرموده است: "ينزل ربنا تبارك وتعالى إلى السماء الدنيا كل ليلة حين يبقى ثلث الليل الآخر".<sup>١</sup>

خداوند تبارك وتعالى هر شب در نیمه آخر آن به آسمان دنیا فرود می آید، ونزول و آمدن او به شایسته و جلال و منزلت او تعلق دارد و ما چگونگی آنرا نمی دانیم، واین فرود آمدن ونزول شایسته ذات و صفات پر عظمت اوست، و نمی توان الله تبارک وتعالى را به مخلوق تشبیه نمود، وروش سلف صالح در اینگونه موارد قبول کردن آنچه در صفات الله متعال آمده بدون هیچگونه تأویل است، او تعالی فرموده است: "ليس كمثله شيء وهو السميع البصير".<sup>٢</sup>

هیچ چیز مثل ومانند خداوند نیست و او شنوا و بینا است.



<sup>١</sup> - أخرجه البخاري في صحيحه، كتاب التهجد، باب الدعاء في الصلاة من آخر الليل، رقم الحديث: (١١٤٥)، (ج ٢، ص ٥٣).

<sup>٢</sup> - سورة الشورى، الآية: ١١.

## قرآن کریم کلام الله متعال است و مخلوق نیست

یکی از علمای کرام از شهر چاریکار ولایت پروان سوال نموده:

استاد بزرگوار سلام و عرض ادب خدمت دارم از من کسی پرسید که قرآن کریم کلام خالق است یا مخلوق است من نفهمیدم از شما مشنوم استاد محترم؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

قرآن کریم آخرین کتاب آسمانی است که از طرف الله متعال بخاطر هدایت بشریت بپیامبر اسلام محمد رسول الله صلی الله علیه وسلم نازل شده و همه کتابهای آسمانی سابقه را نسخ نموده و احکامی را که قرآن کریم آورده بعوض احکام آنها جایجا شده. تنها قرآن کریم واجب القبول است، و بر مسلمان فرض است که در مورد قرآن کریم چنین اعتقاد داشته باشد:

۱- قرآن کریم از لحاظ حروف و معانی کلام الله متعال است، نازل شده و غیر مخلوق است، از طرف او تعالی نزول یافته و بسوی او برمیگردد، معجز است، بر صدق ذاتیکه بر وی نازل شده دلالت دارد، و تا قیام قیامت از هر تحریف و رطب و یابس محفوظ و مصئون است.

۲- الله متعال هر طوریکه خواسته باشد و هر وقتی که اراده کرده باشد، و به هرگونه که مشیئت او تعالی باشد تکلم می فرماید،

کلام او تعالی توأم با حرف و صوت حقیقت است، و چگونگی کلامش را نمی دانیم و نه در این رابطه به بحث و فحص می پردازیم.

۳- قول و گفتار به معنای اینکه کلام الله متعال معنای نفسی است، یا اینکه قرآن حکایت و یا عبارت و یا مجاز و یا فیض است، و تشبیه آن گمراهی و ضلالت است، و چنین باور و اعتقاد داشتن کفر است.

۴- کسی که از جز و بخش خیلی کوچک قرآن کریم را انکار کند و یا به نقص و زیادت و تحریف نسبتش دهد کافر و غیر مسلمان است.

۵ - قرآن به همان نحویکه از سلف صالحین ثابت است باید تفسیر شود و تفسیر آن با مجرد رأی جائز نیست، اگر کسی چنین جرأت کند معنایش این است که بلا علم بر الله تعالی سخن بسته و تأویل آن مانند تأویل و تفسیر فرقه های گمراه می باشد.

۶- الله متعال قرآن کریم را نازل فرموده است تا به آن عمل شود، چنانکه فی فرماید: "اتبعوا ما أنزل إليكم من ربكم"<sup>۱</sup>.

ای مؤمنان از آنچه الله بسوی شما فرستاده پیروی کنید.

۱ - سورة الأعراف، الآية: ۳.

ورسول الله صلى الله عليه وسلم در حدیث صحیح فرموده است: "اقرأوا القرآن واعملوا به ولا تأكلوا به ولا تستكثروا به"<sup>١</sup>.

قرآن کریم را بخوانید و به آن عمل کنید، و بوسیله آن مال مردم را نخورید، و بوسیله آن ثروت جمع نکنید.

٧- تلاوت قرآن کریم عبادت مستحب است ثواب دارد اما ترک دائمی تلاوت و عدم شنیدن قرآن کریم گناه است، بعضی علماء شنیدن و گوش دادن به تلاوت قرآن کریم را واجب دانسته اند لیکن به درجه فرضیت و وجوب نماز و روزه نمی رسد.

٨- مسلمان باید قرآن کریم را بشکل دائم تلاوت ، و تدبر نماید و بخش از وقت خود را برای تلاوت قرآن کریم و آموختن تجوید و فهم تفسیر آن تخصیص دهد، الله متعال امر نموده رسول الله صلى الله عليه وسلم را بخواندن و تلاوت قرآن کریم که در حقیقت امر برای امت او هم است، و فرموده است: "اتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ"<sup>٢</sup> تلاوت کن قرآن و کتاب پرورگارت را که توسط وحی

<sup>١</sup> - رواه البيهقي في شعب الإيمان، فصل في ترك قراءة القرآن في المساجد والأسواق ليعطى وليستأكل به، رقم الحديث: (٢٣٨٣)، (ج٤، ص١٩٤).

<sup>٢</sup> - سورة العنكبوت، الآية: ٤٥.

بالایت نازل شده، رسول الله صلى الله عليه وسلم در حدیث صحیح فرموده است: "اقرأوا القرآن، فإنه يأتي شفيعا لأصحابه يوم القيامة"<sup>۱</sup>.

قرآن را بخوانید و تلاوت کنید که در روز قیامت برای شما شفاعت کنان میاید.

۹- رسول الله صلى الله عليه نزد الله متعال از کسانی شکایت می کند که قرآن کریم را ترک کردند، نه تلاوت میکنند و نی هم گوش میدهند و نه هم به احکام و اوامر آن عمل می کنند و از نواهی آن اجتناب نمی ورزند، و قرآن کریم را دستور العمل زندگی خود قرار نمی دهند: "يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا"<sup>۲</sup>.

ای پرورگارم قوم من این قرآن را هجر و ترک کردند.

۱۰- از صفات مشرکین و غیر مسلمانان دشمنی با قرآن کریم است که میگویند به قرآن گوش ندهید و هر آنچه که در این قرآن است آنرا لغو و بیهوده بشمارید، الله متعال حالت شانرا اینطور حکایت میکند: "وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَالْغَوْا فِيهِ"<sup>۳</sup>.

۱ - أخرجه مسلم في صحيحه، كتاب صلاة المسافرين وقصرها، باب فضل قراءة القرآن، وسورة

البقرة، رقم الحديث: (۸۰۴)، (ج ۱، ص ۵۵۳).

۲ - سورة الفرقان، الآية: ۳۰.

۳ - سورة فصلت، الآية: ۲۶.

وگفتند غیر مسلمانان و کسانی که به قرآن کریم ایمان ندارند به قرآن کریم گوش ندهید و به احکام آن عمل نکنید و آنرا لغو و بیهوده بشمارید.

۱۱- ایمان نیاوردن به قرآن کریم، تلاوت نکردن، تدبر نمودن و به احکام آن عمل نکردن، همه هجران و ترک کردن قرآن کریم است. مسلمان که قرآن کریم را تلاوت نمی کند، به آن گوش نمی دهد، به تدبر و فهم و تفسیر و تجوید آن اهتمام ندارد و آنرا دستور العمل در زندگی خود قرار نمی دهد فوراً نفس خود را مراجعه کند که به مرحله خطرناکی رسیده، در عین حال فراموش نکنیم که بهترین مسلمانان کسانی هستند که قرآن کریم را می آموزند و به دیگران تعلیم می دهند رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح فرموده است: "خیرکم من تعلم القرآن وعلمه"<sup>۱</sup>.

و حالاً که وسایل تکنالوجی جدید علم را آسان ساخته و سهولتهای وجود دارد که قرآن کریم از موبایلها هم تلاوت می شود نیز تلاوت و قراءات قرای مشهور جهان اسلام در اینترنت میسر است و شنیدن آن هر لحظه ممکن است باید مجالس مسلمان از تلاوت و شنیدن قرآن کریم خالی نباشد در بخش از شب و روز آناء اللیل و أثناء النهار.

<sup>۱</sup> - أخرجه البخاري في صحيحه، كتاب فضائل القرآن، باب: خیرکم من تعلم القرآن وعلمه، رقم

الحدیث: (۵۰۲۷)، (ج ۶، ص ۱۹۲).

البته در شرایط فعلی علم تفسیر، تجوید و قراءات و آداب تعامل با قرآن کریم علمی که در مورد قرآن کریم آگاهی میدهد بنام (علوم القرآن) نامیده میشود که تخصص خاص است و در بخش خود تألیفات و مصادر و منابع علمی خوبی دارد .



### حکم خیرات کردن گوسفند در زیارتگاه

یکی از دوستان سوال نموده که :

اگر من در زیارت گو سفند را خیرات کنم جائز است یا نه؟  
البته بنام خداوند متعال؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

نذر کردن و ذبح کردن بنام زیارت و مخلوقات زنده و مرده حرام و شرک به الله متعال شمرده می شود که برزگترین گناه است، الله متعال فرموده است: "قل إن صلاتي ونسكي ومحياي ومماتي لله رب العالمين لا شريك له وبذلك أمرت وأنا أول المسلمين" <sup>۱</sup>.

بگو ای محمد که نماز و عبادت و قربانی و زندگی و مرگ من خاص برای الله متعال است و من به توحید و وحدانیت الله متعال امر

<sup>۱</sup> - سورة الأنعام، الآية: ۱۶۲.



شدم واولین مسلمانان هستم، الله متعال کسانی را که بنام مخلوقات ذبح میکنند لعنت کرده در حدیث صحیح رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است: "لعن الله من ذبح لغير الله<sup>۱</sup>."

نذر و خیرات کردن در زیارت به نام الله متعال نمی شود زیرا زیارت جای خیرات کردن نیست.

### حکم بند گرفتن از زیارتگاهها

دوستی اینطور سوال نموده :

طوری که معلوم است اکثراً در افغانستان مروج است (زنان که مشکل نسائی ولادی دارند، بنام بند، تعویذ و زیارت پیش تعویذ نویسان میروند و به ولایات دیگری خاطر زیارتگاه سفر میکنند، سوال اصلی اینجاست، (آیا در مورد مشکل نسائی ولادی زنان بعض وقت تأثیر جنیات هم گفته میتوانیم) آیا تعویذ اسلامی درین مورد موجود است؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله وبعد:

بدون شک رفتن به زیارت و مقبره و یا نزد تعویذ نویسان بخاطر گرفتن بند و طلب شفاء یک عقب ماندگی دینی بزرگ است که مسلمان را به شرک می کشاند زیرا توکلش را به خداوند خالق

<sup>۱</sup> - أخرجه مسلم في صحيحه، شماره حدیث: (۱۹۷۸)، ج ۳، ص ۱۵۶۷.

ورازق کم نموده وزندگی ومرگ وصحتمندی خود را از مخلوق عاجز وبیچاره که اصلا در زیر خاک است می طلبد به این معنی که دست به دامن زیارت وتعویذ نویس بخاطر رفع مشکل ودفع بلاء وصحت یاب شدن شده است بی خبر ازینکه خداوند متعال خالق ورازق وآسان کننده همه مشکلات است وهیچ کسی بغیر از ذات الله متعال نفع وضرر رسانیده نمی تواند به انسان، واگر کسی اعتقاد بر این داشته باشد که زیارت ویا تعویذ نویس توسط بند او را شفاء می بخشد مشرک پنداشته می شود واگر به نادانی وجهالت این کار را می کند معذور شمردده می شود ولی باید بعد از شنیدن حق ازین کار توبه کند .. واگر فهمیده ودانسته به این راه روان است پس بدون شک این شخص وآن تعویذ نویس هر دو به شرک رو آورده اند (نعوذ بالله من ذلک).

خلاصه مطلب این است که بند گرفتن بخاطر حفاظت انسان ازجنیات وچشم بد و نظر شدن وغیره یا وبرای تداوی حرام وگناه برزگ بوده که همه اعمال نیک وعبادات مسلمان را از بین می برد ومسلمان را در دائره شرک قرار میدهد.

به همه معلوم است که:

تداوی مریضان ومشکلات نسائی از دو طریق اجراء می شود اول اینکه، مسلمان باید از طریق خواندن اذکار مأثور ومسنون ومداومت به آن خود را تداوی کند بعد از توکل به خداوند متعال.

ودرین هم شکی نیست که در عصر امروزی ما بازار جادو جادوگری و انحرافات عقیده وی گرم است خصوصاً در مناطق که جهل و نادانی درانجا حاکم است و خدا ترسی کم است و مردم دشمنی خود را از طریق جادو و سحر به پیش می برند و در مسائل خورد و کوچک به جادو گران رو می آورند و زندگی بعض را تباه میکنند و سبب آزار و اذیت شان می شوند.

دوم از طریق تداوی طبی و رفتن به شفاخانه ها و داکتران ماهر و متخصص، لیکن بند گرفتن و رفتن به زیارتها و یا رفتن نزد اشخاص غیر متخصص به نام تعویذ نویس و یا متولی و مجاور و یا ملاهای که از دین تجارت میکنند به هیچ صورت جواز ندارد . بلکه توکل انسان را به خداوند کم میکند حتی این که مسلمان در شرک آوردن به خداوند واقع می شود که بسیار گناه بزرگ است.

صحابی جلیل القدر عمران بن حصین بن عبید الخزاعی رضی الله عنه و از پدرش چنین روایت نموده: "أن رجلاً كان في يده حلقة علقها من أجل الواهنة وهي مرض يأخذ باليد من المنكب، فكانت الجاهلية تعلق هذه الحلقة وتزعم أنها تنفع من هذا المرض، فقال النبي صلى الله عليه وسلم لما رآها على هذا الرجل، وفي رواية أنه رآها على عمران نفسه: انزعها، فإنها لا تزيدك إلا وهناً، فإنك لو مت وهي عليك ما أفلحت أبداً<sup>۱</sup>.

۱ - أخرجه ابن ماجه في سننه، شماره حدیث: (۳۵۳۱)، ج ۲، ص ۱۱۶۷.

رسول الله صلی الله علیه وسلم کسی را ملاحظه نمود که بخاطر درد دست وزانوهایش حلقه را پوشیده بود چون در زمانه جاهلیت مردم اعتقاد داشتند که پوشیدن حلقه های آهنی انسان را از مرض نجات میدهد، آنحضرت صلی الله علیه وسلم برایش گفت: این حلقه را دور کن برایت نفع و فایده نمی رساند بلکه مرض شما را زیاد می کند و اگر به همین حالت بمیری کامیاب نمی شوی.

به این معنی که توکل کردن به غیر از ذات الله متعال و رو آوردن به زیارتها و تعویذ نویسان ترس و بیم و حراس انسان را زیاد می کند و عقیده و ایمانش را متزلزل می سازد و او را به طرف شرک سوق میدهد.

و باید ما و شما خود ازین نوع انحرافات دوری جوئیم و هم دیگران را منع کنیم و برایشان بفهمانیم که این کار به دین اسلام هیچ ربط ندارد بلکه عقب ماندگی دینی است، و تداوی انسان و شفاء یابیش توسط شیوهای نا مشروع ممکن نیست، رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده اند: "إن الله لم يجعل شفاءکم فیما حرم علیکم" <sup>۱</sup>، خداوند تداوی و علاج و معالجه تان را توسط چیزها و شیوهای نا مشروع و حرام روا نگردانیده است.

<sup>۱</sup> - أخرجه البخاري في صحيحه، ج ۷، ص ۱۱۰.

وصلی الله علی خیر خلقه محمد وعلی آله وصحبه أجمعین



### تعویذ توکل مسلمان را ضعیف میسازد

دوستی سوال نموده:

طوری که در افغانستان مروج است، زنان که مشکل نسائی ولادی دارند، بنام بند، تعویذ پیش تعویذ نویسان میروند و یا به ولایات دیگری خاطر زیارت سفر میکنند، سوال اصلی اینجاست که آیا در مورد مشکل نسائی ولادی زنان بعضی وقت تأثیر جنیات هم گفته میتوانیم، آیا تعویذ اسلامی درین مورد موجود است؟

دوست دومی نوشته:

آیا تعویذ نویسی در شریعت اسلام جائز است؟

الحمد لله والصلاة والسلام علی رسول الله، وبعد:

بدون شک رفتن به زیارتگاهها و مقبره ها و یا نزد تعویذ نویسان بخاطر گرفتن بند و طلب شفا یک عقب مانده گی دینی بزرگ است که مسلمان را به شرک می کشاند زیرا توکلش را به خداوند خالق و رازق کم نموده و زندگی و مرگ و صحتمندی خود را از مخلوق عاجز و بیچاره که اصلا در زیر خاک است می طلبد به

این معنی که دست به دامن زیارت و تعویذ نویس بخاطر رفع مشکل و دفع بلاء و صحت یاب شدن شده است بی خبر از اینکه خداوند متعال آسان کننده همه مشکلات است و هیچ کسی بغیر از ذات الله متعال نفع و ضرر رسانیده نمی تواند به انسان، و اگر کسی اعتقاد بر این داشته باشد که زیارت و یا تعویذ نویس توسط بند، او را شفا می بخشد مشرک پنداشته می شود و اگر به نادانی و جهالت این کار را می کند معذور شمرده می شود ولی باید بعد از شنیدن حق از این کار توبه کند، و اگر فهمیده و دانسته به این راه روان است پس بدون شک این شخص و آن تعویذ نویس هر دو به شرک روی آورده اند (نعوذ بالله من ذلک).

خلاصه مطلب این است که بند گرفتن بخاطر حفاظت انسان از جنیات و چشم بد و غیره یا برای تداوی حرام و گناه بزرگ بوده که همه اعمال نیک و عبادات مسلمان را از بین می برد و مسلمان را در دائره شرک قرار میدهد.

به همه معلوم است که تداوی مریضان و مشکلات نسائی از دو طریق اجراء می شود اول اینکه مسلمان باید از طریق خواندن اذکار مأثور و مسنون و مداومت به آن خود را تداوی کند بعد از توکل به خداوند متعال.

و درین هم شکی نیست که در عصر امروزی ما بازار جادو و جادوگری و انحرافات عقیده ای گرم است خصوصا در مناطق که

جهل و نادانی در آنجا حاکم است و خدا ترسی کم است و مردم دشمنی خود را از طریق جادو و سحر به پیش می برند و در مسائل خورد و کوچک به جادو گران روی می آورند و زندگی بعضی را تباه میکنند و سبب آزار و اذیت شان می شوند.

و من قبلا هم فتوای را نشر کردم که مطابق آن جادوگر کافر و از دین خارج میشود اگر به جادو معتقد باشد باید گردنش بریده شود با شمشیر، البته بعد از حکم محکمه و حکومت و مردم هر دو وظیفه دارند که جادو گران را منع کنند.

اما می پردازیم به جواب سوال فوق الذکر، و آن اینکه شریعت اسلامی رهنمود های خوبی دارد برای وقایه از بلاها و اگر مسلمان به آن عمل کند می تواند خود را آثار و اضرار متوقع همه نا بسامانیها حفاظت کند و یا اینکه اگر واقع شده باشد تأثیرش را کم کند.

از جمله این رهنمود ها:

۱- همیشه مسلمان پابند طاعت خداوند باشد و توکل راسخ به ذات او تعالی داشته باشد و عقیده داشته باشد که نقص و نفع همه مقدر است و فرائض را انجام دهد و توسط ادای نوافل و مستحبات به خداوند نزدیک شود و از کارهای بد و منکرات دوری جوید، از رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح روایت شده که ایشان فرموده اند: "احفظ الله يحفظك، احفظ الله تجده"

تجاهك، إذا سألت فاسأل الله، وإذا استعنت فاستعن بالله" <sup>١</sup> خداوند متعال را بیاد داشته باش و امرش را بجا بیاور و تنها از او کمک بخواه و مسألت کن.

٢- مداومت به خواندن اذکار مأثور و مسنون صبح و شام که این اذکار را علماء (حصن المسلم) نامیده اند یعنی قلعه مسلمان.

٣- تلاوت کردن و خواندن آیت الکرسی و دو آیت اخیر سوره بقره بعد از هر نماز فرض و در وقت خواب.

٤- تلاوت کردن سوره اخلاص، قل هو الله أحد، و معوذتین، قل أعوذ برب الفلق و قل أعوذ برب الناس سه مرتبه، و در حدیث که امام نسائی آن را روایت کرده و شیخ محمد ناصر الدین البانی بالایش صحت گذاشته، رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده اند که: "قُلْ: قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، وَالْمُعَوِّذَتَيْنِ حِينَ تُمْسِي وَتُصْبِحُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ تَكْفِيكَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ" <sup>٢</sup>، خواندن قل هو الله أحد و معوذتین صبح و شام برای تان کافی است از شر همه بلاها.

١ - أخرجه الترمذي في سننه، شماره حدیث: (٢٥١٦)، ج ٤، ص ٦٦٧.

٢ - أخرجه الترمذي في سننه، شماره حدیث: (٣٥٧٥)، ج ٥، ص ٥٦٧.



٥- خواندن این حدیث مأثور: "بسم الله الذي لا يضر مع اسمه شيء في الأرض ولا في السماء وهو السميع العليم"<sup>١</sup> و از رسول الله صلی الله علیه وسلم ثابت است که کسی این را سه بار بخواند چیزی برایش ضرر رسانیده نمی تواند.

٦- خواندن "أعوذ بكلمات الله التامات من شر ما خلق"<sup>٢</sup> سه بار.

٧- خوردن هفت خرما در وقت صبح قبل از صبحانه و رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث بخاری فرموده اند که: "من تصبح كل يوم سبع تمرات عجوة لم يضره في ذلك اليوم سم ولا سحر"<sup>٣</sup>.

اگر کسی هفت خرما را بخورد قبل از صبحانه نه زهر برایش ضرر می رساند و نه هم جادو.

دوم از طریق تداوی طبی و رفتن به شفاخانه ها و داکتران ماهر و متخصص، لیکن بند گرفتن و رفتن به زیارتها و یا رفتن نزد اشخاص غیر متخصص به نام تعویذ نویس و یا متولی و مجاور و یا ملاهای که از دین تجارت میکنند به هیچ صورت جواز ندارد، بلکه

<sup>١</sup> - سنن أبي داود، كتاب الأدب، باب ما يقول إذا أصبح، شماره حدیث: (٥٠٨٨)، (ج ٤، ص ٣٢٣).

<sup>٢</sup> - صحيح مسلم، كتاب الذكر والدعاء والتوبة والاستغفار، باب في التعوذ من سوء القضاء ودرك الشقاء وغيره، شماره حدیث: (٢٧٠٨)، (ج ٤، ص ٢٠٨٠).

<sup>٣</sup> - أخرجه البخاري في صحيحه، شماره حدیث: (٥٤٤٥)، ج ٧، ص ٨٠.

توکل انسان را به خداوند کم میکند حتی این که مسلمان در شرک آوردن به خداوند واقع می شود که بسیار گناه بزرگ است.

صحابی جلیل القدر عمران بن حصین بن عبید الخزاعی رضی الله عنه از پدرش چنین روایت نموده: " أن رجلاً كان في يده حلقة علقها من أجل الواهنة وهي مرض يأخذ باليد من المنكب، فكانت الجاهلية تعلق هذه الحلقة وتزعم أنها تنفع من هذا المرض، فقال النبي صلى الله عليه وسلم لما رآها على هذا الرجل، وفي رواية أنه رآها على عمران نفسه: (انزعها، فإنها لا تزيدك إلا وهناً، فإنك لو مت وهي عليك ما أفلحت أبداً)<sup>١</sup>.

رسول الله صلى الله عليه وسلم کسی را ملاحظه نمود که بخاطر درد در دست و زانوهایش حلقه را پوشیده بود چون در زمانه جاهلیت مردم اعتقاد داشتند که پوشیدن حلقه های آهنی انسان را از مرض نجات میدهد، آنحضرت صلى الله عليه وسلم برایش گفت: این حلقه را دور کن برایت نفع و فایده نمی رساند بلکه مرض شما را زیاد می کند و اگر به همین حالت بمیری کامیاب نمی شوی.

به این معنی که توکل کردن به غیر از ذات الله متعال و روی آوردن به زیارتها و تعویذ نویسان ترس، بیم و حراس انسان را زیاد

<sup>١</sup> - أخرجه ابن ماجه في سننه، شماره حدیث: (٣٥٣١)، ج ٢، ص ١١٦٧.

می کند و عقیده و ایمانش را متزلزل می سازد و او را به طرف شرک سوق میدهد.

و باید ما و شما خود ازین نوع انحرافات دوری جوئیم و دیگران را منع کنیم و برایشان بفهمانیم که این کار به دین اسلام هیچ ربط ندارد بلکه عقب مانده گی دینی است، و تداوی انسان و شفا یابی اش توسط شیوه های نا مشروع ممکن نیست، رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده اند: " إِنْ اللَّهُ لَمْ يَجْعَلْ شِفَاءَكُمْ فِيمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ<sup>۱</sup>" خداوند تداوی و علاج و معالجه تان را توسط چیزها و شیوه های نا مشروع و حرام روا نگردانیده است.



### حکم معتقد بودن به اینکه مرده زیارتگاه به انسان نفع میرساند

یکی از هموطنان ما از دره غوربند ولایت پروان سوال نموده:

شیخ صاحب محترم آیا رفتن به زیارتگاه و زیارت را واسطه کردن که مریضی انسان را صحتیاب بسازد جایز است؟

نیز یکی از دوستان دعوتگر از ولسوالی بورکه ولایت بغلان

چنین نوشته:

<sup>۱</sup> - أخرجه البخاري في صحيحه، ج ۷، ص ۱۱۰.

استاد محترم در منطقه ما رواج اینست که هرگاه کسی در جای کشته شود بعد همان جای را زیارت میسازند در صورتی که مرده همین جا نیست و به قبرستان میبرند، همین گونه زیارت ها و چوب سیخ کردن ها از دیدگاه اسلام چه حکم دارد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

زبارت ساختن قبرها مخالف شریعت و ذریعه شرک آوردن به الله متعال و بزرگترین گناه است.

دین مبین اسلام هر وسیله و ذریعه که سبب شرک آوردن به الله متعال شود و مردم را به انحرافات سوق دهد منع کرده و به زبان رسول الله صلی الله علیه وسلم امتهای را که قبرهای انبیاء و پیامبران و صالحین را زیارتگاه میساختند لعنت کرده و امت اسلامی را از اعمال که سبب انحراف عقیدوی می شود منع کرده، زیرا این کار نه در قرآن کریم ثابت است و نه هم در سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم و نه هم در عملکرد سلف صالح، بلکه مطلقاً منع شده و نهی گردیده.

شرک آوردن در عبادت الله متعال همه اعمال صالح و نیکوی مسلمان را محو میکند و بزرگترین گناهان کبیره است، عقیده و ایمان مسلمان که سرمایه اش است توسط همین شرک متزلزل

می شود، الله متعال فرموده است: "إن الله لا یغفر أن یشرك به ویغفر  
مادون ذلك لمن یشاء"<sup>۱</sup>.

او تعالی نمی بخشد کسانی را که در عبادت او شرک می  
آورند و زیارتگاهها را پرستش می کنند، ونیز فرموده است: "ومن  
یشرك بالله فقد حرم الله علیه الجنة وماواه النار"<sup>۲</sup>.

هر کسی که به او تعالی شرک بیاورد جنت را بالایش حرام  
گردانیده و جایگاهش را در آتش دوزخ تعیین کرده.

رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح شرک آوردن  
را یکی برزگترین گناها شمرده که صاحبش را به آتش دوزخ سوق  
میدهد.

مردم متدین و شریف ما باید بدانند که این مرده ها اگر می  
توانستند که به کسی نفع و فایده برسانند اولاً خود شان در زیر  
خاک نمی بودند و وفات نمی کردند، آنها اصلاً بعد از مرگ به  
کسی فایده رسانیده نمی توانند، مولوی صاحبان و علماء کرام باید  
این موضوع را به صراحت به مردم شرح کنند و بفهمانند که این  
عملکرد شان کاملاً مخالف شریعت اسلامی است و سبب  
ناخوشنودی الله متعال میگردد بلکه سبب گمراهی مردم میشود

۱ - سورة النساء، الآیة: ۴۸.

۲ - سورة المائدة، الآیة: ۷۲.

ومردم ما را به دنیا عقبمانده در فکر وانديشه وعقيده معرفى مىکند.

يهود ونصارى را الله متعال به زبان رسول الله صلى الله عليه وسلم در همين مورد لعنت کرده: "لعن الله اليهود والنصارى اتخذوا قبور أنبيائهم مساجد"<sup>١</sup> الله متعال يهود ونصارى را لعنت کرده زیرا آنها قبرهاى پیامبران خود را زیارتگاه ومسجد مى ساختند وعبادت مىکردند. و آنها را بدترین مردم ومخلوقات نامیده: "أولئك شرار الخلق"<sup>٢</sup>.

خلاصه اين مطلب که زیارت ساختن، نذر کردن در زیارت، رفتن در آن به نیت طلب حاجت وشفای مریضی وعقيده داشتن که زیارت ومرده برای شان نفع ونقصان مىرساند همه شرک است ومسلمان را اگر توبه نکند از دائره اسلام خارج مىسازد.

وکسانی که به نادانی وجهالت اين کار را مىکردند باید توبه کنند زیرا جهل ونادانی عذر است اما کسانی که در اين گناه اصرار مىکنند وبعد از نصیحت هم اين کار را ادامه مىدهند در مشرک بودن شان هيچ شک وشبهه نيست.



<sup>١</sup> - أخرجه النسائي في سننه، شماره حديث: (٧٠٣)، ج٢، ص٤٠.

## آویزان کردن گردن بند طلائی که کلمه توحید و اسم الله را داشته باشد جواز ندارد

یکی از هموطنان ما از کابل سوال نموده:

استاد گرامی ما در زرگری یک چیزی داریم که در گردن آویزان میشود بنام آیت الکرسی شریف است قسمی یک گل است و در آن آیت الکرسی نوشته است، بعد از اینکه پوشیده شد و کهنه شد باز ذوب میکنیم آیا گنهگار میشویم یا نه؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

نقش کردن و نوشتن آیت الکرسی و کلمه توحید در گردن بند طلائی جواز ندارد و نیز آویزان کردن این گردن بند هم جواز ندارد زیرا که بی حرمتی و بی احترامی و اهانت به آیت الکرسی و أسماء الله الحسنی می شود، و رفتن خانمان در تشناب و یا در حالت جنابت با این گردن بند گناه دارد مسلمان باید احترام آیات قرآنی و کلمه توحید و أسماء الله الحسنی را داشته باشد و برای کارها و اهداف دنیائی خود استفاده نکند.



## از سوراخ زمین تیر کردن مریضان عمل ناجایز است

شیخ صاحب محترم از شما یک سوال داشتم جوابش را بگویید  
 الله تعالی برایم یک بچه داده بود تقریباً چهارده ماهه شد بخیر بعد  
 از به دنیا آمدن البته در تقدیرش نوشته بوده کار خداوند است زیاد  
 مریضی را دید مادرش چند روز پیش زمین را سوراخ کرده  
 از سوراخ زمین تیر کرده البته من از اول زیاد برایش گفتم پیش  
 تعویذ نویسی نرو همان کارها را نکو از سوراخ زمین تیر کرده من  
 برای زن چی بگویم کاری کرده که من راضی نیستم؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

از سوراخ زمین تیر کردن مریضان عمل ناجایز، ناروا و گناه  
 کبیره است و معتقد بودن به اینکه از سوراخ زمین تیر شدن به  
 انسان نفع و نقصان میرساند گناه کبیره است و اگر دانسته مرتکب  
 این گناه شود در مشرک بودنش هیچ شک و شبهه نیست.

از سوراخ تیر شدن بخاطر شفایابی مخالف شریعت و ذریعه  
 شرک آوردن به الله متعال و بزرگترین گناه است.

دین مبین اسلام هر وسیله و ذریعه که سبب شرک آوردن به  
 الله متعال شود و مردم را به انحرافات سوق دهد منع کرده و به زبان  
 رسول الله صلی الله علیه وسلم امتهای را که قبرهای انبیاء  
 و پیامبران و صالحین را زیارتگاه میساختند و از درختان شفای



امراض را می خواستند لعنت کرده و امت اسلامی را از اعمال که سبب انحراف عقیدوی می شود منع کرده، زیرا این کار نه در قرآن کریم ثابت است و نه هم در سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم و نه هم در عملکرد سلف صالح، بلکه مطلقاً منع شده و نهی گردیده.

شرک آوردن در عبادت الله متعال همه اعمال صالح و نیکوی مسلمان را محو میکند و بزرگترین گناهان کبیره است، عقیده و ایمان مسلمان که سرمایه اش است توسط همین شرک متزلزل می شود.. الله متعال فرموده است: "إن الله لا یغفر أن یشرك به ویغفر ما دون ذلك لمن یشاء"<sup>۱</sup>.

او تعالی نمی بخشد کسانی را که در عبادت او شرک می آورند و زیارتگاهها را پرستش می کنند، نیز فرموده است: "ومن یشرك بالله فقد حرم الله علیه الجنة ومأواه النار"<sup>۲</sup>.

هر کسی که به او تعالی شرک بیاورد جنت را بالایش حرام گردانیده و جایگاهش را در آتش دوزخ تعیین کرده.

رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح شرک آوردن را یکی بزرگترین گناهان شمرده که صاحبش را به آتش دوزخ سوق میدهد.

۱ - سورة النساء، الآية: ۴۸.

۲ - سورة المائدة، الآية: ۷۲.

اصلا از رسول الله صلی الله علیه وسلم، صحابه رضی الله عنهم، تابعین و فقهای امت ثابت نیست که آنها زمین را سوراخ نموده باشند و مریضان از زیر زمین تیر کرده باشند.

نیز نشست و برخاست دمگران با زنان و خانمان نامحرم در خلوت که در شریعت حرام و ناجائز است و این گناه بزرگ کار روز مره دمگران است حتی گفته میشود که بعض محلات تعویذ نویسان در شهرها بفحشاء خانه مبدل گردیده است.

حتی بعض دمگران نه تنها عقیده توحید، تقوا، پرهیزگاری و علم شرعی ندارند و شروط و آداب دم کردن را نمی دانند بلکه سوره فاتحه را نیز بدرستی خوانده نمی توانند عقیده، فکر و اندیشه شانرا خرافات و انحرافات تشکیل میدهد.

بر علاوه از اهداف اقتصادی و خوردن مال مردم بباطل بارها این دمگران در خلوت غیر شرعی به زنان و دختران و نوامیس مردم دست اندازی کرده اند .

اینها در مقابل پول و پیسه وهم و دروغ را به مردم می فروشند و کسانیکه اصلا مبتلاء به جادو و نظر بد نیستند مشکلات روانی خورد و کوچک دارند برای آنها و انمود میسازند که حتما بالای آنها جادو شده و باید که نزد اینها تداوی کنند تا اینکه در نتیجه رفت و رفت زیاد هم پول و پیسه خود را از دست دهند و نیز بر عزت و آبروی شان تجاوز نمایند.

مسلمان باید معتقد باشد که شفا دهنده الله متعال است  
وتداوی تنها وسیله است

سنت و مستحب و اولی و افضل این است که مسلمان خودش  
خود را و اطفال و خانواده خود را دم کند و اذکار مسنون و مأثور را  
بخواند. ما و شما میدانیم که یکی از اسباب عمده رو آوردن مردم  
بتعوید، شویست و دمگران اهتمام نکردن به خواندن مأثورات (اذکار  
مسنون صبح و شام) است.

اذکار صبح و شام عبارت است از مجموعه از آیات قرآنی  
ودعاهای مأثور که از رسول الله صلی الله علیه وسلم ثابت است  
و شامل حمد و ثناء الله متعال و پناه بردن به او تعالی از شر شیطان  
میباشد، باید این اذکار ورد مسلمان باشد و صبح و شام تکرار کند،  
که بر علاوه از ثواب اخروی مسلمان را از شر بلاها و آفات، آزار  
و اذیت انس و جن نجات میدهد، و باید این اذکار بخش از زندگی  
دینی و ایمانی روز مره مسلمان را تشکیل دهد تا اینکه بطرف  
تعویذ نویسان و دمگران رو نیاورد، زیرا این اذکار مأثور وقایه از  
همه شرور و آفات است و فوائد بزرگ دارد از جمله آن:

۱- سبب رضایت و خوشنودی الله متعال میگردد.

۲- مسلمان بسبب این اذکار احساس بزرگی و عظمت  
و واحدانیت الله متعال را می نماید.

۳- موحد بودن مسلمان را ثابت مبسازد که تنها توکل مسلمان به الله متعال است، و مسلمانی که در سایه قرآن و اذکار و دعاهای مسنون روز و شب خود را سپری میکند هرگز وهم و ترس را بخود راه نمی دهد.

۴- مسلمان را راحت نفسی و قلبی میبخشد.

۵- قلعه محکم مسلمان مییابد و شیطان را طرد میکند و دور میدارد.

۶- غمگینی و ناراحتی را از نفس مسلمان دور میدارد زیرا یاری و مدد الله متعال را با خود میداشته باشد.

۷- خشوع و حضور قلب مسلمان را تقویت می بخشد.

۸- زبان و قلب مسلمان را پاک نگه میدارد و قسوت قلبش را دور میزند.

۹- بعد از خواندن این اذکار احساس امنیت روحی و بدنی در حالت مسلمان و نمود میشود.

۱۰- هنگام خواندن این اذکار ملائکه رحمت مسلمان را حراست میکنند.

هنگامیکه مسلمان برای تداوی در شفاخانه ویا برای دم کردن نزد کدام عالم ومولوی روان می شود باید عقیده راسخ داشته باشد که شفای انسان ونفع ونقص وصحت یابی اش بدست الله متعال است، تداوی دم خواندن تنها وسیله وسبب است که مسلمان باید انجام دهد وبی تفاوت نماند ونا امید ومأیوس هم نشود، گرفتن اسباب وجستجو کردن وسائل توکل به الله تعالی را نفی نمی کند ومسلمان که بی تفاوت می ماند در تداوی خود وفامیل خود از نظر دین مبین اسلام مقصر شناخته می شود، در ضمن تداوی طبی دعاء را نیز فراموش نکند.

واین برادر عزیز خانم خود را توصیه نماید که توبه کند وتداوی طفل را در دنیای انحرافات وخرافات وعقبماندگی وشرکیات جستجو نکند همانا دو شیوه تداوی وجود دار که یکی تداوی با قرآن کریم ودومی علاج ومعالجه طبی نزد طبیبان اطفال وشفاخانه اطفال است.



## شرح حدیث: سه چیز را باید انتخاب درست نمود زن، اسپ و خانه

یکی از دوستان از شهر کابل چنین سوال نموده:

در حدیث شریف آمده که نحوست در سه چیز است زن اسپ و خانه، تفسیر این حدیث شریف چی است؟ و خود نحوست چی معنی میدهد؟ و چرا زن نحوس است؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

این حدیث صحیح است و در صحیح بخاری از عبد الله بن عمر - رضی الله عنهما - روایت شده که فرموده است: "سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول: إنما الشؤم في ثلاثة: في الفرس، والمرأة، والدار"<sup>۱</sup> تشاؤم و تفاؤل تنها در سه چیز است زن اسپ و خانه.. خانه که تنگ و مخروبه بوده باشد و نیز همسایه های خوب نداشته باشد و سبب آزار و اذیت انسان شود باید که این چنین خانه را ترک کرد، همچنان تشاؤم در زن این است که طفل نیاورد و نیز زشت و بدخوی و بد زبان باشد و سبب آزار و اذیت شوهر خود شود و همیشه شوهر را در شک و شبهه واقع کند، و تشاؤم در اسپ این است که از آن در غزوات و جنگها استفاده نشود و نیز بسیار گرانبها باشد.

<sup>۱</sup> - صحیح البخاری، کتاب الجهاد والسير، باب ما یذکر من شؤم الفرس، شماره حدیث: (۲۸۵۸)، (ج ۴، ص ۲۹).

تشاؤم وفال بد گرفتن در دین مبین اسلام وجود ندارد و حتی انسان که معتقد به آن باشد او را به شرک می کشاند..اما در این سه چیز عبارت از خبر دادن است که اگر این سه چیز مورد پسند انسان نباشد و سبب آزار و اذیت رسانیدن برایش شود بهتر که خانه واسپ را بفروش برساند و خانم را طلاق دهد..این فال بد نیست اگر در واقع و عملاً ثابت شود این که این چنین است بهتر است که اقدام کند بخاطر راحت و خلاصی از مشکلات.

و معنای نحوست شر دیدن، بدی وزشتی است، در قرآن کریم نیز ذکر شده " فِي يَوْمٍ نَخَسُ مَسْتَمِرًّا " <sup>۱</sup> در روز شر که انسان را به جهنم سوق میدهد.

برداشت غلط و مفهوم نادرست گرفته نشود که در جنس اسپ و خانه و خانمها فال بد وجود دارد. بلکه بخاطر اهمیت حیاتی این سه چیز خبر داده شده که خانم خوب و صالح واسپ کم قیمت و صبور و نیز خانه را در جای خوب انتخاب کند.



<sup>۱</sup> - سوره قمر: ۱۹.

## آیا کسی از غیب خبر دارد؟

یکی از هموطنان عزیز ما چنین سوال نموده :

بعض کسان هستند که دعوا دارند که غیب را میدانند، آیا آنها را شیطان یاری و همکاری میکند؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

هیچ کس غیر از الله متعال از غیب خبر ندارد و غیب را نمی داند، چنانکه او تعالی می فرماید: "وعنده مفاتيح الغيب لا يعلمها إلا هو"<sup>۱</sup>.

وکلید خزائن غیب نزد او تعالی است و جز الله عزوجل کسی بر آن آگاه نیست.

و فرموده است: "قُلْ لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ"<sup>۲</sup>.

ای رسول خدا بگو که در همه آسمانها و زمین جز او تعالی کسی علم غیب را نمی داند.

۱ - سورة الأنعام، الآية: ۵۹.

۲ - سورة النمل، الآية: ۶۵.



رسول الله صلى الله عليه وسلم در حدیث صحیح فرموده است:  
 "لا يعلم الغیب إلا الله" <sup>۱</sup>.

هیچ کس غیر از الله عزوجل از غیب آگاه نیست.

و در حدیث دومی آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرموده است:  
 "مَنْ أَتَى كَاهِنًا، أَوْ عَرَّافًا، فَصَدَّقَهُ بِمَا يَقُولُ، فَقَدْ كَفَرَ بِمَا أُنزِلَ عَلَى مُحَمَّدٍ  
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ" <sup>۲</sup>.

کسیکه نزد غیبگو و جادوگر و فالبین رود و به آنچه که غیبگو از  
 غیب میگوید تصدیق کند به آنچه که بر محمد صلی الله علیه  
 وسلم نازل شده کافر است، یعنی به دین اسلام کافر شده است.



### همه چیز تقدیرش در قضا و قدر نوشته شده است

یک دوست محترم ما سوال نموده که :

در مورد تقدیر است، منظور من این است که انسان وقتی تولد  
 میشود یا قبل از تولد میگویند همه چیز در تقدیرش نوشته میشود  
 مثلاً نوشته میشود که این شخص از اول تا به آخر چه میکند؟  
 کدام کار خیر را در فلان موقع عمر خود انجام میدهد؟ یا کدام کار

<sup>۱</sup> - أخرجه البخاري في صحيحه، شماره حدیث: (۷۳۸۰)، ج ۹، ص ۱۱۶.

<sup>۲</sup> - أخرجه أحمد في مسنده، شماره حدیث: (۹۵۳۶)، ج ۱۵، ص ۳۳۱.

شر را در فلان موقع عمر خود انجام میدهد؟ یا این انسان کافر میباشد یا مسلمان؟ اگر مسلمان میباشد وقتی تمام اعمال شخص از پیش تعیین باشد و در نتیجه آیا به دوزخ میرود یا به جنت؟

خوب اگر چنین باشد پس انسان از ابتدا تا آخر عمر یک موجود محکوم است بنا براین یک موجود محکوم نیازی به امتحان ندارد.

آیا همه اعمال انسان از قبل پیشبینی شده است در تقدیرش؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

بلی درین شکی نیست که هر چیز نوشته شده است لیکن مسلمان مأمور به عمل کردن و برابر کردن اسباب آن هم است.. مثلاً در تقدیر نوشته است که یک شخص با فلان خانم عروسی میکند.. لیکن بعد از گرفتن اسباب خواستگاری و برابر کردن وسائل و لوازم عروسی.. و مسلمان به این فکر نباشد که همه چیز در تقدیرش نوشته شده و کار نکند این یک عقیده فاسد و غیر صحیح است که اهل سنت آن را عقیده جبریه می نامند.. و این دلیل شده نمی تواند که گناه کند و بگوید هر چیز در تقدیرش نوشته شده.. بلکه رفتن جنت و دوزخ بدست خود انسان است.. و در نتیجه عمل خوب و بد سرنوشتش تعیین می شود.

الله متعال برای انسان خیر می خواهد و انسان را به کار خیر تشویق می کند و جوائز تشویقی زیادی را برایش تعیین کرده و جنت های زیبا را در انتظارش گذاشته تا اینکه در راه خیر برود.. و از زشتی و بدی و کج روی و انحراف انسان را ترسانیده زیرا زشتی و بدی را نمی خواهد برای انسان .. به این معنی که در جنت و دوزخ رفتن نتیجه اعمال و کردار خود انسان است ( وهدیناه النجدین )<sup>۱</sup> هر دو راه خیر و شر را برایش نشان داده و تشویق نموده که راه خیر را اختیار کند.

و این عقیده که هر کار و هر چیز نوشته شده باید انسان عمل نکند غلط و نادرست و باطل است و خداوند متعال این عقیده مشرکان را در روز قیامت رد می کند : " سَيَقُولُ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكْنَا وَلَا آبَاؤُنَا وَلَا حَرَمْنَا مِنْ شَيْءٍ كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ حَتَّى ذَاقُوا بَأْسَنَا قُلْ هَلْ عِنْدَكُمْ مِنْ عِلْمٍ فَتُخْرِجُوهُ لَنَا إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَخْرُصُونَ"<sup>۲</sup>.

آنها در روز قیامت می گویند که اگر الله نمی خواست نه ما و نه پدرها و نیاکان ما شرک می آوردند بخدا.. لیکن الله متعال در جواب شان می فرماید که این تنها گمان شان است و دلیل ندارند غیر از اینکه سکوت کنند و به جرم شان اعتراف کنند.

<sup>۱</sup> - سوره بلد: ۱۰.

<sup>۲</sup> - سوره أنعام: ۱۴۸.

واین دلیل شده نمی تواند که هر چیز نوشته است و انسان گناه کند و مرتکب هر بدی و زشتی جرم و جریمه شود، بلکه باید به کارهای خیر و نیک و صالح رو آورد و بعد از توکل به خداوند اسباب و وسائل و لوازم کارهای دینی و دنیائی خود را برابر کند .. مثلاً الله متعال تخلف و عقب مانده گی را برای مسلمان نمی پسندد بلکه دوست میدارد که مسلمان رهبری بشریت را بدست داشته باشند، الله متعال فرموده است "وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزِنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ"<sup>۱</sup> شما غمگین مشوید زیرا شما کامیاب هستید در صورت که ایمان داشته باشید و عمل کنید تا اینکه در نتیجه جدو جهد و تلاش بتوانید به رهبری و قیادت بشریت برسید، و اگر مسلمانان خواب باشند در خانه های شان، و بگویند که هر چیز نوشته است و نیاز به کار و سعی و تلاش نیست همه هستی و زندگی شان را از دست می دهند و خوار و ذلیل می شوند.



<sup>۱</sup> - سوره آل عمران: ۱۳۹.

## حکم رفتن به مزار بخاطر میله سخی

یکی از دوستان چنین سوال نموده:

آیا کسانی که از ولایات مختلف بخاطر میله سخی به مزار میروند گنهگار می شوند؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله وبعد:

میله نوروزی که در روضه شهر مزار برگزار می‌گردد کاملاً به شیوه مخالف شریعت حتی گفته می‌توانیم که به شیوه شرکی انجام میشود هر شخصیکه در این میله خرافاتی شرکت میکند گنهگار می شود.



## دیدگاه شریعت در مورد دکانها، دفاتر و مکانهای تعویذ نویسی

ملا صاحب محمد امین محمدی از اینکه تعویذ نویسی را جائز نمی‌دانیم خشمگین شده و میگوید که شما حق ندارید که مردم را از تعویذ نویسی منع کنید باید برایش بنویسم که :

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله أما بعد:

تعویذ راه را برای بی حرمتی آیات قرآن کریم هموار می‌نماید، و توکل مسلمان را ضعیف می‌سازد.

قول راجح نزد علمای اهل سنت و جماعت این است که آویزان کردن و بسته کردن تعویذ در جسم انسان جواز ندارد حتی اگر از آیات قرآن کریم واحادیث نبوی هم باشم نظر بدلائل ذیل:

۱- هیچ دلیل صحیح وجود ندارد به مشروعیت و جواز این عمل... و در عدم وجود دلیل بر جواز آن ممنوع و غیر مشروع میباشد.

۲- از رسول الله صلی الله علیه وسلم ، و صحابه کرام، و تابعین، و فقهاء امت ثابت نیست که بخاطر شفا یابی تعویذات را به گردن آویزان نموده باشند.

۳- استفاده از تعویذات راه را برای بی حرمتی آیات قرآن کریم هموار میسازد و در هر جا زیر پا می شود و در جاهای ناپاک انداخته می شود.

۴- شخص که تعویذ دارد روز چند بار در تشنابها می رود که این خود بی حرمتی آیات قرآنی و گناه است.

۵- شخص که به گردنش تعویذ دارد در حالت جنابت نیز تعویذ را با خود میداشته باشد که شرعا جواز ندارد.

۶- همچنان این تعویذات وسیله برای رفتن به طرف شرک می شود و خدای نخواستہ مسلمان به طرف شرک کشانیده می

شود در صورت که این تعویذات مشتمل به الفاظ شرکی و شیطانی باشد... و توکل مسلمان را به خداوند متعال ضعیف میسازد.

۷- تعویذ مسلمان را از خواندن اذکار مسنون و مآثرات باز میدارد زیرا شخص که تعویذ دارد فکر می کند در امن و امان بسر می برد و ضرورت به این اذکار و توکل نیست.

۸- تعویذ نویسان سبب گمراهی مردم می شوند و عقبمانده گی ها و مزخرفات و شرکیات را بنام تعویذ نویسی ترویج میدهند و مال مردم را به باطل می خورند.

۹- اکثر جادوگران بنام تعویذ به مردم جادو میکنند که سبب آزار و اذیت مردم می شود و زندگی بسیاریها را تباه نموده اند توسط این اعمال شیطانی شان.

هموطنان متدین و مسلمان و عزیز ما خصوصا جوانان تعویذ نویسان را در قریه و محله و منطقه خود اجازه فعالیت ندهند و انحرافات شان را به مردم بیان نمایند.

بهترین علاج مسلمان بعد از توکل بخداوند متعال و خواندن اذکار مآثرات و سوره بقره و آیت الکرسی و سوره کافرون و سوره اخلاص و معوذتین است.



## حکم آویزان کردن تعویذ به نیت شفاء و تداوی

قول راجح نزد علمای اهل سنت و جماعت این است که آویزان کردن و بسته کردن تعویذ در جسم انسان جواز ندارد حتی اگر از آیات قرآن کریم و احادیث نبوی هم باشم نظر بدلائل ذیل:

۱- هیچ دلیلی صحیح وجود ندارد به مشروعیت و جواز این عمل، و در عدم وجود دلیل بر جواز آن ممنوع و غیر مشروع میباشد.

۲- استفاده از تعویذات راه را برای بی حرمتی آیات قرآن کریم هموار میسازد و در هر جا زیر با می شود و در جاهای ناباک انداخته می شود.

۳- همچنان این تعویذات وسیله برای رفتن به طرف شرک می شود و خدای نخواستہ مسلمان به طرف شرک کشانیده می شود در صورتی که این تعویذات مشتمل بآلفاظ شرکی و شیطانی باشد، و توکل مسلمان را به خداوند متعال ضعیف میسازد.

بهترین علاج مسلمان بعد از توکل بخداوند متعال و خواندن اذکار مأثورات و سوره بقره و آیت الکرسی و سوره الکافرون و سوره اخلاص و معوذتین است.





## دست پیر گرفتن مخالف شریعت است

بعوض حاضر شدن در حلقه های درسی وحدت الوجودی شرکی وباطنی ولو که از کتابهای شعر وادب هم باشد به آموختن علم شرعی صحیح ودرست وثقافت اسلامی، دین وایمان مسلمان را تقویت می بخشد، وکسب دانش دنیوی مفید وتخصصات گوناگون در آبادی وطن ما نقش مهم میداشته باشد اهتمام کنیم.

در حالیکه دست پیر گرفتن ورفتن به طریقت شیوهای است که مانع ترقی وپیشرفت دینی ودنیائی می شود وانسان را به عقبماندگی وانحرافات وگمراهی می کشاند.

به هر صورت در زمانه های سابق هر چه بوده ( عفی الله عما سلف ) الله متعال بزرگان را عفو ومغفرت کند وما وشما برای آنها دعای خیر می نماییم.

لیکن باید بدانیم که بعوض طریقت، دست پیر گرفتن، در دین خود زهد وتقوا داریم که مثل آئینه صاف وواضح است که در آن انحرافات وجود ندارد.

واین امر طبیعی است که دکانداران دین، تعویذ نویسندگان، فالبینان، کفشناسان، جادوگران مخالف سعی وتلاش های اصلاحی وتجدیددی هستند که منبع واساسش قرآن وسنت به فهم سلف صالح ورهنمودهای مذهب حنفی است، این اشخاص منحرف

مزاحمت، مقاومت و مخالفت می کنند بخاطر حفظ جایگاه شان زیرا آنها از نافیهمی عوام الناس سوء استفاده نموده انحرافات، عقبماندگیها را وسیله رزق و روزی و منزلت دنیائی شان قرار داده اند.



### سجاده نشینی پیرها یک شیوه انحرافی و مخالف شریعت است

یکی از علاقمندان مسائل دینی سوال نموده :

آیا در دین اسلام سجاده نشینی وجود دارد در بعض اطراف شهر هرات ملاهای هستند که خود را سجاده نشین پیرها می نامند؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

سجاده نشینی را که اینها دعوا دارند دنیای از انحرافات عقیده وی، فکری، سلوکی و اخلاقی، حماقتها، وبی بندوباری است که در دین اسلام جا ندارد، و عبارت از تجارت بنام دین بوده که سبب نشر خرافات و انحرافات و عقبماندگی مسلمانان شده و در شریعت اسلامی هیچ جایگاه و مشروعیت ندارد، بلکه خطر بزرگ در سر راه اسلام واقعی شمرده می شود.

اهل سنت وجماعت مصدر عقائد شان را قرآن کریم و سنت صحیح رسول الله صلی الله علیه وسلم میدانند در حالی که اینها ها مصدر عقائد شان را الهام و وحی آمده شده بر سجاده نشینان شان میدانند از طریق جنیات و کشفیات روحانی که قلبهای های شان مرتبط به قلب رسول الله صلی الله علیه وسلم است به گمان فاسد شان و به عروج و بالا رفتن روح شان در آسمان میباشد که فناء فی الله می شوند - نعوذ بالله -.

### عقیده اینها در مورد الله جل جلاله:

آنها به عقیده (حلول) باور دارند به این معنی که شخص سجاده نشین خود اله ورب میباشد و غیب را میداند مثلی که خداوند متعال غیب را میداند و هدف شان رسیدن به مقام نبوت بوده تا اینکه پیشرفت نموده به مقام خدای الوهیت و ربوبیت برسد و بعد ازان به عقیده (وحدت الوجود) برسد که در کون و دنیا غیر از خداوند چیزی دیگری وجود ندارد.

### عقیده شان در مورد رسول الله صلی الله علیه وسلم:

آنها در مورد رسول الله صلی الله علیه وسلم عقائد مختلف دارند بعضیها میگویند که رسول الله صلی الله علیه وسلم کمتر از مرتبه شان است، مثلی که یکی از علمای شان نوشته است: "خضنا بحرا وقف الأنبياء بساحله" ما در بحری داخل شدیم که انبیاء و پیامبران در ساحل آن ایستاده شدند.. به این معنی که آنها به

گمان شان از پیامبران مرتبه بیشتر دارند -نعوذ بالله-، و بعضی شان رسول الله صلی الله علیه وسلم را در مقام خدای والوهیت می‌رسانند و عقیده دارند که کائنات از نور او خلق شده و او بالای عرش است.

### عقیده شان در مورد اولیاء:

آنها عقیده دارند که اولیای شان به درجه مساوات می‌رسد با الله جل جلاله و قدرت ریزش باران را دارند و مریضان را شفا می‌بخشند و مرده‌ها را زنده می‌سازند، که این خود شرک است.

### شریعت سجاده نشینان:

شراب نوشی، اختلاط زنان و مردان نامحرم در حلقات ذکر شان کار عادی به شمار می‌رود و هیچ گناه نیست، چون رهبران شان قدرت بخشیدن گناهها را دارند و خداوند عبادات و تکالیف شرعی را از آنها ساقط ساخته و آنها مکلف نیستند که حلال و حرام را فرق کنند و یا شریعت را بالای شان تطبیق نمایند، و اتباع شان را آهسته آهسته و به تدریج تربیه نموده تا اینکه حق را برای شان باطل و باطل را حق نشان داده و همه راهای بیرون رفت را بالای شان قطع کنند.

## اهتمام شان به کرامات اولیاء و زیارتها مرده ها:

همیشه کوشش میدارند که بسیاری از امور عبادات و معاملات و کارهای شان را توسط کرامت ثابت کنند ولو که متوسل به دامن شیطان و جنیبات هم شوند که بارها به شرک کشانیده می شوند بخاطر بدست آوردن کرامت، وهم به زیارتگاهها اهتمام زیاد دارند و حل بسیاری از مشکلات شان را نزد زیارت و مرده ها میدانند و متوسل به آنها می شوند.

خلاصه مطلب اینکه سجاده نشینی پیرها عبارت از تجارت بنام دین بوده که سبب نشر خرافات و انحرافات و عقب ماندگی مسلمانان شده و در شریعت اسلامی هیچ جایگاه و مشروعیت ندارد، بلکه خطر بزرگ در سر راه اسلام واقعی شمرده می شود.



## عقیده داشتن به بسته شدن بخت

یکی از دوستان دانشمند و دعوتگر از ولسوالی رستاق ولایت تخار چنین سوال نموده :

جناب استاد سوالی داشتم که قبلاً هم الحمدلله درباره اش معلومات نسبی داشتم اما بخاطر اطمینان قلبی ام خواستم همرايتان شريك سازيم، سوال اينکه برادری مشکلات در باره زن گرفتن داشتند که بسیار جاها اقدام کردند اما متاسفانه کارشان

نمیشود یعنی این که صاحب دختر نمیدهد دخترش را به همین منظور یک تعداد مردم مشکلات عقیدوی دارند میگویند که بختش بسته است باید بختش باز شود لذا از جناب شما خواهشمندم که از لحاظ شرعی نظر اسلام را میخواستیم و راهای درمان شرعیش را متوجه مان می‌ساختید که چی باید کرد؟ جزاکم الله وخیرا.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

مسلمان باید همیشه به الله متعال گمان نیک داشته باشد ومتيقن باشد با ایمان کامل خود که هر آنچه اتفاق میفتد از خیر وشر همه برایش خیر شمرده می شود واجر دارد در صورتی که در حالت حصول خیر ونیکی وخوشی شکر او تعالی را بجا بیاورد، ودر صورتی که به مکروه ونا پسندی مواجه شود صبر کند وآنرا ابتلاء وامتحان بداند واین است حدیث صحیح به همین معنی که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است: "عَجَبًا لِأَمْرِ الْمُؤْمِنِ، إِنَّ أَمْرَهُ كُلَّهُ خَيْرٌ، وَلَيْسَ ذَاكَ لِأَحَدٍ إِلَّا لِلْمُؤْمِنِ، إِنْ أَصَابَتْهُ سَرَاءٌ شَكَرَ، فَكَانَ خَيْرًا لَهُ، وَإِنْ أَصَابَتْهُ ضَرَاءٌ، صَبَرَ فَكَانَ خَيْرًا لَهُ" <sup>۱</sup>.

الله متعال مؤمنان را متوجه میسازد که هر آنچه را شما پسند می کنید ناپسند میباشد ودر شر تان تمام می شود وهر آنچه را که نا پسند می بینید در خیر تان تمام می شود واو تعالی میداند

<sup>۱</sup> - أخرجه مسلم في صحيحه، شماره حدیث: (۲۹۹۹)، ج ۴ ، ص ۲۲۹۵.

و شما نمی دانید: "وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ".<sup>۱</sup>

اما عقیده داشتن که فلان شخص بختش بسته است گناه کبیره است و اگر مسلمان توبه نکند همین گناه او را به طرف دوزخ سوق میدهد.

مسلمان سعی و تلاش وجد و جهد خود را بخرچ دهد و اسباب دنیوی انجام کار را برابر کند و هرگز مأیوس نشود و به این نظر باشد که همان جاهای که خواستگاری اش را قبول نکرده در خیرش تمام شده و الله متعال شر را از او دفع کرده، و نظر به تدین و التزام دینی، فکر و سویه تعلیمی و حالت اقتصادی خود اقدام کند و به الله متعال توکل داشته باشد و دعاء را که سلاح مؤمن و مسلمان است فراموش نکند، و در عین حال نفس و حالت خود را مراجعه کند و اگر کمی، کاستی را در وجود خود و در ماحولش ملاحظه کرده باشد آنرا جبران کند و در نهایت امر هدف مشروعش تحقق می یابد و یکی از دختران متدین و نیکو کار نصیب حالش میگردد و ما خوانندگان دعا می نماییم که الله متعال دروازه های رحمت خود را برویش باز بدارد زیرا او تعالی بندگان صالح و با تقوای خود را یاری

<sup>۱</sup> - سورة البقرة، الآية: ۲۱۶.

ومدد می نماید: "ومن يتق الله يجعل له مخرجا ويرزقه من حيث لا يحتسب".<sup>۱</sup>



دا برداشت ناسم او خرافاتي دی چې د فلاني شخص  
بخت تړل شوې دی.

یوې خور له کابل ښار څخه پوښتنه کړې ده:

آیا دا باور حقیقت لري چې د انسان د واده بخت  
تړل کېږي؛ او څنگه باید پرانیستل شي؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

مسلمان باید په قضا او قدر بشپړ ایمان ولري، هر  
هغه څه چې الله تعالی د هغه لپاره مقدر کړي وي او لیکل  
شوي دي، واقع کېږي او ورته رسېږي؛ په سرنوشت،  
نصیب او قسمت پورې یې اړه لري، او په همدې سیاق  
بنده مأمور دی چې خپلو موخو ته د رسېدو او تحقق  
لپاره سعی او تلاش وکړي، د هغه دنیايي اسباب د خپلې  
توانايي تر حده برابر کړي البته وروسته له دې چې په

<sup>۱</sup> - سورة الطلاق، الآية: ۲-۳.



هغه تعالى يې توکل کړی وي او د خپل آرمان د تحقق او کار د آسانۍ په خاطر دې دعاء هم وسيله کړي.

اما دا چې په دې عقیده وي چې بخت يې بند شوی دی نو دا عقیده او باور درست نه دی بلکه یوه خرافاتي، ناسمه او د شریعت خلاف عقیده ده چې په قضا او قدر د انسان ایمان متزلزله کوي..مثلا د واده وروسته کېدل او یا ځینو اهدافو او آرمانونو ته نه رسېدل په هغو کې حکمتونه پټ دي چې الله تعالى مقدر کړي دي؛ هغه تعالى د حکمت څښتن دی؛ یو له نومونو څخه یې "الحکیم" دی؛ بنده نه پوهېږي او بي صبره کېږي..همدا چې انسان خپلو آرمانونو ته د رسېدو دنیوي اسباب برابر کړي، دعاء هم هېره نکړي او ایمان ولري چې پرته له هغه تعالى هیڅ ذات د هغه مرسته نشي کولای په همدې حد کې دا کافي دي چې دواړه حالتونه یې په خیر تمام شي..که آرمان او هدف یې تحقق و مومي نو هدف ته رسیدلی او هغه تعالى لره دې شکر گزاره شي او که آرمان ته و نه رسېږي صبر دې وکړي؛ اخروي اجر او بدله لري ځکه چې په صحیح حدیث کې ثابت دي چې د مؤمن او مسلمان ټول امور خیر وي او یا شر، په خیر یې تمامېږي.

او باید پوه شو چې د اهل سنت و جماعت علماؤ قضاء او قدر په دوه برخو ویشلي دي :

الف: تقدیر معلق: او هغه ته دعاء تغیر ورکوي مثال  
 پي دا دی چې الله تعالی د یو چا په تقدیر او قسمت کې  
 لیکلي وي چې هغه ته اولاد په نصیب کړي لیکن  
 وروسته له دې چې هغه دعاء وکړي او له الله تعالی څخه  
 پي وغواړي، ماشومان او اولاد یې په نصیب کېږي او د  
 بې اولادۍ حالت یې په اولاد داری سره تغیر کوي  
 وروسته له دعاء څخه. په دې معنی چې دعاء تقدیر معلق  
 لره تغیر ورکړ، یا دا چې یوه جینی ورته لیکل شوې ده  
 چې مېرمنه یې شي، یا موتر لانکروزر او هایلکس یې د  
 هغه لپاره لیکلي وي، یا دا چې یو منصب او دنده؛ لیکن  
 وروسته له دې چې دعاء وکړي، هغه تعالی وروسته له  
 دعاء تقدیر معلق ته تغیر ورکوي.

ب- تقدیر حتمي: چې هغه ته دعاء تغیر ورکولای  
 نشي مثل اجل او د انسان مرگ چې لیکل شوی دی.

اما موږ باید پوهه شو چې په قضاء او قدر د ایمان له  
 مقتضیاتو/غوښتنو څخه دا دي چې مسلمان خپل کارونه  
 سنجیده، پلان شوي، په حکمت سره سرته ورسوي او په  
 خپلو ټولو دیني او دنیوي امورو کې د شریعت د  
 اوامرو او نواهیو پابند وي..مثلا که څوک غواړي چې  
 طبیب شي د طب د علم اړوند علوم او معارف دې زده  
 کړي، که غواړي چې محاسب شي باید د محاسبې علوم  
 انتخاب کړي، که غواړي چې فقیه شي شرعي مسائل، د

فقه علم او متعلقات یې باید زده کړي.. او د قضاء او قدر منتظره کېږي دې نه .. په دې دنیا کې انسان د خپل سعی، تلاش، جدو جهد په اندازه لوړو درجو ته رسېږي.

په قضاء او قدر د ایمان درلودلو معنی دا نه ده چې انسان خپل دنیوي کارونه ترک کړي .. بلکه لکه چې ومو ویل په قضاء او قدر د ایمان له مقتضیاتو څخه دا دي چې مسلمان خپل سعی او تلاش وکړي او د خپلو اهدافو، آرمانونو او چارو د تحقق لپاره له ټولو مشروع وسائلو استفاده وکړي.



### بسته شدن بخت انسان

یکی از خواهران از شهر کابل سوال نموده:

آیا این باور حقیقت دارد که بخت ازدواج انسان بسته می شود؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، وبعد:

مسلمان باید به قضا و قدر ایمان کامل داشته باشد و هر آنچه را که الله متعال برایش مقدر گردانیده و نوشته است واقع میشود و برایش میرسد و به سرنوشت و نصیب و قسمت او تعلق میگیرد، و

در همین سیاق بنده مأمور است که برای رسیدن به اهداف خود و تحقق آن سعی و تلاش نماید و اسباب دنیایی آنرا در حد توانایی خود برابر کند بعد از اینکه به او تعالی توکل کرده باشد و بخاطر تحقق آرمان خود و آسانی کارش دعا را نیز وسیله قرار دهد.

اما اینکه معتقد باشد بختش بسته است این عقیده و باور درست نیست بلکه یک عقیده خرافاتی و نادرست و مخالف شریعت است که ایمان انسان را به قضا و قدر متزلزل میسازد، مثلاً تأخیر در ازدواج و یا عدم دست رسی به بعض اهداف و آرمانها در آن حکمتهای نهفته است که الله متعال مقدر کرده و میداند و او تعالی با حکمت میباشد و یکی از نامهایش حکیم است و بنده نمی داند و بی صبر می شود، همینکه انسان اسباب دنیای رسیدن به آرمان خود را برابر کند و دعا را نیز فراموش نکند و ایمان داشته باشد که بغیر از او تعالی هیچ ذاتی او را یاری کرده نمی تواند در همین حد کافی است که هر دو حالت بخیرش تمام شود، اگر آرمان و هدفش تحقق یابد به هدفش رسیده و او تعالی را شکر گزار باشد و اگر به آرمانش نرسد صبر کند اجر و پاداش اخروی دارد زیرا که در حدیث صحیح ثابت است که همه امور مؤمن و مسلمان خیر باشد و یا شر بخیرش تمام می شود.

و باید بدانیم که علمای اهل سنت و جماعت قضاء و قدر را بدو بخش تقسیم نموده اند:

الف: تقدیر معلق: و آنرا دعا تغییر میدهد مثال آن اینکه الله متعال در تقدیر و قسمت کسی نوشته است که او را اولاد نصیب کند لیکن بعد از اینکه او دعا کند و از او تعالی بخواهد در این صورت وقتیکه دعا کند، اطفال و اولاد نصیبش می شود و حالت بی اولادی اش به اولاد داری تغییر میکند بعد از دعایش به این معنی که دعا تقدیر معلق را تغییر داده، یا اینکه یک دختر را برایش نوشته که خانمش شود و یا موتر لانکروزر و هایلکس را برایش نوشته، و یا اینکه یک منصب و وظیفه را لیکن بعد از اینکه دعا کند، او تعالی بعد از دعا تقدیر معلق را تغییر میدهد.

ب- تقدیر حتمی: که آنرا دعاء تغییر داده نمی تواند مثل اجل وفات نمودن و مرگ انسان که نوشته شده است.

اما ما باید بدانیم که از مقتضیات ایمان به قضاء و قدر این است که مسلمان کارهای خود را سنجیده، پلان گذاری شده، به حکمت انجام دهد و در همه امور دینی و دنیوی خود پابند اوامر و نواهی شریعت باشد، مثلا اگر کسی می خواهد طبیب شود باید علوم و معارف مربوط به تخصص علم طب را بیاموزد، و اگر می خواهد محاسب شود باید علوم محاسبه را انتخاب کند و اگر می خواهد فقیه شود مسائل شرعی و علم فقه و متعلقات آن را

بیاموزد، و منتظر قضاء و قدر نماند، انسان در این دنیا به اندازه سعی و تلاش و جد و جهد خود به درجات عالی میرسد.

ایمان داشتن به قضاء و قدر معنایش این نیست که انسان کارهای دنیای خود را ترک کند، بلکه از مقتضیات ایمان به قضاء و قدر این است که مسلمان سعی و تلاش خود را بکند و بخاطر تحقق اهداف و آرمانها و کارهای خود از همه وسائل مشروع استفاده کند.



### مهندسان و معمارانی که در ساخت زیارتگاهها نقش دارند گنهگار می شوند

یکی از هموطنان عزیز ما از ولایت غزنی چنین سوال نموده:

من انجنیر ساختمانی استم شرکت ساختمانی دارم از من تقاضا می شود که ترمیم و مجلل ساختن قبرها و زیارتگاهها را بدوش بگیریم پول واجوره هنگفت میدهند یک استاد پوهنتون غزنی گفت از استاد فضل الله ممتاز سوال کو، آیا کار ما حلال است؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

اولا: مجلل ساختن قبرها و زیارتگاه ساختن در شریعت ناجایز و حرام است، و باید مرده مطابق سنت رسول الله صلی الله علیه

وسلم دفن گردد برایش قبر ساخته شود، حتی ولو که شخصیت‌های مشهور هم باشند، مجلل ساختن قبرها و زیارتگاه ساختن بخش از شرکيات و بدعات و منكرات و انحرافات عقیدوی است، و مخالف سنت پیامبر اسلام محمد صلی الله علیه وسلم است، در حدیث صحیح ثابت است بروایت امام مسلم که رسول صلی الله علیه وسلم علی بن ابی طالب رضی الله عنه را به یمن فرستاد که همه مظاهر شرکی را ازاله و دور کند و هیچ مجسمه انسان و بت‌های را که پرستش میشد نگذارد مگر اینکه ازاله کند و هیچ قبر بلند را نگذارد مگر اینکه به زمین برابر کند، "أن علیا قال لأبي الهیاج: أبعثك علی ما بعثني علیه رسول الله - صلی الله علیه وسلم -، لا تدع قبراً مشرفاً إلا سویته، ولا تمثالاً إلا طمسته"<sup>۱</sup>.

ثانیا: دین مبین اسلام هر وسیله و ذریعه که سبب شرک آوردن به الله متعال شود و مردم را به انحرافات سوق دهد منع کرده و به زبان رسول الله صلی الله علیه وسلم امت‌های را که قبرهای انبیاء و پیامبران و صالحین را زیارتگاه میساختند لعنت کرده و امت اسلامی را از اعمال که سبب انحراف عقیدوی می شود منع کرده، زیرا این کار نه در قرآن کریم ثابت است و نه هم در سنت رسول

۱ - أخرجه أحمد في مسنده، مسند العشرة المبشرين بالجنة، مسند علي بن أبي طالب رضي الله عنه، رقم الحديث: (۱۰۶۴)، (ج ۲، ص ۵۷).

الله صلى الله عليه وسلم ونى هم در عملکرد سلف صالح، بلکه مطلقاً منع شده ونهى گردیده.

شرك آوردن در عبادت الله متعال همه اعمال صالح ونيكوى مسلمان را محو ميكند وبرزگترين گناهان كبيره است، عقیده وایمان مسلمان که سرمایه اش است توسط همين شرك متزلزل می شود، الله متعال فرموده است: " إن الله لا یغفر أن یشرك به ویغفر ما دون ذلك لمن یشاء"<sup>۱</sup> او تعالی نمی بخشد کسانی را که در عبادت او شرك می آورند و زیارتگاهها را پرستش می کنند، ونیز فرموده است: " ومن یشرك بالله فقد حرم الله علیه الجنة ومأواه النار"<sup>۲</sup> هر کسی که به او تعالی شرك بیاورد جنت را بالایش حرام گردانیده وجایگاهش را در آتش دوزخ تعیین کرده.

رسول الله صلى الله عليه وسلم در حدیث صحیح شرك آوردن را یکی برزگترين گناه شمرده که صاحبش را به آتش دوزخ سوق میدهد.

مردم متدین و شریف ما باید بدانند که این مرده ها اگر می توانستند که به کسی نفع وفایده برسانند اولاً خود شان در زیر خاک نمی بودند ووفات نمی کردند، آنها اصلاً بعد از مرگ به کسی فایده رسانیده نمی توانند، مولوی صاحبان و علمای کرام باید

۱ - سورة النساء، الآية: ۴۸.

۲ - سورة المائدة، الآية: ۷۲.



این موضوع را به صراحت به مردم شرح کنند و بفهمانند که این عملکرد شان کاملاً مخالف شریعت اسلامی است و سبب ناخوشنودی الله متعال میگردد بلکه سبب گمراهی مردم میشود و مردم ما را به دنیا عقبمانده در فکر و اندیشه و عقیده معرفی میکند.

یهود و نصاری را الله متعال به زبان رسول الله صلی الله علیه وسلم در همین مورد لعنت کرده: "لعن الله اليهود والنصارى اتخذوا قبور أنبيائهم مساجد"<sup>۱</sup> الله متعال یهود و نصاری را لعنت کرده زیرا آنها قبرهای پیامبران خود را زیارتگاه و مسجد می ساختند و عبادت میکردند. و آنها را بدترین مردم و مخلوقات نامیده: "أولئك شرار الخلق"<sup>۲</sup>.

خلاصه این مطلب که زیارت ساختن، نذر کردن در زیارت، رفتن در آن به نیت طلب حاجت و شفای مریضی و عقیده داشتن که زیارت و مرده برای شان نفع و نقصان میرساند همه شرک است و مسلمان را اگر توبه نکند از دائره اسلام خارج میسازد.

و کسانی به نادانی و جهالت این کار را میکردند باید توبه کنند زیرا جهل و نادانی عذر است اما کسانی که در این گناه اصرار

۱ - أخرجه النسائي في سننه، شماره حدیث: (۷۰۳)، ج۲، ص۴۰.

۲ - أخرجه النسائي في سننه، شماره حدیث: (۷۰۴)، ج۲، ص۴۱.

میکنند و بعد از نصیحت هم این کار را ادامه میدهند در مشرک بودن شان هیچ شک و شبهه نیست.

ثالثا: پول و پیمسه و معاش و کسب کار انجیران و معماران و شرکتهای ساختمانی که در مجلل ساختن و زیارتگاه ساختن قبرها کار میکنند حرام است و در گناه به شرکیات و انحرافات کشانیدن مردم نیز شریک هستند.



### تعویذ گرد نامه برای دریافت مفقودی

یکی از دوستان از ولایت هرات چنین سوال نموده:

آیا گرد نامه جواز دارد وقت کسی مالش مفقود میشود و یا کدام کسی مسافرت است باز آقا صاحبان گرد نامه میکنم تا مال پیدا شود و یا همان شخص باز گردد، نظر شریعت چیست؟

نوعی از تعویذات است که آقا صاحبان برای یافتن مال و برگشتن کدام شخصی میدهند و در بدلش پول میگیرند. یعنی اگر از کدام شخص مال دزدی میشود باز آن شخص برای یافتن اش به نزد آقا میرود تا دزد سر اش به چرخ آید و مال را برگرداند.

یکی از مولوی صاحبان در برنامه رادیویی اش گفت که علامه محمد سربازی در کتاب تعویذات اش این را به استدلال یک آیه جواز داده ؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

در شریعت اسلامی وسنت رسول الله صلی الله علیه وسلم، عملکرد و آثار صحابه کرام و تابعین، و اتباع تابعین تعویذ گرد نامه برای دریافت مفقودی و یا آمدن و بازگشت مسافر اساس شرعی ندارد بلکه یک عملکرد مخالف شریعت و سنت است و اگر چنین عمل مشروع میبود حتما آیات قرآنی و احادیث نبوی آنرا بیان میکرد.. بلکه این عملکرد بخش از تصورات و برداشتهای خرافاتی، انحرافی، مخالف شریعت است، بدعت و نوآوری است و کسانی به آن عمل میکنند یا به نادانی و جهالت و از احکام دین بی خبر هستند و یا اینکه در تاریکی و عقب مانده گی فکری و دینی زندگی میکنند.

مسلمان در امورات زندگی خود باید پابند اوامر و نواهی الله متعال باشد و هر نوع نو آوری در دین عبارت از معصیت و گمراهی میباشد زیرا هدف از آن این است که گویا دین ناتکمیل است و این اشخاص و افراد تلاش می کنند تا اینکه دین مبین اسلام را تکمیل کنند البته بگمان خود شان، الله متعال در قرآن کریم فرموده است: "وما آتاکم الرسول فخذوه وما نهاکم عنه فانتهوا واتقوا الله إن الله

شدید العقاب"<sup>۱</sup> هر آنچه را که پیامبر صلی الله علیه وسلم شما را به کردن آن امر کرده و هدایت داده آنرا بجا بیاورید، و از هر آنچه که شما را منع کرده از آن دوری کنید و اجتناب ورزید و از او تعالی بترسید که عذابش سخت و دردناک است.

و در آیه کریمه دیگری فرموده است: "قل إن كنتم تحبون الله فاتبعوني يحببكم الله ويغفر لكم ذنوبكم"<sup>۲</sup> بگو برای شان ای محمد که اگر شما الله متعال را دوست دارید پس پیروی من را بکنید و به سنت من عمل کنید، الله متعال شما را دوست میدارد در دنیا یاری و مدد خود را نصیب تان میگرداند و در آخرت گناهان تانرا می بخشد.

هر نوع نو آوری از جمله همین علمکردهای خرافاتی و عقبمانده گی های دینی و فکری عبارت از گمراهی است که در شریعت جا ندارد و مخالف سنت است. رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح این نوع اعمال را مردود و ناقابل قبول دانسته و کسانی را که مرتکب چنین اعمال قبیح و ناروا می شود تحذیر نموده و فرموده است: " من أحدث في أمرنا ما ليس منه فهو رد"<sup>۳</sup> هر کسی در دین من نو آوری میکند و مرتکب بدعت می شود

<sup>۱</sup> - سوره حشر: ۷.

<sup>۲</sup> - سوره آل عمران: ۳۱.

<sup>۳</sup> - اخرجہ مسلم فی صحیحہ، کتاب الأفضیة، باب نقض الأحكام الباطلة، ورد محدثات الأمور، شماره حدیث: (۱۷۱۸)، (ج ۳، ص ۱۳۴۳).

کارش مردود و خودش گنهگار است و فرموده است که: " کل بدعة ضلالة وکل ضلالة في النار"<sup>۱</sup> هر بدعت و نوآوری گمراهی است و هر گمراهی انسان را به طرف آتش دوزخ سوق میدهد.

پس باید علماء، دانشمندان و دعوتگران و جوانان عزیز مردم را آگاهی دهند و از این نوع خرافات و عقیمانده گیها و تاریکی فکری تحذیر نمایند زیرا همین بدعتها دروازه و مدخل شرک آوردن به الله متعال است، توکل انسان را ضعیف میسازد و ایمانش را متزلزل.

مسلمان در چنین حالات بعوض رو آوردن بطرف تجاران دین و انسانهای منحرف به الله متعال توکل نماید و دست به دعا شود در پهلوی آن سعی و تلاش دنیوی خود را نماید.



### حکم بوسیدن دیوارها و فرشهای حرمین

یکی از خواهران افغانی از جرمنی نوشته که خانمی افغانی به عمره رفته و از آنجا با خود بخش ازقالین مسجد نبوی را قیچی کرده و با خود برده به نیت تبرک، این چی حکم دارد؟

<sup>۱</sup> - أخرجه أحمد في مسنده، شماره حدیث: (۱۷۱۴۴)، ج ۲۸، ص ۳۷۳.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، وبعد:

تبرک وبوسیدن دیوارها، قالین وفرش حرمین جواز ندارد  
و ثواب عمره و عبادت مسلمان را محو و کم میکند، تنها بوسیدن  
و دست زدن حجر الأسود جائز و مشروع است.



### حکم رفتن نزد فالبینان و کفشناسان

یکی از خواهران علاقمند مسائل دینی از شهر کابل چنین  
سوال نموده :

بعض اشخاص چیزشان که گم میشود مثلا پیسه طلا و غیره  
چیزها باز میگویند پیش فلان نفر یا ملا برو جایش را برایت  
نشاندهی میکند که کی گرفته یا در کجا است؟ آیا این حقیقت  
دارد آیا آنها توسط جنیات کاری کرده می توانند؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

غیب را بغیر از الله متعال هیچ ذاتی و مخلوقی نمی داند، در  
حدیث صحیح که امام مسلم روایت نموده أم المؤمنین عائشه  
رضی الله عنها فرموده است: "ومن زعم أنه يعني رسول الله صلى الله

عليه وسلم . يخبر بما يكون في غد، فقد أعظم على الله الفرية<sup>۱</sup>، والله يقول: قُلْ لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ<sup>۲</sup>. کسی که گمان میکند که رسول الله صلی الله علیه وسلم از امور غیبی فردا خبر میدهد در حقیقت به الله متعال تهمت بزرگ بسته است، الله متعال فرموده است بگو ای محمد که غیب را نمی داند همه مخلوقاتى که در آسمانها وزمین هستند مگر میدانند او تعالى.

ازینرو رفتن نزد فالبینان، کفشناسان و طالع بینان و تصدیق نمودن نظریات آنان و تأیید نمودن گفته های خرافاتی و شرکی آنان گناه کبیره است که انسان را به کفر و شرک میکشاند.

در حدیث صحیح دومی بروایات امام مسلم رسول الله صلی الله علیه وسلم از تصدیق کردن و تأیید نمودن فالبینان و کفشناسان و طالع بینان تحذیر نموده و فرموده است: "من أتى عرافاً فسأله عن شيء فصدقه لم تقبل له صلاة أربعين يوماً"<sup>۳</sup>.

کسی که نزد کاهن، فالبین و کفشناس و طالع بین غیبگو برود و آنها را و گفته ها و حرفهای این دجالان را تصدیق کند نمازش چهل روز قبول نمی شود.

۱ - أخرجه مسلم في صحيحه، شماره حدیث: (۱۷۷)، ج ۱، ص ۱۵۹.

۲ - سورة النمل، الآية: ۶۵ .

۳ - أخرجه أحمد في مسنده، شماره حدیث: (۲۳۲۲۲)، ج ۳۸، ص ۲۶۴.

و در حدیث دومی آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرموده است: "من أتى كاهناً فصدقه بما قال فقد كفر بما أنزل على محمد" <sup>۱</sup> هر کسی که نزد کاهن و فالبین و کفشناس و غیبگو برود و او را تصدیق کند یقیناً بهدایات آسمانی که رسول الله صلی الله علیه وسلم باخود آورده کافر شده است.

از اینکه کاهنان و فالبینان و کفشناسان و طالع بینان خود را به شیطان تسلیم نموده اند و اوامر آنها را بجا میاورند در مقابل شرک آوردن شان شیطانها بعض حرفهای ملائکه را که باهم حرف میزنند شنیده به اینها میرساند و بعض مال و سامان و اجناس گم شده را توسط شیطانهای جنی نشاندهی میکنند زیرا جنیات انسانها را می بینند انسانها آنها را نمی بینند.

فالبین، کاهن، طالع بین، کفشناس و جادوگر با شیطانهای جنیات رابطه میداشته باشند و کارهای شرکی و کفری را انجام میدهند و به الله متعال شرک میاورند تا اینکه شیطانها در مقابل اعمال کفری و شرکی شان با این دجالان همکاری کند.



<sup>۱</sup> - أخرجه البزار في مسنده، شماره حدیث: (۹۵۰۲)، ج ۱۶، ص ۲۹۴.



## قصیده پختن بخاطر تداوی مریضان

یکی از دوستان از شهر کابل چنین سوال نموده :

از دیدگاه اسلام مسئله قصیده پختن چی حکم دارد؟ آیا کار شرعی و اسلامی است یا خیر؟ مادرم از سکتة مغزی رنج میبرد و تحت تداوی داکتر معالج است یکی از ملاها میگوید که تداوی داکتر را قطع کن و ذریعه بند و قصیده خوانی و ذبح نمودن هفت کبوتر تداوی اش میکنم؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

الله متعال والده شما را شفای عاجل نصیب فرماید، در حالت که ایشان قرار دارند ضرورت به تداوی طبی دارد و کوشش کنید که تداوی طبی را ادامه دهید. این ملای تعویذ نویس مشوره غلط ، مخالف شریعت و جاهلانه داده برای شما.

اولا : قصیده پختن یک شیوه انحرافی ، خرافاتی، شرکی ومخالف شریعت است و در دین مبین اسلام اساس ومستند شرعی ندارد، نه در قرآن کریم ثابت است، ونه هم از رسول الله صلی الله علیه وسلم ، صحابه کرام وتابعین واتباع آن تا به امروز ثابت نیست.

ثانیا: شریعت تداوی مسلمان را بوسائل وشیوه های حرام مشروع نگردانیده، و به زبان رسول الله صلی الله علیه وسلم تشویق

کرده که مسلمان تداوی کند لیکن نه با وسائل و شیوهها و علاج و معاجله حرام حسی باشد یا معنوی: "تَدَاوُوا وَلَا تَدَاوُوا بِحَرَامٍ"<sup>۱</sup>.

ثالثا: ذبح و نذر کردن هفت کبوتر بغیر از الله متعال شرک است و آن هم شرک اکبر زیرا این جادوگر مستقیما شما را بطرف شرک دعوت داده - العیاذ بالله - نذر و ذبح کردن به نیت عبادت بغیر از الله متعال برای هر مخلوق که باشد شرک پنداشته می شود.

برای مسلمان جواز ندارد که تداوی و شفای خود را نزد جادوگران کاذب، دروغگو و دجال جستجو کند.

رابعا: بند گرفتن از زیارتها، مقبره و تعویذ نویسان گناه بزرگ است و مسلمان را به شرک می کشاند.



<sup>۱</sup> - سنن أبي داود، كتاب الطب، باب في الأدوية المكروهة، شماره حدیث: (۳۸۷۴)، (ج ۴، ص ۷).

## توسل په دوه ډوله دى: توسل شرعى او توسل شرکى

محترم ورور محمد فيصل فروتن له کابل ښار څخه  
دارنگه پوښتنه کړې ده:

استاد محترم د توسل په اړه معلومات راکړئ .

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

د توسل معنا ده د دعاء، صالحو او نیکو اعمالو  
وسيله کول د مغفرت او د مسلمان د ديني او دنيوي  
آرمانونو د تحقق لپاره او په دوه ډوله دى:

۱- مشروع او شرعي توسل چې عبارت دى له :

الف - د الله تعالى په ذات توسل چې يا الله ما وبخبنه .

ب - د هغه تعالى په يو له اسماء او نومونو توسل  
مثلا : يا رحمان، يا رحيم، يا حيّ، يا قيوم ارحمنا، يا  
مهربانه الله موبر په خپل رحمت کې شامل کړه .

د - د هغه تعالى په صفاتو توسل مثلا: "اللَّهُمَّ  
بِرَحْمَتِكَ نَسْتَعِيْثُ" پروردگارا ستا په رحمت استغاثه  
کوو او مدد او مرسته غواړو .

هـ - د صالحو مسلمانانو په دعاء توسل چې ژوندي او حیات وي مثلاً یو څوک حج او عمرې ته روان وي او ورته ووايو چې موبړ هم د خیر له دعاؤ هېر نکړئ، زه ستونزې لرم او ناروغ یم لطفا دعاء راته وکړئ.

۲- شرکی، نامشروع او د شریعت مخالف توسل، چې انسان د شرک لوري ته را کاري - نعوذ بالله - چې له قبرونو او زیارتونو مرسته و غوښتل شي او یا دا چې له مړو مرسته وغواړي، او و ویل شي چې د پیغمبر په حرمت، د فلاني او فلاني په حرمت، دا توسل جواز نه لري او نا مشروع دی.



له زیارتونو او تعویذ لیکونکو څخه بند اخستل نه  
تنها لویه گناه ده بلکه مسلمان په شرک مرتکب کوي

یوه گران هیوادوال مو پوښتنه کړې ده:

لکه څرنگه چې ټولو ته معلومه ده اکثراً په افغانستان کې مروج ده چې هغه بنځې چې نسائي ولادي ستونزې لري، د بند، تعویذ او زیارت په نوم تعویذ لیکونکو ته ځي او نورو ولایاتو ته د زیارت په خاطر سفر کوي.. اصلي پوښتنه دا ده چې: آیا د بنځو د نسائي ولادي ستونزې په مورد ځینې وخت د جنیاتو تأثیر هم،

ویلاى شو چې شته؟ آیا په دې اړه اسلامي تعویذ شتون لري؟

### الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله وبعد:

پرتله له شکه چې زیارتونو، مقبرو او یا تعویذ لیکونکو ته د بند اخستلو او شفاء موندلو د طلب په خاطر تلل یو لوی دیني وروسته پاتې والی دی چې مسلمان شرک ته راکاږي ځکه چې په خالق او رازق الله پي توکل کموي، خپل ژوند، مرگ او صحتمندي له عاجز او بیچاره مخلوق څخه غواړي، هغوی چې اصلا د خاورو لاندې دي. په دې معنی چې د زیارتونو او تعویذ لیکونکو لمن نیول د ستونزو د رفع، بلاؤ د دفع او صحت مند کېدو لپاره شوي وي، له دې بې خبره چې الله تعالی خالق او رازق او د ټولو ستونزو آسانوونکی دی او د الله تعالی له ذات څخه غیر هیڅوک انسان ته نفع او ضرر رسولای نشي. او که څوک په دې عقیده ولري چې زیارت او یا تعویذ لیکونکي د بند په واسطه هغه ته شفاء ور بخښي مشرک گنل کېږي او که په ناپوهی او جهالت سره دا کار کوي معذور شمېرل کېږي ولي باید ددې حق له اورېدو وروسته له دې کار څخه توبه وکړي .. او که سره له پوهې او خبرتیا هم په دې لار روان وي پس پرتله له شکه دې شخص او هغه تعویذ لیکونکي دواړو شرک ته مخه کړې ده (نعوذ بالله من ذلك).

ددې مطلب لنډيز دا دی چې له جنیاتو، بد نظر  
و غیره څخه د حفاظت په خاطر او یا د تداوي لپاره په  
هر نوم چې وي بند اخستل حرام او لویه گناه ده چې د  
مسلمان ټول نېک اعمال او عبادات له منځه وړي او  
مسلمان د شرک په دائره کې ور داخلوي.



له قبرونو څخه زیارت جوړول د شریعت مخالف  
او د الله تعالی سره د شرک کولو ذریعه او لویه گناه ده

زمور یو بلونکي ملگري د بغلان ولایت د بورکه له  
ولسوالۍ څخه دارنگه لیکلي دي:

استاد محترم زمور په منطقه کې دا رواج دی چې  
کله یو څوک په کوم ځای کې و وژل شي، وروسته همغه  
ځای زیارت جوړوي په دې صورت کې چې مری  
همدلته نه وي او هديرې ته یې وړی وي. همدا ډول  
زیارتونه جوړول د اسلام له نظره څه حکم لري؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

د اسلام مبین دین هر هغه وسیله او ذریعه چې د الله  
تعالی سره د شرک کولو سبب کېږي او خلک انحرافاتو  
ته راکاږي، منع کړي ده؛ د رسول الله صلی الله علیه  
وسلم په ژبه یې په هغ و امتونو چې د انبیاؤ، پېغمبرانو

او صالحينو له قبرونو څخه يې زيارتونه جوړول، لعنت كړى دي او اسلامي امت يې له هغو اعمالو څخه چې د عقيدوي انحراف سبب كېږي منع كړى دى، ځكه چې دا كار نه په قرآن كريم كې ثابت دى؛ نه د هم رسول الله صلى الله عليه وسلم په سنتو كې او نه هم د سلفو صالحينو په كړنو او عملكرد كې، بلكه مطلقاً منع او نهې شوى دى.. د الله تعالى سره په عبادت كې شرك راوړل د مسلمان ټول صالح او نيك اعمال محو كوي او له كبيره گناهونو څخه دي، د مسلمان عقیده او ايمان چې سرمايه يې دي د همدې شرك پواسطه متزلزله كېږي..

الله تعالى فرمايلي دي: " **إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ**"<sup>۱</sup> هغه تعالى هغه كسانو ته بخښنه نه كوي چې له هغه سره په عبادت كې شرك كوي. او د زيارتونو پرستش كوي.. او همدارنگه يې فرمايلي دي: " **وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ**"<sup>۲</sup> هر څوك چې له هغه تعالى سره شرك وكړي جنت پرې حرام گرځول شوى دى او ځاى يې د جهنم اور دى. رسول الله صلى الله عليه وسلم په صحيح حديث كې شرك كول يو له كبيره گناهونو څخه شمېرلى چې كوونكى يې د جهنم اور ته راکاږي. زمور متدين او شريف خلک بايد پوهه شي چې دا مړي اگر كه كولاى يې

۱ - سورة النساء، الآية: ۴۸.

۲ - سورة المائدة، الآية: ۷۲.

شوای چې چاته نفع او فايده ورسوي لومړی به پخپله د خاورو لاندې نه وای او نه به هم مړه کېدل. هغوی له مرگ وروسته اصلاً چاته فايده رسولای نشي..مولوي صاحبان او علمای کرام باید دا موضوع په صراحت سره خلکو ته تشریح کړي او هغوی پوهه کړي چې دا عملکرد یې کاملاً د شریعت اسلامي مخالف دی او د الله تعالی د نارضايتی سبب کېږي بلکه د خلکو د گمراهی سبب کېږي او زموږ خلک نړۍ ته د فکري او عقیدوي لحاظه وروسته پاتې معرفي کوي. پر یهودو او نصاراؤ الله تعالی د رسول الله صلی الله علیه وسلم په ژبه په همدې مورد لعنت کړی دی: " لعن الله اليهود والنصارى اتخذوا قبور أنبيائهم مساجد" الله تعالی پر یهودو او نصاراؤ لعنت کړی دی ځکه هغوی د خپلو پېغمبرانو له قبرونو زیارتونه او مساجد جوړول او ورته عبادت به یې کاوه. او هغوی یې له مخلوقاتو څخه بدترین خلک نومولي دي: " أولائك شرار الخلق" لنډه دا چې زیارت جوړول، په زیارت کې نذر کول، هغه ته د حاجت او مرض د شفاء د طلب په نیت تلل او دا عقیده درلودل چې زیارت او مړي ورته نفع او یا نقصان رسوي؛ دا ټول شرک دی او مسلمان که ورڅخه توبه او ځان ساتنه ونکړي د اسلام له دائرې څخه وځي.. او هغه چا چې په نا

۱ - أخرجه النسائي في سننه، شماره حدیث: (۷۰۳)، ج۲، ص۴۰.

۲ - أخرجه النسائي في سننه، شماره حدیث: (۷۰۴)، ج۲، ص۴۱.



پوهی او جهالت سره یې دا کار کړی وي باید توبه وکړي ځکه جهل او نا پوهي عذر دی، اما هغه څوک چې په دې گناه اصرار کوي او له نصیحت وروسته هم دې کار ته ادامه ورکوي د هغه په مشرکیت کې هیڅ شک او شبهه نشته.



### نذر و ذبح برای غیر الله شرك است

یکی از خواهران چنین سوال نموده:

سردردی همیشگی دارم کسی گفت که پیش ملا برو تعویذ میدهد جور میشوی رفتم برایم گفت جن داری یک مال گوسفند یا بز را بنام جنیات ذبح کن جور می شوی، شریعت چی حکم کرده من ترسیدم این کار را نکردم؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

ذبح ونذر کردن بغیر از الله متعال شرک است وآن هم شرک اکبر زیرا این جادوگر مستقیماً شما را بطرف شرک دعوت داده - العیاذ بالله - نذر و ذبح کردن به نیت عبادت بغیر از الله متعال برای هر مخلوق که باشد شرک پنداشته می شود.

برای مسلمان جواز ندارد که تداوی و شفای خود را نزد جادوگران کاذب، دروغگو و دجال جستجو کند.

### کار کردن در نظافت و پاک کاری کلیسا حرام است و گناه دارد

یکی از هموطنان عزیز ما از کابل سوال نموده:

استاد محترم سلام علیکم ورحمت الله یک سوال از یک دوست است که همراهی خارجی ها در کابل کار می کند وخواستم از شما پرسان را پاک می کند و آنها مجبور هستند که امر مدیر خود را بجای کند پاک کردن کلیسا گناه دارد یا خیر مه برای شان گفتم گناه دارد گفتند خیر است از استاد محترم یک بار پرسان کن تشکر استاد محترم؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

کار کردن در هر بخش از کلیسا حرام است وگناه دارد و معاش و کسب و کار شخصیکه پاک کاری یا نگهبانی و یا آشپزی و درایوری میکند نیز حرام است زیرا کلیسا جای و محل گناه و شرک آوردن به الله متعال است و در آن عبادت صلیب میشود.

و این هموطن ما و امثالش امر مدیر خود را در مقابل نافرمانی الله متعال قبول نکند، "لا طاعة لمخلوق في معصية الخالق"، و اگر واقعا در شهر کابل کلیسا وجود داشته باشد خبر تکانهنده است و قطعاً وجود عبادتگاه صلیب در کشور ما و سرزمین اسلامی جایز

نیست و باید فوراً بند شود در غیر آن خود ملت متدین ما دست  
بکار میشوند بخاطر ازاله این لانه های شرکی.



### توسل شرعی و توسل شرکی

برادر محترم ما محمد فیصل فروتن از شهر کابل چنین سوال  
نمود :

استاد محترم در مورد توسل معلومات دهید.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

توسل به معنای وسیله قرار دادن دعا و اعمال صالح و نیکو برای  
مغفرت و تحقق آرمانهای دینی و دنیایی مسلمان و به دو نوع است:

۱- توسل مشروع و شرعی که عبارت است از :

الف - توسل به ذات الله متعال که یا الله مرا ببخش

ب - توسل به یکی از اسماء و نامهای او تعالی مثل : یا رحمان،  
یا رحیم، یا حی، یا قیوم ارحمنا، ای الله مهربان ما را شامل رحمت  
خود بساز.

د - توسل به صفات او تعالی مثل: "اللَّهُمَّ بِرَحْمَتِكَ نَسْتَعِيْثُ" پروردگارا به رحمت تو استغاثه میکنیم و یاری و مدد می خواهیم.

ه - توسل به دعای مسلمانان صالح که زنده و حیات باشند مثلا کسی به حج و عمره روان باشد برایش بگوییم که مارا از دعای خیر تان فراموش نکنید.. من مشکلات دارم و مریض هستم لطفا برایم دعاء کنید.

۲- توسل شرکی و نامشروع، و مخالف شریعت که انسان را به طرف شرک می کشاند - نعوذ بالله - که از قبرها و زیارتها کمک خواسته شود و یا اینکه از مردگان یاری بخواهد.



### عبادت و عمل صالح انسان با وجود شرک آوردن به او نفعی نمیرساند

یکی از هموطنان عزیز ما از ولایت بلخ سوال نموده:

استاد ازینکه مردم صفحه شما را می خوانند و نصیحت شما را قبول دارند آیا مردمانی که در اطراف زیارت سخی نذر و خیرات و طواف و گردش میکنند برای شان کدام فایده میرساند؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

عبادت، عمل و کردار نیکو و صالح با وجود شرک آوردن به الله متعال به صاحب او هیچ نفعی نمی رساند، الله متعال در این مورد در قرآن کریم می فرماید: "ولو أشركوا لحبط عنهم ما كانوا يعملون"<sup>۱</sup>.

واگر به خداوند شرگ ورزند اعمال و کردار و عبادت آنها محو و نیست و نابود شده از بین می رود و برای شان نفعی نمی رساند. و رسول الله صلی الله علیه و سلم در حدیث قدسی صحیح فرموده است که الله متعال می فرماید: "من عمل عملاً أشرك معي فيه غيري تركته وشركه"<sup>۲</sup>.

کسی که عمل و کاری را انجام دهد که در آن عمل و عبادت کسی دیگر را با من در خلوص نیت شریک قرار دهد من عمل و کردار او را ترک میکنم و به آن احتیاج ندارم.

نیز گردش و طواف کردن بر قبرها و زیارتگاهها جایز نیست، طواف کردن تنها بر دور کعبه مشرفه جایز است، الله متعال می فرماید: "وليطوفوا بالبيت العتيق"<sup>۳</sup>.

<sup>۱</sup> - سورة الأنعام، الآية: ۸۸.

<sup>۲</sup> - أخرجه مسلم في صحيحه، شماره حدیث: (۲۹۸۵)، ج ۴، ص ۲۲۸۹.

<sup>۳</sup> - سورة الحج، الآية: ۲۹.

وطواف را گرد خانه خدا یعنی کعبه بجا آورند.



از الله متعال چیزی خواستن بحق محمد صلی الله علیه وسلم

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله أما بعد:

توسل یا وسیله ساختن پیامران و مردگان جائز نیست که آنها را وسیله بسازیم در دعاء باید بصورت مستقیم از الله تعالی بخواهیم.

اسلوب وطریقه مشروع این است که گفته شود : یا الله بخاطر محبت ودوستی و پیروی وطاعت رسول الله صلی الله علیه وسلم مرا ببخش و حاجت من را بر آورده بساز.

مسلمان می تواند که توسط دعای مسلمان زنده و حیات حاجت خود را از الله متعال بخواهد زیرا صحابه کرام توسط دعای حضرت عباس رضی الله عنه حاجت خود را می خواستند و بعد ازان توسط فرزندش عبد الله بن عباس رضی الله عنه، و صحابه کرام و علماء و ائمه از یکدیگر طالب دعاء می شدند و تا به حال مسلمانان از یکدیگر دعا می خواهند زیرا دعای مسلمان در حق برادرش مستجاب است و نیز برای خودش هم مثل همان دعاء نوشته می شود.

از مرده ها و یا توسط مرده به هیچ صورت حاجت خواستن و یا آنها را وسیله ساختن جواز ندارد.

باید اعمال نیک و صالح خود و دیگران را وسیله بسازیم نزد الله متعال زیرا اعمال صالح سبب قبولی دعاء می شود و برای انسان شفاعت می کند نه ذوات و اشخاص، الله تعالی می فرماید: " يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ"<sup>۱</sup>.

ای کسانی که ایمان آوردین از الله تعالی بترسین یعنی تقوا داشته باشین و دنبال وسیله باشید توسط همین اعمال، و تقوا، " أُولَئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَىٰ رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ"<sup>۲</sup>، مسلمانان با ایمان کسانی هستند که دعاء میکنند و حاجات شان را مستقیماً از الله متعال می خواهند و اعمال نیک شان را وسیله قرار میدهند.

توسل بجاه و حرمت و بحق رسول الله صلی الله علیه نه از خود او و نه هم از صحابه ثابت است.

جواز ندادن به این معنا نیست که رسول الله صلی الله علیه وسلم نزد الله متعال مقام و منزلت ندارد بلکه اعلی ترین و بلند ترین مقام و منزلت از آنحضرت صلی الله علیه وسلم است و صاحب مقام

۱ - سورة المائدة، الآية: ۳۵.

۲ - سورة الإسراء، الآية: ۵۷.

محمود است و منزلت رفیع و سید ولد آدم است، لیکن این به این معنا نیست که بعد از وفات وسیله قرار داده شود.

### نظر احناف در مورد توسل:

"وفي التاتارخانية معزياً للمنتقى عن أبي يوسف عن أبي حنيفة: لا ينبغي لأحد أن يدعو الله إلا به، والدعاء المأذون فيه المأمور به ما استفيد من قوله تعالى: (ولله الأسماء الحسنى فادعوه بها) <sup>۱</sup>، به کسی جائز نیست که بغیر از دعای مشروع که با اسماء الله است کسی دیگر را وسیله قرار دهد.

و علامة الكاساني حنفي رحمه الله در كتاب بدائع الصنائع فرموده: "ويكره للرجل أن يقول في دعائه أسألك بحق أنبيائك ورسلك وبحق فلان لأنه لا حق لأحد على الله سبحانه وتعالى جل شأنه" <sup>۲</sup>.

این مکروه است که کسی الله تعالی را بحق پیامبران و رسولان دعاء کند زیرا حق کسی بالای الله تعالی نیست که وسیله شود به دیگران بعد از وفات.



۱ - رد المختار على الدر المختار، ج ۶، ص ۳۹۶.

۲ - بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع، ج ۵، ص ۱۲۶.



## حکم سفر کردن به زیارتگاه به نیت شفا یابی

یکی از هموطنان سوال نموده:

مریض هستم مردم برایم گفتند که باید در یکی از زیارتگاهها شهر کراچی پاکستان بروم و خود را بغلطانم مرضیم جور می شود شما مرا رهنمائی کنید که بروم یا نه؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله أما بعد:

رفتن به زیارتگاهها و قبرها به نیت شفاء یابی از مرض شرک آوردن به الله متعال است زیرا تنها الله متعال بندگان خود را شفا نصیب میکند و مرده ها فایده و نفع و نقصان به کسی رسانیده نمی توانند و اگر چنین میبود خود شان در زیر خاک نمی خوابیدند.. این اعتقاد نه تنها شرک است بلکه شرک بزرگ و کلان و مغلظ است که جایگاه کسی را که این اعتقاد را دارد الله متعال در دوزخ تعیین کرده و فرموده است: " إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ"<sup>۱</sup> هر کسی که به الله متعال شرک میاورد او را به وحدانیت نمی شناسد و شفا یابی خود را در زیات رفتن می بیند الله متعال جنت را بر او حرام گردانیده و جایگاه ابدی اش را در دوزخ تعیین کرده.

<sup>۱</sup> - سوره مائده: ۷۲.

وکسی را نمی بخشد و مغفرت نمی کند که شرک آورده باشد به او تعالی و هرکسی شرک میاورد در گمراهی بزرگ قرار دارد: "إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا"<sup>۱</sup>.

و شرک آوردن را ظلم بزرگ در حق خود دانسته است "إنَّ الشُّرْكَ لظُلْمٌ عَظِيمٌ"<sup>۲</sup>.

و فرموده است که کسی در الوهیت و ربوبیت او تعالی شرک می آورد همه عبادات و اعمال نیک او از بین می رود و محو می شود در نتیجه شرک آورد: "لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ"<sup>۳</sup>.

رسول الله صلی الله علیه وسلم شرک آورد و زیارت رفتن را بخاطر بر آورده شدن حاجات و طلب شفا یابی شرک دانسته و از هفت گناه بزرگ انسان را به دوزخ سوق میدهد حساب نموده و فرموده است: "اجتنبوا السبع الموبقات - یعنی المهلكات - قلنا: وما هن يا رسول الله؟ قال: الشرك بالله، والسحر، وقتل النفس التي حرم الله

<sup>۱</sup> - سوره نساء: ۱۱۶.

<sup>۲</sup> - سوره لقمان: ۱۳.

<sup>۳</sup> - سوره زمر: ۶۵.

إلا بالحق، وأكل الربا، وأكل مال اليتيم، والتولي يوم الزحف، وقذف المحصنات الغافلات المؤمنات"<sup>۱</sup>.



### اعمال مخالف شریعت در روضه وهمی مزار بلخ

یکی از خواهران محترم ما از ولایت بلخ سوال نموده :

همین کارهای که در روضه مزار مردم میکنند و نذر میگیرند آیا درست است چون من نمی دانستم مهمانها را میبردم و رهنمایی میکردم آیا گنهگار شدم؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله أما بعد:

هموطنان محترم و متدین ما باید بدانند که این روضه وهمی خرافاتی و این مزار مزعوم از لحاظ سند تاریخی حقیقت و واقعیت ندارد و همانند اکثر مزارها و زیارتگاهها اصل مدفون چیز دیگر و کس دیگر است و حتی گاهی اتفاق افتاده که یک حیوان مدفون باشد ولی بنام یکتن از شخصیتهای مشهور دینی نامگذاری شود و این زیارتگاه به مرکز شرک آوردن به الله متعال و انحراف عقیدوی

<sup>۱</sup> - صحیح البخاری، کتاب الوصایا، باب قول الله تعالی: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا، إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلُونَ سَعِيرًا﴾ [النساء: ۱۰]، شماره حدیث: (۲۷۶۶)، (ج ۴، ص ۱۰).

خطرناک و فساد اخلاقی و خرافات مبدل گردد و ده ها اعمال مخالف شریعت در آنجا صورت می گیرد که نمونه های ذیل را علمای راستین نشاندهی نموده اند:

۱- استعانت به غیرالله که از قبر صورت میگیرد و شرک واضح است.

۲- استغاثه از غیرالله که توسل نامشروع و شرکی از مرده است.

۳- خواستن حاجت و حل مشکلات از غیرالله یعنی از قبر.

۴- بوسیدن دیوارها و قفل های دروازه روضه بنام تبرک و حل مشکل که خود عقبماندگی دینی و خرافات است.

۵- تقدیم نذر و ذبح کردن به مزار مزعوم که صرف عبادت مالی برای قبر است که شرک پنداشته میشود.

۶- انداختن نذر به دیگ واقع در آنجا بنام نذر دیگ سخی جان که از اعمال شرکی و خرافاتی است.

۷- فساد اخلاقی که گاهی هم طبق گزارشات به تن فروشی و فحشاء میان جوانان فاسد و دوشیزگان حیا دریده و آبرو ریخته در همین روضه صورت می گیرد و شنیده میشود که بعض روزها باغ روضه به کاباره شراب نوشی مبدل میگردد .

قبر علی رضی الله عنه هیچگاه در چنین جایی نبوده ومظهر این همه خرافات و فسادی نیست حتی اگر همین روایات دروغین وهمی قبول شود که قبر یکی از شخصیت‌های دینی است باز هم شریعت زیارتگاه ساختن واین اعمال شرکی وتوسل خرافاتی وعقبماندگیها را اجازه نمی دهد زیرا که منافی توحید ویکتاپرستی الله متعال است ومسلمانی انسان را زیر سوال میبرد.



### مسئله غیب گویی در شریعت اسلامی

یکی از برادران عزیز ودوستان محترم از پایتخت کشور عزیز ما شهر کابل چنین سوال نموده است :

کسانیکه نزد فالبینان وكفشناسان جادوگران می روند وبه آنها مراجعه میکنند چی حکم دارد در شریعت اسلامی، وهمچنان خود فالبینان وكفشناسان جادوگران آیا مسلمان هستند با وجود غیبگویی وشرك آوردن به خداوند متعال وكفر گویی وضرر رسانیدن به مردم وكشانیدن مردم به گمراهی وخوردن مال مردم به ذریعه جادو وفال گاهگاهی هم تجاوز کردن به به خانمان وزنان ودست درازی بجان آنها به نام تداوی ودم خواندن؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

برای این دوست محترم و عزیز وبا احساس باید عرض کنم که به اتفاق علمای شریعت غیبگویی کفر است و کسی که نزد فالبینان و غیبگویان می‌رود و با آنها همنشینی میکند چهل روز نمازش قبول نمی‌شود، و اگر حرفها و افکار و نظریات غیبگویان را تصدیق و قبول کند کافر میشود مثل خود آنها، و از دین اسلام خارج شده و مرتد میگردد، به این معنی که با این اشخاص معامله غیر مسلمان شود و خانمش طلاق شده یعنی نکاحش فسخ گردد، و تمامی احکام غیر مسلمان و مرتد بالایشان تطبیق می‌گردد.

زیرا غیب‌گویی به هیچ صورت در دین اسلام جواز ندارد و کسی که دعوی غیب‌گویی را کند و یا اعتقاد داشته باشد که به غیر از الله متعال کسی دیگری غیب را میداند کافر می‌شود.

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: "قُلْ لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ"<sup>۱</sup> بگو هیچ کسی در آسمانها و زمین غیب را نمی‌داند بجز از الله متعال.

و از رسول الله صلی الله علیه و سلم در حدیث صحیح ثابت است که ایشان فرموده اند: "أن من أتى عرافاً فسأله لم تقبل له صلاة

<sup>۱</sup> - سورة النمل، الآية: ۶۳.

أربعین یوما"۱ اگر کسی نزد فالبینان وکف شناسان برود واز آنها سوال کند وهمنشینی نماید با این منحرفین واهل خرافت نمازش چهل روز قبول نمی شود واگر غیبگویی فالبینان وکف شناسان را تصدیق کند درین شکی نیست که او هم کافر می شود مثل فالبینان وکفشناسان وجادوگران.

تعریف ما از غیبگویان فالبینان وکف شناسان وجادوگران این است که آنهاى که با شیطان دوستی دارند خود شان گمراه هستند ومردم را به گمراهی می کشانند.

اما غیبگویی نسبی که مثلا بعضی امور را پیشبینی میکند علماء ودانشمندان باکی ندارد مثلا هواشناسان پیشبینی باران وطوفان ووزش باد را میکنند این غیبگویی نیست.

وصلی الله تعالی علی خیر خلقه محمد وعلی آله وصحبه أجمعین.



۱ - أخرجه أحمد فی مسنده، شماره حدیث: (۱۶۶۳۸)، ج۲۷، ص۱۹۷.

## خوشی و غم در پرش چشم انسان هیچ تعلق ندارد از نظر شریعت

یکی از دوستان از کابل سوال نموده:

استاد محترم بعضیها میگویند که چشم راست بپرد انسان جگر خون می شود و چشم چپ بپرد خوشحال میشود آیا این حقیقت دارد از نظر شریعت؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

اصلا پرش و حرکت چشمان قضا و قدر را تغییر نمیدهد و خوشحالی و جگر خونی در پرش چشم انسان هیچ تعلق ندارد از نظر شریعت، تنها یک برداشت نادرست و مخالف شریعت است، و مسلمان باید عقیده و ایمان داشته باشد که مرگ و زندگی، سعادت‌مندی، خوشحالی و نیز جگر خونی همه به قضا و قدر تعلق دارد نه به حرکت چشمان، و این عقائد و برداشتهای خرافاتی و انحرافی توکل انسان را ضعیف میسازد و باید از آن دوری جویم تا اینکه گنهگار نشویم.





این مقوله بی دینی والحادی است که (هر کس پیر ندارد خدا ندارد)

یکی از هموطنان عزیز ما از شهر چاریکار ولایت پروان سوال

نموده:

جناب استاد معزز فضل الله ممتاز السلام علیکم ورحمت الله

وبرکاته!

بنده دریکی از همین روزهای نزدیک وارد خانه شدم که مراسم خیر بود و یک چیز بسیار توجه بنده را جلب کرد خلاصه من را در دوراهی قرار داد و آن هم این بود که یک پوستریا عکس بزرگ از یکی از پیره‌های هوفیان را چاپ کرده بودند و در روی تصویر با خود کار دست نویس نوشته بودند که (هر کس پیر ندارد خدا ندارد) کسی که این کار را کرده بود میگفت ما از مریدان آغایان هوفیان هستیم.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله أما بعد:

این عقیده و نظریه شرکی، بی دینی والحادی است که هر کس پیر ندارد خدا ندارد و از انسانهای جاهل که در خرافات و شرکیات به سر میبرند و مردم را به عبادت دجالان شیطان پرست دعوت میدهند.

بهتر است که جوانان عزیز ما بعوض دست پیر گرفتن وبه طریقت رفتن به علم ودانش شرعی ودنیوی مفید مشغول شوند.

بعوض حاضر شدن در حلقه های درسی وحده الوجودی شرکی وباطنی با آموختن علم شرعی صحیح وصاف وثقافت اسلامی مطابق قرآن وسنت که دین وایمان مسلمان را تقویت می بخشد، وکسب دانش دنیوی مفید وتخصصات گوناگون در آبادی وطن ما نقش مهم میداشته باشد خود را مشغول نمایند.

در حالیکه دست پیر گرفتن ورفتن به طریقت شیوه های است که مانع ترقی وپیشرفت دینی ودنیائی می شود وانسان را به عقبماندگی وانحرافات وگمراهی می کشاند.

به هر صورت باید به اینها آگاهی داده شود که بطرف الحاد وبی دینی وشرک روان هستند.

باید بدانیم که بعوض طریقت ودست پیر گرفتن، در دین خود زهد وتقوا داریم که مثل آئینه صاف وواضح است که در آن انحرافات وجود ندارد .

واین امر طبیعی است که دکانداران دین، تعویذ نویسان، فالبینان، کفشناسان، جادوگران مخالف سعی وتلاش های اصلاحی وتجدیدی که منبع واساسش قرآن وسنت به فهم سلف صالح ورهنمودهای مذهب حنفی است، میباشند ومزاحمت، مقاومت

ومخالفت میکنند بخاطر حفظ جایگاه شان زیرا آنها از ناهمی عوام الناس سوء استفاده نموده انحرافات، عقبماندگیها را وسیله رزق وروزی و منزلت دنیائی شان قرار داده اند.



### حکم کمک خواستن از جن مسلمان بخاطر بی اثر ساختن جادو

یکی از خواهران سوال نموده که از چندین سال به اینطرف برایش جادو شده و نزد بسیاری از معالج گران طبی و دم خوان برده شده و تا به حال شفایاب نگردیده و فقط این ثابت شده که از جن غیر مسلمان ضرر می بیند.. و حالا یک ملا از ولایت کمر که علاج جادو را میکند می خواهد نزد او بروند لیکن او از جنیات مسلمان کمک می خواهد.. آیا رفتن نزد او جائز است یا خیر در حالی که این ملا صاحب پول و پیسه و اجوره خود را دریافت می کند لیکن تنها آیات قرآن کریم را می خواند و دم میکند؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

درین شکی نیست که علاج و معالجه این نوع امراض که ناشی از جادو، نظر بد، و جن زدگی باشد با دم خواندن قرآن کریم ممکن است، لیکن نزد جادو گران رفتن برای اخراج جادو جواز ندارد زیرا جادو کردن کفر است و علاج و کشیدن جادو با جادو نیز مسلمان را به گناه کبیره و شرک می کشاند.

لیکن در کمک خواستن از جنیات ولو کہ جن مسلمان ہم باشد باید احتیاط نمود تا اینکه مسلمان استدراج نشود وبالاخره در شرک واقع نگردهد.

ترک کردن این امر بہتر است زیرا استفادہ از جنیات تنہا از خصائص سلیمان علیہ السلام بودہ، واز رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم وصحابہ کرام ثابت نیست.



### شیوہ ابطال و از بین بردن جادو

یکی از خواهران از شہر کابل سوال نمودہ:

یک ورق از جادو را پیدا کردیم با آب بشویم اش یا آتش دادہ شود؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

در این شکی نیست کہ جادو وسحر نمودن واعتقاد داشتن بہ آن وضرر رسانیدن توسط آن بہ مسلمان وخانوادہ های مسلمان گناہ کبیرہ وبزرگ است وخود جادوگر کافر شمرده می شود وباید با او منحیث غیر مسلمان تعامل شود.

اما در صورت که جادو در یافت شود در این مورد شریعت رهنمودهای دارد از جمله این موارد است:

۱- به شکل فوری یکی از علمای ثقه که دانش دینی صاف داشته باشد خبر داده شود که توسط او جادو برداشته شود.

۲- در ظرف و تشت آب جادو را تر نموده و گذاشته شود و پاره پاره شود که اثر آن از بین برود و در عین حال اواخر سوره بقره و آیت الکرسی و قل هو الله أحد و معوذتین یعنی قل أعوذ برب الفلق و قل أعوذ برب الناس خوانده شود و بالایش چف شود .. و بعد از اینکه آثار نوشته ازاله و دور شود و ورق جادو آب و ذوب شود در یک جای دور انداخته شود اما اگر ناخن و یا موی داشته باشد باید حریق و سوختانده هم شود.

۳- برای کسی گفته نشود و مسأله باید سری و خفیه بماند زیرا اگر جادو کننده اطلاع یابد می شود که در نتیجه قهر و غضب دوباره به کارش رجوع کند.

بعد از این عملکرد اثر این جادو از بین میرود و ضرر رسانیده نمی تواند ان شاءالله.



## خاتم مسلمان و متدین اما شوهر جادوگر

یکی از خواهران چنین سوال نموده:

شوهرم جادوگری میکند و در مقابل آن از مردم پول و پیسه بدست میآورد و از این پول در خانه مصرف می کند آیا خوردن و نوشیدن این نفقه برایم جواز دارد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

جادوگری، پول و پیسه بدست آمده از آن همه حرام قطعی است و بدترین و بزرگترین گناه در روی زمین شمرده میباشد.. خوردن، نوشیدن و مصرف کردن از این پول و پیسه حرام میباشد، شما شوهرتان را نصیحت کنید که از این گناه کبیره دست بکشد و اگر نصیحت شما را قبول نکند و در جادوگری اصرار داشته باشد برای شما جائز نیست که با او زندگی کنید و زن و شوهری نمایید زیرا جادوگر نظر به قول راجح علماء کافر است و زن مسلمان در عصمت کافر بوده نمی تواند، و بیشتر فقهای مذاهب فقهی به این نظر هستند که از طرف محکمه بقتل برسد و مهلت توبه کردن هم برایش داده نشود.



## جادوگر کافر میباشد

قاری صاحب فضل احمد موحد از ولایت تخار چنین سوال

نموده:

استاد بعض از ملاها تعویذ میدهند یعنی یک نفرمیگه فلانه نفر را کارش را بند کن در دکانش کسی نیاید یا پیسه زیاد پیدا کرده نتوانه خلاصه کارش بند شود.

ملا ۱۰۰۰ افغانی را میگیره بعد تعویذ جور میکند طبق میلش، درین موارد توضیحاتی بدهید مهم است...این تعویذ گران بنام ملا پیسه زیاد میگیرند و جادو میکنند.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله أما بعد:

از اینکه خطر اعمال شیطانی جادوگران بزرگ است و سبب مرگ و قتل و کشتن، دیوانه شدن، جدائی زن و شوهر می شود سه نفر از صحابه کرام فتوای قتل آنها را داده است بدون اینکه فرصت توبه کردن هم برایشان داده شود، عمر فاروق خلیفه دوم مسلمانان که اکثراً نظریاتش موافق وحی بود، حفصه بنت عمر، و جندب الخیل الأزدی از فقهای صحابه رضی الله عنهم و نیز در قضاوت و حکم قضائی شان فیصله قتل جادوگران را میدادند تا اینکه مردم را شر آنها نجات دهند، زیرا اعمال را که جادوگران به همکاری شیطانها انجام میدهند موجب کفر است.

## عکس مقبره صالحین

برادر محترم و دانشمند ما استاد محمدگل طالوت از ولسوالی سرخپارسای غوربند ولایت پروان چنین سوال نموده:

گذاشتن عکسهای مقبره صالحین، وائمه در پروفایلهای فیسبوکی و نقل کردن آن به نیت تعظیم و تبرک چی حکم دارد اگر لطف کرده از طریق صفحه تان در این مورد معلومات نشر کنید. تا هموطنان ما از نشر همچون مزخرفات خود داری کنند؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

گذاشتن عکس مقبره صالحین وائمه به نیت تعظیم و تبرک در پروفایلهای فیسبوکی نامشروع و ناجایز است بلکه ذریعه دعوت نمودن مردم به تعظیم و تبرک قبرها و زیارتگاهها شمره می شود که شریعت اسلامی بزبان پیامبر اسلام محمد رسول الله صلی الله علیه از این عمل کرد انحرافی جدا منع نموده و تحذیر کرده و آنرا از عملکرد یهود و نصاری دانسته که لعنت شده اند بخاطر این شیوه شرکی شان و فرموده است: "لعن الله اليهود والنصارى اتخذوا قبور أنبيائهم مساجد"<sup>۱</sup> الله متعال یهود و نصاری را بعلت تعظیم قبرهای پیامبران شان که بمرحله عبادت رسانیده بودند لعنت نموده.

۱ - أخرجه النسائي في سننه، شماره حدیث: (۷۰۳)، ج ۲، ص ۴۰.



ونیز فرموده است: "ألا وإن من كان قبلكم كانوا يتخذون قبور أنبيائهم مساجد وصالحيهم مساجد ألا فلا تتخذوا القبور مساجد فإني أنهاكم عن ذلك" <sup>۱</sup> آگاه باشید که امتهای قبل از شما یعنی یهود و نصاری قبور انبیاء و صالحین خود را تعظیم میکردند و مساجد و زیارتگاه ساخته بودند شما این کار را نکنید و قبر پیامبر و صالحین امت خود را مساجد، زیارتگاه نسازید و تبرک و تعظیم نکنید و من شما را این از کار منع میکنم.. " أولئك إذا مات فيهم الرجل الصالح بنوا على قبره مسجداً وصوروا فيه تلك الصور، أولئك شرار الخلق عند الله" <sup>۲</sup> آنها کسانی بودند که قبور مردان صالح شان را مساجد میساختند و تعظیم و تبرک می نمودند و تصاویر آنرا میساختند آنها شریر ترین مخلوقات نزد الله متعال پنداشته میشوند بسبب شرک آوردن به او تعالی.

این عملکرد انحرافی موحد بودن انسانهای که به نیت تبرک و تعظیم این تصاویر قبر های مجلل را نشر میکنند زیر سوال میبرد.

---

<sup>۱</sup> صحیح مسلم، کتاب المساجد ومواضع الصلاة، باب النهي عن بناء المساجد، على القبور واتخاذ الصور فيها والنهي عن اتخاذ القبور مساجد، شماره حدیث: (۵۳۲)، (ج ۱، ص ۳۷۷).

باید هموطن عزیز، متدین، مؤمن، مسلمان و موحد ما به منحرفین اجازه چنین شیوه های مخالف شریعت را ندهند تا اینکه از تأثیرات زشت و ناگواهر آنها در امان بمانند.



### علاج سحر و جادو از دیدگاه شریعت اسلامی

این سوالیست که یکی از دوستان مطرح نموده که شخص مسلمان چگونه خود و فامیلش را از تأثیرات بد جادو حفاظت کند که متضرر نشود و زندگی اش خراب نگردد؟

درین شکی نیست که در عصر امروزی ما بازار جادو جادوگری و انحرافات عقیدوی گرم است خصوصاً در مناطق که جهل و نادانی در آنجا حاکم است و خدا ترسی کم است و مردم دشمنی خود را از طریق جادو و سحر به پیش می برند و در مسائل خورد و کوچک به جادو گران رو می آورند و زندگی بعضی را تباه میکنند و سبب آزار و اذیت شان می شوند.

ومن قبلهم فتاوی را نشر کردم، که مطابق آن جادوگر کافر و از دین خارج میشود اگر به جادو معتقد باشد باید گردنش بریده شود با شمشیر البته بعد از حکم محکمه و حکومت و مردم هر دو وظیفه دارند که جادوگران را منع کنند.

اما می پردازیم به جواب سوال فوق الذکر، وآن اینکه شریعت اسلامی رهنمودهای خوبی دارد برای وقایه از تأثیر جادو و اگر مسلمان به آن عمل کند می تواند خود را آثار و اضرار متوقع جادو حفاظت کند و یا اینکه اگر واقع شده باشد تأثیرش را کم و کاهش دهد، از جمله این رهنمودها:

۱- همیشه مسلمان پابند طاعت خداوند باشد و توکل راسخ به ذات او تعالی داشته باشد و عقیده داشته باشد که نقص و نفع همه مقدر است و فرائض را انجام دهد و توسط ادای نوافل و مستحبات به خداوند نزدیک شود و از کارهای بد و منکرات دوری جوید، از رسول الله صلی الله علیه و سلم در حدیث صحیح روایت شده که ایشان فرموده است: "احفظ الله يحفظك، احفظ الله تجده تجاهك، إذا سألت فاسأل الله، وإذا استعنت فاستعن بالله" <sup>۱</sup> خداوند متعال را بیاد داشته باش و اوامرش را بجا بیاور و تنها از او کمک بخواه و مسألت کن.

۲- مداومت به خواندن اذکار مأثور و مسنون صبح و شام که این اذکار را علماء (حصن المسلم) نامیده اند یعنی قلعه مسلمان.

۳- تلاوت کردن و خواندن آیت الکرسی و دو آیت اخیر سوره بقره بعد از هر نماز فرض و در وقت خواب.

<sup>۱</sup> - أخرجه الترمذي في سننه، شماره حدیث: (۲۵۱۶)، ج ۴، ص ۶۶۷.

۴- تلاوت کردن سوره اخلاص (قل هو الله أحد، والمعوذتين، قل أعوذ برب الفلق، وقل أعوذ برب الناس) سه مرتبه، ودر حدیث که امام ترمذی آن را روایت کرده و شیخ محمد ناصر الدین الألبانی گفته حسن است رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده اند که: "قُلْ: قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، وَالْمَعُودَتَيْنِ حِينَ تُمْسِي وَتُصْبِحُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ تَكْفِيكَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ"<sup>۱</sup>، خواندن قل هو الله أحد والمعوذتين صبح و شام برای تان کافی است که از شر همه بلاها شما را حفاظت نگهداری کند.

۵ - خواندن این دعای مأثور "بسم الله الذي لا يضر مع اسمه شيء في الأرض ولا في السماء وهو السميع العليم" و فرموده رسول الله صلی الله علیه وسلم ثابت است که کسی این را سه بار بخواند چیزی برایش ضرر رسانیده نمی تواند.

۶ - خواندن "أعوذ بكلمات الله التامات من شر ما خلق" سه بار.

۷- خوردن هفت خرما در وقت صبح قبل از صبحانه و رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث بخاری فرموده اند که: "من تصبح كل يوم سبع تمرات عجوة لم يضره في ذلك اليوم سم ولا سحر"<sup>۲</sup>.

۱ - أخرجه الترمذي في سننه، شماره حدیث: (۳۵۷۵)، ج ۵، ص ۵۶۷.

۲ - أخرجه البخاري في صحيحه، شماره حدیث: (۵۴۴۵)، ج ۷، ص ۸۰.

اگر کسی هفت خرما را بخورد قبل از صبحانه نه زهر برایش  
ضرر می رساند و نه هم جادو، والله أعلم.

وصلی الله علی نبینا محمد وعلی آله وصحبه وسلم.



### کسانی که توسط جادو بند شده اند چگونه معالجه می شوند؟

یکی از علاقمندان مسائل دینی چنین سوال نموده:

بعد از عروسی به مشکلات زیاد دچار شدم و هیچ علاقمندی به  
زندگی زن و شوهری ندارم بعد از مراجعه و سرگردانی نزد داکتران  
آنها گفتند که توسط جادو بند شده ای، استاد شما مرا رهنمائی  
کنید که چی کنم سخت در مشکل بسر میبرم؟

الحمد لله والصلاة والسلام علی رسول الله، أما بعد:

این نوع جادو از بدترین انواع جادو بشمار میرود - العیاذ بالله  
- و سخت دردناک و عذاب دهنده است و کسی که در معرض  
امتحان و ابتلاء قرار میگیرد باید صبر نموده و بعد از توکل به الله  
متعال و کمک خواستن از او تعالی به این رهنمائی شرعی که  
فقهای قرآن و سنت آنرا نشاندهی کرده عمل نماید:

۱- هفت برگ درخت سدر را بیاورد و خشک نموده با سنگها یا آونگ بچکد و خورد و ریزه نماید تا اینکه مثل بوره و خاک ریزه شود.

۲- این هفت برگ سدر چکیده شده را در یک ظرف پر از آب مثل سطل بیندازد که برای غسل کردنش همین اب دم خوانده کافی باشد.

۳- ودر این آب سه بار آیات و سوره های ذیل را بخواند:

آیة الكرسي، قل يا أيها الكافرون، قل هو الله أحد، قل أعود برب الفلق، قل أعود برب الناس، وآیات رد جادو را بخواند که عبارت است از:

در سوره الأعراف آیات: "وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَلْقِ عَصَاكَ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ (۱۱۷) فَوَقَعَ الْحَقُّ وَبَطَلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۱۸) فَغَلَبُوا هَنَالِكَ وَانْقَلَبُوا صَاغِرِينَ (۱۱۹) وَأَلْقَى السَّحْرَةَ سَاجِدِينَ (۱۲۰) قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ (۱۲۱) رَبِّ مُوسَىٰ وَهَارُونَ" <sup>۱</sup>.

آیات رد جادو در سوره یونس: "وَقَالَ فِرْعَوْنُ ائْتُونِي بِكُلِّ سَاحِرٍ عَلِيمٍ (۷۹) فَلَمَّا جَاءَ السَّحْرَةُ قَالَ لَهُمْ مُوسَىٰ أَلْقُوا مَا أَنْتُمْ مُلْقُونَ (۸۰)

<sup>۱</sup> - سوره الأعراف، آیات: ۱۱۷-۱۱۸-۱۱۹-۱۲۰-۱۲۱.

فَلَمَّا أَلْقَوْا قَالَ مُوسَىٰ مَا جِئْتُمْ بِهِ السَّحْرُ إِنَّ اللَّهَ سَيُبْطِلُهُ إِنَّ اللَّهَ لَا يُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ (۸۱) وَيُحِقُّ اللَّهُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ<sup>۱</sup>.

وآیات رد جادو در سوره طه: "قَالُوا يَا مُوسَىٰ إِمَّا أَنْ تُلْقِيَ وَإِمَّا أَنْ نَكُونَ أَوْلَ مَنْ أَلْقَىٰ (۶۵) قَالَ بَلْ أَلْقُوا فَإِذَا حَبَالُهُمْ وَعَصِيُّهُمْ يُخَيَّلُ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ أَنَّهَا تَسْعَىٰ (۶۶) فَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةٌ مُوسَىٰ (۶۷) قُلْنَا لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَىٰ (۶۸) وَأَلْقِ مَا فِي يَمِينِكَ تَلْقَفْ مَا صَنَعُوا إِنَّمَا صَنَعُوا كَيْدٌ سَاحِرٌ وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُ حَيْثُ أَتَىٰ"<sup>۲</sup>.

۴- بعد از خواندن این سوره ها و آیات ذکر شده بخش از این آب دم خوانده را بنوشد وبا باقی مانده اش غسل کند.

۵- در صورتیکه احساس صحت یابی نکند این عمل را دو ویا سه بار تکرار کند ..به قدرت الله متعال صحتیاب میشود وجادو باطل می گردد وجادو گران روسیاه می شوند در دنیا و آخرت.



<sup>۱</sup> - سوره یونس، آیات: ۷۹-۸۰-۸۱.

<sup>۲</sup> - سوره طه، آیات: ۶۵-۶۶-۶۷-۶۸.

## رو آوردن به جادوگر بخاطر حل مشکلات زندگی

یکی از دوستان از ولایت قندز چنین سوال نموده:

بنده مستری موتر سیکل میباشم تقریباً ۲۰ سال میشود دوکان دارم در همین مدت از کارم راضی بودم مدت هشت ماه میشود که هیچ کارم نمی شود دوستانم میگویند تو جادو شدی برو پیش یک ملا تعویض بیگر، نظر شریعت چیست؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله أما بعد:

الله متعال در یک حالت است و حالت بنده تغییر میکند. شما باید جای و محل کارتان را تغییر دهید و در عین حال دعا کنید که کارتان خوب شود و اسباب دنیایی آنرا برابر کنید. در دنیا تنها یک کار نیست. اما جستجو کردن حل مشکلات نزد جادوگر و اعتقاد داشتن به آن، انسان را بطرف شرک و کفر میکشاند.





## در مذهب حنفی جزای جادوگر قتل است

جزای جادوگر چیست؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

از اینکه تعداد از هموطنان عزیز ما از تأثیرات سلبی جادو و افعال شیطانی جادوگران رنج میبرند و در موارد زیاد زندگی خانوادگی شان تباه شده، کار و وظیفه خود را از دست داده اند سرگردانی، بی سرنوشتی و مریضی نصیب شان شده زیرا که جادوگران و جادو نویسان به کمک شیطانهای انسی زندگی عادی انسانهای مظلوم را سلب نموده و آنها را دچار مشکلات گوناگون ساخته اند، مثلاً زن و شوهر را از هم جدا میسازند، نامزادی افراد نیک و صالح را فسخ می نمایند، در کار و تجارت مردم خساره وارد میکنند و ده ها مشکل دیگری را در جامعه ایجاد میسازند البته با متوسل بدامن شیطان و از دست دادن دین و ایمان شان .

سوالاتی زیادی را هموطنان عزیز ما اعم از خواهران و برادران از شهر های مختلف کشور عزیز ما مطرح میکنند که حکایت کننده انتشار این مرض خبیث و شیوه شیطانی در جامعه ما است، و انسانهای ضعیف النفس و ضعیف الایمان بخاطر رسیدن به اهداف غیر مشروع شان متوسل به این عمل غیر اسلامی و کفری می شوند، بازار تعویذ نویسان و جادوگران را گرم میسازند، و در اینجا فریضه و وجیبه دینی و شرعی خود میدانم حکم جادو و جزای

جادوگران را در شریعت اسلامی بیان کنم زیرا هستند بعض مردم که در نتیجه جهل و نادانی این راه و شیوه شیطانی را انتخاب میکنند و اگر حکم آنرا بدانند شاید این جرئت را بخود ندهند که بخاطر بدست آوردن کار دنیایی آخرت خود را از دست دهند.

ما و شما میدانیم که دین مبین اسلام بخاطر این برای بشریت نازل شده که دین، جان، مال، ناموس و عقل مردم را حفاظت نمایند و مصالح شانرا نگهداری کند تا اینکه مورد تجاوز ظالمان قرار نگیرند از همینرو جادو که فعل شیطانی است و سبب فساد و بربادی انسانها می شود و راه را برای تجاوز بر ناموس مردم هموار میکند دین مبین اسلام خود جادو را و جادوگری را حرام گردانیده و از هفت گناه کبیره که شمرده که صاحبش را بطرف آتش دوزخ سوق میدهد بلکه جادو را یکی از اعمال کفری و شرکی و از اسباب فساد در روی زمین دانسته .

نه تنها جادو را حرام دانسته و حکم کافر بودن جادوگر را کرده بلکه کسانیکه نزد جادوگر میروند نیز شریک جرم این گناه پنداشته است زیر که جادوگر در حقیقت امر خود را به شیطان تسلیم نموده و به الله متعال شرک آورده تا اینکه از شیوه و طریقه های شیطانی استفاده کرده و توسط شیطان تأثیر انداخته در غیر آن ممکن نیست.

فقههای شریعت اسلامی بر حرام بودن جادو، تعلیم و تعلم آن اتفاق دارند.

امام ابن قدامه رحمه الله در کتاب المغنی چنین نوشته:  
 "...فإن تعلم السحر وتعليمه حرام لا نعلم فيه خلافاً بين أهل العلم".

امام نووی رحمه الله در شرح صحیح مسلم نیز نوشته: "وأما تعلمه - أي السحر - وتعليمه فحرام".

جمهور فقهای (حنفی، مالکی، حنبلی) وفقهای معاصر جادوگر را کافر میدانند که دائره دین مبین اسلام از امت محمد صلی الله علیه وسلم خارج شده وهمه احکام کفر و غیر مسلمان بالایش تطبیق می شود، زیرا الله متعال در قرآن کریم شیطانهای را که به مردم جادوگری را یاد میدهند کافر دانسته: "وما كفر سليمان ولكن الشياطين كفروا يعلمون الناس السحر"<sup>۱</sup>، حافظ ابن حجر عسقلانی در کتاب فتح الباری شرح صحیح بخاری چنین نوشته است: "فإن ظاهرها أنهم كفروا بذلك، ولا يكفر بتعليم الشيء إلا وذلك الشيء كفر، وكذا قوله في الآية على لسان الملكين: { إنما نحن فتنة فلا تكفر } فإن فيه إشارة إلى أن تعلم السحر كفر فيكون العمل به كفراً وهذا كله واضح".

<sup>۱</sup> - سورة بقره: ۱۰۲.

ظاهر آیت کریمه دلالت بر کفر کسانی میکند که جادوگری را به مردم یاد میدهند اینکه خود جادو عمل کفری است یاد تعلیم دادن و عمل کردن به آن نیز کفر شمرده می شود.

### جزای جادوگر در شریعت اسلامی:

این را دانستیم که جادو حرام است و جادوگر کافر، حالا باید بدانیم که فقهای مذهب حنفی به این نظر هستند که جزای جادوگر قتل و کشتن است در صورتیکه جادوگری اش شامل اعمال کفری باشد و سبب فساد در زندگی مردم شود.

در اثر از عمر بن الخطاب رضی الله عنه ثابت که قبل از وفاتش به والیان خود فرمان صادر نموده بود که هر زن و مرد جادوگر را بکشید و بقتل برسانید و راوی این اثر نوشته که ما بعد از این فرمان سه جادوگر را در یک روز بقتل رسانیدیم: "وقد روي عن عمر رضي الله عنه أنه كتب كتاباً قبل موته بسنة "أن اقتلوا كل ساحر وساحرة" قال الراوي: فقتلنا ثلاث سواحر في يوم"<sup>۱</sup>.

در عین حال حکم قتل و کشتن جادوگران از مجموعه از فقهای صحابه و تابعین نقل شده از جمله آنها عثمان بن عفان، عبد

<sup>۱</sup> - السنن الكبرى للبيهقي، كتاب القسامة، باب تكفير الساحر وقتله إن كان ما يسحر به كلام كفر صريح، شماره حدیث: (۱۶۴۹۸)، (ج ۸، ص ۲۳۳).

الله بن عمر، ابو موسی الأشعری، قیس بن سعد، و عمر بن عبد العزیز رضی الله عنہم.

ابن عابدین حنفی در حاشیه خود نوشته جزای جادوگر قتل و کشتن است اگر خودش اقرار و اعتراف کند بجرم و گناه خود و یا اینکه جادوگری اش به دلیل ثابت شود، فوراً باید قتل شود و ضرورت به این نیست که از خواسته شود که توبه کند زیرا که او سبب نشر فساد است در روی زمین: "الساحر إذا أقر بسحره أو ثبت عليه بالبينه يقتل ولا يستتاب وذلك لسعيه في الأرض بالفساد..".

محاكمه کردن جادوگران از واجبات دولت است نه از وظائف افراد:

مسلمان مکلف است که بخاطر از میان برداشتن منکرات بادیست، زبان، قلم و انکار قلبی دست بکار شود و مردم را در مورد حرام بودن جادو و ضررهای آن آگاهی دهد، نیز در قسمت افشای جادوگران وارد عمل شود و شکایت را به محاکم برساند و شاهدهی دهد اما خودش متوسل به کشتن و قتل او نشود زیرا جاری کردن حد از وظائف و واجبات حکومت و محاکم است نه وظیفه آحاد مردم.

باید به هر وسیله ممکن بخاطر از میان برداشتن این منکر دست بکار شویم خصوصاً از فراز منابر مساجد، رسانه ها و مطبوعات

تا اینکه هموطنان عزیز خود را از شر جادوگران شیطان صفت نجات دهیم.

## شیوه و طریقه شرعی ابطال و غیر مؤثر ساختن و از بین

### بردن جادو:

اولاً: اعتقاد داشتن که جادو یک عمل و فعل شیطانی و غیر اسلامی و گناه کبیره و بزرگ است که موجب دوزخ رفتن میشود .

ثانیاً: خود جادوگر که جادو را مینویسد کافر شمرده می شود و باید با او منحیث غیر مسلمان تعامل نمود.

ثالثاً: در صورتیکه جادو در یافت و کشف شود در این مورد شریعت رهنمودهای دارد از جمله این موارد است:

۱- به شکل فوری یکی از علمای ثقه که دانش دینی و شرعی درست داشته باشد خبر داده شود که توسط او جادو برداشته شود، فرق نمی کند که این دانشمند دین و عالم مرد باشد و یا زن.

۲- در ظرف و تشت آب جادو را تر نموده و گذاشته شود و پاره پاره شود که اثر آن از بین برود و در عین حالت اواخر سوره بقره و آیت الکرسی و قل هو الله أحد و معوذتین یعنی قل أعوذ برب الفلق و قل أعوذ برب الناس سه بار خوانده شود.. و بعد از اینکه آثار نوشته ازاله و دور شد و ورق جادو در آب ذوب شد در یک جای دور

انداخته شود اما اگر ناخن و یا موی داشته باشد باید حریق و سوختانده هم شود .

۳- برای کسی گفته نشود و مسأله کشف جادو افشاء نگردد و باید سری و خفیه بماند زیرا اگر جادو کننده اطلاع یابد می شود که در نتیجه قهر و غضب دوباره به کارش رجوع کند.

بعد از این عملکرد اثر این جادو از بین می رود و ضرر رسانیده نمی تواند ان شاءالله.

رابعا : اما اگر انسان نمی داند که جادو کجا است در این حالت غیر مؤثر ساختن این جادو دو طریقه دارد:

۱- تلاش کند اشخاص مشبوه و مشکوکی را احتمال می رود که آنها برایش جادو کرده و ادار سازد که خود جادو و جای و محل و مکان آنرا نشاندهی کند تا اینکه به همان شیوه شرعی ذکر شده در بالا غیر مؤثر ساخته شود.

۲- اگر خود جادو کننده و جادوگر و جایش معلوم نشود در این حالت مسلمان در ابتلاء و امتحان سخت قرار گرفته و تلاش کند که با توکل به الله متعال و ایمان قوی و اینکه مرض و سختیها اجر و ثواب اخروی نیز دارد و سبب مغفرت گناهان می شود، توسط تلاوت سوره بقره، خصوصا آیت الکرسی و او آخر سوره بقره، سوره

قل یا ایها الکافرون، سوره اخلاص، ومعوذتین وادعیه مأثور  
ومسنون و دعا اثر آنرا را از بین ببرد.

خامسا: تداوی و علاج و معاجله جادو نزد جادوگر حرام  
ونامشروع است.

علماء باز کردن جادو را نزد جادوگر (النشره) می نامند واین  
کار حرام قطعی و ناروا است ومرض کسی را که جادو شده بیشتر  
میسازد..وقتیکه از رسول الله صلی الله علیه وسلم سوال کردند که  
آیا جواز دارد که نزد جادوگر رفته شود بخاطر تداوی و خلاصی از  
جادو ایشان فرمودند:

این کار از اعمال شیطانی است..زیرا جادو کردن معنای ردت  
است، و از دین اسلام خارج شدن و کافر شدن است.. و باید علاج  
و معالجه مسلمان بعد از توکل به الله متعال با شیوه ها و وسائل  
مباح باشد از جمله خواندن قرآن کریم و اذکار مسنون و مأثور که  
در احادیث صحیح ثابت است...رسول الله صلی الله علیه وسلم از  
تداوی با وسائل حرام منع کرده "إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَجْعَلْ شِفَاءَكُمْ فِيمَا حَرَّمَ  
عَلَيْكُمْ"<sup>۱</sup> خداوند متعال شفا و علاج شما را در کارها و وسائل حرام  
نگردانیده...واز جادو کرده وسیله حرام و بزرگ دیگر نیست زیرا

<sup>۱</sup> - أخرجه البخاري في صحيحه، ج ۷، ص ۱۱۰.



جادوگر تا اینکه کافر نشود و به شیطان تسلیم نشود نمی تواند که جادو کند.

سادسا: رهنمودهای شرعی بخاطر وقایه از تأثیر جادو :

شریعت اسلامی رهنمودهای خوبی دارد برای وقایه از تأثیر جادو و اگر مسلمان به آن عمل کند می تواند خود را آثار و ضرار متوقع جادو حفاظت کند و یا اینکه اگر واقع شده باشد تأثیر آنرا کم کند .. از جمله این رهنمود ها :

۱- همیشه مسلمان پایبند طاعت خداوند باشد و توکل راسخ به ذات او تعالی داشته باشد و عقیده داشته باشد که نقص و نفع همه مقدر است و فرائض را انجام دهد و توسط ادای نوافل و مستحبات به خداوند نزدیک شود و از کار های بد و منکرات دوری جوید .. از رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح روایت شده که ایشان فرموده اند “احفظ الله يحفظك، احفظ الله تجده تجاهك، إذا سألت فاسأل الله، وإذا استعنت فاستعن بالله”<sup>۱</sup> خداوند متعال را بیاد داشته باش و امرش را بجا بیاور و تنها از او کمک بخواه و مسألت کن .

۲- مداومت به خواندن اذکار مأثور و مسنون صبح و شام که این اذکار را علماء (حصن المسلم) نامیده اند یعنی قلعه مسلمان .

۱ - أخرجه الترمذي في سننه، شماره حدیث: (۲۵۱۶)، ج ۴، ص ۶۶۷.

۳- تلاوت کردن و خواندن آیت الکرسی و دو آیت اخیر سوره بقره بعد از هر نماز فرض و در وقت خواب.

۴- تلاوت کردن سوره قل یا ایها الکافرون و سوره اخلاص قل هو الله أحد و معوذتین قل أعوذ برب الفلق و قل أعوذ برب الناس سه مرتبه .. و در حدیث که امام نسائی آن را روایت کرده و شیخ محمد ناصر الدین الألبانی بالایش صحت گذاشته رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده اند که "قُلْ: قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، وَالْمُعَوَّذَتَيْنِ حِينَ تُنْسِي وَتُصْبِحُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ تَكْفِيكَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ"<sup>۱</sup>، خواندن قل هو الله أحد و معوذتین صبح و شام برای تان کافی است که از شر همه بلاها.

۵ - خواندن این حدیث مأثور "بسم الله الذي لا يضر مع اسمه شيء في الأرض ولا في السماء وهو السميع العليم"<sup>۲</sup> و از رسول الله صلی الله علیه وسلم ثابت است که کسی این را سه بار بخواند چیزی برایش ضرر رسانیده نمی تواند.

<sup>۱</sup> - أخرجه الترمذي في سننه، شماره حدیث: (۳۵۷۵)، ج ۵، ص ۵۶۷.

<sup>۲</sup> - سنن أبي داود، كتاب الأدب، باب ما يقول إذا أصبح، شماره حدیث: (۵۰۸۸)، (ج ۴، ص ۳۲۳).

۶ - خواندن "أعوذ بكلمات الله التامات من شر ما خلق" <sup>۱</sup> سه بار.

۷- خوردن هفت خرما در وقت صبح قبل از صبحانه و رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث بخاری فرموده اند که: "من تصیح کل یوم سبع تمرات عجوۃ لم یضره فی ذلك الیوم سم ولا سحر" <sup>۲</sup>.

اگر کسی هفت خرما را بخورد قبل از صبحانه نه زهر برایش ضرر می رساند و نه هم جادو.



### بحرمت مرده حاجت خواستن از الله متعال جواز ندارد

آیا بحرمت مرده ها و بحرمت رسول الله صلی الله علیه وسلم حاجت طلب کردن صحیح است یا خیر؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، وبعد:

این نوع توسل نامشروع است که مسلمان را به گناه کبیره می کشاند.

<sup>۱</sup> - صحیح مسلم، کتاب الذکر والدعاء والتوبة والاستغفار، باب فی التعوذ من سوء القضاء ودرک الشقاء وغیره، شماره حدیث: (۲۷۰۸)، (ج ۴، ص ۲۰۸۰).

<sup>۲</sup> - أخرجه البخاري في صحيحه، شماره حدیث: (۵۴۴۵)، ج ۷، ص ۸۰.

اولا مسلمان باید بر تقوا و عمل نیک و صالح خود حساب کند،  
و ثانيا از مسلمانان نیک و صالح طالب دعا شود.



### جن میتواند در بدن انسان داخل شود و او را آزار و اذیت کند

یکی از خواهران از ولایت میدان وردک سوال نموده:

آیا جن در وجود انسان داخل شده می تواند که به انسان ضرر  
برساند؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

بلی از نصوص شریعت و وقایع محسوس ثابت می شود که جن  
میتواند در بدن انسان داخل شود و او را آزار و اذیت کند، البته جن  
مسلمان به انسان اذیت نمی رساند لیکن جن غیر مسلمان که  
همانا بخش از دنیایی از شیطانها است به انسان آزار و اذیت و ضرر  
می رساند.

**جنی که داخل بدن انسان می شود اسباب زیاد دارد :**

۱- میشود که همین جنی توسط انسان اذیت شده باشد می  
خواهد که انتقام خود را بگیرد.

۲- نافرمانی الله متعال و گناهان کبیره نیز سبب می شود که انسان از حمایت آسمانی و حراست ملائکه محروم شود و بدست جنیات بیفتد.

۳- بعض وقت جنیات عاشق مرد و یا زن میشوند و وارد بدن شان میشود.

۴- بعض وقت توسط سحر و جادو نیز جن وارد بدن انسان میشود و یا اینکه از خارج بدن او را مورد آزار و اذیت قرار میدهد.

علایم کسی توسط جن آزار و اذیت میشود:

۱- بیهوشی.

۲- افتادن به زمین.

۳- رفتار دیوانه وار.

۴- حرف زدنهای غیر مألوف و غیر معمولی.

علاج و تداوی کسی توسط جن آزار و اذیت میشود:

در صورتیکه علایم بالا در مریض و انسان دیده شود ممکن است که از طرف جنی غیر مسلمان مورد آزار و اذیت قرار گرفته باشد و در این حالت بر علاوه از تداوی طبی و رسانیدن به مراکز صحی رقیه شرعی و دم خواندن را نیز آغاز کند خودش و یا کسانی

که مسئولیتش را بدوش دارند و میشود که نزد دانشمندان دین رسانیده شود که آنها نیز آیه الكرسي، چهار قل را سه بار بخوانند و او را دم کنند زیرا که این نوع حالت مرضی تداوی قرآنی دارد تا اینکه جن از بدن انسان خارج شود.

و در حدیث صحیح ثابت که رسول الله صلی الله علیه و سلم نیز جن را از بدن جن زده بیرون رانده است، زنی پسر جن زده اش را نزد پیامبر صلی الله علیه و سلم آورد سپس پیامبر صلی الله علیه و سلم گفت: "اخرج عدو الله أنا رسول الله" <sup>۱</sup> خارج شو ای دشمن الله، من پیامبر الله استم، سپس این پسر شفا یافت.

البته کسانی که ایمان شان قوی میباشد و در طاعت الله متعال بسر می برند از این نوع وقایع در امان میباشند بیشتر انسانهای که در گناه و معصیت غرق هستند و انسانهای ضعیف الایمان به این موارد مواجه میشوند.

باز هم این قضاء و قدر است و یک نوع ابتلاء و امتحان است که انسان در آن قرار میگیرد و بطرف الله متعال رجوع کند و به او تعالی پناه ببرد از شر شیطانهای انسی و جنی و اذکار مآثور و مسنون صبح و شام را فراموش نکند که قلعه و پناه گاه مسلمان است.

<sup>۱</sup> - أخرجه الطبراني في المعجم الكبير، باب الياء، المنهال بن عمرو، عن أبي يعلى بن مرة، رقم الحديث: (٦٧٩)، (ج ٢٢، ص ٢٦٤).

## ذبح نمودن در راه مریض و مسافر

بعد از بازگشت مریض ما از عملیات خانه و شفاخانه دوستان چندین مال را به مجرد رسیدنش و هنگام پایین شدن از موتر در دروازه ما ذبح کردند، آیا این عملکرد شان صحیح است یا خیر؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله وبعد:

برابر عزیز و محترم باید یاد آور شوم که این عمل اگر بخاطر خوشی و مهمان نوازی و بجا آوردن شکر خداوند باشد باید به این روش و طریقه ذبح نشود و در جای دور ذبح شود به نیت مهمان نوازی و گوشتهایش در خانه مریض آورده شود تا اینکه برای مریض و خانواده و مهمانان شان پخته شود درین صورت باکی ندارد و خوردنش هم حلال است، و این یک نوع همدردی اجتماعی به شمار میرود.

اما اگر به نیت تعظیم و احترام دیگران شود در زیر پاهایشان و در دهن دروازه ذبح شود بشکل مروج که در سابق به احترام شاهان این عمل را انجام میدادند.. علماء این کار را بشدت رد نموده حتی بعضی ها میگویند که -نعوذ بالله- این عمل مسلمان را به شرک می کشاند و هیچ مجوز شرعی ندارد و باید ازین کار جدا خود داری نمود تا اینکه مسلمان در کلانترین و بزرگترین گناه که عبارت از شرک است واقع نشود.. چون این نوع ذبح کردن مال به

نیت مهمانی و خوشی نیست بلکه به نیت احترام و نزدیک شدن -  
توسط ذبح مال - به غیر الله است.

خداوند متعال می فرماید: "قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ  
وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ"<sup>۱</sup>، بگو که همه عبادت و نماز و قربانی و زندگی  
و مرگ من خاص برای خداوند متعال است، و اگر مسلمان هر یکی  
از این چیزها را به غیر الله قائل شود در حقیقت به شرک کشانیده  
می شود.



### شرکت کردن مسلمان در کرسمس

یکی از برادران عزیز ما سوال نموده :

السلام علیکم ورحمت الله وبرکاته، استاد محترم یک پست یا  
نوشته درباره کرسمس نشر کنید بعض جوانان ما آگاهانه یا نا  
آگاهانه تبریک می گویند.

<sup>۱</sup> - سورة الأنعام، الآية: ۱۶۲.



الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله أما بعد:

اولا: به این برادر محترم ما می نویسم وعلیکم السلام ورحمت الله وبرکاته وتشکری میکنم از احساس دعوتی خوب شان، جزاکم الله خیرا فی الدارین.

ثانیا: برای مسلمان جواز ندارد که در عید کرسمس شرکت کند ودر محفل آن حضور یابد ویا در عید سال میلادی جدید با غیر مسلمان همنوائی نموده برایش تبریکی بدهد، الله متعال مسلمان را از حضور مجالس لهو وبیهوده ومجالسی که در آن نافرمانی او تعالی می شود منع کرده: "وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا"<sup>۱</sup>.

از صفات مؤمنان راستین این است که اگر به مجالس لهو وبیهوده ونافرمانی او تعالی ورسولش روبرو شود از آنجا با عزت وسربلند عبور میکند واین نوع مجالس نامشروع که حیثیت مجالس دروغین وباطل را دارد را تحریم میکند.

در این محافل ومجالس صلیب را تعظیم وتقдіس می نمایند وبه الله متعال شرک میاورند ومعتقد هستند که عیسی علیه السلام اله ونیز وفرزند الله است، تعالی الله عما یقولون علواً کبیراً.

<sup>۱</sup> - سورة الفرقان، الآیة: ۷۲.

خليفة راشد حضرت عمر فاروق رضى الله عنه مسلمانان از شرڪت كردن در مجالس ومحافل عبادتى غير مسلمانان منع نموده ودر اثر صحيح كه امام بيهقى در كتاب السنن الكبرى نوشته فرموده اند: "اجتنبوا أعداء الله في عيدهم"<sup>۱</sup> در محافل عيد و خوشى دشمنان الله حضور نياييد، نيز خوردن شيرنى و طعام و غذای اين مناسبت حرام شمرده ميشود، هر نوع همكارى در اين راستا حرام ومخالف ولاء وبراء است كه بخش عقيدة توحيد است نزد مسلمانان راستين.



### احتياط كردن و بر حذر بودن در تعاملات روز مره منافى توكل نيست

يکى از خواهران سوال نموده:

آيا احتياط كردن و بر حذر بودن از نظر و چشم بد و حسد مردم و ترك كردن بعض كارها كه در آن خطر باشد براى انسان منافى توكل است و دلالت به ضعيف بودن ايمان انسان ميكند؟

<sup>۱</sup> - أخرجه البيهقي في السنن الكبرى، كتاب الجزية، باب كراهية الدخول على أهل الذمة في كنائسهم والتشبه بهم يوم نيروزهم ومهرجائهم، رقم الحديث: (۱۸۸۶۲)، (ج ۹، ص ۳۹۲).

الحمد لله وحده والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

احتیاط نمودن وبر حذر بودن وبه پلان و سنجش پیش رفتن در تعاملات روز مره وامورات زندگی منافی توکل نیست بلکه این هم در مسأله گرفتن و برابر کردن اسباب شامل است که از مقتضیات ایمان به قضا و قدر است، لیکن انسان در محتاط و بر حذر بودن مبالغه نکند و روش و سلوک او در این سیاق و باب مبالغه آمیز نباشد که همیشه در ترس و خوف زندگی کند بلکه مطابق همان روش وسطیت که دین مبین اسلام امر کرده در حرکت باشد.



### حکم ذبح کردن گوسفند در آغاز کارخانه

یکی از هموطنان سوال نموده:

آیا اگر کسی خانه نو بسازد برای شروع کار گوسفندی را در همان جا ذبح کند چه حکم دارد؟ استاد کلنگ اول کار که زده میشود میگویند یک گوسفند حلال کنید؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

ذبح کردن گوسفند در شروع کارخانه به نیت تبرک نه تنها جواز ندارد بلکه گناه است، اما اگر به نیت مهمانی کرده باشد مباح و روا است، وباکی ندارد.

## عقیده داشتن به اینکه فلان شخص قدم نیک و یا قدم بد دارد

یکی از خواهران سوال نموده:

آیا قدم خوب و بد هم دارد یا نه؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

بر مسلمان فرض است که به قضاء و قدر ایمان داشته باشد، و در حالت سختی صبر و شکیبائی از خود نشان دهد، و هنگام آسانی و آسایش و خوشحالی شکر الله متعال را بجا بیاورد، نیز ایمان داشته باشد که الله متعال رزق و روزی و نعمتهای زندگی را در بین بندگان خود به درجات متفاوت تقسیم نموده، کارنامه، اجل هر یک را در آن وقت نوشته که در شکم مادر بوده و هنوز بدنیا نیامده بود، او تعالی در قضاء و قدر خود حکمتهای دارد، و واجب مسلمان این است که نعمتهای زندگی و رزق و روزی خوب را به فضل و کرم او تعالی نسبت دهد، اما سختیها و مشقت را به قضاء و قدر تحویل کند، و برایش جواز ندارد و ناروا است که خیر و شر و نعمتهای زندگی و یا مصیبتها را به قدم شخص و یا به طالع نسبت دهد و عقیده داشته باشد، زیرا این عقیده و برداشت نادرست و منافی عقیده توحید و نشانه از ضعیف بودن ایمان انسان به قضاء و قدر میباشد.

نیز بر مسلمان واجب و لازم است که به الله متعال گمان خوب و نیک داشته باشد و از بد گمانی در مورد قضاء و قدر دوری جوید

زیرا بارها اتفاق می‌افتد که مسلمان کاری را در ظاهر امر خوب نمی‌پسندد لیکن در حقیقت به خیرش تمام می‌شود، وهمچنان کارهای را خوب می‌شمارد و حقیقت این است که آن به ضررش انجام می‌شود: "وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ"<sup>۱</sup>.

در صحیح مسلم ثابت است که رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده است: "عَجَبًا لِأَمْرِ الْمُؤْمِنِ، إِنَّ أَمْرَهُ كُلَّهُ خَيْرٌ، وَلَيْسَ ذَاكَ لِأَحَدٍ إِلَّا لِلْمُؤْمِنِ، إِنَّ أَصَابَتُهُ سَرَاءً شَكَرًا، فَكَانَ خَيْرًا لَهُ، وَإِنْ أَصَابَتْهُ ضَرَاءٌ، صَبَرَ فَكَانَ خَيْرًا لَهُ"<sup>۲</sup>.

من تعجب می‌کنم که کارها و وقایع که در زندگی مؤمن و مسلمان رخ میدهد همه به خیرش تمام می‌شود و این خصوصیت در فضیلت و برتری تنها بر مسلمان و مؤمن داده شده، اگر صاحب نعمت و خوشی شود و شکر الله متعال را بجا بیاورد بخیرش حساب می‌شود، و اگر به سختی و مصیبت مواجه شود و صبر کند بخیرش تماش می‌شود.

پس به مسلمان جواز ندارد که در خیر و شر زندگی در لابلائی برداشتهای خرافاتی و منحرف خود را قناعت دهد و به آن عقیده داشته باشد و به آن عمل کند بلکه به عوض چنین برداشتهای

۱ - سورة البقرة، الآية: ۲۱۶.

۲ - أخرجه مسلم في صحيحه، شماره حدیث: (۲۹۹۹)، ج ۴، ص ۲۲۹۵.

نادرست و ناروا به اعمال خود توجه بیشتر داشته باشد و متوجه کمی و کاستی در زندگی خود شود و اگر این کمی ها و کاستی را اصلاح کند اصلا در شر واقع شدن نادرالوقوع است و اگر بالفرض واقع هم شود و صبر کند در خیر آن حساب می شود و در نتیجه صبر و شکیبائی و تحمل و بردباری الله متعال گناهانش را می بخشد و مغفرت میکند و پاداش آن چکر زدن در باغهای جنت می باشد.



### انسان نباید تنبلی خود را به قضاء و قدر نسبت دهد

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

درین شکی نیست که هر چیز در قضاء و قدر نوشته شده لیکن در عین حال انسان مأمور است که سعی و تلاش کند برای تحقق اهداف خود زیرا الله متعال قادر به تغیر دادن هر چیز است، و در نتیجه تنبلی انسان و عدم کوشش شاید در زندگی بسیار چانسها را از دست دهد، تنها به این اکتفاء نمی شود که هر چیز نوشته است، بلکه همان رب که تقدیر و قضاء و قدر بدستش است همان رب به سعی و تلاش و کوشش امر کرده و در این دنیا هر کس که بیشتر زحمت می کشد به همان اندازه نتایج خوب بدست میآورد کامیاب می باشد.

استفاده از وسائل مشروع، جدوجهد وسیعی تلاش بخش از ایمان به قضاء و قدر و توکل به او تعالی است، زیرا مسلمان مأمور است که گرفتن و داشتن اسباب و وسائل را فراموش نکند در غیر آن از فرقه های قدریه و جبریه محسوب می شود.



### پلان گذاری درست بخشی از ایمان به قضاء و قدر است

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

از مقتضیات ایمان به قضاء و قدر این است که مسلمان کارهای خود را سنجیده، پلان گذاری شده، به حکمت انجام دهد.

و در همه امور دینی و دنیوی خود پایبند اوامر و نواهی شریعت باشد.. مثلاً کسی می خواهد طبیب شود باید علوم و معارف مربوط به تخصص علم طب را بیاموزد، و اگر می خواهد محاسب شود باید علوم محاسبه را انتخاب کند و اگر می خواهد فقیه شود مسائل شرعی و علم فقه و متعلقات آن را بیاموزد، و منتظر قضاء و قدر نماند، انسان در این دنیا به اندازه سعی و تلاش و جدو جهد خود به درجات عالی میرسد.



## آیا جنیات مسلمان وجود دارد که مسلمان با آنها همکار شود؟

یکی از علاقمندان مسائل دینی سوال نموده :

آیا جنیات مسلمان وجود دارد که انسان با آنها همکار شود..و آیا جن را دیده می توانیم؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

جنیات را انسان به اشکال حقیقی شان که الله متعال آنها را خلق کرده است دیده نمی تواند، او تعالی فرموده است: "إنه یراکم هو وقبيله من حیث لا ترونهم"<sup>۱</sup> ابلیس یعنی شیطان وهمکاران جنی او شما را می بینند به شیوه که شما آنها را نمی بینید...ابلیس نیز از جمله جنیات بود و از طاعت الله متعال خارج شد: "إلا إبلیس کان من الجن ففسق عن أمر ربه"<sup>۲</sup>.

لیکن الله متعال آنها را توانایی بخشیده که به شکل اشخاص و حیوانات و حشرات ظاهر شوند.

نیز صدا و سخن و حرف زدن جنیات که در بدن انسان داخل می شوند ثابت است.

<sup>۱</sup> - سوره اعراف: ۲۷.

<sup>۲</sup> - سوره کهف: ۵۰.



این هم ثابت است که جنیات یا بخاطر دشمنی و آزار و اذیت در بدن بعض انسانها داخل می شوند، و یا بخاطر دوستی عشقی و شهوت رانی.. و یا بخاطر انتقام گیری از کسانی که به آنها ضرر رسانیده باشند ..

و تأثیرات زشت و بد نیز دارد زیرا که سبب درد، مرض و ترس و هراس و خوف برای انسان میگردد.. یگانه شیوه درست راندن آنها تلاوت قرآن کریم و اذکار مأثور و مسنون است که آنها را از انسان دور میدارد به قدرت الله متعال.

اما همکاری خواستن از جنیات ولو که مسلمان هم باشند جائز و مشروع نیست و اگر مشروع میبود رسول الله صلی الله علیه و سلم از آنها همکاری می خواست در جهاد با دشمنان و آگاهی از اخبار و احوال دشمن در حالیکه ضرورت هم دیده می شد بعض وقت.

کمک، همکاری و یاری خواستن از جنیات بخاطر تداوی و غیره از افعال و شیوه های جاهلیت قبل از اسلام است که از نظر دین مبین اسلام مردود پنداشته می شود زیرا تا اینکه انسان با جن همکار نباشد جنیات قطعاً با او همکاری نمی کند و یاری خواستن و همکار شدن با جنیات انسان را به شرک می کشاند.

و مسلمان باید به کارهای متوسل نشود که دین، ایمان و عقیده او را متزلزل سازد و بطرف آتش دوزخ سوق دهد.

## نیکبختی در گرو انجام دادن بندگی الله متعال است

انسان نیکبخت کسی است که پرودگارش را بیشتر اطاعت میکند و سعادت انسان در گروه اخلاص او بوده و به هر اندازه که اخلاص داشته باشد به همان اندازه سعادت، امنیت، کامگاری، قوت و نصرت را کسب خواهد کرد، و مومنان کسانی هستند که کامیابی دارین را در کام دارند، الله جل جلاله میفرماید: (الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ)<sup>۱</sup>.

ترجمه: کسانی که ایمان آورده و ایمان خود را به شرک نیالوده اند آنان راست ایمنی و ایشان راه یافتگانند.

و او تعالی در جایی دیگر مهربانی میکند: (مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ)<sup>۲</sup>.

ترجمه: هر کس از مرد یا زن کار شایسته کند و مؤمن باشد قطعاً او را با زندگی پاکیزه ای حیات [حقیقی] بخشیم و مسلماً به آنان بهتر از آنچه انجام می دادند پاداش خواهیم داد.

<sup>۱</sup> - سوره انعام: ۸۲.

<sup>۲</sup> - سوره نحل: ۹۷.

و این هم گفته الهی میباشد: (يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعذِرَتُهُمْ وَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ)<sup>۱</sup>.

ترجمه: [همان] روزی که ستمگران را پوزش طلبی شان سود نمی دهد و برای آنان لعنت است و برایشان بد فرجامی آن سرای است.



### منکر سنت رسول الله صلى الله عليه وسلم مسلمان نیست

یکی از دوستان از ولایت بلخ سوال نموده :

کسی که منکر حدیث پیغمبر صلی الله علیه وسلم باشد حکمش چیست؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

کسی که به این باور است که قرآن را قبول دارد و سنت را قبول ندارد قبل از اینکه منکر سنت باشد منکر قرآن کریم است، زیرا سنت رسول الله صلی الله شارح و مفسر قرآن کریم است و سنت نیز وحی منزل از آسمان است، الله متعال در قرآن کریم فرموده است که رسول او از هوا و هوس خود حرف نمی زند بلکه وحی

<sup>۱</sup> - سوره غافر: ۵۱.

است که برایش نازل شده: "وما ينطق عن الهوى إن هو إلا وحي يوحى" <sup>۱</sup>.

و نیز فرموده است که هر آنچه را که رسولش برای تان آورده و رهنمائی کرده به آن عمل کنید و از هر آنچه شما را منع کرده آنرا ترک کنید: "وما آتاكم الرسول فخذوه وما نهاكم عنه فانتهوا" <sup>۲</sup>.

و فرموده است هر که طاعت رسولش را نماید در حقیقت طاعت الله را کرده "من يطع الرسول فقد أطاع الله" <sup>۳</sup>.

و رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث که ابوداود روایت نموده و شیخ محمد ناصر الدین الألبانی تصحیح کرده فرموده است: "ألا إني أوتيت الكتاب ومثله معه" <sup>۴</sup> آگاه باشید بخاطر هدایت بشریت قرآن کریم برآیم آمده و همراهش سنت نیز.

بدون سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم مسلمان قرآن کریم را دانسته نمی تواند و اکثر احکام که در قرآن کریم اجمالاً ذکر شده سنت و احادیث صحیح آنرا تفسیر و شرح کرده و منکر سنت و حدیث در هر صورت از دین مبین اسلام خارج شده، و دشمنی با

<sup>۱</sup> - سوره نجم: ۳-۴.

<sup>۲</sup> - سوره حشر: ۷.

<sup>۳</sup> - سوره نساء: ۸۰.

<sup>۴</sup> - سنن أبي داود، كتاب السنة، باب في لزوم السنة، شماره حدیث: (۴۶۰۴)، (ج ۴، ص ۲۰۰).

سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم در حقیقت امر دشمنی با قرآن است.



### محبت و دوستی رسول الله صلی الله علیه وسلم در پیروی سنت است

یکی از دوستان از ولایت پروان نوشته که:

نظر شما چیست در مورد کالا، لونگی و دستار، بوت و چپلک و غیره، گفته می شود که از رسول الله صلی الله علیه وسلم بوده و آنرا به پیمانہ وسیع بریلویها شیر میکنند، لطفا موقف شریعت را بیان کنید؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله أما بعد:

محبت و دوستی رسول الله صلی الله علیه وسلم در پیروی از سنت او تحقق میابد نه با شیوه و روش بدعتی و منحرف مثل: نشر کردن موی، کالاهای کهنه، بوت و چپلک و غیره که اصلا معلوم و ثابت نیست که از رسول الله صلی الله علیه وسلم باشد.. مسلمان که واقعا به دین مبین اسلام دلسوز است باید پیروی سنتهای رسول الله صلی الله علیه وسلم را کند، الله متعال فرموده است: " وما آتاكم الرسول فخذوه وما نهاكم عنه فانتهوا"<sup>۱</sup> هر آنچه را رسول الله

<sup>۱</sup> - سوره حشر: ۷.

صلی الله علیه وسلم برای شما رهنمائی کرده به آن عمل کنید ،  
 وهر آنچه را که شما را از آن منع کرده آنرا نکنید واز آن دوری  
 جویید.. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است که نماز  
 وعبادت تا آنرا قسمی ادا کنید که من می کنم وکسی از شما ایمان  
 نمی داشته باشد تا اینکه هوا وهوس او تابع سنت ورسالت من  
 نباشد.

بریلویها وغیره طوائف گمراه ومبتدع که اصلا در مخالفت  
 سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم قرار دارند وبه پیمانہ وسیع  
 مرتکب نو آوری وبتدع می شوند وکارهای را انجام میدهند که  
 انسان را به شرک می کشاند ..باز هم دعوی محبت دوستی محمد  
 صلی الله علیه وسلم را میکنند...ودوستی او را تنها در نشر کردن  
 بعض کالاها ولباسها وغیره ومنسوب کردن آنها برسول الله صلی  
 الله علیه وسلم میدانند..در حال که اولای این کالاها ولباسها ثابت  
 نیست که از رسول الله صلی الله علیه وسلم باشد، ثانیاً: پیامبر  
 اسلام به تعظیم کالا ولباس امر نکرده وتشویق ننموده.

باید جوانان عزیز خود را در نشر کردن چنین اشیاء مشغول  
 نسازند زیرا اجر ندارد ومسلمان مأمور نیست بلکه مسلمان مأمور  
 است که به سنت او عمل کند محمد صلی الله علیه وسلم را در  
 همه جوانب زندگی خود قدوه والگو قرار دهد واز مطالعه سیرت او  
 وسیرت صحابه کرام درسهای مفید استنباط کند ..وهمه رفتار  
 وروش، عبادت بدنی ومالی ، معاملات، امور خانوادکی اش مطابق

سنت رسول الله صلى الله عليه وسلم وخلفای راشدین وصحابه کرام انجام شود "علیکم بسنتی وسنة خلفاء الراشدين المهديين"<sup>۱</sup>.



آیا رسول الله صلى الله عليه وسلم ختنه شده به دنیا آمده بود؟

یکی از دوستان سوال نموده که آیا پیامبر اسلام محمد رسول الله صلى الله عليه وسلم ختنه شده به دنیا آمده بود؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله أما بعد:

این موضوع مختلف فيه است ودر آن سه قول ودیدگاه وجود دارد:

یکی اینکه ختنه شده به دنیا آمده.

دوم اینکه جبریل علیه السلام او را ختنه کرده هنگام شق کردن سینه اش.

<sup>۱</sup> - سنن ابن ماجه، باب اتباع سنة الخلفاء الراشدين المهديين، شماره حدیث: (۴۲)، (ج ۱)، ص ۱۵).

نظر سوم این است که پدر کلانش عبدالمطلب او را در روز هفتم ولادتش ختنه کرده زیرا در آن زمانه همین مروج بود و این نظر سوم راجح و درست است.

اما روایات حدیث که آنحضرت صلی الله علیه وسلم ختنه شده بدنیا آمده ضعیف و قابل عمل نیست.



### برگزاری مولود نبوی صلی الله علیه وسلم در شریعت

عده از دوستان و عزیزان از بنده سؤال نموده که آیا این چنین محفل در شریعت اسلامی ثابت است و جواز دارد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

باید برای این عزیزان و همه دوستان بنویسم که به هیچ دلیلی شرعی نه از قرآن کریم و نه هم از سنت پیامبر اسلام و نه هم از صحابه کرام و ائمه اهل سنت و جماعت چنین عمل کرد و روش ثابت است، بلکه بدعت و نوآوری در دین شمرده می شود. و ما نمی توانیم عبادات و عقائد خود را از اهل خرافت و بدعت در یافت نماییم.

اگر این عملکرد ثابت می بود و جواز و مشروعیت میداشت باید صحابه کرام و ائمه و فقهاء و علماء کرام مردم را تشویق میکردند



لیکن هیچ دلیلی بر جواز نداریم، خو باید همیشه و در هر بخش از سال سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم را مطالعه کنیم و سیرت آنرا سرمشق زندگی خود قرار دهیم و از قربانی های بی دریغ او صلی الله علیه وسلم و صحابه کرامش درس بگیریم در همه عرضه های زندگی، لیکن نه بشکل و روش نمایشی و برگذاری محافل حلوا خوری و پایمال کردن احکام شریعت، و جا دارد که من کوششها جمعیت اصلاح افغانستان و نهاد جوانان مسلمان (نجم) و نهاد های دعوتی دیگری را که در طول سال مسابقات سیرت النبی صلی الله علیه وسلم را در اکثر ولایات افغانستان برگزار نمودند مورد تایید قرار دهم که آنها همیشه مردم را برای مطالعه سیرت آنحضرت صلی الله علیه وسلم تشویق میکنند و برای آموختن آن زمینه سازی می نمایند.



## ثواب عبادت روضه مسجد رسول الله صلى الله عليه وسلم

یکی از خواهران سوال نموده که در مورد روضه مسجد رسول الله صلى الله عليه وسلم توضیح دهید.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، وبعد:

رسول الله صلى الله عليه وسلم در حدیث صحیح متفق علیه فرموده است: "ما بين بيتي ومنبري روضة من رياض الجنة" <sup>۱</sup> مسافه که بین خانه ومنبر مسجد من است یکی از باغچه های جنت است، علماء ومحدثین در شرح این حدیث نوشته اند که عبادت کردن مثل نماز، تلاوت، دعاء در اینجا سبب داخل شدن جنت می شود بشرط که مسلمان عبادت کننده موحد باشد وبه شرکيات ملوث نباشد، واین مکان فضیلت بسیار زیاد دارد که رسول الله صلى الله عليه وسلم آنرا باغچه از جنت نامیده به این معنی که عبادت اینجا ثوابی دارد که مسلمان را به طرف جنت سوق میدهد.



<sup>۱</sup> - صحیح البخاری، کتاب فضل الصلاة في مسجد مكة والمدینة، باب فضل ما بين القبر والمنبر، شماره حدیث: (۱۱۹۵)، (ج ۲، ص ۶۱).

### نام مقبره مدینه منوره (مقبره بقیع) است نه (جنت بقیع)

یکی از خواهران افغانی مقیم جرمنی سوال نموده که آیا واقعا مقبره مدینه منوره جنت بقیع نام دارد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، وبعد:

نام مقبره مدینه منوره (مقبره بقیع) است و آنرا (جنت البقیع) نامیدن درست نیست.

زیرا جنت در این دنیا نمی باشد.



### نباید در مدح و ستایش رسول الله صلی الله علیه وسلم افراط ورزید

یکی از جوانان قافله دعوت اسلامی از ولایت بلخ سوال نموده:

جناب شیخ صاحب فضل الله ممتاز السلام علیکم ورحمت الله وبرکاته.

در مورد اینکه یک مولوی در بلخ در تبلیغ خود گفته بود که یک شخص بول - ادرار - حضرت سرور کائنات را خورده بود و بعد نزد آنحضرت صلی الله علیه وسلم می آید میگوید که یا رسول الله من بول شما را خوردم بسیار بوی خوش داشت و بعدا آنحضرت

صلی الله علیه وسلم میگویند مرحبا هر کسیکه بول من را بخورد شکم آن هیچ وقت گرسنه نمی شود.

آیا این حقیقت دارد اگر حقیقت داشته باشد چرا یاران پیغمبر ما نخوردند و چرا دیگر مردم نخوردند پس یکنفر خورده ؟

امید است جواب قانع کننده بدهید از روزیکه این حرف بر سر زبان ها افتاده یک تعداد ضعیف الایمان ها برای ما طعنه میدهند چرا بول آنحضرت را نخوردی ، ویک تعداد بکلی کفر میگویند.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

نباید درمدح وستایش رسول الله صلی الله علیه وسلم افراط ورزید، چنانکه الله متعال می فرماید: "قل إنما أنا بشر مثلكم يوحى إلي إنما إلهكم إله واحد"<sup>۱</sup>.

ای رسول به امت خود بگو من مانند شما بشری هستم که به من وحی میرسد که پروردگار شما یکتا و یگانه است.

ورسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح می فرماید: "إنما أنا بشر مثلكم"<sup>۲</sup>، من بشری مانند شما هستم، فقط او تعالی برای من وحی فرستاده و مرا به پیامبری انتخاب نموده است، با

۱ - سورة الكهف، الآية: ۱۱۰.

۲ - أخرجه البخاري في صحيحه، شماره حدیث: (۴۰۱)، ج ۱، ص ۸۹.

پیروی او امر انحضرت صلی الله علیه وسلم وانجام آن الله متعال ورسولش را دوست میداریم چنانکه او تعالی می فرماید: "قل إن كنتم تحبون الله فاتبعوني يحببكم الله"<sup>۱</sup> ای پیامبر بگو اگر الله متعال را دوست می دارید مرا پیروی کنید که او تعالی شما را دوست بدارد. ورسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح می فرماید: "لا يؤمن أحدكم حتى أكون أحب إليه من والده وولده والناس أجمعين"<sup>۲</sup>.

ایمان هیچ یک از شما کامل نخواهد شد تا اینکه من از پدر و فرزند و تمامی مردم نزد او محبوبتر باشم.

لیکن این دوستی و محبت حد دارد که شریعت به ما تعیین نموده است، واز این بیشتر اجازه نداده است مثلاً در جواب سوال شما باید بگوییم که بعضی مردم از روی جهالت و نادانی و یا منسوب بودن به گروه‌های اهل بدعت و مردمان گمراه در مدح رسول الله صلی الله علیه وسلم مبالغه میکنند واز جمله اینکه در سوال شما ملاحظه کردیم، در اصل بول وادرار آنحضرت صلی الله علیه وسلم مثل بول وادرار افراد امت او میباشد کدام تفاوت نداشت و بعضی احادیث ضعیف و منکر و موضوع در این باب روایت شده که اهل بدعت و خرافات آنرا نقل میکنند در حالی که حجت نیست.

۱ - سورة آل عمران، الآية: ۳۱.

۲ - أخرجه البخاري في صحيحه، شماره حدیث: (۱۴)، ج ۱، ص ۱۲.

این شیوه جاهلیت است که در مورد اشخاص غلو می کردند و آنها را از مرتبه لایق به خود بالاتر می بردند تا جایکه آنها را به مرحله ربوبیت همراه پروردگار می رساندند. چنانکه یهود در مورد عزیر گفتند: او پسر خداست و به همان شیوه نصاری، عیسی پسر مریم را از رتبه بشر بودن و رسالت به مرتبه الوهیت ارتقاء داده و گفتند: او پسر خداست، قوم نوح نیز به همان شیوه در مورد صالحان قوم خویش غلو کردند؛ عکسهای آنها را کشیده و از آنها مجسمه ساختند سپس آنها را عبادت نمودند و آنها را به مرتبه الوهیت که مرحله پرستش است، رساندند.

و به همین شکل اهل بدعت تا به حال در مورد صالحان غلو کنند، دور قبرهایشان طواف می نمایند و برایشان ذبح و قربانی می کنند، برای آنها نذر انجام می دهند. از آنها در حالات درماندگی و اضطرار، استغاثه و طلب نجات می نمایند و رفع احتیاجات و درخواست نیازهای خویش را از آنها می کنند.

سرانجام، غلو شرک صاحبان آن را به همراه دارد، به همین دلیل است که رسول الله - صلی الله علیه و سلم - در حدیث صحیح فرموده است: "لَا تُطْرُونِي كَمَا أَطَرَتِ النَّصَارَى ابْنَ مَرْيَمَ فَإِنَّمَا أَنَا عَبْدُهُ فَقُولُوا عَبْدُ اللَّهِ وَرَسُولُهُ!"<sup>۱</sup>

۱ - أخرجه البخاري في صحيحه، شماره حدیث: (۳۴۴۵)، ج ۴، ص ۱۶۷.

در مدح و ثنای من چنانکه نصاری در مورد عیسی پسر مریم کردند، افراط مکنید من بنده ای بیش نیستم. پس بگویید بنده الله ورسول او.

از افراط در دین پرهیزید که آنچه باعث هلاکت گذشتگان شما شد همان افراط در دین بود.



### اسراء و معراج

برادر محترم ما امام الدین از ولایت فراه سوال کرده که آیا در شب اسراء و معراج رسول الله صلی الله علیه وسلم تنها با روح خود به مسجد اقصی رفته است یا با روح و جسد خود؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

اسراء و معراج که یکسال قبل و یا یکسال و دو ماه قبل از هجرت بوقوع پیوسته باجماع علمای امت ، واحادیث صحیح متواتر ثابت است، ونیز الله متعال در قرآن کریم فرموده است: "سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ"<sup>۱</sup>.

<sup>۱</sup> - سوره اسراء: ۱.

جمهور العلماء اعتقاد دارند که رسول الله صلی الله علیه وسلم با روح و جسد خود در شب اسراء و معراج از مسجد الحرام به مسجد اقصی رفته است.

نظر دومی این است که تنها در خواب بوده.

نظر سومی این است که تنها با روح رفته است .. لیکن راجح نظر جمهور علماء است که رسول الله صلی الله علیه وسلم با روح و جسد خود در حالت بیداری در شب اسراء و معراج از مسجد الحرام به مسجد اقصی رفته است.



**۹۹ اسمی که به رسول الله صلی الله علیه وسلم منسوب می شود**

یکی از دوستان محترم سوال نموده :

استاد عالیقدرم معلومات راجع به ۹۹ اسم که به رسول الله منسوب می شود معلومات بدهید که کدام دلیل شرعی دارد یا خیر؟



الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله أما بعد:

تنها آن نامهای را به رسول الله صلى الله عليه وسلم منسوب بسازیم که در قرآن کریم و سنت صحیح رسول الله صلى الله عليه وسلم ذکر شده است.

منحرفین و محبت کنندگان دروغین نامهای زیاد را به آنحضرت صلى الله عليه وسلم نسبت داده اند که حقیقت ندارد و سند و دلیل شرعی هم ندارد.

تنها بعض اسماء و نامها منسوب به رسول الله صلى الله عليه وسلم ثابت است که در قرآن کریم و احادیث صحیح ذکر شده مثل: ( محمد، أحمد، المَاجِي، الحَاشِرُ، المُقَفِّي، نَبِيُّ التَّوْبَةِ، نَبِيُّ الرَّحْمَةِ، العَاقِبُ ).

رسول الله صلى الله عليه وسلم فرموده است در صحیح البخاری: "لِي خَمْسَةٌ أَسْمَاءٍ : أَنَا مُحَمَّدٌ ، وَأَحْمَدُ ، وَأَنَا الْمَاجِي الَّذِي يَمْحُو اللَّهُ بِي الْكُفْرَ ، وَأَنَا الْحَاشِرُ الَّذِي يُخَشِّرُ النَّاسَ عَلَيَّ قَدَمِي ، وَأَنَا الْعَاقِبُ" <sup>۱</sup>.

واز صفات آن حضرت صلى الله عليه وسلم: الشاهد، المبشر، النذير، الداعي، السراج المنير است.

<sup>۱</sup> - أخرجه البخاري في صحيحه، شماره حديث: (۳۵۳۲)، ج ۴، ص ۱۸۵.

واين در قرآن كريم ثابت است: "يا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا . وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا"<sup>۱</sup>.

اين نامه‌ای منسوب به رسول الله صلى الله عليه وسلم كه در كتاب "دلائل الخيرت" جزولى ذكر شده دليل شرعى ندارد وصحت هم ندارد شرعا وبايد رسول الله صلى الله عليه وسلم را به اينها نامها نناميم: (أحيد، وحيد، منح، مدعو، غوث، غياث، مقيل العثرات، صفوح عن الزلات، خازن علم الله، بحر أنوارك، معدن أسرارك، مؤتي الرحمة، نور الأنوار، السبب في كل موجود، حاء الرحمة، ميم الملك، دال الدوام، قطب الجلالة، السر الجامع، الحجاب الأعظم، آية الله).



### محافل و كنفرانسهاى سيرت النبى صلى الله عليه وسلم

چندين تن از جوانان عزيز هموطن ما در مورد محافل ميلاد النبى صلى الله عليه وسلم سوالاتى را مطرح نموده اند وخواهان موقف شرعى درست شده اند كه در سطور ذيل بيان ميشود.

برداشت مردم از برگزاري چنين محافل به سه دسته تقسيم ميشود كه قرار ذيل است:

<sup>۱</sup> - سورة الأحزاب، الآية: ۴۵.

## الف : محافل میلاد النبی به شیوه شرکی و خرافاتی:

برگزاری عید میلاد النبی در ماه ربیع الأول خصوصاً بتاریخ دوازدهم این ماه به شیوه واسلوب شرکی که بریلویها وطوائف و گروههای گمراه انجام میدهند و در مدح رسول الله صلی الله علیه وسلم مبالغه میکنند که بعض وقت آنحضرت صلی الله علیه وسلم از مقام نبوت بلند برده به الوهیت میرسانند و یا اعتقاد میداشته باشند که ایشان زنده است و در مجالس شان حضور می یابد و کرسی و چوکی را تخصیص میدهند بنام شان، این برداشت کاملاً شرکی و مناقض توحید و مخالف شریعت است که نباید در مدح وستایش رسول الله صلی الله علیه وسلم افراط ورزید، چنانکه الله متعال می فرماید: "قل إنما أنا بشر مثلكم يوحى إلي أنما إلهكم إله واحد"<sup>۱</sup>.

ای رسول به امت خود بگو من مانند شما بشری هستم که به من وحی میرسد که پروردگار شما یکتا و یگانه است.

و رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح می فرماید:  
"إنما أنا بشر مثلكم"<sup>۲</sup>.

۱ - سورة الكهف، الآية: ۱۱۰.

۲ - أخرجه البخاري في صحيحه، شماره حدیث: (۴۰۱)، ج ۱، ص ۸۹.

من بشرى مانند شما هستم ، فقط او تعالى برای من وحى فرستاده و مرا به پیامبری انتخاب نموده است.

با پیروی او امر انحضرت صلى الله عليه وسلم وانجام آن الله متعال و رسولش را دوست میداریم چنانکه او تعالى می فرماید: "قل إن كنتم تحبون الله فاتبعوني يحببكم الله"<sup>۱</sup>.

ای پیامبر بگو اگر الله متعال را دوست می دارید مرا پیروی کنید که او تعالى شما را دوست بدارد.

و رسول الله صلى الله عليه وسلم در حدیث صحیح می فرماید: "لا يؤمن أحدكم حتى أكون أحب إليه من والده وولده والناس أجمعين"<sup>۲</sup>.

ایمان هیچ یک از شما کامل نخواهد شد تا اینکه من از پدر و فرزند و تمامی مردم نزد او محبوبتر باشم.

لیکن این دوستی و محبت حد دارد که شریعت به ما تعیین نموده است.. و از این بیشتر اجازه نداده است مثلا بعض مردم از روی جهالت و نادانی و یا منسوب بودن به گروههای اهل بدعت و مردمان گمراه در مدح رسول الله صلى الله عليه وسلم مبالغه میکنند و این شیوه جاهلیت است که در مورد اشخاص غلو می

<sup>۱</sup> - سورة آل عمران، الآية: ۳۱.

<sup>۲</sup> - أخرجه البخاري في صحيحه، كتاب الإيمان، باب: حب الرسول صلى الله عليه وسلم من الإيمان، رقم الحديث: (۱۴)، (ج ۱، ص ۱۲).

کردند و آنها را از مرتبه لایق به خود بالاتر می بردند تا جاییکه آنها را به مرحله ربوبیت همراه پروردگار می رساندند. چنانکه یهود در مورد عزیر گفتند: او پسر خداست و به همان شیوه نصاری، عیسی پسر مریم را از رتبه بشر بودن و رسالت به مرتبه الوهیت ارتقاء داده و گفتند: او پسر خداست. قوم نوح نیز به همان شیوه در مورد صالحان قوم خویش غلو کردند؛ عکسهای آنها را کشیده و از آنها مجسمه ساختند سپس آنها را عبادت نمودند و آنها را به مرتبه الوهیت که مرحله پرستش است، رساندند.

و به همین شکل اهل بدعت تا به حال در مورد صالحان غلو کنند، دور قبرهایشان طواف می نمایند و برایشان ذبح و قربانی می کنند، برای آنها نذر انجام می دهند، از آنها در حالات درماندگی و اضطرار، استغاثه و طلب نجات می نمایند و رفع احتیاجات و درخواست نیازهای خویش را از آنها می کنند.

سرانجام، غلو شرک صاحبان آن را به همراه دارد. به همین دلیل است که رسول الله - صلی الله علیه و سلم - در حدیث صحیح فرموده است: "لَا تُطْرُونِي كَمَا أَطَرَتِ النَّصَارَى ابْنَ مَرْيَمَ فَإِنَّمَا أَنَا عَبْدُهُ فَقُولُوا عَبْدُ اللَّهِ وَرَسُولُهُ"!

۱ - أخرجه البخاري في صحيحه، كتاب أحاديث الأنبياء، باب قول الله {وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذِ انْتَبَذَتْ مِنْ أَهْلِهَا}، رقم الحديث: (۳۴۴۵)، (ج ۴، ص ۱۶۷).

در مدح و ثنای من چنانکه نصاری در مورد عیسی پسر مریم کردند، افراط مکنید من بنده ای بیش نیستم، پس بگویید بنده الله ورسول او.

رسول الله صلی الله علیه و سلم در حدیث صحیح از غلو و افراط تحذیر نموده و فرموده است: "إِيَّاكُمْ وَالْغُلُوَّ فِي الدِّينِ فَإِنَّمَا أَهْلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ الْغُلُوَّ فِي الدِّينِ"<sup>۱</sup>.

از افراط در دین بپرهیزید که آنچه باعث هلاکت گذشتگان شما شد همان افراط در دین بود.

این علمکرد و شیوه و طریقه مبتدعین کاملاً مخالف شریعت است و احیاناً بدعت مغلظ و کلان است و بعض وقت بشرک نیز میرسد.

<sup>۱</sup> - أخرجه النسائي في سننه، كتاب مناسك الحج، باب: التقاط الحصى، رقم الحديث: (۳۰۵۷)، (ج ۵، ص ۲۶۸).

## ب: تخصیص دادن تاریخ دوازده ما ربیع الأول برای این محافل به شیوه بدعتی:

تخصیص دادن دوازدهم ما ربیع الاول برای برگزاری محافل میلاد النبی که اصلاً الله متعال در قرآن کریم امر نکرده که چنین شود و نه هم رسول الله صلی الله علیه وسلم بخاطر روز ولادت مبارک خود روزی را برای این محافل تخصیص داده و نه امر وتشویق کرده و صحابه کرام و تابعین، و اتباع تابعین و سلف صالح نیز این روش را نداشتند، اما بعض مردم کنفرانس میداشته باشند از سیرت آنحضرت صلی الله علیه وسلم حرف میزنند و بعض شیرینی باب توزیع میکنند که در دائره بدعتها شامل است البته بدرجه کمتر از شماره قبلی، و اعتراض این است که تنها تجلیل از همه اعمال بزرگ و کارنامه های که دنیا را روشن ساخته است در یک روز و در این نوع اعمال خلاصه میشود که منعکس دهند حقوق آنحضرت صلی الله علیه وسلم هرگز نمی شود.

## ج : کنفرانسها و مسابقات و محافل سیرت النبی در هر وقت از سال که این مطابق سنت است:

برگزاری کنفرانسهای سیره النبی صلی الله علیه وسلم در هر وقتی از سال و تدویر مسابقات سیره النبی و ستاره معارف که بخش از آن نیز شامل سیرت آنحضرت صلی الله علیه وسلم میشود و تشویق نمودن مردم و ترغیب دادن به مطالعه زندگینامه آنحضرت

صلی الله علیه وسلم وصحابه کرام وعمل کردن به سنت واجتناب ودوری از بدعتها ونوآوریها والگو قرار دادن آنحضرت صلی الله علیه وسلم در همه در بخشهای زندگی دینی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، اخلاقی، این نوع کنفرانسها در حقیقت بخش از بیداری اسلامی است ودر نشر دین مبین اسلام اهمیت بسزای دارد وکار خوب ومرغوب ومحبوب است بلکه اجر وثواب نیز دارد وما بارها مسابقات سیره النبی صلی الله علیه وسلم وستاره معارف را در اکثر ولایات افغانستان راه اندازی کرده است ودر اوقات مختلف که مورد استقبال علماء ودعوتگران وجوانان هموطن ما اعم از خواهران وبرادران قرار گرفته است.

وهر کسی که رسول الله صلی الله علیه وسلم را دوست دارد ومی خواهد که در روز قیامت شفاعتش شامل حالش شود به سنت آنحضرت صلی الله علیه وسلم عمل کند ودین مبین اسلام را به شکل شمولی بشناسد وبفهمد وتطبیق نماید نه به شیوه های خرافاتی وشرکی وخلاصه کردن محبت ودوستی رسول الله صلی الله علیه در توزیع نمودن متایی وشیرنی وشیربرنج.





## وجود خانقاه در شریعت اساس و دلیل شرعی ندارد

یکی از دوستان محترم از شهر کابل سوال نموده:

استاد محترم من محصل سال اول ادبیات استم مرا بعض دوستان به خانقاه بردند و در آنجا انسان مجبور است که دست پیر را ببوسد و با آنها تا ناوقت شب هو هو بگوید، آیا رفتن من درست از نظر شریعت؟

هموطن محترم دومی ما از شهر مزار ولایت بلخ نیز سوال

نموده :

بعضیها شب های جمعه در مساجد و در خانقاها به نام حلقه ذکر گردهم جمع می شوند دست و پای پیر را می بوسند و نزد پیر سجده کنان خود را می اندازند ، اعمالی را که این گروه انجام میدهند آیا از پیامبر صلی الله علیه وسلم و از صحابه رضی الله عنهم ثابت است؟

### الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله أما بعد:

ما وشما من حيث مسلمانان وامت محمد صلی الله صلی الله علیه وسلم وپیرو سنت او وسنت خلفای راشدین وصحابه کرام رضی الله عنهم واتبوعین فقهای برزگ اسلام مثل امام ابوحنیفه و شاگردانش رحمهم الله جمیعا میدانیم ویقین داریم که مسجد یگانه عبادتگاه و جای نماز، تلاوت، ذکر، دعاء و نفل خوانی و حلقه های دروس شرعی مسلمانان است، الله متعال رسول الله صلی الله علیه وسلم را نیز مسلمانان به ساختن و اعمار مساجد امر نموده.. رسول الله صلی الله علیه وسلم وقتی که به مدینه منوره هجرت کرد اولین کارش همین ساختن مسجد قباء بود، و بعد از آن مسجد نبوی شریف را ساختند.

اما وجود خانقاه نه در قرآن کریم ثابت است و نه هم در سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم و نه در عملکرد تابعین و اتباع تابعین و فقهای مذاهب چهارگانه فقهی نیز هیچ یکی از ائمه فقه حنفی بر مشروع بودن خانقاه رهنمائی ندارد، بلکه این یک نو آوری و بدعت در دین است که مردم را از رفتن به مسجد منصرف بسازند، وجود خانقاه بدعت و نو آوری در دین مبین اسلام شمرده می شود، رفتن به خانقاه بخاطر بوسیدن دست پیر و (هوهو) گفتن ناجائز و نامشروع و حرام است، ذکر کردن و (هوهو) گفتن هیچ معنای ندارد و یک عملکرد نادرست و مخالف شریعت است، اذکار مسنونه و مأثورات که ادعیه آن از قرآن کریم و سنت رسول الله صلی الله

علیه وسلم گرفته شده واضح و روشن است و معنی و مفهوم واضح دارد.

بوسیدن دست و پای پیر به نیت تعظیم و تقدیس مسلمان را به بیراهه می کشاند زیرا اکثرا آنها در مخالفت سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم قرار دارند حتی به شرک میرسد.

جوانان عزیز باید به عوض اماکن و جاهای که آنها را به بیراهه و گمراهی می کشاند وسوق میدهد، و عقیده، فکر، اندیشه اسلامی شانرا مشکوک میسازد وزیر سوال میبرد، به مساجد و حلقه های درسی علمای راستین بروند نیز بخاطر رسیدن به درسها و نوشته های علمای راستین فی العلم از وسائل جدید استفاده کنند، حالا الحمد لله ما در افغانستان علمای جید، شیوخ القرآن والسنة، وستاره های دعوت داریم که در جهان مانند آنها کم پیدا می شود، باید اینها را متابعت کنیم و از علم و دانش شرعی، و ثقافت دینی شان اخذ نماییم، و نزد پیرهای بی نماز که در فسق و فجور غرق هستند نرویم که دنیا و آخرت ما تباه می شود، مسلمان که دوستی و محبت مسجد و خانه الله متعال در قلبش جا داشته باشد به خانقاه نمی رود.



آيا د مسلمان لپاره جواز لري چې د مشكلاتو او مصائبو پر وخت په خپله دعاء کې مرگ و غواړي؟

يو گران هېوادوال مو له سمنگان ولايت څخه پوښتنه کړې ده:

السلام عليكم ورحمت الله استاد محترم د غمونو په اثر له الله څخه د مرگ غوښتلو په اړه که په حديث کې له پېغمبر صلی الله عليه وسلم څخه څه راغلي وي متن يا معنا يې که لطف وکړئ او راته ويې ليکئ.

**الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:**

وعليكم السلام ورحمة الله وبركاته، د مسلمان لپاره مکروه دي چې د ژوند د فشارونو، مصيبتونو، ستونزو او ډول ډول ناروغيو څخه د خلاصون په خاطر مرگ و غواړي؛ ځکه چې مسلمان مأمور دی چې صبر وکړي او دا دنيا د ابتلاء، امتحان، مشقت او سختیو ځای دی؛ الله تعالی فرمایلي دي چې: "ولنبلونکم بشیئ من الخوف والجوع ونقص من الأموال والأنفس والثمرات"<sup>۱</sup>.

تاسو به په ابتلاء او ازمیښت کې راولو په کمي او نقص د مال او دارائي او مشکلات چې ستاسو په نفسونو

<sup>۱</sup> - سورة البقرة، الآية: ۵۵.

او ځانونو راځي؛، او همدارنگه ميوې ، کښت او زراعت به مو په دې ابتلاء او ازمينت کې شاملېږي او تلف کېږي او اقتصادي ضربات به زغمي، او په ادامه يې فرمايلي دي : هغو کسانو ته بشارت او خوشخبري ورکړه چې د مصيبت او مشکلاتو پر وخت صبر کوي او وايي موږ او زموږ ټول امور د الله تعالی په خاطر او د هغه په طاعت کې دي او د هغه تعالی لوري ته رجوع کوو .

د وفات او مرگ په صورت کې د مسلمان نیک او صالح عمل قطع کېږي چې هغه ته ضرورت لري، رسول الله صلی الله علیه وسلم په صحیح حدیث کې فرمایلي دي: "لَا يَتَمَنَّى أَحَدُكُمْ الْمَوْتَ ، وَلَا يَدْعُ بِهِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَهُ ، إِنَّهُ إِذَا مَاتَ أَحَدُكُمْ انْقَطَعَ عَمَلُهُ ، وَإِنَّهُ لَا يَزِيدُ الْمُؤْمِنَ عُمُرَهُ إِلَّا خَيْرًا" له تاسو هېڅ يو دې مرگ نه غواړي او دا دعاء دې نه کوي چې مرگ يې نژدې شي ځکه چې د مرگ په سبب د هغه نېک عمل قطع کېږي ، او د عمر زياتېدل او اوږدېدل د مؤمن لپاره د نېکو، خير او صالحو کارونو د زياتد سبب کېږي .. او همدارنگه د انس بن مالک رضي الله روایت دی چه رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمایلي دي: "لَا يَتَمَنَّى أَحَدُكُمْ الْمَوْتَ مِنْ ضَرِّ أَصَابِهِ ، فَإِنْ كَانَ لَا بُدَّ فَاعْلَا فَلْيَقُلْ : اللَّهُمَّ أَحْيِنِي مَا كَانَتْ الْحَيَاةُ

۱ - أخرجه مسلم في صحيحه، شماره حدیث: (۲۶۸۲)، ج ۴، ص ۲۰۶۵.

خَيْرًا لِي ، وَتَوَفَّنِي إِذَا كَانَتْ الْوَقَاةُ خَيْرًا لِي" له تاسو نه يو شوک کله چې په مصيبت کې راگيرېږي مرگ دې نه طلب کوي او د هغه آرزو دې نه لري، او که چېرته يې بيا هم د مرگ د غوښتلو دعاء کوله نو داسې دعاء دې وکړي يا الله که ژوند مې په خیر وي هغه مې په نصیب کړې او که مرگ بهتره وي هغه راته مقدر وگرځوه.

ژوند د خیر نیکو او صالحو اعمالو په خاطر او مرگ د راحت او له شر څخه د خلاصون په خاطر راته مقدر کړه.

البته مرگ غوښتل په دوه صورتونو کې مشروع

دی :

۱- په فتنه کې د واقع کېدو او نجات په خاطر چې د مسلمان دین په خطر کې وي؛ ځکه چې رسول الله صلی الله علیه وسلم په صحیح حدیث کې فرمایلي دي: "وإذا أردت بعبادك فتنة فاقبضني إليك غير مفتون"<sup>۲</sup> که بنده گانو ته دې په فتنه کې د واقع کېدو اراده درلوده ما

۱ - أخرجه البخاري في صحيحه، كتاب المرضى، باب تمنى المريض الموت، رقم الحديث: (۵۶۷۱)،

(ج۷، ص ۱۲۱).

۲ - أخرجه الترمذي في صحيحه، شماره حديث: (۳۲۳۳)، ج ۵، ص ۳۶۶.

وفات کړه مخکې له دې چې په فتنه کې واقع شم چې دین مې په خطر کې ونه غورزي.

۲- او همدارنگه طلب کول د شهادت في سبيل الله چې تر ټولو لوړه درجه ده، رسول الله صلى الله عليه وسلم په صحيح حديث کې فرمايلي دي: "مَنْ سَأَلَ اللَّهَ الشُّهَادَةَ بِصِدْقٍ بَلَغَهُ اللَّهُ مَنَازِلَ الشُّهَدَاءِ وَإِنْ مَاتَ عَلَى فِرَاشِهِ" شوک چې په صدق او د نیت په اخلاص نیت له مخې شهادت و غواړي او دعاء وکړي چې الله تعالى هغه لره د شهادت درجه په نصیب کړي..الله عزوجل به هغه ته د شهادت درجه وليکي ولو که په کور کې په خپله بستره هم مړ شي.



### هوفيان شريف، مزار شريف و چشت شريف هيچ برتری از ديگر مناطق ندارد

يکې از دوستان عزيز و محترم ما سوالی را مطرح نموده و خواهان جواب شرعی شدند و این است متن سوال شان:

دربعض نقاط افغانستان جاهای مشخصی مثل: هوفيان شريف، مزار شريف، چشت شريف، این پسوند شريف چی حکم دارد؟

۱ - أخرجه مسلم في صحيحه، شماره حديث: (۱۹۰۹)، ج ۳، ص ۲۵۲۷.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله وبعد:

قداست و شرافت بخشیدن به شهرها و قریه ها بسبب وجود زیارتگاهها در آنجا شرعا جواز ندارد، بلکه گناه بزرگ و کبیره است.

اولا: از این دوست محترم و معزز بسیار تشکر میکنم که سوال بسیار با اهمیت را مطرح نموده و احساسات نیک شان قابل قدر است، و نشر دین سلام به شیوهای صحیح و درست و هم تصحیح نمودن مفاهیم نادرست و انحراف کننده وظیفه هر مسلمان است.

ثانیا: قداست و شرافت بخشیدن به شهرها و قریه ها بخاطر اینکه در آنجا زیارتگاهها وجود دارد هیچ مجوز شرعی ندارد بلکه سبب به انحراف کشانیدن مردم می شود و این امر سبب می شود که بعض مردم متوجه این شهرها و زیارتها شوند به سبب این نوع نامگذاری های غیر شرعی رو به زیارتها بیاورند و در فکر آن شوند که درین شهرهای مقدس مشکل کشاه وجود دارد که به مشکلات شان رسیدهگی می کند که درین صورت باز هم مردم در نتیجه جهل و نادانی در شرک و بدعت و انحرافات عقیدوی واقع می شوند.

ثالثا: باید لقب شریف ازین شهرها و قریه ها ازاله و دور شود و بنام های: هوفیان، بلخ، چشت یاد شوند، و این شهرها هیچ برتری و فضیلت بر دیگر شهرهای افغانستان ندارد بلکه گفته می توانیم که بدبختانه اطراف و ماحول زیارتگاهها به مراکز انحرافات عقیده وی



مبدل شده و عقیده مردمان که درانجا بخاطر رفع حاجات می روند متزلزل گردیده.



### دم خواندن بالای مریض، ضرورت به اجازه دم خوان ندارد

یکی از دوستان از کابل سوال نموده :

اگر یکی از فامیل یا دوستان مان مریض میشوند آیا ما میتوانیم بر روی آنها آیات و دعاها را بخوانیم؟ یک ملا گفته که نمیتوانید تا اینکه اجازه ی خواندن را بگیرید؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، وبعد:

دم خواندن بالای مریض به نیت شفا یابی وظیفه هر مسلمان است و ضرورت به اجازه دم خوان ندارد، و هیچ دلیل شرعی وجود ندارد که باید از دم خوان اجازه گرفته شود، هر مسلمان می تواند خود را دم کند و نیز از اشخاص با تقوا و صالح بخواهد که او را دم کنند و برای صحت یابی او دعا کند.

منع کردن مردم از تلاوت قرآن کریم و خواندن دعای مأثور در حقیقت یک بدعت است که این تجاران و دوکانداران که مال مردم را به حرام می خورند و حتی در اثنای دم خوانی به جسم و جان

خانمان نامحرم دست میبرند ترویج میدهند، زیرا دم خواندن را ذریعه کسب و جمع آوری مال حرام دانسته اند.

شریعت برای هر مسلمان اجازه داده که خود را دم کند، و این است بعض رهنمودها برای هر مسلمان:

۱- همیشه مسلمان پایبند طاعت خداوند باشد و توکل راسخ به ذات او تعالی داشته باشد و عقیده داشته باشد که نقص و نفع همه مقدر است و فرائض را انجام دهد و توسط اداء نوافل و مستحبات به خداوند نزدیک شود و از کار های بد و منکرات دوری جوید، از رسول الله صلی الله علیه وسلم در صحیح روایت شده که ایشان فرموده اند: "احفظ الله يحفظك، احفظ الله تجده تجاهك، إذا سألت فاسأل الله، وإذا استعنت فاستعن بالله" <sup>۱</sup> خداوند متعال را بیاد داشته باش و امرش را بجا بیاور و تنها از او کمک بخواه و مسألت کن.

۲- مداومت به خواندن اذکار مأثور و مسنون صبح و شام که این اذکار را علماء (حصن المسلم) نامیده اند یعنی قلعه مسلمان .

۳- تلاوت کردن و خواندن آیت الکرسی و دو آیت اخیر سوره بقره بعد از هر نماز فرض و در وقت خواب.

۱ - أخرجه الترمذي في سننه، شماره حدیث: (۲۵۱۶)، ج ۴، ص ۶۶۷.

۴- تلاوت کردن سوره اخلاص، قل هو الله أحد، و معوذتین قل أعوذ برب الفلق و قل أعوذ برب الناس سه مرتبه، و در حدیث که امام نسائی آن را روایت کرده و شیخ محمد ناصر الدین الألبانی بالایش صحت گذاشته رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده اند که: "قُلْ: قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، وَالْمُعَوِّذَتَيْنِ حِينَ تُمْسِي وَتُصْبِحُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ تَكْفِيكَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ"<sup>۱</sup>، خواندن قل هو الله أحد و معوذتین صبح و شام برای تان کافی است که از شر همه بلاها.

۵ - خواندن این حدیث مأثور: "بسم الله الذي لا يضر مع اسمه شيء في الأرض ولا في السماء وهو السميع العليم"<sup>۲</sup> و از رسول الله صلی الله علیه وسلم ثابت است که کسی این را سه بار بخواند چیزی برایش ضرر رسانیده نمی تواند.

۶ - خواندن "أعوذ بكلمات الله التامات من شر ما خلق"<sup>۳</sup> سه بار.

<sup>۱</sup> - أخرجه الترمذي في سننه، شماره حدیث: (۳۵۷۵)، ج ۵، ص ۵۶۷.

<sup>۲</sup> - سنن أبي داود، كتاب الأدب، باب ما يقول إذا أصبح، شماره حدیث: (۵۰۸۸)، (ج ۴، ص ۳۲۳).

<sup>۳</sup> - صحيح مسلم، كتاب الذكر والدعاء والتوبة والاستغفار، باب في التعوذ من سوء القضاء ودرك الشقاء وغيره، شماره حدیث: (۲۷۰۸)، (ج ۴، ص ۲۰۸۰).

۷- خوردن هفت خرما در وقت صبح قبل از صبحانه و رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث بخاری فرموده اند که: "من تصبح کل یوم سبع تمرات عجوة لم یضره فی ذلك الیوم سم ولا سحر"<sup>۱</sup>.

اگر کسی هفت خرما را بخورد قبل از صبحانه نه زهر برایش ضرر می رساند و نه هم جادو.



### اهمیت اهتمام نمودن به اذکار مسنون

یکی از خواهران خواهش نموده که فواید اذکار مسنون صبح و شام را نشاندهی کنیم زیرا بعض مردم از اهمیت مآثورات بی خبر هستند و بعض خواندن مآثورات و اذکار که در سنت عملی رسول الله صلی الله علیه وسلم ثابت است بطرف تعویذ نویسان روی آورند.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، وبعد:

اذکار صبح و شام عبارت است از مجموعه از آیات قرآنی و دعاهای مآثور که از رسول الله صلی الله علیه وسلم ثابت است و شامل حمد و ثناء الله متعال و پناه بردن به او تعالی از شر شیطان میباشد، باید این اذکار ورد مسلمان باشد و صبح و شام تکرار کند،

<sup>۱</sup> - أخرجه البخاري في صحيحه، شماره حدیث: (۵۴۴۵)، ج ۷، ص ۸۰.

که بر علاوه از ثواب اخروی مسلمان را از شر بلاها و آفات ، آزار و اذیت انس و جن نجات میدهد، و باید این اذکار بخش از زندگی دینی و ایمانی روز مره مسلمان را تشکیل دهد تا اینکه بطرف تعویذ نویسان و دمگران روی نیاورد، زیرا این اذکار مآثور و قایه از همه شرور و آفات است و فوائد بزرگ دارد از جمله آن:

- سبب رضایت و خوشنودی الله متعال میگردد.

- مسلمان بسبب این اذکار احساس بزرگی و عظمت و وحدانیت الله متعال را می نماید.

- موحد بودن مسلمان را ثابت میسازد که تنها توکل مسلمان به الله متعال است، و مسلمانی که در سایه قرآن و اذکار و دعاها ی مسنون روز و شب خود را سپری میکند هرگز وهم و ترس را بخود راه نمی دهد.

- مسلمان را راحت نفسی و قلبی می بخشد.

- قلعه محکم مسلمان میباشد و شیطان را طرد میکند و دور میدارد.

- غمگینی و ناراحتی را از نفس مسلمان دور میدارد زیرا یاری و مدد الله متعال را با خود میداشته باشد.

- خشوع و حضور قلب مسلمان را تقویت می بخشد.

- زبان و قلب مسلمان را پاک نگهدار میدارد و قسوت قلبش را دور میزند.

- بعد از خواندن این اذکار احساس امنیت روحی و بدنی در حالت مسلمان وانمود میشود.

- هنگام خواندن این اذکار ملائکه رحمت مسلمان را حراست میکند.



### نمونه از مخالفتهای شرعی که دمگران در آن واقع هستند

یکی از خواهران شکایت نموده که دمگر و تعویذ نویس هنگام دم کردن تلاش نموده که بر علاوه از دست اندازی در جانش، بالایش تجاوز جنسی نماید.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، وبعد:

۱- اصلا از رسول الله صلى الله عليه وسلم، صحابه رضی الله عنهم، تابعین و فقهای امت ثابت نیست که آنها خانه و یا دفتر و یا دکان را برای دم خواندن تخصیص داده باشند و لوحه و اعلان

گذاشته باشند بخاطر جلب مردم، دم کردن حرفه و پیشه نبوده و به ندرت مردم به آن روی می آوردند.

۲- نشست و برخاست دمگران با زنان و خانمان نامحرم در خلوت که در شریعت حرام و ناجائز است این گناه بزرگ کار روز مره دمگران است حتی گفته میشود که بعض محلات تعویذ نویسان در شهرها به فحشاء خانه مبدل گردیده است.

۳- بعض دمگران نه تنها عقیده توحید، تقوا، پرهیزگاری و علم شرعی ندارند و شروط و آداب دم کردن را نمی دانند بلکه سوره فاتحه را نیز بدرستی خوانده نمی توانند عقیده، فکر و اندیشه شانرا خرافات و انحرافات تشکیل میدهد.

۴- بر علاوه از اهداف اقتصادی و خوردن مال مردم به باطل بارها این دمگران در خلوت غیر شرعی به زنان و دختران و نوامیس مردم دست اندازی کرده اند.

۵- اینها در مقابل پول و پیسه وهم و دروغ را به مردم می فروشند و کسانی که اصلا مبتلاء به جادو و نظر بد نیستند مشکلات روانی خورد و کوچک دارند برای آنها وانمود میسازند که حتما بالای آنها جادو شده و باید که نزد اینها تداوی کنند تا اینکه در نتیجه رفت و رفت زیاد هم پول و پیسه خود را از دست دهند و نیز بر عزت و آبروی شان تجاوز نمایند.

مسلمان باید معتقد باشد که شفا دهنده الله متعال است و تداوی تنها وسیله است.

سنت و مستحب و افضل این است که مسلمان خودش خود را دم کند و اذکار مسنون و مأثور را بخواند و یا اینکه یکی از محارمش او را دم نماید، ما و شما میدانیم که یکی از اسباب عمده روی آوردن مردم به تعویذ و دمگران اهتمام نکردن به خواندن مأثورات ( اذکار مسنون صبح و شام ) است.

اذکار صبح و شام عبارت است از مجموعه از آیات قرآنی و دعاهای مأثور که از رسول الله صلی الله علیه وسلم ثابت است و شامل حمد و ثناء الله متعال و پناه بردن به او تعالی از شر شیطان میباشد، باید این اذکار ورد مسلمان باشد و صبح و شام تکرار کند، که بر علاوه از ثواب اخروی مسلمان را از شر بلاها و آفات، آزار و اذیت انس و جن نجات میدهد، و باید این اذکار بخش از زندگی دینی و ایمانی روز مره مسلمان را تشکیل دهد تا اینکه بطرف تعویذ نویسان و دمگران روی نیاورند، زیرا این اذکار مأثور و قایه از همه شرور و آفات است و فوائد بزرگ دارد از جمله آن:

- سبب رضایت و خوشنودی الله متعال میگردد.

- مسلمان بسبب این اذکار احساس بزرگی و وعظمت و روحانیت الله متعال را می نماید.



- موحد بودن مسلمان را ثابت میسازد که تنها توکل مسلمان به الله متعال است، و مسلمانی که در سایه قرآن و اذکار و دعاهای مسنون روز و شب خود را سپری میکند هرگز وهم و ترس را بخود راه نمی دهد.

- مسلمان را راحت نفسی و قلبی می بخشد.

- قلعه محکم مسلمان می باشد و شیطان را طرد میکند و دور میدارد.

- غمگینی و ناراحتی را از نفس مسلمان دور میدارد زیرا یاری و مدد الله متعال را با خود میداشته باشد.

- خشوع و حضور قلب مسلمان را تقویت می بخشد.

- زبان و قلب مسلمان را پاک نگهدار میدارد و قسوت قلبش را دور میزند.

- بعد از خواندن این اذکار احساس امنیت روحی و بدنی در حالت مسلمان و انمود میشود.

- هنگام خواندن این اذکار ملائکه رحمت مسلمان را حراست میکند.

هنگامیکه مسلمان برای تداوی در شفاخانه ویا برای دم کردن نزد کدام عالم ومولوی روان می شود باید عقیده راسخ داشته باشد که شفاء انسان ونفع ونقص وصحت یابی اش بدست الله متعال است، تداوی دم خواندن تنها وسیله وسبب است که مسلمان باید انجام دهد وبی تفاوت نماند ونا امید ومأیوس هم نشود، گرفتن اسباب وجستجو کردن وسائل توکل به الله تعالی را نفی نمی کند ومسلمان که بی تفاوت می ماند در تداوی خود وفامیل خود از نظر دین مبین اسلام مقصر شناخته می شود، در ضمن تداوی دعا را نیز فراموش نکند.



### ذکر دسته جمعی به آواز بلند مشروع نیست

برادر محترم ما سالم امینی از ولایت بلخ چنین سوال نموده:

ذکر چهار یعنی یک جمعی از صوفی ها یکجای گرد هم جمع میشوند بعدا یک نفر با آواز بلند ذکر را شروع میکنند و بعد دیگران از پشتش شروع میکنند همه با هم جمعی ذکر میکنند و از همین قبیل جملات استفاده میکنند؟

هموطن دومی ما از کابل سوال نموده:

مولوی صاحب اگر کسی به نیت ذکر یا الله، الله الله بگوید ثواب کمای میکند.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

این نوع ذکر جمعی واجتماعی وبه آواز بلند بدعت ونوآوری است واز رسول الله صلی الله علیه وسلم وصحابه رضی الله عنهم ثابت نیست، ومخالف سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم است، که فرموده است: "من عمل عملاً ليس عليه أمرنا فهو رد"<sup>۱</sup> هر کسی که عبادتی را انجام میدهد که در سنت من نیست عبادتش مردود است.

نیز به نیت ذکر (یا الله) و (الله، الله) گفتن ثواب ندارد.

تنها یا الله، الله الله، درع اذکار شامل نیست وثواب نمی شود، یا الله در صورت دعاء کردن گفته می شود، در اذکار باید الله متعال به پاکی یاد شود وحمد وثناء وتعظیم وتکبیر باشد مثل: سبحان الله وبحمده، سبحان الله العظيم، الحمد لله، الله أكبر.

نیز رقص وآواز خوانی وذکر های صوفیانه عبادت نیست بلکه از نظر دین مبین اسلام کاملاً مردود استوع اعمال عبادت نیست بلکه عبارت از بعض حماقتها وجهالت ونادانی وبرداشت های غلط ونادرست ومخالف سنت وشریعت است، الله متعال دین را تکمیل

<sup>۱</sup> - أخرجه مسلم في صحيحه، كتاب الأفضية، باب نقض الأحكام الباطلة، ورد محدثات الأمور،

رقم الحديث: (۱۷۱۸)، (ج ۳، ص ۱۳۴۳).

نموده و فرموده است: "اليوم أكملت لكم دينكم وأتممت عليكم نعمتي ورضيت لكم الإسلام ديناً"<sup>۱</sup>.

امروز کامل کردم برای شما دین شما را و تمام کردم بر شما نعمت خود را و اختیار کردم اسلام را دین برای شما.

و پیامبر اسلام محمد صلی الله علیه وسلم این دین را با گفتار و کردار و تقریر خود بیان نمودند، و یارانش رضی الله عنهم گفتارها و کردارها و تقریرهای را که از آن حضرت صلی الله علیه وسلم صادر شده نقل نمودند، پس دین از لحاظ مبانی و بیان و نقل آن کامل است، و ذکر نوعی از عبادات است و عبادات مبنی بر توقیف از مصادر شریعت یعنی قرآن و سنت میباشد، و کسی که چیزی از عبادات را تخصیص میدهد و برای آن وقت معین میکند و یا کیفیت خاصی را برای ادای آن قرار میدهد پس بر او لازم است که برای آن دلیل ارایه دهد، و آنچه که از حماقتها اینها انجام میدهند دلیل و مستند شرعی ندارد و مردود است.

از پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم ثابت است که ایشان فرمودند: "من أحدث في أمرنا هذا ما ليس منه فهو رد"<sup>۲</sup>.

۱ - سورة المائدة، الآية: ۳.

۲ - أخرجه مسلم في صحيحه، شماره حدیث: (۱۷۱۸)، ج ۳، ص ۱۳۴۳.

کسیکه در دین و اعتقاد ما چیز تازه را ایجاد می کند که در دین ما نیست آن چیز مردود و باطل است.



په لور غبر ټوليز او جمعي ذکر مشروع نه دی، او د رسول الله صلی الله علیه وسلم د سنتو مخالف دی

محترم ورور مو سالم اميني له بلخ ولايت څخه دارنگه پوښتنه کړې ده:

په جهر ذکر یعنی یو ټولی صوفیان یو ځای را جمع کبړي بعدا یو نفر په لور آواز ذکر شروع کوي او وروسته نور یې هم ورپسې شروع کوي ټول سره یو ځای جمعي ذکر کوي او د همدې له مخې جملات استفاده کوي؟

دوهم هېوادوال مو له کابل څخه پوښتنه کړې ده:

مولوي صاحب که څوک د ذکر په نیت یا الله، الله الله ووايي ثواب گټي؟"

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

دا ډول جمعي، اجتماعي او په جگ اواز ذکر بدعت او نوآوري ده او له رسول الله صلی الله علیه وسلم او

صحابه رضي الله عنهم ثابت نه دی، او در رسول الله صلى الله عليه وسلم د سنتو مخالف دی، لکه چې فرمایلي يې دي: "من عمل عملاً ليس عليه أمرنا فهو رد" هر څوك چې داسې يو عبادت انجاموي چې زما په سنتو کې نه وي، عبادت يې مردود دی.

دارنگه د ذکر په نیت "يا الله" الله، الله "ويل ثواب نلري.

تنها يا الله، الله الله، په اذکارو کې شامل نه دی او ثواب نه کېږي.. يا الله دعاء په صورت کې ويل کېږي، په اذکارو کې بايد الله تعالی په پاکی یاد شي او حمد وثناء او تعظیم او تکبیر وي لکه: سبحان الله وبحمده، سبحان الله العظيم، الحمد لله، الله أكبر.

دارنگه رقص او آواز خواني او صوفيانه ذکرونه عبادت نه دي بلکه د اسلام مبین دین له نظره كاملا مردود دي او د عبادت اعمال نه دي بلکه عبارت دي له ځينو حماقتونو، جهالت، ناپوهي، غلط او نادرست برداشتونه، د سنت او شریعت مخالفت. الله تعالی دین لره تکمیل کړی دی او فرمایلي يې دي: "اليوم أكملت

۱ - أخرجه مسلم في صحيحه، كتاب الأفضية، باب نقض الأحكام الباطلة، ورد محدثات الأمور،

رقم الحديث: (۱۷۱۸)، (ج ۳، ص ۱۳۴۳).

لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الإسلام  
دیناً"۱.

نن مې ستاسو لپاره ستاسو دین بشپړ کړ او پر تاسو  
مې خپل نعمت تمام کړ او اسلام مې ستاسو لپاره دین  
اختیار/غوره کړ.

او د اسلام پېغمبر محمد صلی الله علیه وسلم دا دین  
په خپل گفتار او کردار او تقریر بیان کړ، او یارانو  
رضی الله عنهم یې گفتار او کردارونه او تقریرونه چې  
له آن حضرت صلی الله علیه وسلم صادر شوي دي  
رانقل کړل، پس دین د مباني، بیان او نقل له لحاظ یې  
کامل دی، ذکر یو نوع د عباداتو دی او عبادات د  
شریعت د مصادرو یعنی قرآن او سنت څخه د توقیف  
پر مبنی (بنسټ) دي، او څوک چې له عباداتو یو څه  
ځانگړي کوي یا تخصیص ورکوي او د هغو لپاره وخت  
تعینوي او یا د هغو د ادا کولو لپاره ځانگړی کیفیت  
جوړوي پس پر هغه لازم دي چې د هغه لپاره دلیل ارایه  
کړي. هغه څه چې دوی له حماقته ترسره کوي شرعي  
دلیل او مستند نلري او مردود دي.

۱ - سورة المائدة، الآية: ۳.

د اسلام له پېغمبر صلى الله عليه وسلم څخه ثابت دي چې هغوى صلى الله عليه وسلم وفرمايل: " من أحدث في أمرنا هذا ما ليس منه فهو رد".<sup>۱</sup>

څوک چې زموږ په دين او اعتقاداتو کې نوي څه ايجاد کړي چې زموږ په دين کې نه دي نو هغه څه مردود او باطل دي.



### فلسفه نوشتن کرم الله وجهه به علي رضی الله عنه

یکى از هموطنان عزیز ما سوال نموده :

حضرت علی کرام الله وجهه چرا میگویند؟

در فلسفه این امر علمای تاریخ نوشته اند که علی رضی الله در طفلی ایمان آورد و به بتها سجده نکرده اینرو برایش این لقب را دادند.

لیکن همه علمای اهل سنت و جماعت به شمول ابن کثیر نوشته کرده اند که: "وقد غلب هذا في عبارة كثير من النساخ للكتب أن يفرد علي رضي الله عنه، بأن يقال عليه السلام من دون سائر الصحابة، أو كرم الله وجهه، هذا وإن كان معناه صحيحا، لكن ينبغي أن يسوي بين

<sup>۱</sup> - أخرجه مسلم في صحيحه، شماره حدیث: (۱۷۱۸)، ج ۳، ص ۱۳۴۳.



الصحابة في ذلك، فإن هذا من باب التعظيم والتكريم، فالشيخان -  
أبو بكر وعمر- وأمير المؤمنين عثمان أولى بذلك منه".

باید به هه خلفای راشدین یعنی سه خلیفه قبلی ابوبکر، عمر، عثمان، نیز گفته شود و تفریق بین شان جواز ندارد و بهتر است که این کرم الله وجهه تنها به یکی از ایشان گفته نشود زیرا اهل بدعت و منحرفین از این لقب سوء استفاده می کنند.. همه مستحق رضی الله عنه و کرم الله وجهه است.



### تعامل با خرافات موسمی

یک خواهر محترمه ما ز ولایت هرات چنین نوشته :

میخاستم بدانم که چرا نذر ماه رجب را از جمله بدعات دانستید کمی اگر ممکن است در این ارتباط بمن معلومات دهید چون مه به هرکس میگویم که بدعت است و به عنوان عبادت نذر نباید کرد در ماه رجب و روزه گرفتن هم به این نیت درست نیست لیکن قبول نمیکنند میخوام دلیل قانع کننده بمن بفرستید و در صفحه تان نشر کنید چون شما را من حیث عالم شناخته شده در هرات مردم احترام دارند.

خرافات و انحرافات موسمی و تعامل کردن با دین مبین اسلام  
 بشکل رواجها و عنعنات مخالف شریعت است و نزد الله متعال قبول  
 نمی شود بلکه گناه هم دارد.



### تعامل با خرافات موسمی

موسمی خرافات او انحرافات او تعامل کول د اسلام  
 مبین دین سره په شکل د رواجونو او عنعناتو د  
 شریعت مخالف دي او د الله تعالی په نزد نه قبلېږي بلکه  
 گناه هم لري.

له هرات ولایت څخه مو یوې محترمي خور داسې  
 لیکلي دي :

غوښتل مې پوهه شم چې ولې مو د رجب د میاشتې  
 نذر د بدعاتو له جملې څخه وگڼلو که ممکن وي په دې  
 اړه راته لږ معلومات را کړئ چون زه هر چاته وایم چې  
 بدعت دی او د رجب په میاشت کې باید د عبادت په نوم  
 نذر ونشي او په دې نیت روژه نیول هم درست نه دي  
 لیکن نه یې قبلوي غواړم چې قانع کوونکی دلیل ماته را  
 واستوئ او ستاسو په پانه کې یې نشر کړئ ځکه چې  
 تاسو ته په هرات کې خلک منحیث د پېژندل شوي عالم  
 احترام لري.

## د رجب د میاشتي د لومړۍ جمعې په شپه د رغائب په نوم عبادت په شریعت کې ثابت نه دی

یو له دوستانو څخه له هرات ښار څخه داسې پوښتنه  
کړې ده:

استاد محترم خلک دولس رکعت له مونځ چې د رجب د  
میاشتي د لومړۍ جمعې په شپه یې د ماښام او ماخوستن  
د لمونځونو ترمنځ د رغائب لمونځ په نوم کوي آیا دا  
لمونځ درست دی؟

### الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

په عباداتو کې اصل توقیف دی یعنې که په قرآن او  
سنت او د صحابه رضي الله عنهم په صحیح آثارو کې  
ثابت نه وي ادا کول یې درست نه دي، ځکه ټول عبادات  
په صحیح نصوصو کې موږ ته نقل شوي او ثابت دي او  
د رغائب لمونځ ثابت نه دی، رسول الله صلی الله علیه  
وسلم دا لمونځ نه دی کړی او نه یې هم امر پرې کړی  
دی او اسلام پېغمبر له صحابه کرامو او یارانو هم نقل  
شوی نه دی او ثابت نه دی او له هیڅ یو له فقهاؤ هم  
ثابت نه دی او هغه احادیث چې په دې اړه نقل شوي دي  
موضوع او دروغ دي او هغه عبادت چې استناد یې  
موضوع او دروغین احادیث وي نه ثابتېږي.. لهذا ددې

لمونخ کول بدعت او نويوالی شمېرل کېږي چې د رجب مياشتې له بدعتونو څخه دي.



که نذر کول خاص د رجب د مياشتې په خاطر وي جائز او مشروع نه دی او گناه هم لري

يوې خور له کابل ښار څخه داسې پوښتنه کړې ده :

استاد محترم پوښتنه مې درلوده چې: آیا د رجب په مياشت کې نذر کول چې خلک يې کوي ښه دي؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

د رجب مياشت د ځينو عباداتو؛ د هغو له جملې څخه نذر؛ په خاطر ځانگړې کول په شريعت کې وارد او ثابت نه دي بلکه هغه څوک چې نذر کوي د بدعت، نويوالي او گناه مرتکب کېږي، ځکه چې که چېرته د رجب د مياشتې نذر مشروع وای رسول الله صلی الله عليه وسلم او صحابه کرامو به يې کم تر کمه/اقل هغه تشويق کړی وای؛ لیکن له هغوی څخه داسې څه امر ثابت نه دی. لهذا مسلمان دې هغه کار نه کوي چې د الله تعالی د ناخوښۍ سبب شي.. دې مبارک آیت په صراحت سره امر کړی دی چې هر هغه څه چې رسول الله صلی الله

عليه وسلم تاسو هغه ته تشويق ڪري ٿي، ويڻي ڪري او له هر هغه ڇه چي پي منع ڪري ٿي، هغه ترڪ او پر ٻردي " وما آتاكم الرسول فخذوه وما نهاكم عنه فانتهوا " .



### آب پاشی حویلی بعد از رفتن مسافر در شریعت اساس ندارد

یکی از هموطنان عزیز ما از ولایت بلخ سوال نموده :

استاد محترم شخصی از خانواده در سفر می‌رود و خانمهای فامیل آن پشت سر آن آب میریزند این چطور است من در کدام کتاب دیده بودم به فال نیک گرفته بود و الان در یادم نیست شما لطف نموده جواب بدهید؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

آب پاشی حویلی بعد از رفتن مسافر در شریعت اساس ندارد تنها یک برداشت خرافاتی وبدعت است، و برای مسافر کدام فایده و نفع نمی رساند و بخاطر آسانی سفرش هیچ اثر ندارد، و این عملکرد نه رسول الله صلی الله علیه وسلم ثابت است و نه هم از صحابه کرام و تابعین و اتباع تابعین، و این کار را ائمه اسلام نکرده

۱ - سورة الحشر، الآية: ۷.

است، به هموطنان عزیز ما توصیه این است که کارهای را انجام ندهند که در شریعت ثابت نیست زیرا که گنهگار میشوند.



### د مسافرو له تگ وروسته د کور په حويلي کې اوبه په شريعت کې شيندل اساس نلري

له بلخ ولايت څخه مو يو گران هيوادوال پوښتنه كړې ده :

استاد محترم يو شخص له خپلې كورنۍ څخه په سفر ځي او د كورنۍ بنځې وړپسې اوبه تويوي، دا څرنگه دي؟ ما په يو كتاب كې ليدلي ؤ چې نېك فال يې بللى ؤ، اوس مې هغه كتاب په ياد نه دى، لطفاً تاسو ځواب راکړئ؟

### الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

د مسافرو له تگ وروسته د کور په حويلي کې اوبه شيندل په شريعت کې اساس نه لري تنها يو خرافاتي برداشت او بدعت دى، د مسافر لپاره کومه فايده او نفع نه رسوي او د سفر د اسانېدو په خاطر هم هيڅ اثر نه لري، دا عملکرد نه له رسول الله صلى الله عليه وسلم څخه ثابت دى، نه هم له صحابه کرامو، تابعينو او نه هم

له تبع تابعینو خخه، دا کار د اسلام ائمه و نه دی کړی ..  
 نو گرانو هېوادوالو ته مو توصیه دا ده چې هغه کارونه  
 ترسره نکړي کوم چې په شریعت کې ثابت نه دي ځکه  
 چې پرې گنهگار پږي .



### در شریعت تجلیل دینی بنام شب یلدا جایز و مشروع نیست

یکی از خواهران از شهر کابل سوال نموده :

استاذ گرامی به امید اینکه در صحت و عافیت کامل و در پناه الله  
 بوده باشید.

در مورد حکم تجلیل شبی بنام یلدا سوال داشتم ، چیزی که  
 در بین بعض مردم بسیار رایج است و بعض مردم افغانستان هم در  
 این روزها زیاد آنرا یاد میکنند، لطفاً نموده جواب من را نوشته کنید

ویکی از برادران نیز نوشته سوال نموده: حکم شب یلدا در  
 دین مبین اسلام چیست؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

در جواب شما باید بنویسم که در دین مبین اسلام تجلیل  
 دینی در شبی بنام شب یلدا ثابت نیست و اساس و مستند، و دلیل  
 شرعی ندارد، در مصادر صحیح احادیث نبوی، در سنت عملی، آثار

صحابه رضی الله عنهم، ومصادر فقه تابعین وائمه اربعه مذاهب فقهی اهل سنت وجماعت حتی اشاره هم نیست که مسلمان باید این شب را تجلیل کند ویا در این شب عبادت نماید، هر نوع نو آوری و به نیت عبادت و شب نشینی مردود و بدعت و مخالف سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم شمرده می شود و مسلمان گنهگار می شود، "کل بدعة ضلالة وکل ضلالة فی النار"<sup>۱</sup> هر نو آوری و بدعت در دین گمراهی شمرده می شود، و هر گمراهی انسان را به طرف آتش دوزخ سوق میدهد، نیز رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح دیگری فرموده است: "من عمل عملا لیس علیه أمرنا فهو رد"<sup>۲</sup> هر آنچه که مطابق سنت من نیست، و در سنت من ثابت نیست در باب عبادات مردود است.

همه عبادات مسلمان باید دلیل و مستند شرعی صحیح از قرآن کریم ویا سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم داشته باشد، باید اجازه ندهیم که بعض مردم عادات مروج و تقالید خود را باید صبغه دینی دهد و بر مردم تحمیل کنند.

مردم در انجام دادن عادات و مباحات آزاد هستند بشرط که در تقلید و همنوائی غیر مسلمانان واقع نشوند، اما عبادات و شب نشینی های برای عبادت باید که دلیل صحیح از قرآن و سنت،

<sup>۱</sup> - أخرجه النسائي في سننه، شماره حدیث: (۱۵۷۸)، ج ۳، ص ۱۸۸.

<sup>۲</sup> - أخرجه مسلم في صحيحه، كتاب الأفضية، باب نقض الأحكام الباطلة، ورد محدثات الأمور، رقم الحدیث: (۱۷۱۸)، (ج ۳، ص ۱۳۴۳).



وعملکرد صحابه و تابعین و ائمه فقه داشته باشد، زیرا عبادات توقیفی است باید در نص صحیح ثابت باشد زیرا در باب عبادات بدنی و مالی هیچ عبادت بدون اینکه بیان شده باشد باقی نیست که بعض مردم بیاید بعد از وفات رسول الله صلی الله وسلم و تکمیل شدن دین مبین اسلام آن را نو آوری کند و تکمیل نماید.



### په شریعت کې د شب یلدا په نوم دیني لمانځنه جایز او مشروع نه ده

له کابل ښار څخه یوې خور پوښتنه کړې ده :

قدر من استاد په دې هیله چې په کامل صحت، عافیت او د الله تعالی په حفاظت کې یی.

د شب یلدا په نوم لمانځنې د حکم په هکله مې پوښتنه درلوده ، هغه څه چې د ځینو خلکو ترمنځ زیات رواج لري او ځینې افغانان هم په دې ورځو کې له هغه څخه زیاته یادونه کوي..که لطف وکړئ او ځواب راته ولیکئ.

او يو ورور هم داسې پوښتنه ليکلې ده:

د اسلام په مبین دین کې د شب یلدا حکم څه دی؟

**الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:**

ستاسو په ځواب کې باید ولیکم چې د اسلام په مبین دین کې د شب یلدا په نوم دیني لمانځنه ثابت نه ده، اساس، مستند او شرعي دلیل نه لري.. د صحیح نبوي احادیثو په مصادرو، په عملي سنتو، د صحابه رضي الله عنهم په آثارو، د تابعینو او ائمه اربعه و د فقهي په مصادرو، د اهل سنت و جماعت فقهي مذاهبو کې حتی اشاره هم نشته چې مسلمان باید دا شپه و لمانځي او یا په دې شپه عبادت وکړي.. هر ډول نوي والی او د عبادت په نیت د شپې ناسته مردود، بدعت او د رسول الله صلی الله علیه وسلم له سنتو مخالف شمېرل کېږي او مسلمان پرې گنهگارېږي "کل بدعة ضلالة وکل ضلالة في النار"<sup>۱</sup> په دین کې هر نوي والی او بدعت گمراهي ده، او هره گمراهي انسان د جهنم اور ته راکاږي، همدارنگه رسول الله صلی الله علیه وسلم په بل صحیح حدیث کې فرمایلي دي: "من عمل عملا ليس عليه أمرنا فهو رد"<sup>۲</sup> هر هغه

<sup>۱</sup> - أخرجه النسائي في سننه، شماره حدیث: (۱۵۷۸)، ج ۳، ص ۱۸۸.

<sup>۲</sup> - أخرجه مسلم في صحيحه، كتاب الأفضية، باب نقض الأحكام الباطلة، ورد محدثات الأمور،

رقم الحدیث: (۱۷۱۸)، (ج ۳، ص ۱۳۴۳).

خه چې زما د سنتو مطابق نه دي، او زما په سنتو کې ثابت نه دي د مردودو عباداتو څخه دي.

د مسلمان ټول عبادات بايد له قرآن کریم او يا د رسول الله صلى الله عليه وسلم له سنتو څخه مستند او شرعي دليل ولري.. بايد اجازه ورنکړو چې ځينې خلک خپلو مروجو عاداتو او تقاليدو ته ديني صبغه ورکړي او په خلکو يې تحميل کړي.

خلک د عاداتو او مباحاتو په سرته رسولو کې آزاد دي خو په شرط د دې چې د غير مسلمانانو په تقليد او يوشان والي کې واقع نشي.. اما عبادات او د عبادت لپاره شپه په ويښه تېرول بايد له قرآن او سنتو څخه صحيح دليل، د صحابه و، تابعينو او ائمه فقهواو عمل کرد بايد ولري.. ځکه چې عبادات توقيفي دي بايد په صحيح نص سره ثابت وي، او ځکه چې د بدني او مالي عباداتو له جملې څخه هيڅ عبادت پرته له دې چې بيان شوي وي باقي نه دي چې ځينې خلک راشي او د رسول الله صلى الله وسلم له وفات څخه وروسته د اسلام مبین دين په پوره کولو کې نوي والی راولي او تکميل يې کړي.



## حکم ساختن آدمک برفی

یکی از هموطنان عزیز ما از کابل چنین سوال نموده :

در مورد ساختن آدمک های برفی کمی معلومات می دادید،  
که از نوع بت است و یا خیر؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

در اصل مجسمه ساختن، رسم کردن انسان و ذی روح جواز ندارد و در نهی و منع شامل است زیرا رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح فرموده است: فقال ابن عباس: لا أحدثك إلا ما سمعت رسول الله صلی الله علیه وسلم يقول: سمعته يقول: "من صور صورة، فإن الله معذبه حتى ينفخ فيها الروح، وليس بنافع فيها أبدا"<sup>۱</sup>.

در روز قیامت خواسته می شود روح بدمد و او روح داده نمی تواند و خودش عذاب می شود، اما مجسمه های که باقی نمی ماند و ذوب می شود علماء در آن اختلاف دارند، بهتر است که بخاطر ساعت تیری هم این کار را نکند.

می شود کشتی، درخت، موتر، خانه و غیره بسازد که مباح و جایز است.

<sup>۱</sup> - أخرجه البخاري في صحيحه، كتاب البيوع، باب بيع التصاوير التي ليس فيها روح، وما يكره من ذلك، رقم الحديث: (۲۲۲۵)، (ج ۳، ص ۸۲).

## حدیث (لولاك ما خلقت الأفلاك) باطل و دروغین است

یکی از هموطنان عزیز ما از شهر کابل سوال نموده:

استاد محترم در مورد همین حدیثی که مردم در سخنرانیهای شان بمناسبت مولود نبوی یاد میکنند: "لو لاک ما خلقت الأفلاك" معلومات دهید معنایش و آیا درست و صحیح است یا درست نیست؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

اولا: این مقوله موضوع، باطل و دروغین است اصلا حدیث نیست "لو لاک ما خلقت الأفلاك".

ثانیا: معنای این مقوله دروغین این است که الله متعال به پیامبر اسلام محمد صلی الله علیه وسلم فرموده که اگر تو نمی بودی من دنیا، آسمان، زمین، جهان و ستاره ها و همه هستی را خلق نمی کردم.

ثالثا: به اتفاق محدثین این حدیث موضوع، باطل و دروغین است، تنها مقوله کسانی است که در مدح رسول الله صلی الله علیه وسلم مبالغه بی حد می نمایند که در مخالفت صریح شریعت واقع می شوند و برداشتهای خرافاتی خود را بنام حدیث به عامه مردم نقل میکنند.

ثالثا: الله متعال انسانها وجنیاات را بخاطر عبادت وتوحید ووحدانیت خود خلق نموده وافریده وفرموده است: "وما خلقت الجن والانس إلا ليعبدون".

ونیا فریدم جن وانسانها را مگر بخاطر عبادت.

رابعاً: دوستی ومحبت رسول الله صلی الله علیه وسلم در نشر احادیث موضوع ودروغین وباطل وبا شیوه های خرافاتی اهل بدعت تحقق نمی یابد، بلکه محبت ودوستی آنحضرت صلی الله علیه وسلم در پیروی سنت وتطبیق عملی آن در همه ابعاد زندگی دینی وعبادی، سیاسی، اجتماعی واقتصادی متحقق میگردد.



### آیا در دین مبین اسلام بدعت حسنه وجود دارد؟

یکی از ائمه مساجد از ولایت غزنی سوال نموده:

آیا در دین اسلام بدعت حسنه ونیک وجود دارد بعض مولوی صاحبان میگویند که بدعت دو نوع است یکی بدعت حسنه ونیک، دومی بدعت غیر حسنه که در دین گمراهی است خواستم که نظر شما داشته باشم؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

اولاً: بدعت بمعنای نو آوری در دین است که نه در قرآن کریم ثابت باشد و نه هم از پیامبر اسلام محمد رسول الله صلی الله علیه وسلم و یاران کرامش ثابت باشد، یعنی هر چیزی که در دین اسلام دلیلی از شریعت محمدی بر آن وجود نداشته باشد، آن چیز بدعت گفته میشود، الله متعال در این مورد فرموده است: "أم لهم شركاء شرعوا لهم من الدين ما لم يأذن به الله"¹.

آیا آلهه و معبودان باطل مشرکان بر آنها شرع و احکامی را که الله متعال اجازه نفرموده روا دانسته اند؟

رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح می فرماید: "من أحدث في أمرنا هذا ما ليس منه فهو رد"².

کسیکه در دین ما نو آوری کند آنچه از دین اسلام نیست بر خودش برمی گردد، و قبول نمی شود، به این معنی که این شخص که تلاش نو آوری را نموده به گمان فاسدش دین را تکمیل میکند.

¹ - سورة الشورى، الآية: ۲۱.

² - أخرجه مسلم في صحيحه، شماره حدیث: (۱۷۱۸)، ج ۳، ص ۱۳۴۳.

هر بدعت ونو آوری در دین گمراهی است و هر گمراهی انسان را به طرف آتش دوزخ سوق میدهد "كل بدعة ضلالة وكل ضلالة في النار".<sup>۱</sup>

ثانیا: عادات و مسائل دنیایی و مباحات که جانب عبادی نداشته باشد و بخاطر تعبد نباشد و به نیت تقلید غیر مسلمان نیز نباشد بدعت شمرده نمی شود زیرا که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است: "أنتم أعلم بأمور دنياکم"<sup>۲</sup>.

شما مسائل دنیایی تا نرا بهتر میدانید.

در شریعت قاعده داریم که: "الأصل في الأشياء الإباحة" اصل در عادات مباح بودن است تا اینکه دلیل منع و نهی وجود داشته باشد، دائره و باب مباحات و عادات بسیار وسیع و بزرگ است و باید که مباحات و حلال را تحریم نکنیم.

۱ - أخرجه أحمد في مسنده، شماره حدیث: (۱۷۱۴۴)، ج ۲۸، ص ۳۷۳.

۲ - أخرجه مسلم في صحيحه، كتاب الفضائل، باب وجوب امتثال ما قاله شرعا، دون ما ذكره صلى الله عليه وسلم من معاش الدنيا، على سبيل الرأي، رقم الحديث: (۲۳۶۳)، (ج ۴، ص ۱۸۳۶).



ثالثا: در دین مبین اسلام بدعت حسنه و نیک وجود ندارد ،  
 الله متعال در قرآن کریم می فرماید: "الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ  
 وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا"<sup>۱</sup>.

امروز دین شما را بحد کمال رسانیدم و بر شما نعمت خود  
 تمام کردم و بهترین دین را به اسلام است برایتان برگزیدم.

و رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح فرموده  
 است: "وإياكم ومحدثات الأمور ؛ فإن كل محدثة بدعة ، وكل بدعة  
 ضلالة"<sup>۲</sup>.

بپرهیزید از آنچه در دین نو جدید آورده شده، زیرا هر  
 نوآوری جدید در دین بدعت است، و هر بدعت در دین ضلالت  
 و گمراهی است.



<sup>۱</sup> - سورة المائدة، الآية: ۳.

<sup>۲</sup> - أخرجه أبو داود في سننه، كتاب السنة، باب في لزوم السنة، رقم الحديث: (۴۶۰۷)، (ج ۴،  
 ص ۲۰۰).

## ایستاد شدن هنگام خوانش ترانه ملی مباح است، زیرا این عادت است

یکی از دوستان محترم از شهر جلال آباد نوشته :

گرانہ استادہ!

امت په فرعي مسئلو کې اخته دی، نن سبا خصوصا په افغانستان خلک د ملي سرود په اړه افراط او تفریط کوی، که زحمت نه کیږي، پدې اړه معلومات وړاندې کړی، ترڅو خلک له دغه مجهول حالت څخه یو معلوم لوری ته گام واخلي.

دوست دومي نیز سوال نموده:

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته. محترم استاد درئ پوختنی لرم . اول چکچکی د اسلام د نظره سنگه دی؟ دوهم. د استاد د احترام د پاره د شاگردانو ولاژیدل؟ او ملی سرود د احترام د پاره ولاژیدل؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، اما بعد:

ایستادن هنگام خوانش ترانه ملی مباح است واین مسأله یک عادت محض است نه عبادت و باید آنرا در دائره عادات نظر کرد نه عبادات و عقائد.

هیچ دلیل شرعی وجود ندارد که از ایستاد شدن در وقت سرودن ترانه ملی منع کرده باشد، و در شریعت قاعده داریم که: "الأصل في الأشياء الإباحة" اصل در عادات مباح بودن است تا اینکه دلیل منع ونهی وجود داشته باشد، در شریعت دائره وباب مباحات وعادات بسیار وسیع وبزرط است وباید که مباحات وحلال را تحریم نکنیم وایستادن در وقت سرود ملی را تشبه به غیر مسلمانان ندانیم، لیکن در عین حال این ایستادن نه واجب ونه هم سنت یا مستحب واگر کسی ایستاد نمی شود باید جبری نباشد تنها یک مسأله اختیاری است به ذوق وسلیقه اشخاص تعلق دارد.

نیز ترانه ملی افغانستان شامل جملات وکلمات وطندوستی بوده ودر آن هیچ لفظ ویا کلمه مخالف شریعت وجود ندارد..در حقیقت عامل محبت، اخوت وبرادری اقوام ساکن افغانستان می شود.



## تخصیص دادن شب برات برای تحفه نامزادی

یکی از خواهران چنین سوال نموده :

آیا تحفه و کالا و شیرینی باب را که برای نامزادان در شب برات بنام براتی میبرند در شریعت جائز است لطفا جواب عاجل را روان کنید که متظر هستیم، این موضوع به ی مشکل و جنجال مبدل شده؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

عقیده داشتن که شب برات که مصادف ۱۵ ماه شعبان را متبرک میباشد یک اندیشه خرافاتی است و از برداشتهای نادرست و مخالف شریعت بشمار میرود، تخصیص دادن این شب و روز برای تحفه بردن در شریعت دلیل و اساس و مستند ندارد، در عین حال اسراف هم شمرده می شود.

تحفه های که برای نامزادان در نظر گرفته میشود در هر وقت از سال و ماه تقدیم کردنش مشروع و جائز است بشرطیکه باخرافات و برداشتهای نادرست همراه نباشد و در عین حال سبب مشقت و سختی نگردد و اسراف هم نشود.



## خیرات دیگچه بی بی در ماه صفر نا مشروع است

یکی از دوستان از ولایت بلخ سوال نموده :

در ماه صفر بنام دیگچه بی بی ( شیربرنج ) خیرات میکنند آیا اساس شرعی دارد یا خیر؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله أما بعد:

برای این برادر محترم باید بنویسم که خیرات کردن در ماه صفر بنام دیگچه بی بی ( شیربرنج ) نا مشروع و بدعت شمرده می شود. نه رسول الله صلی الله علیه وسلم کرده و نه هم اصحاب کرام و نه این کار را تابعین کرده و از آنها ثابت نیست و این کار یک رواج و عنعنه خرافاتی شمرده می شود که کردنش گناه دارد.

مسلمان کاری را انجام ندهد که سبب ناخوشنودی الله متعال شود. این آیه مبارکه بصراحت امر نموده که هر آنچه را که رسول الله صلی الله علیه وسلم شما را به آن تشویق کرده انجام دهید و از هر آنچه که منع کرده آنرا ترک کنید " وما آتاکم الرسول فخذوه وما نهاکم عنه فانتهوا"<sup>۱</sup>.



<sup>۱</sup> - سورة الحشر، الآية: ۷.

## بدعت در دین چگونه و چیست؟

یکی از علاقمندان مسائل دینی سوال نموده:

حتی بعض مردم تجلیل از روز معلم را هم بدعت می شمارند شما لطف نموده رهنمایی کنید که بدعت در دین چگونه و چیست؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

بدعت بمعنای نو آوری در دین است که نه در قرآن کریم ثابت باشد و نه هم از پیامبر اسلام محمد رسول الله صلی الله علیه وسلم و یاران کرامش ثابت باشد، یعنی هر چیزی که در دین اسلام دلیلی از شریعت محمدی بر آن وجود نداشته باشد، آن چیز بدعت گفته میشود، الله متعال در این مورد فرموده است: "أم لهم شركاء شرعوا لهم من الدين ما لم يأذن به الله" <sup>۱</sup>.

آیا آلهه و معبودان باطل مشرکان بر آنها شرع و احکامی را که الله متعال اجازه نفرموده روا دانسته اند؟

رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح می فرماید:  
"من أحدث في أمرنا هذا ما ليس منه فهو رد" <sup>۲</sup>.

۱ - سورة الشورى، الآية: ۲۱.

۲ - أخرجه مسلم في صحيحه، شماره حدیث: (۱۷۱۸)، ج ۳، ص ۱۳۴۳.

کسیکه در دین ما نو آوری کند آنچه از دین اسلام نیست بر خودش برمی گردد، و قبول نمی شود.. به این معنی که این شخص که تلاش نو آوری را نموده به گمان فاسدش دین را تکمیل میکند.

هر بدعت و نو آوری در دین گمراهی است و هر گمراهی انسان را به طرف آتش دوزخ سوق میدهد: " كل بدعة ضلالة وكل ضلالة في النار" <sup>۱</sup>.

لیکن عادات و مسائل دنیایی و مباحات که جانب عبادی نداشته باشد و بخاطر تعبد نباشد و به نیت تقلید غیر مسلمان نیز نباشد بدعت شمرده نمی شود زیرا که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است: "أنتم أعلم بأمر دنیاکم" <sup>۲</sup>.

شما مسائل دنیایی تا آنرا بهتر میدانید.

در شریعت قاعده داریم که: "الأصل في الأشياء الإباحة" اصل در عادات مباح بودن است تا اینکه دلیل منع و نهی وجود داشته باشد، دائره و باب مباحات و عادات بسیار وسیع و برزگ است و باید که مباحات و حلال را تحریم نکنیم.

۱ - أخرجه النسائي في سننه: شماره حدیث: (۱۵۷۸)، ج ۳، ص ۱۸۸.

۲ - أخرجه مسلم في صحيحه، كتاب الفضائل، باب وجوب امتثال ما قاله شرعا، دون ما ذكره صلى الله عليه وسلم من معاش الدنيا، على سبيل الرأي، رقم الحديث: (۲۳۶۳)، (ج ۴، ص ۱۸۳۶).



## حکم اشتراک کردن در مجالس که شامل انحرافات باشد

یکی از هموطنان عزیز ما مقیم کشور جرمنی سوال نموده:

شیخ صاحب من در کشور آلمان زندگی میکنم ودر این روزها مجالس ومحافل کسانی که در گمراهی روان هستند رونق بیشتر دارد وبرای ما غذا وشربت ونوشابه ها میدهند آیا برای ما خوردن ونوشیدن این خوردنیها ونوشابه ها روا است ؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

اشتراک کردن در مجالس ومحافل شرکی وانحرافی وگمراه کن و خوردن غذای آنان حرام وگناه شمرده میشود وبه معنای همنوایی با آنها است زیرا طوائف گمراه مال وگوسفندان را برای الله متعال ذبح نمی کنند بلکه برای اشخاص وافراد ذبح ونذر میکنند که در شریعت جایز نیست وبه شرک میرسد، الله متعال در قرآن کریم امر نموده است که قربانی ونذر وهمه عبادات انسان خاص برای او تعالی باشد: "قل إن صلاتي ونسكي ومحياي ومماتي لله رب العالمين ، لا شريك له وبذلك أمرت وأنا أول المسلمين" <sup>۱</sup>.

<sup>۱</sup> - سورة الأنعام، الآية: ۱۶۳.



بگو ای محمد در حقیقت نماز من و قربانی من و زندگی و مرگ من برای الله پروردگار جهانیان است که شریکی ندارد و بر این کار امر شده ام و من نخستین مسلمانم.

برگزاری محافل به شیوه های جاهلیت که با منکرات و انحرافات همراه است در دین مبین اسلام جا ندارد لهذا شرکت نمودن در چنین مجالس نیز جایز نیست..الله متعال مسلمان را از همنائی با اهل باطل منع نموده و فرموده است: "وإذا رأيت الذين يخوضون في آياتنا فأعرض عنهم حتى يخوضوا في حديث غيره وإما ينسينك الشيطان فلا تقعد بعد الذكرى مع القوم الظالمين"<sup>۱</sup>.

هنگامیکه منافقین و اهل باطل و شرک را می بینی که آیات من را تفسیر نادرست و انحرافی میکند و دین و شریعت را مطابق هوا و هوس و عقائد باطل و عملکردهای جاهلانه شان تطبیق میکنند با آنها ننشینید و از آنها روگردان باشید و بیزارى و نفرت خود را اعلان کنید تا اینکه مصروف کدام حرف و سخن دیگری شوند، و شما را شیطان غافل نسازد که بعد از عبادت و طاعت الله متعال و موحد بودن با ظالمان که عبارت از مشرکین است همنوایی کنید.

نیز الله متعال مسلمان را تحذیر نموده که با اهل معصیت، فسق و فجور، شرک و انحراف، کفر و نفاق همکار و هم‌نوا نباشید زیرا آنها احکام شریعت را به استهزاء میگیرند و مطابق خواسته های باطل

<sup>۱</sup> - سورة الأنعام، الآية: ۶۸.

خود تفسیر میکنند لهذا شما با آنها ننشینید تا اینکه مصروف حرف و سخن دیگری شوند و در صورتیکه با آنها همنوایی و همدردی کنید و همکار باشید و مجالس آنها را رونق دهید و از کارهای شرکی آنها رضایت داشته باشید شما هم درگناه آنها شریک هستید، او تعالی کفار و منافقین را یکجا در آتش دوزخ جمع میکند: "وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتَّىٰ يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ إِنَّكُمْ إِذَا مِثْلُهُمْ إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا"<sup>۱</sup>.



<sup>۱</sup> - سورة النساء، الآية: ۱۴۰.

## دعاء تقدیر معلق را تغییر میدهد

یکی از خواهران از شهر کابل نوشته:

استاد محترم این قول صحت دارد که تقدیر معلق به واسطه دعا تبدیل میشود، و مراد از تقدیر معلق کدام امور است.. اگر انسان در مشکل باشد که هیچ راه نجات را نمی بیند امکان دارد که بواسطه دعا این مشکل که به فکر انسان مستحیل است به ممکن مبدل شود؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

علمای اهل سنت وجماعت قضاء و قدر را بدو بخش تقسیم نموده اند :

الف: تقدیر معلق: و آنرا دعاء تغییر میدهد مثال آن اینکه الله متعال در تقدیر و قسمت کسی نوشته که او را اولاد نصیب کند لیکن بعد از اینکه او دعا کند و از او تعالی بخواهد در این صورت وقتیکه دعاء کند ، اطفال و اولاد نصیبش می شود و حالت بی اولادی اش به اولاد داری تغییر میکند بعد از دعایش به این معنی که دعاء تقدیر معلق را تغییر داده، یا اینکه یک دختر را برایش نوشته که خانمش شود و یا موتر لانکروزر و هایلکس را برایش نوشته، و یا اینکه یک منصب و وظیفه را لیکن بعد از اینکه دعا کند، او تعالی بعد از دعا تقدیر معلق را تغییر میدهد.

ب- تقدیر حتمی: که آنرا دعا تغییر داده نمی تواند مثل اجل وفات نمودن و مرگ انسان که نوشته شده است.

اما ما باید بدانیم که از مقتضیات ایمان به قضاء و قدر این است که مسلمان کارهای خود را سنجیده، پلان گذاری شده، به حکمت انجام دهد و در همه امور دینی و دنیوی خود پایبند اوامر و نواهی شریعت باشد..مثلا اگر کسی می خواهد طبیب شود باید علوم و معارف مربوط به تخصص علم طب را بیاموزد، و اگر می خواهد محاسب شود باید علوم محاسبه را انتخاب کند و اگر می خواهد فقیه شود مسائل شرعی و علم فقه و متعلقات آن را بیاموزد.. و منتظر قضاء و قدر نماند..انسان در این دنیا به اندازه سعی و تلاش و جدو جهد خود به درجات عالی میرسد.

ایمان داشتن به قضاء و قدر معنایش این نیست که انسان کارهای دنیای خود را ترک کند..بلکه از مقتضیات ایمان به قضاء و قدر این است که مسلمان سعی و تلاش خود را بکند و بخاطر تحقق اهداف و آرمانها و کارهای خود از همه وسائل مشروع استفاده کند.

### آداب دعای مسلمان:

دعا عبارت از طلب حاجت مسلمان از الله متعال است، و از مهمترین عبادات مسلمان بشمار میرود، عبادتی است که مسلمان خضوع، تذلل و بندگی خود را توسط آن به الله متعال ثابت می سازد

واو تعالی را به وحدانیت می شناسد، وفضیلت و ثواب اخروی نیز دارد، از اینرو دین مبین اسلام مسلمان را تشویق نموده به دعا کردن و آنرا سلاح مؤمن و مسلمان قرار داده و بهترین وسیله رسیدن به اهداف برزگ گردانیده، الله متعال در قرآن کریم فرموده است: "وقال ربکم ادعونی أستجب لکم"<sup>۱</sup>، پروردگار تان فرموده است که شما دعا کنید و من قبول می کنم و اهداف و حاجات مشروع تانرا متحقق و برآورده میسازم، همچنان در آیت دیگری فرموده است: "وإذا سألك عبادي عني فإني قريب أجيب دعوة الداع إذا دعان فليستجيبوا لي وليؤمنوا بي لعلهم يرشدون"<sup>۲</sup> ای محمد وقتیکه بندگانم از شما سوال کنند از من پس برای شان بگو که من نزدیک استم دعای دعا کنندگان را قبول میکنم و آنها نیز به اوامر من عمل کنند و از نواهی من اجتناب ورزند و به من ایمان بیاورند و من را به وحدانیت بشناسند به من شریک نیاورند بدون شک که راه خیر و فلاح و رستگاری را می یابند و به اهداف شان می رسند..رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح فرموده است: "الدعاء هو العبادة"<sup>۳</sup> دعا عبادت است که مسلمان را به الله متعال نزدیک میسازد و راه جنت را برایش هموار می کند... با این اهمیت که دعا در زندگی مسلمانان دارد دارای شروط، آداب و احکام ذیل میباشد:

<sup>۱</sup> - سوره غافر: ۶۰.

<sup>۲</sup> - سوره بقره: ۱۸۶.

<sup>۳</sup> - أخرجه الترمذي في سننه، شماره حدیث: (۲۹۶۹)، ج ۵، ص ۲۱۱.

## اولاً: شروط قبولی دعای مسلمان:

- ۱- به اخلاص دعا کردن.
- ۲- شروع کردن دعاء به حمد و ثنای الله متعال و درود گفتن به پیامبر او تعالی رسول الله صلی الله علیه وسلم.
- ۳- جدیت در دعا یعنی باور داشتن که دعا یک عبادت اساسی است و یقین داشتن که الله متعال قادر است به قبولی دعای وی.
- ۴- کوشش کردن در دعا و عجله نکردن.
- ۵- به حضور قلب دعا کردن.
- ۶- در حالت سختی و آسانی دعا کردن.
- ۷- حاجت خود را تنها از الله متعال بخواهد یعنی در دعا موحد بودن خود را ثابت کند.
- ۸- اعتراف کردن به گناه خود و مغفرت خواستن از او تعالی و بجا آوردن شکر او که توفیق توبه و دعا را داده.
- ۹- دعا کردن در اوقات استجابت دعاء و غنیمت شمردن این اوقات و اماکن که در آن دعا قبول می شود.

۱۰- بهتر است که مسلمان هنگام دعا با وضوء و باطهارت بوده باشد.

۱۱- اگر حق کسی را به ظلم گرفته باشد قبل از دعا آنرا برایش برگرداند زیرا ظلم مانع قبولی دعا می شود.

۱۲- خوردن و نوشیدن و لباس مسلمان از حرام پاک باشد، زیرا مال حرام مانع قبولی دعا می شود.

۱۳- دعا کردن سه بار.

۱۴- رو به قبله بودن هنگام دعا.

۱۵- بالا کردن دستان در دعا.

۱۶- ناله و فریاد نکردن در دعا.

۱۷- اولاً برای خود دعا کند بعد از آن برای دیگران.

۱۸- در دعای خود توسط اسماء الله متعال وصفات او تعالی به او تعالی متوسل شود.

**ثانیا: اوقات و اماکن قبولی دعا مسلمان قرار ذیل است:**

۱- در سوم حصه اخیر شب که الله متعال به آسمان دنیا پایین می شود و دعای مسلمان را قبول میکند.

- ۲- بعد از نمازهای فرض.
- ۳- در بین آذان و اقامت نماز.
- ۴- در بین هر دو خطبه جمعه.
- ۵- در ساعت اخیر روز جمعه.
- ۶- در وقت افطاری روزه.
- ۷- در شب لیلة القدر.
- ۸- در وقت باریدن باران و برف.
- ۹- هنگام که مسلمان در صف اول جنگ قرار میداشته باشد  
بر ضد دشمنان.
- ۱۰- هنگام نوشیدن آب زمزم.
- ۱۱- در حج و عمره.
- ۱۲- در روز عرفه در عرفات.
- ۱۳- در طواف کعبه مشرفه.
- ۱۴- در صفا و مروه هنگام سعی کردن.



۱۵- در سجده نماز.

۱۶- دعای مسافر.

۱۷- دعای مسلمان به برادر وخواهر مسلمانش در غیاب آنها.

۱۸- دعای والدین در حق اولادش.

۱۹- دعای اولاد در حق والدینش.

۲۰- دعای انسان مظلوم بالای انسان ظالم که مورد ظلمش قرار گرفته.

۲۱- دعاء کردن هنگام سختی ومصیبت.

۲۲- دعای مسلمان بعد از مجالس علم و ذکر.

**ثالثا: دعاهاى كه رد مى شود ومورد قبول الله متعال نمى**

**گردد:**

۱- مرگ خواستن مسلمان.

۲- دعا کردن به اینکه در مصیبت واقع شود.

۳- هنگام دعا متوسل شدن به اعمال وشیوهای شرکی وبدعتی مثلا : در زیارت رفتن ودعا خواستن در آنجا.

۴- دعا بخاطر قطع صلہ رحم انسان.

۵- دعای بد کردن در مورد اقارب خود.

۶- طلب کردن امور ومسائل که شرعا وعقلا متحقق شدن آن ممکن نباشد.

۷- طلب کردن مسائل که اصلا بر آورده شده.

۸- دعا کردن بخاطر انجام گناه ومعصیت ونا فرمانی الله متعال.

### رابعا: نتیجه دعا چنین میباشد:

الف: دعای مشروع مسلمان بر آورده می شود ومتحقق میگردد.

ب: اگر قبول نشود معنایش این است که کدام مصیبت بزرگ را الله متعال توسط این دعا از وی دفع کرده.

ج: اگر این هم نشود معنایش این است که اجر، ثواب وپاداش این دعا در آخرت برایش ذخیره می شود وترازوی اعمال نیک وصالح او در روز رستاخیر وزین میگردد با این دعاها.



## مفهوم حدیث: یک ساعت تفکر کردن از هفتاد سال عبادت برتری دارد

حدیث را مشاهده کردم استاد نوشته کرده بود (یک ساعت تفکر کردن از هفتاد سال عبادت برتری دارد)، لطفا معلومات بدهید.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

باید بدانیم که بسیاری از انحرافات عقیدوی و مسائل خرافی و عادات و عبادات نادرست که در اسلام اصل و دلیل و مشروعیت ندارد از لا بلای احادیث موضوع و دروغین در بین مردم جا گرفته و جزء از دین مردم شمرده شده که در حقیقت مشروع نبوده، و اگر کسی بخواهد که دین و ایمانش پاک و صفا باشد باید از استدلال کردن از این احادیث دروغین دوری بجوید و بر حذر باشد .. و من می خواهم نکاتی مختصری را درین مورد به دوستان عرض کنیم و شریک بسازم.

اولا : اینکه مسلمان باید هیچ حدیثی را نقل و نشر نکند تا اینکه صحت و ضعف آنرا بداند زیرا اگر احادیث موضوع را نشر و نقل میکند و به مردم میرساند بنام حدیث رسول الله صلی الله علیه وسلم گنهگار شمرده می شود و به معنای اینکه دروغ را به رسول الله صلی الله علیه پیوند میدهد... متأسفانه بعض خطباء و امامان

مساجد و واعظین محترم این کار از ایشان سر میزند و احادیث موضوع و منکر را به مردم به بنام حدیث تقدیم میکنند.

ثانیا: بسیاری از کتابها خصوصا کتابهای فضایل اعمال مشتمل بر احادیث موضوع بوده و باید متوجه باشیم.. و وجود احادیث در کتابها به معنای آن نیست که حتما حدیث صحیح است و باید تحقیق و جستجو شود .

ثالثا: در ویسایت های انترنیتی و صفحات ارتباط جمعی بسیاری از احادیث موضوع و باطل و منکر نشر میگردد و یکی به دیگری روان میکنند و باید متوجه باشیم که سبب نشر احادیث که ثابت نیست بلکه موضوع باشد سبب و وسیله نشر آن نشویم و خود را در گناه شامل نسازیم.. و اگر در صحت و عدم صحت حدیثی شک داشتیم از اهل علم سؤال کنیم.

رابعا: همه احادیث صحیح بخاری و صحیح مسلم صحیح است و هم اکثر احادیث کتاب موطأ امام مالک و سنن أبوداد و سنن ترمذی و سنن النسائی و سنن ابن ماجه صحیح میباشد و درین کتابها بعض احادیث ضعیف وجود دارد که شیخ محمد ناصرالدین الالبانی آن را توضیح داده است.

خامسا: کتابهای که احادیث موضوع و دروغین را معرفی کرده و به بحث گرفته و نشاندهی کرده عبارت اند از:

- ١- الموضوعات لابن الجوزي.
- ٢- اللآلي المصنوعة في الأحاديث الموضوعية للشوكاني.
- ٣- تذكرة الموضوعات لمحمد بن طاهر المقدسي.
- ٤- المنار المنيف في الصحيح والضعيف لابن قيم الجوزية.
- ٥- تنزيه الشريعة المرفوعة عن الأخبار الشنيعة الموضوعية للكتاني.
- ٦- المصنوع في معرفة الحديث الموضوع للهروي.
- ٧- الفوائد المجموعة في الأحاديث الموضوعية للشوكاني.
- ٨- سلسلة الأحاديث الضعيفة والموضوعية لمحمد ناصر الدين الألباني .. واين كتاب بسيار مهم.
- ٩- سايت انترنيتي الدرر السنية هم بسيار مهم.



## نقش کردن آیت الکرسی و کلمه توحید در گردن بند طلائی

ما در زرگری یک چیزی دارم که در گردن میشه بنام آیت الکرسی شریف است، قسمی یک گل است و در آن آیت الکرسی نوشته است، بعد از اینکه پوشیده شد و کهنه شد باز ذوب میکنیم آیا گنهگار میشیم یا نه؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله أما بعد:

زیرا که بی حرمتی و بی احترامی و اهانت به آیت الکرسی و اسماء الله الحسنی می شود، و رفتن خانمان در تشناب و یا در حالت جنابت با این گردن بند گناه دارد مسلمان باید احترام آیات قرآنی و کلمه توحید و اسماء الله الحسنی را داشته باشد و برای کارهای و اهداف دنیائی خود استفاده نکند.



## در شریعت تجلیل شب یلدا جائز نیست

یکی از خواهران از شهر کابل سوال نموده:

در مورد حکم تجلیل شبی بنام یلدا سوال داشتم ، چیزی که در بین بعض مردم بسیار رایج است و بعض مردم افغانستان هم در این روزها زیاد آنرا یاد میکنند، لطف نموده جواب من را نوشته کنید.

یکی دیگر از برادران نیز سوال نموده:

حکم شب یلدا در دین مبین اسلام چیست؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

در جواب شما باید بنویسم که در دین مبین اسلام تجلیل دینی در شبی بنام شب یلدا ثابت نیست و اساس و مستند، و دلیل شرعی ندارد... در مصادر صحیح احادیث نبوی، در سنت عملی، آثار صحابه رضی الله عنهم، و مصادر فقه تابعین و ائمه اربعه مذاهب فقهی اهل سنت و جماعت حتی اشاره هم نیست که مسلمان باید این شب را تجلیل کند و یا در این شب عبادت نماید... هر نوع نو آوری و به نیت عبادت و شب نشینی مردود و بدعت و مخالف سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم شمرده می شود و مسلمان گنهگار می شود "کل بدعة ضلالة وکل ضلالة في النار"<sup>۱</sup> هر نو آوری و بدعت در دین گمراهی شمرده می شود، و هر گمراهی انسان را به طرف آتش دوزخ سوق میدهد... و نیز رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح دیگری فرموده است: "من عمل عملا ليس عليه أمرنا

<sup>۱</sup> - أخرجه أحمد في مسنده، شماره حدیث: (۱۷۱۴۴)، ج ۲۸، ص ۳۷۳.

فهرود<sup>۱</sup> هر آنچه که مطابق سنت من نیست، ودر سنت من ثابت نیست در باب عبادات مردود است.

همه عبادات مسلمان باید دلیل ومستند شرعی صحیح از قرآن کریم ویا سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم داشته باشد. باید اجازه ندهیم که بعض مردم عادات مروجه وتقالید خود را باید صبغه دینی دهد وبر مردم تحمیل کنند.

مردم در انجام دادن عادات ومباحات آزاد هستند بشرط که در تقلید وهمنوائی غیر مسلمانان واقع نشوند. اما عبادات وشب نشینی های برای عبادت باید که دلیل صحیح از قرآن وسنت، وعملکرد صحابه وتابعین وائمه فقه داشته باشد. زیرا عبادات توقیفی است باید در نص صحیح ثابت باشد زیرا در باب عبادات بدنی ومالی هیچ عبادت بدون اینکه بیان شده باشد باقی نیست که بعض مردم بیاید بعد از وفات رسول الله صلی الله علیه وسلم وتکمیل شدن دین مبین اسلام آن را نو آوری کند وتکمیل نماید.



۱ - اخرجہ مسلم فی صحیحہ، کتاب الأفضیة، باب نقض الأحكام الباطلة، ورد محدثات الأمور، شماره حدیث: (۱۷۱۸)، (ج ۳، ص ۱۳۴۳).



## تأثیر سلبی چشم بد حقیقت انکار ناپذیر است

یکی از خواهران سوال نموده که :

آیا چشم و نظر بد به واقعیت بالای انسان تأثیر بد می کند و چطور بفهمیم؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

در حدیث صحیح رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است که: "العینُ تُدخِلُ الرَّجُلَ الْقَبْرَ ، وَتُدخِلُ الْجَمَلَ الْقَدْرَ"<sup>۱</sup>.

چشم بد انسان را می میراند و راهی قبر میکند و شتر را به میکشد و صاحبش مجبور می شود که ذبح نموده و گوشتش را به دیگ بیندازد.

درین شکی نیست که چشم و نظر بد، حسد و بدبینیها و حسرت تأثیر خود را دارد و حقیقت انکار ناپذیر است به این معنی که وجود دارد و انسان باید بر حذر باشد، و وجودش به معنای جائز بودنش نیست، و این هم مثل سائر گناهها منتشر است که باید برای وقایه از آن سعی و تلاش کرد، و حتی قبل از بعثت رسول الله صلی الله علیه وسلم وجود داشته، زیرا الله متعال به نقل از زبان یعقوب علیه السلام فرزندانش را نصیحت کرده بود که از یک دروازه داخل

<sup>۱</sup> - أخرجه الشهاب في مسنده، شماره حدیث: (۱۰۵۷)، ج ۲، ص ۱۴۰.

نشوند بلکه از دروازه های مختلف داخل شوند که مورد حسد و چشم بد قرار نگیرند قال الله تعالى: "وَقَالَ يَا بَنِيَّ لَا تَدْخُلُوا مِن بَابٍ وَاحِدٍ وَادْخُلُوا مِنْ أَبْوَابٍ مُّتَفَرِّقَةٍ وَمَا أُغْنِي عَنْكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ إِنْ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَعَلَيْهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ"<sup>۱</sup>.

نیز الله متعال فرموده است که مشرکین می خواستند که رسول الله صلی الله علیه وسلم را توسط چشمان بد و نظر کردن از بین ببرند و به بیماری مبتلا کنند: "وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ، وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ"<sup>۲</sup>.

ودر احادیث صحیح ثابت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است که چشم و نظر بد وجود دارد، در حدیث ابی هریره رضی الله عنه رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده که: "العین حق"<sup>۳</sup>.

<sup>۱</sup> - سورة يوسف، الآية: ۶۷.

<sup>۲</sup> - سورة القلم، الآية: ۵۲.

<sup>۳</sup> - أخرجه أحمد في مسنده، شماره حدیث: (۹۶۶۸)، ج ۱۵، ص ۴۱۷.

نیز در حدیث عائشه رضی الله عنه رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده "اسْتَعِيدُوا بِاللَّهِ، فَإِنَّ الْعَيْنَ حَقٌّ"<sup>۱</sup> از چشم بد به الله متعال پناه ببرید که تأثیر بد دارد و این حقیقت انکار ناپذیر است.

و در حدیث جابر بن عبد الله رضی الله عنه که البانی این حدیث را درجه حسن داده فرموده است: "الْعَيْنُ تُدْخِلُ الرَّجُلَ الْقَبْرَ، وَتُدْخِلُ الْجَمَلَ الْقِدْرَ"<sup>۲</sup> چشم و نظر بد انسان را متضرر میسازد که در نتیجه آن مریض شده و میمیرد و راهی قبر می شود و شتر را نظر نموده و صاحبش مجبور می شود که آنرا ذبح نموده و در دیگ بیندازد و مجبوراً پخته کند. و بخاطر اهدافی که آنرا نگهداری میکرد تحقق نیابد زیرا چشم بد به این اندازه تأثیر دارد که حتی شتر را از بین میبرد.



آیا به نیت ذکر ( یا الله ) یا ( الله ، الله ) گفتن ثواب دارد؟

دوستی سوال نموده که :

اگر کسی به نیت ذکر یا الله، الله الله بگوید ثواب کمای میکند؟

۱ - أخرجه ابن ماجه في سننه، شماره حدیث: (۳۵۰۸)، ج۲، ص ۱۱۵۹.

۲ - أخرجه الشهاب في مسنده، شماره حدیث: (۱۰۵۷)، ج۲، ص ۱۴۰.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

تنها یا الله ، الله الله، در اذکار شامل نیست و ثواب نمی شود، یا الله در صورت دعاء کردن گفته می شود، در اذکار باید الله متعال به پاکی یاد شود و حمد و ثناء و تعظیم و تکبیر باشد مثل: سبحان الله وبحمده، سبحان الله العظيم، الحمد لله، الله أكبر.



### حکم دم خواندن از مسافه دور

یکی از خواهران سوال نموده :

استاد بزرگوار یک سوال داشتم که من افغان هستم و در جرمنی زندگی میکنم، اینجا ملاحای دم خوان نیست آیا می توانیم که از طریق تلفون بالای ما دم خوانده شود؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

در اصل باید دم خواندن و تلاوت قرآن کریم به شکل مستقیم و مباشر و از نزدیک صورت گیرد زیرا این روش در مطابقت با عملکرد رسول الله صلی الله علیه وسلم و صحابه کرام و سلف صالح قرار دارد، و شنیدن قرآن کریم و دعاهای مأثور از نزدیک بابرکت و مؤثرتر واقع می شود و توقع می رود که فایده و نفعش به مریض برسد، زیرا در دم خواندن نزدیک بعد از تلاوت قاری صاحب ناخن

خود را کمی تر می کند با آب دهن خود و به مریض نزدیک میکند و این کار در دم خواندن از دور ممکن نیست.

لیکن این به این معنی نیست که از دور جواز ندارد بلکه جواز دارد و مشروع است لیکن تأثیر و افادیت آن نسبی و کمتر می باشد.

و شنیدن قرآن کریم با تدبیر در هر وقت سبب نزول رحمت الهی میشود: "وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ" <sup>۱</sup>.

نیز بهتر است که مسلمان خودش بالای خود قرآن کریم را بخواند و دم کند، نیز از اهل علم و تقوی و دانش شرعی کمک بخواند که بالایش بخواند و دم کند و برای شفا یابی او دعا کند.



### شب برات (شب پانزده شعبان)

آیا این درست است که در شب برات رزق انسان تقسیم می شود؟

<sup>۱</sup> - سورة الأعراف، الآية: ۲۰۴.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

معتقد بودن که شب برات شب تقسیم رزق است برداشت نادرست، خرافاتی و مخالف شریعت است

نیز عقیده داشتن که شب برات که مصادف ۱۵ ماه شعبان متبرک میباشد یک اندیشه خرافاتی است و از برداشتهای نادرست، و مخالف شریعت بشمار میرود در این شب هیچ اتفاقی رخ نمی دهد مانند همه شبهای سال یک شب عادی است.



### نامهای خرافاتی باید به نامهای شرعی مبدل گردد

یکی از جوانان و از دوستان نجم نهاد جوانان مسلمان افغانستان از شهر ایبک ولایت سمنگان نوشته:

در شهر ما بعض نامهای است که ما را در شک انداخته مثل کوچه زیارت خواجه قمبر و خواجه سبز پوش و غیره، اگر شما لطف نموده از طریق صفحه تان رهنمائی کنید که آیا این نامها در مطابقت با شریعت قرار دارد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

اولا: احساس و شعور خوب و زیبای دعوتی این برادر جوان قابل تقدیر است زیرا متوجه مسأله بسیار با اهمیت شده که تقریبا در بیشتر ولایت و مناطق افغانستان متأسفانه این نامهای مخالف شریعت وجود دارد که باید در راستای تغییر آن دست بکار شویم، این تنها در ولایت سمنگان نیست بلکه در نتیجه آگاهی نداشتن مردم و تقلیدی بودن و بی تأثیر بودن علماء رواج داشته و نقش علماء تأنها در داخل مساجد و مدارس منحصر مانده .

ثانیا: تصحیح مفاهیم غلط، برداشتهای نادرست و مخالف شریعت، و خرافاتی که در عقیده و اندیشه و فکر مسلمان تأثیر سلبی دارد بخش از دعوت اسلامی اصلاحی را تشکیل میدهد و از وظائف دعوتگران و جوانان منسوب به این دعوت مبارک بشمار میرود.

ثالثا: همانطوری که دین مبین اسلام به زبان رسول الله صلی الله علیه وسلم در انتخاب نامهای واسامی زیبا و موافق شریعت امر نموده و تشویق کرده عین حکم در نام گذاری سرکها، کوچه ها، قریه ها، مکاتب، مدارس، مساجد نیز تطبیق می شود که با تاریخ اسلامی، عقیده و اندیشه و فکر اسلامی ارتباط مستقیم داشته باشد  
مثلا:

۱- نامهای خلفای راشدین انتخاب شود.

۲- نامهای صحابه کرام وفاتحین اسلام انتخاب شود، مثل عمر بن الخطاب، خالد بن الولید، احنف بن قیس، صلاح الدین ایوبی، محمود غزنوی، سید جمال الدین افغانی.

۳- نامهای فقهاء وعظماء اسلام انتخاب گردد مثل ابوحنیفه، مالک، شافعی، احمد بن حنبل، محمد بن الحسن الشیبانی، ابویوسف القاضی، شیخ الإسلام ابن تیمیه، امام حسن البنا.

۴- نامهای رهبران بیداری اسلامی عصر حاضر افغانستان مثل: غلام محمد نیازی، عبدالرحیم نیازی، انجنیر حبیب الرحمن، محمد ابراهیم همیم.

در انتخاب نامهای اسلامی وزیبا اطفال، جوانان وعامه مردم در سایه عقیده، فکر واندیشه اسلامی تربیه می شوند واز کارنامهای فاتحین اسلام آگاه میگردند، در حالیکه با این نامهای که دلالت خرافاتی وانحرافی دارد اطفال وعامه مردم که عمل ودانش دینی کافی ندارد با خرافات آشنا می شوند ودر ذهن شان ترسیخ می شود که البته این خرافات وزیارتها وتوسل به قبرها وزیارتگاهها بخش از دین است واز همین اهمیت نامهای سرکها وكوچه ها انتخاب شده.



حالا واجب ووظیفه علماء، دانشمندان و جوانان بالخصوص جوانان نجم است که نام این کوچه زیارت را به کوچه اصلاح مبدل سازند.

و نیز نامهای خواجه قمبر و خواجه سبز بوش را با نامهای خلفای راشدین و غیره مبدل سازند.



### روشن کردن شمع در مراسم تعزیت

یکی از دوستان محترم از ولایت قندهار چنین سوال نموده :

په فاتحه کی د شهیدانو دپاره شمع بلول څنگه دي؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

روشن کردن شمع در مراسم تعزیت، جنازه و بالای قبر غیر مشروع و ناجائز بوده، بلکه تشبه به غیر مسلمانان میباشد.



## تخصیص دادن شب برات برای تحفه نامزادی

یکی از خواهران چنین سوال نموده :

آیا تحفه و کالا و شیرینی باب را که برای نامزادان در شب برات بنام براتی میبرند در شریعت جائز است؟ لطفا جواب عاجل را روان کنید که متظر هستیم، این موضوع به مشکل و جنجال مبدل شده؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

عقیده داشتن که شب برات که مصادف ۱۵ ماه شعبان را متبرک میباشد یک اندیشه خرافاتی است و از برداشتهای نادرست و مخالف شریعت بشمار میرود، تخصیص دادن این شب و روز برای تحفه بردن در شریعت دلیل و اساس و مستند ندارد، در عین حال اسراف هم شمرده می شود.

تحفه های که برای نامزادان در نظر گرفته میشود در هر وقت از سال و ماه تقدیم کردنش مشروع و جائز است به شرطیکه با خرافات و برداشت های نادرست همراه نباشد و در عین حال سبب مشقت و سختی نگردد و اسراف هم نشود.



## تخصیص دادن یک روز را بخاطر رفتن به سر قبرها

یکی از خواهران از شهر کابل چنین سوال نموده :

یک کسی که فوت میشود اگر عید نزدیک باشد برایش مراسم میگیرند، و در روز آخر رمضان و روز عرفه و روز عید سر قبرستانی میروند، حکم آن از شریعت اسلام چیست؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

برای مردان مسلمان جائز و مشروع است که در هر وقتی از سال برای عبرت و فراموش نکردن مرگ و آخرت و دعا نمودن بخاطر مغفرت مرده های مسلمان به هدیره بروند.

لیکن تخصیص دادن روز آخر رمضان، روز عرفه و یا روز عید برای زیارت قبرستانی بدعت و نوآوری شمرده می شود، زیرا که این عملکرد به مردم چنین وانمود میسازد که گویا این کار سنت است و مردم به نادانی اعتقاد میداشته باشند که رفتن سر قبرستانی و هدیره سنت است و مرده نیز عید دارند.

لهذا علماء و دانشمندان باید مردم را در این مورد آگاهی دهند که این کار در مطابقت با سنت قرار ندارد، و در شریعت اسلامی عیدی بنام عیدی مرده ها وجود ندارد اگر مشروع میبود از طرف پیامبر اسلام و یاراناش به امت تعلیم داده میشد، ما و شما همه

میدانم که نو آوری و بدعت و مخالفت سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم گناه است.



### رقص، آواز خوانی و ذکر های صوفیانه عبادت نیست

یکی از علاقمندان مسائل دینی سوال نموده:

بعض کسانی را دیدم که هفته وار در جای جمع می شوند و ذکر می کنند و میگویند هو هو هو با رقص و آواز خوانی بصدای بلند آیا این کار شان درست است؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

این نوع اعمال عبادت نیست بلکه عبارت از بعض حماقتها و جهالت و نادانی و برداشت های غلط و نادرست و مخالف سنت و شریعت است، الله متعال دین را تکمیل نموده و فرموده است: "اليوم أكملت لكم دينكم وأتممت عليكم نعمتي ورضيت لكم الإسلام ديناً"<sup>۱</sup>.

امروز کامل کردم برای شما دین شما را و تمام کردم بر شما نعمت خود را و اختیار کردم اسلام را دین برای شما.

<sup>۱</sup> - سوره مائده: ۳.

وپیامبر اسلام محمد صلی الله علیه وسلم این دین را با گفتار و کردار و تقریر خود بیان نمودند، و بارانش رضی الله عنهم گفتارها و کردارها و تقریرهای را که از آن حضرت صلی الله علیه وسلم صادر شده نقل نمودند، پس دین از لحاظ مبانی و بیان و نقل آن کامل است، و ذکر نوعی از عبادات است و عبادات مبنی بر توقیف از مصادر شریعت یعنی قرآن و سنت میباشد، و کسی که چیزی از عبادات را تخصیص میدهد و برای آن وقت معین میکند و یا کیفیت خاصی را برای ادای آن قرار میدهد پس بر او لازم است که برای آن دلیل ارایه دهد، و آنچه که از حماقتها اینها انجام میدهند دلیل و مستند شرعی ندارد و مردود است.

از پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم ثابت است که ایشان فرمودند: " من أحدث فی أمرنا هذا ما لیس منه فهو رد" <sup>۱</sup>.

کسیکه در دین و اعتقاد ما چیز تازه را ایجاد می کند که در دین ما نیست آن چیز مردود و باطل است.



<sup>۱</sup> - اخرجہ مسلم فی صحیحہ، کتاب الأفضیة، باب نقض الأحکام الباطلة، ورد محدثات الأمور، شماره حدیث: (۱۷۱۸)، (ج ۳، ص ۱۳۴۳).

## از زیر قرآن کریم تیر شدن قبل از سفر

یکی از دوستان سوال نموده :

مردم رواج دارند که مسافر شان هنگام که سفر کنند آنرا از زیر قرآن تیر میکنند.. آیا این کار شان جواز دارد لطفا رهنمائی کنید که من به مردم در مسجد بگویم.. در مسجد ما جر و بحث شد باز ملا صاحب گفت که از استاد سوال کنید؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

قرآن کریم کتاب آسمانی است که برای رهنمائی بشریت نازل شده که دستور العمل زندگی شان باشد و حلال و حرام را بیان نموده، و علاقه و ارتباط شان را با الله جل جلاله محکمتر می سازد، که باید تلاوت شود، و به احکام در آن آمده عمل شود، نه اینکه برای رسم و رواجها آمده باشد از جمله تیر کردن اشخاص هنگام سفر از زیر مصحف، و یا دوره کردن بالای جنازه، یا ماندن در موتر، و یا بالای سر طفل، و یا بردن بالای خرمن و باغ و کشت زار بخاطر برکت و یا آیین مصحف کردن شاه و عروس، این همه موارد است که در قرآن کریم، و در سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم و عملکرد صحابه ثابت نیست.. دلیل و اساس و مستند شرعی ندارد.

اینها اصلا اهداف اصلی نازل شدن قرآن کریم را نفهمیده اند که بخاطر تلاوت است که ثواب دارد، مسلمان باید قرآن کریم را

در بخش‌های از روز و شب تلاوت کند، و نیز به احکام آن عمل کند و در زندگی خود تطبیق نماید، امام ابن کثیر در تفسیر خود از صحابی جلیل القدر عبد الله بن مسعود رضی الله عنه نقل نموده که فرموده است: "والذي نفسي بيده؛ إن حق تلاوته أن يحل حلاله، ويحرم حرامه، ويقرأه كما أنزله الله عز وجل، ولا يحرفه عن مواضعه" قسم بذات که نفس من بدست او است که تلاوت کردن قرآن کریم به این معنی است که مسلمان حلالش را حلال بداند و حرامش را حرام، و به آن قسمی عمل کند که برای همان هدف نازل شده و تحریف نکند.



### اعتقاد به بخشیده شدن گناهان، هنگام شاه و عروس شدن

یکی از دوستان سوال نموده :

نزد مردم باوری است اینکه بچه و دختر هنگامیکه شاه و عروس میشوند تمام گناهان شان بخشیده میشود آیا واقعیت است؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

این نظریه (هنگامیکه شاه و عروس میشوند تمام گناهان شان بخشیده میشود) اساس و دلیل شرعی ندارد و گناهان مسلمان اگر

متعلق به حقوق الله متعال باشد بعد از توبه کردن و کفاره دادن بخشیده می شود و اما اگر به حق بندگان تعلق داشته باشد بعد از بازگردانیدن حق و یا عفو خواستن محو می گردد .

لیکن عروسی و ازدواج سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم است و ثواب هم دارد و دین مبین اسلام تشویق و ترغیب نموده که مسلمان چپ مرد باشد و یا زن باید عروسی و ازدواج کند که فوائد و آثار خوب دارد و ازدواج در بعض حالات واجب و در بعض حالات سنت و در بعض حالات حرام و مکروه میباشد و در حالت عادی مباح:

۱- کسی که توان و استطاعت عروسی را داشته باشد و خوف آن برود که اگر عروسی نکند در زنا و فعل فاحشه واقع می شود بالای این شخص عروسی کردن واجب است.

۲- کسی که بخیل باشد و حقوق خانم خود را ادا کرده نتواند مثلا نفقه ندهد و همبستری نکند و خانمش مورد ظلم و بی عدالتی و آزار و اذیت قرار گیرد بر این شخص عروسی کردن حرام است .

۳- کسی که در رسانیدن حق خانم خود کوتاهی کند و نفقه درست داده نتواند و خانمش متضرر شود این شخص اگر باور دارد که کوتاهی میکند در حق او پس بر او عروسی کردن مکروه است و بهتر است که مثلا به طلب علم و یا در کدام کار خیر مصروف شود و عروسی نکند.



۴- در حالات عادی سنت و مستحب است، و ثواب زیاد دارد.



### اسپند دود کردن بدعت و ناجائز است

آیا اسپند دود کردن و غیره چیزهای که بخاطر سلامتی استفاده می‌گردد شرعا جواز دارد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، وبعد:

اسپند دود کردن هیچ سند و اساس و دلیل شرعی ندارد بلکه یک عمل شیطانی و شرکی و مخالف رهنمودهای اسلامی است که انسان را بشرک می‌کشاند، از رسول الله صلی الله علیه وسلم و صحابه کرام و تابعین و ائمه فقه و فقهای مذهب حنفی ثابت نیست و از عادات و تقالید جاهلیت قبل از اسلام است، و توکل مسلمان را به الله متعال سلب می‌کند و شفا دهنده الله متعال است نه این نوع اعمال جاهلی که بخاطر رضایت شیطان و جنیات مروج است.

علاج شرعی نظر شده، حسد و غیره همانا اذکار مسنون و مأثور است که شامل خواندن آیت الکرسی و سوره های قل یا ایها الکافرون و اخلاص و معوذتین است.



## در شریعت بنام درود مستغاث درودی ثابت نیست

یکی از دوستان محترم و همکاران دعوتی ما از ولایت پنجشیر چنین نوشته:

درود مستغاث کدام درود است؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، وبعد:

در شریعت درود مستغاث وجود ندارد، واستغاثه یعنی طلب کمک از مردها حتی از پیامبران و انسانهای صالح و نیکوکار هم باشند جائز و مشروع نیست و حرام است، بلکه انسان را به شرک می کشاند، این درود را اهل بدعت و افراد وابسته به انحرافات فکری و اندیشه های عقبمانده ترویج میدهند، تنها درود مشروع این است:

اللهم صلّ على محمد وعلى آل محمد، كما صليت على إبراهيم وعلى آل إبراهيم؛ إنك حميدٌ مجيد. اللهم بارك على محمد وعلى آل محمد، كما باركت على إبراهيم وعلى آل إبراهيم؛ إنك حميدٌ مجيد.



## تجلیل از روز عاشقان در اسلام جواز ندارد

یکی از برادران چنین نوشته:

امروز روز عاشقان یعنی valitanis day است، که در اسلام نیست ولی یک تعداد مردم در افغانستان و دیگر کشورها تجلیل میکنند، از نگاه اسلامی برای مردم معلومات دهید و در فیسبوک هم به نشر برسانید.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، وبعد:

تجلیل از روز عاشقان در اسلام جواز ندارد، گناه کبیره و تقلید از غیر مسلمانان است.

رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است: "من تشبه بقوم فهو منهم"<sup>۱</sup> هر کسی که به دیگران مشابهت و تشبه کند و آنها را تقلید از جمله آنان محسوب می شود.



<sup>۱</sup> - سنن أبي داود، كتاب اللباس، باب في لبس الشهرة، شماره حديث: (۴۰۳۱)، (ج ۴، ص ۴۴).

### حواله دادن تنبلی به قضاء و قدر

درین شکی نیست که هر چیز در قضاء و قدر نوشته شده است، لیکن در عین حال انسان مأمور است که سعی و تلاش کند برای تحقق اهداف خود، زیرا الله متعال قادر به تغیر دادن هر چیز است، و در نتیجه تنبلی انسان وعدم کوشش شاید در زندگی بسیار چانسها را از دست بدهد، تنها به این اکتفاء نمی شود که هر چیز نوشته است، بلکه همان رب که تقدیر و قضاء و قدر بدستش است همان رب به سعی و تلاش و کوشش امر کرده و در این دنیا هر کس که بیشتر زحمت می کشد به همان اندازه نتایج خوب بدست میاورد کامیاب می باشد.

استفاده از وسائل مشروع، جد و جهد و سعی تلاش بخش از ایمان به قضاء و قدر و توکل به او تعالی است، زیرا مسلمان مأمور است که گرفتن و داشتن اسباب و وسائل را فراموش نکند در غیر آن از فرقه های قدریه و جبریه محسوب می شود.



این برداشت درست نیست در جای که نمک باشد جن را میراند

یکی از خواهران چنین سوال نموده:

استاد محترم آیا درست است در خانه که نمک باشد جن آمده  
نمی تواند وقتیکه نمک پاشیده شود جن را میراند؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، وبعد:

این برداشت نادرست و غلط است سند، اساس و دلیل شرعی  
ندارد، تنها یک تجربه است که تجربه یکبار درست میباشد و صد  
بار غلط و نادرست.

جنیات تنها توسط تلاوت قرآن کریم از جسم انسان و از خانه  
طرده می شوند، خصوصا این آیه کریمه: "يا معشر الجن والإنس إن  
استطعتم أن تنفذوا من أقطار السموات والأرض فانفذوا لا تنفذون إلا  
بسلطان . فبأي آلاء ربكما تكذبان . يُرسل عليكم شواظ من نار ونحاس  
فلا تتصران . فبأي آلاء ربكما تكذبان"<sup>۱</sup>.



<sup>۱</sup> - سوره رحمن: ۳۳ الی ۳۶.

## استهزاء به آیات قرآنی، احادیث نبوی و شعائر دین اسلام

یکی از دوستان محترم از شهر کابل نوشته:

در صفحات بعضیها نوعی بی ادبی و گستاخی در مورد آیات قرآن به خاطر خندیدن پخش و نشر میشود که دو نمونه آنرا خدمت تان روان میکنم اگر فرصت پیدا نمودید یک مطلب درمورد شان بنویسید تا مردم متوجه شوند.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

اگر این استهزاء و توهین به آیات قرآنی، احادیث نبوی، ادعیه مأثوره باشد درین صورت آنها با این جرم خطرناک شان منافقین شمرده می شوند زیرا آنها در حقیقت به شریعت اسلامی واحکام والای اسلام استهزاء نموده اند..الله منتقم جبار حکایت کنان حال مناقین و جاهلان را که به دین استهزاء میکنند بیان نموده آنها را خبر دار کرده و فرموده است: "قُلْ أِبَاللَّهِ وَآيَاتِهِ وَرَسُولِهِ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِئُونَ"<sup>۱</sup> ای محمد به منافقین بگو که بخداوند و کتابش و آیاتش و رسولش استهزاء می کنید... حتما جای این استهزاء کنندگان دوزخ و آتش جهنم است.

والله متعال در آیت دیگری فرموده است که: "الذين يلمزون المطوعين من المؤمنين في الصدقات والذين لا يجدون إلا جهدهم

<sup>۱</sup> - سوره توبة: ۶۵.

فیسخرون منهم سخر الله منهم ولهم عذاب أليم" <sup>۱</sup> آنان که ملتزمین و مسلمانان متدین را در وقت گرفتن و دادن صدقات و کار و تلاش شان مورد استهزاء قرار میدهند الله رب العزت از آنها انتقام میگیرد و در روز قیامت آنها را رسوا نموده و مورد استهزاء قرار میدهد.

حکم اینها در شریعت معلوم است که گناه کبیره را مرتکب شده اند و خطر آن می رود که نفاق در قلبهای شان جا گرفته باشد و اگر منکر فرائض باشند و شعائر و عبادات اسلام را استهزاء کنند بیم آن میرود که از دین برآیند در این صورت باید که زنان شان بر آنها طلاق شود، واز میراث محروم شوند، ودر قبرستانی مسلمانان دفن نشوند ودر خوردن و نوشیدن و همنشینی و مسائل خانوادگی احکام مرتد بالای شان تطبیق شود.

دوستان باید با اینها دوستی و همنشینی نکنند زیرا همنشینی بالای شما نیز تأثیر سلبی می کند... همنشین صالح انسان را صالح می سازد و همنشین طالح انسان را طالح و گمراه میسازد.. الله متعال نیز درین صورت رهنمائی نموده که از این فاسقان و فاجران دوری جوئیم: "فلا تقعدوا معهم حتی یخوضوا فی حدیث غیره" <sup>۲</sup> یعنی همراه شان همنشینی نکنید که در سخنان دیگری بغیر از استهزاء مشغول شوند... زیرا ممکن دین را بخاطر شما استهزاء کنند.

<sup>۱</sup> - سوره توبه: ۷۹.

<sup>۲</sup> - سوره نساء: ۱۴۰.

امیدوارم که این نوع مردم به این درجه نرسیده باشند و به وعظ و نصیحت کوش دهند.. و از استهزاء کردن به مسائل دینی و دعاها توبه کنند زیرا ممکن است که همین استهزاء نمودن آنها را از دین بکشد و از قافله مسلمانان خارج شوند ... باز هم دعا می کنیم که الله متعال آنها را هدایت نصیب کند.

آنانی که به جهالت، نادانی و بی خبری احکام دین را به استهزاء میگیرند باید فهمانده شوند و اگر معاند و جاحد نباشند وقتی که حق برایشان روشن شود آن را می پذیرند و توبه میکنند و متوجه گناه شان می شوند.

اما آنهای که از روی الحاد و بی دینی به شعائر اسلام توهین و استهزاء می کنند بدون شک و به اتفاق فقهاء از دین مبین اسلام خارج می شوند.



### حقیقت ازدواج یوسف و زلیخا

یکی از دوستان محترم از ولایت قندهار سوال نموده:

استاد محترم! د زلیخا سوک ده؟ آیا د یوسف علیه السلام

میرمن ده؟



### الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

در کتابهای تاریخ قصه های زیادی وجود دارد که سند صحیح و درست ندارد تنها من حیث یک قصه مروج است..مسلمان مکلف است که آن بخش از این قصه ها را تصدیق کند واز آن من حیث دروس و عبر استفاده نماید که در قرآن کریم واحادیث صحیح ثابت باشد و بخشهای که ثابت نیست اگر مخالف شریعت باشد رد کند و مردود بشمارد ، چون بسیاری از قصه ها مملوء از خرافات و مسائل است که حتی مخالف عقل بشری هم است.

اسرائیلیات آن قصه ها و مسائل را گویند که از امت های سابقه به بنی اسرائیل رسیده و بعدا از بنی اسرائیل از وقائع قبلی و حوادث واحکام خود شان در کتب تاریخ و تفاسیر به امت محمد صلی الله علیه توسط بعض کسانی مسلمان شدند از دیانت یهودیت و نصرانیت ..و نقل کردند موقف شرعی و درست این است که این قصه ها نه تصدیق شود و نه هم تکذیب ..اگر موافق شریعت ما باشد قبول داریم و اگر مخالف باشد رد میکنیم و اگر نه موافق باشد و نه هم مخالف آنرا بحالش می گذاریم، رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح که بخاری روایت کرده فرموده است : " لَا تُصَدِّقُوا أَهْلَ الْكِتَابِ وَلَا تُكذِّبُوهُمْ وَفُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْنَا وَأُنزِلَ إِلَيْكُمْ وَإِلَهُنَا وَإِلَهُكُمْ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ " <sup>۱</sup> روایات تاریخی اهل

<sup>۱</sup> - أخرجه البخاري في صحيحه، شماره حدیث: (۴۴۸۵)، ج ۶، ص ۲۰.

کتاب یهود و نصاری را نه تصدیق کنید در این موارد و نه هم تکذیب و برای شان بگویید که ما ایمان داریم به هر آنچه که بما نازل شده و به شما هم نازل شده، الله شما و الله ما یکی است و ما به آن تسلیم هستیم و مسلمانیم... همین قاعده شرعی در مورد همه اسرائیلیات که در تفاسیر نقل شده تطبیق می شود از جمله قصه یوسف علیه السلام و زلیخا.

در مورد بخشهای از قصه پیامبر یوسف علیه السلام و سفر آن با برادرانش به طرف مصر و مراحل دسیسه سازی برادرانش و بندی شدنش و بعدا آزادی و معجزاتش همه در قرآن کریم ثابت است که ما به آن اعتقاد داریم و آنرا تصدیق میکنیم اما مسأله ازدواجش با زلیخا که در کتابها تفسیر ذکر شده که زنی بادشاه مصر بنام (راعیل) بوده و لقبش زلیخا که بعد از مرگ بادشاه مصر با یوسف علیه السلام ازدواج کرده هنگام که یوسف علیه السلام از وزارت به پادشاهی منتقل شد و تا به همان وقت زلیخا باکره بود و اولاد هم نداشت زیرا نظر به نقل این قصه بادشاه مصر عقیم بوده.. و زلیخا از یوسف علیه السلام دو فرزند داشت بنام های افرائیم بن یوسف، و میشا بن یوسف.

لیکن باز هم تأکید میکنم که ازدواج کردن یوسف علیه السلام با او نه در قرآن و نه هم در سنت صحیح ثابت است بلکه یک قصه است از بنی اسرائیل نقل شده که نه تصدیق می شود و نه هم

تکذیب... و در کتاب شعری یوسف زلیخا موارد زیاد مبالغه آمیز است و مسائل است قابل قبول هم نیست .

به هر صورت این مسائل است که بر آن حکم شرعی مرتب نمی شود و مسلمان باید وقت خود را صرف آن نکند.



### مخالفت صریح قصیده برده با عقیده اهل سنت و جماعت

یکی از دوستان عزیز صفحه فیسبوک من نوشته که ملا امام قریه شان بشکل روز مره قصیده برده را می خواند و مقتدیان را مجبور میسازد که همایش با آواز جهر تکرار کند، اگر کمی روشنی بیندازید در باره قصیده برده وهم در باره عمل این ملا امام و آیا عمکرد او جواز شرعی دارد؟

در مورد قسمت اول سؤال دوست خود باید بنویسم که علمای معتبر و معتمد اهل سنت و جماعت برین باور اند که قصیده برده مشتمل بر شرکیات و تناقضات صریح با شریعت اسلامی و با عقیده اهل سنت و جماعت است و مؤلف آن ( البوصیری ): محمد بن سعید بن حمّاد الصنهاجی، ( ۶۰۸ هـ - ۶۹۶ هـ ) درین قصیده بسیاری از صفات خداوند متعال را برای مخلوقش حضرت محمد صلی الله علیه وسلم قائل شده که در واقع شرک صریح به شمار می رود و امورات که از خالق متعال خواسته می شود و در توان

مخلوق نیست ولو که نبی و رسول الله صلی الله علیه وسلم هم باشد از رسولش خواسته است و او صلی الله علیه وسلم را مالک دنیا و آخرت خطاب نموده، البته تفصیل زیادی درین مورد علماء نوشته اند و من مختصراً می نویسم که این کتاب کتاب خرافی و مشتمل بر شرکیات و خرافات است و باید از شنیدن و مطالعه آن صرف نظر کرد، که خدای نخواستہ انسان در شرک واقع نشود.

و در قسمت دوم سؤال تان باید عرض کنم که عملکرد امام مسجد قریه شما درست نیست:

أولاً: اشتباه نموده که کتاب خرافی و شرکی را اختیار نموده که خود سبب گمراهی خودش و دیگران می شود و گناه همه را او متحمل میگردد، و باید مثلاً کتاب ریاض الصالحین و یا فقه السنه و یا مختصر صحیح بخاری را اختیار کند و حدیثی را بخواند و شرح کند و احکامش را بیان دارد کفایت میکند.

ثانیاً: اگر این امام این عملکرد را در نتیجه جهل و نادانی میکند باید فهمانده شود که این کارش جواز شرعی ندارد و سبب گمراهی خودش و دیگران می شود و باید نصیحت شود و حق برایش گفته شود.

و اگر میدانند لیکن بعوض حق باطل در قلبش جا گرفته باید که از امامت بر طرف شود و مردم احتجاج کنند و در پشتش اقتداء نکنند و نماز در پشت این نوع ائمه و ملا امامان جواز ندارد بلکه او

فاسق و فاجر و مرتکب گناه کبیره و بزرگترین آن که عبارت از شرک آوردن بخداوند است شده، و باید از علمکردش جلوگیری شود، اگر به حق رجوع نکند.



### تکفیر نمودن دانشمندان پیشین تمدن اسلامی

یکی از جوانان هدمند هموطن ما از ولایت تخار چنین سوالی را فرستاده:

من دانشجوی انجیری هستم و خواستم برای اینکه مسأله تکفیر ابن سینا توسط امام غزالی و ابن تیمیه و سائرین به دانشجویان واضح شود، وظیفه گرفتم تا این موضوع را به صورت مقاله تحقیقی در آورم؛ چون این مسئله و امثال آن بحث جنجال بر انگیز دارد و گاه گاهی انحطاطی برای نسل دانشجو است.

بناء از حضور شما می طلبم مرا درین راستا همکاری فرمائید.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، وبعد:

لازم میبینم که در قدم نخست از اهمیت علم و تمدن و جایگاه آن در دین مبین اسلام صحبت کنم و به ابتکارات دانشمندان مسلمان در این راستا روشنی بیندازیم زیرا رهبری تمدن اسلامی را مسلمانان بدوش داشتند، مثلاً اگر بتاریخ مراجعه کنیم می

بینیم که دانشمندان مسلمان در اوائل رهبریت علم، ساینس و تمدن را بدست داشتند و نوشته ها و خزانه های علمی شان تا بحال اساس علوم تجربوی را در غرب تشکیل میدهد و اساس ترقی و پیشرفت در این میدانها شمرده می شود و به این امر دانشمندان منصف کشورهای غربی نیز اعتراف میکنند.

ما و شما میدانیم که دین مبین اسلام تشویق نموده که علم، ساینس و تمدن برای خدمت انسانها تسخیر شود، و حالا در عصر حاضر بسیاری از اکتشافات علمی و اختراعات بزرگ توسط غیر مسلمانان انجام می شود، چونکه آنها در تحقیقات خویش از اسلوب درست استفاده کرده و پایبند به قوانین و اصول تحقیقات جدی علمی هستند، و حکومت های شان زمینه پیشرفتهای علمی مناسب را برای آنها فراهم می سازند و تمام امکانات مادی و وسائلی که راه را برای آسانی کار و انکشافات علمی شان هموار سازد فراهم می نمایند، لهذا ایشان در زمینه های مختلف و رشته های علمی و تخصصات مختلف النوع بسوی رهبریت ارتقاء می کنند، در حالیکه مسلمانان در این راستا عقب مانده اند، که این نتیجه طبیعی سنت الهی در جهان می باشد به قاعده "ولکل مجتهد نصیب" - وتلك عدالة الله بين خلقه - بر می گردد برای هر جوینده سهمی است و این است عدالت الله متعال میان مردم که ثمره کوشش و اخلاص شان را در علوم تجربوی برای شان داده است، و

مستحق آنچه در پیشرفت و نبوغ در زندگی دنیا بودند برای شان رسیده.

زمانیکه مسلمانان اراده نمایند که به خط مقدم ساینس برگردند و جایگاه رهبریت علم و تمدن که از اجداد شان برای شان به میراث رسیده اشغال کنند، پس بالای آنها لازم است که به منهج و روش درست برگردند و نگاهی به علل عقب مانده گی و عدم تعادل خود نمایند، چون اولین راه معالجه تشخیص درست مرض است و هیچگاهی دواء مؤثر تمام نمیشود تا اینکه داکتر علل و نوع مرض را درست تشخیص نماید.

بنا برین، مطالعات نشان میدهد که تشخیص امراض شهروندان در ساختار علمای امت، پیشرفت و خارج شدن از عقب ماندگی علمی تاثیر فوق العاده دارد، ازینرو برای بدست آوردن جایگاه مناسب و معقول و نقش برجسته خود در رهبری تمدن و ترقی و در استاذی دائمی بشریت باید اسباب آنرا برابر نمود؛ ضعف و نانوای مناهج زمینی و مادی گرایی را نشاندهی کرد زیرا مناهج که از زمین سرچشمه گرفته ناکامی و مفلس بودن خود را در این راستا اعلان نموده و اینکه بخاطر سعادت‌مندی بشریت کاری کرده نمی تواند یا حد اقل بخاطر کمی مشکلات آنها راه حل ندارد زیرا که منهج زمینی از منهج آسمانی تفاوت کلی دارد.

و در آن روزیکه مستحق نصرت و پشتیبانی الله متعال می گردند، نه تنها در زمینه های علمی و تمدن انسانی، بلکه در رهبری ملت ها و مردم بسوی رستگاری، موفقیت و نجات هم یاری ومدد الهی نصیب شان میگردد، اما خطری هم نهفته است در رفتار دانشمندان غیر مسلمان (سیکولارها) بسیاری از آنها نه به اخلاق ادیان، و نه به تعالیم آسمانی پایبند اند، و نه به اهداف شریفیکه برای تسخیر علم به نفع مردم می باشد، بلکه آنها با سلاح علم باعث انحراف مردم بسوی برنامه های انحرافی میشوند و برای شهرت طلبی و غلبه فرد بالای فرد و تمدن بالای تمدن دیگر و بخاطر سیطره سیاسی و سلطه اقتصادی بالای ملتهای ضعیف و اشغال کشور های شان و تحمیل ارزش ها و فرهنگ اختصاص یافته به آنها، کار می کنند، قسمیکه در گوشه های مختلف نقاط جهان اسلام ملاحظه می کنیم.

آیا می بینید، چگونه دست مسلمانان در تمام امور بند و قفل شده اگر در میدان رهبری علم و ساینس و تمدن است و یا امور دیگر، اینها باید از الله متعال و روز آخرت بترسند و باید برای تسخیر علوم کار کنند نه برای انهدام آن یکی از مهمترین و بالاترین اصول اسلام در پیوند نزدیک بین مجموعه ای از علوم و کاربردهای آن تقوا و طاعت الله متعال والتزام دقیق به حلال و حرام می باشد و بر این اساس، علم و تمدن و استفاده از آن و تمام



سرمایه گذاری در این راستا برای بهره مندی و بر آورده ساختن نیازهای انسان میباشد.

وقتی چنین باشد ، که جهان اسلام ما دارای ثروت اقتصادی و اذهان علمی باشد ، پس بر دانشمندان آن لازم است که در ساختار تمدن انسانی کوشش کنند و برای عبور از مشکلات و از بین بردن موانع و غلبه بر آن دست بکار شوند ، و برای ساخت قواعد مراکز علمی و تمدنی، که اهداف تمدنی مسلمانان را خدمت کند و جهان اسلام را از دائره تحقیر و ذلت و شکست های پی در پی خارج سازد.

در عین حال بر حکومت های اسلامی وزمامداران لازم است که بخاطر حمایت از استعداد ها دست بکار شوند و برای رشد افکار علمی ، ساینسی و تمدنی عمل نمایند و با فراهم نمودن محیط مناسب برای فعالیت های علمی آنها و با ارائه حمایت مادی و معنوی مانع فرار آنها بکشورهای غربی شوند و آنها را تشویق نمایند که در کشورهای اسلامی بمانند تا اینکه انرژی علمی خود را برای دیگران تسخیر ننمایند.

زمانی می توانیم که این همه را عملی کنیم و از مرحله ناتوانی به مرحله توانایی انتقال نماییم ، که از منهج درست استفاده کنیم ، طبق فرموده الله سبحانه و تعالی که می فرماید: "وعد الله الذین آمنوا منکم و علموا الصالحات لیستخلفنهم فی الأرض کما استخلف

الذین من قبلهم ولیمکنن لهم دینهم الذی ارتضی لهم ولیدلنهم من بعد خوفهم أمنا..<sup>۱</sup>.

ترجمه : الله به کسانی از شما که ایمان آورده اند و کار های نیک انجام داده اند وعده میدهد که آنها را در روی زمین جانشین دیگران می کند، همچنان که مردمان را که پیش از آنها بودند جانشین دیگران کرد و دینشان را که خود برای شان پسندیده است، استوار سازد و وحشت شان را به ایمنی بدل کند.

واگر در این راستا توجه شود آسایش، ترقی نصیب مسلمانان میگردد و این سنت آسمانی است هر ملتی که سعی وتلاش داشته باشد بخاطر آبادی سرزمین خود از تمدن وترقی علمی که انکشافات ساینسی مهم را با خود دارد بهره مند می شوند.

در قدم دوم : موقف شرعی ودرست این است که تکفیر کردن واستعمال نمودن الفاظ نا شایسته در مورد دانشمندان تمدن اسلامی از وظیفه علمای معاصر نیست وبخش کاری ودعوتی آنها را تشکیل نمی دهد، زیرا مطالعه ومعلومات شان در چنین موارد شاید ناقص بوده باشد ممکن است که در این مورد تقلید بعض علمای دیگری را کرده باشند..بعض مولوی صاحبان که در مدارس

<sup>۱</sup> - سوره نور: ۵۵.

دینی درس خوانده اند از مضمون تمدن اسلامی و تاریخ تمدن اسلامی آگاهی کامل ندارند.

تنها علم منطق قدیم را خوانده اند که نمی توانند بر اساس در مورد تمدن اسلامی و علمای آن قضاوت کنند، زیرا در میدان علم، ساینس و تمدن بشری علماء و دانشمندان مسلمان نقش اساسی داشتند اصلاً پیشتازی در این میدان از مسلمانان بود و دست آوردهای طبی و علمی آنها فعلاً در دانشگاههای غربی و شرقی تدریس می شود، زیرا زیر سوال بردن افتخارات و دست آوردهای دانشمندان تمدن اسلامی هیچ درد فعلی کشور عزیز ما را دوا نمی کند، نه در آوردن صلح کمک می کند و نه راه حل برای کاریابی برای جوانان بیکار شمرده می شود، و نه عقبمانده گی فکری موجود در جامعه ما منسوب به آنان می شود زیرا آنها سعی تلاش شان متوقف بر ابتکارات علمی و تمدنی بود اما مسائل دینی را به علمای شریعت واگذار نموده بودند.

در عین حال ما و شما میدانیم که الله متعال در قبر و در روز قیامت ما و شما را از عملکرهای ابن سینا، فارابی، ابن رشد سوال نمی کند بلکه از اعمال خودما پرسان میکند، بهتر است که به اعمال خود توجه کنید و بخاطر اصلاح واقع خود و جامعه خود فکر نماییم و دست بکار شویم، و جوانان را به قرآن و سنت و علم شرعی درست و صحیح نزدیک بسازیم و سوق دهیم، اما در مورد ابن سینا که فیلسوف، حکیم علم طب بوده و بخشهای از تمدن اسلامی به او

نسبت داده می شود نظریات گوناگون وجود دارد در کتب تاریخ و عقائد، امام ذهبی در کتاب ( سیر الأعلام النبلاء ) از تاریخ نویس مسلمان ابن خلکان نقل کرده که نوشته : ابن سینا در آخر عمرش توبه و غسل نموده، و همه مالش را بر فقیران صدقه کرده ، و حقوق مردم را تسلیم داده، و غلامهای خود را آزاد کرده، هر سه روز قرآن کریم را ختم میکرد تا اینکه روز جمعه در ماه رمضان وفات نمود-  
والله أعلم بحاله-.

ازینکه نظریات مختلف و متعارض وجود دارد، موقف شرعی این است که ما مکلف نیستیم که در حق آنها الفاظ نا شایسته استعمال کنیم، و اگر آنها مسلمان و با ایمان وفات نموده باشند شامل دعاهای ما و شما می شوند که برای مغفرت همه مسلمانان ( المؤمنین و المؤمنات ) همیشه دعاء میکنیم، و اگر حالت دومی را بخود داشته باشند الله متعال همه را محاسبه میکند، و ما را مؤاخذه نمی نماید که چرا در مورد آنها قضاوت نکرده ایم، بلکه محاسبه می نماید که چرا برای سربندگی اسلام کار نکردیم و بر ضد افکار منحرف معاصر مبارزه نکردیم یعنی مسؤول عصر و زمانه فعلی خود هستیم و اگر کدام موقف را در مورد شخصیتها مختلف فیها یاد می کنیم آنرا نسبت به کتابهای تاریخ و عقائد و نویسندگان آن دهیم و بزبان خود مطرح نکنیم تا اینکه اگر انساهای که به اسلام و مسلمانان از طریق علوم و فنون خدمت کرده باشند و در

ترقی و پیشرفت تمدن اسلامی سهم داشته باشند و مسلمان و مؤمن مرده باشند در غیبت و تکفیر آنها واقع نشویم.

نیز فراموش نکنیم که نقد نظریات منحرف حق مسلم علماء است و کسی مانع آن نشود، فرق بین نقد نظریات و تکفیر کردن شخصیتها است.

از مولوی صاحبان و علمای کرام توقع میرود که برای اصلاح واقع فعلی جامعه دست بکار باشند و نابسامانیهای آنرا تشخیص دهند و مردم را متوجه بسازند که دردهای فعلی جامعه را دوا شود ، اما مصیر و سرنوشت اخروی علماء و دانشمندان تمدن اسلامی را به الله متعال موکول سازند.



### هفت هیکل کتاب مآثور و مسنون نیست

یکی از دوستان چنین سوال نموده:

هفت هیکل شریف خواندنش چی ثواب دارد آیا این بهتر است، قرآن کریم را بخوانیم، بعض مردم به خواندن هفت هیکل اعتقاد زیاد دارند؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

در این شکی نیست که کتاب هفت هیكل کتاب مسنون ومأثور نیست بلکه دارای دعاهای خرافاتی وشرکی میباشد که انسان را به شرک می کشاند، دعاهای استغاثه وتوسل به مخلوفات را که ذکر نموده همه دارای شرکیات واضح است واعتقاد داشتن به آن مسلمان را از دایره موحد بودن خارج میسازد.

نگهداری، اعتقاد داشتن وخواندن کتاب هفت هیكل جواز ندارد، وبر هر مسلمان لازم است که این کتاب را بسوزاند ودر بدهد تا اینکه مورد استفاده قرار نگیرد وعقیده اسلامی مردم متدین ما را متزلزل نسازد، زیرا اشخاص منحرف وگمراه از نادانی وجهالت جامعه استفاده نموده این چنین خرافات وشرکیات را بنام دعاها جا زده اند ونشر کردند.

هفت هیكل که مشمول خرافات وشرکیات وبدعات میباشد به هیچ صورت با قرآن کریم برابر نمی شود، ومقارنه کردن آن ناشی از نادانی، جهالت وبرداشتهای نادرست است زیرا:

تلاوت، خواندن وشنیدن قرآن کریم مستحب است ومسلمان در این عبادت شامل اجر وثواب می شود.

بعض علماء شنیدن وگوش دادن به تلاوت قرآن کریم را واجب دانسته اند لیکن به درجه فرضیت ووجوب نماز وروزه نمی رسد.

مسلمان باید قرآن کریم را بشکل دائم تلاوت، و تدبر نماید و بخش از وقت خود را برای تلاوت قرآن کریم و آموختن تجوید و فهم تفسیر آن تخصیص دهد، الله متعال امر نموده رسول الله صلی الله علیه وسلم را بخواندن و تلاوت قرآن کریم که در حقیقت امر برای امت او هم است، و فرموده است: " اَتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ " <sup>۱</sup> تلاوت کن قرآن و کتاب برورگارت را که توسط وحی بالایت نازل شده.

رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح فرموده است: " اقرءوا القرآن، فإنه يأتي شفیعا لأصحابه يوم القيامة " <sup>۲</sup>.

قرآن را بخوانید و تلاوت کنید که در روز قیامت برای شما شفاعت کنان میاید.

رسول الله صلی الله علیه نزد الله متعال از کسانی شکایت می کند که قرآن کریم را ترک کردند، نه تلاوت میکنند و نی هم گوش میدهند و نی هم به احکام و اوامر آن عمل می کنند و از نواهی آن اجتناب نمی کنند و قرآن کریم را دستور العمل زندگی خود قرار

<sup>۱</sup> - سورة العنكبوت، الآية: ۴۵.

<sup>۲</sup> - أخرجه مسلم في صحيحه، كتاب صلاة المسافرين وقصرها، باب فضل قراءة القرآن، وسورة البقرة، رقم الحديث: (۸۰۴)، (ج ۱، ص ۵۵۳).

نمی دهند: "يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا"<sup>۱</sup> ای برورگام قوم من این قرآن را هجر و ترک کردند.

از صفات مشرکین و غیر مسلمانان دشمنی با قرآن کریم است که میگویند به قرآن گوش ندهید و هر آنچه که در این قرآن است آنرا لغو و بیهوده بشمارید: " وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَالْغَوْا فِيهِ"<sup>۲</sup>.

ایمان نیاوردن به قرآن کریم، تلاوت نکردن، تدبیر نمودن و به احکام آن عمل نکردن، همه هجران و ترک کردن قرآن کریم است.

مسلمان که قرآن کریم را تلاوت نمی کند، به آن گوش نمی دهد، به تدبیر و فهم و تفسیر و تجوید آن اهتمام ندارد و آنرا دستور العمل در زندگی خود قرار نمی دهد فوراً نفس خود را مراجعه کند که به مرحله خطرناکی رسیده.

در عین حال فراموش نکنیم که بهترین مسلمانان کسانی هستند که قرآن کریم را می آموزند و به دیگران تعلیم می دهند

۱ - سورة الفرقان، الآية: ۳۰.

۲ - سورة فصلت، الآية: ۲۶.



رسول الله صلى الله عليه وسلم در حدیث صحیح فرموده است:  
"خیرکم من تعلم القرآن وعلمه"<sup>۱</sup>.

و حالا که وسائیل تکنالوجی جدید علم را آسان ساخته  
وسهولتهای وجود دارد که قرآن کریم از موبایلها هم تلاوت می  
شود و نیز تلاوت و قراءات قاری های مشهور جهان اسلام در انترنت  
میسر است و شنیدن آن هر لحظه ممکن است باید مجالس  
مسلمان از تلاوت و شنیدن قرآن کریم خالی نباشد در بخش از  
شب و روز آناء اللیل و أثناء النهار.



---

۱ - أخرجه البخاري في صحيحه، كتاب فضائل القرآن، باب: خیرکم من تعلم القرآن وعلمه، رقم  
الحديث: (۵۰۲۷)، (ج ۶، ص ۱۹۲).

## بیان حکمت الهی در اینکه از جمله زنان چرا پیامبران انتخاب نشده

یکی از خواهران هموطن ما سوال نموده :

یک سوال داشتم کسی سوال کرد از من که زن چرا پیامبر نشده لطف کنید یک جواب عقلی و نقلی برایم روان کنید؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

مسلمان باید شک نکند در هر کاری که الله متعال فیصله کرده حکمتهای نهفته است و او تعالی از اسماء و صفاتش (الحکیم) و (الحکمة) است، واز فیصله های با حکمتش همانا این است که پیامبران را از جمله مردان انتخاب نموده و فرموده است که، "وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ إِلَّا رِجَالًا نُوْحِي إِلَيْهِمْ"<sup>۱</sup>.

وپیامبران ورسولان را نفرستادیم پیش از تو مگر از مردهای که برای شان وحی نازل نمودیم.

واز جمله ازین حکمتها :

۱- رسالت پیامبری مقتضایش این است که دعوت را علنی و جهرا اعلان کند وبا مردم روبرو همصحبت شود ودر زمین گردش وحرکت داشته باشد ودلائل حقانیت این رسالت را به آنها تقدیم

<sup>۱</sup> - سورة النحل، الآية: ۴۳.

کند و هنگام ضرورت با آنها مقابله کند و حتی وارد جنگ هم شود که این همه را تنها مردان می توانند که با حوصله مندی انجام دهند و زنان که عاطفی هستند و کمتر صبر دارند درین موارد و طبیعت جسمی و قوت عقلی شان تحمل این همه سختیها را شاید نداشته باشد.

۲- نبوت و رسالت مسئولیت رسیدگی به مشکلات و قضاوت را دارد که باید اتباع خود را امر و نهی کند و اگر زن انتخاب می شد شاید این وظیفه را به آسانی انجام داده نمی توانست.

۳- درین شکی نیست که در کارهای کلان و وظائف سنگین و سخت مردان بیشتر تحمل و صبر دارند و به وجه احسن انجام داده می توانند و مسئولیت پذیر هستند که الله متعال فرموده است: "الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ"<sup>۱</sup> مردها قیومیت دارند بر زنان.

۴- زنانی که وظیفه ولادت، حمل را دارند نیز دردهای را متحمل می شوند در حالت حیض و نفاس و درین روزها حالت جسمی شان تغییر میکند که نمی توانند با این همه دردها و مسئولیتها بار رسالت را نیز حمل کنند و پیش ببرند.

خلاصه اینکه خانمان جایگاه خود را دارند در ادیان سماوی خصوصا در دین مبین اسلام لیکن حکمتهای الله متعال حالت

<sup>۱</sup> - سورة النساء، الآية: ۳۴.

نفسی و جسمی شان را در نظر گرفته و آنها را مورد احترام مردم قرار داده و وظائفی را برای شان نسپرده که تحمل کرده نتوانند.



د الهی حکمت بیان، په دې هکله چې د بنځو له جملې څخه  
ولې څوک پېغمبر نه دي ټاکل شوي؟

زموږ یوې هېوادوالې خور داسې پوښتنه کړې ده :

یوه پوښتنه مې درلوده یو چاله ما څخه پوښتنه وکړله چې بنځه ولې نده پېغمبره شوې، مهرباني وکړئ عقلي او نقلی ځواب راته را واستوئ؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

مسلمان باید په دې کې شک ونکړي چې هر کار چې الله تعالی فیصله کړی وي په هغه کې حکمتونه پټ دي او د هغه تعالی له نومونو او صفاتو څخه "الحکیم" او "الحکمة" دي. او د حکمت له فیصلو څخه یې دا هم ده چې پېغمبران یې د نارینه و له جملې څخه ګرځولي دي او فرمایلي یې دي چې: "وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ إِلَّا رِجَالًا نُّوحِي إِلَيْهِمْ".<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> - سورة النحل، الآية: ۴۳.

او مور نه دي لېبرلي پېغمبران او رسولان مخکې له تانه مگر سړي چې وحي مو ورته کړي ده..

د دې حکمتونو له جملې څخه ځينې يې دادي :

۱- د پېغمبرۍ د رسالت غوښتنه دا ده چې بلنه خلکو ته علني او ښکاره اعلان کړي، خلکو سره مخامخ خبرې وشي، پر ځمکه گرځېدل او حرکت ولري، ددې رسالت د حقانيت دلائل ورته وړاندې شي او د اړتيا پر وخت د هغوی سره مقابله وکړي او حتی د جگړې ډگر ته هم داخل شي چې دا ټول کارونه يوازې سړي کولای شي په حوصله مندی سره ترسره کړي او ښځې چې عاطفي دي او کم صبر لري، جسمي طبيعت او عقلي قوت يې کېدای شي چې ددې سختيو زغم ونه لري.

۲- نبوت او رسالت د مشکلاتو او قضاوت ته د رسیده گۍ مسئوليت لري چې بايد خپلو اتباعو ته امر او نهی وکړي، او که ښځه ټاکل شوې وای دا دنده يې په آسانی سرته نشوه رسولای.

۳- په دې کې شک نشته چې د لویو کارونو، درنو او سختو دندو په ښه توگه سرته رسولو لپاره سړي زيات صبر او تحمل لري او مسئوليت منونکي دي چې

الله تعالى فرمايلي دي: "الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ"<sup>۱</sup>  
سري پر بنحو قيوमित لري.

۴- بنحی چي د ولادت او حمل دندې لري هم دردونه زغمي، د حیض او نفاس په ورځو کې يې هم جسمي حالت تغیر کوي چي نشي کولای له دې دردونو او مسئولیتونو سره د رسالت دنده هم مخکې یوسي.

لنډه دا چي مېرمنې په اسماني اديانو په ځانگړي ډول د اسلام په مبین دین کې خپل ځای لري مگر د الله تعالی حکمتونو د هغوی نفسي او جسمي حالت په نظر کې نیولی، هغوی يې د درناوي وړ گرځولي او هغه دندې يې ورته نه دي سپارلي چي وړلای يې نشي.



### خضر عليه السلام پیامبر بوده است

یکی از دوستان سوال نموده:

استاد محترم آیا خضر عليه السلام پیامبر بوده یا خیر؟

<sup>۱</sup> - سورة النساء، الآية: ۳۴.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

این مسأله مختلف فیها است در بین علماء بعض علماء میگویند تنها یک بنده صالح بوده و بعض دیگری به این نظر هستند که پیامبر بوده یعنی نبی بوده نه رسول، زیرا رسول به دین جدید دعوت میدهد و نبی برایش وحی میاید که دیانت سابقه را شرح و تفسیر کند، لیکن احتمال راجح این است که پیامبر بوده زیرا کارهای را که انجام داده از جمله سوراخ کردن کشتی که برای مسکینان در بحر کار میکرد، و ساختن دیوار برای دو یتیم بدون اجوره در قریه که برای شان طعام نمی داد و وقتی که مورد قبول موسی علیه السلام قبول نگرفت برایش سبب را بیان کرد که: "وَمَا فَعَلْتُهُ عَنْ أَمْرِي ذَلِكَ تَأْوِيلُ مَا لَمْ تَسْطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا"<sup>۱</sup> این همه را از نزد خود نکردم و این است تفسیر امور که سوال میکردی و صبر کرده نمی توانستی، به این معنی که برایش وحی شده و وحی تنها بر پیامبران نازل می شود.

### خضر علیه السلام پیامبر بوده و وفات نموده:

خضر علیه السلام وفات نموده قبل از ولادت رسول الله صلی الله علیه وسلم قرنهای بلکه قبل از نبوت عیسی علیه السلام، زیرا در وجود رسول الله صلی الله علیه وسلم هیچ پیامبری نمی توانست باشد، رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح فرموده

<sup>۱</sup> - سورة الكهف، الآية: ۱۸۲.

است: "أنا أولى الناس بابن مريم والأنبياء أولاد علات وليس بيني وبينه نبي" <sup>۱</sup> من نزدیکترین مردم به عیسی بن مریم علیه السلام هستم و در بین من و او پیامبری نیست، به این معنی که خضر علیه السلام در آن وقت وفات شده بود.

اگر زنده میبود پیامبر نمی بود بنده صالح میبود حتما با رسول الله صلی الله علیه وسلم در تماس می شد و ممکن نیست که بنده صالح زنده باشد و نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم نمی رفت.

و در حدیث صحیح دیگری فرموده است: "أرايتكم ليلتكم هذه فإن على رأس مائة سنة منها لا يبقى ممن هو على ظهر الأرض أحد" <sup>۲</sup>.

آیا می بینید درین شب کسانی که صد سال را تکمیل کرده باشند در زمین باقی نمانند یعنی می میرند و وفات میکنند، اگر در آن وقت میبود وفات میکرد و بعد از صد سال امکان زنده ماندنش نبود.

و هر آنچه گفته می شود که زنده است همه نظریات خرافاتی و گمراه کن است حقیقت و اساس شرعی ندارد.

۱ - أخرجه البخاري في صحيحه، شماره حدیث: (۳۴۴۲)، ج ۴، ص ۱۶۴.

۲ - أخرجه البخاري في صحيحه، شماره حدیث: (۱۱۶)، ج ۱، ص ۳۴.



## ذو القرنين پیامبر بوده است

یکی از علاقمندان مسائل دینی سوال نموده:

آیا ذو القرنين پیامبر بود؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

راجح این است که ذو القرنين پیامبر بوده زیرا کارهایش را به شیوه پیامبران انجام میداد و مطابق اوامر او تعالی از آسمان روش را اختیار کرده بود که دلالت به پیامبر بودنش میکند، الله متعال فرموده است: "وَيَسْأَلُونَكَ عَنْ ذِي الْقَرْنَيْنِ قُلْ سَأَتْلُو عَلَيْكُمْ مِنْهُ ذِكْرًا إِنَّا مَكَّنَّا لَهُ فِي الْأَرْضِ وَآتَيْنَاهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا"<sup>۱</sup>.

و شما را از ذوالقرنین سوال میکنند برای شان بگو من برای تان بیان میکنم که ما - یعنی او تعالی - ذوالقرنین را در روی زمین صلاحیت زندگی را دادیم و اسباب انجام کارهای را که برایش موکول شده بود برابر ساختیم، و این شیوه و روش بوده که پیامبران به انجام آن مأمور میشدند و سیاق همین آیات نیز دلالت بر این دارد.



<sup>۱</sup> - سورة الكهف، الآية: ۸۳-۸۴.

## نامه سرگشاده به آنانیکه بدون ضوابط شرعی تکفیر میکنند

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله أما بعد:

مسلمان شرعا مکلف است که در تکفیر کردن اشخاص و یا گروه ها جدا محتاط باشد، زیرا تکفیر کردن از خود شرائط وقواعد وضوابط دارد، و نمی توان اشخاص را بخاطر نظریات وافکار ونوشته های منحرف شان تکفیر کرد، زیرا می شود واحتمال دارد اشتباهها نوشته باشد و یا به آن معتقد بوده وبعدا در افکار ونظریات خود را مراجعه کرده وبه اشتباه خود پی برده ودرین حالت شریعت بزبان رسول الله صلی الله علیه وسلم گفته که " إنما الأعمال بالخواتم" <sup>۱</sup> انسان از روی آخرین اعمالش محاسبه می شود، واز گناهان سابقه خود که توبه کرده باشد معاف است.. وبالفرض اگر این چنین نشده باشد بازهم نمی توان آنها را من حیث اشخاص تکفیر کرد... اما در نقد و رد نظریات منحرفین باید سعی وتلاش نمود وافکار ومفاهیم نادرست را باید تصحیح ونشاندهی کرد ومردم را تحذیر نمود.

در صورتیکه بسیاری از حقائق را درباره شان نمی دانیم باید احتیاط کنیم وفورا مهر تکفیر را بالای شان نمانیم واز تکفیر منحیث یک حربه بد ضد مخالفین خود استفاده نکنیم.

<sup>۱</sup> - أخرجه البخاري في صحيحه، شماره حدیث: (۶۴۹۳)، ج ۸، ص ۱۰۳.

وهمچنان متوجه باشیم که تکفیر کردن کار ساده نیست بلکه وظیفه خطرناک است حتی اشخاص و افراد تکفیری اکثرا انسانهای هستند عقده مند، ودچار به امراض نفسی گوناگون ، و تکفیر نمودن در نزد شان به اندازه نوشیدن یک گیلای آب هم اهمیت ندارد و در صورت اختلاف نظر فوراً ازین حربه وسلاح در مقابل مخالف خود کار میگیرند..

وکسانیکه به نادانی و جهالت مرتکب اعمال می شود که موجب کفر و شرک است باید اولاً آنها فهمانده شوند و بالای شان اقامه حجت گردد و فوراً حکم کفر را بالای شان نکنیم بلکه برای شان گفته شود که اعمال را که مرتکب می شوند شرک و کفر است وانسان را در صورت اصرار کردن به شرک و یا کفر سوق میدهد.

رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح به روایت امام بخاری فرموده است: " إذا قال الرجل لأخيه یا کافر فقد بآء بها أحدهما"<sup>۱</sup> اگر کسی برادر مسلمان خود را کافر خطاب کند او کافر نباشد یکی از این دو کافر می شود به این معنی که تکفیر کننده خودش کافر می شود..

<sup>۱</sup> - صحیح البخاری، کتاب الأدب، باب من کفر أخاه بغير تأویل فهو کما قال، شماره حدیث: (۶۱۰۳)، (ج ۸، ص ۲۶).

تکفیریها و یا کسانی اقل افکار و نظریات تکفیری دارند باید بدانند در تکفیر کردن این نتایج مرتب می شود:

۱ - جدا شدن زن کسی تکفیر شده زیرا به زن مسلمان جواز ندارد که با شوهر کافر زندگی کند و نکاحش فوراً فسخ می شود.

۲ - اولاد شخص تکفیر شده باید به اداره پدر غیر مسلمان نباشند.

۳ - در داخل قریه و شهر خود من حیث مسلمان باید معامله نشود.

۴ - باید محاکمه قضائی شود تا اینکه بالایش اقامه حجت شود یا اینکه توبه کند و یا محکوم شود.

۵ - در صورت وفات کردن غسل داده نشود، تکفین نشود، و در قبرستانی مسلمانها دفن نگردد، و از میراث محروم شود.

۶ - برای ابد در آتش دوزخ میسوزد و از رحمت الله متعال طرد میشود.

حالا تکفیریها و هواداران شان باید بدانند در صورتیکه مسلمان را تکفیر کنند و مسلمان کافر نباشد حرف شان خود شان را به به کفر سوق میدهد و این همه موارد بالای خود شان تطبیق میگردد.. و در الفاظ و حرفهای شان جدا محتاط باشند: "مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا

لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ<sup>۱</sup> هر آنچه را که آنها می گویند و می نویسند در نامه اعمال شان نوشته می گردد.



### کتاب دلائل الخیرات شوارق الأنوار کتاب معتمد نیست

یکی از هموطنان سوال نموده:

در مورد کتاب دلائل الخیرات برایم معلومات دهید زیرا من با یک نفر بحث داشتم که او از اهل تصوف بوده به این عقیده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم اول و آخرین انبیاء است و مصدر و مرجع سخن خود را برایم کتاب دلائل الخیرات را معرفی کرد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله وبعد:

کتاب دلائل الخیرات و شوارق الأنوار فی ذکر الصلاة علی النبی المختار از الجزولی، این کتاب محتوایش در تناقض و تضاد با شریعت است و دارای عبارات و جمل شرکی و احادیث موضوعه بوده، و یک کتاب گمراه کن به شمار می رود حتی مطالعه کردنش جواز ندارد مگر برای کسی که می خواهد نقد ورد نوشته کند و مردم را آگاه سازد، و در این کتاب در حق رسول الله صلی الله علیه وسلم غلو کرده، و بعوض این کتاب یک کتاب خوب و مهم وجود دارد

<sup>۱</sup> - سوره ق: ۱۸.

بنام: "جلاء الأفهام في الصلاة والسلام على خير الأنام از ابن قيم الجوزیه".



### حکم کسی که به حجاب اسلامی استهزاء می کند

یکی از علاقمندان مسائل شرعی از وزارت امور زنان سوال نموده :

من حجاب دارم وبخاطر پوشیدن حجاب وروی بند چند تن از همکاران مرا مورد تمسخر واستهزاء قرار میدهند وبالايم خنده میکنند تا اینکه مجبور شوم حجاب را ترک کنم لطفا حکم تمسخر کردن به حجاب اسلامی را بیان کنید که برای شان برسانم از طرف شما؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

حجاب نشانه عفت وتقوای وپاکیزگی خواهران مسلمان است واز آسمان فرض گردانیده شده، ودر زندگی زنان مسلمان اهمیت حیاتی دارد وپوشیدن آن عبادت الله متعال شمرده می شود که سبب داخل شدن در بهشت برین وجنات الفردوس می شود، نیز این حجاب مانع مفسد وانحطاط اخلاقی در جامعه میباشد واز عادات اصیل مردم متدین افغانستان است.

و کسی که به خواهران هموطن بخاطر تمسک و پابندی به حجاب اسلامی تمسخر و استهزاء میکند کافر شمرده میشود.

این تمسخر کنندگان در روز قیامت عذاب می شوند و در آتش دوزخ میسوزند، الله متعال حال اینها را در قرآن کریم چنین بیان میکند: "ولئن سألتهم ليقولن إنما كنا نخوض ونلعب قل أبالله وآياته ورسوله كنتم تستهزئون ، لا تعتذروا قد كفرتم بعد إيمانكم إن نعف عن طائفة منكم نعذب طائفة بأنهم كانوا مجرمين"<sup>۱</sup>.

هنگامیکه از اینها در روز قیامت سوال میشود که چرا به احکام دین مبین اسلام و فرائض آسمانی تمسخر میکردین جواب شان این است که شوخی میکردیم در جواب شان گفته میشود آیا به الله متعال و به آیتهای او و احکام دین او و پیغمبر او تمسخر میکردید، عذر خواهید هر آئینه شما کافر شدید بعد از ایمان خود اگر در گذریم از سر گروهی از شما البته عذاب کنیم گروهی را بسبب آنکه ایشان گناهکار بودند پس قرآن استهزای او را به مؤمنین استهزاء به خداوند و آیتهای او و به رسول او شمرده است.



<sup>۱</sup> - سورة التوبة، الآية: ۶۵-۶۶.

## اولین پیامبر و آخرین

یکی از دوستان سوال نموده :

محمد صلی الله علیه وسلم اولین و آخرین پیامبر است آخرین ( به این معنی که بعد از آن پیامبری دیگری نمی آید).

اما اینکه اول است این چطور تحلیل و جواب داده میتوانیم؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

در نصوص صحیح ثابت است که آدم علیه السلام اولین پیامبران است و رسول الله صلی الله علیه وسلم آخرین آنها است.. و رسول الله صلی الله علیه وسلم اولین پیامبران نیست و حدیث را که در این مورد نقل میکنند ضعیف است و توجیه شرعی ندارد "ولكن رسول الله وخاتم النبيين" رسول الله و آخرین پیامبران است.

ابن حبان در کتاب صحیح خود حدیثی را روایت کرده، " قلت يا نبي الله، فأبي الأنبياء كان أول؟ قال: «آدم» . قال: قلت يا نبي الله:



أو نبي كان آدم قال: " نعم. نبي مكلم"<sup>۱</sup>، رسول الله صلى الله عليه وسلم در مورد آدم علیه السلام سوال شده که آیا او پیامبر است؟ فرمود بلی او پیامبر است که برایش وحی نازل شده. البته آدم علیه السلام نبی بوده نه رسول و اولین رسولان نوح علیه السلام بوده، در حدیث شفاعت آمده که مردم به طرف نوح علیه السلام میروند و میگویند: شما اولین رسولان هستید که الله متعال شما را به زمین فرستاده است.



### ولی و دوست خداوند چه کسی است؟

یکی از علاقمندان مسائل دینی سوال نموده:

آیا کسی که ولی و دوست خداوند باشد باید لباس و قیافه خاص داشته باشد و شامل یکی از طریقه‌های تصوف باشد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

مؤمن پرهیزگار و صالح دوست الله متعال است ولو که دکاندار و دست فروش باشد و یا داکتر طب و یا معلم مکتب و یا خانمی که

<sup>۱</sup> - مسند أحمد، تامة مسند الأنصار، حدیث أبي أمارة الباهلي الصدي بن عجلان بن عمرو ويقال: ابن وهب الباهلي، عن النبي صلى الله عليه وسلم، شماره حدیث: (۲۲۲۸۸)، (ج ۳۶، ص ۶۱۸).

در خانه خود مصروف تربیه اطفال و آشپزی خانواده خود است و یا چو پانی که مصروف رمه چرانی در دامنه های کوه میباشد و یا منسوبین اردو و پولیس و امنیت ملی و یا کار مندان گمرکها در بنادر کشور.. مهم این است که مسلمان با تقوا بوده باشد و ایمان به الله و متعال و روز آخرت داشته باشد، قیافه صوفیانه و در خانقاه بودن از نشانه های اولیاء الله نیست بلکه تعویذ نویسندگان، جادوگران، فالبینان، کفشناسان، مجاورین و متولیان زیارتگاهها همه دشمنان الله متعال شمرده می شوند زیرا که در شرک، بدعت و خرافات آغشته هستند، تنها معیار دوستی با الله متعال و ولی بودن در تقوا، ایمان داری و موحد بودن است، چنانکه او تعالی در قرآن کریم این معیار را تعیین نموده است: "أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ، الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ"<sup>۱</sup>.

آگاه باشید که دوستان و اولیای او تعالی هرگز نمی ترسند و اندوهی در دل آنها نیست، و آنان مسلمانان و مؤمنان با تقوا و پرهیزگار و صالح هستند.

رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح فرموده است: "إنما ولي الله وصالح المؤمنین"<sup>۲</sup>.

<sup>۱</sup> - سورة یونس، الآیة: ۶۳.

<sup>۲</sup> - أخرجه مسلم فی سننه، کتاب الإیمان، باب موالاة المؤمنین ومقاطعة غیرهم والبراءة منهم، رقم الحدیث: (۲۱۵)، (ج ۱، ص ۱۹۷).

در حقیقت ولی و دوست الله متعال مؤمنانی هستند که صالح و نیکو کارند.



### عقیده آفریده شدن پیامبر صلی الله علیه وسلم از نور

یکی از علاقمندان مسائل دینی سوال نموده :

آیا این عقیده درست است که پیامبر اسلام محمد صلی الله علیه وسلم از نور آفریده شده، زیرا بعض از مردم به همین باور هستند؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

این عقیده و باور درست نیست بلکه یک برداشت خرافاتی است که پیامبر اسلام محمد صلی الله علیه وسلم از نور آفریده شده، بلکه الله متعال رسول الله صلی الله علیه وسلم را از نطقه خلق نموده است، و در قرآن کریم فرموده است: "هو الذي خلقكم من تراب ثم من نطفة"<sup>۱</sup>.

او تعالی پروردگاریست که شما را از خاک بیافرید و سپس از قطره آب نطفه خلق نمود.

<sup>۱</sup> - سورة غافر، الآية: ۶۷.

همین مطلب را رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح تأکید میکند: "إن أحدكم يجمع خلقه في بطن أمه أربعين يوماً ، ثم يكون علقه" <sup>۱</sup>.

در حقیقت خلقت یکی از شما در شکم مادرش چنین انجام می گیرد چهل روز بعد از آن بسته خون می گردد.



### مسلمانان و مؤمنین همه شان اولیای الرحمن اند هر کس به اندازه ایمانش

یکی از دوستان سوال نموده:

آیا حقیقت دارد که ولی و اولیای صوفیها می تواند کار های خارق العاده بکنند، ما حیران استیم از دست ازینها که از کجا آوردند ولی بودن را، بعض شان حتی نماز هم نمی خوانند و دعوی ولی بودن را دارند؟

<sup>۱</sup> - أخرجه البخاري في صحيحه، شماره حدیث: (۳۲۰۸)، ج ۴ ص ۱۱.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

هر مؤمن و مسلمان ولی خداوند است، شرط ولی بودن ایمان و تقوا و عمل کردن به سنت است، مسلمانان و مؤمنین همه شان اولیای الرحمن اند هر کس به اندازه ایمانش.

اولیای دروغین و مجاورین زیارتگاهها آنها در حقیقت اولیاء خداوند نیستند اکثرا متلبس به بدعت و شرکیات هستند.

الله متعال در قرآن کریم فرموده است که: "أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ، الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ"<sup>۱</sup> آگاه باشید ای مؤمنان که اولیای خداوند کسانی هستند که نمی ترسند بغیر از خداوند و نه غمگین می شوند و آنها از صفات شان ایمان راستین به خداوند و تقوا پرهیزگاری است، عمل کردن به سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم و اخلاص به خداوند متعال و نافرمانی نکردن و دوری از کار های حرام و شرک نیاوردن است.

اما اینکه به شکل مروج بعض مردم دعوی ولی بودن را میکنند و لباس خاص به تن میداشته باشند و مال مردم را به ناحق می خورند و خود را ولی مینامند در حقیقت اینها دوکانداران بنام دین هستند، و بعض شان که در زیارتها بحیث مجاورین کار می کنند اکثریت شان در شرک واقع می شوند -نعوذ بالله من ذلك-

<sup>۱</sup> - سورة یونس، الآيات: ۶۲-۶۳.

کرامات اولیاء و صالحین حق است، البته هر کار خارق عادت کرامت شده نمی تواند بلکه چنین کارها اگر از کسی سر میزند استدراج است و از اعمال و تأثیرات شیطانها میباشد زیرا انسانهای آلوده به شرک همراهان شیطان دارند.

و در ظاهر شدن چنین اعمال خارق عادت معیار و محک قرآن کریم و سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم است اگر کارهای خارق عادت از شخص مؤمن و صالح سر میزند و مطابق هدایات و دستاویز اسلام باشند کرامت شمرده می شود، در غیر آن شعبده بازیهای است که شیطانها به پیروان خود القاء میکنند.



### حکم مریض روانی که دین را دشنام دهد

یکی از دوستان دانشمند و محترم سوال نمودند که یک برادر که از فامیل و خانواده علم و علماء میباشد و درین اواخر به مرض روانی شدید مبتلا شده حتی که مصلحت جسمی خود را نمی داند و عبادات خود را ادا کرده نمی تواند و دانشگاه را ترک کرده و در حالت مرض شدید از دهنش الفاظ و کلمات نادرست و نازیبا در حق خودش و مردم و حتی در حق دین بر آمده و تلفظ کرده و حالا بعض مردم این موضوع را کلان نموده و او را بجای تداوی مورد آزار و اذیت قرار میدهند شریعت چی حکم می کند؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

مسلمان که در حالت مرض روانی و روحی و نفسی در حق خودش و یا در حق دیگران الفاظ و کلمات زشت و نادرست را تلفظ کند مواخذه نمی شود.

زیرا درین حالت کنترل اعصاب و فکر و عقل خود را از دست داده و هر آنچه که تلفظ کرده بدون اراده حقیقی اش بوده و باید کسانی که در ماحولش قرار دارند بخاطر تداوی اش سعی و تلاش کنند نه اینکه او را مؤاخذه کنند، در دین مبین اسلام انسانهای مریض روانی احکام خاص خود را دارند حتی طلاق شان واقع نمی شود در صورت که درجه مرض شان پیشرفته باشد.

و در حالت مرض روانی شدید که حتی مصلحت خود را نمی داند و عبادات خود را ادا کرده نمی تواند و عقل و فکرش تحت اراده و کنترلش نیست و وسوسه و مرض روانی بالایش غالب شده درین صورت حتی اگر الفاظ و کلمات کفری را تلفظ کند بالایش حساب نمی شود و باید تداوی شود و مورد آزار و اذیت قرار نگیرد.



## روش و تعامل شریعت با شاعرانی که دواوین شان مشکلات عقیده ای دارند

یک خواهر محترمه سوال نموده :

امروز اشخاصیکه ادعای کافر بودن مولانا را می کند امروز مولانا زنده نیست شاید او ایمان برده باشد و مسلمان از دنیا رفته باشد آیا این درست است؟

مسلمان در قسمت تکفیر اشخاص و یا گروهها جدا محتاط باشد، زیرا تکفیر کردن از خود شرائط وقواعد وضوابط دارد، و نمی توان اشخاص را بخاطر نظریات وافکار ونوشته های منحرف شان تکفیر کرد، زیرا می شود واحتمال دارد اشتباهها نوشته و به آن معتقد بوده وبعدا در آخر عمرش افکار ونظریات خود را مراجعه کرده و به اشتباه خود پی برده ودرین حالت شریعت گفته که " إنما الأعمال بالخواتیم"<sup>۱</sup> انسان از روی آخرین اعمال خود محاسبه می شود، واز گناهان سابقه خود که توبه کرده باشد معاف است، وبالفرض اگر این چنین نشده باشد بازهم نمی توان آنها را من حیث اشخاص تکفیر کرد، اما در نقد ورد نظریات منحرف باید سعی وتلاش کنیم وافکار ومفاهیم نادرست را باید تصحیح ونشاندهی کنیم، جا دارد اشاره کنم که بعض شعراء وادیبان با وجود ادبیات خوانا وشیرین وزیبا ودروس اخلاق وادب ومحاسن

۱ - أخرجه البخاري في صحيحه، شماره حدیث: (۶۴۹۳)، ج۸، ص ۱۰۳.



اخلاق در نوشته های شان انحرافات عقیدوی، فکری دارند که از طوائف منحرف زمانه شان متأثر شده و این انحرافات را در کتابها و دواوین شعری شان گنجانیده، باید خوبی شان را خوب بگوئیم و نظریات منحرف شان را نشاندهی کنیم، لیکن چون آنها در زمانه مانبوده و معلومات ما در باره زندگی آنان کافی نیست و باید وظیفه ما منحصر به رد و نقد باشد، و به آنها در چوکات شعر و ادب نگاه کنیم و آنها را علماء و عظماء و فاتحین اسلام هم ندانیم.

فقط در بخش ادبیات از کتابها و دواوین شعری آنها محتاطانه استفاده کنیم، و در غلو و افراط و تفریط واقع نشویم و این کتابهای شعری را مثل صوفی های منحرف و غرق در انحرافات درجه صحیح بخاری و مسلم و کتابهای حدیث و تفسیر و فقه ندهیم، در این کتابها خصوصا مثنوی معنوی از جلال الدین بلخی انحرافات عقیدوی به شکل واضح وجود دارد.

و در صورتی که بسیاری از حقائق را در باره شان نمی دانیم باید احتیاط کنیم و آن هم اینکه آنها مرده اند و اگر آنها از دنیا با نظریات خوب رفته باشند باید بدانیم که شریعت ما را از آزار و اذیت و دشنام دادن مردگان منع کرده، و در حدیث بخاری عائشۀ رضی الله عنها فرمودند: "قال النبي صلى الله عليه وسلم لا تسبوا

الأموات فإنهم قد أفضوا إلى ما قدموا<sup>۱</sup> مردگان را دشنام ندهید که آنها به جایگاه شان رفتند.

نیز متوجه باشیم که تکفیر کردن کار ساده نیست بلکه وظیفه خطرناک است حتی اشخاص و افراد تکفیری اکثرا انسانهای هستند عقده مند، ودچار به امراض نفسی گوناگون و تکفیر نمودن در نزد شان به اندازه نوشیدن یک گیلان آب هم اهمیت ندارد و در صورت اختلاف نظر فوراً ازین حربه وسلاح در مقابل مخالف خود کار میگیرند.



### ابراز نظر شرعی در مورد کتاب ( مثنوی معنوی )

یکی از علاقمندان شعر وادب از شهر کابل سوال نموده :

جناب استاد خدا کند جور وصحت مند باشید بعدا درباره کتاب مثنوی معنوی مولانا دیدگاه علماء را بیان کنید آیا این کتاب افسانه گویی است و یا خیر؟

<sup>۱</sup> - أخرجه البخاري في صحيحه، شماره حدیث: (۶۵۱۶)، ج ۸، ص ۱۰۷.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

کتاب ( مثنوی معنوی ) کتابی نیست که از منابع دینی و شرعی مثل کتابهای تفسیر، حدیث و فقه شمرده شود، مطالعه این کتاب کدام ثواب و فضیلت ندارد، یک کتاب شعر و ادب است که مؤلف آن از نظریات و فلسفه زمانه خود متأثر شده و خوب و بد را یکجا نموده اگر از زاویه ادبیات ببینیم زیباست لیکن در عین حال شکی نیست که این کتاب ملاحظات شرعی فراوان دارد که معتقد بودن به آن انسان را -نعوذ بالله- به شرک میکشاند، نظریات وحدت الوجود و در حرام واقع شدن به شکل واضح و غیر قابل توجیه وجود دارد.

لیکن قضاوت کردن در مورد مؤلف آن و نقد ورد کردن نظریات و افکار شاعران و ادیبان بمعنای تکفیر کردن آنها نیست، إنما الأعمال بالخواتیم.

مسلمان در قسمت تکفیر اشخاص و یا گروهها جدا محتاط باشد، زیرا تکفیر کردن از خود شرائط و قواعد و ضوابط دارد، و نمی توان اشخاص را بخاطر نظریات و افکار و نوشته های منحرف شان تکفیر کرد، زیرا می شود احتمال دارد اشتباهها نوشته و به آن معتقد بوده و بعدا در آخر عمرش افکار و نظریات خود را مراجعه کرد و به اشتباه خود پی برده و درین حالت شریعت گفته که " إنما

الأعمال بالخواتيم"<sup>۱</sup> انسان از روی آخرین اعمال خود محاسبه می شود، واز گناهان سابقه خود که توبه کرده باشد معاف است، وبالفرض اگر این چنین نشده باشد بازهم نمی توان آنها را من حیث اشخاص تکفیر کرد، اما در نقد ورد نظریات منحرف باید سعی وتلاش کنیم وافکار ومفاهیم نادرست را باید تصحیح ونشاندهی کنیم، وجا دارد اشاره کنم که بعض شعراء وادیبان با وجود ادبیات خوانا وشیرین وزیبا ووجود دروس اخلاق وادب ومحاسن اخلاق در نوشته های شان انحرافات عقیدوی، فکری دارند که از طوائف منحرف زمانه شان متأثر شده واین انحرافات را در کتابها ودواوین شعری شان گنجانیده اند که مثال آن کتاب ( مثنوی معنوی ) جلال الدین بلخی است، باید خوبی شان را خوب بگوییم ونظریات منحرف وشرکی شان را نشاندهی کنیم، لیکن چون آنها در زمانه مانبوده ومعلومات ما در باره زندگی آنان کافی نیست وباید وظیفه ما منحصر به رد ونقد است، وبه آنها در چوکات شعر وادب نگاه کنیم وآنها را علماء وعظماء وفاتحین اسلام هم ندانیم تنها شعراء وادباء بودند که در اشعار شان با وجود خوبیها نظریات منحرف حتی که به شرک هم میرسد وجود دارد بدون شک لهذا در مطالعه آن متوجه بوده محتاطانه وبر حذر باشیم.

ودر غلو وافراط وتفریط واقع نشویم واین کتابهای شعری را مثل گروهها وطوائف منحرف وغرق در انحرافات درجه صحیح

۱ - أخرجه البخاري في صحيحه، شماره حدیث: (۶۴۹۳)، ۸، ص ۱۰۳.

بخاری و مسلم و کتابهای حدیث و تفسیر و فقه ندهیم، و انحرافات عقیدوی شرکی به شکل واضح وجود دارد.

و در صورتی که بسیاری از حقائق را در باره شان نمی دانیم خصوصا آخر عمر آنها را باید احتیاط کنیم و آن هم اینکه آنها مرده اند و اگر آنها از دنیا با نظریات خوب رفته باشند باید بدانیم که شریعت ما را از آزار و اذیت و دشنام دادن مردگان منع کرده، و در حدیث بخاری عائشه رضی الله عنها فرمودند: "قال النبي صلى الله عليه وسلم لا تسبوا الأموات فإنهم قد أفضوا إلى ما قدموا"<sup>۱</sup> مردگان را دشنام ندهید که آنها به جایگاه شان رفتند.

و هم متوجه باشیم که تکفیر کردن کار ساده نیست بلکه وظیفه خطرناک است حتی اشخاص و افراد تکفیری اکثرا انسانهای هستند عقده مند، و دچار به امراض نفسی گوناگون و تکفیر نمودن در نزد شان به اندازه نوشیدن یک کیلاس آب هم اهمیت ندارد و در صورت اختلاف نظر فوراً ازین حربه و سلاح در مقابل مخالف خود کار میگیرند.



<sup>۱</sup> - أخرجه البخاري في صحيحه، شماره حدیث: (۶۵۱۶)، ج ۸، ص ۱۰۷.

## توکل مسلمان به الله باید همراه با انجام اسباب مشروع باشد

یکی از هموطنان عزیز ما سوال نموده:

آیا این نظریه درست که انسان خودش حرکت نکند و بگوید که خود را و کار خود را به خداوند سپردم؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

توکل در حقیقت عبادت مهم است در زندگی مسلمان، و شریعت در آیات قرآنی و احادیث نبوی مؤمن را امر نموده که توکل کند، الله متعال در قرآن کریم فرموده است: "وَعَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ"<sup>۱</sup>، و بر الله توکل کنید اگر مومن هستید.

نیز فرموده است: "وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا"<sup>۲</sup>.

و بر الله توکل کن و الله بس کارساز است.

و توکل صادقانه مؤمن به او تعالی سبب حفظ و در امان ماندن از هر بدی و زشتی است و عقب ماندگی است.

و این توکل بخش از ایمان به قضاء و قدر است و راه را برای رسیدن به هدف هموار میسازد لیکن بشرطیکه این توکل همراه با

<sup>۱</sup> - سورة المائدة، الآية: ۲۳.

<sup>۲</sup> - سورة النساء، الآية: ۸۱.

انجام اسباب مشروع باشد تنها این کفایت نمی کند که من کار خود را به خداوند سپردم، همانطور که حدیث صحیح ثابت است: "قَالَ رَجُلٌ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَعْقِلُهَا وَأَتَوَكَّلُ، أَوْ أُطْلِقُهَا وَأَتَوَكَّلُ؟ قَالَ: "اعْقِلُهَا وَتَوَكَّلْ" ، یعنی الناقة" <sup>۱</sup>.

مردی گفت ای رسول خدا، آیا شترم را ببندم و توکل کنم یا رهاش کنم و توکل کنم؟ رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: (آن را ببند و توکل کن).

علمای شارحین حدیث نوشته اند که: زانوی شترت را با دستانش محکم ببند و (توکل) یعنی به الله اعتماد کن، و این یعنی بستن زانوی شتر منافی توکل نیست.

انسان همراه با توکل برای رسیدن به اهداف خود اسباب مشروع را برابر کند.



<sup>۱</sup> - أخرجه الترمذي في سننه، أبواب صفة القيامة والرقائق والورع عن رسول الله صلى الله عليه وسلم، رقم الحديث: (٢٥١٧)، (ج ٤، ص ٦٦٨).

## قبولی عبادت مسلمان به دو شرط متوقف است

۱- اخلاص به الله متعال که خاص برای او تعالی باشد: " وما أمروا إلا ليعبدوا الله مخلصين له الدين " ۱.

وامر نشدند مگر اینکه الله متعال را به اخلاص عبادت کنند.

۲- متابعت رسول الله صلی الله علیه وسلم "وما آتاكم الرسول فخذوه وما نهاكم عنه فانتهوا" ۲.

هر آنچه را که رسول الله صلی الله علیه وسلم به شما آورده و هدایت داده است آنرا انجام دهید و از هر آنچه که منع کرده است اجتناب کنید و دوری جوئید.

شرط قبولی عبادت همین دو شرط است.



۱ - سورة البينة، الآية: ۵.

۲ - سورة الحشر، الآية: ۷.



د مسلمان د عباداتو قبلېدل په دوه شرطونو متوقف دي

د مسلمان د عباداتو قبلېدل په دوه شرطونو متوقف

دي:

۱- الله تعالى ته اخلاص چې خاص د هغه تعالى لپاره وي: " وما أمروا إلا ليعبدوا الله مخلصين له الدين"<sup>۱</sup>.

او دوى ته امر نه دى شوى مگر دا چې الله تعالى ته په اخلاص عبادت وكړي.

۲- د رسول الله صلى الله عليه وسلم متابعت "وما آتاكم الرسول فخذوه وما نهاكم عنه فانتهوا"<sup>۲</sup>.

هر هغه څه چې رسول الله صلى الله عليه وسلم تاسو ته راوړي دي او هدايت يې در كړي دي هغه سرته ورسوئ او له هر هغه څه چې يې منع كړي ده اجتناب/ډډه او لېرې والى وكړئ.

د عبادت د قبلېدو هم دا دوه شرطونه دي.



۱ - سورة البينة، الآية: ۵.

۲ - سورة الحشر، الآية: ۷.

## شرط قبولی عبادت در اخلاص و موافق بودن با سنت است

یکی از دوستان از شهر کابل چنین سوال نموده :

استاد محترم چطور بدانیم که خداوند عبادت و کارهای ما را قبول کند؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

شرط قبولی عبادت و اعمال صالح و نیک مسلمان در دو چیز نهفته است:

۱- اخلاص به الله متعال که عبادت مسلمان خاص به او تعالی مخلصانه بوده باشد و از هر نوع ریا که شرک خفی نامیده شده دور باشد، الله متعال فرموده است: " وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ"<sup>۱</sup> بندگان امر نشدند به عبادت مگر اینکه هنگام عبادت او تعالی مخلص بوده باشند و همه اعمال دینی خود را خاص بخاطر عبادت او تعالی انجام دهند.

۲- متابعت رسول الله صلی الله علیه وسلم که اعمال و عبادات شان موافق سنت باشد و از هر نوع نو آوری و بدعت دوری جویند.. الله متعال در قرآن کریم فرموده است " قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي

<sup>۱</sup> - سورة بينة: ۵ .

يُحِبُّكُمْ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ" <sup>۱</sup> بگو برای شان ای محمد که اگر الله متعال را دوست دارید پیروی من را بکنید، الله متعال شما را دوست میدارد و یاری میکند در دنیا و در آخرت گناهان تانرا می بخشد و جایگاه تانرا در جنت تعیین میکند.



### جهل و نادانی عذر است در شریعت

یکی از دوستان دانشمند چنین نوشته:

کار اکثر متولیان و مجاورین زیارتها بر آمده از جهل است آیا آنها در شرکیات آلوده و آغشته هستند و سرنوشت خانمان شان چطور می شود؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

انسان تا آن وقت گنهگار و مؤاخذه نمی شود که حکم حرام بودن گناه را بداند. اما بعد از فهمیدن و شنیدن گنهگار است در صورت حرف حق را قبول نکند.

عین حکم در مورد مجاورین زیارتها تطبیق می شود.

<sup>۱</sup> - سوره آل عمران: ۳۱.

## نیت در عبادات و محل آن

یکی از دوستان سوال نموده :

مولانا صاحب محترم هرگاه یک انسان قصد غسل کند ولی به زبان نیت نکند غسلش میشود یاخیر دراین باره اگر معلومات دهید بعید از لطف تان نخواهد بود؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

اصلا جای نیت در قلب است وتلفظ کردن نیت ضرور نیست.

در مجموع نیت همه عبادات بدون استثناء در قلب می شود وتلفظ کردن ضرور نیست.

هرگاه کسی عزم و اراده ونیت عبادت را در قلب خود کرده باشد همان کافی است و ضرورت به تلفظ کردن نیت نیست.

نیت کردن عبادت در قلب واجب است و در زبان ضرور نیست

بعض فقها به این نظر هستند که تنها در حج وعمره اگر نیت بزبان هم شود بهتر زیرا رسول الله صلی الله علیه وسلم نیت حج وعمره را بزبان هم تلتلف نموده، و در حج وعمره تلفظ شود : ليك عمرة أو ليك حجا، لیکن در مجموع نیت همه عبادات بدون استثناء در قلب می شود وتلفظ ضرور نیست.

## اعمال و عبادات زنده ها ثوابش به مرده میرسد و یا خیر؟

یکی از دوستان عزیز از ناحیه پلجرخی کابل سؤال نموده:

یک شخص بالای مقبره یکی از اقارب خود می‌رود بعداً نظریه محبت که با متوفی دارد در حضور خدا با خود عهد می‌بندد که تازنده ام هر روز چهار رکعت نماز به دربار خدا اداء نموده و اجرش را برای هدیه می‌فرستم و از خدا می‌خواهم اجرش را در عمل نامه تو محاسبه کند، آیا این منطقی درست است یا خیر؟

برای این برادر محترم باید بنویسم که نه این نوع نذر مشروع و جایز نیست و وفا کردن به آن هم لازم نیست، زیرا ثواب نماز کسی به کسی دیگر نمی‌رسد اما مسلمان می‌تواند برای برادر میت خود ثواب اعمال ذیل را اهداء کند:

۱- می‌تواند برایش دعای مغفرت و طلب جنات الفردوس نماید، بهترین وسیله و سلاح دعاء است، همیشه دعاء کند.

۲- می‌تواند برای فقیران و محتاجان و مسکینان صدقه بدهد و ثوابش را برای این دوست میت و یا اقارب میت خود اهداء کند، این هم ثوابش میرسد برای مردگان مسلمان.

۳- می‌تواند برایش حج و عمره کند یعنی به نیابت از مردگان، ثوابش برای شان میرسد.

۴- وقف کردن منفعت و کارهای خیر مثلاً ساختن مسجد، مدرسه، راه و جاده. پول بالای دریا، چاه آب، باغ، خریدن کتابهای دینی و شرعی برای مدارس، فرش مساجد، تربیه، یتیمان، کمک کردن در ازدواج فقیران، کمک کردن به بیوه زنان، صدها راه های خیر دیگر وجود دارد.

این سه مورد در نصوص شرعی ذکر شده.

اما ثواب نماز کسی به مردگان نمی رسد و هیچ نص و دلیل شرعی دال بر رسیدن ثواب نماز و یا تلاوت قرآن کریم کسی به مردگان وجود ندارد.

وهم روزانه بالای قبر رفتن لازم نیست.

ومی تواند بعد از نماز های فرض و در اوقات استجابت دعاء برایش دعای مغفرت کند، مثلاً بعد از نمازی های فرض، و در بین آذان و اقامه، و بعد از سوم حصه شب، و در وقت افطار کردن روزه، و در ساعت اخیر روز جمعه.



## آیا مسلمان در عبادات خود نیت را تلفظ کند؟

یکی از دوستان از ولایت تخار سوال نموده:

نیت در زبان چه قسم است (نیت کردم میگذارم چهار رکعت فرض نماز عصر.....)؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

درین شکی نیست که نیت شرط قبولی و رکن اساسی سائر عبادات مثل طهارت، نماز، زکات، روزه، حج و عمره، جهاد، قربانی، و صدقه است، لیکن تلفظ کردنش شرط نیست تنها مسلمان در قلب خود نیت کند کافی است، و تلفظ کردن نیت ضرور نیست، همین نیت است یک عبادت را از دیگری فرق میکند وهم عبادت را از عادت، و جای نیت قلب مسلمان است.

این بود جواب مختصر سؤال یک دوست عزیز که آیا تلفظ کردن نیت قبل از نماز ضروری است.



## حکم دم کردن مریض از طریق تلفون، وایبر و اسکایپ

یکی از خواهران هموطن ما مقیم جرمنی چنین سوال نموده :

من افغان هستم ودر جرمنی زندگی میکنم..اینجا ملاهای دم خوان نیست آیا می توانیم که از طریق تلفون بالای ما دم خوانده شود؟

ویکی از دوستان از ولایت بغلان نیز چنین سوال کرده:

امروز با یکی سر خوردم که میگفت فلان ملا پشت تلفون دم می کند.

رهنمائی شرعی این موضوع چیست؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

در اصل باید دم خواندن و تلاوت قرآن کریم به شکل مستقیم و مباشر واز نزدیک صورت گیرد زیرا این روش در مطابقت با عملکرد رسول الله صلی الله علیه وسلم و صحابه کرام و سلف صالح قرار دارد..وشنیدن قرآن کریم و دعاهای مأثور از نزدیک مؤثرتر واقع می شود و توقع می رود که فایده و نفعش به مریض برسد..زیرا در دم خواندن نزدیک بعد از تلاوت قاری صاحب ناخن خود را کمی تر می کند با آب دهن خود و به مریض نزدیک میکند و این



کار در دم خواندن ازدور ممکن نیست که در اصطلاح دمى خوانى (النفث) مى نامند.

ليکن اين به اين معنى نيست که از دور جواز ندارد بلکه جواز دارد و مشروع است ليکن تأثير و افاديت آن نسبي و کمتر مي باشد .

و شنيدن قرآن کریم با تدبير در هر وقت سبب نزول رحمت الهی ميشود: "وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ"<sup>۱</sup>.

و نیز بهتر، اولی و افضل این است است که مسلمان خودش بالای خود قرآن کریم بخواند و خود را دم کند ، زیرا رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است که از صفات هفتاد هزار مسلمانی که در جنت و بهشت بدون حساب و کتاب و عذاب داخل می شوند این که از کسی نمی خواهند که آنها را دم کند بلکه خود شان خود را دم می کنند "الذین یدخلون الجنة بغير حساب ولا عذاب"<sup>۲</sup> وقت خود بخاطر رفتن نزد دمگر ضایع نمی کنند زیرا که بسیاری از دمگران امروزی اشخاص و انسانهای هستند که عقائد و اندیشه خرافاتی دارند و در انحرافات عقیدوی غرق هستند و از دم کردن سوء استفاده می کنند.

<sup>۱</sup> - سوره اعراف: ۲۰۴.

<sup>۲</sup> - صحیح مسلم، کتاب الإيمان، باب الدلیل علی دخول طوائف من المسلمین الجنة بغير حساب ولا عذاب، شماره حدیث: (۲۲۰)، (ج ۱، ص ۱۹۹).

با آن هم مسلمان می توند که از اهل علم و تقوی و دانش شرعی کمک بخواهد که بالایش بخواند و دم کند و برای شفا یابی او دعا کند.



### برای ملای دمگر جایز نیست که دست خود را در سر زنان نامحرم بگذارد

یکی از خواهران از شهر کابل سوال نموده :

آیا برای ملای دمگر جایز است که دست خود را بالای سر مریض بگذارد و دم کند؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله أما بعد:

برای ملای دمگر جایز نیست که دست خود را در سر و پیشانی و سینه و جسم خانمهای نامحرم هنگام دم کردن بگذارد و اگر چنین کند انسان فاسق و فاجر شمرده میشود که هدفش از دم کردن جمع کردن پول و پیسه و خوردن مال مردم به باطل و تجاوز به ناموس مردم است.



در شریعت ثابت نیست که ثواب نماز کسی به کسی دیگر می رسد

یکی از دوستان چنین سوال نموده:

آیا اگر نماز نفل برای مرده بخوانیم ثوابش برای او میرسد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

برای مسلمان جواز ندارد که به عوض کسی دیگری نماز بخواند و یا ثواب نمازش را برای او ببخشد، الله متعال فرموده است که تنها برای انسان ثواب سعی و تلاش و عبادت خودش میرسد:

الله تعالی می فرماید: "وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى" <sup>۱</sup> برای انسان تنها سعی و تلاش خودش در عباداتش میرسد، و در شریعت هیچ دلیل صحیح وجود ندارد که ثواب نماز مسلمان به مسلمان دیگر چی مرده باشد و یا زنده برسد..

اما ثواب صدقه، دعا، حج و عمره یکی به دیگری میرسد زیرا در این حالات نص و دلیل صحیح وجود دارند.



<sup>۱</sup> - سوره نجم: ۳۹.

## خود کشی و انتحار

یکی از دوستان سوال نموده:

اگر کسی خود کشی کند چي حکم دارد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله وبعد:

رسول الله صلى الله عليه وسلم در حدیث صحیح متفق علیه فرموده است: "مَنْ قَتَلَ نَفْسَهُ بِشَيْءٍ فِي الدُّنْيَا عَذَبَ بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ"<sup>۱</sup> شخص که خود کشی کرده در دنیا با همان آله ووسيله که خود کشی کرده در آخرت هم عذاب می شود، و نیز در حدیث صحیح دیگری آمده که کسی خود را از کوه انداخته باشد، و یا زهر نوشیده باشد و یا با چاقو و تیغ خود کشی کرده باشد توسط همین وسائل و آلات در روز قیامت عذاب می شود و جایگاهش برای ابد دوزخ میباشد.

و رسول الله صلى الله عليه وسلم جنازه کسی را که خود کشی کرده بود نخواند تا اینکه مردم را از این گناه کبیره و بزرگ زجر و تحذیر نماید.. لیکن برای صحابه اجازه جنازه خواندن را داد.. و بر

<sup>۱</sup> - صحیح البخاری، کتاب الأدب، باب ما ينهى من السباب واللعن، شماره حدیث: (۶۰۴۷)،

علماء سنت است که از نماز جنازه خواندن انسان که خود کشی کرده ابا ورزند.



### ملائکه روح انسان را قبض می کنند

یکی از خواهران هموطن ما از انگلستان سوال نموده که آیا روح انسانها را عزرائیل قبض میکند در وقت وفات؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله أما بعد:

ملائکه که مکلف به قبض کردن روح انسانها است در وقت وفات نام رسمی اش ملک الموت است که در قرآن کریم ذکر شده: " قُلْ يَتَوَفَّاكُم مَلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ <sup>۱</sup> " بگو که روح شما را قبض میکند ملک الموت که به این کار از جانب الله متعال مکلف ساخته شده و شما به طرف او تعالی رجوع میکنید.

اما نامیدنش به عزرائیل در بعض آثار ذکر شده که ثابت قطعی نیست البته در دائره اسرائیلیات میچرخد که تصدیق کردنش و یا رد کردنش درست نیست و بحالش بماند .. و ما این ملائکه را ملک الموت می نامیم.

<sup>۱</sup> - سوره سجده: ۱۱.

دختران که بدون ازدواج شرعی از دنیا رفته باشند، چی حکم دارند؟

یکی از دوستان از ولایت بلخ سوال نموده:

من یکی از استادان تعلیمات اسلامی مزار شریف هستم، سوال این است که:

در جنت برای مردان همسران دنیایی شان اگر بهشتی باشند با حوریان بهشتی داده می شود و اگر مجرد فوت کرده باشد حوریان باز هم حوریان بهشتی است و همچنان برای زنان شوهران دنیایی شان است و بس، اما سوال اینجاست که برای دخترانی بدون ازدواج شرعی از دنیا رفته باشند و در بهشت داخل شده باشند، چه می شود؟ زیرا که این زن مسلمان در دنیا ازدواج نکرده فوت کرده باشد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله أما بعد:

الله متعال به مردان مؤمن و صالح حوران جنت را وعده داده و برای شان جایزه تعیین کرده پس برای زنان مؤمنات و صالحات چنین است یا خیر؟

الله متعال در قرآن کریم فرموده است: " كَذَلِكَ وَزَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ"<sup>۱</sup> از نعمتهای که برای مؤمنان در جنت در نظر گرفته شده

<sup>۱</sup> - سوره دخان: ۵۴.

زنان حوران جنت است که اصلاً به زنان دنیا شباهت ندارند از نگاه حسن و زیبایی... و نیز در حدیث صحیح ثابت است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرموده است شهیدان با هفتاد و دو زن حور جنت ازدواج میکنند.. بخاطر فضیلت شهادت و تشویق کردن مردان مسلمان در جهاد فی سبیل الله.. حال سوال این است که برای خواهران مؤمنات و صالحات همین چیز در نظر گرفته شده یا خیر؟

ما میدانیم که بعض آیات و نصوص قرآن کریم بعض دیگری را تفسیر و شرح می کند و توضیح میدهد و برای خواهران نیکو کار و فداکار در راه اسلام هر چیز که اشتها داشته باشند در نظر گرفته شده در جنت و از هیچ نعمت جنت محروم نیستند زیرا الله متعال فرموده است در مورد نعمتهای جنت که برای مردان و زنان مؤمن ارزانی شده: "وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهِي أَنْفُسُكُمْ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَدْعُونَ نَزْلًا مِنْ عَفْوَْرِ رَحِيمٍ"<sup>۱</sup> برای شما هر آنچه که اشتها دارید و نفسهای تان می خواهد و هر آنچه دعاوی داشتن آنرا دارید برای تان حاضر میگردد.. و نیز الله متعال فرموده است: " وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ وَأَنْتُمْ فِيهَا خَالِدُونَ"<sup>۲</sup> در جنت برای مؤمنان مرد باشند و یا زنان داده می شود هر آنچه که نفسهای شان اشتها داشته باشد و چشمان

۱- سوره فصلت: ۳۱.

۲- سوره زحرف: ۷۱.

شان لذت ببرد و شما برای همیشه درین نعمتها قرار داشته میباشید.

واگر خواهران شوهران نیک و صالح بخواهند در جنت حتما برای شان خداوند متعال عطاء می کند...یه این معنی که از هیچ نعمت جنت محروم نیستند مطابق اعمال نیک شان و درجات تقوا و ایمانداری و فداکاری شان در راه اسلام.

جنت به دنیا قیاس نمی شود و خواهر مؤمنات و صالحات از همه قید و قیود دنیا درانجا رها هستند و در حدیث صحیح آمده که در جنت نعمتهای است که نه چشم دیده و نه گوش شنیده حتی که انسان تصور کرده نمی تواند در دنیا و به ذهنش هم نیست.



### فرق بین خارج شدن روح از جسد در وقت وفات و هنگام خواب

یکی از دوستان سوال نموده:

انسان وقتی که فوت میشود روح از جسم خارج میشود انسان فقط یک لاش است اما آیا در وقت خواب هم روح از جسم خارج میشود؟ کمی معلومات بدهید؟



الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

در وقت وفات روح انسان بصورت کلی از جسدش خارج می شود در حال که در وقت خواب بروح از جسد بشکل جزئی خارج می شود.

در وقت وفات انسان روح کاملاً از جسد دور می شود و ارتباط روح با جسد کاملاً قطع می گردد. اما در وقت خواب روح از جسد بشکل جزئی خارج می شود و ارتباط می داشته باشد و جسم انسان ادراک میداشته باشد و تنفس کرده می تواند و بعضاً در خواب خود حرف هم میزند. مرگ در حقیقت وفات بزرگ و کلان است و خواب وفات کوچک... و بعضی علماء خواب برادر مرگ توصیف نموده اند... الله متعال فرموده است: "هُوَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُم بِاللَّيْلِ" <sup>۱</sup> او تعالی شما را در شب هنگام خواب می میراند... رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح فرموده است: "إِنَّ اللَّهَ قَبَضَ أَرْوَاحَكُمْ حِينَ شَاءَ، وَرَدَّهَا حِينَ شَاءَ" <sup>۲</sup> الله متعال ارواح شما را قبض می کند وقت که می خواهد و باز میگرداند وقت که بخواهد. و در حدیث صحیح متفق علیه دیگری رسول الله صلی الله علیه وسلم وقت که از خواب بیدار می شد چنین دعا را می خواند: "الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَحْيَانَا بَعْدَ مَا أَمَاتَنَا

<sup>۱</sup> - سوره انعام: ۶۰.

<sup>۲</sup> - صحیح البخاری، کتاب مواقیات الصلاة، باب الأذان بعد ذهاب الوقت، شماره حدیث: (۵۹۵)، (ج ۱، ص ۱۲۲).

وَالِيهِ النُّشُورُ<sup>۱</sup> حمد وثناء میگویم بر الله عزوجل آن پروردگار که ما را زنده گردانید بعد از اینکه وفات نموده بودیم به امر او تعالی و بطرف او تعالی بازگشت است.. وهدف از وفات در این دعا خواب است.. دعای مأثور است که بعد از بیداری از خواب خوانده می شود.



### آیا روح انسان بعد از وفات در قبر برایش باز گردانیده می شود؟

یکی از خواهران از کابل سوال نموده:

سوالی داشتم در مورد میت وقت که شخصی فوت میکند بعد از دفنش آیا روحش هم در قبر میباید و یا خیر؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

از رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح ثابت است که این نص آن است " إن الميت إذا مات فإنها تعاد روحه إليه في قبره ، ويسأل عن ربه ودينه ونبيه ، فيثبت الله الذين آمنوا بالقول الثابت في الحياة الدنيا وفي الآخرة ، فيقول المؤمن: ربي الله ، وديني الإسلام ،

<sup>۱</sup> - صحیح البخاری، کتاب الدعوات، باب ما یقول إذا نام، شماره حدیث: (۶۳۱۲)، (ج ۸، ص ۶۹).

ونبي محمد ، وأما الكافر أو المنافق فإنه إذا سئل يقول: ها، ها لا أدري ، سمعت الناس يقولون شيئاً فقلته".

وقت انسان بميرد وروحش قبض شود واز جسدش جدا گردد هنگام داخل شدن در قبر روحش بازگردانیده می شود واز رب و پرورگارش سوال می شود، و نیز از دین و پیامبرش، الله متعال مؤمنان را ثابت قدم میدارد که سوال هار به شکل درست جواب بدهد که پروردگارم الله متعال است، و دینم اسلام است، و پیامبر محمد صلی الله علیه وسلم است، اما غیر مسلمان و منافق در جواب میگوید هاها نمی دانم مردم را شنیدم که چنین وچنان میگویند.

به این معنی نیست که روح مثل که در دنیا بود برایش گرداننده می شود زیرا زندگی برزخ از دنیا تفاوت و فرق دارد که به دنیا قیاس نمی شود البته روح مطابق زندگی برزخ با او میباشد ، الله متعال حقیقت این امر را میداند و باید ما و شما از آن سوال نکنیم زیرا برای ما ازین بیشتر بیان نشده تنها ایمان داشته باشیم ، چون مسائل غیبی است.

مسافه بین بر آمدن روح انسان و دفن شدن و سؤال و جواب قبر اولین گامی به طرف آخرت است و برای مؤمن و مسلمان نخستین سفر سعادت مندانه ابدی است که به داخل شدن جنت بشارت داده می شود و کلکین های باغهای جنت برایش باز می گردد و روحش

احساس شادمانی میکند از تماشای آن و هرگز دچار بدبختی نمی شود.

اما انسان کافر غیر مسلمان و منافقین اول سفر شان بسوی عذاب دردناک شروع می شود زیرا آثار غضب و قهر الله متعال را می بینند و در قبر عذابهای گوناگونی را می بینند و از دیدن دروازه های رحمت محروم هستند و نتایج اعمال زشت و بد و نافرمانی الله متعال و مخالفت سنت رسولش را دین اینجا می بینند و دچار بدبختی ابدی می شوند.



### گناه آواز خوان بعد از مرگ

یکی از برادران محترم ما از کابل چنین سوال نموده :

سوال داشتم که بعد از مرگ یک آواز خوان، مردم آهنگ های او را از طریق کسیت میشنوند از نگاه شرع چی حکم دارد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

شنیدن موسیقی حرام است، اما اگر موسیقی به صدای زن بوده باشد حرام بودنش بیشتر و گناهش بزرگتر است.

موسیقی قلب را می میراند و دروازه و مدخل همه گناهان کبیره شمرده می شود، از طریق موسیقی شیطان بر قلبهای انسان تسلط پیدا می کند.

در شریعت این قاعده است که:

هر کسی که بنیاد کار نا روا و حرام و نا جائز را گذاشته و مردم را تشویق کرده در گناه همه شریک است و در حدیث صحیح که امام مسلم روایت کرده رسول صلی الله علیه وسلم فرموده اند: "من سن في الإسلام سنة حسنة كان له أجرها وأجر من عمل بها من بعده لا ينقص ذلك من أجورهم شيئاً، ومن سن في الإسلام سنة سيئة كان عليه وزرها ووزر من عمل بها من بعده لا ينقص ذلك من أوزارهم شيئاً"<sup>۱</sup> هر کسی که بنیاد کارهای خیر را بگذارد تا به روز قیامت اجر ثوابش برایش میرسد و هر کسی که بنیاد کارهای شر و بد و ناروا و نا جائز را بگذارد او در گناه همه شریک است و در پهلوی گناه خود گناه دیگران را هم متحمل میشود..

هر آواز خوانیکه مردم را به طرف گمراهی و ضلالت میکشاند و وسیله نشر و پخش گناه و بی دینی می شود دنیا و آخرتش تباه و برباد میگردد.

<sup>۱</sup> - صحیح مسلم، کتاب الزکاة، باب الحث علی الصدقة ولو بشق تمره، أو كلمة طيبة وأنها حجاب من النار، شماره حدیث: (۱۰۱۷)، (ج ۲، ص ۷۰۴).

الله متعال متعال می فرماید در آیت دوم سوره مائده: {وَتَعَاوَنُوا عَلَىٰ الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَىٰ الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ}<sup>۱</sup> در کارهای خیر و نیک و شایسته همکار باشید و در اعمال بد و زشت و ناپسند و تجاوز به مقدسات و ارزشهای اسلامی و سوق دادن به گمراهی همکاری نکنید.

وهر شخص و یا مؤسسه و یا شرکت که بنیاد کارهای و رسانه های مبتذل و ترویج دهنده فحشاء و منکر را گذاشته و می گذارد و در آن سهم میداشته باشد و همکاری میکند گناه عمل کرد خودش و گناه کسانی که توسط این کار شان به گمراهی و بیراهه کشانیده می شوند برایش نوشته می شود و به طرف دوزخ سوق داده می شود.

وهر کسی بنیان گذاری کار های شر زشت و نادرست و ناروا را میکند و وسیله شر می شود تا به روز قیامت نه تنها گناه آن را متحمل می شود بلکه گناه کسانی که آنرا ترویج میدهند و به آن عمل میکنند و دیگران را تشویق میکنند هم متحمل میشود.




---

۱- سوره مائده: ۲.

## زمین در روز قیامت شاهد کارهای خیر و شر انسان میباشد

یکی از خواهران از شهر جلال آباد سوال چنین نموده:

من یک سوال دارم، بعضیها می گویند زمین از انسان قصد خود را می گیرد چون بالای زمین انسان کشته است، آیا این حقیقت دارد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

در روز قیامت زمین شاهی میدهد بر اعمال نیکو و صالح انسان و نیز بر عملکردهای ناروا و ناجائز انسانها.

الله متعال در قرآن کریم بیان نموده است که زمین شاهی میدهد و خبر میدهد از اعمال خیر و شر که بالای آن از طرف انسانها صورت گرفته است: "يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا" <sup>۱</sup> او تعالی به زمین قدرت و توانایی می بخشد که حرف بزند و شاهی بدهد، و این انتقام گیری صریح و مستقیم نیست لیکن یک نوع انتقام است زیرا زمین از نعمتهای الهی است که برای انسانها ارزانی فرموده و انسانیکه در روی زمین نافرمانی الله متعال را انجام میدهد در حقیقت کفران نعمت میکند.

<sup>۱</sup> - سوره زلزله: ۴.

## اعمال نیک و صالح سبب نجات انسان از عذاب قبر می باشد

یرادر محترم ما از ولایت کابل سوال چنین نموده :

استاد اگر روز جمعه کسی فوت کند کدام امتیاز نظر بدیگران که در روز های عادی فوت میکنند دارد یا نه؟ از یک ملا صاحب این حدیث را دیروز در باره فوت شدن در روز جمعه شنیدم که فضیلت دارد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله أما بعد:

تنها اعمال نیک و صالح و عقیده توحید موحد بودن مسلمان را از عذاب قبر نجات میدهد و سبب باز شدن کلکین جنت برایش می شود نه وفات کردن در روز و شب جمعه، و مردن در روز و شب جمعه هیچ نوع فضیلت و ثواب و برتری ندارد و احادیث که در این مورد نقل شده ضعیف است و قابل عمل نیست.

تنها کسی به جنت میرود که ثبات و استقامت در دین خود و در طاعت الله متعال و پیروی و متابعت رسول الله صلی الله علیه وسلم داشته باشد در هر زمان و مکان که بمیرد..هیچ دلیل صحیح از قرآن و سنت وجود ندارد که انسانهای مشرک، فاسق و فاجر و گنهگار که اصلا عمر خود را در فسق، فجور، و ظلم و اذیت مردم گذرانیده باشند و نیز در عبادات خود کوتاهی داشته باشند و ملوث به شرک و خرافات و انحرافات و سود خوری و غیره باشند و در روز



جمعه وفات کنند از عذاب قبر در امان می مانند...مسلمان گنهگار را الله متعال به اندازه گنااهش عذاب میدهد ویا می بخشد..اما مردن روز جمعه و شب جمعه هیچ فضیلت و برتری و تأثیر ندارد همانا اعمال نیک سبب دخول جنت می شود و انسان به طمع مردن روز جمعه نباشد بدون اینکه به اعمال خود مراجعه کند و توجه داشته که آیا مطابق سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم روان است؟ آیا برای سربلندی اسلام کار میکنند؟ آیا اخلاق نیکو دارد؟ آیا هدف از زندگی را در این دنیا بدرستی فهمیده یا نه؟ آیا در انجام فرائض دینی ملتزم است؟



### در شریعت نمازی بنام نماز خلاصی از عذاب قبر وجود ندارد

یکی از خواهران از شهر کابل چنین سوال نموده:

استاد محترم سوال داشتم بعضیها میگویند وقت که جنازه دفن شد چهل رکعت نماز خلاصی از عذاب قبر توسط اقارب نزدیک خوانده شود لطف نموده توضیح دهید که آیا این نماز اصل شرعی دارد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، وبعد:

در شریعت نمازی بنام چهل رکعت نماز خلاصی از عذاب قبر توسط اقارب نزدیک مرده نیست، و هیچ دلیل و اساس شرعی ندارد

واین یک بدعت و نو آوری است که ناشی از فهم غلط و برداشت نادرست است، رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است که: "کل بدعة ضلالة وکل ضلالة في النار"<sup>۱</sup> هر نو آوری در عبادات گمراهی است و هر گمراهی صاحبش را به آتش دوزخ سوق میدهد.

این نماز از رسول الله صلی الله علیه وسلم ثابت نیست، و صحابه کرام اینرا نخوانده اند بعد از دفن میت، و تابعین نکرده اند، فقهای مذاهب چهارگانه آنرا مشروع ندانسته اند، پس یک بدعت محض است، رسول الله صلی الله علیه وسلم از نو آوری در باب عبادات منع کرده و فرموده است: "من عمل عملا ليس عليه أمرنا فهو رد"<sup>۲</sup> هر کسی عبادت و امری را انجام دهد که من نکرده باشم و هدایت نداده باشم مردود است و قبول نمی شود.



### آیا براستی بیشتر اهل دوزخ را زنان تشکیل میدهد؟

یکی از خواهران هموطن مقیم ما از جرمنی چنین نوشته :

خواهری در جرمنی از من سوال کرد، که در حدیثی شنیده که رسول الله صلی الله علیه وسلم خطاب به زنان گفته که اکثریت

۱ - أخرجه أحمد في مسنده، شماره حدیث: (۱۷۱۴۴)، ج ۲۸، ص ۳۷۳.

۲ - أخرجه مسلم في صحيحه، كتاب الأفضية، باب نقض الأحكام الباطلة، ورد محدثات الأمور،

شماره حدیث: (۱۷۱۸)، (ج ۳، ص ۱۳۴۳).

اهل جهنم را زنان تشکیل میدهد ایشان فرمودند چرا با وجودیکه امروز مرد ها عیاشتر و گمراه تر از زنان هستند که اصلاً مقایسه نمی شود؟ من در مورد صحت حدیث معلومات کافی نداشتم و سوال خواهر هم مرا به فکر انداخت چون حقیقت جامعه اسلامی و غیر اسلامی چنین است که فرمودند، از استاد خواهشمندم این سوال را برایم جواب بدهند تا به این خواهر برسانم.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، وبعد:

باید اینکه موضوع را بدرستی شرح کنم نص این حدیث را ذکر میکنم، عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ قَالَ : خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي أَضْحَى أَوْ فِطْرٍ إِلَى الْمُصَلَّى فَمَرَّ عَلَى النِّسَاءِ فَقَالَ : ( يَا مَعْشَرَ النِّسَاءِ تَصَدَّقْنَ فَإِنِّي أُرِيْتُكُمْ أَكْثَرَ أَهْلِ النَّارِ ) فَقُلْنَ : وَبِمَ يَا رَسُولَ اللَّهِ ؟ قَالَ : ( تُكْثِرْنَ اللَّعْنَ وَتُكْفِرْنَ الْعَشِيرَ .. )<sup>۱</sup>، رسول الله صلی الله علیه وسلم در یکی از اعیاد فطر یا اضحی به طرف عیدگاه روان بود و از نزد خانمان گذری داشت و برای شان فرمود ای جمعی خانمان صدقه دهید زیرا من میبینم که بیشترین اهل دوزخ را زنان تشکیل میدهد، آنها سوال نمودند که چرا زنان بیشترین اهل دوزخ هستید، آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمودند که علت و سبب این امر بعض گناهان است که در بین خانمان بیشتر واقع می شود و از

<sup>۱</sup> - صحیح البخاری، کتاب الحيض، باب ترك الحائض الصوم، شماره حدیث: (۳۰۴)، (ج ۱،

جمله آن لعنت کردن یعنی دشنام دادن، واحسان فراموشی عشرت و زندگی با شوهر، البته این نمونه از گناهان است که تنها اینها نیستند.

این حدیث درست و صحیح است، و در صحیح بخاری روایت شده، هدف از آن تنبیه خواهران مسلمان است که صدقه بدهند، و کار خیر و نیکو کنند، و در طاعت او تعالی باشند و معنایش معافیت مردان گنهگار از آتش دوزخ نیست بلکه تعداد زنان از مردان کرده در دنیا هم بیشتر است و در آنجا، در عین حال در احادیث و آثار ثابت است که بیشترین اهل جنت را نیز زنان صالح و نیکو کار تشکیل می دهد به این معنی که مسلمان گنهگار برای ابد در آتش دوزخ نمی ماند و در اول به اندازه گناه خود عذاب می بیند و بعد از آن از دوزخ خارج میشود، الله متعال نامش حق است و حق را به حقدار میرساند و بر هیچ کسی را به اندازه مثقال ذره ظلم را روا نمی دارد، تنها عمل انسان است که او را به جنت و یا دوزخ سوق میدهد مرد باشد یا زن، البته این حدیث نصیحت و تنبیه است که این گناهان از زنان بیشتر سرزد می شود که سبب به دوزخ رفتن است:

- کثرت و زیادت لعن و طعنن گویی به مردم.

- غیبت کردن بیش از حد.

- کفران نعمت واحسان فراموشی شوهران.

- بد رفتاری باشوهران (شوهر نیکو جنت و دوزخ زن است).

- رفتن به زیارتها بخاطر برآورده شدن حاجات که بغیر از الله متعال کسی بر آورده نمی تواند.

- رفت و آمد نزد جادوگران.

- رفت و آمد نزد تعویذ نویسان

- سر و کار داشتن با فالبینان و کفشناسان.

علت بیان کردن این همه تشویق خواهران به عمل صالح و نیکوکاری است از جمله صدقه دادن که سبب محو فوری گناهان می شود زیرا دین مبین اسلام دین ترغیب و ترهیب است.

غلط فهمی نشود معنای این حدیث معافیت مردان گنهگار از آتش دوزخ نیست بلکه ترغیب خواهران به صدقه دادن است و در عین حال تحذیر و ترهیب آنها از لعنت کردن و طعن گفتن و غیبت و مرتکب شدن گناهان است، این از زیبائیهای دین مبین اسلام است که رسول الله صلی الله علیه وسلم هر امر را در موقع و موسمش بیان میکرد زیرا جمعی بزرگی از زنان را مواجه شد و فرصت را مناسب دانست که این وعظ و نصیحت را بکند، و در همین سیاق در دهها مورد به مردان نصیحت کرده اند مطابق وقت و زمان و ضرورت و موسم، بر مرد وزن مسلمان فرض است که کار خیر را انجام دهند و از گناهان و معاصی بپرهیزند و سبب داخل

شدن جنت و دوزخ را تنها در عمل، رویه و اخلاق خود، و در پابندی به اوامر الهی و اجتناب از نواهی بدانند نه به فهم بعض نصوص زیرا نصوص یعنی آیات قرآن کریم و احادیث نبوی یک بخش بخش دیگری را شرح و تفسیر میکند و باید مسلمان از دین مبین اسلام فهم شمولی داشته باشد نه فهم قاصر و کوتاه و جزئی.



### تعصب زبانی و قومی مسلمان را به شرک و کفر می کشاند

اگر در کدام جلسه به ضد یک قوم بسیار سخن میزنند و شخصی که از همان قوم است و میخواهد دفاع از قوم خویش کند آیا گنهگار میشود، و آیا از جمله افرادی عصبیت میشود که در حدیث شریف ذکر شده است؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، وبعد:

مسلمان زبان را وسیله تفاهم بدانند و قومیت را از نشانه های الله متعال، و برتری نزد الله متعال در تقوا و دینداری است، اگر مسلمان ولاء و براء و دوستی و دشمنی اش به اساس زبان و قوم و سمت تعیین کند بیم آن میرود که به طرف شرک و کفر سوق داده شود، مؤمن و مسلمان که بروز آخرت ایمان دارد هر موضوع را در روشنی اسلام بحث کند نه در روشنی زبانه و کثافات و گندگی قومی و سمتی، قومگرایی و زبان پرستی از اخلاق و اصول

و مبادی جاهلیت است، مسلمان متعصب و قوم پرست باید ایمانش را مراجعه کند زیرا ایمانش متزلزل شده و خود را به شیطان تسلیم نموده، الله متعال از شخص متعصب و قومگرا ناراض میباشد.



### حکم عضویت داشتن در احزابهای سکولر و بی دین

یکی از دوستان می پرسد که آیا برای یک مسلمان هدفمند جواز دارد که عضویت حزب سکولر و بی دین و یا عضویت احزاب و گروههای نشنلست و قومگرا را داشته باشد؟

اولاً: جا دارد که از یک مسلمان هدفمند تقدیر شود که در زندگی خود متحرک بوده و اهدافی خاصی را دنبال می کند و برای سربلندی اسلام کار می کند و از تعامل با احزاب و گروههای سکولریستی و نشنلستی در حذر بوده و به احتیاط به پیش می رود حتی متوجه شده که باید حکم شرعی این مسأله را بفهمد که مبادا در حرام و محذور شرعی واقع شود و وسیله نشود که بر ضد اسلام و مسلمانان هم وطن خود قرار گیرد، زیرا فعالیت‌های احزاب سکولریستی منحصر بر ضدیت بودن بر اسلام است، و همچنان اکثر احزاب نشنلیست مردم را به تعصب قومی و زبانی و سمتی دعوت می دهد و بجای سربلندی اسلام برای سربلندی یک قوم و یک قبیله و یک زبان کار می کنند و احکام اسلام را به

مسخره می گیرند.. خداوند متعال می فرماید: "إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ"<sup>۱</sup> بهترین شما و معززترین شما و مکرم ترین شما و نزدیک ترین شما نزد خداوند با تقوی تر و دیندار تر تان است و معیار و لاء و براء و دوستی و دشمنی در اسلام همانا تقوی و پرهیز گاری و خدا ترسی است نه قوم گرایی.

از همین لحاظ به نتیجه می رسیدیم که عضویت داشتن در احزاب سکولر و نشنلیزم حرام بوده و هیچ نوع جواز ندارد، البته احزاب غیر اسلامی بد تر است از احزابی که به نشنلیزم کار میکنند، و هرگاه مسلمانی بلاغت و فصاحت لسان داشته باشد و هم دارای علمیت و ثقافت شرعی باشد باید در مجالس گروه‌های نشنلستی حاضر شود و آنها نصیحت کند و انحرافات شان را بیان دارد و قضیه تعصب زبان و سمت را بحث گیرد تا اینکه بتوفیق خداوند متعال سبب هدایتی بعضی آنها شود، اما اگر انسان نسبتاً دارای ثقافت اسلامی کم باشد باید از آنها دوری جوید.

من به یاد دارم که یک جوان نسبتاً خوب و دوست ما که ما را در کارهای خیر همراهی میکرد متأسفانه بعد از همراهی با یکی از شاخه های گروه نشنلست به آنان تسلیم شده بلکه سخنگوی آنها قرار گرفته و همچنان نقل مجلسش کفر گویی و دشنام دادن به اقوام دیگر بوده و حتی جریان های اسلامی و اصلاحی را مورد هجوم

<sup>۱</sup> - سورة الحجرات، الآية: ۱۳.



قرار میدهد وبی شرمانه صفحه فیس بوک خود را وسیله کفر گویی قرار داده وهمیشه بی قرار بوده واز امکانات وظیفه دولتی خود هم استفاده نموده بر ضد اسلام ومسلمانان.

پس بهتر است که مسلمان از جریانهای سیاسی واجتماعی بی دین وسکولر ونشنلیزم دوری جوید تا اینکه او آنها متأثر نشود وبجای آن اهداف اسلامی خود را از طریق جریانها ونهاد های اسلامی واصلاحی دنبال کند وسبب آزار وأذیت مسلمانان نشود

شاعری چه خوب فرموده:

صحبت صالح ترا صالح کند : صحبت طالع ترا طالع کند

و پهلوی ماه نشینی ماه شوی : و پهلوی دیگ نشینی سیاه

شوی



له کلیسا پیسې لاس ته راوړي او د کلیسا په ځینو  
پروگرامونو کې حاضرېږي، آیا جواز لري؟

یو هېوادوال مو چې په جرمني کې محصل دی  
دارنگه تکان ورکوونکې پوښتنه لیکلې ده:

زه له افغانستان څخه جرمني ته لارم او هلته درس  
وايم او هره میاشت په مبلغ د ۵۰۰ یورو راته راکوي آیا

ددې پیسو اخستل جواز لري .. هغوی د انجیل د درس ورکولو لپاره مبلغین را استوي او هم دارنگه مور کلیسا ته وړي چې تبلیغ یې واورو ؟

### الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله وبعد:

ستاسو لپاره جواز نه لري چې د کلیسا دا مالي مرسته لاسته راوړئ ځکه چې د پروتستانت کلیسا دنده هماغه تبلیغ او دعوت دی د نصرانیت لپاره او همدغه پیسې او مالي مرسته تاسو ته ځکه درکوي چې ستاسو زړونه لاسته راوړي او تاسو د خپل منحرف شوي دیانت منلو ته آماده کړي او یا اقلا په شک او تردید کې واقع کړي او هغه حساسیت چې د مسلمانی په خاطر یې د هغوی په وړاندې لری له منځه یې یوسي، په پایله کې مو حالت ذلیل کړي .. او همدا روش او طریقه زموږ له هغو هېوادوالو سره چې په جرمني کې د مهاجرت په کمپونو کې دي، هم مخکې وړي او فقیر بنده ته داسې پیغامونه رسيدلي چې انجیل توزیع کېږي همدارنگه د نصرانیت مبلغین د کمپونو په داخل کې د دعوت او تبلیغ څخه علاوه هغوی کلیسا ته وړي چې د اسلام مبین دین څخه یې مخ اړوونکي کړي او بالاخره د نصرانیت منسوخ شوی، شرکي او منحرف دین قبول کړي .. واجب زموږ ددې هېوادوالو چې درست شرعي او ثقافت اسلامي علم

نه لري دا دى چې پس را وگرځي - نعوذ بالله - چې  
ذوب/وييلي نشي او خپل دين له لاسه ور نكړي .



په غير اسلامي هيواد كې د قبلېدو په خاطر يې په كليسا كې  
په ژبه نصرانيت دين قبول كړى د مسيحي كېدو پړاوونه يې  
تېر كړي دي.. آيا كافر شوى دى؟

زموږ يو ديني ورور چې اصلا د هرات اوسېدونكى  
او فعلا په جرمني هيواد كې استوگنه لري، دارنگه  
پوښتنه كړې ده :

قدرمن استاد يوه پوښتنه مې په ذهن كې درلوده له  
ډېرو دوستانو او استادانو مې و پوښتله اما يا هغوى په  
دې هكله كافي معلومات نه درلودل او يا ځوابونه واضح  
نه وو . له څه مودې راهسې په اروپايي هيوادونو لكه  
ډنمارك او آلمان كې ژوند كوم او دا چې له ډېرو خلكو  
او مهاجرينو سره سر و كار لرم ځينې وختونه ددې  
شاهد يم چې متاسفانه ځينې افغانان چې له افغانستان څخه  
اروپا ته راغلي وي، دلته د اقامت اخستلو په خاطر دې  
ته حاضرېږي چې خپل مذهب بدل كړي او د نورو  
مذاهبو خصوصاً مسيحيت پيرو شي . كله چې زه د هغوى  
څخه ددې په هكله چې ولې دا كار كوي؛ پوښتنه وكړم  
نو هغوى په دې استدلال كوي چې هغوى يوازې د اقامت

اخستلو لپاره دا کار کړی دی اما په حقیقت کې په خپل زړه او ژبه مسلمانان دي، لمونځ کوي او مسجد ته ځي. یوازې د اقامت اخستلو لپاره یو ځل کلیساته ځي او د مسیحیت پر اوونه طی کوي ترڅو د آلمان دولت یا بل هر هیواد لپاره ثابت کړي چې ځان یې ډېر په خطر کې دی اما کله چې د خپلې کورنۍ او دوستانو ترڅنګ وي، مسلمان دی او د یو مسلمان په څېر په اسلامي عقیده باوري.



اوس زما پوښتنه له جناب محترم استاد څخه دا ده چې د داسې افرادو لپاره په اسلام کې څه حکم دی؟ آیا دوی ته مرتد ویل کېږي؟ آیا هغوی اوس هم مسلمانان دي؟ او یا هغوی یوازې کبیره گناه کړې ده؟

ستاسو د ځواب منتظر یم د حق په پنا کې اوسئ.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

بلې دا چې په عمدي او قصدي ډول یې کفر قبول کړی دی د اسلام له دین څخه وتلي او مرتد شوي دي ولو که قلبا یې هم نیت نه ؤ کړی... د علماؤ په اتفاق مرتد شوي دی او معامله یې د کافر او مرتد کېږي.. بنځې یې طلاقي شوې، له میراثه محروم دي او د مسلمانانو په

هدیره کچی به نه دفن کبری... او د غیر مسلمان ټول احکام پرې تطبیقېږي. په هغه صورت نه کافر کېدل چې په جبر او په غلطی یې په کفر اقرار کړی وای، لیکن د توبې دروازه پرانیستی ده.. چې توبه وکړي.



### نعمتها و عذاب قبر اصلا در روح انسان واقع می شود

آیا عذاب قبر روحانی است یا جسمانی؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، وبعد:

نعمتها و عذاب قبر اصلا بر روح انسان واقع می شود، لیکن بعض وقت بر روح و جسد انسان واقع می شود و روح به جسد انسان متصل میباشد و حاضر می شود.

و قبل از همه باید بدانیم که مستحق عذاب قبر اشخاص گنهگار و غیر مسلمان میباشند، و نعمتهای قبر به مسلمان و مؤمن جنتی تخصیص داده می شود و این عقیده مسلمان است و بخش از ایمان بروز آخرت است، و برای جنتی کلکین از باغهای جنت و برای دوزخی دریچه و کلکین از دوزخ باز می شود.

و در اصل عذاب و نعیم قبر بر روح واقع می شود و بارها روح به جسد وصل می شود و بر هر دو هم واقع می شود، و این نظر

شیخ الإسلام ابن تیمیہ و ائمہ اهل سنت و جماعت است، و اکثر علماء عقیده به همین نظر هستند.

هر وقت که انسان وفات شود در همان وقت قیامتش بر پا می شود در حدیث صحیح رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است: "إذا قبر أحدکم فقد قامت قیامته"، وقت که یکی از شما وفات شود و در قبر مانده شود قیامتش بر پا می شود به این معنی که اگر جنتی باشد از نعمتهای جنت مستفید می شود و اگر دوزخی باشد در عذاب باقی میماند.



### قبولی کشور غربی و آموختن زبان به قیمت دین مسلمان

یکی از خواهران شهر کابل چنین نوشته:

یکی از خیشاوندان ما در خارج است، میخواهد زبان انگلیسی را یاد بگیرد چون ضرور است در کورس شامل شده لیکن در کورس انجیل را بالای شان اجباری می خوانند لطفا رهنمائی کنید.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، وبعد:

دین و ایمان سرمایه دینی و اخروی مسلمان است و محافظت آن بر مسلمان فرض است در هر جای که قرار داشته باشد، و اگر

مسلمان دین و ایمان خود را از دست دهد، و ایمان و مسلمانی خود را بخاطر قبولی کشور غیر اسلامی و آموختن زبان آن بفروشد و بدل کند در آخرت یقیناً که در آتش دوزخ میسوزد، زیرا کافر شدن بعد از ایمان بزرگترین گناه است، خواندن و فرا گرفتن انجیل و خواندن این کتاب نسخ شده و تحریف شده ایمان مسلمان را متزلزل میسازد، و بر مسلمان فرض است که ایمان داشته باشد که قرآن کریم همه کتابهای آسمانی را نسخ کرده و آخرین کتاب آسمانی است، و نیز یقین داشته باشد که تورات و انجیل فعلی تحریف شده و دست خورده و احکامش بدل شده، و مسلمان همه عقائد، عبادات و معاملات و امور زندگی اش در قرآن کریم است، و حضرت محمد صلی الله علیه وسلم پیامبر اسلام همه امور دین مسلمان را بیان کرده و مسلمان ضرورت ندارد که به کتابهای منسوخ شده و یا نیز تحریف شده ادیان منسوخه مراجعه کند.

رسول الله صلی الله علیه وسلم از خواندن و نزدیک شدن این کتابهای تحریف شده منع نموده و در روایت حدیث صحیح ثابت است که "أن عمر بن الخطاب، أتى النبي صلى الله عليه وسلم بكتاب أصابه من بعض أهل الكتب، فقرأه على النبي صلى الله عليه وسلم فغضب وقال: «أمتهوكون فيها يا ابن الخطاب، والذي نفسي بيده لقد جئتكم بها بيضاء نقية، لا تسألوهم عن شيء فيخبروكم بحق فتكذبوا به،

أو يباطل فتصدقوا به، والذي نفسي بيده لو أن موسى كان حيا، ما وسعه إلا أن يتبعني»<sup>۱</sup>.

رسول الله صلى الله عليه وسلم روزی نزد حضرت عمر فاروق رضی الله عنه یک بخش از تورات را دید به قهر آمد و فرمود که آیا در شک استی، من برای تان دین صاف و پاک و سفید را آوردم و اگر موسی علیه السلام زنده می بود بغیر از پیروی و قبول کردن پیامبری من چاره ای نداشت.

بس برای مسلمان عادی که در علم شرعی متحبر نباشد جواز ندارد که تورات و انجیل را با خود داشته باشد و یا مطالعه کند.



<sup>۱</sup> - مسند أحمد، مسند المکثرین من الصحابة، مسند جابر بن عبد الله رضي الله عنه، شماره حدیث: (۱۵۱۵۶)، (ج ۲۳، ص ۳۴۹).



## هندوهای که سوختانده میشوند چی قسم عذاب قبر را می بینند؟

دو تن از خواهران در مورد عذاب قبر خواهان توضیحات شده اند.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، وبعد:

نعمتها و عذاب قبر اصلا بر روح انسان واقع می شود، لیکن بعض وقت بر روح و جسد انسان واقع می شود و روح به جسد انسان متصل میباشد و حاضر می شود.

و قبل از همه باید بدانیم که مستحق عذاب قبر اشخاص گنهگار و غیر مسلمان میباشند، و نعمتهای قبر به مسلمان و مؤمن جنتی تخصیص داده می شود و این عقیده مسلمان است و بخش از ایمان بروز آخرت است، و برای جنتی کلکین از باغهای جنت و برای دوزخی دریچه و کلکین از دوزخ باز می شود.

و در اصل عذاب و نعیم قبر بر روح واقع می شود و بارها روح به جسد وصل می شود و بر هر دو هم واقع می شود، و این نظر شیخ الإسلام ابن تیمیه و ائمه اهل سنت و جماعت است، و اکثر علمای عقیده به همین نظر هستند.

هر وقت که انسان وفات شود در همان وقت قیامتش بر پا می شود در حدیث صحیح رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است: " إذا قبر أحدکم فقد قامت قیامته"، وقت که یکی از شما وفات

شود و در قبر مانده شود قیامتش بر پا می شود به این معنی که اگر جنتی باشد از نعمتهای جنت مستفید می شود و اگر دوزخی باشد در عذاب باقی میماند.

خوب سوال اینجاست که کسانی که در دریا غرق می شوند، و یا توسط حیوانات درنده خورده می شوند و یا دفن نمی شوند و در یخچال های شفاخانه میمانند آیا نعیم و یا عذاب قبر را میبینند؟

در این شکی نیست که هر انسان به اندازه گناه و عمل زشت و بد خود جزای اعمال خود را در قبر میبیند و عذاب می شود روح و جسدش و لوکه در آب دریا هم غرق شود و یا اینکه توسط حیوانات درنده خورده شود و از هیچ بخش از جسدش آثاری باقی نمانده باشد و یا اینکه در یخچال های شفاخانه بماند و تدفین نشود و یا و جسدش سوختانده و خاکستر شود، دفن نشدن بمعنای معافیت از عذاب قبر نیست.

بقدرت الله متعال و امر و دستور او تعالی برای مسلمان و نیکوکار پاداش داده می شود و از نعمتهای قبر بهره مند و مستفید می شود و کلکینهای باغهای جنت برویش باز می شود، اما انسان گنهگار که مستحق عذاب قبر بوده باشد نیز عذاب و جزای خود را می بیند در قبر و لوکه دفن نشده باشد، و کیفیت آنرا الله متعال میداند، عذاب بر روح و جسد میباشد.



### شیوه مشروع ثواب رسانی به مرده

برادر محترم ما عبد الولی صافی از کابل چنین سوال نموده:

والد صیب می وفات شو خو زما په فکر لمونځ پی شاید نه وی  
قضا کړی اما په آخر ورځو کی لمانځه کې خطاء کېده او هم د تیمم  
توان پی نه لرلو یوازې لمونځ به پی په اشاره کولو ددی حالت یعنی  
سخت مرض ۸ ورځی جریان درلودلو.

آیا د پورته موضوع په رابطه کومه فدیة یا خاص څه شته او  
کنه؟ زه څه وکم؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، وبعد:

شیوه مشروع ثواب رسانی به مرده قرار ذیل است:

مسلمان می تواند برای برادر میت خود ثواب اعمال ذیل را  
اهداء کند:

۱- می تواند برایش دعای مغفرت و طلب جنات الفردوس  
نماید، بهترین وسیله و سلاح دعا است.

۲- می تواند برای فقیران و محتاجان و مسکینان، یتیمان،  
صدقه بدهد و ثوابش را برای این والد میت و یا اقارب میت خود  
اهداء کند، ثوابش این هم میرسد برای مردگان مسلمان.

۳- می تواند برایش حج و عمره کند یعنی به نیابت از مردگان، ثوابش برای شان میرسد.

۴- می تواند برای پدر میت خود وقف خیری کند، برای مساجد فرش بخرد، چاه آب آشامیدنی در مواقع ضرورت جاری کند، کتابهای دینی را بخرد و توزیع کند.

۵- می تواند بعد از نمازهای فرض و در اوقات استجابت دعاء برایش دعای مغفرت کند، مثلاً بعد از نمازیهای فرض، و در بین آذان و اقامه، و بعد از سوم حصه شب، و در وقت افطار کردن روزه، و در ساعت اخیر روز جمعه.

نیز وصیت مشروع او را تنفیذ کند، قرضهایش را ادا کند در صورتیکه قرضدار باشد، و اگر روزه قضائی داشته باشد یا قضائی اش را بگیرد و یا اینکه فدیة بدهد.



### بخاطر پناهندگی خود را مسیحی معرفی کرده، آیا مرتد شده؟

یکی از دوستان دانشمند علمای ولایت پنجشیر که برایش سوال رسیده و خواهان رهنمای شرعی شده چنین نوشته را فرستاده:

چگونه توبه کنم نماز خوانده نمیتوانم بخاطریکه ده کیس خود را مسیحی معرفی کردیم چه کار کنم نمیدانم، اگر به نماز روی بیارم به کیسم صدمه میزند؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، وبعد:

مسلمان مقیم کشورهای غیر اسلامی که عبادات و فرائض الله متعال را بجا آورده نتواند، دین و ایمانش را در نتیجه اباحت، فحشاء، شراب نوشی، خوردن گوشتهای حرام و آزادی که با ایمان ضعیف و نبود علم شرعی و تقوا و پرهیزگاری کامل دین خود را از دست دهد برای این شخص حرام است که در آنجا بود و باش کند و بالایش فرض است که از آنجا به کشور اسلامی منتقل شود، و اگر مرتد شود در روز قیامت برای ابد در آتش دوزخ می سوزد.

وکسی که بدون جبر، اکراه و اعمال فشار تلفظ کند که غیر مسلمان است از نظر فقهاء مرتد می شود و همه احکام مرتد و غیر مسلمان بالایش تطبیق می گردد زیرا که باختیار و رضایت خود اقرار نموده، اما مسأله که مسلمان جبرا بالایش تحمیل شود در آن صورت کافر نمی شود، الله متعال فرموده است: "مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مَنْ أُكْرِهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ وَلَكِنْ مَنْ شَرَحَ بِالْكُفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِّنَ اللَّهِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ"<sup>۱</sup> کسی بعد از ایمان آوردن و مسلمانی کافر شود مگر اینکه توسط جبر، اکراه و اعمال

<sup>۱</sup> - سوره نحل: ۱۰۶.

فشار وزور مجبور شود به اقرار کردن به کفر لیکن قلباً مؤمن باشد کافر نمی شود، لیکن کسانی که به انشراح قلب و رضایت و بدست آوردن دنیا کافر شوند مورد قهر و غضب الله متعال قرار میگیرند که در آخرت عذاب برزگ و دردناک در انتظارشان است که همانان آتش دوزخ میباشد.

انسانی که به اختیار خود و بخاطر بدست آوردن منفعت دنیایی از دین مبین اسلام بیزاری خود را اعلان میکند و حرف و سخنی را بزبان میآورد که سبب ناخوشنودی الله متعال گردد و علناً خود را به مسیحیت و نصرانیت نسبت میدهد یقیناً که آتش دوزخ جایگاهش است، رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح که امام بخاری روایت کرده فرموده است: "إِنَّ الْعَبْدَ لَيَتَكَلَّمُ بِالْكَلِمَةِ مِنْ رِضْوَانِ اللَّهِ تَعَالَى مَا يُلْقِي لَهَا بِالْأَلْفِ يَرْفَعُ اللَّهُ تَعَالَى بِهَا دَرَجَاتٍ، وَإِنَّ الْعَبْدَ لَيَتَكَلَّمُ بِالْكَلِمَةِ مِنْ سَخَطِ اللَّهِ تَعَالَى لَا يُلْقِي لَهَا بِالْأَلْفِ يَهْوِي بِهَا فِي جَهَنَّمَ"<sup>۱</sup> بنده حرفی میزند بخاطر خوشنودی و رضایت الله متعال با وجودیکه حرفش نزد خودش اهمیت نمی داشته باشد لیکن الله متعال بخاطر این حرف نیکویش مقامات بلند و درجات عالی را در جنت نصیبش میگرداند، و به همین قسم بنده حرفی میزند که سبب ناخوشنودی الله متعال میگردد و این بنده متوجه این نمی باشد که حرف و سخن و موقفش خطرناک است، الله متعال با این حرفش او

<sup>۱</sup> - صحیح البخاری، کتاب الرقاق، باب حفظ اللسان، شماره حدیث: (۶۴۷۸)، (ج ۸،

را در جهنم میندازد، اینها نسبت دادن خود را به مسیحیت و نصرانیت آسان فکر میکنند لیکن نزد الله متعال بزرگ است و آنها بطرف دوزخ سوق میدهد: "وَتَحْسَبُونَهُ هَيِّنًا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ" <sup>۱</sup> شما آسان فکر میکنید لیکن نزد او تعالی بس بزرگ است.



### در کدام حالت تشبه و همنوایی به غیر مسلمان متحقق شود؟

برادر محترم و دعوتگر ما گل احمد هاتف عضو هیئت رهبری و مسائل تربیت نهاد جوانان مسلمان نجم چنین بحث و سوال را مطرح نموده و علماء و دانشمندان دین را دعوت داده اند که اظهار نظر نمایند و مشخص سازند که در کدام حالت تشبه به غیر مسلمان متحقق می شود و مقیاس شرعی آنرا تعیین نمایند؟

علما کرامو د غیرو مسلمانو سره د حرام مشابہت حدود شه دی؟ کوم موضوعاتو کی باید مشابہت ونسی۔؟ آیا ددې مشابہت لپاره پولی او حدود منصوسی دی؟ حکم مونیږ خو ډوډی هم د هغوی په شان خورو، طیاره او موټر هم د هغوی په شان چلوو او داسی نور مسایل... داسی ملایان می هم لیدلی چی د کالیو ډبل کالری د کفارو سره مشابہت حکم کی راوستی، داسی ملایان می لیدلی چی پتلون یی د هغوی سره مشابہت کی راوستی، او حرام

<sup>۱</sup> - سوره نور: ۱۵.

بی بللی، او نور ملایان لرو چی دا دواړه حرام نه بولي. هیله علما کرام دا موضوع واضح کړي. الله دی ټولو ته اجر و پاره ورکړي.

نوټ: دلته می د یو خو هغو علما کرامو ای ډیانی ورسره ټک کړي چی زما لپاره مطمئن او سل سلنه باوري دی، نو د هغوی څخه ددی ټک کولو لپاره بڅښنه غواړم.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، وبعد:

الله متعال تشبه، هم مثلی وهنوايي مسلمان را با غير مسلمان حرام گردانیده تا اینکه مسلمان از غير مسلمان فرق شود، لبس و ابهام وجود نداشته که مسلمان با تقوا و مؤمن موحد که شب و روز را در عبادت او تعالی سپری میکند از غير مسلمان که مثالش از چهارپایان و حیوانات کرده هم گمراهتر گفته شده در شریعت تمیز شود، الله متعال فرموده است: "أم تحسب أن أكثرهم يسمعون أو يعقلون إن هم إلا كالأنعام بل هم أضل سبيلاً" <sup>۱</sup> آیا شما احساس میکنید که اکثریت آنها میشوند و عقل دارند نه هرگز چنین نیست بلکه آنها مثل چهارپایان و حیوانات هستند بلکه گمراه تر هستند از حیوانات در تصرفات خود ولو شکل ظاهری شان انسان است، این در حقیقت یک تحذیر است برای مسلمان که از مشابهت و هم مثلی غير مسلمان خود داری کند.

<sup>۱</sup> - سوره فرقان: ۴۴.



واین امر بزبان پیامبر اسلام محمد رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح اعلان شده که این نص حدیث شریف است: "مَنْ تَشَبَهَ بِقَوْمٍ فَهُوَ مِنْهُمْ"<sup>۱</sup> هر کسیکه به قومی و مردمی تشبه و همنمویی و هم مثلی کند از جمله آنها حساب می شود، به این معنی که یا بشكل کلی و یا بشكل جزئی صفات خود را از دست میدهد و در قطار آنها شامل میشود و از رحمت و یاری او تعالی محروم میماند زیرا نافرمانی الله متعال را نموده.

واین تشبه در رفتار، گفتار، لباس و غیره میباشد، مثلاً اگر مسلمان مثل رفتار غیر مسلمان رفتار نماید، و در اقوال و گفتار خود نیز آداب اسلامی را مراعات نکند و غیر مسلمان را تقلید کند، و لباسش هم مثل آنها باشد که از غیر مسلمان فرق نشود و در عین حالت اظهار محبت و دوستی آنها در قلب و نیتش جا گرفته باشد که گویا غیر مسلمان را الگو و قدوه خود قرار داده است در این حالت تشبه به غیر مسلمان تحقق می یابد.

حرام بودن تشبه در مسائلی است که از خصائص و صفات و عادات خاص غیر مسلمانان باشد که مسلمان در آن شریک نباشد و آن صفات و خصائص در زندگی مسلمانان دیده نشود و ضرورت نداشته باشند.

<sup>۱</sup> - سنن أبي داود، كتاب اللباس، باب في لبس الشهرة، شماره حدیث: (۴۰۳۱)، (ج ۴، ص ۴۴).

تنها خاص از خصائص و صفات و اعمال غیرمسلمان باشد و اگر مسلمان هنگام انجام کار و عملی دیده شود که گمان و توقع رود که او از جمله غیر مسلمانان است زیرا کاری را انجام میدهد که تنها غیر مسلمان آنرا می کند و بعید بنظر می رسد که مسلمان مرتکب آن شود این حالت تشبه است.

اما صفات، اعمال و عادات و تقالید مشترک که در بین مسلمان و غیر مسلمان مروج است آن در این مشابَهت شامل نیست، مثل پوشیدن نکتایی، پتلون، نان خوردن با قاشق و بالایی میز.

در شرائط امروزی واقع معاصر متأسفانه مثالهای زنده تشبه به غیر مسلمانان دیده می شود خصوصاً در مراسم و محافل عروسی، نامزادی، سالگره ها، تجلیل از روزهای معین و آنرا صبغه دینی دادن در حالیکه در دین مبین اسلام اساس و مشروعیت ندارد، و نیز در لباس و آرایش مثل خالکوبی، ابرو چینی، پوشیدن لباسهای برهنه.

در بخش عقائد، طلب حاجات و حل مشکلات از قبرها و زیارتها، بند گرفتن، رفتن نزد جادوگران، فالبینان، کفشناسان، این همه عقاید خرافاتی و شرکی است.

در بخش مطبوعات و رسانه تشبه شدید وجود دارد که فحشاء و منکر و بی حیایی و بی حیایی بشدت رواج دارد که خود تشبه صریح به غیر مسلمانان است.

در بخش حکومتداری وجود فساد ورشوت، بی عدالتی، کار را به غیر اهلش سپردن، اختلاط شدید زنان و مردان نامحرم.

در بخش بانکداری و مالیات و بازار سود خوری به پیمانہ وسیع.

در بخشهای سیاسی قتل و کشتار مردم به شکل بی رحمانه و به شیوه فرعونى و قرون وسطائى که خود تشبه به اعمال فرعونى و غیر مسلمانان دارد که اصلاً این جاهلان و کور دلان رحم ندارند، کار بشار الأسد و پوتین در سوریه میکند اینها در شفاخانه چهار صد بستر کابل کردند.

این همه اعمال مشابه به اعمال جاهلیت قبل از اسلام و غیر مسلمانان است زیرا دین مبین اسلام از همه این جنابات برائت خود را اعلان میکند.

لهذا تشبه به غیر مسلمانان را تنها در محفل نوروزی و یا تجلیل از روز زن منحصر کرده نمی توانیم.



## دریافت کردن پول از کلیسا

محصل هموطن ما مقیم در جرمنی چنین سوال تکان دهنده

نوشته:

من از افغانستان به جرمنی رفتم و در آنجا درس می خوانم  
وماهانه مبلغ ۵۰۰ یورو برایم میدهد آیا گرفتن این پول جواز دارد  
..آنها مبلغین را برای درس دادن انجیل روان میکنند وهمچنان ما  
را به کلیسا میبرند که تبلیغ شان را بشنویم ؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله وبعد:

برای شما جواز ندارد که این کمک مالی کلیسا را دریافت  
کنید زیرا وظیفه کلیسا پروتستانت همانا تبلیغ و دعوت برای  
نصرانیت است و همان پول و پیسه و کمک مالی را برای شما از اینرو  
میدهند که قلبهای شما را کسب کنند و شما را آماده قبولی دیانت  
منحرف خود بسازند و یا اقلا در شک و تردید واقع کنند و حساسیت  
که بخاطر مسلمانی در مقابل آنها دارین از بین ببرند، در نهایت امر  
شما را ذلیل بسازند ..وهمین روش را با هموطنان ما که در  
کمپهای مهاجرت جرمنی بسر می برند به پیش می برند و برای من  
بنده فقیر پیامهای رسیده از آنجا که انجیل توزیع می شود و نیز  
مبلغین نصرانیت بر علاوه از دعوت و تبلیغ در داخل کمپها آنها را  
به کلیسا می برند که از دین مبین اسلام روگردان کنند و بالاخره  
دین منسوخ شده، شرکی و منحرف نصرانیت را قبول کنند..واجب

این هموطنان ما که علم شرعی و ثقافت اسلامی درست ندارند این است که پس برگردند که - نعوذ بالله - که ذوب نشوند و دین خود را از دست ندهند.



### کار کردن در سریالهای نصرانیت

یکی از دوستان سوال نموده:

در سریال مسیح علیه السلام آیا جایز است که کار کنیم یا خیر؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله أما بعد:

این سریالها اکثرا با خود عقائد و نظریات شرکی و انحرافی دارد و در مخالفت صریح با دین مقدس اسلام قرار دارد و عیسی علیه السلام که بنده و پیامبر الله متعال بود او را فرزند و بعض وقت به خدائی خطاب می کنند.. الله متعال فرموده است: "إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ"<sup>۱</sup>.



<sup>۱</sup> - سوره نساء: ۱۷۱.

**اگر کسی به نیت و اعتقاد حصول ثواب به کلیسا می‌رود مرتد می‌شود**

بعض افغانهای ما در آلمان به کلیسا می‌روند که ثواب دارد من آنها را منع کردم گفتند که تو عالم نیستی، لطفا رهنمائی کنید من برای شان می‌رسانم.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

فقهای اسلام به این نظر هستند که هر شخص که معتقد باشد به این که رفتن در کلیسا ثواب دارد و کارهای که در کلیسا انجام داده می‌شود اعمال نیک و صالح است مرتد می‌شود و از دین مبین اسلام خارج است نکاح خانمش فسخ می‌شود و بودنش با این شوهر حرام است، و نیز این شخص مرتد از میراث محروم شمرده می‌شود و همه احکام غیر مسلمان بالایش تطبیق شود و معامله غیر مسلمان گردد.



## شرکت کردن مسلمان در کرسمس

برادر عزیز و محترم ما نوشته که:

یک پست یا نوشته در باره کرسمس نشر کنید.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله أما بعد:

اولا: از این تشکری میکنم از احساس دعوتی خوب شان .

ثانیا: برای مسلمان جواز ندارد که در عید کریمس شرکت کند و در محفلی حضور یابد و یا در عید سال میلادی جدید با غیر مسلمان همنوائی نموده برایش تبریکی بدهد، الله متعال مسلمان را از حضور مجالس لهو و بیهوده و مجالس که در آن نافرمانی او تعالی می شود منع کرده: "وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا"<sup>۱</sup> از صفات مؤمنان راستین این است که اگر به مجالس لهو و بیهوده و نافرمانی او تعالی و رسولش روبرو شود از آنجا با عزت و سربلند عبور میکند و این نوع مجالس نامشروع که حیثیت مجالس دروغین و باطل را دارد را تحریم میکند.

<sup>۱</sup> - سوره فرقان: ۷۲.

در این محافل و مجالس صلیب را تعظیم و تقدیس می نمایند و به الله متعال شرک میاورند و معتقد هستند که عیسی علیه السلام اله و نیز و فرزند الله است.

خلیفه راشد حضرت عمر فاروق رضی الله عنه مسلمانان از شرکت کردن در مجالس و محافل عبادتی غیر مسلمانان منع نموده و در اثر صحیح که امام بیهقی در کتاب سنن کبری نوشته فرموده اند: "اجتنبوا أعداء الله في عيدهم"<sup>۱</sup> در محافل عید و خوشی غیر مسلمان حضور نیابید.



### موقف اهل سنت در مورد اختلافات واقع شده میان صحابه

ده ها تن از هموطنان عزیز ما سوالاتی را در مورد وقائع تاریخی که در میان صحابه کرام و تابعین رخ داده است مطرح نموده و خواهش توضیح و روشن ساختن موقف شرعی اهل سنت و جماعت در این مورد شده اند.

<sup>۱</sup> - أخرجه البيهقي في السنن الكبرى، كتاب الجزية، باب كراهية الدخول على أهل الذمة في كنائسهم والتشبه بهم يوم نيروزهم ومهرجائهم، شماره حديث: (۱۸۸۶۲)، (ج ۹، ص ۳۹۲).



الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

صحابه کرام رضی الله عنهم جمعا همه شان عدول هستند،  
وآنها که حاملین وناقلمین شریعت و دین مبین اسلام بودند بهترین  
مردمان این امت نیز بودند، محبت و دوستی ایشان تقاضای دین  
وایمان است و بغض و دشمنی با ایشان از نشانه های کفر و نفاق  
است.

در مورد مشاجرات و ابتلاءات و وقائع تاریخی که در بین شان  
رخ داده موقف شرعی اهل سنت و جماعت این است که باید  
خاموشی را اختیار نمود، واز بحث و مناقشه و اشتغال در آن باید  
خود داری و اجتناب نمود، تا اینکه بر قدر و منزلت ایشان بطور  
دانسته و یا نادانسته جرح و قدح و بی ادبی و بی احترامی وارد نشود.

آنها کسانی بودند که مورد مغفرت الله متعال قرار گرفته اند،  
و او تعالی از آنها راضی است و ایشان از الله رب العزت نیز به رضایت  
کامل از جهان فانی رفته اند و از نعمتهای باغهای بهشت بهره مند  
میشوند که برای آنها آماده شده و این کامیابی برزگ برای آنها  
و کسانی که پیروی و متابعت آنها را می نمایند و در راه و روش  
و منهج شان روان هستند، شمرده میشود به نص قرآن کریم:  
"والسابقون الأولون من المهاجرین والأنصار والذین اتبعوهم یا حسان رضی"

اللّٰهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ"¹.

دوستی و محبت با صحابه کرام در اقتدا به ایشان و پیروی نقش قدم شان در علم و عمل و دعوت تحقق پذیر است نه در دشمنی و دشنام دادن بعض شان و اظهار محبت و دوستی با بعض دیگر مطابق شیوه ها و روشهای جاهلیت که حتی به شرک میرسد.



### موقف اهل سنت و جماعت در مورد کسانی که مرتکب گناه کبیره می شوند

یکی از برادران دینی ما از ولایت بلخ سوال نموده:

آیا کسی که مرتکب گناه کبیره می شود کافر میشود؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

مرتکب گناه کبیره از ایمان خارج نمی شود، چنین شخص در دنیا مؤمن ناقص الإیمان است، و در آخرت تحت مشیئت الهی

¹ - سورة التوبة، الآية: ۱۰۰.

میباشد، اگر او تعالی بخواهد عفو میکند و اگر اراده کند عذاب خواهد شد شخص مرتکب گناه کبیره.

مصیر و سرنوشت همه موحدین و یکتاپرستان جنت و بهشت است ولو که به آتش دوزخ عذاب شوند به سبب بعض گناهان، و هیچ مسلمان موحد برای همیشه در دوزخ نمی ماند.

تنها غیر مسلمانان و کسانی که به الله متعال شرک میاورند در آتش دوزخ برای همیشه می سوزند.. الله متعال فرموده است: "إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ"<sup>۱</sup>، یقیناً او تعالی مغفرت نمی کند و نمی بخشد گناهان کسی را که به او شرک میاورد.

نیز فرموده است: "إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ"<sup>۲</sup>.

کسی به الله متعال شرک میاورد جنت و بهشت را بر او حرام گردانیده و جایگاهش آتش دوزخ است و مشرکین در این روز یار و مددگار ندارند.



۱ - سوره النساء، الآية: ۴۸.

۲ - سورة المائدة، الآية: ۷۲.

## چگونه در عمر پیوسته دارنده صله رحمی فزونی داده می شود؟

یکی از علمای کرام از دره غوربند ولایت پروان چنین سوال نموده:

جناب فقاہت مآب استاد محترم ما در جمعی از مولوی صاحبان و استادان مدرسه ما حدیث شریف را ببحث و مناقشه علمی گرفتیم در عمر کسی که صله رحم دارد فزونی و زیادت میشود لیکن در مورد چگونگی آن نظریات مختلف ارایه شد که خواهان همکاری شما شدیم لطف نموده شما هم نظر خود را ارایه کنید، منتظر جواب تان استم که چگونه در عمر پیوسته دارنده رحم فزونی داده می شود؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله أما بعد:

پیوسته داشتن رحم یعنی روابط فامیلی، نیکی، همدردی، همکاری کردن با نزدیکان شخص از سوی پدر و مادرش خواه محرم باشند یا غیر محرم، وارث باشد یا غیر وارث، از جانب پدر باشند یا از سوی مادر، این شریعت صله رحم می نامد، رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح فرموده است: "من أحب أن یسقط له فی رزقه، و ینسأله فی أثره، فلیصل رحمه"<sup>۱</sup>.

<sup>۱</sup> - أخرجه البخاري في صحيحه، شماره حدیث: (۵۹۸۶)، ج ۸، ص ۵.

آنکه دوست دارد که در روزی او برایش گشایش آورده شود و در اجلش تأخیر کرده شود، باید رحم و صلة قرابت خویش را پیوسته بدارد.

همچنان در حدیث صحیح دومی می فرماید: "صلة الأرحام و حسن الجوار، و حسن الخلق، تعمر بها الدیار و تزداد بها الأعمار"<sup>۱</sup>.

با صلة ارحام (پیوسته داشتن روابط فامیلی) و همسایگی نیک و اخلاق نیک، سرزمین آباد می شود و بوسیله آن عمرها فزونی می یابد.

همچنان از ابوهریره در روایت صحیح آمده که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: "تعلموا من أنسابکم ما تصلون به أرحامکم، فإن صلة الرحم محبة فی الأهل، مشارة فی المال، منسأة فی الأثر"<sup>۲</sup>.

از نسبهای خویش بدانید آنچه بدون رابطه های قرابت و صلة ارحام خویش را پیوسته بدارید؛ زیرا صلة رحم، محبت و دوستی در خانواده و سبب ثروت اندوزی و تأخیر افکنده شدن اجل می باشد.

<sup>۱</sup> - رواه أحمد، شماره حدیث: (۲۴۰۹۸)، وصححه الألبانی فی صحیح الترغیب والترهیب، ج ۲، ص ۳۳۶.

<sup>۲</sup> - أخرجه الترمذی فی سننه، شماره حدیث: (۱۹۷۹)، ج ۴، ص ۳۵۱.

فرموده اش: (ینسأله فی أثره) معنایش این است که برای او در اجلس تأخیر داده می شود و اجل را اثر گفته برای آنکه خود به دنبال عمر می رود و این تأخیر در اجل و زیادت در عمر چگونه متحقق میشود، علمای علم عقیده و شارحین حدیث این پاسخ آنرا به پنج شیوه ذیل داده اند که خدمت خوانندگان محترم تقدیم میکنم:

۱- اینکه این زیادت کنایه از برکت در عمر است و آن هم به سبب توفیق یافتن برای طاعت و محفوظ ماندن از معصیت و مصون ماندن از کوتاهی و هدر دادن امکانات و آباد ساختن وقت خویش به آنچه در دنیا و آخرت برایش سودآور است. چنانکه برای علمی نافع یا جهادی مبارک یا صدقه جاریه یا فرزندی صالح و شایسته یا غیر آن از فضیلتها و موهبتهایی که پاداشش برای او می ماند و بدان قدر و مقام او در پیشگاه خداوند متعال و خلق افزوده می شود، توفیق داده شود.

مانند آنست آنچه از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت شده از اینکه عمرهای امت او نسبت به عمرهای امتها و ملل گذشته کوتاهتر است. که در عوض خداوند برای شان لیلۃ القدر را داد؛ این شب مبارکی که در ساعات اندک آن پاداشهایی بزرگ و خبرهای

بسیاری بدست می‌آید که در حفرار ماه سوای آن حاصل نمی‌شود،  
 "وما أدراك ما ليلة القدر، ليلة القدر خیر من ألف" <sup>۱</sup>.

و تو چه دانی شب قدر چیست؟ شب قدر بهتر از هزار ماه  
 عادی است.

فشرده اینکه: خداوند در عمر پیوسته دارنده صله رحم برکت  
 نهاده؛ او را یاری می‌کند و توفیق می‌دهد و هدایت نموده؛ بر راه  
 حق استوار می‌دارد، از این‌رو خیر و پاداش و عزت و کرامتی را در  
 دنیا و آخرت بدست می‌آورد که قاطع پیوند رحم و نافرمانی در  
 برابر والدین آن را کسب کرده نمی‌تواند هرچند عمرش چندین  
 برابر عمر و اصل رحم باشد.

برخی از مردم به صد سال یا بیشتر زندگی می‌نمایند و بهره  
 اش از آن از چند سال تجاوز نمی‌کند. بنابراین، طول عمر با  
 زیادت ماهها و سالها نیست ولی به برکت در آن نهفته است  
 چنانکه گشایش روزی به فراوانی و ازدیاد آن نیست بلکه به این  
 است که در آن برکت نهاده شود.

۲- اینکه هدف از زیادت، زیادت حقیقی است و این نیز نسبت  
 به علم فرشته ای است که موظف به عمر می‌باشد. اما تقدیر  
 نخستنی که آیه بر آن دلالت می‌کند. نسبت به علم الله متعال می

<sup>۱</sup> - سورة قدر، الآية: ۲-۳.

باشد. مانند اینکه برای فرشته گفته شود: "عمر فلانی صد سال است هرگاه صله رحم خویش را پیوسته داشت و گرنه او شصت سال می‌باشد"، در حالی که سابقه در علم خدا این مطلب وجود دارد که او صله اش را پیوسته می‌دارد یا قطع می‌کند.

بنابراین، آنچه در علم خداست پیش و پس نمی‌شود و آنچه در علم فرشته است؛ و در آن امکان زیادت و کمی وجود دارد. که خداوند در این آیه بدان اشاره می‌کند: "يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ"<sup>۱</sup>.

الله متعال آنچه را خواهد محو می‌کند و (یا) ثابت می‌سازد و اصل کتاب نزد اوست.

محو و اثبات نسبت به چیزی است که در علم فرشته وجود دارد، و آنچه (ام‌الکتاب و لوح محفوظ) وجود دارد به هیچ صورت محو نمی‌شود که برای آن قضای قطعی گفته می‌شود اما برای اولی قضای معلق گفته می‌شود.

۳- اینکه خداوند برایش زبان صدق و ستایش و سپاس قرار می‌دهد و فضیلت او در زندگی و پس از مرگش شدت می‌یابد و به محض مردن نام و یاد او از خاطره‌ها زدوده نمی‌شود همانگونه که در مورد قاطع رحم صورت می‌گیرد، ذکر و نام نیک برای انسان

<sup>۱</sup> - سورة رعد، الآية: ۳۹.



عمر دوم بشمار می رود و مادامی که نام نیک انسان باقی باشد، پیوسته انسان زنده می‌باشد.

شاعری چه خوش سروده:

دقامت قلب المرء قائله له تک تک های قلب انسان برایش می  
گوید:

إن الحیاء و قائق و ثوانی همانا زندگی دقیقه ها و ثانیه های  
است و بس!

فارفع لفسک بعد موتک ذکرها پس بمان برای خویش بعد از  
مرگت یادش را

فالذکر للإنسان عمر ثانی یاد نیک و خوب برای انسان عمر  
دوباه بشمار می رود.

بسا انسان‌هایی وجود دارند که هنوز زنده اند و نام نیک شان  
برده می شود و آثار شان شاهد مقام و فضل و جایگاه شان است،  
در حالی که آنان از صدها سال به اینسو در بستر خاک آرمیده اند  
در حالی که برعکس آنان افرادی وجود دارند که هنوز در روی  
زمین زنده هستند ولی در شمار مردگان اند، و آن هم به دلیل بی  
ارزشی و گمنامی شان.

چه خوش سروده شاعر آنجا که می گوید:

و أفضل الناس من بين الوری رجل بهترین مردم در میان خلق.

تقاضی علی یده للناس حاجات مردی است که بوسیله او و بادستان او نیاز های مردم بر آورده میشود.

قدمات قوم و ماماتت مکارمهم و کسانی هستند که مرده اند و نیکیهای شان نیز وجود ندارد .

و عاش قوم و هم فی الناس أموات عده ای مرده اند در حالی که بزرگواری های شان نمرده و قومی می زیند در حالی که در میان مردم در شمار مردگان اند.

ابن القیم رحمه الله می گوید: (و از بزرگترین نعمت های خداوند بر بنده این است که در میان جهانیان نامش را برکشد و مقامش را بلند برد و برای همین است که: خداوند پیامبران و رسولان خویش را در این مورد به گونه ای اختصاص داده که برای غیرشان میسر نمی باشد).

چنانکه می فرماید: "وَأَذْكُرْ عِبَادَنَا إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ أُولِي الْأَيْدِي وَالْأَبْصَارِ ، إِنَّا أَخْلَصْنَا لَهُمْ بِخَالِصَةِ ذِكْرِي الدَّارَ"<sup>۱</sup>.

و به بندگان ما ابراهیم و اسحاق و یعقوب را که نیرومند و دیده ور بودند، یاد کن. ما ایشان را به ویژگی یاد کردن آن جهان و ایمان به آن پاک و خالص گردانیدیم.

یعنی برای شان ویژگی ای بخشیدیم و آن نام نیکی است که در این سرای (دنیا) بدان یاد می شود و همین خود لسان صدقی است که ابراهیم علیه السلام کسب نمود؛ آنگاه که گفت: "وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ"<sup>۲</sup>.

و بعد از مردن من در میان دیگران (آیندگان) نام نیک و آوازه بلند قرار داده.

همچنان خداوند در مورد او و فرزندانش می فرماید: "وَوَهَبْنَا لَهُمْ مِّن رَّحْمَتِنَا وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا"<sup>۳</sup>.

و از رحمت خویش به ایشان بخشیدیم و برای آنان در میان مردم نام نیکو و آوازه بلند قرار دادیم.

<sup>۱</sup> - سوره ص، الآیة: ۴۵-۴۶.

<sup>۲</sup> - سوره شعراء، الآیة: ۸۴.

<sup>۳</sup> - سوره مریم، الآیة: ۵۰.

و برای پیامبرش محمد رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود:  
 "وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ"<sup>۱</sup>، و یاد و نام تو را برایت بلند کردیم.

از این رو، پیروان انبیاء و رسل نیز بر حسب میراث شان از طاعت و متابعت خود از آنان بهره ای از این دارند و هر آن که با آنان مخالفت ورزید، بر حسب مخالفت و معصیت خویش از این نعمت و از این نام نیک بدور است.

۴- اینکه برایش او اولاد صالحی داده شود که نامش را بلند برند و پس از وفاتش برایش دعا نمایند.

۵- اینکه هدف از زیادت عمر نفی آفات و بلیات از فرد نیکوکار، در جسم و عقل و مال و خانواده اش می باشد.



<sup>۱</sup> - سورة الشرح، الآية: ۴ .

## لعنت گفتن به زمانه و دشنام دادن آن گناه دارد

یکی از هموطنان عزیز ما از ولایت هرات سوال نموده:

استاد گرامی آیا لعنت گفتن به زمانه گناه دارد لطفاً با دلیل جواب بگویید؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

دشنام دادن زمانه هنگام سختیها، مصائب و مشکلات از عادات جاهلیت قبل از اسلام بوده رسول الله صلی الله علیه وسلم در احادیث صحیح از دشنام دادن زمانه و وقت منع نموده و تحذیر کرده و فرموده است: "لا تسبوا الدهر فإن الله هو الدهر"<sup>۱</sup>.

زمانه را دشنام ندهید که خالق مشکلات و مصابی که در آن واقع میشود الله متعال است زیرا دشنام بر خالق آن واقع میشود.

و در روایت دومی فرموده است: "لا يسب أحدكم الدهر فإن الله هو الدهر"<sup>۲</sup>.

هیچ یکی از شما زمانه را دشنام ندهد که خالق زمانه او تعالی است.

۱ - أخرجه مسلم في صحيحه، شماره حدیث: (۲۲۴۶)، ج ۴، ص ۱۷۶۳.

۲ - أخرجه مسلم في صحيحه، شماره حدیث: (۲۲۴۷)، ج ۴، ص ۱۷۶۳.

ودر روایت سومی فرموده است: "لا يقولن أحدكم يا خيبة الدهر فإن الله هو الدهر"<sup>١</sup>.

هرگز هیچ یکی از شما زمانه را متهم به بدبختی و زیان و نقصان نکند زیرا هر کاری که در زمانه و وقت رخ میدهد و واقع میشود به تدبیر و امر خالق او است.

ودر روایات چهارمی فرموده است: "قال الله عز وجل : يؤذيني ابن آدم يقول يا خيبة الدهر فلا يقولن يا خيبة الدهر فأنا الدهر أقلب الليل والنهار فإذا شئت قبضتهما"<sup>٢</sup>.

الله متعال فرموده است انسانی که وقت و زمانه را متهم به بدبختی و زیان میکند و هنگام مصائب و مشکلات دشنام میدهد در حقیقت به ذات من اذیت میرساند زیرا من خالق دهر و زمانه و وقت استم و شب و روز را مبدل میسازم و اگر بخواهم هر دوی شانرا در قبضه خود میگیرم و ایستاد می نمایم.

زمانه و وقت و دهر از اسماء الله الحسنی یعنی نامهای الله متعال نیست لیکن حوادث و وقائع و مصائب و مشکلاتی که در آن رخ میدهد و بوقوع میپیوندد به امر الله متعال میباشد و هر کسی که معتقد به این باشد که زمانه خالق این وقائع و حوادث و مشکلات

١ - أخرجه مسلم في صحيحه، شماره حدیث: (٢٢٤٦)، ج٤، ص ١٧٦٣.

٢ - أخرجه مسلم في صحيحه، شماره حدیث: (٢٢٤٦)، ج٤، ص ١٧٦٢.

است و آنرا دشنام دهد مرتکب شرک اکبر میشود، و اگر به این اعتقاد دشنام دهد که در زمانه و وقت این مشکلات و مصائب رخ میدهد باز هم بر قضا و قدر اعتراض نموده و این دشنام دادنش گناه بزرگ و حرام است.

مسلمان باید در هر صورت به قضا و قدر تسلیم شود و از دشنام دادن وقت و زمانه و لعنت گفتن به آن دوری نماید.

اما اگر کسی بگوید: ( از گرمی و یا سردی خسته و مانده شدم و به تنگ آمدم ) این دشنام نیست تنها خبر دادن است که گنهگار نمی شود.



### عواقب ناگوار اهتمام نکردن به اذکار صبح و شام

یکی از خواهران خواهش نموده که فوائد اذکار مسنون صبح و شام را نشاندهی کنیم زیرا بعض مردم از اهمیت مآثرات بی خبر هستند و بعض خواندن مآثرات و اذکار که در سنت عملی رسول الله صلی الله علیه وسلم ثابت است بطرف تعویذ نویسان رو آورند.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

اذکار صبح وشام عبارت است از مجموعه از آیات قرآنی ودعاهای مأثور که از رسول الله صلی الله علیه وسلم ثابت است وشامل حمد وثناء الله متعال وپناه بردن به او تعالی از شر شیطان میباشد، باید این اذکار ورد مسلمان باشد وصبح و شام تکرار کند، که بر علاوه از ثواب اخروی مسلمان را از شر بلاها و آفات، آزار واذیت انس و جن نجات میدهد، وباید این اذکار بخش از زندگی دینی وایمانی روز مره مسلمان را تشکیل دهد تا اینکه بطرف تعویذ نویسان و دمگران رو نیاورد، زیرا این اذکار مأثور وقایه از همه شرور و آفات است وفوائد بزرگ دارد از جمله آن:

سبب رضایت وخوشنودی الله متعال میگردد.

مسلمان بسبب این اذکار احساس بزرگی وعظمت وواحدانیت الله متعال را می نماید.

موحد بودن مسلمان را ثابت میسازد که تنها توکل مسلمان به الله متعال است، ومسلمانی که در سایه قرآن واذکار ودعاهای مسنون روز وشب خود را سپری میکند هرگز وهم وترس را بخود راه نمی دهد.



مسلمان را راحت نفسی و قلبی میبخشد.

قلعه محکم مسلمان میباشد و شیطان را طرد میکند و دور میدارد.

غمگینی و ناراحتی را از نفس مسلمان دور میدارد زیرا یاری و مدد الله متعال را با خود میداشته باشد.

خشوع و حضور قلب مسلمان را تقویت می بخشد.

زبان و قلب مسلمان را پاک نگهدار میدارد و قسوت قلبش را دور میزند.

بعد از خواندن این اذکار احساس امنیت روحی و بدنی در حالت مسلمان و انمود میشود.

هنگام خواندن این اذکار ملائکه رحمت مسلمان را حراست میکنند.



## کسانی که در دریا غرق می شوند، آیا نعیم ویا عذاب قبر را می بینند؟

یکی از هموطنان محترم ما از شهر مزار ولایت بلخ سوال نموده :

سوال من این است که کسانی که از این دنیا میروند دقیقا سوال جواب ملائکه است اما در رابطه به این که عذاب قبر بر انسان های گنهگار است اما بر آن عده اشخاصی که در دریاها غرق میشوند، ویا به شفاخانه ها خود را می سپارند جهت استفاده از وجود شان برای آنها چطور عذاب می بینند ویا بهره مند می شوند از نعمتهای بهشت، چگونه است؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله أما بعد:

در این شکی نیست که هر انسان به اندازه گناه و عمل زشت و بد خود جزای اعمال خود را در قبر میبیند و عذاب می شود روح و جسدش ولو که در آب دریا هم غرق شود ویا اینکه توسط حیوانات درنده خورده شود واز هیچ بخش از جسدش آثاری باقی نماند ویا اینکه در یخچال های شفاخانه بماند و تدفین نشود ویا و جسدش سوختانده و خاکستر شود، دفن نشدن بمعنای معافیت از عذاب قبر نیست.

بقدرت الله متعال و امر و دستور او تعالی برای مسلمان و نیکوکار باداش داده می شود و از نعمتهای قبر بهره مند و مستفید می شود و کلکینهای باغهای جنت برویش باز می شود، اما انسا گنهگاری که مستحق عذاب قبر بوده باشد نیز عذاب و جزای خود را می بیند در قبر ولو که دفن نشده باشد، و کیفیت آنرا الله متعال میداند، عذاب بر روح و جسد میباشد.



### آیا برای مسلمان جواز دارد که هنگام مشکلات و مصائب در دعای خود مرگ را بطلبد؟

یکی از دوستان از ولایت سمنگان سوال نموده :

السلام علیکم ورحمت الله استاد محترم در رابطه به مرگ خواستن از الله به اثر غم و درد حدیث از پیامبر صلی الله علیه وسلم آمده باشد متن یا معنایش را لطف نموده بنویسید.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

وعلیکم السلام ورحمة الله وبرکاته، برای مسلمان مکروه است که مرگ بخواهد بخاطر خلاصی از فشارهای زندگی و مصائب و مشکلات و امراض گوناگون، زیرا مسلمان مأمور است که صبر کند و این دنیا دار ابتلاء و امتحان و مشقت و سختی ها است، الله متعال فرموده است که: "ولنبلونکم بشئ من الخوف والجوع ونقص من الأموال

والأنفس والشمرات"<sup>١</sup> شما را مورد ابتلاء و امتحان قرار میدهم به کمی و نقص مال و دارائی و مشکلات که برنفسها و جانهای تان میاید و نیز میوه و کشت و زراعت تان شامل این ابتلاء و امتحان قرار میگیرد و تلف می شود و ضربات اقتصادی را متحمل می شوید، و در ادامه فرموده است: به کسانی بشارت و خوشخبری دهید که هنگام مصیبت و مشکلات صبر میکنند و میگویند که ما و همه امور ما بخاطر الله متعال و در طاعت او است و به طرف او تعالی رجوع می کنیم.

و در صورت وفات و مرگ عمل نیک و صالح مسلمان قطع می شود که به آن ضرورت دارد، رسول الله صلی الله علیه و سلم در حدیث صحیح فرموده است: "لَا يَتَمَنَّي أَحَدُكُمْ الْمَوْتَ ، وَلَا يَدْعُ بِهِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَهُ ، إِنَّهُ إِذَا مَاتَ أَحَدُكُمْ انْقَطَعَ عَمَلُهُ ، وَإِنَّهُ لَا يَزِيدُ الْمُؤْمِنَ عُمْرَهُ إِلَّا خَيْرًا"<sup>٢</sup> هیچ یکی از شما مرگ را نطلبید و دعاء نکند که مرگش نزدیک شود زیرا که عمل نیک او قطع می شود در اثر موت، وازدیاد و طول عمر برای مؤمن سبب زیادت کارهای خیر و نیک و صالح می شود، و نیز در حدیث انس بن مالک رضی الله عنه که متفق علیه است رسول الله صلی الله علیه و سلم فرموده است: "لَا يَتَمَنَّي أَحَدُكُمْ الْمَوْتَ مِنْ ضَرِّ أَصَابِهِ ، فَإِنْ كَانَ لَا بُدَّ فَأَعْلَا فَلْيُقَلِّ :"

١ - سورة البقرة، الآية: ١٥٥.

٢ - أخرجه مسلم في صحيحه، شماره حدیث: (٢٦٨٢)، ج ٤، ص ٢٠٦٥.

اللَّهُمَّ أَحْيِنِي مَا كَانَتْ الْحَيَاةُ خَيْرًا لِي ، وَتَوَفَّنِي إِذَا كَانَتْ الْوَفَاةُ خَيْرًا لِي" <sup>١</sup>  
 کسی از شما وقت که در مصیبت گیر میاید مرگ را نطلبید و آرزوی  
 آنرا نداشته باشد، و اگر باز هم دعای خواستن مرگ را میکرد چنین  
 دعاء کند ای الله اگر زندگی بخیر من باشد آن را نصیبم کن و اگر  
 مرگ بهتر باشد آنرا بمن مقدر بگردان.

زندگی را بخاطر ازدیاد خیر و اعمال نیک و صالح و مرگ را  
 راحت و خلاصی از شر به من مقدر کن.

البته مرگ خواستن در دو صورت مشروع است :

١- بخاطر نجات و واقع شدن در فتنه که دین مسلمان در  
 خطر باشد، زیرا رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح  
 فرموده است: "وإذا أردت بعبادك فتنة فاقبضني إليك غير مفتون" <sup>٢</sup> اگر  
 به بندگانت در فتنه واقع شدن را اراده داشتی من را بمیران قبل از  
 اینکه در فتنه واقع شوم که دینم به خطر نیفتد.

٢- ونیز طلب کردن شهادت فی سبیل الله که بلند ترین  
 درجات است، رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح  
 فرموده است: "مَنْ سَأَلَ اللَّهَ الشَّهَادَةَ بِصِدْقٍ بَلَغَهُ اللَّهُ مَنَازِلَ الشُّهَدَاءِ"

١ - أخرجه البخاري في صحيحه، كتاب المرضى، باب تمنى المريض الموت، رقم الحديث: (٥٦٧١)،  
 (ج٧، ص١٢١).

٢ - أخرجه الترمذي في صحيحه، أبواب تفسير القرآن عن رسول الله صلى الله عليه وسلم، باب:  
 ومن سورة ص، رقم الحديث: (٣٢٣٣)، (ج٥، ص٣٦٦).

وَإِنْ مَاتَ عَلَى فِرَاشِهِ<sup>۱</sup> کسی شهادت از روی صدق و خلوص نیت بخواهد و دعاء کند الله متعال او را درجه شهادت نصیب کند، الله عزوجل به او درجه شهادت می نویسد ولو که در سر فرش و خانه خود هم بمیرد.



### ذکر دسته جمعی به آواز بلند مشروع نیست

برادر محترم ما سالم امینی از ولایت بلخ چنین سوال نموده:

ذکر جهر یعنی یک جمعی از صوفی ها یکجای گرد هم جمع میشوند بعدا یک نفر با آواز بلند ذکر را شروع میکنند و بعد دیگران از پشتش شروع میکنند همه با هم جمعی ذکر میکنند و از همین قبیل جملات استفاده میکنند؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

این نوع ذکر جمعی واجتماعی وبه آواز بلند بدعت ونوآوری است واز رسول الله صلی الله علیه وسلم وصحابه رضی الله عنهم ثابت نیست، ومخالف سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم است که

<sup>۱</sup> - أخرجه مسلم في صحيحه، كتاب الإمامة، باب استحباب طلب الشهادة في سبيل الله تعالى،

رقم الحديث: (۱۹۰۹)، (ج ۳، ص ۱۵۱۷).

فرموده اند: "من عمل عملاً لیس علیه امرنا فهو رد" <sup>۱</sup> هر کسی که عبادتی را انجام میدهد که در سنت من نیست عبادتش مردود است.



### آفتاب و مهتاب از نشانه های الله متعال است

آفتاب و مهتاب بخاطر مرگ و زندگی کسی گرفته نمی شود بلکه از نشانه های قدرت و عظمت الله متعال است، در عین حال یک تحذیر است که مردم اعمال خود را مراجعه نمایند و نفس های خود را محاسبه کنند و از گناهان دست بکشند و بطرف او تعالی رجوع نمایند.

سنت این است که در وقت آفتاب گرفتگی و نماز آن امام و عطا و ارشاد نماید و مردم را از غفلت تحذیر نموده و به دعاء و توبه و طلب مغفرت از الله متعال تشویق نماید و ترغیب دهد، در حدیث صحیح ثابت رسول الله صلی الله علیه وسلم در خطبه بعد از نماز خسوف چنین فرموده است: "إن الشمس والقمر آیتان من آیات الله لا ینکسفان لموت أحد ولا لحياته، فإذا رأيتم ذلك فادعوا الله وکبروا، وصلوا

<sup>۱</sup> - أخرجه مسلم في صحيحه، كتاب الأفضية، باب نقض الأحكام الباطلة، ورد محدثات الأمور، رقم الحديث: (۱۷۱۸)، (ج ۳، ص ۱۳۴۳).

وتصدقوا<sup>١</sup> آفتاب ومهتاب از نشانه های الله متعال است وبخاطر مردن وزندگی کسی گرفته نمی شوند واگر دیدید که آفتاب ومهتاب گرفته می شود رو به دعاء وتکبیر و ذکر الله متعال بیاورید واو تعالی را به بزرگی یاد کنید ونماز بخوانید وصدقه بدهید.



### رسم نمودن عورت انسان

یکی از هموطنان عزیز مقیم جرمی چنین سوال نموده :

من محصل فاکولته طب استم واستاد از ما خواسته که اعضای تناسلی بدن انسان را رسم نموده بیاوریم اگر رسم کنم گنهگار میشوم؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

اصلا رسم نمودن زنده جان وذی روح حرام است نیز رسامی، نقاشی ومیناتورى دستى اشخاص وافراد وزنده جانها ومخلوقات ذی روح حرام است به اتفاق علماء ودر زیر این حدیث صحیح که عبد الله بن مسعود رضی الله عنه روایت کرده رسول الله صلی الله علیه

<sup>١</sup> - أخرجه البخاري في صحيحه، أبواب الكسوف، باب الصدقة في الكسوف، رقم الحديث:

(١٠٤٤)، (ج٢، ص٣٤).



وسلم فرموده است: "إن أشد الناس عذاباً يوم القيامة المصورون"<sup>۱</sup> بدرستی در روز قیامت بیشترین وسخت ترین عذاب را در آتش دوزخ کسانی می بینند که تصویر میسازند.

وحرام بودن آن بیشتر میشود در صورتیکه عورت و اعضای تناسلی بدن انسان رسم شود و گناه کبیره است که موجب در آتش دوزخ رفتن انسان میگردد.

این برادر باید به استاد غیر مسلمان خود بفهماند که ما مسلمان هستیم و دین ما اجازه نمی دهد که عورت و اعضای تناسلی بدن انسان را کسی رسم کند..لیکن میشود کار دیگری را که حرام نباشد بعوض این رسم انجام دهد زیرا فهم درست ومطالعه وبحث وتحقیق بهترین بدیل شده می تواند.



### چرا تاریخ هجری نزد مسلمانان اهمیت خاص دارد؟

تاریخ هجری بخش از دین مسلمان شمرده می شود زیرا عبادات و فرائض وارکان اسلام مثل نماز، روزه، زکات و حج مطابق همین تاریخ ادا میگردد، وبر مسلمان لازم است که اهمیت ومنزلت تاریخ اسلامی خود را درک نماید..این اهمیت را مفسرین وفقهاء از

۱ - أخرجه مسلم في صحيحه، كتاب اللباس والزينة، باب لا تدخل الملائكة بيتا فيه كلب ولا صورة، رقم الحديث: (۲۱۰۹)، (ج ۳، ص ۱۶۷۰).

آیات قرآنی استنباط نموده اند از جمله این آیه کریمه: "ويسألونك عن الأهلة قل هي مواقيت للناس والحج"<sup>١</sup>، مردم از رسول الله صلی الله علیه وسلم در مورد ماه ها و تاریخ سوال میکردند، الله متعال فرمود که بگو برای شان که این ماه ها را الله متعال اوقات برای روزه، حج و عدت گرفتن خانمهای شان تعیین نموده و عبادات مهم آنها متعلق به همین تاریخ و ماهها است و اوقات مسائل دینی خود را مطابق همین تاریخ انجام میدهند.

نیز فرموده است: "إن عدة الشهور عند الله اثنا عشر شهرا في كتاب الله يوم خلق السماوات والأرض منها أربعة حرم"<sup>٢</sup>.

یقینا ماه های سال نزد الله متعال در قرآن کریم دوازده ماه است از روزی که آسمانها و زمین را آفریده است.



<sup>١</sup> - سوره بقره: ١٨٩.

<sup>٢</sup> - سوره توبه: ٣٦.



کتاب

گروه گمراه بهائیت

را هم بشناسید

مؤلف

شیخ فضل الله ممتاز

## مقدمه

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على رسوله محمد خاتم  
الانبياء والمرسلين وعلى آله واصحابه واتباعه الى يوم الدين، وبعد:

هموطن عزیز، خواهر و برادر مسلمان و عزیز! در این شرایط  
حساس و بحرانی که دشمنان سوگنده خورده کشور و ملت عزیز ما  
تمام سرمایه های مادی و معنوی کشور را با سوء استفاده از ناتوانی  
و جهل عده ای از مردم بیاد نیستی داده، امنیت و آرامش هم وطنان  
مارا به بی امنیتی و اوضاع آرام وطن را دستخوش هرج و مرج  
ساخته اند، زمینه را برای پیروان ادیان باطل و افکار منحرف آماده  
نمود اند، تا با استفاده از این وضع نا هنجار و فقر فکری و اقتصاد  
مردم دست بکار شده از راه تقدیم کمک ها و دستگیری محتاجین  
و نیازمندان و همچنان توزیع کتابهای گمراه کن و ایجاد زمینه های  
عیش و نوش و مجالس هرزه و مختلط آنان را از راه و رسم دین  
مقدس اسلام منحرف ساخته پیرو ادیان و مذاهب خویش سازند.

یکی از این فرقه های گمراه و از خدا بی خبر مذهب بهائیت  
است. مذهبی که با دستیاری و کمک و رهنمایی مستقیم استعمار  
انگلیس و مساعدت های بیدریغ غرب و از همه مهمتر یهود فاسد  
نخست در ایران پا به عرصه وجود نهاده و لانه های فسادش را  
بمنظور گمراهی و فساد و افساد مردم و مرتد ساختن شان از دین  
اسلام و نوکری مستقیم انگلیس و غرب در آن دیار و سپس در

پاکستان و اینک هم در میان عده از هموطنان جاهل و احياناً نیازمند ما گسترش داده و میدهند، اینان اکنون با کمال بی حیایی با سوء استفاده از آزادی های موجود و با حمایت مادی اسرائیل و عده از کشورهای غربی بدون در نظر داشت غیرت ایمانی و اسلامی ملت مسلمان افغانستان که در سه دهه ای اخیر دومیلیون از بهترین فرزندان را فدای اسلام و انقلاب اسلامی کرده و کمونیزم بین المللی را از صحنه ای سیاسی و فرهنگی جهان محو و نابود نموده، جهان را از اسارت روس نجات داده و هم اکنون حاضر است هزاران تن دیگر را فدای اسلام و دعوت اسلامی نمایند، به دعوت خواهران و برادران جوان و کم تجربه و کم علم ما آغاز نموده و لانه هایی را بوجود آورده اند که بدون ترس و هراس مصروف پخش برنامه های گمراه کن و کفری شان اند.

از این رو در تلاش استیم برای آشنائی بیشتر هموطنان جزوه هایی را پس از تحقیق همه جانبه چاپ نموده و به دسترس هموطنان گرامی ما قرار دهد تا از نزدیک با این گروه های گمراه و نوکری کفر و اسرائیل و یهود آشنا شده خود و فرزندان شان را از سقوط در دام این اهریمنان حافظت نموده و برای رسوا ساختن این گروه قدم های عملی بردارند، تا بیش از این ملت ما پارچه پارچه نشده و قربانی توطئه های رنگارنگ کفر جهانی نگردند.

آری! اینک نخستین جزوه از این سلسله بحث ها را خدمت هموطنان تقدیم میداریم و امید داریم که وسیله گردد برای بیداری

بیش از پیش شما ( علماء ، دانشمندان، دعوتگران، جوانان با فرهنگ و بیدار، و همه هموطنان مسلمان و عزیز) وزمینہ گردد برای آنکہ بتوانیم با ہمدیگر توطئہ های این کافران را خنثی نمودہ و رضای او تعالی و سعادت دارین را بدست بیاوریم و دین خود را نسبت بہ اسلام و دعوت محمدی علیہ السلام اداء کنیم. وما علینا الا البلاغ المبین.

### لزوم شناسائی مذهب فاسد و منحرف بهائی

در اواسط قرن نزدہم میلادی رہبران استعمار گر انگلستان در لندن گرد ہم جمع شدہ بعد از تفکیر و تدقیق زیاد بہ این نتیجہ رسیدند کہ نیروی بزرگتر قویتر از نیروی اسلام در برابر شان وجود ندارد و باید بہ ہر شکلی کہ میشود این کتلہ بزرگ و نیرومند در ہم کوبیدہ شدہ و متشتت گردد، نہ بگونہ تہاجم و مقابلہ ؛ بلکہ از راه تشکیل فرقہ های باطل و خود فروختہ از میان خود مسلمانان تا بتوانند خود اصول و اساسات اسلامی شان را نقض کنند و باید جهت تشکیل همچو گروه ها و ارگانہا مبالغ زیادی مصرف شود و افراد سرشناختہ شان را بہ ہر قیمتی کہ میشود خریدہ شدہ و با ایشان مساعدت های مالی فراوانی گردد، بالآخرہ بعد از تفحص زیاد میرزا حسین را در ایران و غلام احمد قادیانی را در ہند انتخاب نمودند کہ اولی مؤسس مذهب بہائیت و دومی مؤسس مذهب قادیانی گردید.

## بهائیت

بهائیت یا با بیگری حرکتی است که در سال ۱۸۴۴ زیر نظر استعار انگلیس پدید آمد که هدف اساسی آن فاسد ساختن عقیده مسلمانان و برهم زدن وحدت مسلمین و منحرف ساختن شان از مسائل بنیادی و محوری امت اسلامی میباشد و مهمترین ویژگیها و مشخصات بهائیت قرار ذیل است:

- ۱- مذهب باطل و گمراه کن.
- ۲- مذهب اباحی و ترویج دهنده فحشاء و منکرات.
- ۳- مذهبی است بدتر از همه مذاهب باطنی.
- ۴- مذهب مسیحی در جامه تشیع.
- ۵- مذهب است که دارای علاقه ای خاص با اسرائیل و روسیه و دول استعماری.

## اهداف تأسیس این مذهب

- ۱- الغای همه احکام و اساسات دین اسلام.
- ۲- الغای فریضه جهاد.
- ۳- الغای فریضه امر به معروف و نهی عن المنکر.



۴- خدمت به استعمار.

۵- درهم آمیختن عقاید حقه اسلام با معتقدات خرافی تحریف شده و باطل دیگر خصوصا مسیحیت.

۶- ترویج اباحت.

### تأسیس و برازنده ترین شخصیت های این حرکت

این حرکت را میرزا علی محمد رضا شیرازی ( ۱۸۱۹ - ۱۸۴۹ م) در سال ۱۸۴۴ م تأسیس نمود و خود را باب نامید که پس از مرگش میرزا حسین علی ملقب به بها جانشینی او را عهده دار شد و از این تاریخ به بعد این حرکت بنام بهائیت شهرت یافت. موصوف کتابی هم بنام ( الأقدس ) تألیف نمود. بها در ( ۱۸۹۲ م) وفات یافت.

**مهمترین شخصیت های این حرکت پس از مؤسس وجانشین اش عبارت اند از:**

۱- قره العین ( ۱۲۳۰ - ۱۲۶۹ هـ ) او زنی بود از نظر اخلاقی منحرف که برای بهره برداری بیشتر از عیش و عشرت دنیا از نزد شوهر اش فرار نموده بود در سال ۱۲۶۹ هـ در کنفرانس بدشت منسوخ قرار گرفتن شریعت اسلامی را اعلان نمود و درست در همین سال شاه او را اعدام کرد. عبد البها لعین در مدح وی چنین ابراز نظر میکند: « در این ایام از جمله نساء یکی قره العین بود.

صبيه يکى از علمای اسلام در آغاز ظهور حضرت باب چنان آثار غریب ، قدرت وشجاعت عجیب از او ظاهر شد که از شنیدن اش همه را حیران کرد وبرخلاف عادات قدیمه ایرانیان حجاب را برداشت وبکلی کشف نقاب نمود...»، نگاهی به آئین بهائی ص : ۱۰۸.

۲- یحیی علی بردار بها ملقب به ازل : او با برادرش در مورد جانشینی باب اختلاف نمود وسرا انجام از او جدا گردید، او کتابی دارد بنام ( الالواح) برادر اش به او خیانت نمود او و پیروانش را به قتل رسانید.

### اصول بهائی ها

۱- در هم آمیختن عقاید حقه اسلامی با انحرافات ادیان باطل دیگر.

۲- تسلیم طلبی، بزدلی وترک جهاد در زیر پوشش صلح ومسالمت .

۳- ترک امر به معروف ونهی از منکر .

۴- مساوات بین زنان ومردان .

۵- منع تعدد زوجات .

## اندیشه و اعتقادات

۱- بهائی ها معتقد اند که باب همه موجودات را به فرمان اش آفرید و او آغاز است که همه پدیده ها از او بوجود آمده است.

۲- کتابی اقدس میرزا حسین که از ۲۲ صفحه تجاوز نمی کند به عقیده بهائی ها ناسخ تمام کتب آسمانی و قرآن عظیم الشان میباشد.

۳- به عقیده بهائی ها میرزا حسین علی از همه انبیاء و رسل علیه السلام برتری و فضیلت دارد، ایشان به این عقیده اند که اگر زمانی میرزا حسین را پیامبر اسلام محمد صلی الله و علیه وسلم دریافت می نمود، به وی میگفت که تو مقصود انبیاء و رسل میباشی و اگر ابراهیم خلیل علیه السلام او را میدید پیشانی خود را بر خاک می مالید و بوی سجده انحاء میکرد و میگفت برایم اطمینان قلبی حاصل شد. ای خدای ملکوتی آسمان ها وزمین!

۴- آنان معتقد به حلول و اتحاد اند.

میرزا حسین در کتاب اقدس به زعم خویش میگوید: «اگر کسی به هیکل من ببیند، هیکل خدا را می بیند، در جمال من جمال خدا را می بیند و در شخصیت من شخصیت خدا را می بیند.»

تعالی الله عما یقولون علواً کبیراً .

۵- میرزا حسین علی در اوایل ادعای مهدویت می نمود و بعداً خود را مسیح موعود نامید و سپس ادعای رسالت و نبوت کرد و بالاخره دعوای خدایی نمود و خود را رب و معبود میدانست. لعنت الله علیه

۷- آنان به تناسخ و جاویدان بودن کائنات و اینکه پاداش و کیفر به ارواح صورت میگیرد بگونه ای که به خیال و تصور شباهت دارد اعتقاد دارند.

۸- آنان عدد (۱۹) را مقدس شمرده ماه هارا نزده و روز های هر ماه را نزده قراردادند.

۹- آنان معتقد اند که بودا، کنفشیوس، براهما و زردشت و مانند آنان از حکیمان هند و چین و فارسیان نخستین همه پیامبران بودند.

۱۰- آنان در مسأله به دار آویخته شدن عیسی علیه السلام با یهود نصارا هم نظر هستند. ( بهاء الله و عصر جدید ص : ۱۳).

۱۱- آنان قرآنکریم را تأویلات باطنی مینمایند تا با مذهب شان هماهنگ شود.

۱۲- آنان از معجزات انبیاء، حقیقت فرشته گان، جن ، بهشت و دوزخ انکار می ورزند.

۱۳- آنان حجاب را بر زنان حرام قرار داده ، متعه را حلال می‌شمارند و معتقد اند که مردم در زن و مال با هم شریک اند (کمونیزم جنسی و اقتصادی).

۱۴- آنان می‌گویند که دین (باب) شریعت محمد صلی الله وعلیه وسلم را منسوخ کرده است.

۵- آنان قیامت را به ظهور بها تأویل میکنند.

۱۶- آنان معتقد منع تعدد زوجات اند.

۱۷- آنان معتقد به نسخ نماز جماعت میباشد، مگر در جنازه .

۱۸- مباح ساختن تمام زن های که اسلام ازدواج با آنان را حرام قرار داده است.

۱۹- اسقاط تکالیف بعد از سن ۷۰ سالگی .

۲۰- آنان به رهبران خود مثل بهاء الله و عبد البهاء، صفت الوهیت را قایل هستند و آنان را به این اوصاف یاد میکنند: «حضرت بهاء الله جل و ذکره و ثناءه» و جل اسمه الابهی و حضرت عبد البهاء، ارواحنا، لعبوديته ، الفداء» .

تحلیل از مبادی اخلاق ص: ۴- ۲۳ ، امر بهائی تاریخ و تعلیمات

ص: ۱۰.

۲۱- در این مذهب موسیقی ( ساز و آواز حلال و باعث ارتقاء روح است) امر بهائی تاریخ ص: ۵۵

۲۲- آنان از امر به معروف و نهی از منکر چنین تعبیر میکنند:  
( حق اعتراض، چون و چرا و امر به معروف و نهی از منکر از اشخاص نسبت به اعمال دیگران سلب شده ) امر بهائی تاریخ و تعلیمات ص:  
۵۵

۲۳- به موجب نظریه بهائی شر وجود ندارد و هر جرم، کارناشایسته، بدی، زشتی ها و فحش را که انسان مرتکب میشود در حقیقت آن همه خیر است. نگاهی به آئین بهایی ص: ۵۰

پس به عقیده آنان انسان میتواند همه منکرات و رداییل را مرتکب شود، تا اینکه انسانها به طرف حیوانیت و شهوت پرستی سوق داده شوند.

۲۴- به عقیده آنان ( بالای منبر رفتن حرام است). امر بهائی ص: ۵۲

۲۵- آنان ظهور عیسی علیه السلام و مهدی را به ظهور بهاء الله و عبد البهاء تأویل میکنند.

چنانچه در این موضوع کتاب تبیان و برهان را تألیف نمودند.

۲۶ - آنان منکر این اند که محمد علیه الصلاة والسلام خاتم پیامبران بوده و مدعی اند که وحی جریان دارد چنانچه کتب در معارضه با قرآن کریم تألیف کرده اند، مانند: «الاقدس» و «الالواح».

### مثال های از بی اعتنائی آنها در برابر قرآن کریم

۱- ( قل قد جاء الغلام ليحيى العالم وليتحد من على الارض كلها فسوف يغلب ما اراد الله وترى كل الأرض جنة الأبهى » لوح رئیس ص: ۹۰.

۲ - مقام فریدی که جمال مبارک بحضرت عبدالبهاط تفویض فرموده اند شرحی است که در درین آیه از کتاب از کتاب اقدس نازل گردیده است.

«اذا غيض بحر الوصال وقضى كتاب المبدأ فى المال توجهوا الى من اراده الله الذى انشعب من هذا الأصل القديم» مكاتب عبد البهاء ج ۲ ص: ۸۵ .

۳- حضرت عبدالبهاء می فرمایند قوله تعالى :... ليس البر لمن يحب الوطن بل لمن يحب العالم .

واخيراً باید دانست که بهائیان از فعالیت های تنصیری و تبشیری مسیحیان جهت ارتداد مسلمانان استقبال نموده و آن را مورد تمجید و تحسین قرار میدهند که خود نمایانگر مزدوری

و خدمتگاری آنان به مسیحیت است و در کتاب آرامش برای جها پر آشوب ( ص ۴۵-۴۶ ) چنین اعلان میدارند:

( مسیحیت جهانی مهربانتر میسازد ) و در ادامه آن می نویسد:  
 « مؤسسات خیریه که نتیجه مستقیم تعالیم مسیحی مبنی بر محبت خدا و هم‌نوع بود آغاز به شگفتن کرد، مسیحیان اولیه هرگونه کوششی به کاربردن تا زندگی اجتماع آنان مطابق با اصول همکاری و روح خدمتی باشد که به عنوان حقایق ملکوتی می شناختند ، انجمن های برای نگهداری مسکینان و پرستاری بیماران تشکیل شد و انجمن های جهت توزیع خوراک مایحتاج تهی دستان و مؤسساتی برای نگهداری یتیمان و بیوه زنان پدید آمد ... همه افراد مسیحی بنام خدا، آب آسمانی و مسیح ابن الله با روح برادری باهم متحد گشته و این روح برادری همان قدر از نظر مفهوم با شکوه بود که در عمل مفید واقع شد. )

### بعضی عبادت های بهائی ها

#### قبله بهائی ها

در دوران حیات میرزا حسین خودش قبله مردم بهائی بوده و بعد از وفاتش قبر وی قبله همه بهایی های جهان میباشد، تمام بهایی ها مکلف اند که در وقت عبادت روی خود را طرف قبر وی که در قریه ای (عکا در فلسطین) میباشد بیاورند.



## نماز بهائی ها

نماز بهائی ها نه رکعت بوده وبه سه وقت صبح وشام ووقت زوال آفتاب اداء میگردد، از مسافر، مریض وضعیف نماز وروزه ساقط میباشد ودر سفر تنها یک سجده کفایت می کند، نماز وروزه فائته قضایی ندارد وانجام یکی از نماز های سه گانه واجب وکافی است.

## وضوی بهائی ها

وضوط عبارت است از شستن دو دست وصورت است که در حین شستن هریک دعای مختصر خوانده میشود ودر صورت داشتن عذر ونیافتن آب بجای وضوط ذکر مختصر پنج مرتبه تلاوت میشود.

## روزه بهائی ها

در سال ۱۹ روز از روزهای اخیر سال بوده وروزه تنها امساک وخود داری نمودن از خوردن ونوشیدن است؛ اما آمیزش جنسی مانع روزه شده نمی تواند وبرای مسافر، مریض، ضعیف، زن شیرده روزه نیست، در کتاب نگاهی به آئین بهائی چنین آمده: «ایام صیام نوزده روز است که از تاریخ دوم مارچ شروع میشود، ماه نوزدهم که ماه صیام است بلا فاصله پس از ضیافت ها ایام زائده برشهور ابها شروع میشود ومدت نوزده روز از طلوع تا غروب آفتاب

باید از تناول غذا و آشامیدنی امساک نمود و چون ماه صیام با اعتدال ربیعی خاتمه میابد ایام روزه همیشه در یک فصل ؛ یعنی بهار در نیم کره شمالی و پائیز در نیم کره جنوبی واقع میشود و هرگز باشدت و گرمای تابستانی یا سورت سرمای زمستانی که باعث زحمت و مشقت است تصادف نمی کند بر علاوه در آن فصل طول روزها از طلوع تا غروب آفتاب در قسمت مسکونی کره زمین تقریباً یکسان است؛ یعنی تقریباً از ساعت شش صبح تا شش عصر...» نگاهی به آئین بهائیت ص: ۴۶

خواننده گان عزیز قضاوت نمایند که به چه اندازه این دجالان و مزدوران صهیونیزم در پی الغای حکام دین حنیف اسلام اند.

### حج بهائی ها

حج بهائی ها در خانه ای میشود که میرزا حسین در آنجا سکونت داشته ، حج تنها بر مردان میباشد و برزن حج نیست.

با تأمل در عقاید این حرکت در میابیم که این حرکت اندیشه و عقیده اش را از مصادری بدست آورده که مهمترین آن عبارت اند از:

- دین بودائی ، براهمی، زردشتی، مانوی، مزدکی و همه فرقه های باطنی.

- یهودیت ، مسیحیت و دهریت.

- میراث فارسی قبل از اسلام.

و همچنان که اشاره رفت در پشت سر این حرکت در هر قدم اش یهود، استعمار روسی و انگلیسی قرار داشته اند.

گسترش و جاهای نفوذ این حرکت.

بیشتر بهائی ها در ایران و تعداد کمی در عراق، سوریه، لبنان و فلسطین اشغالی به سر می برند، در این اواخر با استفاده از وضع موجود مهاجرین افغان در کشورهای همسایه بهائی ها یک سلسله فعالیت های غیراسلامی را جهت ارتداد و کافر ساختن مسلمانان افغان به راه انداخته اند و به همین منظور مراکزی هم دارند می خواهند از طریق اختلاط زنان و مردان و پسران و دختران ترویج فحشاء و منکرات تعالیم غیر اسلامی شان را که کاملاً مغایر با دین اسلام است آشکارا پخش نموده مردم را بدام مذهب باطل و منحرف بهائیت سقوط دهند و همچنان کتب و منشوراتی به زبانهای پشتو و فارسی در بین مردم توزیع میکنند تا بتوانند از این طریق با دین اسلام و فرهنگ اصیل اسلامی مردم غیور افغانستان بازی نمایند؛ ولی بی خبر از اینکه افغانان دلیر و باشهامت از همه دسایس آنان با خبر هستند، و باید آگاه باشند که از این به بعد نه تنها جلو فعالیت های آنان گرفته میشود؛ بلکه مطابق احکام شریعت اسلامی با این دجالان رفتار خواهد شد و این دون صفتان بی همت

باید بدانند که با این همه عقاید باطل و با این همه نیرنگ های رنگا رنگ نمی توانند در صف مردم غیور و مسلمان افغان رخنه کرده و افکار احمقانه و نادرست را در مغز مردم ترزیق نمایند و این را بفهمند که ایشان در حقیقت با آتش بازی میکنند که نه تنها عواقب دنیوی و اخروی خطرناکی را بدوش خواهند داشت؛ بلکه از طرف ملت مسلمان افغان در محاسبه شدید قرار خواهند گرفت و در آن وقت به آنان معلوم خواهد شد که یگانه راه فلاح و نجات و رستگاری دنیا و آخرت همانا التزام به دین مقدس اسلام بوده و هیچ نوع جای پای به مزدوران صهیونیزم استعمار جهانی در افغانستان وجود ندارد، خداوند تعالی می فرماید: "ومن یتغ غیر السلام دیناً فلن یقبل منه وهو فی الآخرة من الخاسرین"<sup>۱</sup>.

کتب و نشرات بهائیت که تا بحال در بین مردم توزیع گردیده مملو از مزخرفات و انحرافات و کفریات میباشد و به مثابه مکروبهای مضر در جامعه اسلامی به شمار میرود عبارت اند از:

۱- کتاب اقدس

۲- کتاب الواح

۳- کتاب بیان

<sup>۱</sup> - سورة آل عمران، الآية: ۸۵.

- ۴- نشریه ای تعالیم بهائی به زبان پشتو و فارسی
- ۵- د بشر یووالی وحدت
- ۶- بهاء الله وعصر جدید ج ای . اسلمنت مستشرق بریطانیائی
- ۷- پیام ملکوت
- ۸- ارکان نظم بدیع غلام علی دهقانی
- ۹- تحلیلی از مبادئ اخلاق در دیانت بهائی ومفهوم عهد در دیانت بهائی . از دکتر هوشنگ خضرائی
- ۱۰- تبیان وبرهان ترجمه فارسی
- ۱۱- از مجموعه مناجات های عبدالبهاء
- ۱۲- چند بحث امری علی اکبر فروتن
- ۱۳- وعده صلح جهانی
- ۱۴- قرن انوار عصر ذهبی بهروز ظریف زاده
- ۱۵- نگاهی به آیین بهائی کامران کریمان
- ۱۶- امر بهائی تاریخ وتعلیمات کامران کریمان

۱۷- آرامش برای جهان پر آشوب، ترجمه جمشید فنائیان

۱۸- نظر اجمالی به دیانت بهائی

۱۹- بشارت عظیم « نماز »

وبرهر مسلمان غیور وبا ایمان واجب و لازم است این کتب و نشرات کفری را که بیابند فوراً به قبض و به آتش زدن آن اقدام نمایند و مسئولیت ایمانی و اسلامی شان را اداء کنند. این رساله کوچک را به این منظور به قید تحریر در آوردم تا اینکه علمای کرام ، دانشمندان، استادان، دعوتگران، جوانان هدفمند و همه اقشار ملت افغان از دسایس، انحرافات و فعالیت های را که بهائیان خبیث، این مزدوران یهود برضد اسلام و مسلمانان افغان به راه انداخته اند با خبرشوند و به صورت عاجل جهت جلوگیری این نوع فعالیت ها اقدام نمایند تا اینکه بتوانیم به یاری و نصرت خداوند متعال در روشنائی تعالیم والای اسلام عزیز، مردم مسلمان خود را از چنگال این مکاران شیطان صفت نجات دهیم.

## مأخذ بحث

### الف:

موسوعه الأديان والفرق والمذاهب المعاصرة الندوة العالمية للشباب الاسلامى.

الأديان والفرق والمذاهب المعاصرة. دكتور عبدالقادر شيبه

۳- قراءة فى الوثائق البهائية دكتور عايشه بنت شاطىء.

### ب:

### كتب ونشرات بهائى:

۴- نظراجمالى در ديانت بهائيت. احمد يزدانى.

۵- پیام ملكوت. عبدالحميد اشراق خاورى .

۶- بهاء الله وعصر جديد ج. اى. اسلمنت.

۷- تبیان وبرهان ترجمه فارسى.

۸- آرامش برای جهان پر آشوب استانو ودکاب. ترجمه:

جمشيد فنائيان.

۹- تعاليم بهائى فارسى وپشتو.

۱۰- نگاهی به آیین بهائی.

۱۱- تحلیلی از مبادئ اخلاق در دیانت بهائی ومفهوم عهد در دیانت بهائی از هوشنگ خضرای.

۱۲- د بشریوالی وحدت.

۱۳- چند بحث امری.

۱۴- وعده صلح جهانی.

۱۵- امر بهائی تاریخ وتعلیمات.

۱۶- گنجینه احکام عبدالبهاء.







كتاب  
طهارت

## آداب قضای حاجت

یکی از محصلین پوهنتون قندز سوال نموده:

در مورد رفع حاجت و آداب تشناب رفتن از دیدگاه شریعت روشنی بیندازید.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

در این شکی نیست که قضای حاجت و تشناب رفتن از خود آداب و احکام ویژه دارد و بر مسلمان لازم است این آداب را در نظر داشته باشد، و این آداب قرار ذیل است:

۱- هنگام رفع حاجت باید ستر عورت را مراعات نماید که عورتش به کسی ظاهر نشود، زیرا حیاء بخش از ایمان مسلمان را تشکیل میدهد، رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح فرموده است: "من أتى الغائط فليستتر"<sup>۱</sup> کسی که برای رفع حاجت می‌رود باید که عورت خود را ظاهر نکند.

۲- در جای و محل و مکانی رفع حاجت نکند که سبب آزار و اذیت رسانیدن به مردم شود و یا اینکه سبب تلوث محیط زیست و آب و هوا شود مثلاً: در راه رفت و آمد مردم، زیر درختان و باغ

۱ - أخرجه أبو داود في سننه، كتاب الطهارة، باب الاستتار في الخلاء، رقم الحديث: (۳۵)،

مردم، در آب آشامیدنی و مورد استفاده مردم رفع حاجت نکند، زیرا رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح فرموده است: "اتقوا اللعائین، قالوا: وما اللعانان؟ قال: الذي يتخلى في طريق الناس أو في ظلهم"<sup>۱</sup> از اعمال دو شخص و کردار آنها بترسید و عبرت بگیرید که سبب لعنت و طرد و دوری از رحمت الله متعال میشود، صحابه کرام پرسیدند که این دو شخص کیها هستند و صفات شان چیست؟ پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم در جواب شان فرمود که این دو شخص در راه رفت و آمد مردم و در زیر سایه درختان و اماکن نشست شان رفع حاجت میکنند، نیز در حدیث صحیح آنحضرت صلی الله علیه وسلم از ادرار نمودن و رفع حاجت در آب ایستاده مثل حوض و چاه منع نمود که دلالت بر حرام بودن آن است زیرا که آب را ناپاک و فاسد میسازد، و این نص حدیث است که در صحیح مسلم ذکر شده: "وروی مسلم أن النبي صلی الله علیه وسلم نهى أن يبالي في الماء الراكد"<sup>۲</sup>.

۳- بهتر و اولی و افضل این است که در نزدیکی مساجد تشنابهای مجهز مردانه و زنانه وجود داشته باشد که مردم از این سهولت استفاده نمایند و وضوء و طهارت و استنجای شانرا بوجه

۱ - أخرجه مسلم في صحيحه، كتاب الطهارة، باب النهي عن التخلي في الطرق، والظلال، رقم الحديث: (٦٨)، (ج ١، ص ٢٢٦).

۲ - أخرجه مسلم في صحيحه، كتاب الطهارة، باب النهي عن البول في الماء الراكد، رقم الحديث: (٩٤)، (ج ١، ص ٢٣٥).

احسن انجام دهند، وکسانیکه برای مساجد تشنابها آباد میکنند ویا در آن سهیم میشوند در حقیقت اجر و ثواب و فضیلت صدقه جاریه مشمول حال شده است.

۴- هنگام رفتن بطرف رفع حاجت باید با خود و در جیبهای خود مصحف و قرآن کریم، و چیزی را نداشته باشد که در آن اسم الله متعال باشد، الله متعال در قرآن کریم فرموده است: " ذُلِكَ وَمَنْ يُعْظَمَ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ " <sup>۱</sup>.

و این هم از صفات مؤمنان راستین است که به شعائر واحکام الهی حرمت میگذارد و احترام می نماید که دلالت بر تقوا و پرهیزگاری اینها میکند.

۵- مستحب این است که هنگام داخل شدن در تشناب و یا محل سارا گشتی و رفع حاجت این دعاء را بخواند: "اللهم إني أعوذ بك من الخُبْثِ والخَبَائِثِ" <sup>۲</sup> بار إليها به تو پناه میبرم از شر شیطان های نر و ماده، و بعد از رفع حاجت و خارج شدن از تشناب این دعای مسنون را بزبان بیاورد: "غفرانك،<sup>۳</sup> الحمد لله الذي أذهب عني

<sup>۱</sup> - سورة الحج، الآية: ۳۲.

<sup>۲</sup> - أخرجه البخاري في صحيحه، كتاب الوضوء، باب ما يقول عند الخلاء، رقم الحديث: (۱۴۲)، (ج ۱، ص ۴۰).

<sup>۳</sup> - أخرجه ابن ماجه في سننه، أبواب الطهارة وسننها، باب ذكر الله عز وجل على الخلاء والخاتم في الخلاء، رقم الحديث: (۳۰۰)، (ج ۱، ص ۲۰۰-۲۰۱).

الأذى وعافاني"<sup>۱</sup> پروردگارا از تو بخشش و مغفرت گناهان خود را می طلبم، و به پاکی یاد میکنم ذاتی را که توفیق دور شدن آزار و اذیت و نجاست را از جسمم داد و مرا عافیت و سلامتی بخشید، زیرا در حقیقت وجود نجاست در جسم سبب آزار و اذیت و تعفن جسم انسان میشود.

۶- سنت این است که هنگام رفتن برای رفع حاجت پای چپ خود را تقدیم کند و در خارج شدن از تشناب و یا محل رفع حاجت با پای راست خود قدم بماند و خارج شود، زیرا مناسب حال انسان میشود در چنین موارد.

۷- هنگام رفع حاجت رو به قبله هم ننشیند و پشت به قبله هم نباشد به اندازه که میسر باشد و توانایی داشته باشد زیرا رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح فرموده است: "إذا أتیتم الغائط فلا تستقبلوا القبلة ولا تستدبروها..."<sup>۲</sup> وقتی که برای رفتن حاجت میروید رو به قبله و پشت به طرف قبله نباشید، البته در مذهب جمهور فقهاء رفعت حاجت کننده این سنت را در تشنابهای خانه و در سارا گشتی بیرون خانه و صحراء هم مراعات کنند در حالیکه فقهای مذهب حنفی به این نظر هستند که این سنت تنها در صحراء و خارج خانه تطبیق میشود نه در تشنابهای

<sup>۱</sup> - أخرجه ابن ماجه في سننه، رقم الحديث: (۳۰۱)، (ج ۱، ص ۲۰۱).

<sup>۲</sup> - أخرجه البخاري في صحيحه، كتاب الصلاة، باب قبله أهل المدينة وأهل الشام والمشرق، رقم

الحديث: (۳۹۴)، (ج ۱، ص ۸۸).

خانه، ازینرو باید در مهندسی و تهداب گذاری خانه ها باید انجنیران مسلمان و متدین این سنت در نظر داشته باشند که نقشه تشنایها را قسمی ترتیب دهند که انسان هنگام رفع حاجت مجبور به نشستن رو به قبله و یا و پشت به طرف قبله نشود، اما خانه های قبلا بر خلاف سنت ساخته شده باکی ندارد که به همان شکل موجود باشد تا اینکه مردم در حرج واقع نشوند.

۸- رو بطرف باد و شمال و یا درجای سربالایی رفع حاجت نکند تا اینکه ادارش به لباسش آمیخته نشود و لباسهای بی نماز نگردد، از همین رو رفع حاجت نمودن به طرف باد و شمال و جای سربالایی مکروه است.

۹- هنگام رفع حاجت سلام دادن و جواب دادن آن، خوردن، نوشیدن، خواندن و مطالعه و ذکر کردن مکروه است، زیرا در حدیث صحیح ثابت که رسول الله صلی الله علیه وسلم در حالت ادراغ نمودن بود و کسی برایش سلام داد، آنحضرت صلی الله علیه وسلم جوابش را نداد، "روی مسلم أنّ رجلاً مرّ برسول الله صلی الله علیه وسلم وهو یبول، فسلم علیه فلم یرد علیه" <sup>۱</sup> البته جواب سلام را بعد از فراغت از رفع حاجت و دور شدن از تشناب داده میتواند.

۱ - أخرجه أبو داود فی سننه، کتاب الطهارة، باب أیرد السلام وهو یبول، رقم الحدیث: (۱۶)،

۱۰- بر مسلمان مکروه است که هنگام رفع حاجت بادرست راست آله تناسلی و اعضای مخصوصه خود را دست بزند حتی لو که بخاطر پاک کردن هم باشد در صورتیکه دست چپ آن معذور نباشد، در حدیث صحیح ثابت که رسول الله صلی الله علیه فرموده است: "إذا بال أحدکم فلا يأخذن ذکره بيمينه، ولا يستنج بيمينه" <sup>۱</sup>، وقتی که یکی از شما ادرار و استنجا می کند اعضای تناسلی و مخصوصه خود را با دست راست نگیرد.

۱۱- ماندن و وقت گذارنیدن بیشتر از ضرورت رفع حاجت در تشنابها مکروه است زیرا از یک طرف تشنابها اماکن نجاست و محل بود و باش شیطانها میباشد و برای انسان لازم که در آنجا باقی بماند و شکار شیطان و متضرر شود نیز میشود که شخص ضرورت مندی دیگری در انتظار باشد و یا این شخص خودش مأمور انجام کارهای مردم باشد که آنها از غیابش متضرر شوند.

۱۲- بعد از فارغ شدن از ضرورت انسانی و رفعت حاجت پاک کردن قسمتی پیش و پس بدن را استنجا می نامند که ضروری است، مسلمان باید با وسیله استنجا نجاست را از بدن خود پاک کند و نخست به وسیله کاغذهای معمول و مروج آن و یا کلوخ که

۱ - أخرجه البخاري في صحيحه، كتاب الوضوء، باب: لا يمك ذكره بيمينه إذا بال، رقم الحديث:

(۱۵۴)، (ج ۱، ص ۴۲).



در اطراف و دیهات مروج است خوب پاک نموده سپس با آب جای ناپاک را بشوید.

۱۳- وقتی با آب استنجا نمود مستحب این است که دستان خود را با صابون و مایع دست شویی هم بشوید تا اینکه آثار و بوی نجاست در دستانش باقی نماند، در حدیث صحیح ثابت که رسول الله صلی الله علیه و سلم وقتی که با آب استنجا نمود دست مبارک خود را بخاک مالید زیرا در آن زمانه صابون وجود نداشت.

۱۴- استنجا نمودن با چیزهای که سبب پاکی نمی شود جایز و مشروع نیست مثل استنجا کردن با تکه و رخت که اصلا با نجاست آمیخته و آلوده باشد و یا با استخوان، و یا با اشیای محترم اخبارها و ورقهای کتابها، با اینها همه استنجا نمی شود و جایز نیست.



### حکم ذکر نمودن در بیت الخلاء

یکی از هموطنان عزیز ما سوال نموده:

استاد محترم سوال این است که در بیت الخلاء بسم الله گفته شود در وقت وضوء کردن این چی حکم دارد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

بسم الله گفتن در اول وضوء سنت و مستحب است، اما اگر انسان در داخل تشناب و بیت الخلاء باشد یا اینکه در فضای باز در جای قضای حاجت باشد بسم الله نگویید، الله متعال را ذکر نکند زیرا که مکروه است، بیت الخلاء و تشنابها جای نجاست و پناهگاه شیطانها است.



### تشناب رفتن با موبایلهاى که برنامه قرآن کریم دارد

استاد محترم در موبایل خود قرآن کریم را ثبت کردم که بشنوم وهم تلاوت کنم وقت که در تشناب میروم در شک می شوم که آیا می توانم با این موبایل وارد تشناب شوم واگر در خارج تشناب بگذارم گم می شود؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

سامان آلات الکترونی وموبایلها، کمپیوتر، آپید حکم قرآن کریم ومصحف را ندارد ومسلمان می تواند آنها را در جیب خود داشته باشد وداخل تشناب شود وبرای قضای حاجت برود..وگناه نمی شود.



## غسل کردن مطابق رهنمودهای شرعی

یکی از علاقمندان مسائل دینی از ولایت پنجشیر سوال نموده:

استاد اگر یک شخص غسل جنابت را انجام دهد لیکن فرایض آنرا انجام ندهد چی حکم دارد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

دین مبین اسلام نظافت و پاکیزگی را دوست دارد و در آن تشویق نموده است و پاکی بدن و لباس را از شرائط قبولی نماز گردانیده است. مسلمان پاگ و با طهارت از دوستان الله متعال است او تعالی فرموده است: " إن الله يحب التوابين ويحب المتطهرين " <sup>۱</sup> او تعالی دوست میدارد توبه کنندگان را از گناه و مسلمانان پاک را که نظافت را مراعات می کنند.

رسول الله صلی الله علیه وسلم نیز نظافت را بخش از ایمان مسلمان دانسته است ازینرو نظافت و پاکی در زندگی مسلمان اهمیت خاص دارد و برای پاک نگهداشتن بدن و صحت انسان نیز مفید تمام می شود و در عین حال غسل کردن یک نوع عبادت نیز پنداشته می شود که جسم را از نجاست حکمی و حقیقی پاک

<sup>۱</sup> - سوره بقره: ۲۲۲.

میکنند، و سبب پاکی مسلمان میگردد تا اینکه عبادت الله متعال را که عبارت از نماز و تلاوت قرآن کریم است بجا آورده بتواند.

### فرائض غسل:

به این معنی که اگر یکی از این فرائض بجا آورده نشود غسل نمی شود و این فرائض عبارت است از:

۱- شستن دهن ( مضمضه ) و باید آب به تمام دهن و حلق بصورت صحیح برسد.

۲- شستن بینی (استنشاق ) آب را سه بار در داخل بینی انداختن .

۳- شستن تمام بدن : آب را به تمام بدن رسانیدن تا اینکه یک موی هم خشک نماند، و در بیخ موی ها و ناخن ها هم رسیدن آب ضروری است.

### سنت های غسل:

۱- شستن دستان و اعضای مخصوص یعنی استنجاء کردن.

۲- دور کردن نجاست از بدن اگر وجود داشته باشد.

۳- وضوء گرفتن مثل وضوی نماز.

۴- رسانیدن آب به تمام اجزای بدن سه بار.

۵- گوشه شدن از محل وجائیکه در آنجا غسل نموده وشستن پاها که آب مستعمل غسل دوباره در بدن آمیخته نشود.

خانمان در غسل شان آب را در بیخ موهای گیسوهای شان برسانند البته باز کردن گیسو شرط نیست در صورت رسیدن آب به بیخ موی.

### موجبات غسل عبارت است از :

ختم حیض و نفاس، جنابت و احتلام، انزال و خارج شدن منی به گونه جهش و با احساس شهوت خواه مرد با شد یا زن در خواب و در بیداری، داخل شدن عضو مخصوص مرد در عضو مخصوص زن اگرچه انزال منی هم صورت نگیرد، نیز غیر مسلمان که مسلمان شود بالایش غسل واجب است.



## حکم رسانیدن آب به سوراخهای گوش

یکی از خواهران هموطن ما از شهر کابل سوال نموده:

اگر آب در سوراخهای گوش نرسد وضوء و غسل میشود؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

وضوء و غسل در هر دو صورت درست است اگر آب در سوراخهای گوش برسد و یا نرسد زیرا سوراخ باطن گوش است نه بخش ظاهری اش و اگر آب نرسد باکی ندارد.



## غسل روز جمعه مستحب است

یکی از دوستان سوال نموده:

روزها جمعه غسل چه است واجب یا سنت معلومات بدهید؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

## انواع غسل:

### اولا: غسل فرضی و واجبی

- ۱- خروج منی. ۲- جماع و همبستری. ۳- بعد از عادت ماهوار یعنی حیض. ۴- بعد از نفاس ولادت خانمان. ۵- داخل شدن غیر مسلمان در اسلام کسی که به اسلام مشرف می شود.
- ۶- وفات شدن.

### ثانیا: غسل مسنون، مستحب و ثوابی

- ۱- غسل روز جمعه. ۲- غسل برای هردو عید. ۳- غسل احرام و داخل شدن مکه و مدینه. ۴- غسل روز عرفه برای حاجی.
- ۵- غسل نظافت برای مقالات کردن مردم و دوستان. ۶- غسل بعد از تکفین و حمل و تدفین جنازه. ۷- غسل کردن بعد از به هوش آمدن از بیهوشی.



### عبادت و کارهای که در حالت جنابت ممنوع و حرام است؟

دوستی سوال نموده که:

جناب مولانا صاحب السلام علیکم سوال داشتم، برای انسانی که در حال جنابت باشد کدام کار ممنوع است؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

برای مسلمان در حال جنابت امور ذیل حرام شمرده:

۱- نماز خواندن.

۲- تلاوت قرآن کریم.

۳- طواف در خانه کعبه.

۴- باقی ماندن در مسجد.

۵- خواندن کتاب های تفاسیر.

۶- حمل و نقل کردن مصحف.

و باید شخص که برایش جنابت واقع می شود کوشش کند که غسل نماید تا اینکه نماز هایش قضاء نشود.



### در خانه دوستش احتلام شده چطور کند؟

یکی از دوستان محترم و عزیز سوال نموده که:

محترم استاد سلام علیکم، یک سوال دارم: طور مثال شب جای مهمان هستم شیطان فریب میدهد و یا اینکه احتلام میشوم



چی کنم اگر نماز بخوانم میشه یا نه؟ اینکه دوباره اعاده کنم نماز را، چون خانه مردم است همیشه غسل کنم مجبوری است چطور کنم روشنی به اندازید؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

درین شکی نیست که طهارت از جنابت شرط قبولی نماز است، و نماز شخص در حالت جنابت قبول نمی شود اگر توان و دسترسی به آب و غسل کردن را داشته باشد و یا مریض نباشد، و اگر کسی در حالت جنابت بی پروایی کند و قصدا و عمدا نماز بخواند گناه کبیره را مرتکب شده و باید توبه کند، و اگر سهوا و اشتباها در حالت جنابت بودن نماز خوانده باشد باید غسل نموده و نماز را قضائی بیاورد.

این برادر اگر دوستی و رفاقتش قوی و برادری شان دینی باشد، در دین حیاء نیست از دوستش معذرت خواسته آب طلب کند و غسل نماید و نمازش را اداء کند زیرا احتلام یک عذر غیر ارادی است..

اما اگر یقین داشته باشد که او مورد اتهام قرار میگیرد اگر مهمانوازش خبر شود از احتلام شدنش درین صورت برایش جواز دارد که تیمم کند و نماز را بخواند زیرا او در حکم محبوس است، لیکن یقین داشته باشد و به احتمالات و گمان و تخمین عمل نکند.

اما اینکه تظاهر کند و نماز را در حالت جنابت به یک وضوی عادی بخواند جواز ندارد زیرا نه عاجز و نه مریض است، آب میسر است و نیز خاک برای تیمم.



### این برداشت درست نیست کسی که احتلام میشود مشکلات اخلاقی دارد

یکی از علاقمندان مسائل دینی سوال نموده:

آیا درست است که کسی که احتلام میشود مشکل اخلاقی دارد و در دینداری اش مشکل است، از یک ملا چنین شنیدم؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

از نظر شریعت این برداشت درست نیست، کسی که احتلام میشود اخلاقاً منحرف است یا التزام دینی اش کم است، بلکه احتلام شدن یک امر طبیعی است که هر انسان میشود لیکن کم و زیاد شدن آن به هر انسان تعلق میداشته باشد، حتی ائمه مساجد و مولوی صاحبان قاری صاحبان هم احتلام میشوند.

لیکن مسلمان باید هنگام خوابیدن امور ذیل را در نظر داشته

باشد:

۱- با وضوء و طهارت خوابیدن.

۲- دستان خود را جمع نموده و در آن اذکار و دعاهای قبل از خواب و آیه‌الکرسی و اواخر سوره بقره، سوره اخلاص، و معوذتین را بخواند سپس دستهایش را تا جایی که بتواند به بدنش بکشد، این عمل را از سر و صورت پیش روی جسمش آغاز کند و سه بار انجام دهد.

۳- این دعاها را بخواند: " باسمک اللهم أموت وأحیا" پروردگارا بنام تو می میرم و زنده می شوم، و این را نیز سه بار بخواند: " اللهم قني عذابك يوم تبعث عبادك" پروردگارا مرا حفظ کن و در امان بمان از عذابت روزی که بر می انگیزی بندگان را.

۴- خوابیدن به پهلو راست.



**شراب نوشی گناه کبیره و بزرگ است لیکن موجب غسل نمی شود**

یکی از دوستان از کابل چنین سوال نموده است:

استاد محترم یک سوال در بار نشه شراب معلومات بدهید آیا

غسل ضرورت هست یا نه یک دوست مه سوال کرده از مه؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

شراب نوشی گناه کبیره وبرزگ است و نوشیدن شراب حرام قطعی است، و شراب نجس ناپاک و از عملکردهای شیطان میباشد، الله متعال شراب را رجس و از عمل شیطان توصیف نموده است "رجس من عمل الشيطان فاجتنبوه لعلکم تفلحون"<sup>۱</sup> شراب نجس و از اعمال شیطان است بر مسلمان ترک کردنش فرض است و نوشیدنش حرام، فلاح و کامیابی دنیا و آخرت در ننوشیدن این نجاست است.

لیکن موجب غسل کردن نیست اما اگر عقل و هوش خود را از دست داده باشد باید وضوء کند، اما در حالت نشه به نماز و عبادت نزدیک نشود کسی که این نجاست را نوشیده باید لباسهای که با شراب آلوده شده و آمیخته گردیده آنرا بشوید زیرا شراب نجس است مثل گوشت خوک و خنزیر و سائر پلیدیها و نجاستها.



<sup>۱</sup> - سوره مائده: ۹۰.

## سه بار شستن در غسل مستحب است

دوستی سوال نموده :

وقتی که من وضوء می کنم، اگر صابون نباشد، هر عضو بدن خود را سه بار می شویم، و وقت که صابون باشد از سه بار اضافه میشود به خاطر که اگر از سه بار کم شود صابون میماند چطور کنم؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

در غسل باید اکتفاء به سه بار شستن شود که بیشتر از آن اسراف می شود، سنت سه بار شستن است.



## با دندان پر شده غسل نمودن درست است

یکی از خواهران چنین سوال نموده:

آیا دندان را پر کده باشی غسل جنابت روا میشود یا نه؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

مضمضه یعنی شستن دهد در مذهب حنفی و حنبلی از فرائض غسل است و بدوشستن دهن غسل نمی شود اما در مذهب

مالکی وشافعی مضمضه وشستن دهن سنت است وغسل بدون آن هم می شود،

حالا اینکه شستن دهن را به سبب این عذر کرده ویا به فراموشی غسلش درست شده ونماز وعبادات این خواهر درست وصحیح است وضرورت به اعاده ندارد.



### در وضوء وغسل کشیدن دندان ساختگی لازم نیست

یکی از خواهران از ولایت هرات چنین سوال نموده:

آیا لازم است که در غسل جنابت ووضوء دندان ساختگی از دهن کشیده شود؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

در وضوء وغسل جنابت کشیدن دندان ساختگی لازم نیست، وهمینکه مضمضه بکند سه بار یعنی دهن خود را بشوید وضوء وغسل آن درست است وبودن این دندان در دهن به غسل ووضوء آسیب نمی رساند وبخش از دهن شمرده می شود.



## قبل از پرکاری دندان وضوء داشتن شرط نیست

یکی از علاقمندان مسائل دینی از ولایت پنجشیر سوال نموده:

کسیکه نزد داکتر دندان می‌رود بخاطر پر کردن دندان هایش لازم است قبل از پرکاری دندان وضوء داشته باشد یا خیر خداوند در عمر تان بیفزاید بزرگترین سرمایه معنوی کشور ما هستید؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

بعد از پر کردن و پوش دادن دندانها در وضوء گرفتن و غسل کردن تنها سه بار رسانیدن آب به دهن شرط است.

قبل از پرکاری و پوش دادن دندانها وضوء داشتن شرط نیست، و بعد از پر کردن و پوش دادن دندانها در وضوء گرفتن و غسل کردن تنها سه بار رسانیدن آب به دهن و شستن دهن شرط است وجود پوش و مواد پرکاری به وضوء و غسل آسیب نمی‌رساند، همین دهن شسته می‌شود وضوء و غسل به شکل شرعی اش انجام شده شمرده می‌شود.



## هنگام وضوء و شستن دهن کشیدن دندانهای مصنوعی ضرور نیست

یکی از دوستان از شهر کابل چنین سوال نموده:

من دندانهای ساختگی دارم آیا ضرور که در وقت وضوء و غسل آنها را از دهن بکشم یا غسل و وضوء بدون کشیدن آنها می شود؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

فقهای معاصر فتوا داده اند که کشیدن این دندانها ضرور نیست در وقت غسل و وضوء و مضمضه و شستن دهن، در وجود این دندانها داخل دهن مسلمان وضوء و غسلش می شود و ضرورت به کشیدن آنها بخاطر وضوء و غسل ندارد ..

اما اگر بخاطر پاک کاری و نظافت میکشد به وضوء و غسل تعلق ندارد و مسأله جداگانه است.



## استفراغ در صورتی که دهن را پر کند وضوء را میشکند

شیخ صاحب آیا استفراغ به وضوء آسیب میرساند من در سفر عادت دل بدی دارم و در راه قیء میکنم؟



الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

استفراغ (قی کردن) در صورتی که دهن را پر کند وضوء را میشکند و باطل میسازد.

و شکننده های وضوء در مذهب حنفی قرار ذیل است:

۱- هر چیزی از سبیلین یعنی دو راه معهود خارج شود (پیش و پس انسان).

۲- استفراغ و قی کردن در صورتیکه دهن را پر کند.

۳- خون و ریم و زرداب و غیره که از بدن خارج شود در صورتیکه از جایش بجلد تجاوز کند، البته خارج شدن خون از غیر سبیلین در مذهب جمهور فقهاء شکننده وضوء نیست.

۴- خواب تکیه زده.

۵- خنده قهقهه در داخل نماز.

۶- خوردن گوشت شتر در مذهب حنبلی و بعضی فقهای معاصر.

۷- زوال و از دست دادن عقل در صورتیکه انسان دیوانه شود و یا نیشه و بیهوش گردد.

۸- دست زدن و لمس نمودن اعضای تناسلی از زیر لباس در مذهب شافعی و حنبلی.

۹- لمس نمودن زن و مرد همدیگر را به شهوت نزد مالکی و حنبلی اما نزد شافعی لمس نمودن زن به شهوت باشد یا بدون شهوت شکننده وضوء است، و در مذهب حنفی شکننده وضوء نیست.

۱۰- غسل دادن مرده.

۱۱- مرتد شدن.



### آیا دشنام دادن مسلمان و غیبت کردن وضوء را میشکند؟

السلام علیکم استاد گرامی سوال داشتم که آیا دو و دشنام دادن مسلمان و غیبت کردن وضوء را میشکناند یا خیر؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

نواقض وضوء معلوم است که عبارت است از خارج شدن چیزی از سبیلین، خواب، خروج نجاست از بدن، لمس کردن زن به شهوت، لمس کردن فرج و شرمگاه بشهوت، مرتد شدن یعنی

خارج شدن از اسلام، زوال عقل انسان، خارج شدن خون از جسم که از جایش حرکت کند، خوردن گوشت شتر در مذهب حنبلی.



### دشنام دادن و غیبت از نواقض وضوء نیست

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

دشنام دادن و غیبت نمودن گناه است و از صفات مسلمان نیست، و حرام است، الله متعال فرموده است: " وَلَا يَغْتَب بَّعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ.." <sup>۱</sup> یکدیگر را غیبت نکنید آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟

و اگر به قصد و نیت آزار و اذیت مسلمان باشد نیز گناه کبیره است: " وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدْ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا " <sup>۲</sup> هر کسی مرد و زن مسلمان را اذیت کند بدون موجب و گناه یقینا گناه بزرگ و بهتان را مرتکب می شود که از خود جزای اخروی دارد.

۱ - سورة الحجرات، الآية: ۱۲.

۲ - سورة الأحزاب، الآية: ۵۸.

اگر بدگویی و تهمت بستن باشد نیز گناه است زیرا رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح فرموده است: "إن دماءکم وأموالکم وأعراضکم علیکم حرام.." <sup>۱</sup>، تجاوز به جان و مال و خون یدیکر تان به ناحق بالای تان حرام است.

دشنام دادن نیز گناه کبیره و فسق است و از صفات مسلمان نیست، رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح فرموده است: "ليس المسلم بالطعان، ولا الفاحش ولا البذي" <sup>۲</sup> از صفات مسلمان این نیست که کسی را طعن و لعن کند و دو و دشنام دهد.



### آیا خوردن گوشت شتر وضوء را میشکند؟

یکی از خواهران از ولایت هرات چنین سوال نموده:

استاد محترم آیا با خوردن گوشت شتر باید تجدید وضوء نمود؟ یعنی وضوء باطل میگردد؟

۱ - أخرجه البخاري في صحيحه، كتاب الحج، باب الخطبة أيام منى، رقم الحديث: (١٧٣٩)، (ج ٢، ص ١٧٦).

۲ - أخرجه الترمذي في سننه، أبواب البر والصلة عن رسول الله صلى الله عليه وسلم، باب ما جاء في اللعنة، رقم الحديث: (١٩٧٧)، (ج ٤، ص ٣٥٠).

### الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

در مذهب جمهور فقهاء که مذهب حنفی هم شامل آن است خوردن گوشت شتر ناقض وضوء نیست و به وضوء آسیب نمی رساند اما در مذهب حنبلی و نیز به نظر إسحاق بن راهویه و یحیی بن یحیی و أبو بکر ابن المنذر و ابن خزیمه و أبو بکر البیهقی، و همه اهل حدیث و همچنان از تعدادی از صحابه رضی الله عنهم هم نقل شده که وضوء را میشکناند و کسی که گوشت شتر را بخورد بالایش واجب است که وضوی خود را تجدید کند زیرا وضویش باطل شده است.

دلیل این قول حدیث صحیح که امام مسلم روایت کرده و از جابر بن عبد الله یکی از فقهای صحابه روایت شده: "سئل النبي صلى الله عليه وسلم أنتوضأ من لحوم الإبل؟ قال: نعم، قال: أنتوضأ من لحوم الغنم؟ قال: إن شئت" <sup>١</sup> رسول الله صلى الله عليه وسلم سوال شد که آیا بعد از خوردن گوشت شتر وضوء کنیم فرمود که بلی، و آیا بعد از خوردن گوشت گوسفند وضوء کنیم؟ فرمود که اگر می کنید باکی ندارد، این قول را محمد ناصر الدین الألبانی نیز تأیید نموده است.

١ - أخرجه الطبراني في المعجم الكبير، باب الجيم، جعفر بن أبي ثور، عن جابر بن سمرة، رقم

الحديث: (١٨٦٦)، (ج ٢، ص ٢١٢).

اما دلیل جمهور فقهاء حدیث که از همین صحابی جابر بن عبد الله رضی الله عنه است بروایت ابو داود و نسائی: "کان آخر الأمرین من رسول الله صلی الله علیه وسلم ترک الوضوء مما مسّت النار" <sup>۱</sup>، یکی از آخرین دو کار را که رسول الله صلی الله علیه و سلم ترک کرده بود وضوء نکردن بعد از خوردن طعامهای که به آتش پخته می شد، و جمهور فقهاء گفته اند که این حدیث، حدیث اولی را نسخ کرده لیکن علمای معاصر از جمله شیخ محمد ناصرالدین الألبانی این حدیث را تضعیف نموده و حدیث صحیح مسلم را قوی دانسته لهذا باید که جانب احتیاط را مراعات نمود و بعد از خوردن گوشت شتر وضوء را تجدید کرد.

البته این امر تعبدی است باید در جستجوی حکمت آن نباشیم لیکن بعض فقهاء این علت را ذکر کرده اند که خوردن گوشت شتر مباح و حلال است لیکن انسان را به سختی، شدت و قسوت قلب تربیه میکند زیرا شتر در بین حیوانات لجوج است لهذا رسول الله صلی الله علیه وسلم وضوء کردن را بعد از خوردن گوشتش واجب دانسته اما تجدید وضوء بعد از خوردن گوشت گوسفند که چرب و قوی است اختیاری است نه واجبی.

<sup>۱</sup> - أخرجه النسائي في سننه، كتاب الطهارة، باب ترك الوضوء مما غيرت النار، رقم الحديث:

به هر حال این مسأله فقهی اجتهادی است که دیدگاه فقهاء فرق کرده و اگر کسی به مذهب جمهور عمل میکند هم باکی ندارد و اگر به مذهب حنبلی میکند و یا جانب احتیاط بیشتر را رعایت میکند که وضوء را تجدید میکند، مهم این است که مسأله روشن شد.



### آیا استعمال عطرهای الکحولی لباس را بی نماز می سازد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

مسلمان باید این نوع عطر را نه استعمال کند و نی هم با آن خود را خوشبو بسازد زیرا گنهگار می شود و نمازش فاسد میگردد و این نوع عطرهای الکحولی نجس و حرام است. و عطر (کلونیا) را فقهاء به نام واسم ذکر کرده اند که مشتمل بر الکحول است و حرام شمرده می شود... این نوع عطرها به شراب قیاس شده و حکم شراب بالایش تطبیق می شود و الله متعال در قرآن کریم شراب را حرام کرده و فرموده که "فاجتنبوه" از نجاست شراب و اشیائی که به آن نزدیک است و قیاس می شود دوری جویید از استعمال نوشیدن و حتی از نزدیک شدن و خوشبوی کردن.



## آیا خارج شدن خون از جسم وضوء را می‌شکند؟

یکی از دوستان از ولایت سمنگان چنین سوال نموده:

انگشت ام بعد از وضوء خون شد و خونش جلید من نماز را با همین وضوء خواندم آیا مشکل دارد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

خارج شدن خون از جسم در مذهب جمهور فقهاء بوضوء آسیب نمی‌رساند، و در مذهب حنفی اگر جا بجا نماند وضوء را فاسد می‌سازد.

شما اگر به مذهب حنفی عمل می‌کنید نماز تانرا اعاده کنید، و بعض فقهای معاصر این را ترجیح داده زیرا مذهب حنفی در این مورد جانب احتیاط را مراعت کرده است.



## اگر خون از بدن خارج شود و به کنول طبی سرایت کند وضوء می‌شکند؟

جناب عالی قدر گرامی ام امید می‌برم که سفرهای خوشی را سپری نمایید و بعد در ارتباط ای وی کنول اگر لطف نموده معلومات بدهید در صورتیکه داخل ورید باشد بخواهیم نخواهیم خون جریان پیدا میکند و همچنان داخل کنول هم خون موجود



میباشد در این صورت چگونه وضو بگیریم آیا شکننده وضو است یاخیر؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

این حکم در مذهب حنفی است اما نزد جمهور فقهاء وضوء نمیشکند به خارج خون از زخم های بدن، تنها چیزی که از سبیلین خارج شود وضوء را میشکند.



### آیا مخدرات وضوء را باطل میسازد؟

سلام استاد گرامی آیا چرس دقیقا چرس خودش چی حکم دارد آیا گناه صغیره هست با کبیره؟ کسی که وضوء داره استاد چرس استفاده میکنه وضویش میشکند؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

زیرا باکشیدن چرس عقل انسان تغییر میکند و حالتش بدل می شود و چرسیها مرتکب جرم و جنایت می شوند در اثر باختن هوش و عقل شان ازینرو وضوی شخص چرسی نیز میشکند زیرا زوال عقل از نواقض وضوء است.



## وضوء کردن با چای

یکی از دوستان چنین سوال نموده:

آیا با آب چای گرفتن وضوء جواز شرعی دارد یا خیر؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

در مذهب حنفی با چای وضوء کردن جواز دارد، اما در مذهب جمهور فقهاء جواز ندارد.



## تجدید وضوء با جاری شدن خون از بدن

یکی از دوستان سوال نموده:

آیا خون که از بدن جاری شود ناقض وضوء است؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

در صورت جاری شدن خون از بدن بهتر است مسلمان وضوء خود را تجدید کند.

این مسأله اختلافی است بین جمهور فقهاء و مذهب حنفی، در نزد جمهور فقهاء و در خارج شدن خون از بدن ضوء فاسد نمی شود تنها خونی که از سبیلین خارج میشود وضوء را باطل می

کند، و در نزد احناف خون که خارج شود و از جای خود حرکت کند و بجلد وضوء را فاسد میسازد.

بهتر است که بعد از خارج شدن خون از بدن وضوء تجدید شود تا اینکه مسلمان عبادت خود را به اطمینان قلبی ادا کند و از اختلاف فقهاء بر آید در این مسأله.



په هغه صورت کې چې وینه له بدن څخه جاري شي بهتره  
دا ده چې مسلمان خپل اودس تازه کړي

يو له دوستانو څخه پوښتنه کړې ده:

آيا وینه چې له بدن څخه جاري شي اودس ماتوونکې  
ده؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

په هغه صورت کې چې وینه له بدن څخه جاري شي  
بهتره دا ده چې مسلمان خپل اودس تازه کړي.

دا مسأله د جمهورو فقهاؤ او حنفي مذهب ترمنځ  
اختلاف دی، د جمهورو فقهاؤ په نزد د بدن څخه د وینې  
خارج کېدل اودس نه فاسدوي تنها وینه چې له سبیلینو  
خارجېږي اودس باطلوي، او د احنافو په نزد کله چې

وینه له هر خای خخه خارج شي او د خپل خای خخه حرکت وکړي او دس فاسدوي .

بهتره ده چې د وینې له بدن خخه د خارچېدو وروسته او دس تازه شي ترڅو چې مسلمان خپل عبادت د زړه په اطمینان سره ادا کړي او په دې مسأله کې د فقهاؤ له اختلاف خخه ووځي .



### مسح نمودن گردن از سنتهای وضوء نیست

یکی از هموطنان عزیز ما از کابل سوال نموده:

یک کسی برایم گفت که در وقت وضوء مسح نمودن گردن بدعت است و نباید شود، فقط سر مسح شود و بس، آیا درست گفته است؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

مسح نمودن گردن در وضوء نه از فرائض و نه هم از سنتها و مستحبات وضوء است، وضوء بدون آن میشود، و این مسح نمودن نه از رسول الله صلی الله علیه و سلم ثابت است و نه هم از یاراناش صحابه کرام، حدیثی که نقل میشود و دلالت بر مستحب بودن آن میکند ضعیف است و قابل عمل نیست.

تنها مسح سر و گوشها در وضوء كافی است.



### مريض فلج چگونه وضوء كند؟

يكي از خواهران هموطن ما از شهر كابل سوال نموده:

با تشكر فروان از معلومات مفيدتان و رحمت خداوند نثار شما باد ضمنا يك سوال در ارتباط نماز مريض داشتم اگر مريض فلج باشد نماز خود را به اندازه توانايي خود حتى به اشاره ادا كند ليكن مسأله وضوى آن چگونه است؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

دين مبين اسلام دين رحمت، يسر و آساني است و بنده را در اداي عبادات به اندازه مكلف ساخته است كه توانايي آنرا داشته باشد و فرموده است: " يريده الله بكم اليسر ولا يريده بكم العسر " او تعالى براي شما آساني را مي خواهد و سختي و مشقت را نمي خواهد.

و این مریض فلج سه حالت دارد:

۱- در صورتیکه از استعمال کردن آب عاجز باشد و رسیدن آب در بدنش برایش ضرر برساند و سبب ازدیاد مریضی اش گردد در این حالت برایش جایز است که تیمم نماید، بلکه اگر در استعمال آب خطر مرگش باشد تیمم برایش واجب است.

۲- اگر از استعمال آب برای ضرر نرساند و مرضش را ازدیاد نبخشد لیکن جسمش توانایی حرکت و آوردن آب را نداشته باشد و کسی هم وجود نداشته باشد که در آوردن آب و وضوء با او همکاری کند در این حالت نیز تیمم کردن برایش جایز است زیرا تیمم بدیل آب است در صورت دسترسی نداشتن به آب.

۳- در صورتیکه استعمال نمودن آب برای این مریض فالج ضرر نداشته باشد و همکار و خدمتگار هم داشته باشد که آب وضوء را برایش حاضر کند و در وضوء نمودن او را یاری کند در این حالت بر او فرض است که با آب وضوء کند و تیمم کردن برایش جایز نیست زیرا معذور شمرده نمی شود.



## حکم مسح سر بالای چادر

یکی از علاقمندان صفحه فیسبوکی من چنین سوال نموده:

استاد گرامی آیا زن محجبه در محل کار میتواند که مسح سر را بالای چادر انجام بدهد؟

البته بخاطر وضوء گرفتن.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

جمهور فقهاء به این نظر هستند که برای خانمها جواز ندارد که مسح سر را بالا چادر بکنند.

در صورتیکه بعوض مسح سر بالای چادر مسح کند وضویش باطل می شود، مگر اینکه چادر نازک باشد که آب از زیر آن موهایش را تر کند.

بعض فقهای قدیم و معاصر به این نظر هستند که مسح کردن بالای چادر جائز است اگر در کشیدنش حرج باشد و موهایش به مردان نا محرم ظاهر گردد.

قول سوم این است که مسح کردن بالای چادر جائز است زیرا که مسح بر دستار مشروع و جائز است چادر بدستار و عمامه قیاس می شود و در عبادت بین زن و مرد فرق نیست.

از نظر قول جمهور فقهاء راجح است.



### پاکی لباس و جای نماز از شروط قبولی و صحت نماز است

دوستی سوال میکند که آیا مستری موتر با لباس چرکین نمازش قبول می شود؟

برای این دوست محترم باید بگویم که بهتر این است که مستری صاحبان و کسبه کاران و قصابان کارکنان رستورانها، کالا و لباس پاک و احتیاطی داشته باشند و در وقت نماز آنرا بدل کنند و خود را معطر و خوش بو بسازند تا اینکه بوی عرق و غیره احساس نشود و مردم در مسجد احساس ناراحتی نکنند حتی بعض فقهاء کسانی که پیاز و سیر می خورند و یا جراب های شان چیرکین و بد بو است گفته اند که باید در جماعت نروند که سبب آزار و اذیت دیگران نشوند، و مسلمان باید خوشبو و خوش لباس به بمسجد برود و رسول الله صلی الله علیه و سلم در حدیث صحیح فرموده اند که: " إن الله جميل يحب الجمال" <sup>۱</sup> خداوند متعال زیبا است و زیبایی را دوست دارد.

<sup>۱</sup> - أخرجه مسلم في صحيحه، كتاب الإيمان، باب تحريم الكبر وبيانہ، رقم الحدیث: (۹۱)، (ج ۱)،



باز هم در حالات مجبوری و مسافرت و کار اگر کالا و لباس گرد آلود و خاک آلود و غبار آلود باشد و هم چرکین باشد لیکن به نجاست آلوده نشده باشد نماز قبول می شود زیرا بارها رسول الله صلی الله علیه و سلم و صحابه کرام بالای زمین و خاک نماز را اداء می نمودند.

اما اگر تنها چرک نباشد بلکه کالا و لباس با نجاست آلوده شده باشد باز درین صورت اگر انسان مریض نباشد و یا هم زندانی و محبوس نباشد باید لباس خود را بشوید و پاک کند و در غیر آن اگر قدرت پاک کردن لباس را داشته باشد نمازش قبول نمی شود.

و بهتر و اولی و افضل همین است که مسلمان باید به پاکی لباس خود اهتمام کند و عبادت خداوند متعال را با پاکی تمام اداء کند.



**بهتر است که همراه بوتها در مساجد فرش شده داخل نشویم**

یکی از دوستان محترم این سوال را فرستاده اند:

اگر لطف کنید در باره داخل شدن همراهی بوت داخل مسجد معلومات ارائه نمایید، چرا که امروز بعض کسانیکه خود را مدافع اسلام میدانند مرتکب چنین عمل هم میشوند.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، وبعد:

درین شکی نیست که در زمانه رسول الله صلی الله علیه وسلم ایشان و صحابه کرام در مساجد با بوتها نماز را ادا میکردند و با بوتها در مساجد داخل می شدند بعد ازینکه بوتها را پاک می نمودند و متأكد می شدند که در آن ناپاکی وجود ندارد، و این امر در احادیث صحیح ثابت است چون مساجد در آن زمانه فرش نداشت و مردم بالای خاک و ریگ نماز را ادا میکردند و داخل شدن با بوتها بالای خاک و ریگ کار عادی پنداشته می شد و حالا علماء و فقهاء فتوای شان این است که در مساجد فرش شده باید با بوتها داخل نشویم زیرا بوتها ناپاکی را جذب نموده سبب ناپاکی فرش مسجد می شود و همچنان سبب آزار و اذیت مردم در داخل مسجد می شود، اما اگر مسجد فرش نداشته باشد و بوتها پاک باشد نماز خواندن با بوتهای پاک مشروع و جایز است.



### وضوء کردن با رنگ ناخن

السلام وعلیکم جناب استاد سوال داشتم آن اینکه وضو کردن با رنگ ناخون جواز دارد یا خیر؟ منظورم اینکه اگر در ناخونها رنگ ناخون زده شده باشد قبل از وضو باید پاک شود یا خیر؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

از شروط صحت و قبولی وضوء رسیدن آب به اعضای وضوء است و وجود رنگ ناخن مانع رسیدن آب می شود، و باید قبل از وضوء کردن رنگ ناخن خود را پاک کرد زیرا اگر آب نرسد وضوء قبول نمی شود عمر بن الخطاب رضی الله عنه فرموده است در حدیث صحیح: " أَنَّ رَجُلًا تَوَضَّأَ فَتَرَكَ مَوْضِعَ ظُفْرِ عَلَى قَدَمِهِ ، فَأَبْصَرَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ : ( اِرْجِعْ فَأَحْسِنْ وُضُوءَكَ ) ، فَرَجَعَ ، ثُمَّ صَلَّى " <sup>۱</sup> رسول الله صلی الله علیه و سلم متوجه یک صحابی شد که وضوء کرده بود و به اندازه یک ناخن پای خود را نشسته بود آنحضرت صلی الله علیه و سلم این صحابی را امر نمود که پس برود و از سر نو وضوی خود را تکمیل کند و او رفت و از سر وضوء نموده و نماز را ادا کرد.

لیکن اگر مریض باشد و رنگ ناخن و یا به پلستر طبی را بخاطر تداوی گذاشته باشد درین صورت برایش جواز دارد که مسح کند بالای آن.



۱ - أخرجه مسلم في صحيحه، كتاب الطهارة، باب وجوب استيعاب جميع أجزاء محل الطهارة، رقم

الحديث: (۲۴۳)، (ج ۱، ص ۲۱۵).

## آيا عذر ماهوار مانع داخل شدن خانمها به مسجد می شود؟

يکي از دوستان محترم سوال نموده که:

السلام عليكم استادگرامی ام: خداوند متعال شما را در حفظ و امان خود نگهدارد، استاد گرامی: یکی خواهان سوال دارند اگر در مسجد جای تدریس قرآن باشد چون مدرسه دیگر نیست این مسئله در اروپا است پس در حالت عذر میشود بخاطر تدریس برود چون در حالت عذر رفتن به مسجد جایز نیست؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

جمهور فقهاء مذاهب فقهی چهارگانه به این نظر هستند که خواهان در روزها عادت ماهوار یعنی حیض در مسجد داخل نشوند تنها از مسجد عبور کرده می توانند اما از مکت کردن و نشستن در مسجد منع شده اند، و از حدیث صحیح که در بخاری و مسلم روایت شده عَنْ أُمِّ عَطِيَّةَ قَالَتْ: " أَمَرَنَا تَعْنِي النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنْ نُخْرَجَ فِي الْعِيدَيْنِ الْعَوَاتِقَ وَذَوَاتِ الْخُدُورِ ، وَأَمَرَ الْخَيْضَ أَنْ يَعْتَزِلْنَ مُصَلَّى الْمُسْلِمِينَ " <sup>١</sup> ام عطیه رضی الله عنها فرموده است که رسول الله صلی الله علیه و سلم خانمان خورد و کلان و همه را امر نمود که بخاطر نماز عید به مسجد بروند و خانمان و خواهان

<sup>١</sup> - أخرجه مسلم في صحيحه، كتاب صلاة العیدین، باب ذکر إباحتها خروج النساء في العیدین إلى

المصلی وشهود الخطبة، مفارقات للرجال، رقم الحدیث: (٨٩٠)، (ج ٢، ص ٦٠٥).

که در روزهای حیض قرار داشتند به آنها هدایت دادند که در داخل مسجد نباشند.

و نیز باید قرآن کریم را در روزهای عادت ماهوار حمل و لمس نکنند و تنها می توانند که از کتابهای تفسیر، موبایل، کمپیوتر و از حفظ و غیره تلاوت کنند، این حکم عام است به خواهران که شاگرد باشند در ساعت های درسی قرآن کریم و در مدارس.

لیکن می توانند در دهلیز و بیرون مسجد و یا اطاقهای ملحق به مسجد تدریس کنند از حفظ و یا از کتابهای تفسیر و از موبایل تلاوت و تدریس کنند.



**آیا خانمهای که در عادت ماهوار هستند سجده تلاوت کرده می توانند؟**

یکی از خواهران چنین سوال نموده:

آیا زن در روزهای عادت ماهوار که از حفظ خود تلاوت کند سجده تلاوت هم کرده می تواند؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

برای خانمها جواز دارد که از حفظ تلاوت کنند و نیز از موبایلها، آپید، کمپیوتر و کتابهای تفسیر تلاوت نمایند و بعد از خواندن آیت سجده سجده تلاوت نمایند و مانع و حرج نیست زیرا این سجده عبارت از ذکر مشروع است در حالت حیض، و نماز شمرده نمی شود.

اما برای کسانی که در حالت جنابت هستند برای شان تلاوت کردن، سجده نمودن جائز و مشروع نیست.



آیا آرایش وضوء را می شکند؟

یکی از خواهران سوال نموده:

آیا آرایش به وضوء آسیب میرساند و خانمی که آرایش کند وضویش باطل میشود؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، اما بعد:

در جواب این خواهر محترمه باید بگویم که آرایش و چرب کردن اعضای بدن و استعمال لیسرین، و لب چرب، و عطر زدن به

وضوء آسیب نمی رساند و وضوء را باطل نمی سازد و این چیزهای که ذکر شد از نواقض و شکننده های وضوء شمرده نمی شود.



### آیا په سینگار کولو سره اودس فاسدیږي؟

یوې خور پوښتنه کړې وه چې:

د سینگار (آرایش) په وخت کې کله کله زه له عطرو، سُرخي، د مخ کریم او دیو لږ نورو داسې وسائلو څخه استفاده کوم؛ نو آیا زما په دې کار سره به خو زما اودس ته کوم زیان نه رسیږي؟

د محترمي خور ددې پوښتنې په ځواب کې په لنډه توګه سره باید دومره ووايو چې: هیڅکله هم اودس په لاندینیو څېزونو سره نه باطلیږي، لکه: د سر تیل، د مخ کریم، او نور داسې وسائیل چې لاسونه، مخ او یا د وجود نورې برخې پرې غوړیږي.

که چېرې له مرهمو او یا د مخ د تزئین (بنائسته کولو) لپاره له یو ډول پوډرو (سپېده) او یو لږ نور وسائلو څخه استفاده وشي؛ نو اودس پرې هیڅ کله هم نه باطلیږي.

د شونډو د سرو کولو لپاره که چېرې له سُرخي (لب سیرین) یا لب چرب او داسې نورو شونډو مرطوبونکو (نرموونکو) موادو څخه کار واخستل شي او یا که چېرې له عطر و څخه استفاده وکړای شي؛ نو اودس پرې نه خرابیږي؛ ځکه چې په اسلامي شریعت کې د دې پورته شیانو په اړه څه نه دي ویل شوي او دا څېزونه د اودس ماتوونکو څېزونو له جملې څخه ندي شمارل شوي.

البته دلته غواړو دې خبرې ته هم ستاسې پام راوړو چې: په عامه توګه سره نن پخپله افغاني ټولنه کې وینو چې یو لړ مېرمنې د پردیو نارینه و پر وړاندې په سینګار سره له خپل کوره راوځي؛ نو دا کار هیڅکله هم جواز نلري چې یوه مېرمن دې خپله بنګلا او سینګار داسې چا ته بنکاره کړي چې هغوي ته یې بنکاره کول جواز نلري، پدې صورت کې خو لازمه داده چې زموږ مسلمانې خوبندې د تقوی لاره غوره کړي او د لوي پروردگار څخه ووپریږي.





## جنابت مانع تلاوت قرآن کریم می گردد

یکی از هموطنان عزیز ما از شهر کابل سوال نموده:

استاد محترم شخصی سوال کرده که آیا انسان جنب میتواند از روی تیلیفون قرآن را تلاوت کند؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

فقهای مذاهب فقهی چهارگانه اتفاق دارند که برای انسان جنب که در حالت جنابت باشد چی مرد باشد و یا زن، جواز ندارد که قرآن کریم از روی مصحف، یا از حفظ و از مو بایل تلاوت کند و برایش حرام قطعی و مطلق است که قرآن کریم را لمس کند و دست بزند و یا حمل نماید و یا بخواند، و در هیچ حالت تلاوت و خواندن و تعلیم دادن قرآن کریم جایز نیست برای انسه‌های که در حالت جنابت باشند تا اینکه غسل جنابت را نکرده باشند.



## آیا ادرار کردن بعد از جماع و قبل از غسل واجب و ضروری است؟

یکی از خوانندگان محترم بخش فتوی و مشره سایت اصلاح اونلاین نت چنین سوال نموده:

سوال: بعد از انزال بعد از جماع انسان چقدر وخت بعد غسل کرده میتواند چی کارها باید قبل از غسل بکند یعنی فی مابین جماع و غسل اگر مفصلا بگویم که آیا این حرف درست است یا نه که باید قبل از غسل باید یک بار ادرار خالی بکنی همانکه میگوید مرداری به مرداری پاک میشود درست است این کب یا خیر البته باعرض حرمت و معذرت میخواهم؟

بعد از جماع و همبستری و قبل از غسل کردن ادرار کردن لازم نیست، و منی که بعد از غسل خارج شود موجب اعاده غسل نمی شود حتی اگر منی خارج شود بعد از غسل در آن غسل واجب نیست زیرا رسول الله صلی الله علیه وسلم بارها غسل کرده بعد از جماع و ادرار نکرده و این در روایات صحیح ثابت است، اما بهتر است که ادرار کنند زیرا ادرار کردن به طهارت شان کمک می کند.



## وضوء کردن با آب سرد در زمستان ثواب بیشتر ندارد

یکی از دوستان سوال نموده:

آیا این درست است که وضوء کردن در زمستان با آب سرد ثواب بیشتر دارد قسمیکه بعض ملا میگویند؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

این برداشت غلط و نادرست است که در زمستان وضوء کردن با آب سرد ثواب بیشتر دارد و این برداشت دلیل و سند شرعی ندارد، دین مبین اسلام مشقت و سختی را بر بندگان الله متعال روا نمی دارد، سنت این است که انسان در هر کار آسانترین آنرا انتخاب کند.

اما در صورتی که آب گرم وجود نداشته باشد انسان یک انتخاب داشته باشد که آن عبارت از آب سرد است و با آن وضوء نماید یقینا اجر و ثواب بیشتر شامل حالش میشود و این مورد را رسول الله صلی الله علیه و سلم در حدیث صحیح بیان نموده: "ألا أدلكم على ما يمحو الله به الخطايا ويرفع به الدرجات... إسباغ الوضوء على المكاره، وكثرة الخطى إلى المساجد، وانتظار الصلاة بعد الصلاة.." <sup>١</sup> آیا شما را رهنمایی کنم به اموری که سبب محو و نابودی گناهان

<sup>١</sup> - أخرجه مسلم في صحيحه، كتاب الطهارة، باب فضل إسباغ الوضوء على المكاره، رقم الحديث:

و بلند بردن درجات میشود، وضوء کردن به شیوه درست و صحیح در وقت سختی، و رفت و آمد کردن بیحد برای ادای نمازها بطرف مسجد، و انتظار نمودن برای ادای نماز بعد از ادای نماز قبلی آن.

لیکن معنایش این نیست که در زمستان آب گرم وجود داشته باشد و انسان بشکل قصدی و عمدی آب سرد را انتخاب کند و خود را در سختی و مشقت بیندازد.



### وضوء کردن با آب کلورین دار جائز و مشروع است

یکی از دوستان پرسیده که با آب کلورین دار وضوء میشود یا خیر، میدانیم که بو و ذایقه آب با افزودن کلورین در آب تغییر مینماید؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

اگر مزه، ذائقه و بوی آب در نتیجه آمیخته شدن و خلط شدن با ادویه و مواد که برای از بین بردن میکروبها استعمال شود تغییر کند در این صورت آب در ذات خوب باک و نیز باک کننده میباشد و در آن وضوء و غسل جائز و مشروع است زیرا که اسم آب باقی است مثل که آب در نتیجه ریختن برکهای درخت یا خاک تغییر میکند.

اما اگر در نتیجه آمیخته شدن در با موادی که اصل اسم و خاصیت آب را بکلی تغییر دهد مثل دوغ، جای، شوربا درین حالت وضوء کردن با این مایعات جائز نیست، تنها نوشیدن آن و استفاده کردن از آن برای خورد و نوش مشروع است نه برای وضوء.



### در درود گفتن طهارت شرط نیست

استاد بزرگوار آیا درود گفتن به پیامبر گرامی حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم بدون وضو جواز دارد یا خیر و در حالت خوابیده و به پهلو هم گفتن درود جواز دارد یا نه؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

در درود گفتن به پیامبر اسلام محمد صلی الله علیه و سلم طهارت و با وضوء بودن شرط نیست و حتی در حالت جنابت نیز می تواند که درود بگوید و خانمها در روزهای عادت ماهوار حیض و نفاس نیز می توانند که درود بگویند.

تنها حضور قلب مهم است و اینکه دهنش پاک باشد نیز عورتش اگر پوشانیده باشد بهتر است.



## احکام مختصر نفاس خانمها در فقه حنفی

یکی از خوهران از شهر کابل سوال نموده:

تا چي زمانی من درحالت نفاس بوده ميتوانم و چي زمانی دوباره نمازم را آغازکنم چون طفلي بدنيا آورده ام؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

نفاس خونی است که در عقب ولادت طفل از مادران جاری می شود و دارای احکام ذیل است:

۱- در مدت نفاس خانمها از عبادات نماز، روزه، لمس کردن قرآن کریم، داخل شدن در مسجد معاف هستند و این عبادات بالای شان حرام است، لیکن روزه را قضایی بیاروند بعد از ختم نفاس.

۲- کمترین مدت نفاس همانا بند شدن و قطع شدن خونریزی است و خواهران فوراً بعد از بند شدن خون غسل نموده به عبادات شان شروع کنند زیرا نفاس کمترین مدت ندارد.

۳- بیشترین مدت نفاس چهل شبانه روز است و اگر خونریزی و آثار آن تا به چهل روز ادامه یابد در ختم روز چهلم خانمها باید غسل نموده به عبادت شان شروع کنند.

۴- خون که بعد از تکمیل کردن جهل شبانه روز دیده شود نفاس شمردہ نمی شود بلکه استحاضہ یعنی مرض است کہ در عبادات و زندگی عادی تأثیر ندارد تنها در هر وقت عبادات و نماز وضوء تجدید شود.

۵- در صورت کہ خون نفاس قبل از چہل روز قطع شود و خانمہا نماز و عبادت را شروع کنند و دوبارہ خون دیده شود در این مدت یعنی قبل از چہل روز این خون نفاس شمردہ می شود در این حالت نیز عبادت را قطع کنند و منتظر بمانند کہ نفاس ختم شود و آنها در حالت نفاس بسر می برند شرعاً.

۶- در صورتی کہ طفل شکم مادر قبل از ہشتاد و یک روز سقط شود و خلقت یعنی شکل انسانی خود را تکمیل نکرده باشد خونی را کہ این خانم میبند نفاس شمردہ نمی شود بلکه خون فاسد است کہ در عبادات و زندگی زن و شوہری اش تأثیر ندارد.



### پہ حنفی فقہ کپی د میرمنو د نفاس احکام

له کابل بنار خخه یوې خور پوښتنه کړې ده:

ترکوم وخته پورې یوه مېرمنه د نفاس په حالت کې وي او څه وخت کولای شي چې خپل لمونځ بېرته پیل کړي؟

## الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

نفاس هغه وينه ده چي د ماشوم له ولادت څخه وروسته له ميندو څخه جاري کېږي او لاندیني احکام لري:

١- د نفاس په موده کې مېرمنې له عباداتو، لمونځ، روژه، د قرآن کریم لمس کول او مسجد ته تللو څخه معاف دي او دا عبادات پرې حرام دي.. لیکن د نفاس له پای څخه وروسته دې د روژې قضايي راورې.

٢- کمترینه موده د نفاس د وینې بندېدل او قطع کېدل دي او خویندې دې د وینې د بندېدو څخه وروسته فوراً غسل وکړي او خپل عبادات دې پیل کړي، ځکه چې نفاس مشخصه کمترینه موده نه لري.

٣- د نفاس تر ټولو زیاته موده څلویښت شپې ورځې دي، نو که وینه بهیدنه تر څلویښتو ورځو دوام وکړي څلویښتمه ورځ دې مېرمنې غسل وکړي او خپل عبادات پیل کړي.

٤- هغه وینه چې د څلویښتو شپو ورځو څخه وروسته ولېدل شي نفاس نه شمېرل کېږي بلکه استحاضه یعني مرض دی چې په عباداتو او عادي ژوند



اغېزه نه لري تنها د هر عبادت او لمونځ پر وخت دې تازه اودس وکړل شي .

٥- په هغه صورت کې که د نفاس وینه له خلوښتو ورځو مخکې قطع شي او مېرمنې خپل لمونځ او عبادت پیل کړي او بیا دوباره وینه ولیدل شي، په دې موده کې یعنې له خلوښتو ورځو مخکې، دا وینه نفاس شمېرل کېږي په دې حالت کې دې هم عبادت قطع کړي او منتظر دې شي چې نفاس ختم شي ځکه چې هغوی شرعا په نفاس کې دي .

٦- په هغه صورت کې چې د مور د نس ماشوم له یو اتیا ورځو څخه مخکې سقط شي او انساني خلقت یعنې خپل انساني شکل یې نه وي تکمیل کړی، نو هغه وینه چې له دې مېرمنې څخه ځي نفاس نه شمېرل کېږي بلکه فاسده وینه ده چې په عباداتو او د خاوند او مېرمنې په عادي ژوند یې تاثیر نلري .



## پر کردن دندان در روزهای حیض

یکی از خوهران هموطن ما مقیم جرمنی سوال نموده:

استاد همین سؤال را به دقت جواب می‌خواهم اگر در حالت حیض باشد و دندان خود را پوش کند و یا پر کند این جائز است یا نه؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، اما بعد:

حیض یعنی عادت ماهوار و نفاس مانع پوش کردن و پر نمودن دندانها نمی شود، و پوش کردن و پر نمودن دندانها در روزهای حیض و نفاس جائز و مشروع است، اما در صورتیکه آنها غسل پاکی از حیض و نفاس را میکنند بر آنها فرض است که فرائض غسل را مراعات کنند که عبارت است از:

۱- مضمضه کردن ( شستن دهن) و در مضمضه توجه کند که آب در تمام دهن و حلق بصورت درست برسد، و رسیدن آب در داخل دندانها شرط نیست در صورتیکه پوش داشته باشند و یا پر شده باشند همین شستن عمومی دهن کفایت میکند.

۲- شستن بینی: یعنی آب را سه مرتبه در بینی انداختن و به استنشاق کردن.

شستن تمام بدن: يعنى را آب را به تمام بدن رسانيدن تا كه يك موى خشك هم باقى نماند، در ريشه و بيخ موها و ناخنها هم رسيدن آب ضرورى است.



### د كاليو په پاكولو كې د نارينه او بنځينه بولو تر منځ د توپير سبب

يوې خور پوښتنه كړى وه چې:

د كاليو په پاكولو كې د ماشوم (هلك) پر بولو (متيازو) باندې يواځې اوبه شيندل كيږي په داسې حال كې چې د ماشومې (انجلې) پر بولو ككړ شوى ځاى مينځل كيږي، د دې كار عمده فرق په څه كې دى؟

د نوموړې خور د دې پوښتنې په ځواب كې ليكو

چې:

كه چېرې يو تې رودونكى (شیر خوار) ماشوم چې لا تر دې مهاله پې خواړه نه وي خوړلي د يو چا په لباس يا پر بل كوم داسې څيز باندې بولې (متيازې) وكړي؛ نو د امام شافعي او امام احمد بن حنبل (رحمهما الله) په نزد يواځې د بولو پر ځاى باندې بايد اوبه و شيندل شي او په دې اړه دليل هم دا مبارك حديث دى چې ابوداؤد

او ابن ماجه په اصل کې د امام بخاري ( رحمه الله ) څخه روايت کړيدى چې لبابة بنت الحارث ( رضي الله عنها ) داسې وفرمايل: يو ځل حسين بن علي ( رضي الله عنهما ) د گران پيغمبر اکرم ( صلى الله عليه وسلم ) په غير کې ؤ چې په دې وخت کې ېې پر هغه مبارک باندې متيازې وکړې؛ نو ما ورته وويل: ته نورې جامې واغونډه او دا پرتوگ دې ما ته راکړه تر څو پرې ېې مينځم؛ نو وې وويل: ( إِنَّمَا يُغْسَلُ مِنْ بَوْلِ الْأُنْثَى، وَيُنْضَجُ مِنْ بَوْلِ الذَّكَرِ )<sup>١</sup>.

يعنې د انجلۍ بولې ( متيازې ) به وينځل کيږي او د هلکانو پر بولو باندې به يواځې او به شيندل کيږي.

د دې دواړو تر منځ د توپير اصلي لامل:

د دوي د جداوالي اصلي لامل دا دی چې: د ماشوم ( هلك ) بولې په اغلب گومان پر ټولو کاليو باندې شيندل کيږي چې د دې مشکل څخه د پاکوالي لپاره يواځې د اوبو شيندل کفايت کوي، خو د ماشومې انجلۍ د بولو څخه د پاکوالي په صورت کې چې په يو ځای کې وي غسل آسانه لاره ده.

<sup>١</sup> - أخرجه أبو داود في سننه، كتاب الطهارة، باب بول الصبي يصيب الثوب، رقم الحديث:

(٣٧٥)، (ج ١، ص ١٠٢).

او امام ابوحنیفه او امام مالک (رحمه الله) وایي: د ماشوم (هک) او ماشومې (انجلی) پر امتیازو باندی ککر شوی خای به وینخل کیري، خکه چې امتیازې نجسي دي لکه خرنګه چې نورې امتیازې چتلی دي.

راجح قول: لومړی قول راجح دی، خکه چې په اړه ېې حدیث روایت شویدی، او همدارنګه دا نظر د معاصرې نړۍ د فقیه او د ملک سعود په پوهنتون کې د اسلامي فقه د استاذ دوکتور حسن عبدالغنی أبو غدة نظر هم دی.



### حکم تیمم برای نو عروس

استاد فرهیخته و بزرگوار السلام علیکم ورحمت الله وبرکاته، یک سوال دارم، شب خینه بود و فردا عروسی ام است، و آرایش که در آرایش گاه کردم اگر وضوء کنم پاک میشه، آیا میتوانم تا فردا تیمم کنم؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

تیمم تنها در صورت نبودن آب و یا مریض بودن و تلف شدن و ازدیاد مرض جواز دارد، اما اینکه آرایش و زینت پاک نشود و از

بین نرود در اثر شستن این عذر شرعی نیست و مجوز تیمم کردن شده نمی تواند.

خواهر محترمه ما باید وضوء کند و تیمم برایش درین صورت جواز ندارد، و مسلمان در حالت خوشی باید عبادت را فراموش نکند.

### شروط جایز بودن تیمم:

۱- طلب نمودن آب. ۲- عدم موجودیت آب و عدم دسترسی به آن. ۳- تیمم نمودن با خاک پاک. ۴- داخل شدن وقت نزد جمهور فقهاء اما داخل شدن وقت نزد فقهای حنفی شرط نیست.



### شیوه و طریقه شرعی تیمم کردن

یکی از جوانان دین دوست و هدفمند از بخش تعلیمی نهاد جوانان مسلمان را در هرات خواهش نموده تا احکام تیمم را در روشنی فقه حنفی بیان نمایم زیرا جوانان مأمور هستند که احکام عبادات خود را بدرستی بدانند.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

تیمم بمعنای قصد و اراده طهارت و پاکی است بخاطر ادای عباداتی که در آن پاکی شرط است.

تیمم در عدم و نبودن و عدم موجودیت آب در خاک پاک به شیوه خاص انجام میشود، مثلاً یا آب وجود نداشته باشد و یا اینکه انسان از استعمال آن عاجز باشد به سبب مرض و سردی شدید می تواند که بعوض وضوء و غسل تیمم کند، الله متعال در قرآن کریم امر نموده: " وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِّنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ " <sup>۱</sup> و اگر در سفر باشید یا مریض باشید و بی وضوء شوید یا اینکه همبستری کرده باشید و بر شما وضوء و غسل حدث اصغر و اکبر فرض شده باشد و آب دریافت نشود و یا اینکه از استعمال آن عاجز باشید و استعمال آن به مریضی تان می افزاید با خاک پاک تیمم کنید روهای تانرا مسح نمایید و دستان تان را تا به آرنج نیز مسح کنید.

رسول الله صلی الله علیه و سلم در حدیث صحیح بروایت امام مسلم فرموده است: " وجعلت تربتها لنا طهوراً إذا لم نجد الماء " <sup>۲</sup> خاک

<sup>۱</sup> - سورة النساء، الآية: ۴۳.

<sup>۲</sup> - أخرجه مسلم في صحيحه، كتاب المساجد ومواضع الصلاة، باب جعلت لي الأرض مسجداً وطهوراً، رقم الحديث: (۵۲۲)، (ج ۱، ص ۳۷۱).

زمین بر ما پاک کننده گردانیده شده در صورتیکه آب را دریافت نکنیم.

### تیمم احکام خاص خود را دارد که عبارت است از:

۱- مراد از خاک پاک همه اشیاء که از جنس آن باشد مثل سنگ، ریگ، خشت.

۲- نیت نمودن در تیمم فرضی و لازمی است که بخاطر پاکی از بی وضویی و یا جنابت تیمم می نماید تا اینکه عبادت الله متعال را بجا بیاورد و رضای او تعالی را کسب کند.

۳- نواقض و شکننده های تیمم همانا نواقض و شکننده های وضوء و غسل است.

۴- دوری و عدم دسترسی به آب را فقهای مذهب حنفی به یک میل که معادل ۱,۶۰۹ یعنی بیشتر از یکمتر می باشد.

۵- دسترسی به آب تیمم را فوراً باطل و فاسد میسازد.

۶- مسلمان باید در جستجوی آب باشد تا آخر وقت نماز به امید اینکه به آب دست رسی پیدا میکند و قبل از قضا شدن نماز تیمم نماید و نماز را بخواند.



۷- با گذشتن وقت نماز تیمم همان وقت نیز باطل میشود و در نماز بعدی باید طهارت خود را با تیمم جدید تجدید نماید.

۸- در نماز جنازه اگر کسی از خانواده و اقارب نزدیک میت نباشد و بیم آن برود که اگر بخاطر وضوء برود نماز خوانده می شود می تواند که تیمم کند.

### شیوه انجام دان تیمم:

کف های دستان خود را یک بار بر خاک پاک بزند و به تمام روی خود بکشد.

باز هم برای بار دوم کف های دستان خود را بر خاک پاک بزند و هر دو دستان خود را تا به آرنج مسح کند و آرنجها را نیز این مسح در بر داشته باشد.

### شروط جایز بودن تیمم:

۱- طلب نمودن آب. ۲- عدم موجودیت آب و عدم دسترسی به آن. ۳- تیمم نمودن با خاک پاک. ۴- داخل شدن وقت نزد جمهور فقهاء اما داخل شدن وقت نزد فقهای حنفی شرط نیست.

### حکمت مشروعیت تیمم:

یسر و آسانی و احسان و رحمت الهی بر آن بندگانی که از استعمال کردن آب محروم هستند تا اینکه از طاعات و عبادات و برکات و اجر و ثواب نیز محروم نمانند و عبادت بدیلی وضوء و غسل در حالت نبود آب و یا عذر مرض و سردی داشته باشند.

تیمم بدیل وضوء و غسل است و سبب پاکی از بی وضویی، جنابت، طهارت از حیض و نفاس میشود.



### د حیض په حالت کې مسجد ته د تلوو شرعي حکم

یو لږ خوبندې د قرآن کریم او نورو شرعي علومو د زده کړې لپاره د خپلو سیمې نژدې مسجدونو ته ځي او بیا هلته ددوي لپاره یو لږ ځانگړي ځایونه په پام کې نیول شوي وي. اوس پوښتنه داده چې:

که چېرې د دې مېرمنو د درس او تعلیم لپاره له دې مسجدونو څخه پرته نور داسې ډاډمن ځایونه موجود نه وي، خو په پوره اطمینان او دیانت سره هلته شرعي علوم زده کړي؛ نو پداسې حالاتو کې ډېر ځل له خوبندو سره دا پوښتنه را پیدا کیږي چې: آیا د حیض په حالت کې دوي کولی شي چې ځینو مقدسو ځایونو

(لکه مسجد) ته ولاړه شي او هلته درس او شرعي علم زده کړي؟

غواړو په دې خو کرښو کې د پورتنۍ پوښتنې ځواب له خپلو گرانو لوستونکو سره شريک کړو:

پدې اړه فقهاء کرام پدې نظر دي چې: کله چې يوه مېرمن د حيض په حالت کې وي، هيڅکله هم نشي کولی د مسجد په څېر يو مقدس ځای ته (د شرعي علم د زده کړې او يا هم د لمانځه لپاره) ولاړه شي او يا هلته د يو څه وخت لپاره پاتې شي، ددې خبرې د دليل لپاره فقهاء کرام د امام بخاري او امام مسلم څخه (د متفق عليه) حديث يادونه کوي کوم چې له حضرت أم عطيه (رضي الله عنها) څخه روايت شوی دی او (حضرت أم عطيه (رضي الله عنها) داسې وايي چې: "أَمَرَنَا تَعْنِي النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنْ نُخْرَجَ فِي الْعِيدَيْنِ الْعَوَاتِقَ وَدَوَاتِ الْخُدُورِ، وَأَمَرَ الْحُيُضَ أَنْ يَغْتَزِلْنَ مُصَلِّي الْمُسْلِمِينَ" ترجمه: مونږ ته داسې امر شویدی (البته د رسول الله (صلى الله عليه وسلم) له لوري) چې مېرمنې او پيغلې (باحجاب او ستر لرونکې) انجونې د اختر د

۱ - أخرجه مسلم في صحيحه، كتاب صلاة العيدين، باب ذكر إباحت خروج النساء في العيدين إلى المصلى وشهود الخطبة، مفارقات للرجال، رقم الحديث: (٨٩٠)، (ج ٢، ص ٦٠٥).

لمانځه لپاره له ( کوره ووځي ) .... خو حیض لرونکې مېرمنې دې لمونځخونې ته نه ځي .

نو په پای کې ویلی شو چې: که چېرې د علم زده کړه د مسجد (په داخل کې او یا هم ) د دیوالونو په داخل کې وي؛ نو پدې صورت کې یوه حائضه مېرمن نشي کولی دغسې مقدسو ځایونو ته ولاړه شي او یا هم د یو څه وخت لپاره هلته پاتې شي، نه هم پخپله او نه هم نورو ته کولی شي چې د میاشتینۍ بیماری په حالت کې د علم زده کړه یا بنسودنه وکړي، البته که چېرې ددې ډول مېرمنو لپاره د مسجد د دیوالونو څخه بهر کوم بل مناسب او خاص ځای په پام کې ونیول شي؛ نو بیا دوي کولی شي چې بیا هلته خپله زده کړه یا نورو ته د تدریس دنده پر مخ یوسي .



### احکام مسح کردن بر پانسمان و یا پلاستر طبي

یکی از هموطنان عزیز ما سوال نموده:

اگر وقت پیدا کردید در مورد مسح بر پانسمان و یا پلاستر که کنول را میبندد حکم اش را نوشته کنید، جزاک الله خیرا.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

درین شکی نیست که دین اسلام دین رحمت بوده و برای مسلمانان و بشریت آسایش و آسانی و یسر و سهولت را روا داشته و در عبادات برای کسانی که عذر دارند و یا مریض استند و یا در حالت سفر بسر می برند سهولتهای را در نظر گرفته، و خداوند متعال در قرآن کریم فرموده اند: " وما جعل علیکم فی الدین من حرج<sup>۱</sup> " خداوند حرج و مشقت و سختی را بر بندگانش روا نمی دارد، و هم در آیت دیگری فرموده اند: " یرید الله بکم الیسر ولا یرید بکم العسر<sup>۲</sup> " برای شما آسانی را می خواهد و سختی را روا نمی دارد.

و در قواعد فقهی که سهولت و آسانی و رحمت شریعت را بیان می کند آمده است که: " المشقة تجلب التیسیر " مشقت و سختی سبب آسانی می شود یعنی اینکه در وقت عذر و سختیها راه ها و روشهای آسانی وجود دارد، و هم در قاعده دیگری آمده که: " إذا ضاق الأمر اتسع " هر وقت که مسلمان در تنگنا قرار گیرد راهای آسانی پیدا می شود و باید در تلاش و جستجو احکامی باشد حالات سختی و مشقت را در نظر گرفته.

۱ - سورة الحج، الآیة: ۷۸.

۲ - سورة البقرة، الآیة: ۱۸۵.

و کتابها فقه اسلامی بایی را بنام " احکام مریض " و " احکام مسافر " تخصیص داده که مریض و مسافر عبادات خود را در روشنی اسلام اداء کنند و در حرج شرعی واقع نشوند، و از جمله این احکام مسأله وضوء و طهارت و مسح کردن با لای زخم پانسمان شده است.

پانسمان و یا پلاستر صحتی در صورتی که بر جسم و اعضای بدن انسان چسبانیده می شود که زخم برداشته باشد و شکسته باشد در حوادث گوناگون و یا هم به بعضی امراض مبتلاء شده باشد، در این صورت مریض می تواند که بر پانسمان و یا پلاستر مسح کند در وقت وضوء و غسل کردن در حالت عادی و یا غسل جنابت چون استعمال آب برایش ضرر میرساند و صحتیابی اش را به تأخیر میندازد، و می تواند مسح کند، و این مشروعیت را فقهاء از قصه صحابی استنباط نموده اند که زخم برداشته بود و در نتیجه وضوء کردن و استعمال آب متضرر شده و وفات کرده بود و رسول الله صلی الله علیه و سلم بعد خبر شدن این واقعه فرمودند: " إنما كان يكفيه أن يتيمم ويعصب على جرحه، ثم يمسح عليه"<sup>۱</sup> و برایش کفایت میکرد که تیمم می نمود و زخم را بسته نموده و بر آن مسح می کرد، و هم امام البیهقی در کتاب السنن الکبری نوشته

۱ - أخرجه البيهقي في السنن الكبرى، أبواب التيمم، باب المسح على العصاب والجائر، رقم الحديث: (۱۰۷۷)، (ج ۱، ص ۳۴۸).

که بعضی از صحابه کرام هم بالای زخم های بسته شده شان مسح میکردند.

لیکن باید احکام ذیل در نظر گرفته شود تا اینکه این مسح مطابق رهنمودهای فقهاء اسلام اداء شود:

۱- باید مسح بر پانسمان و یا پلاستر زخم شود و ازان تجاوز نکند، و درین جا باید دقیقا عمل شود.

۲- داکتر و طبیب معالج نظر داده باشد که استعمال آب و شستن به مریض ضرر میرساند.

و مدت زمان مسح بر پانسمان تا وقت صحت یابی مریض ادامه می یابد، و صلی الله تعالی علی خیر خلقه محمد وعلی آله و أصحابه أجمعین.



### مسح کردن بر جرابها در وقت وضوء و شروط شرعی آن

دوست عزیز و برادر محترم ما عبدالحق حقانی سوال نموده:

استاد مسح کردن بر جراب معمولی چگونه است؟ جزاک الله استاد بزرگوار از چندین مولوی این را سوال کردم ولی درست جواب ندادند.. ونیز دوست محترم ما قاری صاحب عبد الأحد

تالقانی شب گذشته هنگام یک مهمانی خواهش نمودند که حکم مسح بر جرابها را بیان نمایم.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

جرابی که بر آن مسح شود باید پاها را بپوشاند خصوصا جای شستن در وضوء را و تا به بجلک ها باشد.

در نزد جمهور فقهاء اسلام (یعنی مذهب حنفی و مالکی و شافعی) مسح کردن بر جرابها جواز دارد بشرط که جرابها کنده پاره و هم بسیار نازک نباشد که پاها معلوم شود از آنها، و پاها را بشکل ثابت بپوشاند و از بین آنها پاها نبراید در وقت راه رفتن، و هم باید جرابهای چرمی باشد، و اگر چرمی نباشد باز نازک گفته می شود و مسح کردن بر جراب نازک جواز ندارد.

و علمای مذهب حنبلی نظر شان این است که این کفایت می کند که جرابها نازک نباشد و پاها را تا به بجلک بپوشاند و در وقت راه رفتن ثابت باشد و پاها نبراید از جرابها.

و از حدیث که ابو داود و ترمذی روایت کرده استدلال میکنند: که رسول الله صلی الله علیه و سلم در هنگام وضوء خود به جرابهایش مسح کرد و مشروعیت و روا بودن مسح کردن بر جرابها از نه نفر از صحابه کرام هم روایت شده است.



و فقهاء معاصر امروزی به این نظر استند که مسلمان می تواند بر جرابها مسح کند و لوکه اندکی کندی و پاره گی هم داشته باشد و یا اینکه اگر نازک هم باشد زیرا بالای اسم جراب اطلاق می شود و آنرا بنام جراب می پوشد، و دین اسلام دینی آسانی و یسر و سهولت است، و من بعد از بحث و تدقیق و تحقیق نظر فقهای معاصر را ترجیح میدهم و جرابهای که در طهارت کامل پوشیده شده باشد مسح کردن بالای آنها باکی ندارد، برای مقیم یک شبانه روز و برای مسافر تا به سه روز مسح کردن جواز دارد، و دستش را در آب تر نموده و به پشت پا بکشد.

و اگر کسی یک پایش قطع شده باشد و موزه و یا بوتهای پلاستیکی مصنوعی داشته باشد فقط بر جراب پای سالم خود مسح کند و ضرورت مسح کردن بالای بوت و موزه پلاستیکی و مصنوعی نیست.



### مسح بر جوراب

یکی از هموطنان عزیز ما سوال نموده:

آیا می توانیم که در غیر زمستان و سردی هوا نیز بر جراب و موزه ام مسح کنم در حالیکه من مسافر هم نیستم؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

بلی برای شما جایز و روا است که برموزه و جراب تان در هر وقت از سال زمستان، بهار، تابستان و خزان مسح کنید مقیم باشید و یا مسافر در حالت عافیت باشید و یا مرض، فرق نمی کند، بشرطیکه با طهارت و وضوی کامل پوشیده باشید و جراب بسیار نازک و کنده نباشد.

برای مقیم جایز است که یک شبانه روز مسح کند (۲۴ ساعت)، و برای مسافر شریعت اجازه داده است که سه شبانه روز مسح کند بر جرابها و موزه ها (۷۲ ساعت).



### آب متولد شده از بخاری حمام های عمومی لباس را بی نماز نمی سازد

برادر محترم و دانشمند ما داکتر صاحب بریالی تمکین از ولایت پروان چنین سوال نموده:

اگر لطف نموده درارتباط آن بخار های آب که در سطح حمام های عمومی زخیره میشود و بعد از مدتی بشکل آب به ریختن شروع میکند بدن و لباس هارا مورد هدف قرار می دهد در حالیکه این بخار ها از آب های استفاده و از جریانات آب که از آبهای بعد از حمام بوجود میآید آیا بی نماز میباشد یاخیر؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

فقه‌های معاصر در پاکی آب متولد از بخار حمام‌های عمومی که برای طهارت و غسل مخصص است اتفاق دارند که این بخار و آب متولد آن اگر به لباس و یا بدن مسلمان آمیخته شود و بریزد آنرا بی نماز نمی سازد زیرا اصلاً آب حمام پاک است و برای طهارت و پاکی تخصیص داده شده، نی برای قضای حاجت.

و بعد اینکه آب به بخار تبدیل گردیده و بعد از آن به آب پاک شمرده می شود و صفت نجاست را بخود نمیگیرد مثل گازات و بادهای که از معده انسان خارج می شود و لباسهای داخلی اش را بی نماز نمی سازد.



### آداب لباس شویی خانمها

یکی از خواهران از شهر کابل چنین سوال نموده:

ما خانمها تمام روز کالا شوئی میکنیم لباس پاک در جان ما میباشد مثلاً کالای چرک و ناپاک است با لباس اطفال، در وقت کالاشوئی به کالای ما آب ناپاک میریزد هر روز همین کارها است دیگر، آیا باید او کالا در وقت نماز تبدیل شود؟ تا چی حد آب لباس را ناپاک میکند که به لباس آمیخته شود آب کالاشوئی؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

درین این شکی نیست که خانمهای که خدمت و کار داخلی خانواده ها و تربیه اطفال را بدوش میگیرند نزد الله متعال اجر و پاداش اخروی دارند و این همه زحمات شان در میزان حسنات و ترازوی اعمال نیکو و صالح شان درج می شود، و در عین حال کار و خدماتی را که در خانه انجام میدهند سبب کسالت سستی و بی توجهی در عبادت شان نشود خصوصاً به پاکی لباس شان توجه بیشتر داشته باشند زیرا طهارت و پاکی کالا در نماز که رکن دوم اسلام است شرط است، ازینرو اگر لباس ناپاک که نجاست داشته باشد با آبی که شسته می شود همان آب اولی را نیز ناپاک میسازد، و اگر به لباس پاک سرایت کند و آمیخته شود کالای پاک را نیز ناپاک می سازد، البته تنها همان جاهای لباس ناپاک می شود که با این آب آمیخته شده نه همه بخشهای لباس.

بہتر است که خواهران محترم هنگام لباس شوئی موارد ذیل را مراعات کنند:

۱- هنگام لباس شویی باید یک جوره لباس مخصوص کالا شویی داشته باشد که تنها بخاطر لباس شویی و کار پوشیده شود و لباسی باشد که در وقت نماز به تن نشود، و اگر آب ناپاک هم در این کالا سرایت کند خواهران در حرج شرعی واقع نمی شوند.

۲- بهتر است که کالاهای نمازی و پاک و لوکه چرک هم باشد با لباس آمیخته شده به نجاست اطفال یکجا شسته نشود در ماشینهای کالاشویی و یا در تشت های آب.

همیشه آب اولی که استفاده می شود در کالا شویی ناپاک و یا نزدیک به ناپاکی میباشد و باید لباسها بعد از شستن در آب اولی شپلیده شود تا اینکه آثار نجاست و ناپاکی باقی نماند، و آب دومی و سومی پاک شمرده می شود.



### شراب اگر در لباس آلوده شود بدون شک لباس بی نماز می شود

استاد محترم اسلام علیکم و رحمت الله و برکاته بعد یک سؤال داشتیم در ترکیب عطریات فشاری که شراب داشته باشد آیا لباس را بی نماز میکند و یا کدام ممانعت شرعی دیگر دارد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

نماز با لباس آلوده شده با شراب جائز نیست و پاکی کالا شرط قبولی نماز است، و شراب نجس و ناپاک است، اگر کسی با این جامه و کالا نماز بخواند نمازش باطل و فاسد گفته می شود.

و نیز عطر های الکحولی اگر در کالا آلوده شود لباس بی نماز شمرده می شود، و نماز باطل می شود.

### طفل دو نیم ماهه اش سقط شده آیا نماز بخواند؟

سلام علیکم و رحمت الله و برکاته، استاد به اثر مشکل طفل دو نیم ماهه خود را سقط می کند نماز این چی طور می شود؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

اگر تنها خون باشد و خلقت سر، دست پای طفل معلوم نباشد درین صورت نمازش را عادی بخواند و همبستری کرده می تواند و نفساء گفته نمی شود.

و این خون را در حویلی و یا جای بیرون دفن کند و در مقبره هم نرود لیکن اگر دست و پا و سر داشته باشد درین صورت نفاسش را تکمیل کند و شوهرش هم همبستری نکند و نمازش معاف است تا تکمیل شدن مدت نفاس که بیشترش چهل روز است، و این طفل را جنازه نموده در مقبره دفن کند.



### حلقه درسی داخل مسجد است و خانم در حالت حیض، چی باید بکند؟

یکی از خواهران از کابل چنین سوال نموده :

اگر خانمی درس قرآن بخواند و این حلقه درسی در مسجد باشد در حالت حیض چی باید بکند؟

### الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله أما بعد:

جمهور فقهاء مذاهب فقهی چهارگانه به این نظر هستند که خواهران در روزها عادت ماهوار یعنی حیض در مسجد داخل نشوند تنها از مسجد عبور کرده می توانند اما از مکث کردن و نشستن در مسجد منع شده اند، و از حدیث صحیح که در بخاری و مسلم روایت شده عَنْ أُمِّ عَطِيَّةَ قَالَتْ: أَمَرْنَا تَعْنِي النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنْ نُخْرَجَ فِي الْعِيدَيْنِ الْعَوَاتِقِ وَذَوَاتِ الْخُدُورِ، وَأَمَرَ الْحَيْضَ أَنْ يَعْتَزِلْنَ مُصَلَّى الْمُسْلِمِينَ<sup>۱</sup> ام عطیه رضی الله عنها فرموده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم خانمان خورد و کلان و همه را امر نمود که بخاطر نماز عید به مسجد بروند و خانمان و خواهران که در روزهای حیض قرار داشتند به آنها هدایت دادند که در داخل مسجد نباشند.

و نیز باید قرآن کریم را در روزهای عادت ماهوار حمل و لمس نکنند و تنها می توانند که از کتابهای تفسیر، موبایل، کمپیوتر واز حفظ و غیره تلاوت کنند، این حکم عام است به خواهران که شاگرد باشند در ساعت های درسی قرآن کریم و در مدارس.

<sup>۱</sup> صحیح مسلم، کتاب صلاة العیدین، باب ذکر إباحة خروج النساء في العیدین إلى المصلی وشهود الخطبة، مفارقات للرجال، شماره حدیث: (۸۹۰)، (ج ۲، ص ۶۰۵).

لیکن می توانند در دهلیز و بیرون مسجد و یا اطاقهای ملحق به مسجد تدریس کنند از حفظ و یا از کتابهای تفسیر و از موبایل تلاوت و تدریس کنند.



### حکم تلاوت قرآن کریم از موبایلها بدون وضوء چیست؟

دوست محترمی سوال دارد:

استاد بدون وضوء خو خواندن قرآن از روی مصحف درست نیست زیرا که منع شده در این آیه کریمه "لا یمسه إلا المطهرون"<sup>۱</sup> ولی آیا این حکم هم بالای موبایل تطبیق میشود یانی؟ یعنی اگر در موبایل اپلیکیشن قرآن باشد و شخص بی وضوء موبایل را گرفته میتواند یا نه؟ و تلاوت از موبایل بدون وضوء چی حکم دارد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

این موبایلها و آیبدها و کمپیوترها حکم مصحف و قرآن کریم را دارا نمی باشند و لوکه قرآن کریم در داخل آنها ثبت است، و هیچ مشابهت به قرآن کریم ندارند، ازینرو لمس کردن و دست زدن و با آنها در بیت الخلاء داخل شدن و در جنابت و حیض و

<sup>۱</sup> - سورة الواقعة، الآية: ۷۹.



نفاس گرفتن و حمل کردن و با خود داشتن آنها مباح و مشروع است.

و هم تلاوت کردن از روی آنها بدون وضوء جواز دارد، لیکن بهتر است که قرآن کریم را چی از روی و چی هم از حفظ و یا هم از موبایلها با وضوء خواند.

خلاصه مسأله اینکه موبایلها قرآن گفته نمی شود و حکم قرآن را ندارد و با وضوء تلاوت کردن از موبایلها جواز دارد و مشروع و مباح است لیکن بهتر و خوبتر و افضل و اولی این است که مسلمان قرآن کریم را با وضوء تلاوت کند در هر حالت.



**موبایل که در قرآن کریم تخرین است حکم مصحف را نمی گیرد**

جناب استاد اسلام علیکم و رحمت الله و برکاته!

تلفونی دارم که در آن دو جلد قرآن عظیم الشان است و همیشه تلاوت می کنم

رفتیم در تشناب با تلفون چی حکم دارد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

در جیب ماندن ویا در تشناب رفتن با آن ویا بی وضوء تلاوت کردن و حمل نمودن همه جواز دارد. .ومسلمان گنہگار نمی شود .



### بعد از تکفین میت غسل کردن مستحب است

یکی از دوستان سوال نموده که :

سلام استاد محترم میبخشی یک سوال داشتم اگر وقت داشتی برم جواب بده سوال . مه در اردوی ملی وظیفه اجرا میکنم بعضی مردم میگویند اگر مرده یا شهید دست زدی غسل واجب میشود در باره همین سوال برم معلومات بده تشکر.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

در مذهب حنفی بعد از تکفین و غسل دادن میت و مرده غسل واجب نمی شود، تنها بعض علمای مذهب این غسل را مستحب دانستند بخاطر ازاله و دور کردن خاک و غبار از جسم و این قول راجح است و بهتر است که انسان غسل کند در صورت که آب میسر باشد، اما واجب نیست.

### غسل درین صورت واجب می شود:

- ۱- خروج منی. ۲- جماع و همبستری. ۳- بعد از عادت ماهوار یعنی حیض. ۴- بعد از نفاس ولادت خانمان. ۵- داخل شدن غیر مسلمان در اسلام کسی که به اسلام مشرف می شود.
- ۶- وفات شدن.

### غسل مستحب و ثوابی:

- ۱- غسل روز جمعه. ۲- غسل برای هر دو عید. ۳- غسل احرام و داخل شدن مکه و مدینه. ۴- غسل روز عرفه برای حاجی.
- ۵- غسل نظافت برای مقالات کردن مردم و دوستان. ۶- غسل بعد از تکفین و حمل و تدفین جنازه. ۷- غسل کردن بعد از به هوش آمدن از بیهوشی.



### په کومو حالاتو کې تیمم روا کڼل کیدلی شي؟

له درنو مینه والو څخه یوې خور په خپله پوښتنه کې مونږ ته لیکلي و چې: که چېرې اوبه نه وي؛ نو آیا د حدث اکبر (ډکو متيازو) د نجاست د له منځه وړلو لپاره یوازې په تیمم باندې اکتفاء کېدلی شي او کنه؟

د قدرمنې خور د دې پوښتنې په ځواب کې بايد ووايو چې: په اسلامي فقه کې په څو صورتونو کې تيمم روا کښل شوی دی؛ او يو له هغو څخه دادی چې:

که چېرې يو انسان د اوداسه او يا هم د غسل د ترسره کولو څخه عاجز پاتې شي او ونشي- کولی چې اودس يا غسل ترسره کړي؛ نو په دې صورت کې اسلامي شريعت ددې شخص لپاره تيمم روا گرځولی دی، تر څو پرې هغه نجاست چې د حَدَثِ اصغر (د تشو متيازو) او يا هم د حَدَثِ اکبر (د ډکو متيازو) په نتيجه کې رامنځ ته شوې دی، له منځه يوسي.

دلته دا خبره هم بايد ستاسو په پام کې وي چې: هر هغه عمل کوم چې، د بې اودسۍ په حالت کې روا نه دی کښل شوی؛ د بې تيممه شخص لپاره يې هم ترسره کول روا نه کښل کېږي، ځکه چې تيمم په اصل کې د اوداسه په مقابل کې رامنځ ته شوې دی. [يعنې تيمم د اوداسه قائم مقام منل کېږي]، همداراز هر هغه کردار او عمل چې د يو جنب انسان لپاره يې ترسره کول جواز نلري؛ او يا هم د يوې حيض او نفاس لرونکې مېرمنې لپاره يې ترسره کول روا نه وي؛ نو د بې تيممه انسان لپاره يې هم ترسره کول جواز نلري، ځکه چې تيمم په اصل کې د غسل څخه د عاجز پاتې کېدلو په صورت کې روا کښل کېږي.

فقهای کرام په دې اړه دا خبره هم کوي او وايي چې: پر هر هغه چا باندې چې غسل واجب گرځول شوی وي؛ [لکه: دجنابت له کبله، یا هم دحيض او یا هم د نفاس څخه د پاکېدلو په صورت کې غسل کول]، او دا شخص د غسل کولو څخه عاجز او ناتوانه وي؛ نو په دې صورت کې به تیمم ترسره کوي، او دا تیمم ورته د غسل او اوداسه پر خای قائم مقام گرځول کېږي. حضرت عمرو بن العاص (رضي الله عنه) چې يو جليل القدره صحابي دی، په دې اړه مونږ ته د باندې چيانو او کوچيانو يوه تاريخي کيسه را په زړه کوي او وايي چې: دې کوچيانو به په مياشتو مياشتو په دښتو او پېدياو کې ژوند کاوه او هيڅ اوبه به يې نه موندلی، چې دې کيسې ته به لږ وروسته په بشپړ تفصيل سره اشاره وکړو.

اسلامي فقها په دې اړه دا هم وايي چې: که چېرې د يو تن نيم بدن جوړ او نيم نور يې ناجوړ (معيوب او شل) وي؛ نو په دې صورت کې به د وجود سالمه او روغه برخه په اوبو پرېمېنځي او ناجوړه برخه چې مينځل يې ورته ستونزمن وي، يوازې تیمم به پرې کوي. د احتلام (غسل واجبېدلو) په اړه د حديثو يو لړ مشهور امامان؛ لکه: امام أبو داؤود، امام ابن ماجه او امام دار قُطني او بيهقي (رحمهم الله) د يو روايت يادونه کوي او وايي: – البته دا روايت ابن السکن صحيح او درست گڼلې دی – چې: يو ځل د يو صحابي سر سخت زخمي شو، د ورپېښ شوي زخم له کبله

خورا ناكراره او په تكليف كې ؤ، په دې صورت كې احتلام (دجنابت غسل) هم پرې واجب شو؛ نو دې صحابي له يو بل صحابي څخه د جنابت د غسل په اړه پوښتنه وكړه او د خپلې زخمي سر په اړه يې له هغه سره سلا مشوره وكړه؛ او ورته يې وويل: دا چې سر مې زخمي دى؛ نو آيا په دې صورت كې دا زما لپاره روا دي چې د غسل پر ځاى يوازې تيم تر سره كړم او غسل ونكړم؟ هغه ورته وويل: چې نه، زه ستا لپاره په دې مسئله كې هيڅكله هم دا روا نه گنم چې ته دې تيم تر سره كړې، (او غسل ونكړې) په داسې حال كې چې ته د اوبو د استعمالولو توان هم لرى؛ نو ته ولاړ شه او سمدلاسه غسل ترسره كړه.

دغه مبارك صحابي د همدې صحابي د فتوى او پرېكړې په نتيجه كې ځي او بيا غسل ترسره كوي، د همدې غسل له كبله يې صحت ته خورا زيان رسيري، او بالاخره تر دې پورې چې له همدې غسل كولو له كبله وفت كېږي، او خپل ژوند له لاسه وركوي؛ نو كله چې نبي — عليهم السلام — د دې كېسې څخه خبريږي، نو دا خبره پرې خورا سخته او درنده تماميږي، او تاديباً (د ادب بنودلو لپاره يې) د هغوى دا كار په كلکه ټوكو غندي، او بيا دوى ته وايي: (( د هغه زخمي شوي صحابي لپاره يوازې همدومره بس ؤ چې تيم يې تر سره كړى واى، او يا يې هم پر خپل زخم

باندې جبیره (پټی) لگولی وای، بیا له دې وروسته یې (پر خپل زخم باندې) مسح کړي وای؛ او نور ټول بدن یې وینځلی وای)).

په دې اړه علماوو او فقهاوو داسې هم ویلي دي چې: که چېرې څوک ومري او اوبه شتون ونلري؛ نو پدې صورت کې به دې مُتوفی (مري) ته یوازې تیمم ورکول کېږي.



# كتاب جنائز



## رهنمائی شرعی در مورد اعلانات فوتی

یکی از دوستان از ولایت هرات چنین سوال نموده:

کسی فوت نموده خطیب صاحب محترم کارت جنازه اش را در منبر نمازه جمعه قرائت نمود آیا این عمل اش مشکل دارد یا خیر؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

اعلان فوتی و خبر دادن بخاطر غسل دادن، تکفین و نماز جنازه و دفن میت در بعض حالات بدرجه وجوب میرسد اگر هدف از این اعلان رسیدگی به امور فوق الذکر باشد تا اینکه تکفین، نماز جنازه و دفن تأخیر نشود.

و این امر از حقوق میت مسلمان است و کسی که مردم بخاطر حضور جنازه و تکفین و تدفین تشویق و ترغیب می دهد نیز اجر و ثواب شامل حالش می شود.

نیز اعلان فوتی در حالت عادی مستحب میباشد از اینکه جمعی کثیر از مردم برای میت دعای مغفرت کنند و به نماز جنازه حاضر شوند و از الله متعال استدعاء نمایند که او را جنات الفردوس نصیب فرماید. این نوع اعلان فوتی در صحیح بخاری و مسلم هم ثابت است و رسول الله صلی الله علیه وسلم وفات نجاشی را در جمعی از صحابه کرام اعلان نمودن اُبی هریره: " أن النبي صلى الله

عليه وسلم، نعى النجاشي في اليوم الذي مات فيه، خرج إلى المصلى، فصف بهم، وكبر أربعاً<sup>۱</sup>!

همچنان رسول الله صلی الله علیه وسلم از اعلان فوتی بشیوه های جاهلیت منع نموده که شامل بلند کردن صدا، گریه ونالان و بی صبری بوده باشد.

بهتر این است که در اعلانات فوتی از مال و دارایی منصب و چوکی میت یاد نشود.

اما بعض فقهای مذهب حنفی اعلانات فوتی را حتی در سرک، بازارها، و کوچه ها جائز میدانند در صورتیکه شامل مدح میت نباشد تنها اعلان حضور در تکفین و نماز و دفن جنازه باشد.

همچنان به هدف خبر دادن و مطلع ساختن نمازگزاران مسجد از نماز جنازه و حضور یافتن در دفن و تکفین و تعزیت دادن اهل میت این اعلان در داخل مسجد و از منبر مسجد هم جواز دارد و مقید بر اینکه است که شامل بی صبری، گریه ونالان و شیوه های جاهلیت نباشد.

نیز اعلانات فوتی از طریق وسائل ارتباط جمعی مثل تلویزیون، رادیو، صفحات توأصل اجتماعی مثل فیسبوک، تویتر و سایتهای

<sup>۱</sup> - أخرجه البخاري في صحيحه، كتاب الجنائز، باب الرجل ينعى إلى أهل الميت بنفسه، رقم الحديث: (۱۲۴۵)، (ج ۲، ص ۷۲).

انترنیتی نیز جواز دارد و مشروع است مشروط بر اینکه به شیوه‌های جاهلیت نباشد .



### آیا شوهر و زن بعد وفات یکدیگر را غسل داده می‌تواند؟

یکی از دوستان سوال نموده:

آیا شوهر و زن یکدیگر را بعد از وفات غسل داده می‌تواند؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله وبعد:

نزد جمهور فقهاء برای زن و شوهر جواز دارد که یکدیگر را غسل دهد و تکفین کند، بدلیل حدیث صحیح عن عائشة رضی الله عنها قالت: " رَجَعَ إِلَيَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ جِزَارَةَ بِالْبَقِيعِ وَأَنَا أَجِدُ صُدَاعًا فِي رَأْسِي وَأَقُولُ : وَارَأْسَاهُ , فَقَالَ : بَلْ أَنَا وَارَأْسَاهُ , مَا ضَرَّكَ لَوْ مِتَّ قَبْلِي فَعَسَلْتُكَ وَكَفَّنْتُكَ , ثُمَّ صَلَّيْتُ عَلَيْكَ وَدَفَّنْتُكَ " <sup>۱</sup>، در این حدیث بصورت واضح رسول الله صلی الله علیه وسلم به عائشه رضی الله عنه فرمودند که اگر از سردردی وفات کنی ترا غسل میدهم و تکفین میکنم و جنازه ات را خوانده دفن میکنم.

<sup>۱</sup> - أخرجه البيهقي في الكبرى، كتاب الجنائز، باب الرجل يغسل امرأته إذا ماتت، رقم الحديث:

و در اثر ثابت است که فاطمه رضی الله عنها وصیت نموده بود او را علی رضی الله عنه غسل دهد بعد از مرگ، وعن أسماء بنت عمیس رضی الله عنها: "أَنَّ فَاطِمَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهَا أَوْصَتْ أَنْ يُغَسَّلَهَا عَلِيُّ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ"<sup>۱</sup>.

لیکن دو نفر از امامان فقه ابوحنیفه و سفیان ثوری گفته اند برای شوهر جواز ندارد که بعد از وفات خانم وفات شده خود را غسل دهند، زیرا زن و شوهری شان بعد از وفات قطع شده مثل اینکه طلاق بائن و ابدی رخ داده باشد و هر دو بیگانه شده باشند.

اما در مورد غسل دادن زن شوهرش را بعد از وفات امام نووی اجماع و اتفاق علماء را نوشته که جواز دارد، و نیز فقهای معاصر غسل دادن هر دو را بعد از وفات جواز داده.

به نظر من باید به هر دو قول عمل شود که اگر در حالت وفات زن، زنان و خواهران مرده شوی وجود نداشته باشند و محارم زن وفات شده نیز نباشد در این صورت شوهرش او را غسل دهد و تکفین کند، اما اگر زنان و خواهران وجود داشته باشند باید شوهرش نزدیک نشود و این بهتر است، که زنان او را غسل دهند،

<sup>۱</sup> - أخرجه الدارقطني في سننه، كتاب الجنائز، باب الصلاة على القبر، رقم الحديث: (۱۸۵۱)،

(ج ۲، ص ۴۴۷).

نیز یک امر طبیعی است که اگر زنان نباشند از مردان بیگانه  
و بدون غسل دادن کرده شوهرش او را غسل دهد.



### جنازه خنثی مشکل

جنازه ایزک را مرد باید بشوید یا زن از من کسی پرسان کرد  
مطابق فقه حنفی؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

اگر طفل باشد برای زن و مرد مشروع است که او را غسل  
دهند، اما اگر بالغ و جوان و کلان باشد باید تیمم داده شود و تکفین  
گردد.



شیوه و طریقه شرعی نقل دادن میت دفن شده از یکجا به جای دیگر

یکی از دوستان سوال نموده که :

سوال داشتم اگر راهنمایی کنید خوشحال می شوم، یک  
انسان مسلمان دوازده سال در یک مقبره در یک منطقه دفن حالا  
از آنجا سرک عمومی میگذرد کار جریان دارد وارثان میت می  
خواهند در یکجای انتقال بدهند شیوه انتقال چی قسم است آیا

کدام مراسم خاص دارد یا خیر؟ خداوند متعال به علم تان برکت بدهد.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

نقل دادن میت ومرده دفن شده از قبر فعلی به مقبره دومی در صورت ضرورت شرعی جواز دارد.

بدون ضرورت شرعی قبر کشائی و نقل دادن مرده دفن شده جواز ندارد زیرا دلا حق مرده بی می شود، وحرمت مرده برابر به حرمت زنده ها است بلکه بیشتر است زیرا مرده از خود دفاع کرده نمی تواند.

مثلا اگر در راه رفت و آمد مردم دفن شده باشد واذیت شود، ویا جای سیلاب باشد، ویا خطر این باشد که دزدان استخوانهایش را دزدی نمایند، وترس بی حرمتی اش باشد، ویا در زمین ملکیت کسی دفن شده باشد، یا در بین غیر مسلمانان باشد.

بهبتر است که برایش تابوت ساخته شود وتوسط اشخاص ماهر ودیندار وامانت کار قبر باز شود وبه آهستگی نقل داده شود ودر فضای محترمانه دفن شود.

تنها احتیاط واهتمام واحترام در نقل میت لازم است که اذیت نشود واین شرط است در نقل دادن میت، וכدام مراسم خاص

ندارد اگر یک مولانا و عالم دینی باشد بهتر که سرپرستی این کار را کند خوب می شود، زیرا وجود عالم شرعی در چنین حالات بهتر است.



### موقف شریعت در مورد جنازه خواندن و اعاده دفن اموات

یکی از دوستان نوشته که:

استاد سلام! درباره مرده صد ساله دوباره جنازه خواندن شریعت چی میگه؟

دوستی دیگری سوال نموده که:

لطفا درباره قبر پرستی و مجلل نمودن قبر چیزی اسلام گفته است انر توضیح نمایید و همچنان در باره ازیت و آزار که در حادثه دیروز و کشتن دو طرف صورت گرفته آنرا هم از نگاه دین مبارک ذکر نمایید.

آیا اسلام جواز داده میت یا مرده که سر آن صد سال بگذرد بعدا انر سر دوباره ترمیم شود و آنرا به خاک بسپاریم یعنی در حالیکه شاید آثار شان هنوز نمانده باشد.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

در صورت که میت ومرده به شکل صحیح ودرست ودر جای مناسب دفن نشده باشد ودر جای باشد که مورد اهانت قرار گیرد ومورد آزار واذیت رهگذر ویا رمه های مال وغیره از سر قبر شان عبور ومروور کند ویا اینکه اصلا مطابق رهنمودهای شرعی در جنازه دفن نشده بر اثر زور وفشار ومشکلات سیاسی ونظامی وغیره... وارثین آن شرعا اجازه دارند که میت را در جای مناسب وموثوق ومعتمد وبه شکل مکرم ومعزز دفن کنند وجنازه بخوانند. واحادیث صحیح ووقائع تاریخی وجود دارد که شریعت اجازه داده وحدود زمانی تعیین نشده .

لیکن باید قبرها ساده ومجمل نشود، ونیز زیارتگاه ساخته نشود وتعظیم وتبرک صورت نگیرد .



### شروط اشتراک خانمها در نماز جنازه

یک خواهر محترمه هموطن ما مقیم جرمنی چنین سوال نموده است:

استاد محترم در اروپا وامریکا الحمدلله مساجد زیادی است که نظر به اقتصاد کشور های مساجد سالون های کلان برای خانمها جدا ساخته شده که زن ها هم به مسجد میروند مگر امام مسجد



مرد ها جدا هستند صدا امام را با لا دسپیکر های بلند می شنوند سوال این است که نماز جنازه را هم خانمها چند متر دور تر پشت مرد ها میخواند

آیا به خانم ها هم اجازه است نماز جنازه را بخوانند و دوم بعد از نماز جنازه خانم ها به خانه های خود می آیند تا دفن کردند به خانم ها اجازه نمی دهد خانه می مانند آیا غسل واجب می شود بر خانمها بعد از نماز جنازه و باید نماز جنازه را خانمها هم بخوانند.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله أما بعد:

نماز جنازه برای مرد وزن مسلمان مشروع است البته بر مردها فرض کفائی است، زیرا این نماز دعای مغفرت برای میت مسلمان میباشد، و مرد وزن مسلمان می تواند که در ادای نماز جنازه شریک شوند البته با داشتن صفهای خاص و جداگانه و هیچ مانع و حرج شرعی وجود ندارد از اینکه خانمها نماز جنازه را ادا کنند، رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح متفق علیه فرموده است که مسلمان که نمازه جنازه را ادا کند و در وقت ادای این نماز حضور یابد به اندازه یک کوه ثواب کمائی میکند و مسلمان که بعد از ادای نماز همراهی جنازه را می کند تا به دفن شدن در مقبره ثواب و اجر به اندازه دو کوه را بدست می آورد البته متابعت جنازه و رفتن به مقبره و همراهی کردن خاص برای مردان است نه به زنان: "من شهد الجنزة حتى یصلی علیها فله قیراط، ومن شهدها حتی

تدفن فله قيراطان، قيل: يا رسول الله وما القيراطان؟ قال: مثل الجبلين العظيمين<sup>۱</sup>!

وبرای زنان و خانمها همراهی کردن جنازه تا به مقبره و حضور یافتن بخاطر دفن آن لازم نیست بلکه مکروه است، در حدیث صحیح از ام عطیه رضی الله عنها روایت است که ما را رسول الله صلی الله علیه وسلم از همراهی کردن جنازه منع کرده است و بر ما لازم نیست: "نهینا عن اتباع الجنائز ولم يعزم علينا"<sup>۲</sup>، همراهی کردن زنان جنازه را فقهای صحابه و تابعین نیز مکروه دانسته اند از جمله عبد الله بن مسعود، عبد الله ابن عمر، أبو امامه، عائشه، مسروق، نخعی، اوزاعی، اسحاق، و نیز در حدیث صحیح ثابت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم روزی مجموعه از خانمها را دید که به انتظار جنازه هستند به نیت اینکه جنازه را همراهی کنند رسول الله صلی الله علیه آنها را از این کار منع نمود و برای شان گفت که برگردید با گناه وبدون اجر وثواب: "وروي أن النبي صلى الله عليه وسلم خرج فإذا نسوة جلوس قال: "ما يجلسكن؟" قلن: ننتظر الجنائز قال: "هل تغسلن؟" قلن: لا. قال: "هل تحملن؟" قلن: لا. قال: "هل

۱ - أخرجه مسلم في صحيحه، كتاب الجنائز، باب فضل الصلاة على الجنائز واتباعها، رقم الحديث: (۹۴۵)، (ج ۲، ص ۶۵۲).

۲ - أخرجه البخاري في صحيحه، كتاب الجنائز، باب اتباع النساء الجنائز، رقم الحديث: (۱۲۷۸)، (ج ۲، ص ۷۸).

تدلین فیمن یدلی؟" قلن: لا. قال: "فارجعن مأزورات غیر مأجورات"،<sup>۱</sup> البتہ علت منع شدن خانمها از همراهی جنازه همانا اینکه آنها عورت هستند، ونیز بخاطر جلوگیری از بی صبری و نیاچه، زیرا آنها عاطفی هستند ممکن است که از نزد آنها بی صبری سر زد شود.

حتی نماز جنازه بر خانمان فرض و واجب و جبری نیست تنها مشروع است مثل سائر نمازهای جماعت و ملا امام حق ندارد که نماز جنازه را بر خانمها جبری سازد بلکه می تواند که آنها را از اجر و ثواب اخروی ادا کردن جنازه با خبر نماید و تشویق کند و ترغیب دهد، همچنان غسل کردن بعد از ادای نماز جنازه واجب نیست حتی وضوء کردن هم لازم و مستحب نیست، تنها بالای کسانی وضوء واجب است که جنازه را لمس کرده باشند، غسل داده باشند و جنازه را حمل کرده باشند و در دفن آن شرکت داشته باشند، البتہ غسل برای آنها مستحب است اما وضوء کردن واجب است زیرا با لمس کردن و غسل دادن و حمل کردن جنازه انسان ضعیف میشود و بر هوش و هواسش تأثیر وارد می گردد و غسل نمودن و تجدید وضوء دوباره او را به حالت عادی بر میگرداند و به این معنی نیست که جنازه مسلمان نجس است بلکه واجب بودن وضوء و مستحب بودن غسل بعد از لمس، و غسل دادن جنازه و همراهی کردنش و شرکت در دفن آن بخاطر تجدید نشاط و حالت

<sup>۱</sup> - أخرجه ابن ماجه في سننه، كتاب الجنائز، باب ما جاء في اتباع النساء الجنائز، رقم الحديث:

روانی خود مسلمان است نه به سبب جنازه میت مسلمان که در هر صورت کرامت دارد .



### طریقه شرعی تکفین و دفن جنازه شهداء در روشنی مذهب حنفی

یکی از منسوبین آمریت عقیدتی قول اردوی شاهین از شمال افغانستان سوال نموده :

استاد بزرگوار وظیفه من در بخش آمریت عقیدتی اردوی ملی قول اردوی ۲۰۹ شاهین است واز فتاواوی دینی شما در درسهای عقیدتی خود استفاده میکنیم لطف نموده مارا در مورد تکفین و شیوه دفن شهدای اردوی ملی مطابق مذهب امام اعظم صاحب رهنمایی کنید چی وقت غسل داده می شوند وچی وقت غسل داده نمی شوند وبا کدام لباس دفن شوند؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

ازینکه شیوه وطریقه تکفین میت وجنازه شهداء از مرده های عام مسلمانان در بعض موارد فرق دارد ودانستن آن امر لازمی و ضروری است تا اینکه این حق آنها در تکفین و دفن نمودن ضایع نشود، وشهید مسلمانی است که در نبردگاه حق علیه باطل کشته شود ویا او را در نبردگاه ومیدان جنگ با آثار زخم مرده بیابند

وتوسط غیر مسلمانان یا باغیان کشته شده باشد، و باید در تکفین و جنازه آن امور ذیل در نظر گرفته شود:

۱- به هر وسیله که کشته شده باشند غسل داده نمی شوند.

۲- اگر در حالت جنابت کشته شده باشد باید غسل داده شود.

۳- خونش شسته نمی شود لباس ودریشی اش جز پوستین و سلاح و بوتها و موزه از تنش کشیده نمی شود، اگر می خواهند از لباسش کم کنند باید به همان اندازه از کفن بر بدنش بیفزایند.

۴- اگر بعد از زخم برداشتن و اصابت مردمی دشمن در بدنش به اندازه وقت بر آن بگذرد که بخورد و بنوشد و یا وقت نماز بر او بگذرد و یا تداوی گردد زنده بماند و بی هوش نباشد نیز باید شسته شود.

۵- نماز جنازه اش را بخوانند.

۶- هنگام نقل و انتقال اجساد شهدای اردوی ملی از میدان های نبرد باید به اجساد آنها آسیب نرسد و احترامانه نقل و انتقال داده شوند زیرا حرمت مرده ها مثل زنده ها است.

۷- نصب کردن عکسش بر تابوتش و یا بیرق زدن بر قبرش جایز و مشروع و مطابق سنت نیست.

۸- کسانی که در شهر و دهات و قریه جات در حالت مرده یافت میشوند و یا اینکه در قصاص قضائی کشته می شوند نیز شسته و کفن پوشانیده میشوند و حکم شهدای میدان جنگ و نبرد را ندارند.



### آیا خواندن نماز جنازه یک میت دو مرتبه جواز دارد؟

یکی از هموطنان عزیز ما سوال نموده :

شخصی فوت کرده بود، در حین دفن کردن مردم دیدند که چشم هایش باز بسته میشود؛ فکر کردند زنده است، دوباره میت را به شفاخانه بردند داکتر گفت که فوت کرده است زنده نیست قبلا جنازه اش خوانده شده بود حالا نماز جنازه یک بار دیگر خوانده شود یا خیر؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

باید بدانیم که :

اولا: نماز جنازه که خوانده شده اعاده نمی شود در نزد همه فقهای مذاهب چهارگانه.

ثانیا: کسانی که در یک جماعت نماز جنازه اشتراک کردند برای آنها همین کافی است و در نماز دومی جنازه همین شخص اشتراک نکنند.

ثالثا: در مذهب حنفی باید یک جنازه خوانده شود مگر اینکه اقارب میت در جنازه اولی نبوده باشند و نیز ولی امر و حاکم وجود نداشته باشد درین صورت آنها دوباره نمازه جنازه را خوانده می توانند.

رابعا: در مذهب امام شافعی و حنبلی جواز دارد برای کسانی که در نماز جنازه اولی شرکت نکردند و ناوقت رسیدند بسبب دوری راه و غیره اعدار برای شان مشروع است که نماز جنازه را دوباره بخوانند.

خامسا: نماز جنازه غائبانه نیز جواز دارد و مشروع است.



### نماز جنازه غائبانه

یکی از دوستان محترم سوال نموده :

نماز جنازه غائبانه چه حکم دارد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله أما بعد:

نماز جنازه غائبانه مشروع و جائز است.

در صحیحین بخاری و مسلم ثابت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم با مجموعه از صحابه وفات نجاشی رضی الله عنه را اعلان نمودند و جنازه غائبانه اش را ادا کردند، و این دلالت صریح به مشروعیت جنازه غائبانه میکند.

## ادای نماز جنازه در داخل مسجد

یکی از دوستان از حکم خواندن نماز جنازه در مسجد سوال نموده خصوصاً در حرمین شریفین و کشورهای اسلامی جنائز در مساجد ادا می شود.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله وبعد:

این مسأله مختلف فیه است نزد فقهاء جمهور فقهاء از جمله امام شافعی و أحمد بن حنبل و إسحاق و فقهای معاصر به این نظر هستند که نماز جنازه در داخل و خارج مسجد جواز دارد به بشرطیکه مسجد بی نظافت نشود، و در احادیث صحیح و سنت عملی ثابت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم نماز های جنازه را در داخل و خارج مسجد خوانده، از جمله حدیث صحیح که رسول الله صلی الله علیه وسلم جنازه صحابی سهیل بن بیضاء را در داخل مسجد ادا کرد.

اما امام ابوحنیفه و امام مالک به این نظر هستند هستند که خواندن نماز جنازه در داخل مسجد مکروه است. و از حدیث که أبو دواد روایت کرده استدلال نموده اند که: "من صلى الجنازة في المسجد فلا شيء له"<sup>۱</sup> کسی که در مسجد نماز جنازه را بخواند چیزی بدست نمی آورد یعنی ثواب کامل را نمی گیرد، لیکن فقهای معاصر این روایت را ضعیف دانسته و روایت

<sup>۱</sup> - أخرجه أبو داود في سننه، كتاب الجنائز، باب الصلاة على الجنازة في المسجد، رقم الحديث:

(۳۱۹۱)، (ج ۳، ص ۲۰۷).



صحيح اين حديث اين است كه: "من صلى الجنائزة في المسجد فلا شئ عليه"<sup>١</sup> يعني كسى جنازه را در مسجد ادا كند باكى ندارد.



### خواندن نماز جنازه بدون خواندن سوره فاتحه درست است

يكي از دوستان از ولايت تخار سوال نموده:

آيا بدون فاتحه نماز نميشود اگر مقتدى به همراهى امام باشد بايد فاتحه رابخواند يانى

ودر نماز جنازه هم فاتحه خوانده ميشود يا نه؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

نماز جنازه بدون خواندن سوره فاتحه درست است زيرا كه اين نماز عبارت از دعاء بخاطر مغفرت و ثواب رسانى به ميت مسلمان است و نماز كه بمعناى حقيقى كه ركوع وسجده داشته باشد نيست، اما اگر كسى سوره فاتحه در نماز جنازه بخواند ثواب دارد و جائز و مشروع است نزد جمهور فقهاء.

<sup>١</sup> - أخرجه أبو داود في سننه، كتاب الجنائز، باب الصلاة على الجنائز في المسجد، رقم الحديث:

(٣١٩١)، (ج٣، ص٢٠٧).

## آوردن کفن آلوده با آب زم زم کدام فضیلت و ثواب ندارد

یکی از هموطنان عزیز سوال نمود:

آوردن کفن که آلوده با آب زم زم باشد کدام ثواب دارد و که گناه میت یا عذابش را در قبر کم میسازد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

آوردن کفن آلوده با آب زم زم کدام فضیلت و ثواب ندارد.

این کار در شریعت مشروعیت ندارد و در حدیث صحیح و سنت عملی و یا عمل صحابه و علماء ثابت نیست، بهتر است که مسلمان اعمال خود را مطابق سنت رسول الله صلی الله بکند که راهی بهشت و جنت شود نه بوسیله کارهای که ثابت نیست و مشروعیت ندارد و بدعت و نوآوری شمرده میشود.

البته وضوء کردن و غسل نمودن با آب زم زم جایز و مشروع است و در آن مانع و حرج شرعی نیست.

مسلمان باید از نعمتهای دنیایی به اندازه استفاده کند که در سنت رسول الله صلی الله علیه و سلم ثابت است نه استفاده نامشروع و نوآوریها در دین و کشانیدن آن به شیوه های انحرافی و خرافاتی و مخالف شریعت.

## د زم زم په اوبو لوند شوی کفن کوم فضيلت او ثواب نلري

يوه گران هيوادوال مو پوښتنه کړې ده:

د زم زم په اوبو لوند شوی کفن راوړل کوم ثواب لري او  
که د مړي گناه يا عذاب په قبر کې کموي ؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

د زم زم په اوبو لوند شوی کفن راوړل کوم فضيلت او  
ثواب نلري، دا کار په شريعت کې مشروعيت نلري او په  
صحيح حديثو، عملي سنتو او يا د صحابه و او علماؤ له عمل  
څخه هم ثابت نه دي.. بهتره دا ده چې مسلمان خپل اعمال د  
رسول الله صلى الله د سنتو مطابق کړي ترڅو جنت ته ولاړ  
شي؛ نه د هغه کارونو په وسيله چې ثابت نه دي او مشروعيت  
نلري بلکه بدعت او نوي والی شمېرل کېږي.

البته د زم زم په اوبو او دس او غسل کول جايز او مشروع  
دي او په هغې کې شرعي مانع او حرج نشته.

مگر مسلمان بايد له دنيوي نعمتونو څخه په هغه  
اندازه استفاده وکړي (گټه واخلي) چې د رسول الله صلى  
الله عليه وسلم له سنتو ثابت وي، نه دا چې نامشروع  
استفاده ترې وشي، په دين کې نوي والی راوړي او يا دا

چې انحرافاتي، خرافاتي او د شریعت مخالفو طریقو ته وړول شي.



**آیا دفن کردن جنازه هنگام شب مکروه ویا حرام است؟**

یکی از دوستان چنین سوال نموده:

شنیدم که دفن جنازه در شب مکروه است .. آیا این درست است؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

دفن کردن جنازه میت هنگام شب جواز دارد و مشروع است در صورتیکه در غسل دادن، تکفین، نمازه جنازه اش کوتاهی نشود و حقوق میت و مرده مسلمان پامال نگردد.. زیرا رسول الله صلی الله علیه وسلم بعض اموات را هنگام شب دفن کرده، و جنازه آنحضرت صلی الله علیه وسلم هنگام شب دفن شده، نیز جنازه هردو خلیفه مسلمانان ابوبکر صدیق و عثمان بن عثمان رضی الله عنهما در شب دفن شده .. این همه دلالت بر مشروع بودن دفن میت هنگام شب میکند بشرطیکه آداب شرعی دفن مراعت شود و حق میت ادا گردد و کوتاهی صورت نگیرد.

اما اگر حقوق میت پامال شود وبشکل درست وصحیح حقوق جنازه آن ادا نشود ودر غسل، تکفین، نماز جنازه ودفن کوتاهی شود در این حالت دفن کردن مکروه است حتی حرام هم شمرده شده در نزد بعض از علماء زیرا در حدیث صحیح که امام مسلم روایت کرده رسول الله صلی الله علیه وسلم از دفن کردن جنازه در شب منع کرده تا اینکه نماز جنازه اش خوانده شود: " عن جابر بن عبد الله رضي الله عنهما أن النبي صلى الله عليه وسلم زجر أن يقبر الرجل بالليل حتى يُصلى عليه".<sup>۱</sup>

اگر نماز جنازه اش خوانده شود دفن کردنش جائز ومشروع است .



### آیا فاتحه خوانی وتعزیت دادن به شکل مروج فعلی اساس شرعی دارد؟

این سوال را چند تن از دوستان که در بین شان علماء ودانشمندان هم است مطرح کردند، وبعد از بحث وتحقیق ومناقشه همه جانبه ودر همه پهلوهای شرعی آن برای شان نوشتم که در مجموع فاتحه وتعزیت برای مسلمان سنت است وکاری خوب

<sup>۱</sup> - صحیح مسلم، کتاب الجنائز، باب فی تحسین کفن المیت، رقم الحدیث: (۹۴۳)، (ج ۲، ص ۶۵۱).

و مرغوب است و مسلمان اجر و ثواب شامل حالش می شود که اگر مطابق سنت رسول الله صلی الله علیه و سلم و صحابه کرام درین مراسم برود و یا آنرا برگزار کند.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

آداب تعزیت این طور آمده در سنت رسول الله صلی الله علیه و سلم و عمل کرد صحابه.

۱- تعزیت از وفات و دفن جنازه شروع می شود و برای سه روز می باشد، و برای اهل و خوانواده مرده گفته می شود که "عظم أجرکم و غفر لمیتکم" خداوند شما را اجر برزگ نصیب کند و میت و مرده شما را مغفرت کند، و ایشان را به صبر و شکیبای و صبر و استقامت دعوت نموده و اینکه مردن حق است و مسلمان باید به قضاء و قدر تسلیم شود، و برای کسانی که در ساحه استند تا به سه روز می توانند که تعزیت دهند و منصرف شوند، و کوشش کنند که در خانه اهل میت نان خوری نمایند و آنها را به زحمت و تکلیف نسازند، و بعد از سه روز تعزیت نکنند که غم اهل میت تازه نشود.

۲- اقارب و همسایه ها و دوستان برای اهل خانه میت نان پخته و آماده شده ببرند.

۳- اهل میت و مرده را در ضمن تسلیت دادن از گریه و نالان و بی صبری خصوصا کالا پاره کردن و یخن پاره کردن منع شود،

واین عمل مطابق شریعت نیست بلکه از عادات جاهلیت است،  
ومسلمان در صورت ودر خوشی وغم در دائره وچوکات شریعت  
بماند.

۴- اگر کسی مسافر باشد می تواند بعد از بازگشت از سفر  
خانواده میت را تعزیت دهد البته در مدت کوتاهی فقط.

لیکن متأسفانه در فاتحه خوانی های مروج کشور ما بعض  
عادات و تقالید و عمل کرد های آن اساس و دلیل شرعی ندارد مثلا:

۱- در مجلس فاتحه خوانی قرآن کریم خواندن توسط قراء  
هیچ دلیلی و ثبوتی شرعی ندارد و اصلا ثواب و اجر خواندن قرآن  
کریم دیگران به مرده نمی رسد نظر به قول راجح علماء .

۲- برگزاری محفل جمعگی و چهل و محفل سالی و خیرات ها  
درین روزها هیچ دلیلی شرعی ندارد .

۳- پوشیدن لباس سیاه و یا ترک کردن کار و زندگی و وظیفه  
والغاء نمودن بر و پروگرامهای حیاتی مثل عروسی ها و شیرینی  
خوری ها خواستگاری و غیره، را به دلیل اینکه فلان مردم مرده دار  
استند، این همه در شریعت جواز ندارد و گناه کبیره شمرده می  
شود.

از صحابی جلیل جریر بن عبد الله البجلی رضی الله ثابت شده که ایشان فرمودند: " کنا نعد الاجتماع إلى أهل الميت وصنعة الطعام بعد دفنه من النياحة "، حتی برگزاری این نوع محافل و خیراتها و طعام خوری ها را در منزل و خانه اهل مرده را ما از نياحة یعنی بی صبری و عادات جاهلیت می شمردیم و مردم را منع می کردیم که در اعمال و رفتار و شیوه های جاهلیت نرسند.



### خواندن سوره یس بالای مرده و یا مریض در حالت جان کندن در حدیث صحیح ثابت نیست

یکی از دوستان نوشته که :

مردم سوره یسن شریف را بالای مرده و مریض در حالت مریضی سخت می خوانند که آسان کند بالایش آیا همی صحیح است استاد؟

دوست دیگری از کوتاه سنکی کابل نوشته که :

سلام علیکم مولوی صاحب من که هر کار را شروع می اول یاسینی شریف را ختم میکنم و از خداوند ج خیری خود را طلب

۱ - أخرجه أحمد في سننه، مسند المكثرين من الصحابة، مسند عبد الله بن عمرو بن العاص رضي الله عنهما، رقم الحديث: (٦٩٠٥)، (ج ١١، ص ٥٠٥).



میکنم، من گفتم که از شما پرسان کنم، که کاری نکنم که باعث خشم خداوند ج شوم آیا جایز است که من هر کار را با خواندن یاسینی شریف کنم؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

حدیث " اقرءوا یس علی مؤتاکم " <sup>۱</sup> یاسین را بالای مرده های تان بخوانید ضعیف است ثابت نیست.

بالای مرده قرآن خواندن بدعت است در دین اصل ندارد.

باید متوجه باشیم که در مورد فضائل سوره یس احادیث موضوع ضعیف زیاد است که صحت ندارد وثابت نیست و تنها فضیلت سوره یسن همین است که یکی از سوره های قرآن کریم است و در فضیلت قرآن کریم شامل است، و باید تلاوت شود و خوانده شود و تفسیر و ترجمه شود لیکن به نیت قرآن کریم نه به نیت عمل کردن به احادیث ضعیف و موضوع.

در مورد سوره یس آنقدر مردم به غلط فهمی روان هستند که حتی سوره های دیگری قرآن کریم را فرموش نموده تنها یس شریف دارند که این مفهوم نادرست است و قرآن کریم را تنها به

<sup>۱</sup> - أخرجه أبو داود في سننه، كتاب الجنائز، باب القراءة عند الميت، رقم الحديث: (۳۱۲۱)،

سوره یس خلاصه کرده اند، در نتیجه این احادیث ضعیف و غلط فهمی مردم.

بالای مریض خواندن قرآن کریم کار خوب است هر سوره که باشد خصوصا سوره بقره و آیه الکرسی، وسوره قل ایها الکافرون، وسوره اخلاص وسوره الفلق والناس، وخواندن سوره یسین نیز جائز است به نیت خواندن قرآن کریم نه به نیت اینکه در حدیث ثابت است این کار.

نیز در شروع هر کار نو و جدید و یا غیر جدید سوره یس خواندن در سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم ثابت نیست، فقط بعد از بسم الله خواندن توکل به خداوند ضروری است و دعاء شود که الله متعال کار مسلمان را آسان سازد، و نیز بیشتر کارهای و عادات زندگی انسان دعای مأثور دارد مثلا لباس جدید، سفر کردن، خوابیدن و غیره.



**برای مسلمان جواز دارد که غیر مسلمانان را نیز تعزیت کند**

یکی از دوستان سوال نموده که :

استاد محترم حکم تعزیت گفتن به غیر مسلمان چی است؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

برای مسلمان جائز است که در تدفین جنازه شان هم سهیم شود.

برای شان در تعزیت گفته شود: "أخلف الله عليك ولا نقص عددك" یعنی خداوند در بدل رفتگی ها شما را دیگر بدهد و تعداد تان کم نشود، البته این دعاء به این خاطر است که از تعداد شان کم شود جزیه را به مسلمانان میدهند نیز کم می شود.

تعزیت وهمدردی بمعنای این نیست که آنها بر حق هستند و یا اینکه باید برای شان دعاء مغفرت شود، باید به هیچ صورت دعاء استغفار نشود.

بلکه برای مرده های شان شهید خطاب نشود.



## خود کشی و انتحار

یکی از دوستان سوال نموده :

سلام علیکم، برادر عزیز اگر کسی خود کشی کند چي حکم دارد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله وبعد:

رسول الله صلى الله عليه وسلم در حدیث صحیح متفق علیه فرموده است: " مَنْ قَتَلَ نَفْسَهُ بِشَيْءٍ فِي الدُّنْيَا عَذَبَ بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ "، شخص که خود کشی کرده در دنیا با همان آله ووسيله که خود کشی کرده در آخرت هم عذاب می شود، ونیز در حدیث صحیح دیگری آمده که کسی خود را از کوه انداخته باشد، ویا زهر نوشیده باشد ویا با چاقو وتیغ خود کشی کرده باشد توسط همین وسائل وآلات در روز قیامت عذاب می شود وجایگاهش برای ابد دوزخ میباشد.

ورسول الله صلى الله عليه وسلم جنازه کسی را که خود کشی کرده بود نخواند تا اینکه مردم را از این گناه کبیره وبررگ زجر وتحذیر نماید، لیکن برای صحابه اجازه جنازه خواندن را داد، وبر

۱ - أخرجه البخاري في صحيحه، كتاب الجنائز، باب ما جاء في قاتل النفس، رقم الحديث:

(۱۳۶۳)، (ج ۲، ص ۹۶).

علماء سنت است که از نماز جنازه خواندن انسان که خود کشی کرده ابا ورزند.



### آیا برای مسلمان مقیم اروپا جایز است که از بیمه تدفین جنازه استفاده نماید؟

یکی از هموطنان عزیز ما مقیم هالند سوال نموده:

سوال: ما در اروپا زندگی میکنیم و اگر شخص وفات نماید مصارف دفن و کفن و قیر دایمی حدود ده هزار ایرو میشود و تقریباً هیچکسی توانایی پرداخت آنرا ندارد.

آیا شرعاً جواز دارد تا شخص بیمه دفن و کفن را قرار داد نماید که بعد از فوت شخص همین مبلغ را طور نقدی به بازماندگان شان میپردازد تا در دفن و کفن و خرید قبر مصرف نمایند؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، اما بعد:

اصلاً اگر این نوع بیمه اجباری نباشد و به گمان غالب که مسلمان مصارف تدفین و تکفین و خریدن جای مقبره و یا نقل جنازه را به کشور آبائی خود میداشته برایش جایز و مشروع نیست که از این بیمه استفاده کند زیرا در اصل حرام و ناروا است، اما اگر

به گمان اغلب توانایی پرداخت مصارف دفن و تکفین و نقل جنازه و خریدن قبر را نداشته باشند برایشان روا و جایز است که از طریق قسط ماهوار با یکی از شرکتهای بیمه تجاری قرارداد نمایند و ورثه میت و مرده توسط همین شرکت مصارف تکفین و تدفین و نقل و خریدن مقبره را پردازند، از این لحاظ استفاه نمودن از بیمه تجاری را بخاطر دفن و تکفین میت جایز گفتیم که آنها در تنگنا قرار میداشته باشند، الله متعال در قرآن کریم فرموده است: "وَقَدْ فَصَّلَ لَكُمْ مَا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ إِلَّا مَا اضْطُرِرْتُمْ إِلَيْهِ"<sup>۱</sup>.

او تعالی در قرآن کریم احکام حرام را بیان نموده که مسلمان از آن دوری نماید مگر اینکه در تنگنا قرار گیرد.. و دفن نمودن مرده مسلمان از ضرورتهاست که حرام را نیز حلال میگرداند به اندازه ضرورت.. قاعده شرعی است که: (الضرورت تبيح المحظورات).



### رفتن خانمها برای تعزیت دادن خانواده میت

یکی از دوستان محترم از شهر ایبک ولایت سمنگان سوال نموده:

السلام ورحمت الله وبرکاته، استاد محترم رفتن زنهابه خاطر عزاداری و فاتحه خانی جواز دارد یاخیر، یک تعداد برای جنازه

<sup>۱</sup> - سوره انعام: ۱۱۹.

نامحرمان همسایه می روند، به آنها پول و کالا از دوره داده می آورند و می دهند؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

شریعت برای خانمها اجازه داده که برای برای تعزیت و تسلیت اهل میت و دعاء برای مرده در مجلس تعزیت و یا خانه اهل میت بروند حتی ولو که از اقارب و همسایه نزدیک شان هم نباشد، تنها با حجاب بودن شرط است و نیز گریان و نالان و بی صبری زیاد نکنند و بر علاوه دعای مغفرت به مرده اهل میت را تسلیت گفته و تشویق کنند که بی صبری نکنند و به قضاء و قدر تسلیم شوند.

اما گرفتن پول و کالای دوره و بدست آوردن اسقاط جواز ندارد و نو آوری و بدعت شمرده می شود.



**برگزاری مجلس تعزیت و فاتحه خوانی در مساجد که جای عبات و ذکر است جایز نیست**

یکی از هموطنان عزیز ما مقیم جرمنی سوال نموده:

استاد محترم سوال من این است که آیا برگزاری مراسم تعزیت و فاتحه خوانی در مساجد جواز دارد یا خیر چون افغانها مقیم جرمنی نیز باهم اختلاف دارند درین مورد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

درین شکی نیست که مساجد برای عبادت الله متعال، وادای نمازهای جماعت و ذکر تخصیص داده شده است و هر آن عمل و کاری که به عبادت الله متعال ارتباط مستقیم نداشته باشد برگزاری آن در مساجد جواز ندارد و مساجد تنها بخاطر نماز و عبادت ساخته شده نه برای برگزاری مجلس تعزیت.

حتی رسول الله صلی الله علیه وسلم از اعلان های مفقودی و تجارت و خرید و فروش در مسجد نهی کرده و منع نموده است، همچنان بر گزاری چنین محافل در مساجد جواز ندارد باید مجلس تعزیت در جاهای دیگری بغیر از مساجد برگزار شود، در سنت صحیح و آثار صحابه و وقائع تاریخی ثابت نیست که در مساجد مسلمانان مجالس تعزیت را برگزار کرده باشند و به شکل مروج قرآن خوانی شده باشد.

شریعت از نیاحه و بی صبری و یخن پاره کردن نیز منع کرده، تنها تعزیت دادن و دعاء کردن به مغفرت میت مسلمان و طلب صبر و شکیبایی به اهل و خانواده میت جواز دارد.

در مجموع تعزیت دادن برای مسلمان سنت است و مسلمان اجر و ثواب شامل حالش می شود که اگر مطابق سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم و عملکرد صحابه کرام عمل کند در این مورد، و مهمترین مسائل که مسائل باید بداند قرار ذیل است:



۱- تعزیت دادن از وقت وفات و دفن جنازه شروع می شود و برای سه روز ادامه می یابد و بهتر است که مسلمان در این سه روز به اهل میت تعزیت بدهد، و برای اهل و خانواده مرده گفته می شود که (عظم أجرکم وغفر لمیتکم) خداوند شما را اجر بزرگ نصیب کند و میت و مرده شما را مغفرت نماید و بهشت برین را نصیبش گرداند، و ایشان را به صبر و شکیبای و صبر و استقامت دعوت نموده و اینکه مردن حق است و مسلمان باید به قضا و قدر تسلیم شود، و برای کسانی که در ساحه و وطن هستند تا به سه روز می توانند که تعزیت دهند و منصرف شوند، و کوشش کنند که در خانه اهل میت نان خوری نمایند و آنها را به زحمت و تکلیف نسازند، و بعد از سه روز تعزیت نکنند که غم اهل میت تازه نشود.

۲- اقارب و همسایه ها و دوستان برای اهل خانه میت نان پخته و آماده شده ببرند.

۳- اهل میت و مرده را در ضمن تسلیت دادن از گریه و نالان و بی صبری خصوصا لباس و یخن پاره کردن منع کنند، و این عمل مطابق شریعت نیست بلکه از عادات جاهلیت است، و مسلمان مأمور است که در خوشی و غم در دائره و چوکات شریعت بماند.

۴- اگر کسی مسافر باشد می تواند بعد از بازگشت از سفر خانواده میت را تعزیت دهد البته در مدت کوتاهی فقط.

لیکن متأسفانه در فاتحه خوانی های مروج کشور ما بعضی عادات و تقالید و عمل کرد های آن اساس و دلیل شرعی ندارد مثلا:

۱- برگزاری مجلس تعزیت و فاتحه خوانی در مساجد که جای عبات و ذکر است جایز نیست و مردم این کار را میکنند.

۲- در مجلس فاتحه خوانی قرآن کریم خواندن توسط قراء هیچ دلیل و ثبوت شرعی ندارد و اصلا ثواب و اجر خواندن قرآن کریم دیگران به مرده نمی رسد نظر به قول راجح علماء.

۳- برگزاری محفل جمعگی و چهل و محفل سالی و خیرات های مروج در این روزها هیچ دلیل شرعی ندارد.

۴- پوشیدن لباس سیاه و یا ترک کردن کار و زندگی و وظیفه و الغاء نمودن بر نامه و پروگرامهای حیاتی مثل عروسی ها و شیرینی خوری ها خواستگاری و غیره، به دلیل اینکه فلان مردم مرده دار هستند، این همه در شریعت جواز ندارد تنها سه روز این کارها معطل شده می تواند و بعد از آن باید همه امور طبیعی و عادی باشد.

از صحابی جلیل جریر بن عبد الله البجلی رضی الله ثابت شده که ایشان فرمودند:

"كنا نعد الاجتماع إلى أهل الميت وصنعة الطعام بعد دفنه من النياحة" <sup>۱</sup>، حتی برگزاری این نوع محافل وخیراتها و طعام خوری ها را در منزل و خانه اهل مرده را ما از نياحه یعنی بی صبری و عادات جاهلیت می شمردیم و مردم را منع می کردیم که در اعمال و رفتار و شیوه های جاهلیت نرسند.

۵- اسقاط و دوره هنگام دفن جنازه کاملاً نامشروع و بدعت است.

۶- پختن شام حلوا و توزیع آن از طرف خانواده مرده نیز بدعت است.



### اسقاط دادن بدعت است

یکی از دوستان از شهر کابل نوشته که :

استاد السلام علیکم، بعضی کسان می گویند که اسقاط ما میتیم که اگر کدام گناه و یا خطای از مرده سر زده باشد به سبب اسقاط بخشیده شود.

۱ - أخرجه أحمد في مسنده، مسند المكثرين من الصحابة، مسند عبد الله بن عمرو بن العاص رضي الله عنهما، رقم الحديث: (٦٩٠٥)، (ج ١١، ص ٥٠٥).

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

مسلمان باید در حالت حیات و زندگی و در حالت وفات و تدفین و جنازه باید مطابق سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم عمل کند و عبادت و کاری دینی و شرعی را جستجو کند که مطابق سنت و رهنمودهای شریعت باشد و از رسم و رواج مخالف شریعت باید خود داری کند و مرده خود را به طریقه غیر شرعی تدفین نکند و سبب آزار و اذیت او نشود.

نه رسول الله صلی الله علیه وسلم اسقاط داده بود و نی هم صحابه کرام و تابعین و علماء و فقهاء.

واسقاط و دوره یک رواج ناردست است که از شبه قاره هند به افغانستان منتقل شده و مسلمان اگر می خواهد که به میت و مرده اش ثواب برساند باید راه های شرعی و مطابق سنت را جستجو کند و نمی توان گناهان مرده را توسط یک عمل که مطابق سنت نیست و بدعت شمرده می شود عفو و معاف کرد و اگر مرده وصیت کرده باشد برای اسقاط دادن او هم از دنیا گنهگار می رود، و ثواب اعمال که به مسلمان می رسد در این حدیث صحیح رسول الله صلی الله

عليه وسلم ذكر كرده: "إذا مات ابن آدم انقطع عمله إلا من ثلاث: صدقة جارية، أو علم ينتفع به، أو ولد صالح يدعو له".<sup>۱</sup>

انسان وقتی که وفات می کند ثواب همه اعمالش قطع می شود مگر سه چیز، صدقه جاریه که همانا وقف و اوقاف است، و علم نافع که علم خودش نشر شود و یا اینکه کتابها و وسائل نشر علم شرعی را بجا مانده باشد، و فرزند صالح و نیکو که برایش دعاء کند.

مسلمان می تواند برای فایده رسانیدن برای پدر و مادر و اقارب و دوستان که ازین دنیا رفته اند این اعمال خیری کنید را انجام دهد:

۱- دعاء مغفرت و بخشش گناهانش را کند، دعاء بهترین وسیله و سلاح مسلمان است در همه احوال.

۲- وقف نمودن در کارهای خیری و عام المنفعت، در صورت داشتن امکانات مالی مثلاً ساختن مدرسه، مسجد، پل، نشر و طبع و چاپ کتابهای دینی و اسلامی، درخت شاندن و وقف کردن میوه آن، زمین زراعتی را وقف کردن، جوی آب و چاه کندن، ساختن راهای رفت و آمد.

۱ - أخرجه الشافعي في سننه، كتاب النكاح، الباب الثالث في الترغيب في التزوج وما جاء في الخطب وما يحرم نكاحه وغير ذلك، رقم الحديث: (۳۱)، (ج ۲، ص ۱۳).

۳- حج و عمره.

۴ - صدقه دادن برای فقیران و مسکینان.



### حیله اسقاط

یکی از دوستان دعوتگر ما از کابل چنین سوال نموده:

استاد محترم تعریف شما از اسقاط که قبل از دفن جنازه میکنند چیست؟ آیا جواز دارد شرعا؟ .. اگر دارد یا ندارد همراهی دیگر علماء افغانستان یکجا اعلان کنید چون مشکل بزرگ جور شده . تشکر استاد محترم میشود که در صفحه تان نشر کنید

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

اسقاط دادن ( حیله اسقاط) و دوره قبل از دفن جنازه به شکلی که مروج است یک امر نامشروع و منکر است، با این حیله نمی توانند که سبب سقوط و معافی ترک واجبات دینی شوند، همه میدانند که ترک نماز مرده کفاره ندارد، این کار در شریعت اساس و دلیل شرعی ندارد، بدعت، نوآوری مخالف سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم است، و نفع رسانیدن بخاطر مغفرت میت و مرده مسلمان شیوه خاص دارد اسقاط و دوره در آن شامل نیست.

اگر مشروع میبود دلیل و اساس شرعی از قرآن کریم، از سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم، از قول و عملکرد صحابه رضی الله عنهم، و رهنمودهای فقهای معتمد مذاهب فقهی اهل سنت و جماعت میداشت بیان میشد.. عبادات و کارهای خیر و مشروع از مسلمانان پوشیده نمانده همه بیان شده.

فقهای معتمد و اهل اجتهاد معاصر اسقاط و دوره را منکر و استهزاء، بازی کردن با احکام دینی و نامشروع دانسته اند و مردم را تشویق نموده اند که مطابق حدیث رسول الله صلی الله علیه وسلم در مقابل آن دست بکار شوند بخاطر از بین بردن منکرات: " من رأى منكم منكراً فليغيره بيده، فإن لم يستطع فليأذنه فإن لم يستطع فليقلبه"<sup>۱</sup> هر کسی از شما که منکر و امر مخالف شریعت و سنت را ببیند آنرا بدست خود محو نماید و اگر نتواند بزبان خود منع کند، و اگر این کار هم در توانش نباشد در قلبش آنرا مکروه بداند.



<sup>۱</sup> - صحیح مسلم، کتاب الإيمان، باب بیان کون النهی عن المنکر من الإيمان، وأن الإيمان یزید وینقص، وأن الأمر بالمعروف والنهی عن المنکر واجبان، رقم الحدیث: (۴۹)، (ج ۱، ص ۶۹).

## شیوه مشروع ثواب رسائی به مرده و میت قرار ذیل است

مسلمان می تواند برای برادر میت خود ثواب اعمال ذیل را اهداء کند:

۱- می تواند برایش دعای مغفرت و طلب جنات الفردوس نماید.. بهترین وسیله و سلاح دعاء است .

۲- می تواند برای فقیران و محتاجان و مسکینا صدقه بدهد و ثوابش را برای این دوست میت و یا اقارب میت خود اهداء کند .. این هم ثوابش میرسد برای مردگان مسلمان.

۳- می تواند برایش حج و عمره کند یعنی به نیابت از مردگان... ثوابش برای شان میرسد.

ومی تواند بعد از نماز های فرض و در اوقات استجابت دعاء برایش دعای مغفرت کند...مثلا بعد از نمازی های فرض، و در بین آذان و اقامه، و بعد از سوم حصه شب، و در وقت افطار کردن روزه، و در ساعت اخیر روز جمعه.





## غصب زمین میت در قالب اسقاط

یکی از دوستان دعوتگر از شهر ایبک ولایت سمنگان گزارش میدهد که یکی از ملا صاحبان هنگام دفن جنازه زمین شخص وفات شده را در دوره واسقاط تحت تصرف خود در آورده ، حالانکه این زمین حق مشترک ورثه و برادران این میت است.. به همه معلوم است که اسقاط ودوره نامشروع وبدعت است وهیچ دلیل و اساس شرعی بر مشروعیت وجواز آن از قرآن کریم وسنت وحديث صحیح وعملکرد صحابه رضی الله عنهم ونیز رهنمودهای مذاهب فقهی از جمله مذهب حنفی وجود ندارد.. واین اولین بار است که ملا صاحب به طریقه نامشروع وناجائز بالای زمین مردم دست غصب کردن را دراز میکند واین بدعت وعمل نامشروع را دلیل آورده زمین را که حق ورثه و برادران میت است در قبضه خود میاورد که دعوا فعلا در محکمه جریان دارد..الله متعال در قرآن کریم می فرماید : " ولا تأکلوا أموالکم بینکم بالباطل " مال های تان را در بین تان به باطل نخورید..دوره واسقاط مشروع نیست ودر شریعت ثابت نیست، قبضه کردن زمین مردم به چنین شیوه گناه بزرگ به شمار می رود که باید این نوع اشخاص تعزیر شوند.



## جنگال ملاهای کوتل خیرخانه در مورد اسقاط

هر دو مجموعه در سر جنازه تنش لفظی نموده اند، بخش از آنها اسقاط و دوره را مشروع می خوانند بلکه غنیمت و فرصت خوب برای بدست آوردن پیسه می شمارند، و مجموعه دیگری آنرا حرام و ناروا و خوردن مال مردم به باطل میدانند، یکی از دوستان ساکن آنجا که در این جنازه حضور داشته و جنگال را از نزدیک مشاهده نموده خواهش دارد که در این مورد روشنی شرعی بیندازم.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

اولا: باید بدانیم که بر مسلمان واجب است که مطابق سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم جنازه را دفن کند و از بدعت و نوآوری در دین خود داری کند.

ثانیا: هر نوآوری در دین که در سنت صحیح رسول الله صلی الله علیه وسلم ثابت نباشد مردود است و قابل قبول و عمل نیست و صاحبش کنهکار می شود، رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است "من أحدث في أمرنا هذا ما ليس منه فهو رد" <sup>۱</sup> هر کسی که در دین و سنت و روش و مسلک من نوآوری کند و قناعت نداشته باشد که دین من تکمیل شده کار او مردود است.

<sup>۱</sup> - أخرجه البخاري في صحيحه، كتاب الصلح، باب إذا اصطالحوا على صلح جور فالصلح مردود،

رقم الحديث: (۲۶۹۷)، (ج ۳، ص ۱۸۴).

ثالثاً: مسلمان باید در حالت حیات و زندگی و در حالت وفات و تدفین و جنازه باید مطابق سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم عمل کند و عبادت و کاری دینی و شرعی را جستجو کند که مطابق سنت و رهنمودهای شریعت باشد و از رسم و رواج مخالف شریعت باید خود داری کند و مرده خود را به طریقه غیر شرعی تدفین نکند و سبب آزار و اذیت او نشود.

رابعاً: نه رسول الله صلی الله علیه وسلم اسقاط داده بود و نه هم صحابه کرام و تابعین و علماء و فقهاء اسقاط و دوره کاملاً ناروا و بدعت است.

اسقاط و دوره یک ناردست است که از شبه قاره هند به افغانستان منتقل شده و مسلمان اگر می خواهد که به میت و مرده اش ثواب برساند باید راه های شرعی و مطابق سنت را جستجو کند و نمی توان گناهان مرده را توسط یک عمل که مطابق سنت نیست و بدعت شمرده می شود عفو و معاف کرد و اگر مرده وصیت کرده باشد برای اسقاط دادن او هم از دنیا گنهگار می رود، و ثواب اعمال که به مسلمان می رسد در این حدیث صحیح رسول الله صلی الله علیه وسلم ذکر کرده: " إذا مات ابن آدم انقطع عمله إلا من ثلاث: صدقة جارية، أو علم ينتفع به، أو ولد صالح يدعو له".<sup>۱</sup>

۱ - أخرجه الشافعي في مسنده، كتاب النكاح، الباب الثالث في الترغيب في التزوج وما جاء في الخطب وما يحرم نكاحه وغير ذلك، رقم الحديث: (۳۱)، (ج ۲، ص ۱۳).

انسان وقتی که وفات می کند ثواب همه اعمالش قطع می شود مگر سه چیز، صدقه جاریه که همانا وقف و اوقاف است، و علم نافع که علم خودش نشر شود و یا اینکه کتابها و وسائل نشر علم شرعی را بجا مانده باشد، و فرزند صالح و نیکو که برایش دعاء کند.

مسلمان می تواند برای فایده رسانیدن برای پدر و مادر و اقارب و دوستان که ازین دنیا رفته اند این اعمال خیری کنید را انجام دهد:

۱- دعاء مغفرت و بخشش گناهانش را کند.. دعاء بهترین وسیله و سلاح مسلمان است در همه احوال.

۲- وقف نمودن در کارهای خیری و عام المنفعت، در صورت داشتن امکانات مالی مثلا ساختن مدرسه، مسجد، پل، نشر و طبع و چاپ کتابهای دینی و اسلامی.. درخت شاندن و وقف کردن میوه آن، زمین زراعتی را وقف کردن، جوی آب و چاه کنندن، ساختن راهای رفت و آمد.

۳- حج و عمره.

۴ - صدقه دادن برای فقیران و مسکینان.

اسقاط و دوره و ختم مروه قاری صاحبان و مولوی صاحبان هیچ دلیل شرعی ندارد تنها یک رواج، فهم و برداشت نادرست و دخیل است که علماء نه تنها بر عدم مشروعیت آن تأکید دارند

بلکه این نوع عملکردها را بدعت و نوآوری در دین شمره اند زیرا آنها به این عملکردهای مخالف شریعت شان اهل میت را از کارهای مطابق سنت که باید برای مغفرت و ثواب رسانی میت خود بکنند منصرف میسازند.



### آیا ثواب نماز نفلی و تلاوت قرآن به مرده میرسد؟

یکی از دوستان محترم سوال نموده؛

آیا کدام سند در باره این است که ثواب تلاوت و نماز به دیگه کس نه میرسد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله وبعد:

در نصوص شرعی ثابت نیست که واپ نماز و تلاوت کسی به کسی دیگر می رسد اما مسلمان می تواند برای اقارب و دوستان و برادران میت خود ثواب اعمال ذیل را اهداء کند:

۱- می تواند برایش دعای مغفرت و طلب جنات الفردوس نماید، بهترین وسیله و سلاح دعاء است، همیشه دعاء کند.

۲- می تواند برای فقیران و محتاجان و مسکینان صدقه بدهد و ثوابش را برای این دوست میت و یا اقارب میت خود اهداء کند .. این هم ثوابش میرسد برای مردگان مسلمان.

۳- می تواند برایش حج و عمره کند یعنی به نیابت از مردگان، ثوابش برای شان میرسد.

۴- وقف کردن منفعت و کارهای خیر مثلا ساختن مسجد، مدرسه، راه و جاده . پول بالای دریا، چاه آب، باغ، خریدن کتابهای دینی و شرعی برای مدارس، فرش مساجد، تربیه، یتیمان، کمک کردن در ازدواج فقیران، کمک کردن به بیوه زنان، صدها راه های خیر دیگر وجود دارد.

این سه مورد در نصوص شرعی ذکر شده.

اما ثواب نماز و تلاوت کسی به مردگان نمی رسد و هیچ نص و دلیل شرعی دال بر رسیدن ثواب نماز و یا تلاوت قرآن کریم به مردگان وجود ندارد.

ومی تواند بعد از نماز های فرض و در اوقات استجابت دعاء برایش دعای مغفرت کند، مثلا بعد از نمازی های فرض، و در بین آذان و اقامه، و بعد از سوم حصه شب، و در وقت افطار کردن روزه، و در ساعت اخیر روز جمعه.



## آداب زیارت مقبره برای خانمها

یکی از خواهران علاقمند مسائل دینی از از کابل چنین سوال نموده:

آیا برای خانمها جائز است که سر قبرستانی بروند و برای مرده ها دعاء کنند؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

رفتن به قبرستانی در بعض اوقات مستحب است و سبب تذکیر مسلمان به مرگ و آخرت می شود و او را وادار میسازد که اعمال نیک انجام دهد زیرا مرگ و حساب و کتاب روز آخرت بیادش میاید، رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح فرموده است: "زوروا القبور فإنها تذكركم الموت"<sup>۱</sup>، به زیارت قبرها بروید که آخرت و مرگ را به شما یاد دهانی میکند.

لیکن این مستحب بودن خاص برای مردان است.

اما مسأله رفتن خانمان و زنان در مقبره یک مسأله اختلافی است لیکن راجح این است که برای خواهران و خانمان جواز ندارد و مکروه است که به زیارت و سلام دادن قبرستانی بروند زیرا آنها

<sup>۱</sup> - أخرجه مسلم في صحيحه، كتاب الجنائز، باب استئذان النبي صلى الله عليه وسلم ربه عز وجل في زيارة قبر أمه، رقم الحديث: (۹۷۶)، (ج ۲، ص ۶۷۱).

عاطفی هستند و ممکن است که از آنها بی صبری، گریان و نالان و اعمال مخالف رهنمودهای شریعت سرزد شود، رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح زنانی را لعنت کرده که به زیارت قبر میروند و زیاد رفت آمد به قبرستانی دارند: "لعن رسول الله صلی الله علیه وسلم زوّارات القبور"<sup>۱</sup>.

این حدیث را چندین تن از صحابه کرام روایت کرده است از جمله: أبوهریره، و ابن عباس، و حسان بن ثابت رضی الله عنهم.

لیکن اگر در مسیر راه از مقبره گذر داشته باشند برای شان جائز است که سلام مسنون را بدهند و برای مرده های مسلمان دعای مغفرت و طلب جنت کنند و برای خود شان نیز دعاء نمایند وقتی که میمیرند الله مغفرت شان کند، لیکن باید دستهای شان را در این دعاء بالا نکنند و مکث هم نکنند و زود عبور کنند.

دعای مسنون زیارت قبرستان این است: (السلام علیکم أهل دار قوم المؤمنین وانا إن شاء الله بکم لاحقون، ویرحم الله المستقدمین منا و منکم و المستأخرین).



<sup>۱</sup> - أخرجه ابن ماجه في سننه، كتاب الجنائز، باب ما جاء في النهي عن زيارة النساء القبور، رقم الحديث: (۱۵۷۴)، (ج ۱، ص ۵۰۲).



## آداب و احکام زیارت مقبره مخصوص مردها و خانمها

یکی از خواهران از شهر کابل خواهش نموده که شیوه و طریقه درست زیارت مقبره و دعای مسنون آنرا بیان نمایم تا اینکه برادران و خواهران در اشتباه واقع نشوند.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

زیارت مقبره سه نوع است:

- ۱- مشروع، مسنون و مستحب.
- ۲- زیارت مقبره به شیوه مبتدعانه.
- ۳- زیارت مقبره به شیوه مشرکانه.

**اول: زیارت مسنون و مستحب :**

زیارت مقبره به نیت ثواب رسانی و دعای مغفرت و سلام دادن به مرده های مسلمان مشروع و مسنون و مستحب است که ضمناً انسان آخرت را نیز نیز بیاد خود میاورد و سبب میشود که نفس

خود را برای حساب ومحاسبه آماده بسازد رسول الله صلى الله عليه وسلم در حدیث صحیح فرموده است: "زِرِّ الْقُبُورَ تَذَكُّرٌ بِهَا الْآخِرَةِ"<sup>۱</sup>.

مقبره را زیارت کنید که آخرت را به یاد بیاورید.

نیز فرموده است: "زُورُوا الْقُبُورَ، فَإِنَّهَا تُدَكِّرُكُمُ الْآخِرَةَ"<sup>۲</sup>.

مقبره را زیارت کنید که شما را به یاد آخرت می اندازد.

زیارت مقبره به نیت ثواب رسانی و سلام به میت و مرده و یاد دهانی آخرت به اتفاق علماء برای مردان سنت است.

واین دعای مسنون خوانده میشود: (السلام علیکم یا أهل القبور من المسلمین و المؤمنین أنتم لنا سلف و نحن لكم تبع ونا إن شاء الله بکم لاحقون).

وبه این الفاظ هم درست است: (السلام علیکم أهل دار قوم المؤمنین ونا إن شاء الله بکم لاحقون، ویرحم الله المستقدمین منا ومنکم والمستأخرین).

<sup>۱</sup> - أخرجه البيهقي في شعب الإيمان، فصل في زيارة القبور، رقم الحديث: (٨٨٥١)، (ج ١١)، ص (٤٧٠).

<sup>۲</sup> - أخرجه ابن ماجه في سننه، أبواب الجنائز، باب ما جاء في زيارة القبور، رقم الحديث: (١٥٦٩)، (ج ٢، ص ٥١٠).

سلام کردن که بمعنای دعای سلامتی و عافیت خواستن میباشد شما از ما سبقت جسته اید و ما هم بطرف شما آمدنی هستیم الله متعال شامل رحمت خود نماید کسانی که وسبقت جسته اند یعنی وفات نموده اند و آنانیکه بعدا می میرند از مؤمنان و مسلمانان، نیز می تواند بگوید، الله رب العزت شما را مغفرت نماید و بهشت برین را نصیب گرداند و از نعمتهای بشت بهره مند شوید.

### دوم: زیارت مقبره به شیوه مبتدعانه:

به نیت عبادت الله متعال برود در مقبره و مرده ها را وسیله قرار دهد، یا بر قبرها به نیت تبرک گرفتن برود و یا شمع و چراغ روشن کند، و بیرق بزند، یا قبر را دست بزند و مسح کند و یا بوسه نماید قبر را و یا در نزد قبر بخوابد و بی صبری و گریه و نالان نماید، این نوع زیارت قبرها و مقبره مبتدعانه است که وسیله شرک آوردن به الله متعال میشود و منافی توحید و وحدانیت الله متعال است. و در شریعت و سائل حکم مقاصد را دارد لهذا این نوع زیارت مقبره ناجایز و ناروا و حرام است چون وسیله شرک آوردن به او تعالی است.

### سوم: زیارت مقبره به شیوه مشرکانه:

کسی برای عبادت و پرستش قبر و زیارتگاهها می رود و به قبر طواف نمایند، حیوان را ذبح کند و نذر نماید بنام مرده و از حاجت بطلبد، و شفایابی مریضی خود را بخواهد، و به طرف قبر سجده کند

وروی خود را بخاک قبربمالد به نیت اینکه خاک قبر زیارتگاه دواى مریضی است، ویا تارها بند بگیرد از قبر و زیارتگاه، یعنی یاری، کمک ومدد بخوهد واعتقاد داشته باشد که صاحب قبر نقص وفایده برایش میرساند این همه منای توحید و وحدانیت الله متعال است که انسان را بشرک میکشاند در صورتیکه معتقد باشد ودانسته این اعمال خرافاتی را انجام دهد.

### مسأله رفتن خانمها سر مقبره:

اما رفتن خانمها سر مقبره مکروه است، لیکن اگر در مسیر راه از مقبره گذر داشته باشند جائز است که سلام مسنون را بدهند.

زیرا رفتن خانمان وزنان در مقبره یک مسأله اختلافی است لیکن راجح این است که برای خواهران و خانمان جواز ندارد ومکروه است که به زیارت وسلام دادن قبرستانی بروند زیرا آنها عاطفی هستند وممکن است که از آنها بی صبری، گریان ونالان واعمال مخالف رهنمودهای شریعت سرزد شود..رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح زنانی را لعنت کرده که به زیارت قبر میروند وزیاد رفت آمد به قبرستانی دارند: " لعن رسول الله صلی الله علیه وسلم زوّارات القبور"<sup>۱</sup>.

<sup>۱</sup> - أخرجه ابن ماجه في سننه، كتاب الجنائز، باب ما جاء في النهي عن زيارة النساء القبور، رقم

الحديث: (١٥٧٤)، (ج ١، ص ٥٠٢).

این حدیث را چندین تن از صحابه کرام روایت کرده است از جمله: أبوهریره، و ابن عباس، وحسان بن ثابت رضی الله عنهم.

لیکن اگر در مسیر راه از مقبره گذر داشته باشند برای شان جائز است که سلام مسنون را بدهند و برای مرده های مسلمان دعای مغفرت و طلب جنت و بهشت برین نمایند و برای خود شان نیز دعاء کنند وقتی که میمیرند الله مغفرت شان کند، لیکن باید دستهای شان را در این دعاء بالا نکنند و مکث هم نکنند و زود عبور نمایند.



### حکم کسی که در حالت عاشقی بمیرد

یکی از دوستان در مورد صحت و یا باطل بودن این حدیث سوال نموده :

کسی که عاشق باشد و اظهار نکند و بعفت بمیرد شهید است، موضوع و دروغین است صحت ندارد.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

این حدیث صحت ندارد و موضوع است: "من عشق وعف وکتم ومات فهو شهید" کسی که عاشق باشد اظهار نکند و بعفت بمیرد شهید است.

این حدیث موضوع وضعیف است و به آن عمل نمی شود.

لیکن رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح که امام بخاری روایت کرده فرموده است:

"من یضمن لی ما بین لحييه وما بین رجلیه أضمن له الجنة "

کسی که ضمانت جوارح بین پیشانی و زرخ خود کند یعنی با چشمان، دهن و گوش در گناه واقع نشود، و ضمانت شرمگاه خود را کند که در گناه واقع نمی شود من داخل شدن جنت را برایش تضمین میکنم.



### آیا د مړي د وصیت سره سم د جسد سوزول پې روا دي؟

اصلي مسئله داسې ده چې د درنو لوستونکو څخه یو پوښتونکي وروړ په خپله پوښتنه کې له مونږ څخه پوښتلي و چې:

زما یو دوست د هندوستان څخه دی، نوموړی مسلمان هم دی او له مودو راهیسې په لندن کې مېشت دی او ورسره آزاد تجارت هم پرمخ وړي. له مړینې وروسته پې خپلې کورنۍ ته داسې وصیت کړیدی چې د

هغه جسد (د هندوانو په څېر) بايد وسوزول شي. دا پوښتونكى وروړ زياتوي او وايي چې:

زما دا دوست كه څه هم د هندي مسلمانې كورنۍ څخه دى او پلار او نيکه پې علماء او مسلمانان تېر شويدي، خو وايي چې: مونږ په قرآن كريم كې هيڅ داسې آيت ونه لوسته چې په هغې كې د مړي د نه سوزولو په اړه څه ويل شوي وي او يا حرام گڼل شوي وي او نه مو تر دې مهاله داسې كوم حديث لوستلى دى چې په هغه كې د مړي جسد د سوزولو څخه منع راغلي وي او ددې ترڅنگ بيا دا هم وايي چې: د نبې كريم (صلى الله عليه وسلم) په زمانه كې به هم هندوانو خپل مړي سوزول او نبې (عليه السلام) په دې اړه مسلمانان ندي منع كړي؛ نو هيله ده چې تاسې په دې اړه مونږ ته دقيق او باوري معلومات راکړئ او داسلامي شريعت په رڼا كې د مړي جسد د سوزولو مسئله راته په ښه توگه سره څرگنده او واضح كړئ؟

جواب: تر هر څه دمخه د پورتنۍ پوښتنې په ځواب كې بايد ووايو چې: پدې اړه لومړى خو هغه شك بايد پدې مقاله كې له منځه يوسو كوم چې له دې پوښتونكي وروړ سره راپيدا شويدي او دا خبره به هم د يو لړ كره دلائلو په رڼا كې ښه څرگنده كړو چې: آيا په رښتيا سره په قرآنكريم او نبوي مباركو احاديثو كې د يادې مسئلې

د تحریم او یا هم ناروا والي په اړه څه ویل شويدي او  
که ندي ویل شوي؟

دویمه مهمه مسئله چې هغه هم غواړو د خپلو درنو  
لوستونکو پر وړاندې پې څرگنده کړو، هغه په اسلام کې  
د مړي د مختلفو حکمونو پورې تړلی موضوع ده او  
پدې مقاله کې به د مړي پر مختلفو حالاتو رڼا واچوو. له  
درنو لوستونکو څخه مو یواځینې هیله داده چې دا  
حساسه موضوع را سره په پوره صبر او حوصله مندی  
سره تر پایه پورې ولولي، که څه هم ددې پوښتنې  
ځواب به اوږد وي، خو هیله من یو چې ستړی کوونکی  
به نه وي. (ان شاء الله)!

دا مقاله به په سر کې له دې خبرې څخه را پیل کړو  
چې: د اسلام په مبارک دین کې قرآنکریم لومړنی  
مصدر او سرچینه ده. که چیرې مونږ د قرآني آیتونو  
په اړه لږ فکر وکړو؛ نو څرگنده به شي چې پدې  
قرآنکریم کې ځیني احکام کلي ذکر شويدي (یعنې د یوې  
مسئله عام حکم پکې بیان شويدي) او ځیني احکام په  
مفصل ډول او په پوره وضاحت سره ذکر شويدي او  
خلکو ته یې د ژوند کولو لاری چارې بنودلی دي.

بیا که تاسې لږ نور فکر هم کړی وي؛ نو تاسې به دا  
حقیقت هم په ډاگه شوي وي چې د قرآنکریم هغه احکام



چې په لنډه سره ذکر شويدي، هغه هيڅکله هم غامض (ګونګ) ندي پرېښودل شوي، بلکه الله تعالى (جلت عظمته) د خپل قدر من پيغمبر (عليه السلام) په ژبه او د نبوي حديثونو په رڼا کې مونږ ته څرګند کړيدی. پدې توګه سره ویلی شو هغه احکام چې په قرآنکريم کې په مُشْرَح او بشپړ تفصيل سره ذکر شويدي؛ نو دداسې احکامو خو بيا نور وضاحت ورکولو او بيان ته هيڅ اړتيا نه ليدل کيږي.

دويمه مهمه خبره داده چې د قرآنکريم په اړه د يو مسلمان تصور او عقیده بايد داسې وي چې دا کتاب يو متکامل او بشپړ کتاب دی او د ژوند هيڅ داسې مسئله به نه وي پاتې، مګر دا چې قرآن ورڅخه مونږ خبر کړی يو او په اړه بې مونږ ته دقيق او کره معلومات راکړيدی چې دا خبره پخپله قرآنکريم مونږ ته رابنودلی ده، لکه چې لوی څښتن تعالى فرمايي: "مَا قَرُّنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ...".<sup>۱</sup>

ترجمه: مونږ په کتاب (لوح محفوظ) کې هيڅ شی ندي پرې ايښي. (بلکه ټول مو ليکلي دي).

درېيمه مهمه خبره داده چې: ځينې هغه مسلمانان چې د اسلام او قرآن په اړه دقيقه مطالعه او سليم فهم نلري؛

<sup>۱</sup> - سورة الأنعام، الآية: ۳۸.

نو فکر کوي چې څه يې زړه غواړي هغه بايد تر سره کړي، لکه پورته تاسې ولوستل چې دې سوال کوونکي ورور د يوې مسلمانې هندي کورنۍ په اړه چې په غرب کې مېشته ده مونږ ته لنډ معلومات راکړل.

اصلي خبره داده چې: هيڅکله هم د مسلمان عقیده د قرآن کریم او اسلام په اړه داسې نه وي چې پخپلو محدودو معلوماتو او ناسم تصور له ځان سره دا پرېکړه او فيصله وکړي او ووايي چې: څه مې چې زړه غواړي هغه ترسره کوم او بيا د ځان لپاره دا پلمه او بهانه وگرځوي چې ما خو په قرآنکریم کې پدې اړه څه پيدا نکړل، حال دا چې د قرآنکریم حکمونه کلي دي، جزئي ندي او عام دي، چا پورې خاص ندي، يعنې که په ساده ټکو سره ووايو، هره پېښه چې په هر عصر او دنړۍ په هر ځای کې پېښېږي؛ نو د ټولو پېښو لپاره په قرآنکریم کې يو چوکاټ او يو قالب وجود لري (چې په هغې سره به د خلکو کارونه وزن او تلل کيږي او روا والی او ناروا والی به يې پرې خلکو ته معلومېږي).

د بېلگې په ډول به يو لنډ مثال له تاسې سره شريک کړو: لوی څښتن تعالی په خپل کتاب کې په ډاگه سره

فرمايلي دي چي: "وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ"<sup>۱</sup>.

ترجمه: او تاسې هغه نفس (انسان) مه وژنې چې الله تعالى (جلت عظمته) هغه حرام گرځولي دي مگر په حقه سره (چې يا زنا وكړي، يا مرتد شي او يا قتل وكړي؛ نو بيا به په دې صورت كې به د قصاص په شكل سره دا قاتل انسان وژل كيږي).

اوس كه چيري د نبي كريم (صلى الله عليه وسلم) مباركو سنتو ته راوگرځو؛ نو دلته هم وينو چې د هغه (صلى الله عليه وسلم) په مباركو ارشاداتو كې د بې گناه انسان قتل ناروا گڼل شويدي او انسان د ځمكې پر مخ د الله تعالى خورا قدرمن او باعزته مخلوق گڼل شويدي او هغه څېر كه او باتدبيره مخلوق گڼل شويدي چې لوى خښتن تعالى ورته فكري آزادي وركړي او د تصميم نيولو توان يې ورپه برخه كړيدى. همداراز په اسلام كې د قتل د مختلفو شكلونو او ډولونو تصويركشي شوېده او دا حكم په ټولو هغو وژنو، ولو كه په هر شكل سره ترسره شي تطبيق كېدلى شي حتى كه دا ډول وژنې په تېر تاريخ كې هم رامنځ ته شوي وي او يا كه په نوي او اوسني عصر كې د نويو وسائلو په مرسته رامنځ ته كيږي، خو مخكې له دې چې د دې سوال كوونكي ورور

<sup>۱</sup> - سورة الإسراء، الآية: ۳۳.

پوښتنې ته راشو، لومړی به په مناسب لندیز سره په اسلام کې د انسان په قدر او ارزښت باندې لږه رڼا واچوو:

په اسلام کې د انسان د درناوي ژوندی بېلگې او مثالونه:

په قرآن کریم کې لوی څښتن تعالی د انساني کرامت او ارزښت د ښودلو لپاره مونږ ته ډېر مثالونه بیان کړيدي، لکه یو څه پې په لاندې ډول دي:

لومړی مثال: د انسان لپاره د گڼ شمېر خوږو او وسائل برابرول:

د انسان لپاره نه یواځې په وچه (ځمکه) کې، بلکه په لمده (بحر) کې هم راز راز خواړه او نور گټور وسائل په پام کې نیول شويدي، د ځمکنی، بحري او حتی هوايي سفرونو لپاره لوی څښتن تعالی انسان ته د مختلفو وسائلو د رامنځ ته کولو توان او لاری وربښودلي دي.

په دې اړه تاسې له ماسره دا آیت ولولئ چې لوی پروردگار مونږ ته داسی ارشاد فرمایي: "وَلَقَدْ كَرَّمْنَا

بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاَهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ  
وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا<sup>۱</sup>.

ترجمه: او خامخا مونږه د آدم (عليه السلام) اولادې ته  
ډېر کرامت (شرافت او عزت) ورپه برخه کړيدى او په  
وچه او لمده (بحر) کې مو دوي سواره کړيدي او (بل  
عزت دادى چې) دوي ته مو له پاکيزه او سپېڅلو شيانو  
څخه خواړه ور برابر کړيدي او پر ډېرو (نورو)  
مخلوقاتو مو دوي ته تفوق (برتري او غوره والى)  
ورپه برخه کړيدى.

په لنډه توگه سره ويلای شو چې: د ځمکې پر مخ  
انسان هغه يواځينې مخلوق دى چې نظافت او پاکوالى  
پيژني، خپل لباس او سپېڅلي خواړه، د هوايي او بحري  
سفر او د خوب او هوساينې وسائل پيژني. د انسان پر  
نورو مخلوقاتو باندې د فضيلت بل غوره مثال دادى  
چې انسان د عقل څخه برخمن گرځول شويدى تر څو  
بنه پرې له بدو څخه تفکيک (جلا) کړي، پداسې حال کې  
چې حيوانات بياله دې پورته خصوصياتو او  
ځانگړتياو څخه بې برخي دي.

<sup>۱</sup> - سورة الإسراء، الآية: ۷۰.

دويم مثال: د انسان فضيلت په تقوى کې دى:

قرآنکريم همدا مسئله مونږ ته په ښه توگه سره په ډاگه کړيده او فرمايلي يې دي چې دانسان غوره والى او اوچتوالى په تقوى کې دى، لکه چې پروردگار مو مهرباني کوي او ارشاد فرمايي: "إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ"<sup>۱</sup>.

ترجمه: په تاسې کې ډېر قدرمن (عزتمن) د الله تعالى (جلت عظمته) پر وړاندې ډېر متقي (د زياتې حياء او ادب لرونکى) دى. قرآنکريم يو داسې کتاب ندى چې دهرې مسئلې په اړه د ټولو تفصيلاتو په اړه بشپړ معلومات ورکړي، بلکې يو کلي او عام حکم بيانوي چې په هغې کې ډېر نور حکمونه او ژوندنېرې مسئلې هم شاملېدلې شي، د مثال په ډول: په اسلام کې مونږ لولو چې پر انسان باندې بايد رحم او شفقت وشي او هيڅکله هم په ظلم او استبداد باندې بايد محکوم نشي، دا پخپله د انساني لوړ کرامت يوه بله نمونه او غوره مثال دى، لکه چې الله تعالى (جل جلاله) داسې مهرباني کوي: "وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا"<sup>۲</sup>.

۱ - سورة الحجرات، الآية: ۱۳.

۲ - سورة النساء، الآية: ۲۹.

ترجمه: او تاسې خپل ځانونه سره مه وژنئ (يو بل سره مه وژنئ او يا داسې يو کار مه ترسره کوي چې ستاس د هلاکت سبب وگرځي) خامخالوی څښتن تعالی پر تاسې باندې خورا لورونکي (مهربان) دی.

درېيم مثال: د انساني تکريم (درنښت) او لوړ کرامت بل مثال يو پر بل باندې ظلم او تيری نه کول دي او له ظالمانو او مستکبرينو سره د اسلام نفرت ښودل دي. همداراز دا چې په اسلام کې د انسان د تعذيبولو او زورولو څخه منع راغلی ده، د تورونو او بېځايه تهمتونو لگول (غېبت او نور پرېوتې خبرې ورته نه کول) دا ټول د انسان د عزت او درناوي ژوندي مثالونه دي.

اسلام د مړي او ژوندي دواړو احترام لازمي گڼي:

اسلام نه يواځې د ژوندي انسان د درناوي لپاره اصول او ټاکلي شرائط په گوته کړيدي، بلکه د مړ شوي انسان د احترام لپاره يې هم ځانگړي اصول وضع کړيدي، لکه: د انسان د مړينې وروسته هغه بايد په خاورو کې خښ کړای شي (د مړي د وجود غړي او اعضا بايد خرڅ نه کړای شي او تجارت پرې ونشي، د مړ انسان لپاره بايد قبر وکيندل شي او مړی ترې بايد راونه ويستل شي، همداراز په داسې چټل ځای کې چې

دېران وي مړى بنخ نه كړاى شي او د مړي پر جسد باندې نښه ونه ويشتل شي، ځكه انسان الله تعالى د ځمكې پر مخ خورا قدرمن او باعزته مخلوق پيدا كړيدى).

انسان په اصل كې يو خاورين مخلوق دى او له مړينې وروسته به بېرته همدې خاورو ته سپارل كيږي. په دې اړه لوى څښتن تعالى مهرباني كوي او فرمايي: **"مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى"**.<sup>۱</sup>

ترجمه: تاسې مو له همدې (ځمكې) څخه پيدا كړي ياست او (پس له مرگه به) تاسې په دې ځمكه كې ننه باسو (بېرته به تاسې همدې خاورې ته ورگرځو) او (له دې ځمكې څخه به) تاسې يو ځل بيا راوباسو (او بيا به مو راژوندي كوو).

د انسان په ځمكه كې د څښولو لرغونې تاريخ:

په تاريخي لحاظ كله چې مونږ د انسان په ځمكه كې د څښولو تاريخ ته ځير شو؛ نو اخرگنډيږي چې د انسان د څښولو تاريخ له كلونه او پيړيو راهيسې همداسې راروان دى او قرآنكريم مونږ ته د ځمكې پر مخ د لومړي قاتل انسان داستان را په زړه كوي او مونږ ته يې دا كيسه بيان كړيده چې: د ځمكې پر سر لومړني

<sup>۱</sup> - سورة طه، الآية: ۵۵.



قاتل انسان (قابيل) ؤ، هغه د خپل ورور خښول د يو کارغه څخه زده کړل او دا کارغه ؤ چې انسان ته پې وښودل چې څه ډول به يو انسان خاورو ته سپاري. له هماغې ورځې رانيولی تر ننه پوری له مړينې وروسته به هر نیک او بد انسان که نارينه وي او که ښځينه وي په خاورو کې خښول کيږي او دا لړۍ به تر قيامته پوری دوام لري.

دا چې په اسلام کې انسان ته په خورا د تکریم او د درناوي په سترگه سره کتل کيږي، ددې خبری بل مثال دا هم کېدلی شي چې: په اسلام کې د بې گناه انسان وژل، ځورول او سوزول حرام گرځول شويدي، لکه چې لوی څښتن تعالی فرمائي: "وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ بِالْحَقِّ"<sup>۱</sup>.

ترجمه: او تاسې هغه نفس (انسان) مه وژنۍ چې الله تعالی (جلت عظمته) هغه حرام گرځولی دی مگر په حقه سره (چې يا زنا وکړي، يا مرتد شي او يا قتل وکړي تر څو په قصاص سره بېرته ووژل شي).

د نبوي حديثونو په رڼا کې د انسان د درناوي څو ژوندۍ بېلگې:

<sup>۱</sup> - سورة الإسراء، الآية: ۳۳.

رسول الله (صلى الله عليه وسلم) د انسانيت غوره استاد او لارښود انسان ؤ، د هغه په ويناو کې ډېر داسې مثالونه موندل کيږي چې د انساني لوړ کرامت ښودنه کوي، لکه په دې اړه زمونږ مور (أم المؤمنین) حضرت عائشه (رضي الله عنها) د يو حديث روايت کوي چې نبي (عليه السلام) ارشاد فرمايي: (( إِنْ كَسَرَ عَظْمَ الْمَيِّتِ مِثْلَ كَسْرِ عَظْمِهِ حَيًّا ))<sup>۱</sup>.

ترجمه: د مړي د هډوکي ماتول داسې دي لکه د ژوندي انسان د هډوکو ماتول. امام شوکاني (رحمه الله) د همدې حديث په اړه يوه په زړه پورې تبصره لري او ليکي چې: دلته په دې حديث کې د مړي د هډوکو د ماتولو گناه د ژوندي انسان د هډوکو د ماتولو له گناه سره تشبيه شويده او لکه څرنگه چې د ژوندي انسان تأليم (درد ورته رسول) حرام دي، همداراز مړي ته د درد رسول هم ناروا دي.

امام باجي (رحمه الله) چې د امام مالک په مذهب دی وايي چې: د انسان د احترام او درناوي په خاطر به مړي ته هم داسې احترام کيږي لکه څرنگه چې يو ژوندي انسان ته کيږي او د هغه د هډوکو ماتول داسې حرام او ناروا کار دی لکه څرنگه چې بې په ژونديني باندی

۱ - أخرجه الدارقطني في سننه، كتاب الحدود والديات وغيره، رقم الحديث: (۳۴۱۴)، (ج ۴،

هډوڪي ماتول حرام دي. [۶] طيبي (رحمه الله) په دې اړه زياتوي او وايي چې: په دې حديث شريف كې همدې خبرې ته اشاره ده، لكه څرنگه چې د ژوندي انسان اهانت او سپكاوى نه دي كول پكار، په همدې ډول به د مري سپكاوى هم نه كيږي. ابن الملك بيا په همدې نظر دى چې مري هم درد وينې لكه چې وايي: ((إِنَّ الْمَيِّتَ يَتَأَلَّمُ)). ترجمه: واقعيت دادى چې مري هم درد وينې.

ابن منيع په خپل اسناد سره د حضرت جابر بن عبدالله (رضي الله عنهما) څخه د حديث روايت كوي او وايي چې: يو ځل مونږ د رسول الله (صلى الله عليه وسلم) سره په يوه جنازه كې (د گډون كولو لپاره) ووتلو تر دې پورې چې تر قبره ورسېدو چې لا اوس هم كېنډل كېده؛ نو نبي (عليه السلام) هم د يوه قبر څنډې ته كيناست او مونږ هم ورسره كيناستلو، قبر كېنډونكو (خلكو د قبر كېنډلو پر مهال) يو هډوكي راوويست چې د لاس مټه وه يا هم زنگون ؤ، بيا بې غوښتل چې دا هډوكي مات كړي؛ نو نبي (عليه السلام) ورته وفرمايل: (لَا تُكْسِرْهَا، فَإِنَّ كَسْرَكَ إِيَّاهُ مَيْتًا كَكَسْرِكَ إِيَّاهُ حَيًّا، وَ لَكِنْ دُسُّهُ فِي جَانِبِ الْقَبْرِ)¹.

ترجمه: تاسې بې مه ماتوئ، ځكه د دې ماتول داسې دي لكه ته چې د ژوندي انسان (هډوكي) ماتوى، خو

¹ - المخلصيات، الجزء التاسع، رقم الحديث: (۱۹۷۱)، (ج ۳، ص ۴۵).

(داسې کار وکړئ چې) ددې قبر تر څنګ ېې (چېرته) خښ کړئ.

ګرانو لوستونکو! اوس به راشو د دې سوال کوونکي ورور د پوښتنې هغه ځواب ته چې د مړي د سوزولو په اړه ېې له مونږ څخه پوښتلی وه او پدې اړه به د فقهاء کرامو ګڼ شمېر نظريات له تاسې سره شريک کړو:

اوس پوښتنه داده چې: که چيری يو مسلمان وصيت هم وکړي نو آیا ددې شخص وصيت سره سم به دده د مړينې څخه وروسته دده جسد سوزول کيږي او کنه؟

فقهاو دمړي جسد د سوزولو دا مسئله نوره هم خپرلې ده او دې پوښتنې ته ېې ښه ځواب ويلی دی، لکه د امام احمد بن حنبل (رحمه الله) په مذهب کې راغلي دي چې:

د مړي څخه د يوې ټوټې پری کول او يا ټول مړي ته اور اچول او د هغه د بدن اتلافول (له منځه وړل) حرام دي، او دليل هم هغه حديث شريف دی کوم چې أم المؤمنین حضرت عائشې (رضي الله عنها) څخه روايت

شويدى چې رسول الله (صلى الله عليه وسلم) وفرمايل:  
(إن كسر عظم الميت ميتا مثل كسره حيا)¹.

ترجمه: د مري د هډوکي ماتول داسی دي لکه د ژوندي انسان د هډوکو ماتول. په پورتنی حدیث شریف کې د مري د هډوکي د ماتولو څخه منع راغلی ده، تر څو د مري احترام په خاطر د مري جسد پخپل اصلي شکل خوندي وساتل شي، حتی که مري دا وصیت هم کړي وي چې زما له مړینې وروسته زما جسد وسوځوی، یا پې له منځه یوسی، ولی بیا به هم د میت یا د متوفی (مري) خبره نه منل کیږي، ځکه چې دهغه خبره د لوی څښتن تعالی له وینا سره ټکر لري او سوځول یواځې د الله تعالی (جلت عظمته) حق دی (چې چا ته پې خوبه شي جهنم ته پې بیایي او چې چا ته پې خوبه شي جنت ته پې ننباسي او یو بنده هیڅکله هم ددې حق نلري). همداراز د امام احمد بن حنبل د وینا سره سم اوس دلته د مري د وارثینو مسؤلیت دادی چې: په کلکه توګه سره باید د خپل مري ساتنه وکړي او چاته به ددې اجازه هم نه ورکوي تر څو د ددې مري د وجود څخه یو څه برخه پری کړي او داسې نور.

¹ - أخرجه الدارقطني في سننه، كتاب الحدود والديات وغيره، رقم الحديث: (٣٤١٤)، (ج ٤،

که چیری د امام ابوحنیفه (رحمه الله) مذهب ته راوگرځو؛ نو وبه مومو چې دامام ابوحنیفه (رحمه الله) په مذهب کې یواځې مسلمان ته نه، بلکه حتی د یهودو مروت ته هم زیان رسول ناروا بلل شویدی او وایي چې: (لا تُكسِّرُ عِظَامَ الْيَهُودِ إِذَا وَجِدْتَهَا فِي قُبُورِهِمْ — لِأَنَّ الذَّمَّ لِمَا حُرِّمَ إِيْذَاءُهُ فِي حَيَاتِهِ لَذِمَّتْهُ — يَجِبُ صِيَانَتُهُ عَنِ الْكُسْرِ بَعْدَ مَوْتِهِ).

ترجمه: تاسې د یهودو هډوکي که چیری مو هغوی په قبرونو کې ومندل مه ماتوئ، ځکه چې ذمي انسان ته د هغه په ژوند زیان او ضرر رسول منع کړای شویدی؛ نو د هغه له مړینې وروسته ورته هم ضرر رسول په کلکه توګه سره منع دي؛ نو له همدې ځایه مونږ ته په ښه ډول سره دا خبره په ډاګه کیږي چې په اسلام کې د مړي سوزول د لاندینيو سببونو له کبله حرام ګرځول شوی، لکه:

اول: دا چې لوی خښتن تعالی په قرآن کریم کې مونږ ته د پخوانیو ملتونو څخه د آدم (عليه السلام) او د هغه د دوو زامنو یو داستان را په زړه کوي چې یو ښې خپل ورور وواژه، (قابیل خپل وژل شوی ورور ونه سوزاوه، بلکه په خاورو کې ښې خښ کړ) او دا کیسه پخپله مونږ ته ددې ښکارندویینه او ښودنه کوي چې د

انسان د مړيني څخه وروسته بايد هغه په ځمکه کې بنځ  
کړای شي .

په پورتنیو کیسو کې زمونږ لپاره د عبرت ډېر  
درسونه پراته دي او یو له هغوي څخه دادې چې:

د گردو (ټولو) انسانونو پلار حضرت آدم (عليه  
السلام) هم له خاورو څخه پیدا کړای شوی ؤ او بېرته  
همدې ته خاورو ته وروسپارل شو . همداراز په خاورو  
کې د انسان څښول یو فطري او له تېر لرغوني تاریخ  
څخه راپاتی یو طبیعي عمل دی او انسانان هم له همدې  
خاورې څخه پیدا کړل شويدي او بېرته به همدې خاورو  
ته دامانت په شکل ورسپارل کېږي .

که چیرې د اسلام مبارک دین ته په ځمکه کې د مړي  
د څښولو څخه پرته کومه بله عزتمنده لاره معلومه وای  
او یا پې هغه د خپلو پیروانو لپاره خوښه گڼلای؛ نو  
حتماً به پې هماغه قاتل (قابیل) ته ددې امر کړای وای چې  
تر څو د خپل وژل شوی ورور په حق کې پې ترسره  
کړي .

دویم: د قرآن کریم څخه وروسته د نبی کریم (صلی  
الله علیه وسلم) څخه یو لړ روایت شوي حدیثونه هم  
مونږ ته ددې ښودنه کوي چې د مړي درناوی او احترام  
کول داسې لازمي دی لکه دیو ژوندي انسان احترام چې

خومره لازمي برېښي او لکه څرنګه چې ژوندي انسان ته زیان رسول ناروا دي، په همدې ډول مري ته هم د زیان رسول ناروا ګڼل شويدي، ځکه چې د نبي اکرم (صلی الله علیه وسلم) د احادیثو په رڼا کې ویلی شو چې د ژوندی انسان او د مری حقوق سره یو شان دي.

درېیم: پخپله نبي (علیه السلام) به د مسلمانانو مري خاورو ته سپاردل او په اسلامي تاریخ کې دا ډول پېښې دومره زیاتې رامنځ ته شويدي چې اصلاً شمېرل کیدلی نشي. همداراز د پېړیو را پدېخوا د علماو اجماع او اتفاقي نظر پدې اړه دادی چې د مړینې څخه وروسته انسان باید سمدلاسه خاورو ته وروسپارل شي او هیڅکله هم ونه سوځول شي.

څلورم: که چیرته نورو آسماني دینونو ته هم یوه لنډه کتنه وکړو؛ نو جوته به شي چې په هغې کې هم د انسان ته د احترام او درناوي په خاطر یو لړ کارونه خورا بد ګڼل کېږي، لکه: د مري سوزول، د مړو د جسدونو او د قبرونو سپکاوی او توهین او داسې نور... او یهود ((Jews او نصاری (Christians) هم د خپلو مړو خورا احترام کوي، د بېلګې په توګه: دوي هم د مسلمانانو په څېر خپل مړی په ځمکه کې خښوي، تر دې پورې چې په ځینو هیوادونو کې یو لړ خلک د خپلو مړو لپاره قبرونه د ښار په مهمو ځایونو کې



جوړوي ترڅو ټورسټان (tourists) يا سيلانيان ېې د خپل سياحت پر مهال ليدنه او کتنه وکړي او د هغوي له تاريخي کارنامو څخه خبر شي.

پېنځم: انساني سالم عقل او منطق هم ددې غوښتنه کوي (لکه څرنگه چې د کلونو کلونو راهيسې انسان ورسره آشنا دی) چې له مړيني وروسته دې انسان (که نارينه وي يا بنځينه) په خورا درنه او له وقار څخه په ډکې طريقې سره خاورو ته وسپارل شي او په خاورو کې دې د هغه پرده خوندي وساتل شي او دا معقوله نده چې جسد ته دې اور ورواچول شي او بيا دې ايرې په هوا کې وشيندل شي او يا دې د هغه د وجود ايری شوی او پاتې شونې برخه په کوچنۍ شیشه کې بند وساتل شي.

په پای کې دا مقاله به په همدې وينا سره را ونغاړو چې: د مړي سوزول تر قيامته پوری حرام او ناروا گرځول شويدي او د قرآنکريم او د نبی (عليه السلام) ارشادات په دې اړه مونږ ته د همدې کار بنودنه کوي او حتی که مړي پدې خبره سره وصيت هم کړی وي؛ نو بايد مونږ پوه شو چې هغه يو نامشروع وينا نورو ته پرې اېښي ده او دا کار په خپل ځان باندی يو ډول ظلم هم گڼل کيږي، ځکه چې د مړي هغه وصيت چې په ښکاره توگه سره د شرعي حکمونو سره ټکر لري

هیڅکله هم په اسلام کې ارزښت نلري، بلکه د مړي ورثه و (خپلوانو) ته بنایي چې ناروا وصیت دې نه عملي کوي او کنه دواړه به یو ډول سره گناهگار و شمېرل شي.



### حکم شهید گفتن کمونیستها

یکی از علاقمندان مسائل دینی سوال نموده :

کسی که رئیس جمهور زمانه کمونستی افغانستان داکتر نجیب گاو را شهید می نامد حکمش چیست؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

شهادت مصطلح شرعی و مقام عالی و درجه بلند است نزد الله متعال، برای مسلمانی داده میشود که جان خود را فدای دین مبین اسلام نموده است و دارای احکام خاص میباشد از جمله اینکه: گناهان شهید بخشیده میشود، غسل داده نمی شود، با لباسش دفن میگردد، برای هفتاد نفر از خانواده و دوستان خود شفاعت می نماید، از عذاب قبر در امان می ماند، و با هفتاد تن از حوران جنت و بهشت ازدواج میکند، لهذا برای مسلمان جواز ندارد که ملحدین، کمونستان و مشرکین ولینین پرستان را شهید بنامند، و کسانی که ملحدین و کمونستهای خون خوار را شهید می نامند

گنهگار میشوند و اگر بخاطر استهزاء به دین مبین اسلام آنها را شهید می نامند خود را به سرحد کفر میرسانند، زیرا یقیناً کسانی که به نبوت و پیامبری رسول الله صلی الله علیه وسلم ایمان نداشته اند و در حالت کفر والحاد و عضویت داشتن احزاب خلق و پرجم وفات نمودند آنها بی دین از دنیا رفته اند و در آتش دوزخ میسوزند ، الله متعال فرموده است: "إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ"<sup>۱</sup>.

کسانی که کافر شدند و در حالت کفر و بی دینی وفات نمودند لعنت الله متعال و ملائکه و هم مردم بر آنها باد .

نیز او تعالی می فرماید: "إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ"<sup>۲</sup>.

کسی که به الله متعال شرک می آورد او تعالی بهشت و جنت را بالای این شخص حرام گردانیده و جایگاهش در آتش دوزخ آماده ساخته و مشرکین ظالم در روز قیامت کسی ندارند که آنها نجات دهد و یا برای شان کمک کند.

این ملحدین و جنایتکاران سفاک را باید مردم افغانستان همیشه مورد لعنت قرار دهند .

۱ - سورة البقرة، الآية: ۱۶۱ .

۲ - سورة المائدة، الآية: ۷۲ .

### حد و حدود شرعی که بنده در مورد روح معلومات داشته باشد

یکی از خواهران علاقمند مسائل دینی که محصل شرعیات است از شهر کابل چنین سوال نموده:

جناب استاد آیا ارواح با دنیای زندگان ارتباط برقرار کرده  
میتواند و یا خیر؟

اگر نمیتواند چرا بعضی ها ارواح نزدیکان شانرا که فوت کرده اند می بینند و یا خوابی که میبینیم مردگان نزدیک مان را آیا روح ها در ارتباط است..یعنی هیچ ارتباطی بین ارواح و زندگان وجود ندارد امروز علم وجود دارد به نام روح شناسی منظور شان از آن چیست جناب استاد و فیلسوفان اسلام هم گفته های در مورد روح داشتن منظور ایشان از آن چه بوده در مورد روح، عالم غیب و یا روح و نفس انسان، بخشش باشد استاد چون با سوالی بر میخورم کسی دیگر را ندارم که همرايش در جریان بگذارم و حل مطلب نمایم و به جواب شان اطمینام هم ندارم، لطفا در مورد روح معلومات اساسی بدهید؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

این سوال واقعا با اهمیت است زیرا افکار و نظریات زیاد در مورد روح وجود دارد که بعضا مخالف شریعت است و روح انسان را

به شیوه های خرافاتی و مخالف شریعت تفسیر می کنند، لهذا با در مورد روح موارد ذیل را باید در نظر داشته باشیم :

۱- روح یکی از مخلوقات الله متعال است که انسان وزنده جانها توسط آن زنده میباشند، وهنگامیکه روح از بدن آنها بصورت کلی خارج می شود آنها می میرند، ووقتی که روح بصورت جزئی از بدنها آنها خارج میشود آنها بخواب می روند.

۲ - روح متصل ویکجا با بدن انسان میباشد از وقتی که در شکم مادر میباشد تا اینکه بدنیا میاید وزندگی میکند وبدنیا میباشد.

۳- روح یکی از اسرار الله متعال میباشد واز جانب او تعالی خلق شده وتنها او تعالی روح را میداند وهیچ مخلوق وذاتی در مورد روح غیر از الله متعال علم ندارد، الله عزوجل در قرآن کریم فرموده است: "وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا"<sup>۱</sup>.

وتو را از روح سوال می کنند که یهود از رسول الله صلی الله علیه وسلم در مورد روح سوال میکردند، الله متعال رهنمایی نمود که برای شان بگو علم روح مربوط الله متعال میشود واز اسرار او است وشما تنها معلومات کم دارین در این مورد.

<sup>۱</sup> - سورة الإسراء، الآية: ۸۵-۸۶.

۵- حتی با پیشرفت و ترقی علم طب و تحقیقات علمی و انکشافات گوناگون این علم نتوانسته است که در مورد حقیقت روح معلومات بیشتر پیدا کند از همین حدی که شریعت تعریف کرده.

۴- این برداشت نادرست، غلط و خرافاتی و مخالف شریعت است که گویا ارواح مرده ها بعد از وفات آنها می آیند و زنده ها واقارب شان ارواح آنها را می بینند و احساس میکنند، وقتی که انسان می میرد با روح و جسد می میرد و ارتباطش از دنیا قطع میشود، به این معنی که انسان با روح و جسد می میرد، مهم این است که بدانیم که انسان از دنیا که می رود با روح و جسد ارتباطش از زنده ها و دنیا قطع میشود، و کسی در این دنیا نمی ماند، الله متعال فرموده است "کل شیء هالک إلا وجهه"<sup>۱</sup> هر مخلوق می میرود مگر خالق ما الله متعال نمی میرد، نیز فرموده است: "کل من علیها فان ویقی وجه ربك ذوالجلال و الإکرام"<sup>۲</sup> هر کسی و مخلوقی که در دنیا است رفتنی است یعنی می میرد و باقی نمی ماند.

۵- نعمتها و عذاب قبر اصلا بر روح انسان واقع می شود لیکن بعض وقت بر روح و جسد انسان واقع می شود و روح به جسد انسان

۱ - سورة القصص، الآية: ۸۸.

۲ - سورة الرحمن، الآية: ۲۶-۲۷.

متصل میباشد و حاضر می شود مگر الله ذوالجلال والإکرام نمی میرد.

و باید بدانیم که مستحق عذاب قبر اشخاص گنهگار و غیر مسلمان میباشدند، و نعمتهای قبر به مسلمان و مؤمن جنتی تخصیص داده می شود و این عقیده مسلمان است و بخش از ایمان به روز آخرت است، و برای جنتی کلکین از باغهای جنت و برای دوزخی دریچه و کلکین از دوزخ باز می شود.

و در اصل عذاب و نعیم قبر بر روح واقع می شود و بارها روح به جسد وصل می شود و بر هر دو هم واقع می شود، و این نظر شیخ الإسلام ابن تیمیه و ائمه اهل سنت و جماعت است، و اکثر علمای عقیده و الهیات به همین نظر هستند.

۶- هر وقتی که انسان وفات کند در همان وقت قیامتش برپا می شود در حدیث صحیح رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است: " إذا قبر أحدکم فقد قامت قیامته".

وقتی که یکی از شما وفات کند و در قبر مانده شود قیامتش برپا می شود به این معنی که اگر جنتی و بهشتی باشد از نعمتهای جنت مستفید می شود و اگر دوزخی باشد در عذاب باقی میماند.



## خیراتهای جمعه گی و چهلم

یکی از دوستان محترم بنام عبد الناصر واحدی از ولایت تخار سوال نموده و خواهش کرده که باید آداب تعزیت و ثواب رسانی را به میت مسلمان به هموطنان عزیز ما شرح کنیم و توضیح دهیم و مولوی صاحبان را رهنمائی کنیم :

بعد از متوفی وارثین آن خوراک میکنند بنام های جمعه روز هفتم روز چهلم و سال گفته آیا این طریقه درست است و ثوابش به متوفی میرسد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله أما بعد:

برای این برادر محترم باید بنویسم که خیرات کردن بعد از وفات مرده بنام جمعگی، چهلم و سال نا مشروع و بدعت شمرده می شود، نه رسول الله صلی الله علیه وسلم کرده و نی هم اصحاب کرام و نی هم تابعین، و ثابت نیست، اما مسلمان می تواند برای برادر میت خود ثواب اعمال ذیل را اهداء کند:

۱- می تواند برایش دعای مغفرت و طلب جنات الفردوس نماید، بهترین وسیله و سلاح دعاء است، همیشه دعاء کند.

۲- می تواند برای فقیران و محتاجان و مسکینان صدقه بدهد و ثوابش را برای این دوست میت و یا اقارب میت خود اهداء کند، این هم ثوابش میرسد برای مردگان مسلمان.



۳- می تواند برایش حج و عمره کند یعنی به نیابت از مردگان، ثوابش برای شان میرسد.

۴- وقف کردن منفعت و کارهای خیر مثلا ساختن مسجد، مدرسه، راه و جاده. پول بالای دریا، چاه آب، باغ، خریدن کتابهای دینی و شرعی برای مدارس، فرش مساجد، تربیه، یتیمان، کومک کردن در ازدواج فقیران، کومک کردن به بیوه زنان، صدها راه های خیر دیگر وجود دارد.

این سه مورد در نصوص شرعی ذکر شده.

اما ثواب نماز کسی به مردگان نمی رسد و هیچ نص و دلیل شرعی دال بر رسیدن ثواب نماز و یا تلاوت قرآن کریم به مردگان وجود ندارد.

ومی تواند بعد از نماز های فرض و در اوقات استجابت دعاء برایش دعای مغفرت کند، مثلا بعد از نمازی های فرض، و در بین اذان و اقامه، و بعد از سوم حصه شب، و در وقت افطار کردن روزه، و در ساعت اخیر روز جمعه.

آداب تعزیت این طور آمده در سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم و عمل کرد صحابه و مذهب حنفی:

۱- تعزیت از وقت وفات و دفن جنازه شروع می شود و برای سه روز ادامه می یابند و بهتر که مسلمان درین سه روز به اهل میت

تعزیت بدهد، و برای اهل و خوانواده مرده گفته می شود که (عظم أجرکم وغفر لمیتکم) خداوند شما را اجر برزگ نصیب کند و میت و مرده شما را مغفرت کند، و ایشان را به صبر و شکیبای و صبر و استقامت دعوت نموده و اینکه مردن حق است و مسلمان باید به قضاء و قدر تسلیم شود، و برای کسانی که در ساحه استند تا به سه روز می توانند که تعزیت دهند و منصرف شوند، و کوشش کنند که در خانه اهل میت نان خوری نمایند و آنها را به زحمت و تکلیف نسازند، و بعد از سه روز تعزیت نکنند که غم اهل میت تازه نشود.

۲- اقارب و همسایه ها و دوستان برای اهل خانه میت نان پخته و آماده شده ببرند.

۳- اهل میت و مرده را در ضمن تسلیت دادن از گریه و نالان و بی صبری خصوصا کالا پاره کردن و یخن پاره کردن منع شود، و این عمل مطابق شریعت نیست بلکه از عادات جاهلیت است، و مسلمان مأمور است که در خوشی و غم در دائره و چوکات شریعت بماند.

۴- اگر کسی مسافر باشد می تواند بعد از بازگشت از سفر خانواده میت را تعزیت دهد البته در مدت کوتاهی فقط.

لیکن متأسفانه در فاتحه خوانی های مروج کشور ما بعض عادات و تقالید و عمل کرد های آن اساس و دلیل شرعی ندارد مثلا:

۱- در مجلس فاتحه خوانی قرآن کریم خواندن توسط قراء هیچ دلیلی و ثبوتی شرعی ندارد و اصلاً ثواب و اجر خواندن قرآن کریم دیگران به مرده نمی رسد نظر به قول راجح علماء.

۲- برگزاری محفل جمعگی و چهل و محفل سالی و خیرات ها درین روزها هیچ دلیلی شرعی ندارد .

۳- پوشیدن لباس سیاه و یا ترک کردن کار و زندگی و وظیفه و الغاء نمودن بر نامه و پروگرامهای حیاتی مثل عروسی ها و شیرینی خوری ها خواستگاری و غیره، را به دلیل اینکه فلان مردم مرده دار استند، این همه در شریعت جواز ندارد تنها سه روز این کارها معطل شده می تواند و بعد ازان باید همه امور طبیعی و عادی باشد.

از صحابی جلیل جریر بن عبد الله البجلی رضی الله ثابت شده که ایشان فرمودند: "کنا نعد الاجتماع إلى أهل الميت وصنعة الطعام بعد دفنه من النیاحه"، حتی برگزاری این نوع محافل و خیراتها و طعام خوری ها را در منزل و خانه اهل مرده را ما از نیاحه یعنی بی صبری و عادات جاهلیت می شمردیم و مردم را منع می کردیم که در اعمال و رفتار و شیوهای جاهلیت نرسند.



۱ - أخرجه أحمد في مسنده، مسند المكثرين من الصحابة، مسند عبد الله بن عمرو بن العاص رضي الله عنهما، رقم الحديث: (٦٩٠٥)، (ج ١١، ص ٥٠٥).

## وصیت میت اگر مخالف شریعت باشد به آن عمل نشود

یکی از دوستان محترم از شهر کابل سوال نموده :

جناب استاد سلام امید صحت مند باشید.

تعدادی بالای تعدادی دیگر از اعضای خانواده خود دین میکنند که زمانیکه من فوت کردم فلان شخص یا اشخاص را بالای جنازه من اجازه ندهید.

به چنین موضوع چند روز پیش روبرو شدیم که متوفی گفتند اجازه نیست که بیایید برای من قسم داده این چی گونه است استاد گرامی؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

مسلمان باید قبل از وفات وصیت به کارهای خیر و نیک و صالح نماید و از خود اثر ارزشمند بجا بماند تا اینکه در آخرت برایش شفاعت نماید نه اینکه به قطع صلّه رحم و رشد دادن کینه و بغض و عداوت و دشمنی تشویق کند و وصیت نماید، این وصیت قابل تنفیذ و اجراء و عمل نیست زیرا مخالف شریعت و رهنمودهای دین مبین اسلام است که همانا مسلمان را به نیکی ها دعوت می دهد.

یه این وصیت مخالف شریعت عمل نکنید و کسانی را که از حضور جنازه و آمدن در مجلس عزاء منع کرده آنها آزادانه می توانند که حضور یابند و شرکت کنند.

این نوع وصیت فاقد اعتبار است در شریعت.

اما اگر وصیت کرده باشد که فلان شخص من را بعد از وفات غسل دهد به وصیتش عمل شود، و نیز اگر وصیت نموده باشد در قسمت توزیع مالش به اندازه سوم حصه مال هم تنفیذ شود و بیشتر از آن نشود زیرا در مال حق ورثه تعلق دارد.



### پوشانیدن مرده ها و تابوتها با چادر و تکه کلمه دار

یکی از دوستان از ولایت لو گر سوال نموده :

جزاک الله خیراً استاد محترم بالای تابوت و بالای میت که چادر کلمه یا آیه الکرسی را می اندازد چی طور است؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

پوشانیدن مرده ها و تابوتها با چادر و تکه کلمه دار، یا آیه الکرسی، و آیات قرآن کریم جایز نیست زیرا:

اولا: قرآن کریم برای رهنمائی زنده ها نازل شده که تلاوت نمودن آن و عمل کردن به احکام آن واجتناب ودوری از نواهی آن ثواب واجر دارد، و به مرده ومیت تعلق ندارد، زیرا ارتباط مرده از دنیا قطع میشود بعد از وفات.

ثانیا: بعض مردم عقیده وبرداشت نادرست میداشته باشند که این کار شان سبب مغفرت مرده ومیت می شود وبرایش ثواب میرساند در حالی که این کار از قرآن وسنت وآثار وعملکرد صحابه کرام وتابعین واتباع تابعین وفقهای سلف امت دلیل ندارد ونیز از فقهای مذاهب فقهی نقل نشده که مرده را با چادر کلمه دار بپوشانند این یک بدعت ونوآوری است باید بدانیم که کسی این کار را انجام می دهد گنهگار می شود.

ثالثا: انداختن چادر کلمه دار و آیت الکرسی، وآیات قرآن کریم بالای مرده سبب بی احترامی آیات قرآن کریم می گردد زیرا بر پاهای او نیز میرسد.

رابعا : ثواب رسانی واحترام به مردهای مسلمان با شیوه ها ورهنمائی های که در قرآن وسنت وآثار صحابه کرام ذکر شده انجام داده میشود نه با شیوه های خرافاتی ونوآوری در دین وبی احترامی آیات قرآن کریم وکلمه توحید.

خامسا: شیوه درست وصحیح ثواب رسانی واحترام مرده های مسلمان این است که میت ومرده بطریقه درست ومطابق سنت

غسل داه شود و تکفین گردد، و نماز جنازه اش ادا شود و بعد از دفن نمودن قرضهایش ادا گردد و به وصیت شرعی اش عمل شود.



### وصیت میت که باید در فلان مقبره دفن شود

یکی از هموطنان عزیز ما سوال نموده:

استاد گرامی، امیدوارم روزگار خوش بگذرد یک سوال داشتم اگر شخصی وصیت کرده باشد که من را در فلانجا جای دفن کنید ولی اولاد هایشان در مکان دیگری دفن شان میکنند. آیا کدام دینی بالای شان است یا نه تشکر؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

در شریعت مانع شرعی نیست از وصیت نمودن شخص که بعد از وفات باید در فلان مقبره دفن شود این وصیت جواز دارد جواز دارد.

مثلا در مقبره که نسبتا از گشت و گذر مردم دور باشد و نیز در آنجا مسلمانان خوب و مؤمنان دفن شده باشند در این صورت هیچ حرج شرعی نیست که انسان وصیت کند و باید اولادها واقاربش به وصیت میت عمل کنند، در صورتی که زیاد دور نباشد و برای شان آسیب نرسد و به تکلیف نشوند و مصارف زیاد نداشته باشد، اما اگر

برای شان تکلیف راه دور باشد و در مناطق نا امن واقع شود و یا اینکه خارج کشور باشد در این صورت وصیت او قابل عمل نیست.



### حکم کسی که در حال جنابت وفات شده باشد

یکی از دوستان از ولایت ننگرهار سوال نموده :

حکم مرگ در حالت جنابت چطور است؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

وفات و مرگ انسان در حالت جنابت به سبب مباح مثل همبستری خانمش یا احتلام دلالت نمی کند که گویا این شخص ضعیف الایمان بوده و التزام دینی نداشته و در دینداری اش خلل است و یا اینکه از دنیا با سوء خاتمه رفته است بلکه انسان از روی اعمال خوب و بد خود در آن دنیا معامله میشود.. جنب بودن در حالت وفات کدام تأثیر سلبی ندارد.

در روایات تاریخی ثابت است که صحابی قهرمان حنظله رضی الله عنه هنگامیکه به شهادت رسید جنب بود و بعد از همبستری وقت غسل کردن را نداشت بخاطر مقابله با دشمن، نیز بعض روایات دیگری وجود دارد که حمزه بن عبد المطلب کاکای رسول الله صلی الله علیه وسلم نیز در حالت جنابت به شهادت رسید.



هنگامیکه مرد در حالت جنابت وفات کند وبمیرد وزن در حالت حیض و نفاس وفات کند تنها یک غسل دادن آنها کافی است که در غسل جنازه و جنابت و حیض و نفاس حساب میشود.

همه فقهاء اتفاق دارند که تنها یک غسل داده شوند تنها حسن البصری رحمه الله نظرش این است که باید دو غسل داده شود یکی غسل جنابت دومی غسل جنازه.



### چگونگی برخوردن انسان در روز قیامت

یکی از دوستان سوال نموده:

استاد محترم یک سوال داشتم شنیده ام که هرکسی که به هر حالت فوت کرده باشد به همان حالت حشر میگردد یعنی اگر کسی در حالت زنا فوت کرده باشد در همان حالت حشر میگردد و همچنان شنیده ام که هر کسی که در حالت زنا و شراب خوردن فوت کرد بی ایمان می رود؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

در صحیح مسلم از صحابی جلیل القدر جابر بن عبد الله رضی الله روایت شده که فرموده است: "سمعت النبي صلى الله عليه وسلم يقول: يبعث كل عبد على ما مات عليه"<sup>١</sup>.

رسول الله صلى الله عليه وسلم را شنیده ام که فرمود: هر بنده برمی خیزد در روز قیامت در هر حالتی که وفات نموده، به این معنی که کسی در حالت طاعت الله متعال و عبات او مثل تلاوت قرآن کریم، نماز و سجده و رکوع و یا ملبس به لباس احرام و غیره وفات نماید در همین حالت برمی خیزد و آنانیکه در حالت شرک آوردن به الله متعال، بیهوشی شراب نوشی، زنا، دزدی، ظلم، قتل، سود خوری، رقص و غیره گناهان می میرند در همان حالت بر می خیزند و حشر می شوند، این مفهوم ظاهر همین حدیث صحیح است و همین یک قول نزد شارحین حدیث است و بعض علماء به این نظر هستند که سرنوشت هر انسان بدست او تعالی است و انسان بر مسلمان گنهگار حکم قطعی کرده نمی تواند، لیکن الله متعال در قرآن کریم کسانی را که از طاعت او تعالی روگردان هستند و در گناهان و معاصی غرق هستند تحذیر نموده و فرموده

<sup>١</sup> - أخرجه مسلم في صحيحه، كتاب الجنة وصفة نعيمها وأهلها، باب الأمر بحسن الظن بالله تعالى عند الموت، رقم الحديث: (٢٨٧٨)، (ج٤، ص٢٢٠٦).

است: "وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى"!<sup>۱</sup>

هر کسی که از ذکر و طاعت و عبادت و اوامر من روگردان باشد در روز قیامت خوار و ذلیل می‌گردد و در تنگنا و مشقت و سختی زندگی میکند و در روز قیامت کور حشر میشود زیرا که در این دنیا از حقائق چشم پوشی کرده است .

در حدیث صحیح از آنس بن مالک رضی الله عنه ثابت که فرمود: "قال رسول الله صلى الله عليه وسلم : إذا أراد الله بعبده خيراً استعمله قالوا : كيف يستعمله ؟ قال : يوفقه لعمل صالح قبل موته".

اگر الله متعال به بنده خود اراده خیر نماید او را در راه خیر و انجام کار استعمال می نماید صحابه کرام سوال نمودند که چگونه استعمال میشود؟ آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرموده که: او را توفیقه که کار نیک و عمل صالح انجام دهد قبل از وفاتش.

سلف صالح همیشه از الله متعال حسن خاتمه زندگی را مسألت می نمودند و از سوء و بدی خاتمه زندگی به او تعالی پناه می خواستند.



<sup>۱</sup> - سورة طه، الآية: ۱۲۴.

## آداب تعزیت دادن به اهل و خانواده میت و مرده مسلمان

بسیاری در صفحات فیسبوکی بخاطر تعزیت اهل میت و خانواده مرده این آیه کریمه را نوشته می کنند (إنا لله وانا إليه راجعون) در حالیکه این آیه فقط در وقت مصیبت به زبان آورده می شود و باید در وقت مصیبت گفته شود، لیکن باید متوجه شویم که از الفاظ و کلمات تعزیت نیست و به معنای دعاء به اهل میت هم نیست.

تعزیت گفتن آداب خاص دارد که در سطور ذیل بیان می شود:

باید مسلمان برای میت و شخص وفات شده دعای مغفرت و طلب بهشت برین نماید و برای خانواده بازماندگانش طالب صبر شود، و الفاظی خاصی وجود ندارد برای تعزیت لیکن بهتر این است که برای اهل میت گفته و نوشته شود: (أحسن الله عزاءك وجبر مصيبتك وغفر لميتك) اگر میت مسلمان باشد، خداوند عزاء و مصیبت تانرا بخیر بگذارد و مصیبت تانرا به خیر عوض کند و میت تانرا مغفرت کند، نیز می تواند که برایش بگوید و بنویسد: (إِنَّ لِلَّهِ مَا أَخَذَ ، وَلَهُ مَا أُعْطِيَ ، وَكُلٌّ عِنْدَهُ بِأَجَلٍ مُّسَمًّى ، فَلْتَصْبِرْ وَلْتَحْتَسِبْ).

خداوند متعال گیرنده و دهنده است و هر چیز نزدش به یک اجل و مدت خاصی نوشته شده است و آجال نوشته و مکتوب است باید مسلمان صبر کند که اجر نصیبش گردد.

نیز به لفظ دیگری بگوید: (عَظَّمَ اللهُ أَجْرَكَ، وَأَحْسَنَ عِزَاءَكَ، وَغَفَرَ لِمَيْتِكَ، وَأَلْهَمَكَ صَبْرًا، وَأَجْزَلَ لَنَا وَلَكَ بِالصَّبْرِ أَجْرًا..). خداوند اجر بزرگ نصیب تان گرداند و عزاء و مصیبت تانرا به نیکی تمام کند و مرده تان را ببخشد و ترا صبر نصیب کند و برای ما و شما صبر و پاداش بی پایان نصیب فرماید.

نیز متوجه باید باشیم که به سر و روی زدن و یخن پاره کردن و بی صبری زیاد از عادات جاهلیت است و مسلمان باید صبر کند و برای میت دعای مغفرت نماید، وهم اسقاط و توزیع قرآن کریم بالای قبر آن، و خواندن قرآن کریم در سر مرده قبل از دفن نه جایز است و نه در شرعیت مشروعیت دارد.

و برپا کردن محفل جمعگی و جهل روزه گی و سالانه برای مرده هیچ جوازی ندارد و بدعت و نو آوردی بوده بالاخره گناه شمرده می شود.



## د تسليت ورکولو آداب

ډير ورونه په فیسبوکي پاڼو کې د مړي کورنۍ ته د تسليت ورکولو په خاطر دا آيت کریمه لیکي (إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ) په داسې حال کې چې دا آيت يوازې د مصیبت پر وخت په ژبه راوړل او ویل کېږي.. لیکن باید پاملرنه وکړو چې دا د تعزيت الفاظ او کلمات نه دي او د مړي خپلوانو ته د دعاء په معنا هم نه دي...

تعزيت/تسلیت ځانگړي آداب لري چې په لاندې ډول بیانېږي:

باید مسلمان د وفات شوي شخص لپاره د مغفرت دعا او د جنت غوښتنه وکړي او پاتې شويو او کورنۍ ته یې د صبر غوښتونکی شي.... د تعزيت لپاره کوم خاص الفاظ نشته لیکن دا الفاظ بهتره دي چې د تسليت لپاره وویل شي یا ولیکل شي: ( أَحْسَنُ اللَّهُ عَزَاءَكَ وَجَبْرُ مَصِيبَتِكَ وَغَفْرُ لِمَيْتِكَ ) البته که وفات شوي شخص مسلمان وي ... الله تعالی دې ستاسو عزاء او مصیبت په خیر تېر کړي، د خیر بدله دې یې درکړي او ستاسو وفات شوي ته دی بخښنه وکړي... دا رنگه کولای شي دا الفاظ ووايي او یا ولیکي: (إِنَّ لِلَّهِ مَا أَخَذَ ، وَكَهُ مَا أُعْطِيَ ، وَكُلُّ عِنْدَهُ بِأَجَلٍ مُّسَمًّى ، فَلْتَصْبِرْ وَكَلْتَحْتَسِبْ) .

پروردگار ورکونکی او اخستونکی دی او هرڅه د هغه په نزد د یوې ځانگړې مودې او نیتې لپاره لیکل شوي دي، نو باید مسلمان صبر وکړي چې اجر یې په برخه شي...

دارنگه په نورو الفاظو دې ووايي: (عَظَّمَ اللهُ أَجْرَكَ ، وَأَحْسَنَ عِزَاءَكَ ، وَغَفَرَ لِمَيْتِكَ ، وَأَلْهَمَكَ صَبْرًا ، وَأَجْزَلَ لَنَا وَلَكَ بِالصَّبْرِ أَجْرًا..). الله تعالى دې ستاسو لوي اجر په نصيب کړي، ستاسو غم او مصيبت دې په نېکۍ تمام کړي، ستاسو وفات شوی دې وبخښي، تاسو ته دې صبر نصيب کړي او موږ او تاسو ته دې نه ختمېدونکی صبر او بدله راکړي.

دارنگه باید پام مو وي چې مخ او سر وهل، گريوان څيرې کول او ډېره بې صبري د جاهليت عادتونه دي، مسلمان باید صبر او مړي ته د مغفرت دعا وکړي... او هم اسقاط او د هغه په قبر د قرآن کریم توزیع کول او د مړي په سر د قرآن کریم لوستل نه جائز دي او نه هم په شريعت کې مشروعيت لري.

د مړي لپاره د څلويښتمې ورځې او ياد کال د پوره کېدو محفل جوړول هيڅ جواز نلري بدعت او نوي والی دی او بالاخره گناه شمېرل کېږي.



## بنام شام حلوا در شب وفات مرده

آیا شام حلوا را که در شب وفات مرده میکنند وبه مردم میدهند کار شرعی است؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

این یک عادت و رواج است که نوآوری شده و اصل و دلیل ندارد و باید منع شود.



## آتش بازی بالای جناز رهبان پیشین و حاملین آن

بزرگوار درباره تمبه تیلک امروز چیزی نگفتید من حیث یک عالم مردم در انتظار است یک رهنمائی اگر کنید کار خوب میشود از شریعت.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

عملکرد ملیشه های بیبندوبار و فیرنمودن آنها بالای جناز و اموات رهبان پیشین جهاد و مقاومت در مقابل انگلیس و مزدوران شان و حاملین آن گناه بزرگ و جرم و جریمه پنداشته می شود. این ملیشه ها باز ثابت کردند که همیشه آله دست بیگانگان



هستند و ضد مردم و ملت افغانستان عمل میکنند و به جان و مال مردم حرمت قائل نیستند.

وجود مسلحانه و غیر قانونی ملیشه های زبانی و سمتی به این پیمانہ بزرگ در پایتخت کشور سوال برانگیز است و مشروعیت و زارتهای داخله و دفاع و گارنیزیون را زیر سوال میبرد.. و مردم احساس میکنند که جنایات جنگی و وحشت و بربریت های دهہ های گذشته تکرار نشود .

اردو و پولیس ملی و وظیفه ایمانی و ملی دارند که ملیشه های سمتی و زبانی را نه تنها در تشکیلات خود جای ندهند بلکه وظیفه دارند آنها را غیر مسلح سازند که جان و مال مردم را به مخاطره نیندازند .. و تجارب تلخ زمانه حاکمیت کمونستها و ما بعد آنرا تکرار نشود .

کسانی که بر جنازه فیر کردند و حرمت زنده و مرده را پامال کردند باید محاکمه شوند. و شرعا مسؤل هستند .

این واقعه بخوبی روشن ساخت که ملیشه تشکیلات نظامی قومی و احزاب سمتی و زبانی نه تنها در مخالفت با رهنمودهای شریعت اسلامی و دین مبین اسلام قرار دارد بلکه سبب ایجاد فتنه می شوند در بین ملت ما.

عضویت داشتن سیاسی و نظامی در احزاب و تشکیلات به اساس زبان و سمت قطعا حرام است.

صبر و تحمل و بردباری مردم شریف و متدین و دلیر که جنازه ها را حمل میکردند و همراهان شان قابل تقدیر است که دست به سلاح نبردند و منتظر حل مسالمت آمیز شدند... و فتنه را دفن کردند... در حقیقت ضعف و کمزوری نبود بلکه از تعقل و حکمت کار گرفتن بود.



### حکم نقل اموات

یکی از دوستان سوال نموده که:

سوال داشتم اگر راهنمایی کنید خوشحال می شوم، یک انسان مسلمان دوازده سال در یک مقبره در یک منطقه دفن حالا از اونجا سرک عمومی میگذرد کار جریان دارد وارثان میت می خواهند در یکجای انتقال بته شیوه انتقال چی قسم است آیا کدام مراسم خاص دارد یا خیر؟ خداوند متعال به علم تان برکت بدهد.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

نقل دادن میت و مرده دفن شده از قبر فعلی به مقبره دومی در صورت ضرورت شرعی جواز دارد.

-بدون ضرورت شرعی قبر کشائی و نقل دادن مرده دفن شده جواز ندارد زیرا بی احترامی می شود، و حرمت مرده برابر به حرمت زنده ها است بلکه بیشتر است زیرا مرده از خود دفاع کرده نمی توانند.

-مثلا اگر در راه دفن شده باشد و اذیت شود، و یا جای سیلاب باشد، و یا خطر این باشد که دزدان استخوانهایش را نبرد، و ترس بی حرمتی اش باشد، و یا در زمین ملکیت کسی دفن شده باشد.. یا در بین غیر مسلمانان باشد.

-بهتر است که برایش تابوت ساخته شود و توسط اشخاص ماهر و دیندار و امانت کار قبر باز شود و به آهستگی نقل داده شود و در فضای محترمانه دفن شود.

-تنها احتیاط و اهتمام و احترام میت لازم است که اذیت نشود این در نقل دادن شرط است.. و کدام مراسم خاص ندارد اگر کدام مولانا باشد بهتر که سرپرستی این کار را کند خوب می شود.. زیرا وجود عالم شرعی در چنین حالات بهتر است.



## د مري کورنۍ ته د تعزيت ورکولو لپاره د ميرمنو ورتلل مشروع او جايز دي

يو محترم دوست مو د سمنگان ولايت د ايک ولسوالۍ څخه دارنگه پوښتنه کړې ده:

استاد محترم د عزادارۍ او فاتحې په خاطر د ښځو تلل جواز لري يا خير، يو شمېر ښځې د نامحرمو گاونډيانو د جنازې لپاره ځي .. هغوی ته پيسې او جامې راوړي او ورکوي؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

شريعت مېرمنو ته اجازه ورکړي ده چې د مري اهل او کورنۍ ته تعزيت او تسليت او مري ته د دعاء لپاره د تعزيت مجلس ته او يا د ميت کورنۍ ته ورشي حتی ولو که اقارب او نژدې گاونډي يې هم نه وي، تنها با حجاب اوسېدل، زيات فرياد، ژړا او بې صبري نه کول شرط دي.

مري ته د مغفرت دعاء څخه علاوه دې د مري کورنۍ ته تسليت ورکړي او دې ته دې يې وهڅوي چې بې صبري ونکړي او قضاء او قدر ته تسليم شي.

اما د پیسو او لباس اخستل او د اسقاط په لاس راوړل جواز نه لري او بدعت شمېرل کېږي.



### آیا وجود چهل نفر برای نماز جنازه شرط است

یکی از دوستان محترم از شهر کابل چنین سوال نموده:

آیا در نماز جنازه دلیلی وجود دارد قسمی که شنیدم میگویند که حد اقل ۴۰ نفر در نماز جنازه شامل باشند؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

این نظریه درست نیست، تنها یک برداشت غیر صحیح است از حدیث صحیح که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده: "ما من میت تصلي عليه امة من المسلمين يبلغون مائة كلهم يشفعون له إلا شفّعوا فيه"<sup>۱</sup> ودر روایت دومی چنین ذکر شده "ما من رجل مسلم يموت، فيقوم على جنازته أربعون رجلاً لا يشركون بالله شيئاً إلا شفّعهم الله فيه"<sup>۲</sup> مسلمان که بمیرد صد نفر مسلمان جنازه اش را بخواند

<sup>۱</sup> صحیح مسلم، کتاب الجنائز، باب من صلی علیه مائة شفّعوا فيه، رقم الحدیث: (۹۴۷)، (ج ۲، ص ۶۵۴).

<sup>۲</sup> صحیح مسلم، کتاب الجنائز، باب من صلی علیه أربعون شفّعوا فيه، رقم الحدیث: (۹۴۸)، (ج ۲، ص ۶۵۵).

وبرایش دعای مغفرت کنند وشفاعت نمایند الله متعال او را می بخشد وشفاعت بندگان موحد خود را که در روایت اول صد ودر روایت دوم چهل نفر آمده قبول میکند در حق میت.. ودر جنازه تعداد نمازکزاران هرچه بیشتر باشد به همان اندازه ثواب بیشتر دارد.

اما نماز جنازه به حضور چهل نفر مربوط نمی شود ودر چهار نفر، وهفت نفر هم جنازه خوانده می شود.



### گریه و نالان شیوه ثواب رسانی نیست

یکی از خواهران از کابل سوال نموده :

استاد محترم مادرم قبل از سه ماه وفات نمود وحالا دلم طاقت نمی کند هر روز گریه میکنم ..مرا رهنمائی کنید که تسلی ام شود ..اطفالم هم خسته می شوند چی کنم که از حالت بر آیم ؟

الحمد لله وحده والصلاة والسلام على رسول الله أما بعد:

مسلمان باید به قضاء وقدر ایمان داشته باشد وبی صبری منافی این امر است، گریه ونالان نشانه از بی صبری است.. بهترین گزینه برای ثواب رسانی به والده - رحمها الله- استغفار است که در قرآن کریم ثابت است: "ربنا اغفر لنا ولإخواننا الذين سبقونا

بالإيمان<sup>۱</sup> بروردگارا ببخش گناهان ما را و برادران و خواهران ما را که با ایمان از این دنیا رفتند.

و نیز فرموده است: " استغفر لذنبك وللمؤمنين والمؤمنات"<sup>۲</sup> طلب مغفرت بکن از الله متعال بخاطر عفو گناهان خود و مؤمنان مرد و زن.

و آیه مبارکه دیگری به صراحت امر می نماید که مسلمان برای خود و برای والدین خود یعنی پدر و مادر و برای همه مؤمنان و مسلمانان مغفرت بخواهد که در روز قیامت الله متعال همه را مورد عفو و بخشش قرار دهد: " ربنا اغفر لي ولوالدي وللمؤمنين يوم يقوم الحساب"<sup>۳</sup>.

و همچنان فرموده است که مسلمان این دعاء را بخواند برای مغفرت مسلمانان زنده و مرده " رب اغفر لي ولوالدي وللمؤمنين والمؤمنات"<sup>۴</sup> بروردگارا ببخش و مغفرت کن من را و برای والدین یعنی پدر و مادر من و کسی که از جمله مسلمانان و مؤمنان در خانه من داخل شده است.

۱- سورة الحشر: ۱۰.

۲- سورة محمد: ۱۹.

۳- سورة إبراهيم: ۴۱.

۴- سورة نوح: ۲۸.

دعاء وطلب مغفرت بسیار گزینه خوب و آسان است برای ثواب رسانی به مرده و میت مسلمان.. همچنان صدقه جاریه ووقف کردن و صدقه عینی و نقدی و عادی، وحج کردن و عمره نمودن ثوابش به مرده مسلمان میرسد.

تنها بخشیدن ثواب نماز و تلاوت قرآن کریم برای مرده ثابت نیست و دلیل صحیح ندارد.

اما گریه و نالان و پاره کردن کالا و یخن و بی صبری کردن بیش از حد از اعمال و کردار جاهلیت قبل از اسلام است.



### وظیفه رفتن در حالت عده

یک خواهر هموطن ما از جرمنی سوال نموده:

استاد محترم در جرمنی میباشم، شوهرم به اثر مریضی وفات نمود، اولاد دارهستم و در دفتر مرکز اسلامی و مسجد " The Islamic Center" کار میکنم و مسؤولیت روابط عامه را دارم که تلفون را جواب بدهم آیا می توانم که در مدت عدت به وظیفه ام بروم به رهنمائی عاجل شما ضرورت است ؟



الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، اما بعد:

درین شکی نیست که مرگ ووفات ومردن حق است ، وبعد از وفات شوهر بعض احکام شرعی است که باید خانمها آنرا مراعات کنند از جمله آن عدت گرفتن خانمها بخاطر اظهار غمگین بودن از دست رفتن نعمت نکاح وشوهر وشریک زندگی..وعدت وفات چهار ماهه روز میباشد بر خانمهای که حامله نباشند و خانمهای حامله عدت شان همانا ولادت طفل شان است..از جمله آداب را که شریعت در نظر گرفته که باید خانمها در عدت وفات شوهر بر آن پایبند باشند:

۱- بقا و بودن در منزل و خانه شوهرش درین مدت واگر بخاطر خریدن ضروریات، تداوی، کار ووظیفه ویا دیدن خانواده وفامیل پدری خود میرود باید در روز ورود ودر شب بر گردد ودر جای دیگری شب نماند..وبودنش در منزل که شوهر وفات شده اش شرط است..مگر اینکه خانه کرائی باشد ودرین مدت مالک خانه جواب دهد درین صورت می تواند در خانه کرایه جدید ویا خانه پدرش برود..ونیز اگر مورد آزار واذیت اهل واقارب شوهرش قرار میگیرد درین صورت نیز می تواند خانه را به مقصد خانه پدر وبرادرش ترک کند.

۲- لباس عادی بپوشد واز پوشیدن کالای زینت بخش وآرایش وعطر زدن، سرمه کشیدن، خینه کردن، پوشیدن زیورات طلا

نقره، الماس، وغیره مسائل که دیگران را ملتفت و متوجه میسازد خود داری کند زیرا رسول الله صلی الله علیه وسلم منع کرده است ازین امور .

۳- قبول نکردن خواستگار مرد زیرا بر مردها حرام است که خانم که شوهرش وفات شده واو در مدت عدت است آنرا خواستگاری کند و باید احساساتش را درین حالت مراعات کند زیرا عدت از حقوق شوهر وفات شده است باید پامال نشود لیکن می تواند که تنها بصورت غیر مستقیم کاری کند که دلالت بر خواستگاری باشد.. که در شریعت آنرا کنایه می نامند..مثلا برایش احوال دهد می خواهم باقی زندگی تان را با ما بگذرانی ویا در مرحله بعدی ما می خواهیم خدمتگار تان باشیم.

وبعض امور وکارهای دیگری که مردم آنرا حرام میدانند.. در حال که جائز و مباح میباشد :

پوشیدن کالا ولباس سیاه که در شریعت نیست واو را ملزم نکرده ومجبور نیست که لباس سیاه بپوشد، ویا اینکه خانه را جاروب نکند، وصابون وشامپو استعمال نکند، غسل نکند، صحبت تلفونی نداشته باشد، به مهتاب نبیند، ونمک .مرچ ومساله جات را لمس نکند، در آئینه نبیند، این چیزهای است که همه مباح است وشریعت منع نکرده.

برای خانمهای که در عدت قرار دارند بهتر است که از کار ووظیفه رخصتی داشته باشند اگر ممکن باشد. و اگر ممکن نباشد به کار ووظیفه ودرس بروند لیکن شب را در خارج خانه نگذرانند.. و می توانند بخاطر تداوی وخریدن ضرورتهای خانه هم به بازار بروند.

اما برایشان جواز ندارد که بخاطر سیر وسیاحت وچگر زدن از خانه بیرون شوند زیرا سیر وسیاحت ضرورت شرعی شمرده نمی شود.



### لقب شهید به کیها داده می شود؟

آیا کسی که غرق در انحرافات وبدعات وشرکیات باشد شهید شمرده می شود؟ آیا کسی که مردم را به بندگی خود وپیر باده دعوت میداد شهید گفته می شود؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

بدون شک شهادت مقام والای است که نصیب بندگان راستین الله متعال می شود نه کسانی که غرق تا به گوش در انحرافات ومخالفت سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم غرق باشد.. هر کسی که در حالت جنگ با سنت بمیرد وبه وحدانیت الله متعال

عقیده نداشته باشد و متلبس به شرکيات باشد شهید شمرده نمی شود.

و این هم توضیحات در مورد لقب شهید: لقب شهید به کسانی داده می شوند که در راه الله متعال و میدانهای نبرد جان های شان فدا کرده باشند.

شهید کسی گفته می شود بخاطر سربلندی مسلمانان و بدست آوردن رضای الله متعال جان خود را از دست داده باشد این بلند ترین درجه شهادت است و شهید اصلی شمرده می شود. که فضائل و امتیازات و جوایز زیاد دارد از جمله:

شهادت درجه بسیار عالی و بلند است که الله متعال به کسانی عطاء می کند که واقعا مستحق آن باشند و آنها در حقیقت بهترین مسلمانان هستند که به این درجه انتخاب شدند: "وَلْيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ" <sup>۱</sup> تا اینکه الله متعال بداند کسانی را بشکل واقعی ایمان آوردند و از بین شان شهیدان را اختیار کند بعد از بررسی ایمان شان.

و رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح فضیلت شهادت را چنین بیان میکند: "لشَهِيدٍ عِنْدَ اللَّهِ سِتُّ خِصَالٍ: يَغْفِرُ لَهُ فِي أَوَّلِ دَفْعَةٍ، وَيُرَى مَقْعَدَهُ مِنَ الْجَنَّةِ، وَيُجَارُ مِنَ عَذَابِ الْقَبْرِ، وَيَأْمَنُ مِنَ

<sup>۱</sup> - سورة آل عمران: ۱۴۰.

الفزع الأكبر، ويوضع على رأسه تاج الوقار، الياقوتة منها خيرٌ من الدنيا وما فيها، ويُزوّج اثنتين وسبعين زوجةً من الحور العين، ويشفعُ في سبعين من أقاربه<sup>۱</sup> شهيد شش امتياز دارد که عبارت است از: گناهانش بخشیده می شود همین که مرمی می خورد تنها قرض می ماند، جایگاهش را در جنت می بیند، از عذاب قبر در امان می ماند ومستقیم به جنت میرود، از ترس و بیم و خوف روز قیامت در امان میماند، و بر سرش تاج زیبای از یاقوت گذاشته میشود که از دنیا وما فیها کرده هم بهتر است، و با هفتاد و دو زن حوران جنت ازدواج میکند، و نیز هفتاد نفر از اقارب و دوستان خود را شفاعت نموده به طرف جنت سوق میدهد.

- و نیز برای اینها هم الله متعال درجه شهادت نصیب فرموده و در احادیث صحیح ثابت است که عبارت اند از :

- کسی به اثر مریضی طاعون وفات کرده باشد.

- به اثر شکم دردی وفات کرده باشد.

- در آب غرق شده باشد.

- به اثر افتادن خانه و دیوار مرده باشد.

<sup>۱</sup> - سنن ابن ماجه، كتاب الجهاد، باب فضل الشهادة في سبيل الله، رقم الحديث: (۲۷۹۹)،

- به اثر سوختگی و حریق وفات نموده باشد.
  - خانم مسلمان حامله به اثر حملش که وفات شده باشد.
  - کسی که بالایش تجاوز شده باشد و هنگام دفاع کردن از نفس خود کشته شده باشد.
  - کسی از مال خود دفاع میکرده در مقابل دزدان و غاصبان و کشته شده.
  - فوت کردن خانمان بعد از ولادت به اثر دردهای نفاس نیز درجه شهید را دارد.
  - کسی که به مرض سل وفات می کند.
  - کسی که از بالای اسپ و یا مرکب افتیده باشد در هنگام رفتن و سیر و سفر.
  - و کسی که در حالت مظلومیت و به ظلم کشته شده باشد.
  - وفات نموده به اثر مریضی قولون نیز درجه شهادت دارد.
- اما درجه شهادت دادن به هرکس و شهید خطاب کردن جواز ندارد.. این مسئولیت است که مسلمان پرسیان می شود.. باید احتیاط نمود. و به شخص غیر مستحق و مبتدع لقب شهید دادن گناه است.



## خواندن اول و آخر سوره بقره در سر و پای میت

برادر محترم ما استاد عبد الناصر واحدی از ولایت تخار سوال

نموده:

درس قبرمیت اول سوره بقره و به طرف پای قبرمیت آخر سوره

بقره رامیخوانند این چه حکم دارد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

این عملکرد و فعل نامشروع و مخالف سنت در جنازه و تدفین نه

تنها برای مرده مسلمان ثواب نمی رساند بلکه کسانی آنرا انجام

میدهد مرتکب گناهی می شود که او را به طرف آتش دوزخ سوق

میدهد.





کتاب میراث



## محروم ساختن خانمها

یکی از خواهران خواهش نموده که حکم محروم ساختن زنان را از میراث بیان کنم از طریق این صفحه زیرا این مسأله عمومی شده .

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

محروم ساختن خانمها از میراث گناه بزرگ و کبیره است و از اعمال و عادات مردمان غیر مسلمان جاهلیت قبل از اسلام میباشد، الله متعال از این ظلم و حق تلفی تحذیر نموده و فرموده است: "وتأكلون التراث أكلا لما" <sup>۱</sup> میراث خود و دیگران با بدترین شیوه می خورید که در روز قیامت جوابگو میباشید .

در این مورد علماء، خطبای مساجد و دعوتگران مسئولیت دارند که مردم را از حکم شریعت آگاهی دهند و تحذیر نمایند که خانمان را از میراث محروم نسازند، زیرا که میراث از حقوقی است که الله متعال تقسیم نموده در قرآن کریم.



<sup>۱</sup> - سوره فجر: ۱۹.

مادرشان قبل از پدر کلان مادری وفات نموده آیا آنها میراث میبرند؟

خواهری از شهر کابل پرسیده که :

مادرشان قبل از پدر کلان مادری شان وفات نموده آیا آنها از

مال پدر کلان مادری خود میراث میبرند؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

در این حالت آنها میراث ندارند از پدر کلان مادری خود زیرا

که مادر شان قبل از پدر کلان مادری شان وفات نموده است.



میراث به سن و سال فرزندان تعلق ندارد

یکی از خواهران چنین سوال نموده:

میراث نظریه سن و سال به فرزند میرسد یاخیر؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

میراث به سن و سال فرزندان تعلق ندارد.. به ذکور دو تقسیم

وبه اناث یک تقسیم داده می شود، "للذکر مثل حظ الأنثیین" <sup>۱</sup>.

<sup>۱</sup> - سوره نساء: ۱۱.

## عاق کردن و محروم ساختن پسران از میراث

برادر محترم ما نقیب الله قادری از ولایت سمنگان چنین سوال نموده :

جناب استاد محترم پدری که پسر خود را عاق کند و نصیحت کند که بعد از مرگ من از میراث محروم است و به جنازه من شرکت نکند ، لطف نموده حکم آنرا از نظر شریعت توضیح دهید.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

شریعت اسلامی پدران را ملزم ساخته که در بین اولاد خود اعم از ذکور و اناث عدالت کند و هیچ یکی را از میراث محروم نسازد و این حق را ندارد و در صورت که چنین وصیت کند وصیتش قابل قبول نیست شرعا و مردود است زیرا وصیت که مخالف رهنمودهای شرعی باشد به آن عمل نمی شود..ولو نوشته باشد و شاهدان در وصیتنامه امضاء کرده باشند. . پسر مسلمان که در حقش وصیت عاق شدن و محروم شدن از میراث شده شرعا میراث دارد و وصیت پدرش قابل قبول نیست .. تنها اگر پسر مرتد شده باشد در این صورت بدون وصیت از میراث محروم است...و همچنان در جنازه پدرش شرکت کرده می تواند و هیچ مانع و حرج شرعی نیست.

بر پدران واجب است که در هبه و دادن مال بین اولاد خود عدالت کند، تنها اگر یکی از پسران مریض، فقیر ، قرضدار

و ضرورتمند بیشتر باشد می تواند برایش کمتر از سوم حصه مال وصیت کند بغیر از میراث، اما محروم ساختن اولاد مسلمان پسر باشد یا دختر از حق پدران نیست.. میراث را الله متعال از آسمان تقسیم کرده و فرموده است: "يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ" <sup>۱</sup> او تعالی وصیت نموده که برای پسر دو تقسیم و برای دختر یک تقسیم داده شود.



### میراث را الله تعالی از آسمانها تقسیم کرده است

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

۱- میراث حق مرد وزن است هر دو در میراث حقدار هستند.

۲- برای پسر دو تقسیم و برای دختر یک تقسیم داده می شود در شریعت ، الله متعال در قرآن کریم قرآن کریم فرموده است "للذکر مثل حظ الأنثیین" <sup>۲</sup> و نیز فرموده است: "للرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا" <sup>۳</sup> مردها وزنها در میراث اقارب ووالدین شریک

<sup>۱</sup> - سوره نساء: ۱۱.

<sup>۲</sup> - سوره نساء: ۱۱.

<sup>۳</sup> - سوره نساء: ۷.

هستند کم باشد یا زیاد و این حقدار بودن فرض آسمانی است که الله متعال آنرا تقسیم نموده و مشروع دانسته.

۳- محروم ساختن خواهران و طبقه اناث از میراث گناه کبیره و برزگ است که انسان را به طرف آتش دوزخ سوق میدهد و از حقوق عباد و بندگان است که قابل بخشش نیست مگر که خود صاحب حق ببخشد.

۴- محروم ساختن دختران و خواهران و طبقه اناث از میراث از عملکردهای جاهلیت قبل از اسلام است.. و مسلمان نباید بیروی آنها را بکند بلکه مطابق رهنمودهای شرعی عمل کند.

۵- میراث را به این شیوه عادلانه الله متعال خودش تقسیم نموده که نه قاضی و نه هم امام مسجد و نی هم ورثه در آن تغییر وارد کرده می تواند.

۶- در صورت که خواهران حق میراث شان را به برادران شان ببخشند و به هبه بدهند این کار خود شان است لیکن باید به جبر و اکراه صورت نگیرد.



## در کدام حالت نواسه ها میراث نمی داشته باشند

یکی از دوستان سوال نموده که :

پدرش در اثنای زندگی پدرکلانش فوت کرده، وکاکایش زنده بوده، آیا از میراث محروم شده؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، اما بعد:

درین صورت این شخص از میراث محروم شمرده می شود زیرا کاکایش او را حجب کرده، لیکن اگر کاکایش شفقت و ترحم کند و برایش به هر اندازه که بخواهد ازین مال میراث جدا کند و بدهد بعد از وفات پدر کلان بسیار اجر دارد.

در حل و فصل مسائل میراث باید به محکمه شرعی مراجعه شود، و تنها به فتاوا اکتفاء نشود.



## مال حرام را برای فرزندان به ارث گذاشته

دوستی محترمی سوال نموده که :

سلام جناب استاد! اگر شخصی مال که از راه حرام بدست آماده باشد برای فرزندان به ارث گذاشته باشد آن مال برای وارث حلال هست یا حرام؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

این نوع وقائع بعضا رخ می‌دهد و تصاحب این مال برای فرزندانش حرام است، و باید آن را برای فقیران و بیجا شده کان و راه های خیر مثل سرک سازی، آبادی راه، ترمیم و ساخت تشنابهای مسجد و غیره بدهند.

نه خود شان تصاحب کنند و نه در خریدن قرآن کریم و یا فرش مسجد و غیره راه های به عبادات تعلق را بدهند، زیرا مال حرام بود.



**آیا پدر میتواند تمام اموال خود را به نام یک پسر خود نوشته کند؟**

آیا پدر میتواند که در حیات خود تمام اموال و دارایی خوده فقط به نام یک پسر خود بکند؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

بر پدر فرض و واجب است که در بین اولادش عدالت کند و در تقسیم کردن و دادن مال بی عدالتی نکند و برای ذکور دو تقسیم و برای اناث یک تقسیم بدهد.. و اگر همه مال خود را برای یکی از پسران می‌دهد در این تصرف بی عدالتی می شود و باید رضایت همه اولاد را با خود داشته باشد.

رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح متفق علیه رهنمائی نموده: "اتقوا الله واعدلوا بین اولادکم" <sup>۱</sup> از الله متعال بترسید و در بین اولاد تان عدل کنید.. و برای پدر جواز ندارد که همه مال و دارائی خود را برای یکی از فرزندان بدهد و دیگران را محروم سازد... می شود که بالای با تقواتر و صالح تر و نیکوکار و امانت کار از بین اولادش اعتماد بیشتر داشته باشد در انجام کارها.



### اولاد و اقارب در حال زندگی و حیات پدر حق میراث خواستن را ندارند

یکی از خواهران چنین سوال نموده:

محترماً: خانم استم که از پدر یکی میباشم یعنی مادرم دو شوهر گرفته است، یک خانه از پدر برای مه مانده است، یک در بند حویلی را مادرم و پدرم شریکی خریده اند سی و شش سال پیش، و بین مادر و پدرم تقسم شده اند پنج سال پیش پدرم سهم خود را به من داد، حالا میخواهم که سهم خود را بگیرم پدرم نزد من است مادرم نزد برادر اندرم، هر دو مریض هستند حالا برارم شش یک مادرم را از من میخواهد من چی باید کنم مرا رهنمای کنید چی باید کنم که حق کسی تلف نشود؟

<sup>۱</sup> - صحیح البخاری، کتاب الهبة وفضلها والتحریر علیها، باب الإشهاد فی الهبة، شماره حدیث:



الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

ميراث همان مال و دارائی را می نامند که بعد از وفات شخص بجا مانده باشد، و در صورتیکه زنده و حیات باشد میراث نامیده نمی شود.

مادر شما اگر در قید نکاح پدر محترم تان باشد حق نفقه خواستن را دارد از مال شوهر خود و شوهرش مکلف است یک بخش از مال خود بخاطر مصرف خانمش تخصیص دهد، اما من حیث میراث خواسته نمی تواند، اما اگر طلاق شده باشد میراث هم ندارد.



### آیا مسلمان کولی شی چې د کافرو خپلوانو څخه میراث واخلي؟

د فیس بوکي صفحې له گرانو لوستونکو څخه یو ورو پوښتلي و چې:

زه له خو کلونو راهیسې په غربي ټولنه کې هستوگنه لرم؛ او اوس لږه موده کېږي چې مسلمان شوی یم او د لوی څښتن تعالی په بې ساري فضل سره مې د اسلام مبارک دین قبول کړی دی، خو ستونزه دا ده چې: زما اکثره خپلوان لا تر اوسه د نصرانیت (مسیحیت) د دین پیروان دی؛ نو له تاسې څخه زما پوښتنه داده:

که چپرې له دوی څخه یو تن مړ شي؛ نو آیا زه کولی شم چې څخه ورڅخه میراث واخلم او د هغوی له مال څخه برخمن شم؟

د پورتنۍ پوښتنې ځواب:

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

څه موده وړاندې د معاصرو فقهاو له لوري په اروپا کې یو علمي کنفرانس دایر شوی ؤ، په دې پرتینه غونډه کې چې گڼ شمېر فقهاوو پکې گډون درلود، په مختلفو موضوعاتو او مسائلو باندې خبرې اترې وشوې، چې یوه یې هم په اروپا کې د مسلمانانو ستونزې وې. د غونډې په ترڅ کې د یو لړ معاصره څېړنو او فتاواو (فتواگانو) په اړه غزېدلې خبرې هم وشوې، دې غونډې ته راغلو علماوو په خپلو څرگندونو کې داسې وویل: په دې اړه زموږ نظر دادی چې مسلمانان باید د نامسلمانه خلکو څخه میراث واخلي او دوی باید د میراث وړلو نه محروم او بې برخې ونه گڼل شي، په ځانگړې توگه کله چې دغو مسلمانانو ته د هغوی (غیر مسلمو خپلوانو) له لوري وصیت هم شوی وي.

موږ د هغو مسلمانانو لپاره چې کافر خپلوان ولري، (لکه خپلوان یې د اهل کتابو؛ یعنی د یهودو او یا هم نصاراوو څخه وي) د میراث اخستل روا او صحیح گڼو؛ او په دې اړه هغه مبارک حدیث چې امام بخاري او امام مسلم (رحمهما الله) روایت

کری دی، ستاسې مخې ته ږدو. نبي کریم - صلی الله علیه وسلم - فرمایي: "لَا يَرِثُ الْمُسْلِمُ الْكَافِرَ، وَلَا الْكَافِرُ الْمُسْلِمَ".

دا مبارک حدیث هېڅکله هم د یو بل مبارک حدیث سره کوم تعارض او کوم ټکر نه لري، کوم چې د کافرو څخه د میراث اخستلو په اړه روایت شوی دی، ځکه چې: هغه حدیث د حربي کافر څخه د مال د اخستلو په اړه دی.

دلته دې خبرې ته هم باید ستاسو پام وي چې: د اسلام په آواښلو کې حتی صحابه کرام هم د هغه خپلوانو څخه چې غیر مسلمانان ول د میراث مال د اخستلو څخه محروم ونه گرځول شول. امام ابو داؤد همدا خبره په خپل کتاب (سنن ابو داؤد) کې ذکر کړېده او ویلي یې دي چې: دا پورته نظر د یو لړ صحابه کرامو نظر دی؛ لکه: د حضرت معاذ بن جبل، معاویه بن ابي سفیان - رضي الله عنهما - او داسې نورو. دا خبره ابن ابي شیبه په خپل کتاب کې د عبدالله بن معقل څخه روایت کړی ده او هغه لیکلي دي چې: عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَعْقِلٍ، قَالَ: "مَا رَأَيْتَ قَضَاءً بَعْدَ قَضَاءِ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - أَحْسَنَ مِنْ قَضَاءٍ، قَضَى - بِهِ مُعَاوِيَةُ فِي أَهْلِ كِتَابٍ، قَالَ: نَرِيهِمْ وَلَا يَرِثُونَنَا، كَمَا يَحِلُّ لَنَا التَّكَاخُ فِيهِمْ، وَلَا يَحِلُّ لَهُمُ التَّكَاخُ فِيْنَا". ددې حدیث د سند په اړه باید ووايو چې: دا صحیح حدیث دی.

د عبدالله بن مَعْقِلْ خخه روايت شوي دي چې وې ويل: ما د رسول الله صلى الله عليه وسلم د اصحابو خخه، د هغې فيصلې خخه پرته بله غوره فيصله نه ده ليدلى چې، حضرت معاويه رضي الله عنه د اهل كتابو په اړه ترسره كړې ده، او په هغې كې يې داسې ويلي و چې: مونږ به له دوى (اهل كتابو) خخه ميراث اخلو، خو دوى به زمونږ خخه ميراث نه اخلي، او همداراز مونږ به د هغوى (د دوى د لورگانو او مېرمنو سره) نكاح تر سره كوو؛ او دا كار زمونږ لپاره روا گرځول شوى دى؛ خو د دوى لپاره دا روا نده گرځول شوى چې دوى دى (زمونږ د مسلمانو مېرمنو او لورگانو سره) نكاح ترسره كړي.

له صحابه كرامو خخه پرته د يو لړ مشهورو تابعينو نظر هم همداسې دى چې: يو مسلمان كولى شي چې د غير مسلمو خپلوانو خخه ميراث واخلي او دا د مشهورو تابعينو؛ لكه: سعيد بن المُسَيَّب، محمد بن الحنفية، ابو جعفر الباقر، مسروق بن الأجدع او داسې نور نظر دى. له دې وروسته د يو لړ نورو علماوو نظر په دې اړه همداسې دى؛ لكه: شيخ الإسلام ابن تيمية، او د هغه مشهور شاگرد ابن القيم (رحمه الله) هم همدا نظر غوره كښلى دى؛ او په پاى كې دوى هم د عبدالله بن مَعْقِلْ هغه وينا د دليل په توگه سره وړاندې كړې ده، كوم چې لږ مخكې مونږ ورته لنډه اشاره وكړه.

## میراث خانمهای طلاق شده

یکی از خواهران سوال نموده :

شوهر خانم اول خود را پیش از وفاتش اگر طلاق داده باشد باز چی طور حق میرسد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

۱- در طلاق رجعی اگر خانم طلاق شده عدت را تکمیل نکرده باشد و شوهرش وفات کند از شوهرش میراث میبرد.

۲- در طلاق رجعی اگر عدت خود را تکمیل کند و شوهرش او را به زن و شوهری باز نگرداند طلاق رجعی به طلاق بائن مبدل میگردد و در این حالت اگر شوهر وفات کند در میراث او حق ندارد زیرا در وقت وفات شوهر در قید نکاح او نبوده.

۳- اگر طلاق بائن صورت گرفته باشد و در این حالت اگر شوهر وفات کند خانم در میراث او حق ندارد.

۴- اگر شوهر در مرض مرگ خود خانم خود را طلاق بائن دهد و هدف و قصدش این طلاق دادن محروم ساختن خانم از میراث باشد در این صورت راجح این است که خانم طلاق شده میراث میبرد زیرا شوهر هدف و نیت بد و خراب داشته از طلاق دادن و مخالف هدف و قصدش معامله میشود.

بعد از نکاح نامزادش در حادثه ترافیکی وفات نموده آیا میراث دارد؟

یکی از خواهران هموطن ما از شهر کابل سوال نموده:

یکسال پیش نامزاد شدیم نکاح ما هم صورت گرفت، اما نامزاد قبل از عروسی در نتیجه حادثه ترافیکی جان را بحق داد آیا از این شخص مهر و میراث دارم که اصلاً عروسی ما نشده تنها نامزادی و نکاح صورت گرفته؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

چونکه این خانم نکاح شده است و این شخص بعد از عقد نکاح شوهر شرعی اش پنداشه میشود ولو که عروسی هم نکرده اند، از شوهر وفات شده خود مهر کامل حق دارد مهرش بالای این شوهر قرض است قبل از همه مهر این خانم از مال شوهر وفات شده پرداخته شود.

واز اینکه اولاد ندارد این خانم چهارم حصه مال همین شوهر را نیز میراث میبرد بدلیل نص قرآن کریم که میراث خانمها را تقسیم کرده: "ولهن الربع مما ترکتم إن لم یکن لکم ولد"<sup>۱</sup>.

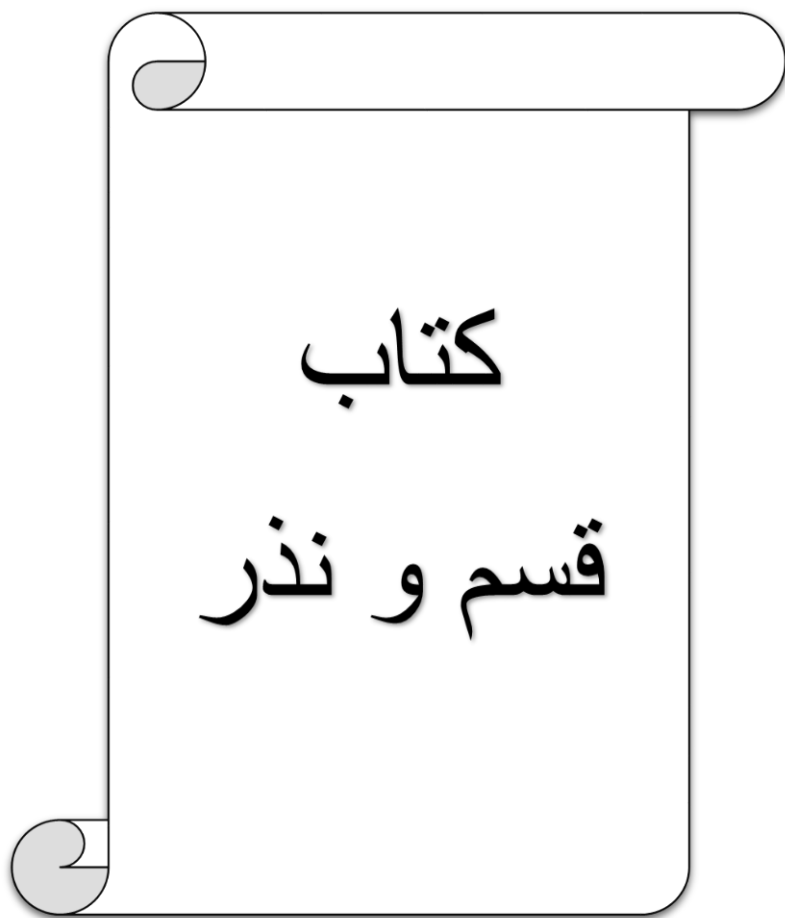
برای خانمها چهارم حصه مال میراث شوهر وفات شونده داده میشود در صورتیکه اولاد نداشته باشند.

<sup>۱</sup> - سورة النساء، آیت: ۱۲.

اما اگر این شخص بیشتر از یک خانم داشته باشد همین  
چهارم حصه مال بین آنها تقسیم میگردد در عدم وجود اولاد.

به همین شکل اگر زن نکاح شده قبل از عروسی وفات کند  
شوهرس چهارم حصه مالش را میراث میبرد اگر اولاد نداشته  
باشند.







## جزای قسم خور ناحق و دروغین آتش دوزخ است

یکی از هموطنان عزیز ما سوال نموده:

آیا قسم و سوگند ناحق و دروغین کفاره دارد یا نه همین مسأله را بیان کنید؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

قسم و سوگند دروغین که آنرا در فقه اسلامی ( اليمين الغموس ) می نامند در شریعت نه تنها حرام است بلکه یکی از گناهان کبیره نیز است، تنها کفاره و جبران کردنش توبه صادقانه و رسانیدن حق به حقدار است.

لیکن به هر اندازه که انسانها در نتیجه این سوگند ناحق و دروغین متضرر میشوند واز آثار ناحق آن زیان و خساره مادی و معنوی می بینند به همان اندازه گناهش نوشته میشود، رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح فرموده است: "من حلف على يمين يقطع بها مال امرئ مسلم، هو عليها فاجر، لقي الله وهو عليه غضبان"<sup>١</sup>.

<sup>١</sup> - صحيح البخاري، كتاب المساقاة، باب الخصومة في البئر والقضاء فيها، رقم الحديث:

(٢٣٥٦)، (ج٣، ص١١٠).

هنگامیکه در روز قیامت بخاطر دادن حساب نزد الله متعال می ایستد او تعالی بر این شخص قسم خور دروغین قهر میباشد، وما وشما میدانیم که کسی مورد قهر و غضب او تعالی قرار گیرد جایگاهش در در آتش دوزخ است و از رحمت او تعالی محروم می ماند.



### قسم خوردن به مخلوقات در مذهب حنفی شرک اصغر است

برادر محترم ما خان محمد همت از ولایت پروان چنین سوال

نموده:

حکم قسم خوردن به غیر از نام الله در مذهب امام اعظم چی

حکم دارد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح فرموده است که کسی که قسم می خورد.. به ذات الله متعال قسم کند و یا اینکه سکوت کند و قسم یاد نکند اصلاً: "من كان حالفاً فليحلف بالله أو ليصمت"<sup>۱</sup>.

<sup>۱</sup> - صحیح البخاری، باب: کیف یستحلف، رقم الحدیث: (۲۶۷۹)، (ج ۳، ص ۱۸۰).

و در حدیث صحیح که البانی آن را تصحیح کرده فرموده است  
: " من حلف بغير الله فقد أشرك " <sup>۱</sup> کسی بغير از الله متعال قسم کند  
مشرک می شود. و علماء آنرا شرک اصغر میدانند.

قسم به مخلوقات جواز ندارد تنها به ذات الله متعال واسماء  
وصفاته جواز دارد.



**آیا برای مالکان شرکتهای جایز است که کارمندان خود را سوگند دهند؟**

یکی از هموطنان عزیز ما از کابل سوال نموده:

در بعض شرکتهای مروج است که در آغاز اتفاق کاری، کارمندان  
خود را قسم و سوگند میدهند که کار و وظیفه شانرا بدرستی انجام  
بدهند، آیا آنها شرعا این حق را دارند؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

اولا: بر مسلمان لازم است که کارهای دنیایی، معاملات و خرید  
و فروش خود را توسط سوگند و قسم انجام ندهد، قسم دادن تنها

<sup>۱</sup> - سنن أبي داود، كتاب الأيمان والنذور، باب في كراهية الحلف بالآباء، رقم الحديث: (۳۲۵۱)،

(ج ۳، ص ۲۲۳).

در محکمه قضائی هنگامیکه مدعی علیه از حق منکر میشود مشروع است.

ثانیا: اگر کارمند شرکتهای صادق و امین باشد و وظیفه شانرا بدرستی انجام میدهند در این حالت نیز بهتر است که از قسم و سوگند دادن آن اجتناب شود.

ثالثا: در صورتیکه مالک و رئیس شرکت در اخلاص، امانتداری و صداقت و راستی کارمند و موظف شک کند و بعضی دلائل و قرائن وجود داشته باشد در این حالت می تواند که او را به الله متعال و قرآن کریم که کلامش است سوگند دهد که در انجام کار و وظیفه خود صادق و امین میباشد و اسرار کاری شرکت را به کسی دیگر افشاء نمی کند.



### آیا د تجارتی شرکتونو د مالکانو لپاره جایز دي چې خپلو کارمندانو ته قسم ورکړي؟

له کابلہ مو یوه گران هیوادوال پوښتنه کړې ده:

په ځینو شرکتونو کې دا مروه ده چې د کار په پیل کې خپلو کارمندانو ته قسم ورکوي چې خپل کار او دنده په سم ډول سرته ورسوي، آیا هغوی شرعا دا حق لري؟

## الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

اولا: پر مسلمان لازم دي چي دنياوي كارونه، معاملات او خرخول اخستل په قسم سره سرته ونه رسوي. .قسم وركول يوازې په قضائي محكمه كې په هغه وخت كې چي مدعي عليه له حق خخه منكرېږي؛ مشروع دى.

ثانيا: كه د شركت كارمند صادق او امين وي او خپله دنده په سمه توگه پر مخ وړي په دې حالت كې هم غوره دا ده چي له قسم او سوگند وركولو ډډه وشي.

ثالثا: په هغه صورت كې چي د شركت مالک او رئيس د كار مند په اخلاص، امانتداري، صداقت او ريبنتينولى كې شك وكړي او ځيني دلائل هم شتون ولري، په دې حالت كې كولاى شي چي په الله تعالى او قرآن كريم چي د الله سبحانه و تعالى كلام دى، قسم وركړي چي د خپل كار او دندې په سرته رسولو كې به صادق او امين وي او د شركت كاري رازونه به بل چاته نه افشاء كوي.



## ختم قرآن را نذر کرده ولی نتوانسته

دوستی سوال دارد که: من در مشکلی گیر مانده بودم و بالای خود نذر نمودم که اگر مشکلم حل شد قرآن کریم را ختم می کنم در یک شب و روز ولی این کار را نتوانستم، و حالا چی کنم؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، وبعد:

فقه‌های اسلام این نوع نذر را بنام (النذر المعلق بشرط) نامیده اند یعنی شرطی را که گذاشته اگر تحقق یابد و کارش انجام شود و مشککش حل گردد بالایش لازم است که به نذر خود وفا کند.

حالا این برادر نتوانسته که در یک شبانه روز قرآن کریم را ختم کند و ازین کار عاجز مانده و درین صورت بالایش کفاره قسم لازم شده نظر به قول راجح علماء، زیرا رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح که امام مسلم روایت کرده فرموده اند: "كفارة النذر، كفارة اليمين"<sup>۱</sup> کفاره نذر کفاره قسم است، که به این ترتیب است: ده مسکین را یک وقت نان بدهد و یا برای شان کالا و لباس بخرد، و اگر ممکن نبود یک غلام را آزاد کند - که فعلا وجود ندارد غلامی و بردگی - و اگر این کار هم میسر نباشد پس سه روز روزه بگیرد.

و یک ملاحظه بسیار مهم این است که نذر دو نوع است یکی نذر طاعت و نذر کردن به انجام کارهای مباح و این نذر لازمی است که در بالا

<sup>۱</sup> - أخرجه مسلم في صحيحه، شماره حدیث: (۱۶۴۵)، ج ۳، ص ۱۲۶۵.

شرح شد، و دوم نذر معصیت یعنی نذر کردن در انجام کاری که دران نافرمانی خداوند متعال و مخالفت شریعت باشد، انسان باید به این نذر وفا نکند، مثلاً اگر نذر کرده باشد که در شب برات شب پانزدهم ماه شعبان قرآن کریم ختم می کند به نیت عبادت درین شب، و یا نذری باشد که دران حق تلفی دیگران باشد، و یا اینکه خود نذر کننده به خطر مواجه شود درین صورت باید وفا نشود به این نوع نذرها، و باید در بدل آن کفاره قسم را بپردازد که در بالا به ترتیب شرح شد، رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح متفق علیه که بخاری و مسلم روایت کرده فرموده اند: "من نذر أن یطیع الله فلیطعه، ومن نذر أن یعصي الله فلا یعصه"<sup>۱</sup> اگر کسی نذر کرده باشد که الله متعال را طاعت کند و فرمانبرداری نماید پس بکند و این نذر را انجام دهد، و اگر نذر نافرمانی الله تعالی را بکند پس به این نذر عمل نکند، و بجای وفا به نذر مخالف شریعت کفاره قسم بدهد.

وصلی الله تعالی علی خیر خلقه محمد وعلی آله وصحبه أجمعین.



<sup>۱</sup> - أخرجه البخاري في صحيحه، كتاب الأيمان والنذور، باب النذر في الطاعة، رقم الحديث:

(٦٦٩٦)، (ج ٨، ص ١٤٢).

## قسم کردن بغير از الله متعال و اسماء و صفاتش جواز ندارد

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

رسول الله صلى الله عليه وسلم در حديث صحيح فرموده است که کسی که قسم می خورد به ذات الله متعال قسم کند و یا اینکه سکوت کند و قسم یاد نکند اصلاً: "من كان حالفاً فليحلف بالله أو ليصمت" <sup>۱</sup>.

و در حديث صحيح که آلبانی آن را تصحيح کرده فرموده است: "من حلف بغير الله فقد أشرك" <sup>۲</sup> کسی بغير الله متعال قسم کند مشرک می شود.



## قسم به مخلوقات جائز و روا نیست

یکی از علاقمندان مسائل دینی سوال نموده:

استاد آیا این جواز دارد که مردم نوشته می کنند: شما را به خون شهدای وطن قسم، آیا مرده های قبرستانی صدای انسان های زنده را می شنوند وقتی که میروند و برای شان دعا میکنند من از مولوی شنیدم که آنها می شنوند؟

۱ - أخرجه البخاري في صحيحه، شماره حديث: (۶۶۴۶)، ج ۸، ص ۱۳۲.

۲ - أخرجه أبو داود في سننه، شماره حديث: (۳۲۵۱)، ج ۳، ص ۲۲۳.



الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

در اصل مرده ها دعای زنده ها را و صدای آنها را نمی شنوند، نه در قرآن کریم ثابت است و نه هم در احادیث صحیح که مرده ها دعاء و صدای زنده ها را می شنوند، حتی ثابت نیست که رسول الله صلی الله علیه وسلم دعاء و صدای زنده های امت خود را می شنوند که از خصوصیات آنحضرت صلی الله علیه وسلم باشد، الله متعال در قرآن کریم فرموده است: "إِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَى" <sup>۱</sup> تو ای پیامبر نمی توانی مردگان را سخنی بشنوانی، نیز او تعالی فرموده است: "وَمَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَنْ فِي الْقُبُورِ" <sup>۲</sup> و تو شنونده نمی توانی کسانی را که در قبرها هستند یعنی مردگان را، پیامبر اسلام رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح فرموده است: "إِنَّ لِلَّهِ مَلَائِكَةَ سِيَاحِينَ فِي الْأَرْضِ يَبْلِغُونِي عَنْ أُمَّتِي السَّلَامَ" <sup>۳</sup>.

الله متعال فرشتگان گردش کنان در زمین قرار داده است تا سلام و درود مسلمانان را به من برسانند.

یعنی کسی که به رسول الله صلی الله علیه وسلم درود و سلام می فرستد آنها برایش می رسانند.

<sup>۱</sup> - سورة النمل، الآية: ۸۰.

<sup>۲</sup> - سورة فاطر، الآية: ۲۲.

<sup>۳</sup> - أخرجه الدارمي في سننه، شماره حدیث: (۲۸۱۶)، ج ۳، ص ۱۸۲۶.

در حدیث صحیح از علی بن الحسین ثابت است که مردی را میدید که نزد قبر رسول الله صلی الله علیه وسلم حاضر میشد و از سوراخی به قبر نزدیک شده دعاء میکرد که ایشان این مرد را منع نموده و فرمودند: "ألا أحدثکم حدیثا سمعته من أبي عن جدي عن رسول الله صلی الله علیه وسلم أنه قال: لا تتخذوا قبوري عيدا ولا بیوتکم قبورا، وصلوا علي فإن تسلیمکم یبلغني این کنتم"!<sup>۱</sup>

آیا برای تان حدیث را حکایت نکنم که از پدر و پدر کلانم شنیدم که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است: قبر مرا زیارتگاه نسازید و نیز خانه های تانرا مثل مثل قبرستان نگردانید و بر من درود بفرستید بدرستی درود و سلام شما به من میرسد در هر جا که باشید.

اما کسانی که برداشت شان این است که مردگان صدا و دعای زنده های که بر قبرستان میایند میشنوند از احادیث ضعیف و موضوع استدلال می کنند که قابل عمل نیست.

اما دعای مسلمان برای مغفرت مرده های مسلمان مفید واقع میشود و بهترین وسیله ثواب رسانی است.

<sup>۱</sup> - أخرجه البزار في مسنده، شماره حدیث: (۵۰۹)، ج ۲، ص ۱۴۷.

### گوسفندی نذری که چوپه داده با چوپه هایش نذر شود

استاد محترم اسلام علیکم یک برادر ما گوسفندی را نذر گرفته بوده چند مدت زمان تیرشده یک گوسفند چند تا شده حالاندرتنهاهمان گوسفند میشه و یا چوپه هایش راهم بدهد؟

گوسفندی که نذری بوده و قبل از ذبح شدن و تقسیم شدن چوپه ها داده با همه چوپه هایش باید نذر شود.

که چوپه داده با چوپه هایش نذر شود وهمه شان را باید باید تقسیم کند البته برای کلان شده چوپه هایش وقت بدهد، لیکن همه نذری است.



### رهنمائی شرعی در مورد كفاره قسم وجبران شکستاندن سوگند

یکی از علاقمندان مسائل دینی از ولایت بلخ در مورد كفاره سوال نموده.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

در صورتی که كفاره واجب شود یعنی به قسم و سوگند خود وفا نکند آنرا چنین جبران نماید:

ده مسکین را یک وقت نان دهد، ویا برای ده مسکین لباس بخرد، ویا یک غلام مسلمان را آزاد کند، و اگر ازین سه هیچ یکی میسر نشود سه روز روزه بگیرد.

شایان ذکر است که قسم کردن بغیر از الله متعال و اسماء و صفاتش جواز ندارد.

رسوالله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح فرموده است که کسی که قسم می خورد به ذات الله متعال قسم کند ویا اینکه سکوت کند و سوگند یاد نکند اصلاً: "من كان حالفاً فليحلف بالله أو ليصمت"<sup>١</sup>.

و در حدیث صحیح فرموده است: "من حلف بغیر الله فقد أشرك"<sup>٢</sup>.

کسی بغیر از الله متعال قسم کند به الله متعال شرک میاورد.

قسم به مخلوقات جواز ندارد تنها به ذات الله متعال و اسماء و صفاتش جواز دارد.

<sup>١</sup> - صحیح البخاری، باب: کیف یستحلف، رقم الحدیث: (٢٦٧٩)، (ج ٣، ص ١٨٠).

<sup>٢</sup> - سنن أبي داود، کتاب الأیمان والنذور، باب في كراهية الحلف بالآباء، رقم الحدیث: (٣٢٥١)، (ج ٣، ص ٢٢٣).

## بہتر مسلمان بہ عوض نذر کردن صدقہ دہد

استاد بزرگوار من نذر کردہ بودم کہ اگر مریض طفل ما جور شود بزغالہ می کشیم، حالا از شفاخانہ بر آمدہ وشوہرم گفت از شما شیخ صاحب پرسان کنم؟

ثواب صدقہ بیشتر است، ونذر کردن مشروع است لیکن مرغوب نیست.

رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم در حدیث صحیح فرمودہ است: "إن النذر لا يقدم شيئا ولا يؤخر، وإنما يستخرج بالنذر من البخيل"<sup>۱</sup>، نذر هیچ نفعی را جلب و هیچ ضرری را دفع نمی کند لیکن از بخیل چیزی گرفتہ می شود، وانسان بخیل مجبورا چیزی را بنام نذر میدہد.

بہتر واولی وافضل این است کہ مسلمان از نذر کردن اجتناب کند وبعوض نذر صدقہ دہد.

حالا شما بزغالہ نذری تان را ذبح کنید وبہ فقیران توزیع کنید، لیکن در آیندہ متوجہ باشید.



<sup>۱</sup> - صحیح البخاری، کتاب الأیمان والنذور، باب الوفاء بالنذر، رقم الحدیث: (۶۶۹۲)، (ج ۸)، ص (۱۴۱).

## قول دادن در انجام کارها و وعده سپردن به این شیوه سوگند پنداشته نمی شود

یکی از دوستان سوال نموده:

آیا قول دادنی که در بین مردم مروج و آنرا قسم و سوگند می پندارند کدام اساس شرعی دارد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

قول دادن در انجام کارها و وعده سپردن به این شیوه قسم و سوگند شرعی پنداشته نمی شود و این برداشت نادرست و مخالف شریعت است، زیرا قسم کردن بغیر از الله متعال و اسماء و صفاتش جواز ندارد رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح فرموده است: " من كان حالفاً فليحلف بالله أو ليصمت" <sup>۱</sup>.

کسی که قسم می خورد و سوگند یاد میکند به ذات الله متعال قسم کند و یا اینکه سکوت کند و قسم یاد نکند اصلاً.

نیز در حدیث صحیح که البانی آن تصحیح کرده فرموده است: "من حلف بغیر الله فقد أشرك" <sup>۲</sup>.

<sup>۱</sup> - صحیح البخاری، باب: کیف یستحلف، رقم الحدیث: (۲۶۷۹)، (ج ۳، ص ۱۸۰).

<sup>۲</sup> - سنن أبي داود، کتاب الأیمان والنذور، باب في كراهية الحلف بالأبواء، رقم الحدیث: (۳۲۵۱)، (ج ۳، ص ۲۲۳).

کسی بغیر از الله متعال قسم کند شرک آورده است.

قسم به مخلوقات جواز ندارد تنها به ذات الله متعال واسماء وصفاتش که قرآن کریم نیز کلام و یکی از صفات او تعالی است جواز دارد.



**آیا برایش جواز دارد که از گوشت گوسفند نذری خود بخورد؟**

یکی از خواهران از کابل چنین سوال نموده:

آیا برای انسان جواز دارد که از مال نذر کرده خود بخورد  
و برای فامیل خود بدهد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، اما بعد:

اگر نذر کننده نیت نذرش این باشد که خودش وفامیلش بخورد از آن در این حالت برایش جواز دارد که خودش وفامیلش و کسانی او مسئولیت نفقه شان را دارد از این نذر بخورند زیرا مطابق نیت شان عمل صورت میگیرد، رسول الله صلی الله علیه

وسلم در حدیث صحیح فرموده است: "إنما الأعمال بالنیات وإنما لكل امرئ ما نوى"<sup>۱</sup>، اعمال انسان مطابق نیتش حساب می شود.

اما اگر تنها نذر کرده و نیت خود را مشخص نساخته در این حالت این نذر حق فقراء و محتاجین است و برای خودش و فامیلش جواز ندارد که از آن استفاده کنند بلکه حق خالص فقراء است که باید برای شان توزیع شود.

شایان ذکر است که نذر عبادت مالی است باید وجوبا خالصا برای الله متعال باشد، و برای بنده و انسان مرده و زنده نذر کردن جواز ندارد، در عین حال صدقه نسبت به نذر بهتر است و ثوابش بیشتر است زیرا نذر کردن مشروع و جائز است لیکن مرغوب نیست و شریعت در نذر کردن تشویق نکرده، رسول الله صلی الله علیه و سلم در حدیث صحیح فرموده است: "لا تنذروا فإن النذر لا یرد من قدر الله شیئاً، وإنما یرد من البخیل"<sup>۲</sup> نذر نکنید زیرا نذر قضاء و قدر را تغییر داده نمی تواند بلکه چیزی است که از انسانهای بخیل کشیده می شود، وقتیکه در تنگنا قرار گرفت نذر میکند.

۱ - صحیح البخاری، باب بدء الوحي، کیف کان بدء الوحي إلى رسول الله صلی الله علیه و سلم؟، رقم الحدیث: (۱)، (ج ۱، ص ۶).

۲ - صحیح ابن حبان، کتاب النذور، ذکر العلة التي من أجلها زجر عن النذر، رقم الحدیث: (۴۳۷۶)، (ج ۱۰، ص ۲۲۰).



همچنان نذر تنها در کارهای مباح و در مسائلیکه طاعت الله متعال باشد روا است و در معصیت و گناه نذر نمی شود و جائز نیست و اگر کسی بخاطر گناه کردن نذر می کند باید به این نذر وفاء نکند، رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح فرموده است: "من نذر أن یطع الله فلیطعه، ومن نذر أن یعصیه فلا یعصه"<sup>۱</sup> کسیکه نذرش در امر طاعت و فرمانبرداری الله متعال باشد به نذر خود وفاء کند اما اگر در معصیت و گناه و انجام کارهای نامشروع نذر کرده باشد برایش جواز ندارد که آنرا بجا بیاورد.



### گوسفندی نذری که چوپه داده با چوپه هایش نذر شود

استاد محترم اسلام علیکم یک برادر ماگوسفندی راندر گرفته بوده چندمدت زمان تیر شده یک گوسفند چند تا شده حالاندرتنها همان گوسفند میشه ویاچوپه هایش راهم بدهد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

گوسفندی که نذری بوده و قبل از ذبح شدن و تقسیم شدن چوپه ها داده با همه چوپه هایش باید نذر شود.

<sup>۱</sup> - صحیح البخاری، کتاب الأیمان والنذور، باب النذر فی الطاعة، رقم الحدیث: (۶۶۹۶)، (ج ۸،

که چوچه داده با چوچه هایش نذر شود وهمه شان را باید باید تقسیم کند البته برای کلان شدن چوچه هایش وقت بدهد، لیکن همه نذری است.



**نذر کرده لیکن بنذرش وفا کرده نمی تواند شریعت چی حکم میکند؟**

یکی از خواهران چنین سوال نموده :

نذر کرده بودم که اگر از مریضی صحتیاب شوم یک گوسفند خیرات میکنم خاص بنام خدا، حالا پول گوسفند را ندارم شریعت چی حکم میکند؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

نذری که در طاعت الله متعال باشد در حکم مثل صدقه وروزه قضائی میباشد یعنی حیثیت قرض را دارد و باید وجوبا ولزوما وفا شود هر وقتیکه مسلمان توانائی آنرا داشته باشد، در تأخیر وفای آن که خارج از توان واراده انسان باشد گنهگار نمی شود.



## بهتر است که مسلمان به عوض نذر کردن صدقه دهد

استاد بزرگوار من نذر کرده بودم که اگر مریض طفل ما جور شود بزغاله می کشیم. حالا از شفاخانه بر آمده وشوهرم گفت از شما شیخ صاحب پرسیان کنم؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

ثواب صدقه بیشتر است، ونذر کردن مشروع است لیکن مرغوب نیست.

رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح فرموده است : «إن النذر لا يقدم شيئاً ولا يؤخر، وإنما يستخرج بالنذر من البخیل»<sup>۱</sup> نذر هیچ نفعی را جلب و هیچ ضرری را دفع نمی کند لیکن از بخیل چیزی گرفته می شود..وانسان بخیل مجبوراً چیزی را بنام نذر میدهد.

بهتر واولی وافضل این است که مسلمان از نذر کردن اجتناب کند وبعوض نذر صدقه دهد.

حالا شما بزغاله نذری تان را حلال کنید وبه فقیران توزیع کنید. لیکن در آینده متوجه باشید.

<sup>۱</sup> - صحیح البخاری، کتاب الأیمان والنذور، باب الوفاء بالنذر، شماره حدیث: (۶۶۹۲)، (ج ۸،

## کفاره و جبران سوگند و قسم

یکی از دوستان محترم از ولایت پنجشیر سوال نموده:

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.. امیدوارم سلامت باشید کسی دست خود را به قرآن کریم می گزارد و قسم یاد میکند که فلان را تکرار نمی کنم وقتی مرتکب گناه قلبی میشود جبران سوگندش چیست.. سوگند می خورد فلان گناه را نمی کنم؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله أما بعد:

کسی قسم کرده که بار دیگر مرتکب آن گناه و یا فلا کار نمی کند بعدا دوباره بعد از قسم خورد آن کار را انجام میدهد درین صورت کفاره واجب است کفاره و جبران سوگند و قسم در شریعت جنین است:

یک وقت نان دادن به ده مسکین، و یا لباس خریدن برای ده مسکین.. و یا آزاد سازی یک غلام مسلمان که در شرائط فعلی میسر نیست.. و اگر ازین سه هیچ یکی میسر نشود سه روز روزه پی در پی بگیرد.. این حکم را الله متعال در قرآن کریم بیان کرده است:

{لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا عَقَّدْتُمُ الْأَيْمَانَ فَكَفَّارَتُهُ إِطْعَامُ عَشْرَةِ مَسَاكِينَ مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعَمُونَ أَهْلِيكُمْ أَوْ كِسْوَتُهُمْ

أَوْ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ذَلِكَ كَفَّارَةُ أَيْمَانِكُمْ إِذَا حَلَفْتُمْ وَاحْفَظُوا أَيْمَانَكُمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ<sup>۱</sup>.



**بندرش وفا کرده نمی تواند شریعت چی حکم میکند ؟**

یکی از خواهران چنین سوال نموده :

نذر کرده بودم که اگر از مریضی صحتیاب شوم یک گوسفند خیرات میکنم خاص بنام خدا ..حالا پول گوسفند را ندارم شریعت چی حکم میکند؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

نذری که در طاعت الله متعال باشد در حکم مثل صدقه وروزه قضائی میباشد یعنی حیثیت قرض را دارد و باید وجوبا ولزوما وفا شود هر وقتیکه مسلمان توانائی آنرا داشته باشد، در تأخیر وفای آن که خارج از توان واراده انسان باشد گنہگار نمی شود.



## نذر کردن قضاء و قدر را تغییر نمیدهد

یکی از دوستان محترم و عزیز از شهر کابل سوال نموده که :

کسی یک مریض دارد و در شفاخانه بستر است وضع مریضش خیلی وخیم است در آن حالت نذر به گردن می گیرد یعنی می گوید اگر عملیات مریضم بخیر سپری شود یک مال را بنام خدا نذر می کنم و آن را کشته به فقرا تقسیم می نمایم و این موضوع در نگاه اسلام چی قسم است جواز دارد یا خیر؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

نذر کردن کردن قضاء و قدر را تغییر نمیدهد و بهتر است که بجای نذر برای فقیران و مسکینان صدقه داده شود.

در حدیث صحیح مسلم از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است: "لَا تَنْذِرُوا؛ فَإِنَّ النَّذْرَ لَا يُغْنِي مِنَ الْقَدَرِ شَيْئًا"<sup>۱</sup> نذر نکنید زیرا نذر کردن در قضاء و قدر تغییر نمی آورد.

<sup>۱</sup> - صحیح مسلم، کتاب النذر، باب النهي عن النذر وأنه لا يرد شيئاً، رقم الحديث: (۱۶۴۰)،

(ج ۳، ص ۱۲۶۱).

اما اگر بخاطر حصول وبدست آوردن امری نذر کرده باشد باید به آن وفا کند در صورت تحقق آن اما اگر تحقق نیابد او مکلف به وفا کردن هم نیست.

در چنین حالات بهتر است که برای مسکینان و فقیران صدقه داده شود که دعاء کنند برای شفا وصحت یابی مریضان، این کار اولی و افضل است، زیرا نذر کردن جواز دارد لیکن مرغوب نیست و بعض علماء آنر مکروه نیز دانسته.



### خوردن گوشت بره نذری زیارت روضه حرام است

یکی از دوستان از ولایت بلخ سوال نموده که :

استاد محترم السلام علیکم، یک سوال دارم یک نفر برای خادم یک زیارت یک بره تحفه آورده بوده و یک محصل از پیش آن نفر بره را اخذ نموده و گوشت آن را با دوستانش صرف نموده این عمل از نگاه شریعت چه قسم است، تشکر از معلومات تان.

یک نفر به اصطلاح خودش میخواست به ایشان های(سید های) روضه حضرت علی هدیه بدهد اما یک جوان از پیش او بره را اخذ نموده و یک مقدارش را صرف نمودند و یک مقدار دیگرش را میخواهند پخته کنند و بنده را نیز دعوت نمودند من خواستم حکم شریعت را در این مورد آگاه شوم.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

نذر کردن و ذبح کردن بنام زیارت و مخلوقات زنده و مرده حرام و شرک به الله متعال شمرده می شود که بزرگترین گناه است، الله متعال فرموده است: "قل إن صلاتي ونسكي ومحياي ومماتي لله رب العالمين لا شريك له وبذلك أمرت وأنا أول المسلمين" <sup>١</sup> بگو ای محمد که نماز و عبادت و قربانی و زندگی و مرگ من خاص برای الله متعال است و من به توحید و وحدانیت الله متعال امر شدم و اولین مسلمانان هستم، الله متعال کسانی را که به بنام مخلوقات ذبح میکنند لعنت کرده در حدیث صحیح: "لعن الله من ذبح لغير الله" <sup>٢</sup>.



<sup>١</sup> - سورة الأنعام، الآيتان: ١٦٢-١٦٣.

<sup>٢</sup> - صحیح مسلم، كتاب الأضاحي، باب تحريم الذبح لغير الله تعالى و لعن فاعله، رقم الحديث:

(١٩٧٨)، (ج ٣، ص ١٥٦٧).



# فهرست موضوعات

صفحه

عناوین

## کتاب عقیده

۱.....	مقدمه
۱۰.....	فایده توحید
۱۴.....	فایده توحید و یکتا پرستی الله متعال برای مسلمان چیست؟
۱۵.....	تعریف و مفهوم ایمان
۲۵.....	چگونگی وجود الله متعال بالای عرشش
۲۷.....	معنی و مفهوم معیت و همراه بودن الله متعال
۲۸.....	عقیده اهل سنت و جماعت در مورد معیت الله متعال با بندگانش
۳۳.....	الله کجاست؟
۳۵.....	عقائد و مسائل توحید قابل اجتهاد نیست
۳۶.....	حکم نوشتن اسم پیامبر در مقابل اسم الله متعال
۳۸.....	خدا گفتن مشکل شرعی ندارد
۴۱.....	یزدان در زبان کردی معنایش خالق است

- بزرگترین گناهان چیست؟ ..... ۴۲
- بعوض (بسم الله الرحمن الرحيم) ۷۸۶ نوشتن جایز و روا نیست ..... ۴۳
- اسماء و نامهای الله متعال توقیفی است و قیاسی نیست ..... ۴۴
- الله متعال چگونه در سوم حصه اخیر شب به آسمان دنیا پائین میشود؟ ۴۵
- قرآن کریم کلام الله متعال است و مخلوق نیست ..... ۴۷
- حکم خیرات کردن گوسفند در زیارتگاه ..... ۵۲
- حکم بند گرفتن از زیارتگاهها ..... ۵۳
- تعویذ توکل مسلمان را ضعیف میسازد ..... ۵۷
- حکم معتقد بودن به اینکه مرده زیارتگاه به انسان نفع میرساند ..... ۶۳
- آویزان کردن گردن بند طلایی که کلمه توحید و اسم الله را داشته باشد جواز ندارد ..... ۶۷
- از سوراخ زمین تیر کردن مریضان عمل ناجایز است ..... ۶۸
- شرح حدیث: سه چیز را باید انتخاب درست نمود زن، اسپ و خانه ..... ۷۴
- آیا کسی از غیب خبر دارد؟ ..... ۷۶
- همه چیز تقدیرش در قضا و قدر نوشته شده است ..... ۷۷
- حکم رفتن به مزار بخاطر میله سخی ..... ۸۱
- دیدگاه شریعت در مورد دکانها، دفاتر و مکانهای تعویذ نویسی ..... ۸۱

- ۸۴ ..... حکم آویزان کردن تعویذ به نیت شفاء و تداوی
- ۸۵ ..... دست پیر گرفتن مخالف شریعت است
- ۸۶ ..... سجاده نشینی پیرها یک شیوه انحرافی و مخالف شریعت است
- ۸۹ ..... عقیده داشتن به بسته شدن بخت
- ۹۵ ..... بسته شدن بخت انسان
- مهندسان و معمارانی که در ساخت زیارتگاهها نقش دارند گنهگار می شوند
- ۹۸ .....
- ۱۰۲ ..... تعویذ گرد نامه برای دریافت مفقودی
- ۱۰۵ ..... حکم بوسیدن دیوارها و فرشهای حرمین
- ۱۰۶ ..... حکم رفتن نزد فالبینان و کفشناسان
- ۱۰۹ ..... قصیده پختن بخاطر تداوی مریضان
- ۱۱۷ ..... نذر و ذبح برای غیر الله شرک است
- ۱۱۸ ..... کار کردن در نظافت و پاک کاری کلیسا حرام است و گناه دارد
- ۱۱۹ ..... توسل شرعی و توسل شرکی
- ۱۲۰ ..... عبادت و عمل صالح انسان با وجود شرک آوردن به او نفعی نمیرساند
- ۱۲۲ ..... از الله متعال چیزی خواستن بحق محمد صلی الله علیه وسلم
- ۱۲۵ ..... حکم سفر کردن به زیارتگاه به نیت شفا یابی

- ۱۲۷ ..... اعمال مخالف شریعت در روضه وهمی مزار بلخ
- ۱۲۹ ..... مسئله غیب گویی در شریعت اسلامی
- ۱۳۲ ..... خوشی و غم در پرش چشم انسان هیچ تعلق ندارد از نظر شریعت
- ۱۳۳ ..... این مقوله بی دینی والحدادی است که (هر کس پیر ندارد خدا ندارد).
- ۱۳۵ ..... حکم کمک خواستن از جن مسلمان بخاطر بی اثر ساختن جادو
- ۱۳۶ ..... شیوه ابطال و از بین بردن جادو
- ۱۳۸ ..... خانم مسلمان و متدین اما شوهر جادوگر
- ۱۳۹ ..... جادوگر کافر میباشد
- ۱۴۰ ..... عکس مقبره صالحین
- ۱۴۲ ..... علاج سحر و جادو از دیدگاه شریعت اسلامی
- ۱۴۵ ..... کسانی که توسط جادو بند شده اند چگونه معالجه می شوند؟
- ۱۴۸ ..... رو آوردن به جادوگر بخاطر حل مشکلات زندگی
- ۱۴۹ ..... در مذهب حنفی جزای جادوگر قتل است
- ۱۵۹ ..... بحرمت مرده حاجت خواستن از الله متعال جواز ندارد
- ۱۶۰ ..... جن میتواند در بدن انسان داخل شود و او را آزار و اذیت کند
- ۱۶۳ ..... ذبح نمودن در راه مریض و مسافر

- ۱۶۴ ..... شرکت کردن مسلمان در کرسمس
- ۱۶۶ ..... احتیاط کردن و بر حذر بودن در تعاملات روز مره منافی توکل نیست
- ۱۶۷ ..... حکم ذبح کردن گوسفند در آغاز کارخانه
- ۱۶۸ ..... عقیده داشتن به اینکه فلان شخص قدم نیک و یا قدم بد دارد
- ۱۷۰ ..... انسان نباید تنبلی خود را به قضاء و قدر نسبت دهد
- ۱۷۱ ..... پلان گذاری درست بخشی از ایمان به قضاء و قدر است
- ۱۷۲ ..... آیا جنیبات مسلمان وجود دارد که مسلمان با آنها همکار شود؟
- ۱۷۴ ..... نیکبختی در گرو انجام دادن بندگی الله متعال است
- ۱۷۵ ..... منکر سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم مسلمان نیست
- ۱۷۷ ..... محبت و دوستی رسول الله صلی الله علیه وسلم در پیروی سنت است
- ۱۷۹ ..... آیا رسول الله صلی الله علیه وسلم ختنه شده به دنیا آمده بود؟
- ۱۸۰ ..... برگزاری مولود نبوی صلی الله علیه وسلم در شریعت
- ۱۸۲ ..... ثواب عبادت روزه مسجد رسول الله صلی الله علیه وسلم
- ۱۸۳ ..... نام مقبره مدینه منوره (مقبره بقیع) است نه (جنت بقیع)
- ۱۸۳ ..... نباید در مدح و ستایش رسول الله صلی الله علیه وسلم افراط ورزید
- ۱۸۷ ..... اسراء و معراج

- ۹۹ اسمی که به رسول الله صلی الله علیه وسلم منسوب می شود..... ۱۸۸
- محافل و کنفرانسهای سیرت النبی صلی الله علیه وسلم ..... ۱۹۰
- وجود خانقاه در شریعت اساس و دلیل شرعی ندارد ..... ۱۹۷
- هوفیان شریف، مزار شریف و چشت شریف هیچ برتری از دیگر مناطق ندارد..... ۲۰۳
- دم خواندن بالای مریض، ضرورت به اجازه دم خوان ندارد ..... ۲۰۵
- اهمیت اهتمام نمودن به اذکار مسنون ..... ۲۰۸
- نمونه از مخالفت‌های شرعی که دمگران در آن واقع هستند..... ۲۱۰
- ذکر دسته جمعی به آواز بلند مشروع نیست..... ۲۱۴
- فلسفه نوشتن کرم الله وجهه به علی رضی الله عنه..... ۲۲۰
- تعامل با خرافات موسمی ..... ۲۲۱
- آب پاشی حویلی بعد از رفتن مسافر در شریعت اساس ندارد ..... ۲۲۵
- در شریعت تجلیل دینی بنام شب یلدا جایز و مشروع نیست ..... ۲۲۷
- حکم ساختن آدمک برفی ..... ۲۳۲
- حدیث (لولاک ما خلقت الأفلاک) باطل و دروغین است ..... ۲۳۳
- آیا در دین مبین اسلام بدعت حسنه وجود دارد؟..... ۲۳۴
- ایستاد شدن هنگام خوانش ترانه ملی مباح است، زیرا این عادت است..... ۲۳۸

- ۲۴۰ ..... تخصیص دادن شب برات برای تحفه نامزادی
- ۲۴۱ ..... خیرات دیگچه بی بی در ماه صفر نامشروع است
- ۲۴۲ ..... بدعت در دین چگونه و چیست؟
- ۲۴۴ ..... حکم اشتراک کردن در مجالس که شامل انحرافات باشد
- ۲۴۷ ..... دعاء تقدیر معلق را تغییر میدهد
- مفهوم حدیث: یک ساعت تفکر کردن از هفتاد سال عبادت برتری دارد
- ۲۵۵ .....
- ۲۵۸ ..... نقش کردن آیت الکرسی و کلمه توحید در گردن بند طلائی
- ۲۵۸ ..... در شریعت تجلیل شب یلدا جائز نیست
- ۲۶۱ ..... تاثیر سلبی چشم بد حقیقت انکار ناپذیر است
- ۲۶۳ ..... آیا به نیت ذکر ( یا الله ) یا ( الله ، الله ) گفتن ثواب دارد؟
- ۲۶۴ ..... حکم دم خواندن از مسافه دور
- ۲۶۵ ..... شب برات (شب پانزده شعبان)
- ۲۶۶ ..... نامهای خرافاتی باید به نامهای شرعی مبدل گردد
- ۲۶۹ ..... روشن کردن شمع در مراسم تعزیت
- ۲۷۰ ..... تخصیص دادن شب برات برای تحفه نامزادی
- ۲۷۱ ..... تخصیص دادن یک روز را بخاطر رفتن به سر قبرها

- رقص، آواز خوانی و ذکر های صوفیانه عبادت نیست ..... ۲۷۲
- از زیر قرآن کریم تیر شدن قبل از سفر ..... ۲۷۴
- اعتقاد به بخشیده شدن گناهان، هنگام شاه و عروس شدن ..... ۲۷۵
- اسپند دود کردن بدعت و ناجائز است ..... ۲۷۷
- در شریعت بنام درود مستغاث درودی ثابت نیست ..... ۲۷۸
- تجلیل از روز عاشقان در اسلام جواز ندارد ..... ۲۷۹
- حواله دادن تنبلی به قضاء و قدر ..... ۲۸۰
- این برداشت درست نیست در جای که نمک باشد جن را میراند ..... ۲۸۱
- استهزاء به آیات قرآنی، احادیث نبوی و شعائر دین اسلام ..... ۲۸۲
- حقیقت ازدواج یوسف و زلیخا ..... ۲۸۴
- مخالفت صریح قصیده برده با عقیده اهل سنت و جماعت ..... ۲۸۷
- تکفیر نمودن دانشمندان پیشین تمدن اسلامی ..... ۲۸۹
- هفت هیکل کتاب مأثور و مسنون نیست ..... ۲۹۷
- بیان حکمت الهی در اینکه از جمله زنان چرا پیامبران انتخاب نشده . ۳۰۲
- خضر علیه السلام پیامبر بوده است ..... ۳۰۶
- ذو القرنین پیامبر بوده است ..... ۳۰۹



- ۳۱۰ ..... نامه سرگشاده به آنانیکه بدون ضوابط شرعی تکفیر میکنند
- ۳۱۳ ..... کتاب دلائل الخیرات شوارق الأنوار کتاب معتمد نیست
- ۳۱۴ ..... حکم کسی که به حجاب اسلامی استهزاء می کند
- ۳۱۶ ..... اولین پیامبر و آخرین
- ۳۱۷ ..... ولی و دوست خداوند چه کسی است؟
- ۳۱۹ ..... عقیده آفریده شدن پیامبر صلی الله علیه وسلم از نور
- مسلمانان و مؤمنین همه شان اولیای الرحمن اند هر کس به اندازه ایمانش
- ۳۲۰ .....
- ۳۲۲ ..... حکم مریض روانی که دین را دشنام دهد
- روش و تعامل شریعت با شاعرانی که دواوین شان مشکلات عقیده ای دارند
- ۳۲۴ .....
- ۳۲۶ ..... ابراز نظر شرعی در مورد کتاب ( مثنوی معنوی )
- ۳۳۰ ..... توکل مسلمان به الله باید همراه با انجام اسباب مشروع باشد
- ۳۳۲ ..... قبولی عبادت مسلمان به دو شرط متوقف است
- ۳۳۴ ..... شرط قبولی عبادت در اخلاص و موافق بودن با سنت است
- ۳۳۵ ..... جهل و نادانی عذر است در شریعت
- ۳۳۶ ..... نیت در عبادات و محل آن

- ۳۳۷ ..... اعمال و عبادات زنده ها ثوابش به مرده میرسد و یا خیر؟
- ۳۳۹ ..... آیا مسلمان در عبادات خود نیت را تلفظ کند؟
- ۳۴۰ ..... حکم دم کردن مریض از طریق تلفون، وایبر و اسکایپ
- برای ملای دمگر جایز نیست که دست خود را در سر زنان نامحرم بگذارد
- ۳۴۲ .....
- ۳۴۳ .. در شریعت ثابت نیست که ثواب نماز کسی به کسی دیگر می رسد ..
- ۳۴۴ ..... خود کشی و انتحار
- ۳۴۵ ..... ملائکه روح انسان را قبض می کنند
- ۳۴۶ ..... دختران که بدون ازدواج شرعی از دنیا رفته باشند، چی حکم دارند؟
- ۳۴۸ ..... فرق بین خارج شدن روح از جسد در وقت وفات وهنگام خواب
- ۳۵۰ ..... آیا روح انسان بعد از وفات در قبر برایش باز گردانیده می شود؟
- ۳۵۲ ..... گناه آواز خوان بعد از مرگ
- ۳۵۵ ..... زمین در روز قیامت شاهد کارهای خیر وشر انسان میباشد
- ۳۵۶ ..... اعمال نیک و صالح سبب نجات انسان از عذاب قبر می باشد
- ۳۵۷ ..... در شریعت نمازی بنام نماز خلاصی ازعذاب قبر وجود ندارد
- ۳۵۸ ..... آیا براستی بیشتر اهل دوزخ را زنان تشکیل میدهد؟
- ۳۶۲ ..... تعصب زبانی و قومی مسلمان را به شرک و کفر می کشاند

- ۳۶۳ ..... حکم عضویت داشتن در احزابهای سکولر و بی دین
- ۳۶۹ ..... نعمتها و عذاب قبر اصلا در روح انسان واقع می شود
- ۳۷۰ ..... قبولی کشور غربی و آموختن زبان به قیمت دین مسلمان
- ۳۷۳ ... هندوهای که سوختانده میشوند چی قسم عذاب قبر را می بینند؟
- ۳۷۵ ..... شیوه مشروع ثواب رسانی به مرده
- ۳۷۶ ..... بخاطر پناهندگی خود را مسیحی معرفی کرده، آیا مرتد شده؟
- ۳۷۹ ..... در کدام حالت تشبه وهمنواایی به غیر مسلمان متحقق شود؟
- ۳۸۴ ..... دریافت کردن پول از کلیسا
- ۳۸۵ ..... کار کردن در سریالهای نصرانیت
- ۳۸۶ ..... اگر کسی به نیت و اعتقاد حصول ثواب به کلیسا می رود مرتد می شود
- ۳۸۷ ..... شرکت کردن مسلمان در کرسمس
- ۳۸۸ ..... موقف اهل سنت در مورد اختلافات واقع شده میان صحابه
- موقف اهل سنت و جماعت در مورد کسانی که مرتکب گناه کبیره می شوند
- ۳۹۰ .....
- ۳۹۲ ..... چگونه در عمر پیوسته دارنده صله رحمی فزونی داده می شود؟
- ۴۰۱ ..... لعنت گفتن به زمانه و دشنام دادن آن گناه دارد
- ۴۰۳ ..... عواقب ناگوار اهتمام نکردن به اذکار صبح و شام

کسانی که در دریا غرق می شوند، آیا نعیم ویا عذاب قبر را می بینند؟

۴۰۶ .....

آیا برای مسلمان جواز دارد که هنگام مشکلات ومصائب در دعای خود

مرگ را بطلبد؟ ..... ۴۰۷

ذکر دسته جمعی به آواز بلند مشروع نیست..... ۴۱۰

آفتاب و مهتاب از نشانه های الله متعال است..... ۴۱۱

رسم نمودن عورت انسان..... ۴۱۲

چرا تاریخ هجری نزد مسلمانان اهمیت خاص دارد؟..... ۴۱۳

کتاب ..... ۴۱۶

گروه گمراه بهائیت..... ۴۱۶

را هم بشناسید..... ۴۱۶

بهائیت..... ۴۱۶

را هم بشناسید..... ۴۱۶

کتاب ..... ۴۱۶

گروه گمراه بهائیت..... ۴۱۶

را هم بشناسید..... ۴۱۶

۴۱۷	..... مقدمه
۴۱۹	..... لزوم شناسائی مذهب فاسد و منحرف بهائی
۴۲۰	..... بهائیت
۴۲۰	..... اهداف تأسیس این مذهب
۴۲۱	..... تأسیس و برازنده ترین شخصیت های این حرکت
۴۲۱	..... انداز: مهمترین شخصیت های این حرکت پس از مؤسس و جانشین اش عبارت
۴۲۲	..... اصول بهائی ها
۴۲۳	..... اندیشه و اعتقادات
۴۲۷	..... مثال های از بی اعتنائی آنها در برابر قرآنکریم
۴۲۸	..... بعضی عبادت های بهائی ها
۴۲۸	..... قبله بهائی ها
۴۲۹	..... نماز بهائی ها
۴۲۹	..... وضوی بهائی ها
۴۲۹	..... روزه بهائی ها
۴۳۰	..... حج بهائی ها
۴۳۵	..... مأخذ بحث

## کتاب طهارت

- آداب قضای حاجت ..... ۴۳۹
- حکم ذکر نمودن در بیت الخلاء ..... ۴۴۵
- تشناب رفتن با موبایل‌های که برنامه قرآن کریم دارد ..... ۴۴۶
- غسل کردن مطابق رهنمودهای شرعی ..... ۴۴۷
- حکم رسانیدن آب به سوراخ‌های گوش ..... ۴۵۰
- غسل روز جمعه مستحب است ..... ۴۵۰
- عبادت و کارهای که در حالت جنابت ممنوع و حرام است؟ ..... ۴۵۱
- در خانه دوستش احتلام شده چطور کند؟ ..... ۴۵۲
- این برداشت درست نیست کسی که احتلام میشود مشکلات اخلاقی دارد ..... ۴۵۴
- شراب نوشی گناه کبیره و بزرگ است لیکن موجب غسل نمی شود... ۴۵۵
- سه بار شستن در غسل مستحب است ..... ۴۵۷
- با دندان پر شده غسل نمودن درست است ..... ۴۵۷
- در وضوء و غسل کشیدن دندان ساختگی لازم نیست ..... ۴۵۸
- قبل از پر کاری دندان وضوء داشتن شرط نیست ..... ۴۵۹

- ۴۶۰ هنگام وضوء وشستن دهن کشیدن دندانهای مصنوعی ضرور نیست .. ۴۶۰
- ۴۶۰ استفرغ در صورتی که دهن را پر کند وضوء را میشکند ..... ۴۶۰
- ۴۶۲ آیا دشنام دادن مسلمان و غیبت کردن وضوء را میشکند؟ ..... ۴۶۲
- ۴۶۳ دشنام دادن و غیبت از نواقض وضوء نیست ..... ۴۶۳
- ۴۶۴ آیا خوردن گوشت شتر وضوء را میشکند؟ ..... ۴۶۴
- ۴۶۷ آیا استعمال عطرهای الکحولی لباس را بی نماز می سازد؟ ..... ۴۶۷
- ۴۶۸ آیا خارج شدن خون از جسم وضوء را میشکند؟ ..... ۴۶۸
- اگر خون از بدن خارج شود و به کنول طبی سرایت کند وضوء میشکند؟  
۴۶۸ .....
- ۴۶۹ آیا مخدرات وضوء را باطل میسازد؟ ..... ۴۶۹
- ۴۷۰ وضوء کردن با چای ..... ۴۷۰
- ۴۷۰ تجدید وضوء با جاری شدن خون از بدن ..... ۴۷۰
- ۴۷۲ مسح نمودن گردن از سنتهای وضوء نیست ..... ۴۷۲
- ۴۷۳ مریض فلج چگونه وضوء کند؟ ..... ۴۷۳
- ۴۷۵ حکم مسح سر بالای چادر ..... ۴۷۵
- ۴۷۶ پاکی لباس و جای نماز از شروط قبولی و صحت نماز است ..... ۴۷۶
- ۴۷۷ بهتر است که همراه بوتها در مساجد فرش شده داخل نشویم ..... ۴۷۷

- ۴۷۸ ..... وضوء کردن با رنگ ناخن
- ۴۸۰ ..... آیا عذر ماهوار مانع داخل شدن خانمها به مسجد می شود؟
- آیا خانمهای که در عادت ماهوار هستند سجده تلاوت کرده می توانند؟
- ۴۸۱ .....
- ۴۸۲ ..... آیا آرایش وضوء را می شکنند؟
- ۴۸۵ ..... جنابت مانع تلاوت قرآن کریم می گردد
- ۴۸۶ ... آیا ادرار کردن بعد از جماع و قبل از غسل واجب و ضروری است؟
- ۴۸۷ ..... وضوء کردن با آب سرد در زمستان ثواب بیشتر ندارد
- ۴۸۸ ..... وضوء کردن با آب کلورین دار جائز و مشروع است
- ۴۸۹ ..... در درود گفتن طهارت شرط نیست
- ۴۹۰ ..... احکام مختصر نفاس خانمها در فقه حنفی
- ۴۹۴ ..... پر کردن دندان در روزهای حیض
- ۴۹۷ ..... حکم تیمم برای نو عروس
- ۴۹۸ ..... شیوه و طریقه شرعی تیمم کردن
- ۵۰۴ ..... احکام مسح کردن بر پانسمان و یا پلاستر طبی
- ۵۰۷ ..... مسح کردن بر جرابها در وقت وضوء و شروط شرعی آن
- ۵۰۹ ..... مسح بر جوراب



- آب متولد شده از بخاری حمام های عمومی لباس را بی نماز نمی سازد  
 ۵۱۰ .....
- آداب لباس شویی خانمها ..... ۵۱۱
- شراب اگر در لباس آلوده شود بدون شک لباس بی نماز می شود .... ۵۱۳
- طفل دو نیم ماهه اش سقط شده آیا نماز بخواند؟ ..... ۵۱۴
- حلقه درسی داخل مسجد است و خانم در حالت حیض، چی باید بکند؟  
 ۵۱۴ .....
- حکم تلاوت قرآن کریم از موبایلها بدون وضوء چیست؟ ..... ۵۱۶
- موبایل که در قرآن کریم تخزین است حکم مصحف را نمی گیرد .... ۵۱۷
- بعد از تکفین میت غسل کردن مستحب است ..... ۵۱۸

### کتاب جنائز

- رهنمائی شرعی در مورد اعلانات فوتی ..... ۵۲۵
- آیا شوهر و زن بعد وفات یکدیگر را غسل داده می تواند؟ ..... ۵۲۷
- جنازه خنثی مشکل ..... ۵۲۹
- شیوه و طریقه شرعی نقل دادن میت دفن شده از یکجا به جای دیگر ۵۲۹
- موقف شریعت در مورد جنازه خواندن و اعاده دفن اموات ..... ۵۳۱

- ۵۳۲ ..... شروط اشتراک خانمها در نماز جنازه
- ۵۳۶ ..... طریقه شرعی تکفین و دفن جنازه شهداء در روشنی مذهب حنفی
- ۵۳۸ ..... آیا خواندن نماز جنازه یک میت دو مرتبه جواز دارد ؟
- ۵۳۹ ..... نماز جنازه غائبانه
- ۵۴۰ ..... ادای نماز جنازه در داخل مسجد
- ۵۴۱ ..... خواندن نماز جنازه بدون خواندن سوره فاتحه درست است
- ۵۴۲ ..... آوردن کفن آلوده با آب زم زم کدام فضیلت و ثواب ندارد
- ۵۴۴ ..... آیا دفن کردن جنازه هنگام شب مکروه و یا حرام است ؟
- ۵۴۵ ..... آیا فاتحه خوانی و تعزیت دادن به شکل مروج فعلی اساس شرعی دارد ؟
- ۵۴۵ ..... خواندن سوره یس بالای مرده و یا مریض در حالت جان کندن در حدیث صحیح ثابت نیست
- ۵۴۸ ..... برای مسلمان جواز دارد که غیر مسلمانان را نیز تعزیت کند
- ۵۵۰ ..... خود کشی و انتحار
- ۵۵۲ ..... آیا برای مسلمان مقیم اروپا جایز است که از بیمه تدفین جنازه استفاده نماید ؟
- ۵۵۳ ..... رفتن خانمها برای تعزیت دادن خانواده میت
- ۵۵۴ ..... رفتن خانمها برای تعزیت دادن خانواده میت

- برگزاری مجلس تعزیت و فاتحه خوانی در مساجد که جای عبات و ذکر  
 ۵۵۵ ..... است جایز نیست
- اسقاط دادن بدعت است ..... ۵۵۹
- حیله اسقاط ..... ۵۶۲
- شیوه مشروع ثواب رسانی به مرده و میت قرار ذیل است ..... ۵۶۴
- غصب زمین میت در قالب اسقاط ..... ۵۶۵
- جنگال ملاهای کوتل خیرخانه در مورد اسقاط ..... ۵۶۶
- آیا ثواب نماز نفلی و تلاوت قرآن به مرده میرسد؟ ..... ۵۶۹
- آداب زیارت مقبره برای خانمها ..... ۵۷۱
- آداب واحکام زیارت مقبره مخصوص مردها و خانمها ..... ۵۷۳
- حکم کسی که در حالت عاشقی بمیرد ..... ۵۷۷
- حکم شهید گفتن کمونیستها ..... ۵۹۸
- حد و حدود شرعی که بنده در مورد روح معلومات داشته باشد ..... ۶۰۰
- خیراتهای جمعه گی و چهلم ..... ۶۰۴
- وصیت میت اگر مخالف شریعت باشد به آن عمل نشود ..... ۶۰۸
- پوشانیدن مرده ها و تابوتها با چادر و تکه کلمه دار ..... ۶۰۹
- وصیت میت که باید در فلان مقبره دفن شود ..... ۶۱۱

- ۶۱۲ ..... حکم کسی که در حال جنابت وفات شده باشد
- ۶۱۳ ..... چگونگی برخاستن انسان در روز قیامت
- ۶۱۶ ..... آداب تعزیت دادن به اهل و خانواده میت و مرده مسلمان
- ۶۲۰ ..... بنام شام حلوا در شب وفات مرده
- ۶۲۰ ..... آتش بازی بالای جناز رهبان پیشین و حاملین آن
- ۶۲۲ ..... حکم نقل اموات
- ۶۲۵ ..... آیا وجود چهل نفر برای نماز جنازه شرط است
- ۶۲۶ ..... گریه و نالان شیوه ثواب رسانی نیست
- ۶۲۸ ..... وظیفه رفتن در حالت عده
- ۶۳۱ ..... لقب شهید به کیها داده می شود؟
- ۶۳۵ ..... خواندن اول و آخر سوره بقره در سر و پای میت

### کتاب میراث

- ۶۳۷ ..... محروم ساختن خانمها
- ۶۳۸ ..... مادرشان قبل از پدر کلان مادری وفات نموده آیا آنها میراث میبرند؟
- ۶۳۸ ..... میراث به سن و سال فرزندان تعلق ندارد
- ۶۳۹ ..... عاق کردن و محروم ساختن پسران از میراث

- میراث را الله تعالی از آسمانها تقسیم کرده است ..... ۶۴۰
- در کدام حالت نواسه ها میراث نمی داشته باشند ..... ۶۴۲
- مال حرام را برای فرزندان به ارث گذاشته ..... ۶۴۲
- آیا پدر میتواند تمام اموال خود را به نام یک پسر خود نوشته کند؟ .. ۶۴۳
- اولاد واقارب در حال زندگی و حیات پدر حق میراث خواستن را ندارند ۶۴۴
- میراث خانمهای طلاق شده ..... ۶۴۹
- بعد از نکاح نامزادش در حادثه ترافیکی وفات نموده آیا میراث دارد؟ . ۶۵۰

### کتاب قسم و نذر

- جزای قسم خور ناحق و دروغین آتش دوزخ است ..... ۶۵۳
- قسم خوردن به مخلوقات در مذهب حنفی شرک اصغر است ..... ۶۵۴
- آیا برای مالکان شرکتهای جایز است که کارمندان خود را سوگند دهند؟
- ۶۵۵ .....
- ختم قرآن را نذر کرده ولی نتوانسته ..... ۶۵۸
- قسم کردن بغیر از الله متعال و اسماء و صفاتش جواز ندارد ..... ۶۶۰
- قسم به مخلوقات جائز و روا نیست ..... ۶۶۰
- گوسفندی نذری که چوپه داده با چوپه هایش نذر شود ..... ۶۶۳

- ۶۶۳ ..... رهنمائی شرعی در مورد کفاره قسم و جبران شکستادن سوگند
- ۶۶۵ ..... بهتر مسلمان به عوض نذر کردن صدقه دهد
- ۶۶۶ ..... قول دادن در انجام کارها و وعده سپردن به این شیوه سوگند پنداشته نمی شود
- ۶۶۷ ..... آیا برایش جواز دارد که از گوشت گوسفند نذری خود بخورد؟
- ۶۶۹ ..... گوسفندی نذری که چوپه داده با چوپه هایش نذر شود
- نذر کرده لیکن بنذرش وفا کرده نمی تواند شریعت چی حکم میکند؟
- ۶۷۰ .....
- ۶۷۱ ..... بهتر است که مسلمان به عوض نذر کردن صدقه دهد
- ۶۷۲ ..... کفاره و جبران سوگند و قسم
- ۶۷۳ ..... بنذرش وفا کرده نمی تواند شریعت چی حکم میکند؟
- ۶۷۴ ..... نذر کردن قضاء و قدر را تغییر نمیدهد
- ۶۷۵ ..... خوردن گوشت بره نذری زیارت روضه حرام است